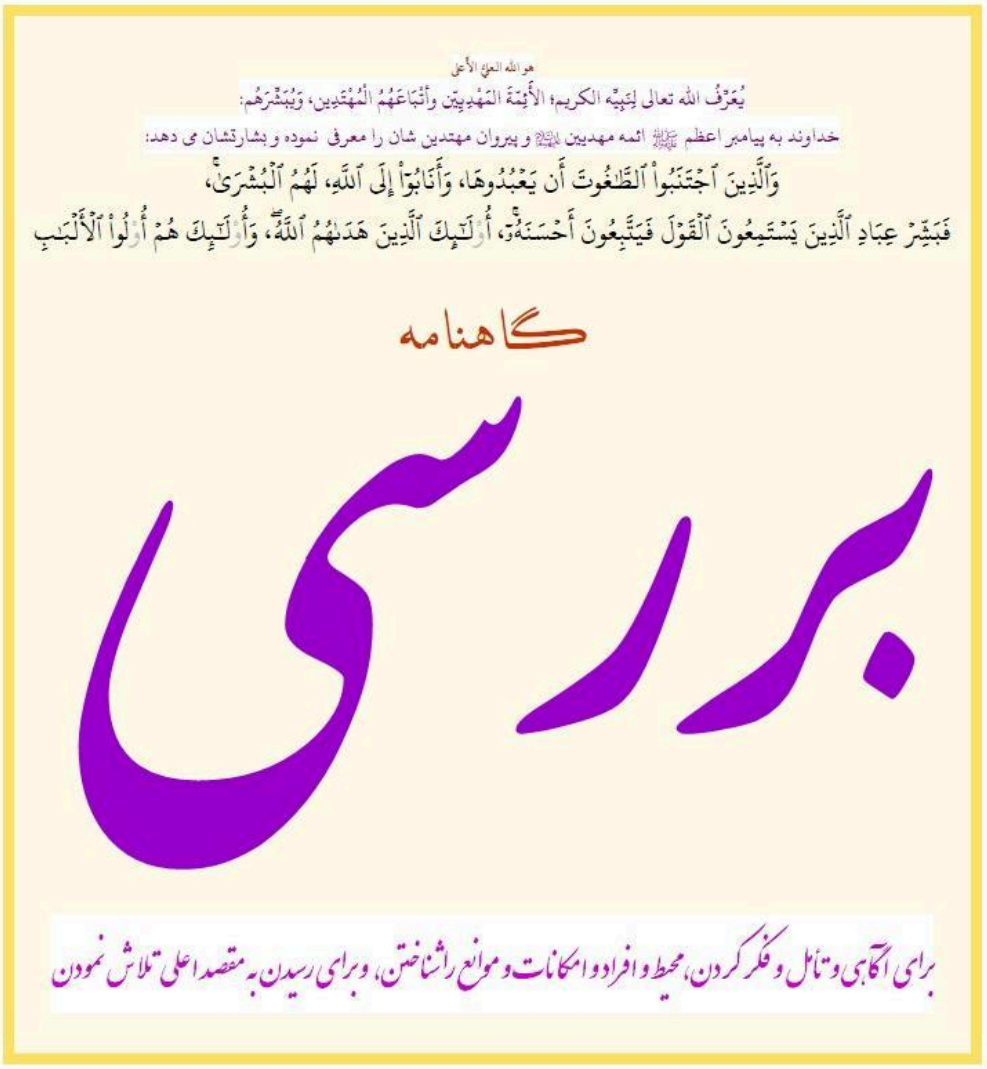


آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هـجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهي و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و باکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و امریکا) بدست می آمد و بطور شفاهي در جلسات همراهان تبادل مي کردید،
بعد از بیروزي انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوري اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمي افزون بر رسانه های عمومي هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد،
سبس با آمدن اینترنت و وسعت کستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخي از اهل مطالعه تبادل مطالعاتي انجام مي شد،
تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین
همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهي از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است،
و عدم محاصره خبري و تسلط جو رسانه ای توسط جرياني خاص؛ و اطلاع هرجه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبي یا حکومتي مي باشد.
همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخي گزارشها خصوصا از منابع غیر خودي و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافي بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.
فرستادن گزارشي علامت تأیید کلیات جه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست،
و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد،
فرصتي هم برای تصحیح یا بازنویسي متن آنها یا تعلیقه نویسي بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست،
ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انکیزه کافي جهت تلاش برامقصد اعلی است،
اکر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیکر ارسال نکنیم
و مطالب آنرا برای دیکری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعيها أذن واعية).

کسانی که این کزارشها را بررسي مي کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهي:
1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و بیروی و التزام به آن کنند.
2- توجه عمیق و با تمام وجود به درکاه و مسیر الهي بنمایند.
3- در بررسیها هرجه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در جهارجوب تعالیم مکتب وحي است بیروي کنند.

اکر مناسب دیدند مطلبي را در اختیار کسي بکذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده،
و مطلب را بدون انتساب به کسي یا شخصي یا مرکزی یا عنواني در اختیارش بکذارند؛

فلذا از بازارسال مستقیم ایمیلها خودداری کنند و حفاظت لازم را رعایت نمایند.

27 ربیع الآخر 1439

تفاوت حوزه و مرجعيت ديني و روحانيون فعال در عراق با مرجعيت و حوزه و روحانيون وابسته به حكومت ايران {بخش اول حوزه نجف} كزارشي از حوزه علميه نجف و تفكر و روش امروزين علماى مكتب نجف (نقدي ضمني بر نكرش حكومت ايران نسبت به حوزه ها و علماء و برنامه هاى ديني وابسته)



شهر نجف اشرف به مركزيت حرم امام على (ع)

مقدمه (بررسي):

نكته اول: علويان نام افراد و جرياني است كه حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله در زمان حيات خود آنرا نمايشكر حقيقت محمديت و صدق مسلماني و اسلام معرفي فرمود. در مقابل بن عمريان مي باشند كه متمثل در اتباع سقيفه و امويان و ناصبيان و عموم سنيان مي باشد. هرجند سنيان بجهات تولايي و تبعيت معنوي نسبت خود را به علويان نيز محكم مي نمايند.

نكته دوم: ازين رو جريان علويان امروزه در اطياف مختلف مسلمانان و حتى برخي غير مسلمانان طرفدار و مصداقيت دارد، كاني كه به ارزشها و شخصيتها و نمادهاي علوي بودن مؤمن هستند و ولايت آنها را دارند.

نكته سوم: همه مسلمانان از 12 امام؛ دو امام را به امامت قبول دارند.(امام اول و دوم) و مي شود دو امامي آنها را شمرد. هرجند بخش غالب عامه مسلمين و سنيان هم به اين امر معتقدند و در حد موالات اجمالي اهل بيت و حتى بسياري از ايشان با اعتقاد خاص به 12 امام به عنوان اهل بيت شناخته مي شوند، و اين بجز غالب سنيان است كه نسبت ارتباط معنوي عرفاني خود را به نحوي به اهل بيت عليهم السلام مي رسانند.

نكته جهارم: اما بخش خاص علويان آنها كه فراتر از احترام و ولايت و محبت و اعتقاد و التزام معنوي؛ در احكام و شريعت ظاهري و جزئيات اعتقادات ديني هم به حضرات عليهم السلام معتقدند. به **اماميه** نشاخته مي شوند، كه اصناف مختلفي هستند:

1- از (سه امامي) **كيسانيه** (كه برخلاف تصور غالب كه منقرض شده اند هنوز در بين الحرمين حجاز طوايفي از آنها وجود دارند كه ظاهرا به اسم تابعين نجف بوده يا تظاهر به مذب رسمي حكومت مي كنند.

2- و **زيديه** (جهارامامي) كه در نواحي يمن و عربستان و خليج حضور وافر دارند.

3- و از **اسماعيليه** (شش امامي) كه اصناف مختلفي دارند نزاريه آقاخانيه (مصر و ايران و هند و افرايقا) و محمديه (هند و سوريا) و داوووديه (هند و يمن و نجران).

4- و از **اثناعشريه** (12 امامي) مشتمل بر علويه نصيريه (شامات و ايران و عراق) و بكتاشيه (آناتولي و بالكان) و اتباع مرجعيت فقهي حوزه هاي عليميه عربستان و خليج و عراق و ايران و افغانستان و باكستان و هند. و بجز اينها برهي مكاتب فقهي متفاوت در عراق و لبنان و ايران، و فروع متعدد شيخيه تبريز و خراسان و كرمان و بصره، و اخباريه عربستان و خليج و عراق و ايران، همجنين صوفيان 12 امامي و دراويش شيعه از اروباي شرقي تا آسياي ميانه و هند و باكستان و ايران و عراق. و نيز اتباع تشيع سياسي حاكم در ايران و بيرواني كه در كشورهای مختلف جهان دارد همه از شمار علويان و بخش خاص و نوع 12 امامي محسوب مي شوند. دسته اى را كه فوقا به عنوان اتباع مرجعيت فقهي حوزه هاى علميه.... تا بيروان تشيع سياسي معرفي كرده ايم غالبا ادامه مدرسه فقهي شهيد ثاني كه خود فرع ديكري در مقابل مدرسه شهيد اول است و مجموعشان ادامه مكتب فكري مدرسه بغداد (متمثل در شيخ مفيد) بوده و همراه با فروع ديكري جزو انشعابات برخاسته از جريان فكري حاملان علوم ظاهري اصحاب ائمه عليهم السلام هستند.

5- دركنار ايشان بيروان اصحاب اسرار و علوم باطني و ابواب حضرات ائمه عليهم السلام مي باشند.

نكته بنجم: برخلاف اينكه حوزه هاي علميه و مراجع فقهي شيعه به لحاظ مشي علمي و تفكر

اجتماعي در نظر عامه مردم همه يك سنخ تلقي مي شوند ما بجز سه مكاتب خراسان و قم و اصفهان (در كذشته) جهار مكتب فقهي در عراق نيز بوده و هستند كه در كذشته به شهرهای مقدسه (نجف و كربلا و كاظمين و سامراء شناخته مي شدند. هر جند امروزه تنها نجف و كربلا از آنها فعال است. اين نكته برای توجه بيشتر به عنوان كزارش زير تحت عنوان مكتب نجف مي باشد.

نكته ششم: نويسنده مقاله زير (ابوالفضل فاتح) اكرجه تحت تاثير نكاه فكري وابسته به حاكميت ايراني است، اما برای مكاتب فكري ديكر در تشيع؛ مثل مكتب فعلي نجف و علما و زعامت آن نيز احترام قائل است و مثل نكاه حاكميتي در ايران نمي كويد هرجه غير ماست (مرك بر ....).

نكته هفتم: شناخت محتواي اين كزارش و مروري بر محتواي ن:

1- اين كزارش در شناخت احوال و افكار حوزه فعلي نجف مطالب مفيدي دارد.

2- اشتباهات كوجكي داشت كه اصلاح شد، و ابهاماتي كه با كلماتي توضيح در متن كرديد.

3- مطلبي هم در بخش ماقبل آخر داشت (كه به آخرين قسمت و انتهاي كزارش منتقل شد) كه نظر نويسنده درباره اشكالات مكتب نجف است، كه: غالب آنها وارد نبود، و بيشتر آنها در سبك و روش فعلي مكتب و حوزه و زعامت فعلي نجف تامين و لحاظ شده است، و بعضا هم جزو مشكلات قهري است كه بنظر تفكر فعلي نجف با عدم دخالت مستقيم زعامت توسط خود جامعه بيرايش و يا تامين مي شود، برخي موارد هم جزو اولويتهاي حوزه نجف نبوده و برحسب امكانات ورود مي كند نه به هر قيمتي، و برخي اشكالات هم اصلا بي ربط بوده مثل تعداد روزهای تحصيل رسمي را به معناي تعطيلي حوزه و علما و فضلا و طلاب در بقيه ايام سال توهم كرده است، و اين از بديهيات است كه حوزه بجز تحصيل مسؤوليتهای ديكر هم دارد، تحقيقات علمي و تبليغات ووو كه همه اين امور غالبا در ايام غير تحصيلي انجام مي شود، و اين ايام به اين امور مصروف مي كردد فلذا تعطيلي مصطلح كارمندي نيست.

4- بهترين دليل بر رجحان مشي حوزه نجف بر مشي ايراني و حكومتي ايران و نيز حوزه های تحت تسلط حكومت ايراني، وجهه امروز زعامت مكتب حكومتي ايراني و آخوندهای دولتي در جامعه، و اتلاف هزينه های ميلياردي برای مقابله با حوزه آزاد و تهي شدن و انحرافهای فكري شايع در حوزه هاي ايراني است كه بعضا تا حد مسخ شدن و يا مصرف حكومتي ووو تنزل يافته اند. و در مقابل موفقيتهاي بزرك تفكر نجف هم در جهات حوزوي هم كره كشاييهاي اجتماعي آن هم كشوري مثل عراق و اين 15 ساله برآشوب.

5- البته عليرغم تلاشهای حدودا صد ساله حكام ايران (جه در عهد بهلويها و جه در عهد اسلام سياسيها) برای تصرف و مسخ حوزه های علميه و به خدمت كرفتن علما و طلاب آن شده، كه در دوره هفتادساله اوليه آن جندان موفق نبوده اند و غالب حوزه با مقاومت مستقل و محفوظ بوده است، و در سي ساله اخير اكرجه حكومت موفق به تسلط و مسخ غالب حوزه هتا شده است، اما با همه اينها در همين دوره هم مراجع و علماي بزرك و فضلا و طلابي بوده و هستنند كه بيرون از تصرفات حكومتي مانده و خود را به وابستكي فكري و عملي حكومتي نيالوده اندن و بنحوي مشابه يا متفاوت از حوزه نجف به وظايف علمي و مسؤوليتهای ديني خود ادامه مي دهند. حفظهم الله و وفقهم و ايدهم بتاييداته.

مکتب نجف اشرف؛ نگاهی از بیرون

بسمه تعالی

یادآوری: متن پیش رو، مقدمه ای بر یک نوشته بلند و تجربه ای از چندین سفر به عتبات عالیات است که ان شاء الله به صورت مستقل منتشر خواهد شد. سیاق این نوشته نوعی «مطالعه موردی» است که برداشت ها ی نگارنده در قالبی روایت گونه ارایه می شود و ضرورتا در قالب نوشتارهای رسمی نمی گنجد. موضوع مطالعه، صرفا حوزه علمیه نجف اشرف است و لذا به حوزه های علمیه دیگر مخصوصا قم مقدسه که از دیگر ارکان حوزه علمی شیعی است پرداخته نشده است. چون مطلب از نگاه یک ناظر بیرونی نوشته شده ، ممکن است در مواردی با تلقی و واقعیت درونی همسانی نداشته باشد که امری طبیعی است و پیشاپیش اعلام می شود این متن برای هر نوع ویرایش و یا تصحیح باز است. مقاله پیش رو در سه بخش تنظیم شده است. در بخش نخست با مروری به تحولاتی تاریخی حوزه نجف اشرف و سنت ها و ضوابط این نهاد علمی وبا یادآوری گفته ها و بیان ناگفته هایی از این حوزه تحت زعامت حضرت آیت الله سیستانی، شاخصه های این حوزه به این شرح استخراج شده:

- ایمان و باور به معنویت گرایی در کسب توفیقات به ویژه زعامت و مرجعیت
- تقدم بعد نظری و تاکید بر فقه و اصول
- اعتدال در فتوا، تعادل در ممشا
- باور به ابتکار و نواوری علمی وحریت در اجتهاد در کنار تعلق به سنت و عقبه علمی خود و توجه به مکاتب دیگر و فقه مقارن
- رویه های مدنی و دموکراتیک در فرایند مدیریت نهاد علم (حوزه)
- شاگرد محوری با حفظ کرامت و شانیت استاد
- استحکام و نشاط علمی در عین مدارا و پذیرش تنوع آراء در حوزه و بیرون حوزه
- پایبندی به سنت های سلوک اجتماعی و شخصیتی از جمله ساده زیستی، ادب و آداب گفت و گو و تعایش با مردم و نخبگان
- نبود رقابت فردگرایانه و غیر اخلاقی به ویژه در سطح زعامت و مرجعیت
- نگاه به درون و تقدم حفظ حوزه
- منع فعالیت اجرایی و تصدی گری برای روحانیان
- ورود حداقلی و ثانویه به سیاست با محوریت ضرورت و مصلحت + دشوارسازی مداخله سیاست در حوره
- استقلال اقتصادی از دولت ها و قدرتها
- پرهیز از تحزب
- فراملیتی بودن
- هاضمه بزرگ و بزرگ اندیشی
- احترام به کرامت و حقوق انسان و عنصر اندیشه و آزادی
- برخورداری از تجربه زیست به عنوان اقلیت مظلوم که روح همدلی و نگاه به حقوق اقلیت ها را وسعت داده است
- حیات اجتماعی به مثابه یک نهاد مدنی در حد فاصل مردم و حکومت
- تسلط به زبان عربی به عنوان زبان فهم قرآن کریم و احادیث شریفه

در قسمت دوم آینده نجف اشرف مورد بحث قرار گرفته و یادآور شده حوزه نجف اشرف به دلایل ذیل به رغم طبیعی بودن مداخله در قدرت سیاسی پس از سقوط صدام، به شکل ارادی دکترین اسلام غیر متداخل یا با فاصله از قدرت سیاسی را برگزیده است:

حوزه نجف اشرف به رغم طبیعی بودن مداخله در قدرت سیاسی پس از سقوط صدام، دکترین اسلام غیر متداخل یا با فاصله از قدرت سیاسی را برگزید. دلایل این رویکرد عبارت بود از:

- دلایل فقهی و فکری مراجع نجف اشرف به ویژه زعیم آن حضرت آیت الله سیستانی و نگاه دولت مدنی

ایشان،

- ثقالت و سنگینی دکترین فقهی و سنت زعمای پیشین در دوری از مداخله سیاسی غیر ضرور (زعمای حال حاضر حوزه شاگردان مکتب زعمای پیشین و وفادار به آن هستند)
- تنوع ملیتی اکابر حوزه و گسترش خصلت جهان وطنی و
- کارکرد قوی نفوذ معنوی و منزلت برتر حوزه علمیه نجف با دوری از قدرت رسمی سیاسی و نبود اطمینان و تضمین که دخالت در قدرت سیاسی اثر مثبتی به بار می آورد بلکه ممکن است آثار منفی را هم بر حوزه نجف بار کند و بار مسئولیت یا پاسخ گویی ناکارآمدی ها و فساد را بر دوش حوزه بیندازد
- دلایل منفی تاریخی انباشته شده از تداول قدرت ها و سرکوب های شقاوت بار
- وضعیت قومی به ویژه وزن جمعیتی اهل تسنن عراق،
- وضعیت اشغال و آشوب های داخلی و دخالت بیگانگان و احتمال دامن زدن به منازعات مذهبی
- تجربیات مثبت و منفی همسایگان و دولت های مسلمان دیگر
- تجربه سال های پس از سقوط صدام که منافع دخالت غیر مستقیم در سیاست را برای روحانیت شیعه بر منافع دخالت مستقیم مرجح می سازد و حفظ فاصله از دولت را واجد منافع طرفینی می داند

و نهایتا گفته شده باید دید تفقه نجف و فهم آن از «ضرورنت و مصلحت» در دوران ازادی چه ارمغانی برای جهان اسلام به بار خواهد آورد.

فراز پایانی این گونه است: بی تردید این حوزه علمیه شیعی می داند که امتحانی بزرگ در پیش است و این گونه پایان می دهد: در یکی از دیدارها از حکیمی پرسیدم مهمترین شاخصه امروز نجف چیست؟ گفت: آزادی علمی و فردی و نفوذ معنوی و سیاسی، باز پرسیدم مهم ترین نگرانی برای نجف چیست؟ گفت: همین نفوذ و آزادی!

در قسمت آخر (مياني، نويسنده انتقادات يادغدغه هاي مطرح كرده كه غالبا بلامحل مي باشد) این قسمت مقاله به اسیب شناسی حوزه نجف اشرف در موارد زیر پرداخته شده است: آینده استقلال سیاسی و اقتصادی حوزه، ضرورت تبیین تئوریک و مستند کردن اندیشه ها ، تولیدات علمی و انتشارات حوزوی، نظریه پرداری و آشنایی با مبانی فکری و فلسفی جهان جدید، فقه سیاسی، فقه اجتماعی، پرسش های روز و فقه غرب نشینان، کمبود منابع مطالعاتی مذهبی برای شیعیان دور دست، ارتباط بین حوزوی، ارتباط بین مذهبی / بین دینی، ضعف معیارهای ورود به طلبگی، مراجع خودخوانده، مبلغین کم سواد، ضعف رسانه ای، تعطیلات حوزوی، شیوه مدرنیزاسیون حوزه، حسابرسی و پاسخگویی و نهایتا از فقدان دکترینی همه جانبه برای تشیع ابراز نگرانی شده و تاکید شده هنوز بسیاری از شیعیان در تنگناهای متعدد و بحران های کلان سیاسی نمی دانند موضع نجف چیست.



درس آيت الله آخوند خراساني در 110 سال قبل (تقرير عصر بالاي بشت بام مسجد هندي)

بسم الله الرحمن الرحیم

مکتب نجف؛ نگاهی از بیرون

حوزه نجف تاریخی کهن دارد و یکی از بنیادی ترین نهادهای تولید علم در جهان تشیع است. در طی چند سده ی گذشته، این نهاد به دلیل شرایط تاریخی توانسته است ساختار علمی، رویه ها و ویژگی های خاص خود را محفوظ نگه دارد. در یکی دو قرن اخیر که بسیاری از نهادهای علمی دینی و غیر دینی – چه دانشگاه های تراز اول جهان و چه کلیساها و حتی حوزه های علمیه ایران – در ارتباطی مستمر با تشکیل دولت های مدرن تحول بنیادی یافتند، شرایط به گونه دیگری برای حوزه ی نجف رقم خورد. شکل گیری حکومت های استبدادی در عراق که با کل مکتب تشیع و روحانیت شیعه در چالش یا ستیز بوده اند ، سبب شد تا حوزه به ویژه در دوران صدام ساحت خود را به شکل حداکثری از حوزه سیاست جدا کند و مگر در شرایط اجتناب ناپذیر، به تعامل بسیار حداقلی با دولت بپردازد. جدایی عمیق تنها بین دولت و حوزه نبود، بلکه جامعه شیعیان عراق نیز به دلیل ساختار سیاسی رژیم گذشته به طور کامل به حاشیه رفته بود و به تعبیر دیگر به نوعی عزلت ناخواسته همچون وضعیت مشابه خود در بسیاری دیگر از دوره های عراق قدیم دچار شد. چنین عزلتی مزایا و تهدیدهای خاص خود را داشت. در این حال پس از سقوط صدام شرایط به شکل اساسی دگرگون شد. ورود جامعه شیعیان عراق به حوزه ی سیاست در ابعاد وسیع، انفتاح حوزه ی علمیه به جهان بیرون از خود، و شدت گرفتن تنش های ژئوپلیتیک، حوزه را از عزلت ناخواسته تاریخی خارج ساخت.

حوزه نجف دوره های مختلفی از رکود نسبی را تجربه کرده است. گاه به دلیل درگذشت عالمی سترگ نظیر شیخ طوسی، جنبش علمی برای قرنها فرونشسته است. گاه به دلیل رونق گرفتن حوزه کهن و قدیمی تر کربلا در سنوات مختلف و یا با طلوع عالمی بزرگ نظیر ابن ادریس حلی ناقد مشهور آراء شیخ طوسی در قرن ششم هجری در حوزه حله تحت الشعاع قرار گرفته و گاه به دلیل سلطه عثمانی ها بر عراق و منازعه با صفویان که به معاهده ذهاب انجامید (قرن ۱۱ هجری) باب مهاجرت به این حوزه تنگ شده است. همزمان به دلیل گستره نفوذ جنبش اخباری گری تحت تاثیر آموزه های امین استرآبادی؛ دچار سکته ی اصولی شده و به همان نسبت تنزل یافته است. در عین حال این حوزه دوره های درخشانی از تولید و جنبش علمی را نیز تجربه کرده است. مخصوصا از قرن دهم هجری با طلوع شخصیتی احیاگر چون مقدس اردبیلی که نجف یک بار دیگر پس از شیخ طوسی سر برافراشت و با همه ی تنگناها که گفته شد با **شیخ انصاری** و چهره هایی چون **صاحب جواهر، آخوند خراسانی** و دیگر شخصیت های تاریخی... به جریان تولید علم خود ادامه داد و درخششی کم نظیر یافت و مرکزیت علمی خود را به اثبات رساند. اما در میان همه این فراز و فرودها ، شاید اغراق نباشد اگر بگوییم عنصر اصلی که امروز نجف را با گذشته آن متمایز می سازد، عنصر علمی آن نیست که این عنصر همواره البته با نوسان در آن موجودیت داشته بلکه نقطه تمایز امروز عنصر جدیدی به نام آزادی است.

حوزه نجف به دلایل ساختاری و تاریخی

از حوزه دولت در عراق دور بوده و هست و علاوه امروز دیگر اثری از دولت استبدادی که حوزه را محصور و محدود کنند نیست. این دو عامل در کنار سعه صدر و تدبیر مراجع و علما باعث شده است که حوزه نجف آزادی را به معنای جدیدی تجربه کند. این آزادی در کنار گسترش ارتباطات داخلی و بین المللی و ورود تکنولوژی های ارتباطی جدید، حوزه نجف را با فرصت های جدیدی روبرو ساخته است و امید می رود که در دهه های آتی ثمرات فراوانی را به دنبال داشته باشد و تحولی نوین را در عالم اندیشه اسلامی جهت پاسخگویی به نیازهای عصر جدید رقم بزنند. این آزادی و تحولات متوالی و چالش ها و فرصت های ناشی از آن، روزگار حاضر را به یکی از نقاط عطف تاریخی این حوزه مبدل ساخته است، به گونه ای که می توان گفت تاریخ حوزه ی نجف از بابتی از این پس به دو دوران قبل و بعد از سقوط صدام تقسیم می شود. اگر ریشه های اصلی مکتب نجف را در قرون متمادی تا قبل از سقوط صدام عینیت یافته بدانیم، در این دوران جدید بنیان ها، تاریخ و مشخصات جدیدی در این مکتب در حال تکوین است و در دورانی که ورود خود-آگاهانه و خود-مختارانه به عصر جدید می تواند بسیاری از تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و زمینه رشد و اعتلای این نهاد بی بدیل جهان تشیع را فراهم آورد و البته عدم توجه به این نقطه عطف تاریخی می تواند خسارت های فراوانی به دنبال داشته باشد.

حوزه علمیه نجف اشرف

در شعبان المعظم گذشته فرصتی برای زیارت مجدد از عتبات عالیات و دیدار با علمای کبار فراهم شد. اولین بار سال ۲۰۰۳ چند ماه پس از سقوط صدام توفیق زیارت یافته بودم و حالا پس از ۱۴ سال برای پنجمین بار بود که به این سعادت نائل می شدم. پس از زیارت، آنچه بیش از همه توجه مرا به خود جلب می کرد تغییرات ظاهری و توسعه و امثال آن نبود، چه اینکه که سالها جنگ داخلی و حجم تخریب های به جا مانده از ظهور و سقوط گروه های ضد اسلامی افراطی همچون داعش توقع زیادی را نیز از این باب بر نمی انگیخت. برای من مهم این بود که:

- **نجف ۱۴ سال پس از آزادی به کدام سو می رود؟**

حوزه علمیه نجف اشرف موفق شد زیر فشار و تهاجم سیاه ترین نوع استبداد خود را حفظ کند. با سقوط صدام و گشایش فضا، از در امتناع و استغنا وارد حوزه سیاست شد. در مواجهه با سرطان داعش استقامت ورزیده و در نهایت به عنوان یک عنصر دفاعی و راه گشا به صحنه آمد. توجه به این مولفه ها، پرسش هایی را به ذهن تداعی می کند از جمله اینکه:

- **راز استحکام، و ماندگاری این حوزه در جامعه چند پارچه عراق چیست و ناشی از کدام مولفه های درونی و بیرونی است؟**
- **چالش های پیش روی این حوزه کدام است؟**

برخی از نکاتی که در این مسافرت و در خلال دیدارها و گفتگوها با علمای نجف به نظر نگارنده اهمیت بیشتری داشت و پیش‌نیاز پاسخ به سئوالات فوق است در ادامه قلمی می‌کنم. مهم اینکه: من به عنوان یک ناظر غیر روحانی، می توانستم با حفظ فاصله، حوزه نجف را ببینم و بر این اساس، استنباط نگارنده ممکن است متفاوت ولی در مواردی قابل تامل باشد.

مکتب نجف در بستر تاریخ

بی چون و چرا مرکز نجف، مرقد مطهر **امام علی ابن ابی طالب (ع)** است. کوفه و نجف به نوعی برای شیعه مبداء تاریخ است. بخش عمده‌ای از سنت پیامبر (ص) و تفسیر مفاهیم اصلی و اولیه‌ی اسلام در قالب حکومت کوتاه اما جاودان امام علی (ع) همانجا روی داده و میراث اصلی اسلام و تشیع در بعد نظری و عملی است و در این حال هم **امام علی (ع) و هم امام حسن (ع) و هم امام حسین (ع)** سخت ترین و تلخ ترین بی وفایی های تاریخ را در این دیار تجربه کرده اند.



از سال ۴۴۸ هجری که **شیخ طوسی** با مهاجرت اجباری از بغداد که آن زمان مرکزیت حوزه شیعی بود ، نجف را پناهگاه خود از هجوم و شیعه کشی و کتاب سوزی سلجوقیان مدعی تسنن و پایگاه تاسیس مکتب مستقل فقهی خود قرار داد، حوزه علمیه نجف یک هزاره را پشت سر می گذارد. بی تردید اصلی ترین دلیل شکل گیری و دوام این حوزه، سکنی گزینی علمای بزرگ در جوار عظمت معنوی، تاریخی، فرهنگی و معناییِ حرم شریف امیر المومنین (ع) و مراودت با کربلای معلی است. جذابیت های دیگر کوفه و نجف ازجمله تاریخ سرشار از جنبش های علمی و فرهنگی این سرزمین، وجود وادی السلام و در خاک خفتگان والامرتبه ی آن و همچنین موقعیت تجاری حائز اهمیت آن است، هر چند که دلیل اصلی شکل گیری این حوزه علمیه شیعی نبوده است. در طی سالیان دراز به تدریج مراکز و مجامع علمی و مدارس این حوزه از مکتب شیخ طوسی و مسجد شیخ انصاری، مدرسه صحن شریف تا مسجد عمران، مسجد خضراء و مدرسه آخوند یزدی و مسجد هندی، و نیز مکاتب و مدارس مراجع عظام شیعه و علمای بزرگ در شعاع و در مدارهایی گرداگرد حرم شریف و در خیابانهای اطراف از شارع الرسول (ص) و شارع شیخ طوسی و شارع الصادق (ع) و شارع زین العابدین (ع)،... گسترش یافته اند، چنان که مدفن بسیاری از بزرگان و علما نیز در همین محدوده واقع شده است، از مقبره‌ی علامه حلی و مقدس اردبیلی، شیخ انصاری و شیخ طوسی و آخوند خراسانی و سید خویی در رواق ها و ایوان های حرم گرفته تا همین خیابان های اطراف که مدفن صاحب جواهر و علامه امینی و آیات عظام محسن حکیم و کاشف الغطاء و ...است، تا وادی السلام که در کنارمرقد مطهر پیامبران خدا چون آدم و نوح و هود و صالح جای گرفته است . هر چه به حرم نزدیک تر می شویم، جمعیت بیشتری از طلبه ها و روحانیان به چشم می خورد. گرچه در دوران فشارهای بنیان کن صدام تعداد طلبه ها به کمترین میزان خود تنزل یافته بود، اما اکنون حدود ۱۴ تا ۱۵ هزار طلبه و معمم برای آموختن علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام در این شهر زندگی می کنند.

عزلت شهر نجف و درهم تنیدگی سنت و تجدد عزلت ناخواسته شیعیان عراق و تبعیض های دینی و سیاسی سبب شد تا شهر نجف اشرف علی رغم وجود حرم مطهر امیر المومنین (ع) و تاثیر عظیم حوزه ی آن در تولید علم و پرورش فقه شیعی و همجواری با وادی السلام، در بعد شهرسازی پیشرفت خاصی نداشته باشد. در سالهای پس از سقوط صدام نیز جز ساخت و سازها و خیابان کشی های متناسب با یک قطب زیارتی و البته نه چندان

سازگار با شهرسازی مدرن، رخداد مهمی از نظر شهرسازی و امکانات شهری فوق العاده در این شهر دیده نمی شود. حتی حرم امام علی (ع) متناسب با حجم میلیونی زائران این حرم معنوی و حیات بخش توسعه نیافته است. با این حال شهر، آمیخته ای از ساخت و بافت سنت ها و البته سرکهایی به سمت تجمل و تجدد است: ساخت و بافتی سنتی که در گوشه و کنار اغلب خیابان هایش، فروشگاه هایی با معماری یا زرق و برق های امروزی خودنمایی می کنند. مردمان نجف هم همین گونه هستند و پاره هایی از سنت و مدرنیته را در هم تنیده اند. طلبه های نجف هم همین گونه اند: در عین زندگی ساده و تراشیدن سر و پرهیز از ساعت مچی، آخرین مدل موبایل ها و تبلت ها را در دست دارند و در خانه ها و دفاتر ساده آنان ـ به ویژه اساتید وطلبه های مرفه تر ـ انواع تکنولوژی های جدید و وسایل ارتباطی نوین را مشاهده می کنید. این را در ویژگی ها و هنجارهای اجتماعی زندگی طلبگی نیز می توان دید.

نهاد علم: محوریت فقه و اصول و قبول تنوع حوزه علمیه نجف در درجه اول یک نهاد علمی است و آنچه نهادهای علمی را با هم متفاوت می سازد هدف و رویکرد این نهادها در ساحت علم است. به طور مثال دانشگاه ها عموما مرکز پرورش افراد ممحض در علوم نظری و همچنین علوم کاربردی است. در این حال برخی گرایش بیشتری به علوم محض و نظری و برخی گرایش بیشتری به علوم کاربردی نشان می دهند. دانشگاه کمبریج و آکسفورد هر دو از نهادهای علمی بسیار معتبر و البته تخصصی جهان با سابقه چند صد ساله هستند. نگاهی به مکتب علمی این دو دانشگاه نشان می دهد که در بسیاری از زمینه ها کمبریج بیشتر رویکرد و توانمندی نظری و آکسفورد بیشتر رویکرد و توانمندی کاربردی را دنبال می کند. هر یک از این دو دانشگاه هم سنت های خود را دارند. حوزه سنت نبوي پوشيدن عبا و قبا و عمامه، و دانشگاههای غربي كلاه و كراوات مخصوص يا نوع برگزاری مراسم فارغ التحصیلی و نوع معماری بسیاری از ساختمان ها که در طول قرون متمادی بر جا مانده است و در عین حال جریان علمی این دو دانشگاه با قدرت به پیش رفته است و هرگز آن سنت های ظاهری تعارضی با نشاط علمی نداشته است. هر دو دانشگاه توانسته اند متناسب با هدف یک نهاد علمی واقعی نیروی علمی کارآمد و تراز اول در سطح جهانی پرورش دهند. این اصرار وجود دارد که خروجی نهایی این دو دانشگاه هم از قدرت علمی و هم قدرت کاربردی جدی برخوردار باشند. یک نهاد علمی که نتواند هر دو یا یکی از این دو را پرورش دهد دیگر نهاد علمی نیست.



نظام آموزشی حوزه نجف اشرف نیز یک نهاد واقعی تولید علم با یک نظام تخصصی مبتنی بر تجارب چند صد ساله تفقه و تدریس علمای کبار به همراه سنت های خاص خود است. با اینکه فقه و اصول محوری ترین نقطه تمرکز و تکاپوی علمی حوزه نجف اشرف است اما در چند سده گذشته مکاتب مختلفی در کنار هم و بدون تزاحم (البته در دایره اصولي صِرف، و الا با فلسفه و عرفان و اخباریان تزاحم بلکه ضدیت داشته و دارند) رشد و نمو داشته اند و نمایندگانی شاخص به جهان تشیع معرفی کرده اند. قبول تنوع و وسعت و هاضمه ی بزرگ در پذیرفتن این تنوع، از ویژگی های نجف اشرف است. در همین نیم قرن اخیر، نگاهی به مکاتب رایج در نجف اشرف موید این نکته است. بر اساس تقسیم بندی اساتید نجف، مکتب **حضرت آیت الله خویی** چنان که از درس های فقه و اصول ایشان روایت می شود بیشتر امتداد مکتب محقق نایینی بود. برخی میهمانان حوزه نجف مثل **امام خمینی** امتداد مکتب مرحوم حائري يزدي و مکتبی از امتزاج فقه واصول و فلسفه دانسته شد، و برخي شاگردان حوزه نجف مثل **شهید صدر** امتداد مکتب محقق ضیاء الدین عراقی، و مثل **آیت الله سید محمد روحانی** امتداد مکتب **محقق اصفهانی** (کمپانی) شناخته شده اند. یا **آیت الله سیستانی** که آمیخته اي از مکاتب مشهد (ضدفلسفه و عرفان) قم و نجف مباحث خود را ارائه دهند؛ در زندگی نامه ایشان آمده است: «از یک سو آرای عالم مشهد مرحوم **میرزا مهدی اصفهانی** (قدس سره) را مطرح کرده، از سوی دیگر نظریات **آیت الله بروجردی** (قدس سره) را به مثابه زبان گویای مکتب قم (شبیه نجف) متعرّض شده اند و سرانجام دیدگاه‌های **آیت الله خوئی** (قدس سره) و شیخ حسین حلّی (قدس سره) را به عنوان نظریه پردازان مکتب نجف اشرف به میان کشیده و بیروي کرده است». علاوه بر این در طول زمان روش های تدریس و مکاتب دیگری نیز حضور چشم گیر و تاثیرگذاری در حوزه نجف اشرف داشتند و البته همه هم در کنار هم در قالب یک دانشگاه مکتبی که به دلیل مختصات ویژه اش باید آن را مکتب نجف نامید، با هاضمه ای بزرگ عرض اندام داشته اند. {وجود شخصیتهایي که مذاق شخصیشان فلسفي یا عرفاني بوده و مسلکشان هم حاکم بر حوزه نبوده و در انزوا هم بوده اند مثل امام خميني در قم بخاطر فلسفه و کمباني در نجف؛ دلیل امتزاج آزادي و رواج فلسفه و عرفان در مکاتب نجف و قم نیست}

اصرار بر فقه و اصول

حوزه علمیه نجف اشرف همواره خاستگاه فقهای تراز اول جهان تشیع بوده است و کیان علمی تشیع را برافراشته است. تمرکز کلی بر فقاهت است ودر نیم قرن اخیر از علوم دیگر به شکل رسمی پرهیز می شود. شاید به همین دلیل تدریس علوم عقلی از فلسفه و کلام و عرفان (مخفیانه و قاچاق) تا تاریخ و جغرافیا که روزی شایع بوده اند به تدریج افول پیدا کرد؛ چنان که استاد علامه طباطبایی از دانش آموختگان همین حوزه است. آنجا اول باید فقیه بود و بعد استاد در هر علم دیگر (این دروغ است حتی فقهاء مهجور بودند و مجاز نبودند). اما از زمانی که آیت الله سید**ابوالحسن اصفهانی** فلسفه را منع کردند فلسفه از رواج افتاد (قاچاق شد). پس از آن حتی آقای خویی که خود نزد**سید حسین بادکوبه ای** فلسفه خوانده بود و خود فلسفه می گفت و یا آقای **سید هادی میلانی** دیگر در نجف فلسفه نگفتند. البته اساتید، به شکل فردی، مطالعاتی داشته و خود در این علوم شناخت دارند و بعضا ممحض هستند اما در شرایط فعلی این دیدگاه غلبه دارد که فلسفه و عرفان، یا علم نیست و یا در وضع کنونی اش علمی نافع نیست و ممکن است از آن در ایجاد مکاتب انحرافی و یا تفسیرهای التقاطی سوء استفاده شود. لذا این علوم برای حوزه، علوم اصلی تلقی نمی شوند و فایده آنها در این حد دانسته نمی شود که وجوهات صرف آن شود. چنان که **آیت الله سیستانی**درباره عرفان فصوصی بیان می دارند: « اینجانب در ارتباط با معارف اعتقادی به روش اکابر علمای امامیه (قدس الله اسرارهم) که مطابق با آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می‌باشد معتقد بوده و روش فوق الذکر را تأیید نمی‌نمایم.» یا **آیت الله فیاض** اظهار می دارند «عرفان به معنی کشف حقیقت ها و برداشتن پرده ی جهل از آن و علم به غیب توهمی بیش نیست و حقیقت ندارد» و ابن عربی را تا سر حد زندیق معرفی می کنند و درباره فلسفه می گویند: « تمایل برخی به علم فلسفه، توسعه و پیگیری مسائل آن، تکیه به آن و صرف وقت در مسائل غیرمهم آن که اصولا در علم اصول فقه متداول است، درست نیست و تباه کردن عمر است و چه بسا ساختار فکری مضری باشد». از این رو به طور کلی اشتغال رسمی به این علوم، در شرایط فعلی دست کم توصیه نمی شود و شایع نیست، گرچه ممانعت هم نمی شود. لذا از این منظر تنوع و پراکندگی علوم در حوزه نجف اشرف کم تر است که برخی بر این باورند ممکن است با توجه به تحولات دنیای جدید به ویژه ضرورت گفت و گوی علمی با جهان غرب موجب بروز ضعف هایی شود. علاوه همواره این نکته مطرح بوده است که ممکن است تمرکز بیش از حد و فرو رفتن در بحث های

اصولی محض و غیر کاربردی، ارزش افزوده خاصی در امر فقاهت نداشته و بالعکس ممکن است مانع نوآوری و ابتکار نیز بشود.

اعتدال در فتوا، تعادل در ممشا

اعتدال در فتوا و تعادل در ممشا از ویژگی های دیگر نجف شمرده شده است. بزرگان نجف، شیعه را مکتب اعتدال می دانند و باور دارند مبنا کتاب و سنت است و فقاهت حول این دو مبنا می چرخد و فقیه برای فتوای خود باید دلیل محکم در کتاب و سنت داشته باشد و شرایط صدور روایات را مد نظر قرار دهد. این مشی سبب شده است که پرهیز از افراط و تفریط یک مشی مقبول در سلوک فتوایی و اجتماعی باشد و فتاوای شاذ یا عوام گرا کمتر رونق یابند. سکه تکفیر و ارتداد در شیعه رایج نیست و بازار انحراف و تمسک به خرافه و غیب گویی در این حوزه نیز کساد است و اگر هم جایی خودی بنماید در جریان اصلی حوزه مهجور است. همین اعتدال سبب می شود تا ارتباط با سایر مذاهب و فقه مقارن و گفت و گوی بین دینی حساسیت برانگیز نباشد. (اشتباه نویسنده؛ از زمان ائمه علیهم السلام نظریات مذاهب دیکر میان شیعه مطرح و مورد بحث و نقد بوده است و هیچوقت طوري نبوده که مطرح نشود) انحراف در حوزه ممنوع است، اما در قبال فرق انحرافی خارج از حوزه با این که نفی وجود دارد، واکنش عملی شدیدی دیده نمی شود و به اصطلاح عرصه حیات بر کسی تنگ نمی شود. در نجف تنوع و نو آوری در فتوا وجود دارد کما اینکه فتوای آیت الله حکیم درباره طهارت اهل کتاب (این هم از بي اطلاعي نویسنده است که طهارت ذاتي اهل کتاب نظریه اي است که از ابتدا مطرح بوده است و هیچ تحول و رنسانسي نیست وقتي خود امام رضا کنیز خادمه متولي امور شخصیشان اهل کتاب بوده دیکر جیز مهمي نیست = این جور تحلیلها از ذوق زدکیهای بیسوادان غربزده است که اکر کسي به طهارت اهل کتاب یا طهارت خمر در وضعیت غیر قابل اسکار ووو قائل شد انوقت این مي شود فقیه مترقي و بیشرفته!!! کویا ملاك فتوایي ملایم با وضعیت و روش مسیحیان است) بر خلاف مشهور آن زمان بود و الان نیز فتوای آیت الله فیاض در مجاز دانستن برخی شئون خلاف مشهور است. از ایشان درباره قضاوت، مرجعیت و ریاست زنان پرسیدم. پاسخ دادند: بله! هیچ تفاوتی قائل نیستم، چه عیبی دارد. زن بشر نیست؟! پاسخی که فهم خاص ایشان از کرامت و ظرفیت انسان صرف نظر از جنسیت را بیان می دارد. و یا فتاوای آیت الله سیستانی در فقه غرب نشینان که مبتنی بر کرامت عموم انسان است آنجا که برخی رفتار غیر قانونی و سوء استفاده در کشورهای اروپایی را چه بسا جایز بدانند، اما ایشان بیان می دارند حتی اگر رفتاری به اسلام ضربه نزند اما عهدشکنی و فریبکاری به هر کس و به هر صورت باشد، حرام است. با این حال کسی تعدی و تعریض غیر علمی نمی کند و اگر هم بکند تاثیری ندارد.

در نجف نسبت به موضوعات روز؛ انفتاح خوبی وجود دارد، و هرگونه پرسش، به ویژه در حوزه اقتصاد و تکنولوژی های جدید و علوم پزشکی و حقوق انسان و موضوعات جدید مبتلا به مقلدین به سرعت پاسخ داده می شود. در این حوزه نوگرایی هایی جود دارد که اگر شرایط اجازه دهد و بیان شود شاید برای برخی تکان دهنده و تحملش مشکل باشد. اما در مباحث مربوط به تاریخ اسلام، تاریخ تشیع، موضوعات مربوط به جزییات منقول در منابر بر اساس مقاتل، سبک‌ها و سنت های عزاداری، ورود سینما به حوزه مذهب به ویژه در موضوع اهل بیت (علیهم السلام) به شدت تحفظ وجود دارد و از ورود به این موضوعات حداقل در علن استقبال نمی شود. (یعني برخلاف رویه حاکم در ایران مقاتل مقبول است قمه زني هم جایز است شمایل هم همه جا نصب است)

در نجف صاحب فتوا استحکام رای دارد اما کسی را مجبور به انجام فتوایش نمی کند. به طور مثال با آنکه فتواهای نسبت معاملات، حدود، قضا و هنر و موسیقی و امثال آن روشن است، اما در چگونگی کاربست اجتماعی فتوا، نمایندگان مرجعیت یا خود مراجع مداخله یا اعمال فشاری ندارند. موضوع قمه زنی نیز از همین شمار است. ممکن است برخی فقهای اصلی در نجف اشرف آن را نپذیرفته باشند اما مداخله ای هم برای کاربست اجباری فتوایشان ندارند. (برخلاف حکام ایران که تحمیل فقهي دارند)

آزادی های اجتماعی و رسانه ای در عراق با نگاه مرجعیت تنظیم نمی شود، و آزادی اندیشه و بیان و احترام به نظرات و آراء دیگران در نزد مرجعیت نهادینه شده است و مرجع نه تنها محدودیت آفرین نیست که مشوق آزادی است. وقتی شخصیتی عالیقدر مثل آیت الله سیستانی واکنش یا حساسیتی منفی نسبت به مطالبی که از سوی دیگران گفته می شود ندارد، خود به خود بر فضای آزاد در عراق اثر مثبت می‌گذارد. چه در موضوع احترام به قراردادهای ملل و چه در موضوع آزادی اندیشه این موضوع می تواند ناشی از «قاعده احترام» آیت الله

سیستانی باشد و منطقا رویکرد ایشان بر نگاه حوزه‌ی نجف به انسان و حقوق انسان و رابطه دین با دنیای جدید و رابطه فقه و حکومت مدنی تاثیرگذار است.

درجات و مراتب علمی

در نجف انگیزه ای جز ملا شدن مفید فایده نیست. غایت درس در حوزه نجف استادی و مرجعیت است و نه هیچ منصب دیگری. ممکن است حوزه ای (مثل ایران) مرجع پروری را هدف خود قرار نداده باشد و پرورش روحانی برای عرصه های دیگر را مهمتر بداند و نگاه کاربردی-سیاسی-اجتماعی به پرورش روحانی داشته باشد. مثلا بخواهد قاضی یا نماینده مجلس یا غیره پرورش دهد. نجف اما چنین نگاهی ندارد. نجف مرجع پرور و فقیه پرور است و این از سنت های کلیدی این حوزه است. یک دلیل، نگاه غالب به فلسفه فقاهت در این حوزه است و البته فضای سیاسی و اجتماعی و تاریخی تکوین نجف نیز سبب شده است حوزه نگاهی درونگرایانه و به تبع رویکردی نظری داشته باشد. در دوران صدام، به عنوان مثال، غایت سیاسی ممکن نبود و حداکثر امکانی که برای حوزه فراهم بود همین درس و بحث رایج بدون مداخله در سیاست بود الا مواردی که بعدا ذکر خواهد شد. در دوران جدید هم که حوزه نقش کلی نظارتی و مشورتی در حوزه سیاست پیدا کرده است باز هم بدلیل وزن همان فلسفه فقاهت و ثقالت مکتب زعما و فقهای پیشین، گرچه تفاوت هایی ایجاد شده اما به تغییر مبنایی نینجامیده و همچنان فاصله با حکومت حفظ شده است. قطب نمای طلبه ها کماکان به سمت استادی و مرجعیت از طریق کسب علم و تقوا - و نه کسب مقامات سیاسی - ثابت مانده است.

از آنجا که علم و تقوا و نه پول و زور معیار رشد است، پوپولیسم معنای خود را از دست می دهد و بار معنایی منفی پیدا می کند. (مثل ایران) با زور و قدرت و زبانبازی کسی مرجع نمیشود و اگر هم ادعای مرجعیت کند کسی از او تبعیت و تقلید نخواهد کرد. باید در یک تلاش شبانه روزی و رقابت علمی مثبت کسب اجتهاد کرد. علاوه بر آن در نجف فعلی اصرار بر آن است که علم تقلیدی نیست و عالم نباید تقلید کند. نجف روزگاری تحت تاثیر آراء شیخ طوسی قرنها تابعیت ایشان را داشت و کمتر نوگرایی در آن دیده می شد. اما در دوران اخیر به قول استاد جواهری «عالم نجفی یک مبانی اصولی دارد و خودش دیگر تابع شیخ طوسی و شیخ انصاری نیست بلکه خود عالم، باید **شیخ انصاری و شیخ طوسی** باشد». (اکر علماي بعد شيخ طوسي را متهم به تقليد شيخ طوسي مي كنيد علماي فعلي هم مقلد اخوند خراساني و شيخ انصاري هستند) البته اینکه واقعا تا چه اندازه قله هایی چون شیخ انصاری و شیخ طوسی به نسبت امکانات و اطلاعات امروز تکرار شده اند، پرسشی است که اهل فن فقه می توانند به آن پاسخ دهند. اما اساس این رویکرد که از عالم، تولید علم اجتهادی و غیر تقلیدی مطالبه کند و در جستجوی پرورش چنین عالمی باشد از ویژگی های نهادهای علمی پیشرو و تخصصی است و منجر به استحکام علمی و استدلالی می شود.

طی شدن مراتب و درجات علمی در این حوزه نیز فرایندی طبیعی و مدنی دارد که طی چند قرن به سنتی اساسی بدل شده است. طلبه باید ابتدا در دوره ای حدودا ۹ تا ۱۰ ساله سطوح را پشت سر بگذارد و سپس در درس خارج اصول و فقه حاضر شود. گرچه در طی تحصیل سطوح هم طلبه می تواند خود دروسی را که آموخته تدریس کند ولی مقام واقعی استادی پس از حضور در درس خارج اصول و فقه و فراگیری این مرحله مفهوم می یابد. از این مرحله طلبه می تواند استاد و سپس به میزان توان علمی و خلاقیت فردی خود با کسب اجازه، مجتهدی فاضل و مولف و شاگرد پرور شود تا در تراز شخصیت هایی قرار گیرد که احتمال مرجعیت آنان می رود. البته روشن است که صرف حضور در نجف و بهره مندی از مکتب آن، کسی را مجتهد برتر نمی کند و هر مجتهدی هم راه گشا نمی شود. سالها مجاهدت علمی و ریاضت اخلاقی در مکتب نجف به همراه خلاقیت، شهامت و شجاعت در اجتهاد و قدرت تعقل، هوش استراتژیک و روح والای انسانی و مهم تر از همه توفیق الهی است که کسی را منشاء اثر می سازد. در یک مثال ساده می توان گفت در نجف، همه آقای حکیم و آقای خویی و آقای خمینی و آقای صدر و آقای سیستانی نمی شوند، شخصیت این بزرگان از وجوه مختلفی منحصر است و البته ایشان هم اگر در مکتب نجف نبودند، شاید به چنین توفیقاتی دست نمی یافتند، الله اعلم.

فرآیند اعلام مرجعیت، که عالی ترین مقام علمی حوزه است، پس از سالها تحصیل و تحقیق و تدریس و ریاضت و زهد رخ می دهد. تحقق مرجعیت و مشروعیت آن در یک تعامل طولانی بین اساتید و فضلا و طلاب حوزه شکل می گیرد. اعلام مرجعیت معمولا به واسطه تقاضای شاگردان یک استاد و رجوع مردم رخ می دهد اما در عین حال کمتر دیده شده است که تا وقتی مرجعی بزرگ در قید حیات است، شاگردان او هر چقدر هم فاضل

باشند اعلام مرجعیت و نشر رساله کنند. البته گهگاه اعلام مرجعیت به حاشیه هایی نیز منجر شده است.
تنوع مراجع از باب گوناگونی اساتید و مدارس معمول است، چنان که در دوران **سید محسن حکیم و سید محمود شاهرودی ، سید عبدالهادی شیرازی و سید ابوالقاسم خویی و سید روح الله خمینی و آقا میرزا باقر زنجانی و میرزا حسن بجنوردی و شیخ حسین حلی و سپس عبدالاعلی سبزورای، سید علی سیستانی، سید محمد روحانی، میرزا جواد تبریزی، آقا سید علی بهشتی، سید نصر الله مستنبط و شهید صدر و بزرگانی دیگر** همه در صحنه حضور داشتند
. برخی تنوع مراجع در تشیع را یک نقطه ضعف و عامل تفرق در شیعه و شعبه شعبه شدن امکانات دانسته اند. در این حال نقطه مثبت تنوع، باز شدن فضای فکری و تنوع آراء و فتوا و آزادی و تحرک بیشتر در جامعه شیعی است که شیعیان می توانند با آزادی بیشتری کارشناس مذهب خود را انتخاب کنند. به همین ترتیب، در صورت بروز تهدید و آسیب و فشار، تنوع مراجع تهدید و محدود کردن همه آنها را دشوارتر می سازد و قدرت انعطاف بیشتری به تشیع به عنوان یک اقلیت می دهد.
با وجود تنوع مراجع، عموما آن که فضل بیشتری داشته، شاگردان بیشتری پرورش داده و البته مقلدان بیشتری دارد و در یک فرآیند تدریجی به عنوان مرجع اعلی شناخته می شود. نظیر آن که مرحوم آیت الله سید محمود شاهرودی بزرگ و مرحوم آیت الله سید محسن حکیم هر دو از اعاظم نجف اشرف بودند ولیکن آیت الله سید محسن حکیم پس از آیت الله بروجردی جایگاه مرجعیت اعلی را پیدا کرد. یادآوری این نکته نیز خالی از لطف نیست که مرجعی که در این فرآیند طبیعی و مدنی به مرجعیت اعلی رسیده و مخصوصا از طول عمر مناسبی برخوردار باشد و توانسته باشد با برگزاری دوره های مختلف درس خارج فقه شاگردان زیادی را پرورش دهد، معمولا به دلیل همین شبکه بزرگ از مجتهدان برای چندین نسل مرجع اصلی خواهد ماند، و چندین مرجع بزرگ شیعه شعبه ای از شاگردان او خواهند بود، نظیر آنچه درباره آیت الله العظمی خویی شاهد بوده ایم.
عالی ترین مرجع نجف، همان زعیم حوزه است و عموما مرجعیت اعلای شیعه نیز از آن اوست. پس از انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی شاهد نوعی تقسیم مسئولیت در مرجعیت عالی شیعه بودیم چرا که دو جریان و شخصیت تراز اول شیعه نظیر ایشان و آیت الله خویی در یک زمان قرار گرفته بودند و به نوعی دو جریان بزرگ و سلوک ویژه در ایران و عراق به عرصه سیاسی معرفی شده بود. لذا جریان اصلی مقلدان شیعه بین این دو بزرگوار تقسیم شده بود و هم اکنون نیز اگر نه به غلظت دوران امام خمینی، کما بیش مقلدان جهان شیعه بین مراجع اصلی این دو جریان در نوسان هستند.
نجف در معرفی مرجع، شاگردان و پیروان مکتب خود را ترجیح می دهد، در عین حال تواضع علمی در حوزه نجف به گونه ایست که در مواردی که عالی ترین مقام علمی خارج از حوزه نجف اشرف باشد مثل زمان **آیت الله بروجردی** و یا زمان **آیت الله گلپایگانی** رجوع به ایشان توصیه می شود و یا در فتاوای احتیاطی به مرجعی ارجاع داده می شود که در فضل در ردیف بعدی قرار دارد و مکان جغرافیایی آن مرجع نقشی در این موضوع ندارد.
تاثیر ساختار مدنی حوزه نیز در انتخاب زعیم حوزه علمیه نجف اشرف قابل مشاهده است. این ساختار با آنچه که در بروکراسی های جدید که در شکل هرمی و فاصله روزافزون بین نخبگان یک سازمان و عموم بدنه آن سازمان بروز دارد، متفاوت است. ساختار حوزه نجف فاقد بسیاری از پیچیدگی های غیرضروری سازمان های مدرن، کاغذبازی های آزار دهنده و سیستم های نظارتی رسمی است و امور بر اساس تعامل مستمر و بر مبنای شناخت و اعتماد تشکل و تحقق می یابند. و همانگونه که تبیین شد تمامی این فرایندها منبعث از درون حوزه است. زعیم حوزه عالی ترین مقام تصمیم گیر و نماد علمی و هدایتی و صیانتی این حوزه است. تصمیمات زعیم، دستوری نیست اما چون زعیم عالی ترین مقام فقهی است و معمولا پس از مشورت با فقهای بزرگ دیگر و با بررسی مصالح عالی مذهب، حوزه و یا ملل مسلمان تصمیمی را اعلام می کند، آن تصمیم عرفا تکلیف آور است. زعیم عموما در یک توافق عرفی در میان اساتید تراز اول و بدور از دخالت سیاست تعیین می شود. آنجا آنکه فقیه تر است و ریشه دار تر است، زعیم تر است. معمولا اشاره و تایید زعیم قبلی نیز نقش آفرین است. چنان که در ۱۴۰۹ ه ق آیت الله خویی، به اصرار، آیت الله سیستانی را به جای خود برای نماز در مسجد خضراء تعیین نمودند و همین نکته اشارتی بسیار مهم بود که همزمان باآیت الله عبدالاعلی سبزواری، آیت الله سیستانی نیز مطرح شدند و بعدا «گروهی از علمای اعلام و پیشاپیش همه آنان، آیت الله سیدعلی بهشتی و آیت الله شیخ مرتضی بروجردی، مردم را به تقلید از استاد ارجاع دادند ». رقابت های معمول عرصه های دیگر هم چندان در این حوزه نقشی ایفا نمی کند.
خداباوری، معنویت گرایی و تقوا زیربنای مرجعیت و زعامت است. در این حوزه ابن باور وجود دارد که

خداوند و عنایت اهل بیت علیهم السلام و تحت توجه حضرت ولی عضر (عج) بودن مصدر توفیق است و روایت های بسیار از توسل علما به چهارده معصوم برای حل مسائل دشوار شنیده می شود. همچنین ملا بودن، حکیم بودن، مدبر و راهبر بودن، پرورده مکتب نجف بودن، و پاک زیستی، تشخیص مصلحت و ضروت و استقلال شخصیتی از ملاک های بسیار مهم زعامت است. ملیت هم نقش چندانی در موضوع مرجعیت و زعامت ایفا نمی کند. این حوزه فقط چندملیتی نیست چرا که در بسیاری از حوزه های دیگر نقاط عالم تشیع طلاب یا اساتیدی با ملیت های مختلف تحصیل و تدریس می کنند اما زعامت و مرجعیت عموما در آن حوزه ها تابع ملیت همان کشور است. اما حوزه علمیه نجف اشرف حوزه ای فراملیتی است. این موضوع در طول دوران ها و قرون جاری و ساری بوده است و شخصیت ها از باب وجاهتشان و صرف نظر از ملیتشان بر مصدر مرجعیت و زعامت این حوزه قرار می گرفته اند.



هم اینک نیز در حالی که زعامت حوزه علمیه نجف اشرف بر عهده مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت الله سیستانی است که ایرانی الاصل هستند، حضرت آیت الله سید محمد سعید حکیم عراقی الاصل، حضرت آیت الله فیاض افغانستانی الاصل و حضرت آیت الله شیخ بشیر نجفیپاکستانی الاصل هستند و به عنوان چهار مرجع عالی رتبه حوزه نجف اشرف محسوب می شوند.

اساتید حوزه نیز از ملیت های مختلف هستند و همین جا خوب است بیان شود که شاید همین چند ملیتی بودن بزرگان حوزه نجف اشرف نگاه آنان را از تمرکز صرف بر عراق دور داشته است مگر آنکه در این کشور مسموع الکلام بوده اند. مثلا در دوره معاصر **میرزا محمد تقی شیرازی** علیه اشغال گری انگلیسی ها در عراق فتوای جهاد داد و آیت الله خویی (برای منع هرج و مرج) در انتفاضه شعبانیه مداخله رهبرانه کرد و یا آیت الله سیستانی که علاوه بر مرجعیت عالی شیعیان، اساسا رهبری مذهبی و معنوی عراق امروز مستمرا و عرفًا بر عهده ایشان قرار گرفته است و در عراق مسموع الکلام هستند. در غیر این صورت در گذشته تمرکز بر مسایل عراق عمدتا از سوی علمای عراقی حوزه نجف اشرف همچون **آیت الله سید محسن حکیم و یا شهید صدر و یا شهید سید محمد باقر حکیم** مشاهده شده است که طبیعتا در کشور عراق مسموع الکلام بوده اند و علمای دیگر بیشتر مشارکت های سیاسی شان که در موضوعات خاص و مهم صورت گرفته عموما متوجه کشوری بوده که تابعیت آن را داشته اند،، نظیر فتوای تحریم تنباکوی **میرزای شیرازی** که از سامرا ولی درباره ایران صادر شد و یا اقدامات ضد استبدادی **آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی** از حوزه نجف در نهضت مشروطه و یا نامه انذار **آیت الله خویی** به شاه در فروردین ۱۳۴۲ درباره انقلاب سفید و انجمن های ایالتی و ولایتی و امضای نامه ی

حمایت از امام خمینی پس از دستگیری ایشان توسط رژیم شاه. در نمونه ای شاخص همچنین ملاحظه می کنیم که حضرت امام خمینی نیز در دوران حضور در عراق بیشتر متوجه مسائل ایران بودند و مبارزاتشان بیشتر حول مبارزه با نظام سلطنتی و هدایت انقلاب اسلامی ایران می چرخید. البته ذکر این نکته هم ضروری است که در چند دهه اخیر منتهی به سقوط صدام شرایط استبداد داخلی عراق، اقتضای مداخله علمای تراز اول به ویژه از ملیت های مهاجر را نداشته است چرا که علمای مهاجر به سرعت با فشار داخلی و یا دلیلی خارجی محدود و یا از عراق اخراج می شدند. کما این که امام نیز مجبور به مهاجرت از عراق به فرانسه شد.
(برخلاف ایران؛ در عراق) در تعیین زعیم، نهادهای سیاسی و امنیتی و احزاب و حکومت هم نقشی ندارند و کسی هم وقعی به آنها نمی نهد. کما اینکه در گذشته چندین بار حکومت تلاش داشته تا برای حوزه زعیم پروری کند، اما به جایی نرسید. البته در اواخر عمر آقای خویی و عدم تمکین جدی ایشان نسبت به مطالبات ناحق حکومت بعثی، دولت صدام در صدد برآمد تا مرجعیت عربی-عراقی را در صدر حوزه علمیه نجف و کل عراق قرار دهد. لذا دولت صدام بر مرجعیت آقای **سید محمد صدر** پدر آقای مقتدی صدر پای فشاری کرد و مجال فراوانی در اختیار ایشان قرار داد. برپایی نمازهای جمعه در بسیاری از شهرهای عراق از این جمله بود. آقای محمد صدر که در خطبه های نخست انتقاداتی را متوجه حوزه نجف اشرف کرده بود، به تدریج سمت و سوی انتقادی گرفت و در آخرین خطبه های خود به شدت علیه صدام موضع گرفت که منجر به ترور ایشان توسط صدام شد. دوستداران ایشان هدف پذیرش مرجعیت توسط آقای محمد صدر را رونق دادن به حوزه های علمیه و رسیدگی به فقرا عنوان کرده اند.
مساله جانشینی و جایگزینی یک مساله مهم است که البته در نهادهای علمی مدرن در دنیا، به دلیل رویه های بوروکراتیک، خانوادگی نیست، اما در نهادهای سنتی امکان موروثی شدن هست. در نجف اشرف با بیداری نسبت به این مسئله، زعامت و مرجعیت موروثی و تبلیغی و یا تحمیلی نیست. (برخلاف ایران) هیچ نهاد رسمی خارج حوزه و حتا نهادی در داخل حوزه مرجعیت کسی را اعلام نمی کند و از کسی نیز سلب مرجعیت نمی کند. مسائل عموما در یک مسیر طبیعی عرفی و بر مبنای سنت های ریشه دار تجربه شده به انجام می رسد. کاریزمای علم و تقوا و پذیرش بدنه حوزوی به افراد مرجعیت می دهد. حال اگر در خاندانی کسی در این سطح باشد پذیرفته می شود و اگر نباشد نیز مرجعیت از آن خاندان خارج می شود. مثلا در شرایط کنونی آقای حکیم از آل سید محسن حکیم مرجع است و از آل آیت الله خویی کسی مرجع نیست. حق بهره برداری از امکانات و دفاتر مراجع پیشین نیز پس از درگذشت ایشان بدون اجازه مرجع اعلای فعلی مشروعیت پیدا نمی کند و فرزندان و مسئول دفتر موظفند همه حساب مرجع را تحت نظارت مرجع اعلی یا یکی از مراجع بعدی قرار دهند.
همچنین تماس مداوم مراجع با عموم مردم یک خصیصه منحصر بفرد است. دفاتر مراجع ساده و در تراز عادی ترین مردم است و از عجب و غرور و بالانشینی خبری نیست. همه همتراز هم می نشینند. ممکن است دست مرجع را مقلدی از سر احترام و علاقه ببوسد اما کسی در نزد آنان اظهار مذلت و خواری نمی کند. آنجا کسی تحقیر نمی شود. خوشبختانه اقتضائات امنیتی فاصله معنا داری بین مراجع و مقلدان ایجاد نکرده است و دیدار با مراجع و اساتید تراز اول عموما ساده و بدون تشریفات و تکلف است و می‌توان از نزدیک ترین فاصله و بدون هیچ تکلفی با ایشان سخن گفت و پاسخی درخور شنید. در این دیدارها صرفا عکس برداری و ضبط محدودیت دارد. برخی اساتید نظیر **آقای ایروانی** که شلوغ ترین درس خارج نجف را دارد و یا **آقای جواهری** و **آقای سند** و دیگر اکابر حوزه در زمان ملاقات خودشان به استقبال آمده و در را با روی گشاده باز می کنند و بدون خدم و حشم به مصاحبت رسمی می نشینند. در سالهای اخیر صرفا **حضرت ایت الله سیستانی** به دلیل حجم مراجعه کنندگان و مقتضیات قابل درک تا حدی دیدارهایشان نیازمند هماهنگی بیشتر است اما از نظر صفا و سادگی دفتر و حضور در محضر ایشان و بیان دیدگاه ها همان گونه است که ۱۴ سال پیش بود. معمولا هر دیدار با حضرت آیت الله سیستانی و سایر مراجع نجف اشرف خاطره ای معنوی، ماندگار و آموزنده برای اهل خرد و پیام آور روشنی برای شیعیان است به ویژه اینکه ایشان علاوه بر فقاهت و معنویت و اخلاق و دقت بر مسائل شیعیان با مطالعه عمیق از احوال سایر ملل و تحولات بزرگ تاریخ و انقلاب ها و خیزش های صد ساله اخیر و عبرت ها و آموزه های آن با مخاطب خود سخن می گویند و هیچ استبعادی ندارد که آخرین نوشته قطور فلان نویسنده مطرح در اروپا یا آمریکای جنوبی را زودتر از شما خوانده باشند.

اینجانب به لطف خداوند در زندگی خود با شخصیت های مذهبی و سیاسی عالی مقام بسیاری ملاقات داشته ام و از هر کدام بهره ها برده ام. در این حال حلاوت درک محضر و مصاحبت با مراجع عظام، علمای فاضل و طلاب نجفی از شیرین ترین تجربه ها و آموخته های زندگی ام بوده است.
حوزه نجف از رسانه ها مخصوصا کانال های ماهواره ای خبری، اینترنت و شبکه های اجتماعی و روزنامه ها برای دریافت اطلاعات بهره می برد. هر روزه زمانی برای ارتباط عموم مردم با مراجع وجود دارد و معمولا مراجع نجف شنونده بسیاری خوبی هستند و عموما درباره افراد پیش داوری نمی کنند و مردم را منبع خوبی برای شناخت نیازهای جامعه و ارزیابی از وضعیت شیعیان و اوضاع جهان می دانند. (برخلاف تهران در نجف) مرجع معمولا سخنرانی نمی کند و کمتر سخن می گوید، آنجا هم که سخن می گوید ادبیات آمرانه و بالا به پایین و باید و نباید ندارد و معمولا خیلی آرام و شمرده سخن می گوید، به اختلافات وارد نمی شود، نقش ارشادی و تربیتی دارد و از رسانه ای شدن پرهیز دارد. شاید یکی از دلایل آن این باشد که هم این عرصه را عرصه ای پر لغزش می داند و هم این که مانع تمرکز بر اصل تحصیل و تدریس. ضمن آنکه مراجع و اساتید نیز عموما روحیه و رویکرد تبلیغی نسبت به خود ندارند و تلاش معنی داری برای معرفی خود از طریق رسانه ها نمی کنند. رسانه اصلی حوزه شاگردان اساتید هستند و تالیفات و تقریرات آنان. اساسا خبرنگاران در نجف اشرف گرچه پذیرفته می شوند اما معمولا آنچه بیان می شود برای انتشار نیست.

سنت های طلبگی

رابطه شاگرد و استاد در فضای حوزه نجف رابطه ای سنتی و مبتنی بر احترام و تفقد است. در نجف انتظار می رود طلبه پیش از اذان صبح برخیزد و پس از نماز صبح در درس استاد حاضر شود. دروس معمولا تا حدود ۱۰ صبح به طول می انجامد و یک طلبه ولو در سطح خارج؛ خوب است به یک درس اکتفا نکند.
سیستم شاگرد-استاد نیز ویژگی های منحصر بفرد خود را دارد. مقام استاد از عالی ترین مقامات و در نهایت احترام است اما شاگرد به تشخیص خود استاد را بر می گزیند و استاد نیز بر اساس صلاحیت های خود اعلام استادی می کند. در حقیقت هم استاد محور است و هم شاگرد محور. کسی در این میانه مداخله ای ندارد و فشاری و تحمیلی برای حذف و تایید استاد و یا شاگرد وجود ندارد. هرگاه هم که شاگرد احساس کند درس استاد دیگری برای او مناسب تر است، به درس استاد جدید می رود. آنجا باید با قدرت علمی و ارائه فصیح و بلیغ درس، جذب طلبه کرد. کسی منصبی ندارد و تبلیغات نقشی جدی در جذب طلبه ایفا نمی کند.
در نجف درس و بحث طلبگی در حد بالایی از آزادی صورت می پذیرد و اساسا طرح اشکال و انتقاد به استاد یک مزیت علمی تلقی می شود. لذا مستشکلین دروس مراجع و اساتید همواره از اعتبار خاصی در این حوزه برخوردار بوده اند. چنان که **از آیت الله مصطفی اشرفی شاهرودی** به عنوان مستشکل درس امام و از **آیت الله مصطفی خمینی** به عنوان مستشکل درس **آیت الله محقق داماد** نام برده می شود. طلبه ها نیز معمولا بحث های خود را حداقل یک بار با طلبه قوی تر و یک بار با طلبه پایین تر بحث می کنند تا درس ها به اصطلاح به خوبی هضم شود.
رابطه استاد و شاگرد رابطه پدر و فرزند است و معمولا استاد مراقب احوالات شاگرد است و حتا در امور شخصی نیز به او کمک می کند. رسم است که شاگرد در ملاء عام دست استاد را ببوسد و شاگرد می تواند در زمان بحث علمی حتا صدای خود را بلند کند اما بلند کردن صدا در غیر از بحث طلبگی پذیرفته نیست و نوعی بی ادبی محسوب می شود.
ساعات فراغت طلبه ها نیز آمیخته با بحث های طلبگی است گرچه اخیرا با ورود موبایل ها و دسترسی دائمی به شبکه های اجتماعی بحث های حاشیه ای و خبری فزونی یافته و بعضا بر فعالیت اصلی آنها سایه انداخته است. هر روز پس از ناهار و استراحت وقت حضور طلبه در بحث های طلبگی است. شب هاي درسي به مطالعه درسها و شبهاي تعطيلي (بجز شب جمعه برای کربلا رفتن در شب پنجشنبه و تعطیلات) معمولا به گعده در نزد بزرگان یا رفقای طلبه می گذرد. بخشی خبر است و بخشی مسئله و بخشی هم بحث های زندگی روزمره.
در حال حاضر حدود ۱۴ تا ۱۵ هزار طلبه در نجف حضور دارند و این رقم احتمالا روندی افزایشی نیز داشته باشد. اگر کسی بخواهد درس می خواند و فاضل می شود بسیاری از طلبه ها برای تبلیغ و تبیین احکام به کشورها یا بلاد خود بر می گردند و انچه آموخته اند برای وظایف آنان در دور دست کافی است.
طلبه نجفی باید ساده زندگی کند. او برای گذران زندگی خود وابسته به شهریه اساتید است و در این حال برای

درآمد بیشتر باید یا به پروژه های تحقیقی مرتبط با حوزه بپیوندد یا کلاس قرآن و حدیث بگذارد، یا نماز و روزه استیجاری بگیرد ویا اگر مقدور باشد حج نیابتی برود و یا کمکی از خانواده دریافت کند یا میراثی از درگذشتگان داشته باشد. طلبه نجفی نمی تواند شغلی برای خود اتخاذ کند. برای همسرشان نیز امکان شغلی معتنابهی فراهم نیست.

نگاهی به میزان شهریه دریافتی طلبه های نجف در شرایط فعلی، درک وضع معیشتی آنان را روشن تر می سازد. طبق اطلاع؛ سقف دریافتی یک طلبه درس خارج خوان متاهل به عنوان شهریه حدود ۶۰۰ هزار تا ۶۳۰ هزار دینار عراقی یعنی نزدیک ۵۰۰ دلار است. این میزان برای طلبه ی سطوح پایین تر به نسبت تجرد و تاهل بین ۳۰۰ هزار دینار تا ۶۰۰ هزار متغیر است. بیشترین پرداخت نیز مربوط به **آیت الله سیستانی** به مبلغ ۲۰۰ تا ۲۲۰ هزار دینار و سپس **آیت الله خامنه ای** حدود ۱۸۵ هزار دینار و **آیت الله حکیم** ۹۰ تا ۱۱۰ هزار دینار، **آیت الله فیاض** ۳۰ هزار دینار برای طلبه های خاص و ۱۰ هزار برای دیگر طلبه ها، **آیت الله شیخ بشیر نجفی** ۵۰ هزار دینار برای بعضی اساتید و ۲۵ هزار برای طلبه های خاص و ده هزار برای دیگر طلبه ها، **آیت الله مکارم شیرازی** ۶۰ هزار دینار، **آیت الله وحید خراسانی** ۳۰ هزار دینار و **آیت الله سید صادق شیرازی** ۳۰ هزار دینار است. این میزان شهریه با توجه به آنکه نجف اشرف در سالهای اخیر به شهر گرانی تبدیل شده است زندگی طلبه را در سطح متوسط به پایین جامعه قرار می دهد.



به طلبه نجفی توصیه می شود به کارهای اجرایی وارد نشود و تصدی مسئولیت دولتی نکند. او برای نمایندگی و مناصب سیاسی و مشاغل اجرایی تربیت نمی شود. او باید فقیه شود و چنان که قبلا گفته شد نمی تواند انگیزه ای غیر از طلبگی داشته باشد و هیچ چیز در این حوزه نباید این هدف مهم را تحت الشعاع قرار دهد. چه علم باشد، چه سیاست و چه منصب و چه مسئولیتی اجتماعی.

آداب و حضور اجتماعی زندگی

روحانیت در نوع خود یک صنف متمایز است و به حریم خود حساس است. محترم بودن روحانیت از لوازم تاثیرگذار بودن این قشر است لذا دقت های زیادی در حفظ شأن خود دارند. نوع حیات و حضور اجتماعی آنان نیز از فرم و ویژگی های خاصی تبعیت می کند. در مجامع و مجالس عمومی معمولا در محل خاصی می نشینند و رعایت یکدیگر را می کنند و معمولا به کسی که فضل بیشتری دارد و یا از سادات است و یا معمر تر است به احترام جای بهتری داده می شود. پیشتر گفته شد که طلبه باید از تجمل پرهیز کند و در سلوک اجتماعی متین و

سنگین و موقر باشد. افتاده راه رفتن و آرام صحبت کردن و خوش حساب بودن لازمه این صنف است.
عموما پوشیدن ساعت مچی، بلند کردن موی سر، پوشیدن لباس گرانقیمت، رانندگی با موتور، رانندگی اساتید با ماشین، جر و بحث کردن در خیابان، پرسه زدن در بازار، خوردن غذا در خیابان و رفتن به قهوه خانه و امثال آن از این صنف پذیرفته نیست گرچه ممکن است طلبه های برخی بلاد (ایران) خیلی مقید به همه این موارد نباشند.
در ازدواج، دیدار دختر و پسر قبل از عقد امری مذموم است. خواستگاری از طریق زنان صورت می پذیرد و آنها باید بپسندند. شاید دختر از دور و بدون اطلاع طلبه، او را ببیند. اما ملاقات رو در رو قبل از عقد پسندیده و رایج نیست. با خانواده بازار رفتن یا در پارک‌های عمومی قدم زدن برای طلبه پسندیده نیست. همسر طلبه نجفی همیشه پوشیه می زند حتی اگر تنها به خیابان برود و اگر با همسر خود به ضرورتی بیرون برود دو قدم از شوهر خود عقب تر راه می رود. صورتش را جز محارم نمی بیند. در مجالس خانوادگی اختلاط با نامحرم وجود ندارد ومعمولا سفره ها و مجالس جدا بر پا می شود.
عمامه گذاری معمولا پس از گذراندن دوره سطح در محضر اساتید یا مراجع صورت می پذیرد. اندازه عمامه نیز خوب است با سطح علمی سازگاری داشته باشد. در عموم مکان های اجتماعی نیز انتظار می رود طلبه همواره پس از عمامه گذاری با لباس روحانیت در محافل حاضر شود. معمولا در یادکرد ها چه از مراجع و چه از اساتید عنوان آقا به کار می‌رود، نظیر آقای خویی، آقای خمینی، آقای سیستانی. در خطاب های رسمی برای استفاده از عناوین دقت می شود و عبارات «حجت الاسلام و المسلمین» برای اساتید و مجتهدین مطرح و عنوان آیت الله برای مقامات بسیار بالای حوزوی استفاده می شود.

رویه های نظارتی و ساختار سازمانی

برای جلوگیری از مفاسد احتمالی در نجف اشرف نیز به شکل سنتی رویه هایی شکل گرفته است. البته منطق مکتب نجف با منطق گردش اقتصادی دوران مدرن که بر مبنای بوروکراسی استتفاوت ساختاری دارد. از نظر اقتصادی بیوت تلاش بر دقت داشته و تمام ورود و خروج ها ثبت می شود.نظام سختگیرانه ای برای مصارف مالی وضع شده است و اغلب هزینه ها، نیازمند اجازه و مهر خود مرجع و یا دفتر است و احتمال فساد، کمینه است. هزینه ها عموما برای شهریه طلاب و اساتید و سپس انتشار کتب و ساخت مدرسه علمیه و گسترش دفاتر و موسسات در جهان و ترویج و تبلیغ تشیع مصرف می شود. البته موضوع کیفیت هزینه ها و اینکه آیا همه جا سرمایه گذاری ها دقیق و هدفمند و منجر به نتیجه بوده و آیا به همان دقت که مرجع تاکید دارد مصرف می شود، نکته ی دیگری است که باید در جای خود بحث شود. بیوت مراجع نجف معمولا کوچک است و دفتر تفاوت چندانی با بیت ندارد. و از این نظر، محدویت خودساخته مراجع نجف باعث شده که امکان گسترش بیت و ورود کارکنان به شکل عریض و طویل ممکن نباشد. ساختمان و شمایل دفتر باید با اصول ساده زیستی سازگاری داشته باشد. دفتر مراجع، معمولا ساختمانی بسیار ساده، تک طبقه و تا حد زیادی قدیمی و نه چندان مستحکم، دیوارهای گچی، بدون نماسازی و زیباسازی های رایج دربیرون و درون، بدون کف‌پوش‌های معتنابه ومعمولا مفروش به موکت یا فرش های کم قیمت است. امکانات ساختمان نیز بسیار ساده و معمولی تر از انتظار است. بی استثنا دفاتر ۴ مرجع اصلی و اغلب اساتید که از نزدیک مشاهده کردم این گونه است. موقعیت دفتر آیت الله سیستانی و ساختمان های بلند مشرف به آن به گونه ایست که بی تردید می توان گفت این مرجع تقلید عالی مقام شیعه سالهاست روز را دیده اند اما خورشید و آفتاب مستقیم را ندیده اند. در مصرف شخصی هم نهایت مراقبت را به انجام می رسانند. معمولا هر آنچه از وجوهات و نذورات و هدایا می رسد به امور مربوط به مذهب اختصاص می یابد و اغراق نیست که بگوییم آیت الله سیستانی هیچ چیز برای خود ندارد. داستان خانه اجاره ای ایشان که مشهور است. در صفا و ساده زیستی آیت الله حکیم و آیت الله فیاض و آیت الله بشیر نجفی نیز تا آنجا که مشاهده کردم و می دانم امتداد همان داستان است.
علاوه بر آن در نجف آقازادگی موجب برخورداری از امکانات یا امتیازات خاص نیست و کسی نمی تواند به این دلیل از موقعیت یا امکاناتی ویژه برخوردار شود. در نجف اشرف معمولا یکی از فرزندان یا داماد یا یکی از شاگردان باسابقه نقش دستیار یا مسئول دفتر اساتید و مراجع عظام را ایفا می کند. اما این ماموریت به صرف انتساب خویشاوندی نیست و این فرد باید شهرت به صدق، امانت داری، پاکدستی، تقوا و ساده زیستی داشته باشد. مناعت طبع و پرهیز از دنیاطلبی، کیاست و مراقبت از آمیختگی بیش از حد با اشخاص در عین ادب

برای حفظ حریم مرجعیت یک ضرورت است. مسئول دفتر اگر بخواهد کاری خارج از مسئولیت خود انجام دهد باید از خود خبرویت نشان دهد. در بسیاری از موارد مسئول دفتر و یا فرزندان مرجع خود از توان علمی و فقاهت قوی برخوردار است و از این بابت دروس آنها نیز از درس های پرطرفدار نجف اشرف است و البته این نه به دلیل نسبت خویشاوندی است بلکه منبعث از خود فرد است، کما اینکه بطور مثال در گذشته **آقا مصطفی خمینی** به وزانت علمی شهرت داشت و امروز دروس **آقا سیدباقر سیستانی** بسیار پرطرفدار است. علاوه بر آن به نظر می رسد در نجف اشرف تربیت فرزندان و دقت بر چگونگی زندگی و ارتباطات ایشان از اجزای لاینفک زندگی طلبگی در این حوزه باشد و پذیرفته نیست کسی فرزندان خود را به حال خود رها کند یا اجازه دهد از اعتبار مرجعیت یا تدریس استاد برای کسب امتیازات خاص استفاده کند. نگاهی به شخصیت غالب فرزندان مراجع عظام و اساتید امروز و گذشته تا حد زیادی این مراقبت را تایید می کند.

بعد دیگر ساختار سازمانی نهاد مرجعیت، نمایندگان مراجع است. آنان موثق ترین و نزدیک ترین شخصیت ها به مراجع هستند و معمولا از میان دامادها، شاگردان و معتمدین مورد وثوق انتخاب می شوند. آنان سفرای مراجع و نمونه ای از نگاه مراجع به جوامع شیعی هستند. از ویژگی های نمایندگان مراجع نجف توانمندی بالا در ارتباط با طیف های مختلف حوزوی و اجتماعی و فرهنگی و در صورت لزوم سیاسی است که نیازمند کیاست، مهارت، دقت در سلوک و مراقبت در رفتار است. حسن معاشرت و اعتدال در شخصیت و حسن نظر و رفق و وفق و توان تاسیس و تالیف و شناخت درست از نیازهای مخاطبان برای گسترش فضای ارتباط مرجعیت و جوامع از آنان مورد انتظار است. نمایندگان مراجع نیز معمولا از دخالت سیاسی پرهیز می کنند و در بیان رسمی صرفا منتقل کننده دیدگاه های مرجعیت هستند چنان که از شیخ مهدی کربلایی و سید احمد صافی سراغ داریم. نمایندگان مرجعیت در خارج از عراق نیز صرفا برای تنظیم وجوهات و پشتیبانی از طلبه های کشور مقصد برگزیده نشده اند. شناخت نیاز های مذهبی مردم کشور یا کشورهایی که آنان در آن نمایندگی دارند و تنظیم روابط با جریانات موثر شیعی و بین مذهبی و بین دینی و همچنین نخبگان فرهنگی و علمی و شخصیت های بلاد از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. نگاه بلند مدت به نیازهای مذهب و رویکرد تاسیسی منزلتی استراتژیک دارد. هر پایگاه و نهاد مذهبی که در دنیا تاسیس می شود اگر مبتنی بر نیازسنجی و تصمیم درست باشد، نهال ماندگاری است که برای قرن ها میوه خواهد داد. یکی از نمونه های سرشناس و موفق نماینده مرجعیت از مکتب اعتدالی نجف، حجت الاسلام والمسلمین **سید جواد شهرستانی** است، که از بزرگان بسیاری تحسین ایشان را شنیده ام و شخصا نیز تجربه کرده ام. ایشان برای دوران های طولانی از نمونه های ماندگار در دستگاه مرجعیت به شمار خواهند رفت.

مجموعا ساختار مرجعیت، زعامت، دفتر و نمایندگی مرجعیت شیعه بسیار ساده طراحی شده است و کارکرد آن بستگی مستقیم به ذکاوت، بلند نظری و خصوصیات شخصیتی زعیم، مرجع، دفتر و نمایندگان و شاگردان آنان دارد. این سادگی، تصمیم گیری را ساده می کند و مخصوصا اگر مرجع خوش فکر بوده و تشکیلاتش خلاق باشد نتیجه درخشان است و از سوی دیگر اگر در هر نقطه از این سلسله مخصوصا در فشارها و بحران ها ضعفی نمایان شود خود را خیلی زود آشکار خواهد ساخت. ساختارهای رسمی نهادهای مذهبی در مسیحیت به مدل یک دولت و در اهل سنت به مدل وزارت نزدیک شده و ناکارآمدی ها و حتا مفاسد زیادی از خود نشان داده است. ساختارهای مدرن اگر همراه با شفافیت، پاسخگویی و حسابرسی نباشد منجر به فساد و فرسایش می شود. ساختار فعلی زعامت و مرجعیت شیعه از نمونه های نظیر در سایر مذاهب بهتر و چابک تر و هدفمند تر به نظر می رسد و البته نیازمند بهبود مخصوصا در حوزه شناخت تحولات جهانی، شناخت تاثیرات فتاوی و اقدامات مرجعیت در جامعه شیعی و ارتباط با سایر مذاهب، نیاز سنجی، پاسخگویی و نظارت است.

نحوه رسیدگی به تخلفات

طلبه باید مزین به اخلاق، تواضع و تدین باشد و کمتر شنیده شده طلبه نجفی شهرتی به خلاف پیدا کند. دنیاطلبی و تجمل و عافیت طلبی هم مذموم است. در این حال اگر تخلفی صورت گیرد، تخلفات طلبه ها به شیوه ای اخلاقی و مرحله ای مورد توجه قرار می گیرد. اگر طلبه ای جرمی مرتکب شود در دادگاه هایی محاکمه می شود که سایر آحاد جامعه محاکمه می شوند. اگر موضوع در حد جرائم نباشد و مثلا طلبه ای شهرت به عدم رعایت موازین طلبگی پیدا کند معمولا استاد تذکر می دهد و اگر تداوم پیدا کرد عذرش را خواهد خواست و طبیعتا این طلبه برای رفتن پای درس سایر اساتید مورد پرسش خواهد بود. یا باید خود را تصحیح کند و یا

شهرت به بدخلقی و انزوا را اختیار نماید. حوزه مداخله دیگری نخواهد کرد و چیزی به نام خلع لباس در حوزه نجف اشرف وجود ندارد.

رویکرد تعاملی و انفتاح نسبت به سایر حوزه های علمیه

تا پیش از سیطره صدام و فشارهای دوران او، طلبه هایی که در حوزه های دیگر درس خوانده بودند معمولا نجف را به دلیل حضور پر شمار علمای بسیار بزرگ و تراز اول و مبرز در علوم و فنون فقهی برای مراحل بالاتر تحصیل انتخاب می کردند و کمتر دیده می شد که طلبه ای که به نجف آمده است برای ادامه تحصیل و کسب علم به حوزه دیگری رجوع کند مگر آن که تبعید شده باشد یا ضرورتی غیر قابل عدول وجود داشته باشد. آغوش حوزه نجف به روی اساتید و طلابی که سطوح مختلف را در حوزه های دیگر طی کرده بودند همواره گشوده بوده است. گرچه شاید تا قبل از دوران جدید، طلاب ایرانی و سپس طلاب عرب کشورهای حاشیه خلیج فارس و لبنان نسبت به طلاب پاکستانی و افغانستانی و هندی از شرایط بهتری برخوردار بودند. به گونه ای که در مقطعی شهریه طلاب ایرانی و عرب از طلاب افغانی و پاکستانی و هندی بیشتر بوده است.

از نظر تنوع ملیتی تقریبا تا پیش از دوران صدام حدود ۷ هزار طلبه در نجف اشرف تحصیل می کردند که از این تعداد حدود هفتاد درصد خارجی (عموما ایرانی، پاکستانی، هندی، افغانی و عرب‌های سایر کشورها) و حدود ۳۰ درصد عراقی بودند. در دوران صدام و جنگ با ایران، با فشارهای وحشتناک به حوزه و تبعید بسیاری از طلاب ایرانی و بازداشت طلاب عراقی عملا مهاجرت به عراق نیز به کمترین میزان خود رسید و این تعداد به حدود هزار طلبه کاهش پیدا کرد. پس از سقوط صدام حوزه نجف اشرف رو به رونق گذاشت و اینک با حدود ۱۵ هزار طلبه در حال بازیابی عظمت گذشته خود است. در این حال در شرایط فعلی حدود هفتاد درصد طلبه های این حوزه عراقی و ۳۰ درصد غیر عراقی و بیشتر از کشورهای حاشیه خلیج فارس، پاکستان، افغانستان و هندی و تعدادی هم از کشورهای غربی هستند. در مهمترین تحول تعداد طلبه های ایرانی به کمترین میزان خود رسیده است. و از آنجا که همواره طلبه های ایرانی یکی از قطب های علمی نجف اشرف بوده اند، این موضوع و تاثیرات احتمالی اش جای تامل جدی دارد. گرچه شاید تعداد کم طلاب ایرانی یکی به دلیل وسعت و رونق حوزه علمیه قم باشد و دیگری دقت و سختگیری در پذیرش طلبه های ایرانی برای پرهیز از ورود حواشی سیاسی رایج در ایران به نجف اشرف.

از نظر تنوع فرهنگی نیز حوزه نجف به خوبی با تنوع فرهنگی طلاب مهاجر خود کنار آمده و غلبه درس و بحث تمایزات فرهنگی را به شدت کم رنگ کرده و از یاد برده است.در نتیجه، نسبت به انواع فرهنگ های ملل مسلمان نوعی انفتاح و انعطاف وجود دارد. کما این که غلبه فلسفه زیارت در حرم امام علی (ع)، تنوع فرهنگی زائران را به خوبی در خود متبلور است. در حرم امام علی (ع) هر کس به شیوه ی خود مشغول زیارت است و شیعه و سنی و گرایش های علوی و زیدی و صوفیان و چه بسا مذاهب و ادیان دیگر در این مکان مقدس به زیارت و دیدار مشرف می شوند و تنها حرمی است که هرگز به اعتبار مقام و سیاستمدار و حتا مرجع دینی بسته نمی شود.

رویکردهای سیاسی و استقلال نهاد حوزه

موضوع مهم دیگر در خوداتکایی و استقلال نهاد علم و نحوه تامین مالی آن است. حوزه نجف اشرف به شدت به استقلال خود در اقتصاد، نظام آموزشی و سیاست حساس است و هیچ دخالتی را از سوی حکومت یا غیر حکومت در امور خود نمی پذیرد. از نظر مالی با نفی پذیرش کمک از حکومت، تنگدستی و ریاضت را پذیرفته و صرفا به کمک ها و وجوهات شرعی مردم استوار است و البته به وادی کسب درآمد از طرق دیگر نیز کشیده نشده است. یعنی حوزه نجف اشرف تجارت نمی کند. حساسیت به استقلال حوزه به حدی است که آیت الله سیستانی هیچ کمکی از هیچ دولتی را قبول نمی کنند و آیت الله فیاض بیان می داشت «علمای ما شهادت را قبول می کنند، اما کمک دولت را قبول نمی کنند». همین مدل عدم وابستگی اقتصادی به دولت یا جریانات به این حوزه استحکام منحصر بفردی بخشیده است و لذا توانسته در دولت ها و حکومت های مختلف که بعضا تا حد کشتار و قلع و قمع طلبه ها پیش رفته اند، استقامت ورزیده و دوام بیاورد. نهایت ارتباط حوزه با دولت، صدور مجوز اقامت طلبه های خارجی از سوی دولت پس از دریافت تاییدیه شورای منتخب حوزه است. این شورا نیز منتخب حوزه است و دولت نقشی در آن ندارد. استغنای اقتصادی حوزه علمیه نجف تا آنجا پیش رفته

است که آیت الله سیستانی نه تنها کمک از دولت را نمی پذیرد بلکه مصرف وجوهات در عراق را هم به خود مردم واگذار کرده است. این استغنا قطعا آثار معنوی و واقعی بسیاری در حفظ کرامت حوزه و روحانیت برجای گذاشته و اعتماد به نفس و حسن نیت تلاش حوزه در امر دین را تعمیق می بخشد.
در عین استقلال و پرهیز از مداخلات پرهیاهو و حزبگرایانه سیاسی، حوزه علمیه نجف از بعد نظری دارای دیدگاه سیاسی متنوع است.
این موضوع که حوزه نجف چه دیدگاهی درباره حکومت در اسلام دارد بحثی فقهی است که باید اهلش به آن بپردازند اما از منظر یک ناظر بیرونی اگر بخواهم جمع بندی کنم می توانم بگویم نجف در این خصوص صراحت ندارد و باب اجتهاد در این خصوص را نبسته است اما قیام ابتدایی به تشکیل حکومت در این حوزه عمومیت نداشته است. درخصوص وظیفه فقهای شیعه در دوران غیبت، به عنوان مثال، حوزه نجف طیف وسیعی از دیدگاه ها را شامل شده است: نگاه تقلیل گرایانه در حد دخالت در امور حسبیه از یک سو، دیدگاه دخالت به میزان توان و هنگام ضرورت که مشروعیت حکومت را به امضای مجتهد می داند اما قیام ابتدایی به حکومت نمی کند، چنان که از سیره آیت الله خویی استنباط می شود از سوی دیگر، تا نگاه حداکثری طرح تشکیل حکومت با ولایت مطلقه چنان که امام خمینی باور داشتند، و نهایتا دیدگاه بینابین دولت مدنی و نظارت فقیه که در آیت الله سیستانی سراغ می رود،
در میان نسل جدید نیز این گونه فهمیده می شود که آیت الله ایروانی و بسیاری از اساتید دیگر به دیدگاهی بین آیت الله خویی و آیت الله سیستانی یعنی دخالت در سیاست و حکومت در حد «ضرورت و مصلحت» و در چارچوب احکام اولیه و نه از نوع ولایت مطلقه و تعدادی دیگر از علما نظیر آیت الله جواهری به دیدگاه امام خمینی یعنی ولایت مطلقه نزدیک باشند. آیت الله سند نیز دیدگاه خاص خود را با عنوان دولت جهانی در سیستم معصوم (ع) دارد که نقشی ویژه برای علما و نخبگان و مومنان در آن قائل هستند. تنها نقطه اشتراک این دیدگاه های متنوع شاید این باشد که مشروعیت حکومت منوط به امضای نهایی مجتهد جامع الشرایط است. در بین رویکردهایی که عنوان شد امروز و تحت زعامت آیت الله سیستانی نگاه غالب اولویت دادن به دخالت ابتدایی در سیاست و حکومت نیست. از منظر ایشان دخالت در سیاست تنها از باب «ضرورت و مصلحت» باید باشد. به عبارتی ایشان توانسته است با دو قید «ضرورت و مصلحت» بر میزان دخالت در سیاست و قدرت مهار بزند و با تصمیمی ارادی، سیاست و حکومت را شغل روزمره خود تعریف نکند. همین نگاه پرهیز از سیاست مداخله گرایانه و محدود کردن ورود به سیاست به «ضرورت و مصلحت » و همچنین تنوع جهان بینی های سیاسی در حوزه علمیه نجف اشرف (در کنار عواملی چون بافت متفاوت اجتماعی و قومی و مذهبی عراق) باعث شد تا ولایت فقیه یا مرجعیت در قانون اساسی عراق وارد نشود اما شیعه بودن نخست وزیر که تابعی از پارلمان و در حقیقت اکثریت شیعی عراق است، تضمین شود. حوزه علمیه نجف اشرف علاوه بر سنت های علمی خود، تجربه ایران را نیزدر اختیار دارد که به این تجربه احترام می گذارد، نام حضرت امام را به عزت و تواضع یاد می کند. (وبا همه اینها بشدت از الکوکرفتن از ایران برهیز دارد) و در این حال از نکات مثبت و منفی این تجربه برداشت های خود را دارد. اگر مقایسه ای با ۵ سال گذشته بخواهم داشته باشم، این روزها در نظر داشتن موضوع مصلحت در کنار ضرورت که نوعی تلفیق دیدگاه نظری با واقعیت بیرونی است بیشتر در ادبیات اساتید شنیده می شود. که به نظر می رسد ناشی از تجربه های اندوخته و اموخته شده تحولات سالهای پس از سقوط صدام و نقش روحانیت شیعه در دوران اخیر عراق باشد..
تا پیش از سقوط صدام به طور کلی در نجف حفظ نوعی فاصله با حکومت در عراق یک اصل بوده است. اگر حکومت سر ستیز با دین نداشته و یا به حریم حوزه تعدی نداشته است، جریان اصلی حوزه نیز سودای مداخله در امور را در سر نمی پرورانده است. البته اگر مفسده ای احساس می شد، به شیعیان هشدار داده می شد ؛ چنان که زمانی رفتن به مدارس دولتی را جایز نمی دانستند و وقتی احساس شد در خلاء حضور وسیع جوانان مومن شیعه در مدارس، احزاب غیر دینی توانستند از خانواده ها عضو گیری کنند، مجددا اجازه داده شد. یا شهید صدر اقدام به تاسیس حزب الدعوه کرد تا جوانان را از تهاجم اندیشه های مارکسیستی و الحادی و انحرافی محافظت کند، گرچه بعدا خود از این حزب خارج شد.
زمانی نیز حکومت فشار آورد و از حوزه تقاضای همکاری داشت که به دلیل عدم تمکین، از مهاجرت و تبعید گرفته تا زندان و نثار خون مراجع تقليدي مانند (شهیدین غروي و بروجردي) و علمای بزرگ نظیر شهید صدر

و وابستگان بیوت مراجع نظیر آل حکیم و شاگردان و فرزند آیت الله خویی و ودیگر بزرگان و همچنین تلاش برای حذف زعامت آیت الله خویی و یا طراحی ترور آیت الله سیستانی و حصر ایشان پیش می رفت . آنجا نیز که ضرورت راهی جز مداخله در سیاست باقی نگذاشته، حوزه ورود و اثر سیاسی خود را بر جای گذاشته است، که به مواردی از آن اشاره شد. این دخالت محدود و موثر را در انتقاضه شعبانیه نیز از سوی آیت الله خویی مشاهده می کنیم . همچنین هرجا کیان دین و میهن در خطر بوده حوزه حکم جهاد هم داده است چنان که آیت الله سیستانی علیه داعش حکم دادند. که البته ورود ایشان به حوزه سیاست از جمله اصرار بر یکپارچگی عراق، ورود جهت شکل گیری قانون اساسی ،و تعیین نخست وزیر شیعی و یا مداخله در بحران نجف پس از محاصره حرم شریف توسط آمریکایی ها همگی از نوع دخالت ثانویه و حداقلی و از جنس حضور در گردنه های خطرناک برای دفاع از امت و باز کردن گره ها سخت بوده است.

به طور کلی می توان گفت، صرف نظر از طیف متنوع دیدگاه ها درباره ولایت فقیه و ورود حداقلی فقها در سیاست ، در بعد عملی فعالیت سیاسی یا حزبی به مفهوم رایج در این حوزه جاری نیست. امروز نیز با آنکه حکومت ضدیتی با دین ندارد، توصیه زعامت حوزه آن است که استاد یا طلبه حوزه نجف به شکل روزمره در سیاست مداخله نکند. مراجع عظام به ویژه زعیم حوزه نیز عموما از پذیرش سیاسیون پرهیز دارند. (برخلاف ایران) زعیم حوزه نجف هر روز بیانیه نمی دهد و غالبا در سیاست ریز نمی شود و عموما در انتخابات هم مداخله نمی کند. البته این موضوع حالت تحکمی ندارد و بیشتر وجه توصیه ای دارد و تنوع و آزادی دیدگاه ها در نجف ممکن است باعث شود که برخی در انتخابات نیز مداخله کنند که این موضوع عمومیت نداشته است و نمی توان آن را تسری داد.

در نجف اشرف حکومت های امروز جهان حکومت مطلوب تلقی نمی شوند، با این حال معمولا به رابطه صلح آمیز دولت های جهان به ویژه دول اسلامی نگاهی مثبت وجود دارد و کمتر ادبیات و سیاست تهاجمی از این حوزه شنیده می شود. (برخلاف ایران) رفت و آمد به کشورها و تحصیل و تجارت هم موجب پرسش و مسئله ای نمی شود، می خواهد آن دولت ایران باشد یا عربستان، آمریکا باشد یا انگلیس. سفارش تنها به حفظ حلال و حرام خدا و رعایت حدود است. حتی نسبت به اخذ مقام سیاسی یا اجتماعی در کشورهای غربی در صورت وجود صلاح مسلمین نگاه مثبتی وجود دارد. نسبت به تحمل ادیان و مذاهب، چه توحیدی و چه غیر توحیدی نیز انفتاح وجود دارد.

بر اساس موارد پیش گفته، اصلی ترین خصوصیاتی که حوزه نجف اشرف در شرایط فعلی به نسبتی در خود نهادینه کرده و یا تلاش می کند تقویت کند را می توان در نکات ذیل خلاصه کرد:

- ایمان و باور به معنویت گرایی در کسب توفیقات به ویژه زعامت و مرجعیت
- تقدم بعد نظری و تاکید بر فقه و اصول
- اعتدال در فتوا، تعادل در ممشا
- باور به ابتکار و نواوری علمی وحریت در اجتهاد در کنار تعلق به سنت و عقبه علمی خود و توجه به مکاتب دیگر و فقه مقارن
- رویه های مدنی و دموکراتیک در فرایند مدیریت نهاد علم (حوزه)
- شاگرد محوری با حفظ کرامت و شانیت استاد
- استحکام و نشاط علمی در عین مدارا و پذیرش تنوع آراء در حوزه و بیرون حوزه
- پایبندی به سنت های سلوک اجتماعی و شخصیتی از جمله ساده زیستی، ادب و آداب گفت و گو و تعایش با مردم و نخبگان
- نبود رقابت فردگرایانه و غیر اخلاقی به ویژه در سطح زعامت و مرجعیت
- نگاه به درون و تقدم حفظ حوزه
- منع فعالیت اجرایی و تصدی گری برای روحانیان
- ورود حداقلی و ثانویه به سیاست با محوریت ضرورت و مصلحت + دشوارسازی مداخله سیاست در حوره
- استقلال اقتصادی از دولت ها و قدرتها
- پرهیز از تحزب

- فراملیتی بودن
- هاضمه بزرگ و بزرگ اندیشی
- احترام به کرامت و حقوق انسان و عنصر اندیشه و آزادی
- برخورداری از تجربه زیست به عنوان اقلیت مظلوم که روح همدلی و نگاه به حقوق اقلیت ها را وسعت داده است
- حیات اجتماعی به مثابه یک نهاد مدنی در حد فاصل مردم و حکومت
- تسلط به زبان عربی به عنوان زبان فهم قرآن کریم و روایات

آینده حوزه نجف: بهره گیری از عنصر استقلال و آزادی و بازتولید مجد و عظمت

چنان که در فرازهای متن اشاره شد، حوزه نجف اشرف به رغم طبیعی بودن مداخله در قدرت سیاسی پس از سقوط صدام، دکترین اسلام غیر متداخل یا با فاصله از قدرت سیاسی را برگزید. دلایل این رویکرد عبارت بود از:

- دلایل فقهی و فکری مراجع نجف اشرف به ویژه زعیم آن حضرت آیت الله سیستانی و نگاه دولت مدنی ایشان،
- ثقالت و سنگینی دکترین فقهی و سنت زعمای پیشین در دوری از مداخله سیاسی غیر ضرور (زعمای حال حاضر حوزه شاگردان مکتب زعمای پیشین و وفادار به آن هستند)
- تنوع ملیتی اکابر حوزه و گسترش خصلت جهان وطنی و
- کارکرد قوی نفوذ معنوی و منزلت برتر حوزه علمیه نجف با دوری از قدرت رسمی سیاسی و نبود اطمینان و تضمین که دخالت در قدرت سیاسی اثر مثبتی به بار می آورد بلکه ممکن است آثار منفی را هم بر حوزه نجف بار کند و بار مسئولیت یا پاسخ گویی ناکارآمدی ها و فساد را بر دوش حوزه بیندازد
- دلایل منفی تاریخی انباشته شده از تداول قدرت ها و سرکوب های شقاوت بار
- وضعیت قومی به ویژه وزن جمعیتی اهل تسنن عراق،
- وضعیت اشغال و آشوب های داخلی و دخالت بیگانگان و احتمال دامن زدن به منازعات مذهبی
- تجربیات مثبت و منفی همسایگان و دولت های مسلمان دیگر
- تجربه سال های پس از سقوط صدام که منافع دخالت غیر مستقیم در سیاست را برای روحانیت شیعه بر منافع دخالت مستقیم مرجح می سازد و حفظ فاصله از دولت را واجد منافع طرفینی می داند

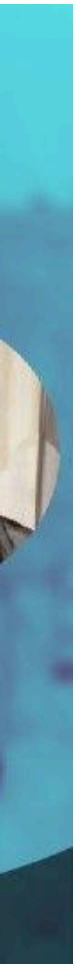
و بر مبنای همه نکات پیش گفته مجموعا نجف اشرف در حال پیشرفت و بازتولید مجد و عظمت گذشته خویش است. نجف با تمرکز بر فقه و اصول و دور نگاه داشتن خود از فضاهای پراکنده دیگر، فقیه پروری و مرجع پروری را هدف خود قرار داده است و به نظر می رسد که در این مسیر، با شناخت حرکت می کند. بر همین مبنا نیز طلبه نجفی نوعا معنویت، اخلاق، اندیشه و سلوک متناسب با این هدف را پیدا می کند. نجف کارویژه خود را شناخته و در همان مسیر گام بر می دارد. اما آنچه امروز بیش از همیشه در این حوزه به چشم می خورد بهره مندی از عنصر آزادی و احساس آزادی در اندیشه و بیان است. همان چیزی که ملت عراق آن را با گوشت و پوست و استخوان حس می کند. همین احساس آزادی به آنها نشاط خاصی بخشیده است. ملت عراق در دوران صدام به ملتی مسخ شده تبدیل شده بود که به اجبار باید از خود رفتاری متفاوت با آنچه اعتقاد داشت بروز دهد در حالی که امروز همان چیزی را نشان می دهد که هست. حوزه نجف نیز از این خصیصه آزادی بهره مند شده است و نیازمند تقیه و مخفی سازی دیدگاه های خود نیست. حوزه نجف از این آزادی در عمق بخشیدن و نضج نشاط علمی بهره می برد. علمای نجف آزادانه سخن می گویند و کسی احساس دخالت در حوزه شخصی خود را ندارد. کسی نگران نیست (مثل ایران) که بخاطر اظهار دیدگاهش در حوزه دینی یا اجتماعی، دیگران منزل یا مکتبش را مورد هجمه قرار دهند. در نجف کسی شعار نمی دهد و طلبه ها برای حمایت از این و آن یا محکومیت این و آن اجتماع نمی کنند و بیانیه دادن مرسوم نیست. کسی هم درگوشی صحبت نمی کند چون کسی نگران مداخله پنهان دیگری نیست. آنها درباره همه چیز سخن می گویند، اما دخالت رسمی نمی کنند. دیدگاه های نجف نیز در حوزه های مختلف از رابطه دولت/ملت، تا نقش علما در سیاست تا حق انتخاب مردم و تا

میزان اعمال شرع در سطح حاکمیت و جامعه همه با این اصل آزادی مقارنت دارد. آیت الله سیستانی و دیگر مراجع نجف اشرف مانع آزادی کسی نمی شوند و فتوای تکفیر نمی دهند. البته نجف به گذشته خود حساس است و به آن افتخار می کند. نقد را تحمل می کند اما اتهام به خود را معمولا بر نمی تابد و اگر هم در پاسخ سکوت کند، در واقع فراموش نمی کند. لذا کسانی که در گذشته اتهاماتی را متوجه نجف کرده اند هر چقدر از نظر علمی بزرگ باشند، آنجا محبوبیتی ندارند.

نجف همیشه بزرگ می اندیشیده حتی وقتی تحت خفقان صدام بوده است. اندیشه های **آیت الله خویی و امام خمینی و شهید صدر و آیت الله سیستانی** در دوران اخیر از این جمله اند.

با همه تفاوت ها و مباینت ها همه بزرگ هستند و جایگاه ویژه خود را دارند. اینک که دوران آزادی است چه بسا اندیشه هایی بزرگتر و جهانی تر رخ دهد. پای صحبت یکایک علمای بزرگ نجف که بنشینید از **آیات سیستانی و حکیم و فیاض و شیخ بشیر نجفی تا ایروانی و آل راضی و جواهری و سند و حائری**، در همه این شخصیت ها نوعی نشاط و استحکام فکری، و جهان بینی ستودنی را مشاهده می کنید.

این جهان بینی در آیت الله سیستانی و دیدگاه «دولت مدنی» ایشان که صندوق رای را در شرایط فعلی ممکن ترین راه همزیستی مردم و تشکیل دولت می دانند، تمایز خاص دارد و نمونه ای از اندیشه انسانی و مدرن شیعی در دوران آزادی و بهره مندی از آن است. با پناه بردن شیخ طوسی از تعدی و ظلم سلجوقیان به مجاورت امام علی (ع) حوزه نجف اشرف محوریت یافت و دوران مکرری از قبض و بسط سیاسی از قلع و قمع و کشتار و کتاب سوزی تا عزلت و انزوا و اتهام و دوره هایی از مجد و عزت و آزادی را تجربه کرده و جالب آنکه در هر دوره همواره صامد و منیع و استوار بوده و با استحکام علمی اش مخالف و موافق را به تواضع واداشته است.



اینک نیز بی تردید این حوزه علمیه شیعی می داند که امتحانی دیگر در پیش است. در پیش چشم نخبگان جهان نوع رفتار و مناعت و نقش آفرینی سیاسی و اجتماعی و مذهبی این حوزه در دوران قدرت و عزت و آزادی یک تجربه تاریخی، یک الگو، یک درس و یک عبرت خواهد بود. نجف بسیاری از مختصات خود را در قبل

به ویژه در دوران پیش از صدام نیز داشته است اما هیچگاه این همه آزاد نبوده و آزادی را لمس نکرده است. نجف در یک کلام آزاد شده است و با وسائط ارتباطی جدید امکان شناخت جهان و تحولات آن و نیازهای بشر بیش از همیشه برای عالمان این حوزه فراهم است. آنان شاید بهتر از همیشه ابزارهای تشخیص «ضرورت و مصلحت» را در اختیار دارند و باید دید تفقه نجف و فهم آن از «ضرورنت و مصلحت» در دوران ازادی چه ارمغانی برای جهان اسلام به بار خواهد آورد. نجف میوه «آزادی» را می چیند و این حوزه می داند که قدر و قیمت آزادی چیست.

در یکی از دیدارها از حکیمی پرسیدم مهمترین شاخصه امروز نجف چیست؟ گفت: آزادی علمی و فردی و نفوذ معنوی و سیاسی، باز پرسیدم مهم ترین نگرانی برای نجف چیست؟ گفت: همین نفوذ و آزادی!

ابوالفضل فاتح آذرماه ۱۳۹۶ / ربیع الاول ۱۴۳۹

درباره نكرانيهاي نويسنده براى آينده حوزه و مكتب نجف :

مطلبي هم در بخش ماقبل آخر مقاله حوزه نجف قرار داشت (كه در حقيقت نظرات براكنده نويسنده مقاله بود كه: غالب آنها وارد نبود، و يا بيشتر آنها در سبك و روش فعلي مكتب و حوزه و زعامت فعلي نجف تامين و لحاظ شده است، و بعضا هم جزو مشكلات قهري است كه بنظر تفكر فعلي نجف با عدم دخالت مستقيم زعامت توسط خود جامعه بيرايش و يا تامين مي شود، برخي موارد هم جزو اولويتهاي حوزه نجف نبوده كه حوزه در انها برحسب امكانات ورود مي كند نه به هر قيمتي، و برخي اشكالات هم اصلا بي ربط بوده مثل تعداد روزهای تحصيل رسمي را به معناي تعطيلي حوزه و علما و فضلا و طلاب در بقيه ايام سال توهم كرده است، و اين از بديهيات است كه حوزه بجز تحصيل مسؤوليتهای ديكر هم دارد، تحقيقات علمي و تبليغات ووو كه همه اين امور غالبا در ايام غير تحصيلي انجام مي شود، و اين ايام به اين امور مصروف مي كردد فلذا تعطيلي مصطلح كارمندي نيست كه بخواهد كسي بنشيند و بحث درابره اش بكند و نكران باشد آيا تعطيلي ضرر دارد و اينده حوزه برای تبليغ جه مي شود كه همواره فقط درس مي خوانند وووو!!!! .

معمولا در مراسم جشنها و ختمهاي بزركان همه مراجع و علماء و بيوت علمي و شخصيتهاي حوزه و ديني شركت مي كنند كه مي تواند محل مرور و اشنايي با افرادي باشد كه معمولا يكجا ديده نمي شوند مراسم افتتاحيه دار العلم نجف هم از اين مراسمها بود
افتتاح اين مركز علمي مربوط به مرحوم آيت الله خويي نوعي مراسم تجليل از شخصيت ايشان شمرده شده و همه حتى افرادي كه معاشرت اجتماعي ندارند در جنين مراسمي به احترام صاحب مجلس شركت مي كنند اكرجه عمده اين كزارش تصويري است اما براي شناخت وجوه حوزه نجف مفيد است ولدا در ادامه مبحث حوزه نجف انرا نقل كرده ايم از آنجا كه اين كزارش تفصيلي سبب اشنايي با افراد بيوت مراجع و علماي نجف و مؤسسات وابسته و مرتبط مي شود همه تصاوير منتشر نقل شد
هرجند اين كزارش تصويري نشان مي دهد كه در اين مراسم مهم همه علماي سرشناس عراق از طيفهاي مختلف حضور ندارند حتى از مقيميمن نجف و طوايف مرتبط ديكر مثل آل حكيم (بجز يكنفر) وشيرازي ها و صدريها ووو هم كسي به جشم نمي خورد و بيشتر افراد مربوطين به بيت مرحوم خويي و برخي مراجع نجف حضور دارند، علما و فضلا و طلاب كشورهاي غير (عراق و نجفيهاي ايراني الأصل) مقيمين نجف هم در تصاوير ديده نمي شوند، با اين حال اين كزارش مي تواند اشنايي اجمالي با بخشي از روحانيون نجف را نشان دهد

افتتاح مدرسه «دارالعلم» آیت الله العظمی خویی در نجف اشرف

در وبگاه این مدرسه علمیه آمده است:

۱. پروژه عمرانی «دار العلم» در اصل یک مدرسه دینی است که حضرت آیت الله العظمی سید ابو القاسم خوئی (قدس سره) آن را به سال ۱۹۷۳ میلادی در محله «عماره» نجف اشرف تأسیس نمود. مدتها بعد، رژیم ستمگر بعث در سال ۱۹۹۰ میلادی به تخریب مدرسه مبادرت ورزید. هم اکنون این مدرسه در زمینی به مساحت ۳۳۲۰ متر مربع در فاصله ۳۰ متری از حرم مطهر أمیر المؤمنین امام علی (علیه السلام) در حال ساخت و تأسیس مجدد می باشد. این مساحت در واقع مشتمل بر متراژ ۱۶ خانه است که حضرت آیت الله خوئی (قدس سره) در زمان حیات خویش آن را خریداری نمود.

۲. این پروژه در دو فاز اجرا خواهد شد، که از ۱۱ طبقه و زیربنایی به مساحت ۳۱۰۰۰ متر مربع تشکیل شده و هزینه تقریبی آن ۴۰ میلیون دلار می باشد.

۳. به یاری خدا فاز اول پروژه ی مذکور، در سال ۱۴۳۸ قمری مصادف با ۲۰۱۷ میلادی شد.

۴. پروژه «دار العلم» یک موقوفه خیریه تحت اشراف مرجعیت اعلای شیعیان، در نجف اشرف می باشد.

۵. این پروژه شامل موارد زیر است :

– مدرسه ای برای دروس حوزوی که شامل ۴۰ سالن در ابعاد مختلف؛

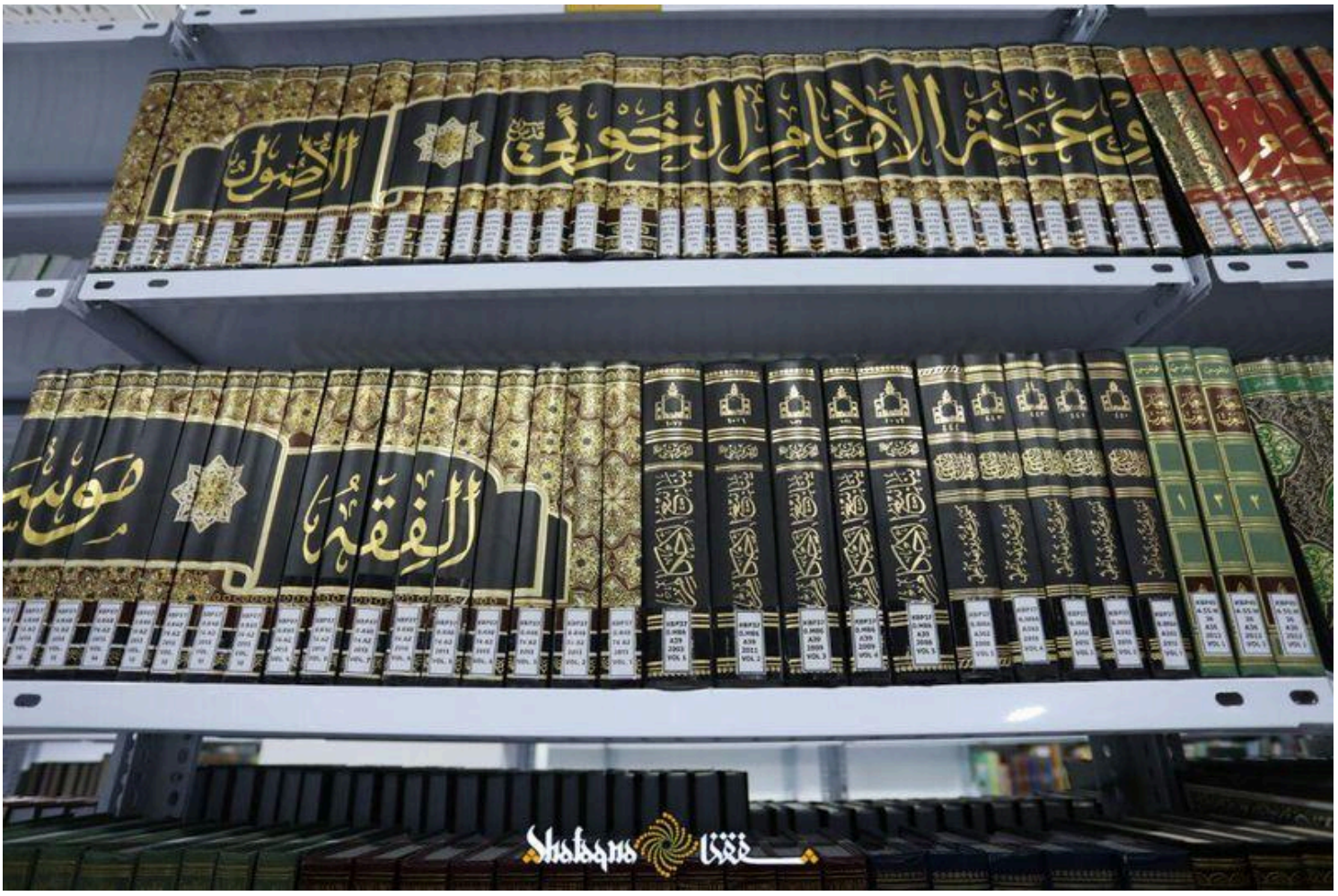
– کتابخانه ای عمومی با گنجایش یک میلیون و پانصد هزار جلد کتاب در دو طبقه مشتمل بر ۲۴ اتاق مخصوص محققان و پژوهشگران و همچنین بخشهای ویژه کودکان و بانوان ونیازمندان خاص؛
– مصلایی بزرگ به مساحت ۸۵۰ متر مربع در طبقه همکف باظرفیت ۸۰۰ نمازگزار؛
– دو سالن همایش بزرگ، هر کدام با ظرفیت ۷۰۰ نفر؛
– ۱۰ واحد سوئیت مخصوص محققان، پژوهشگران و اساتید حوزه علمیه خارج از نجف اشرف؛
– ۳۰۰ اتاق به عنوان خوابگاه برای طلاب حوزه علمیه؛
– استودیویی مجهز جهت تصویربرداری و ضبط برنامه های دینی ، علمی و فرهنگی؛
– رصدخانه فلکی ـ نجومی؛
– موزه علمی حوزه نجف اشرف؛
– آشپزخانه مرکزی و سالن غذاخوری با گنجایش ۴۰۰ نفر؛
– ۹ دستگاه آسانسور برقی در قسمت های مختلف، استراحتگاه به همراه فضای سبز داخلی، سیستم سرمایش و گرمایش مرکزی، ژنراتورهای برقی، تلفنخانه مرکزی، اینترنت و خدمات الکترونیک، سالن ورزشی؛
– جنّه العلماء (آرامگاه خاص) برای مراجع و علمای حوزه علمیه نجف اشرف

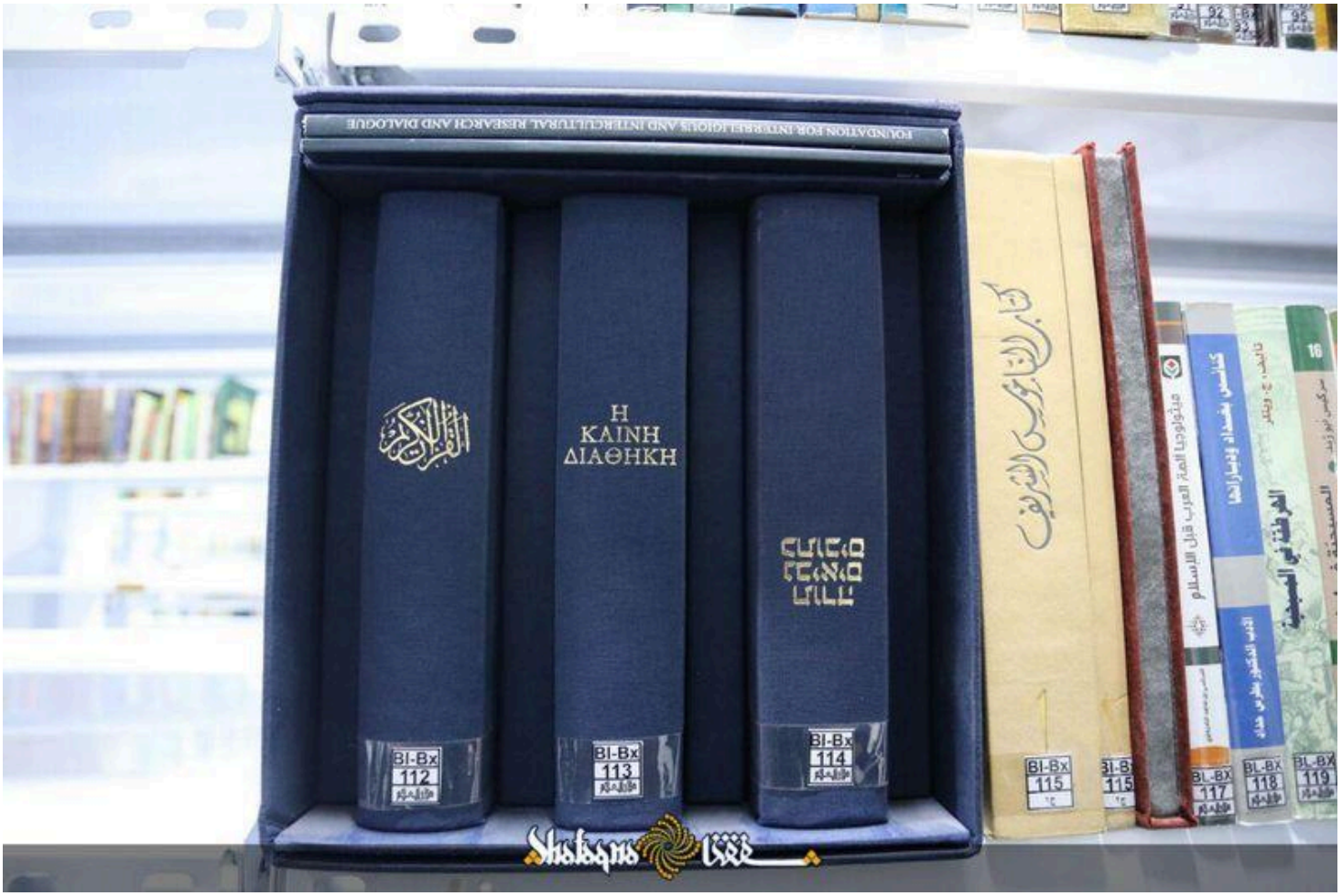



دار علوم للأزهر


انا مدينة
العلم و
علي بابها
دار العلوم


دار العلم


موسوعة الإمام الخوئي
الأصول
الفقه


القرآن الكريم
Η ΚΑΙΝΗ ΔΙΑΘΗΚΗ
كتاب الله جل جلاله القرآن الشريف
BI-Bx 112
BI-Bx 113
BI-Bx 114
BI-Bx 115
BL-Bx 117
BL-Bx 118
BL-Bx 119





مشارکت مراجع عظام تقلید در افتتاح «دارالعلم» نجف اشرف



آیت الله العظمی فیاض و آیت الله العظمی شیخ بشیر نجفی در مراسم افتتاح دارالعلم نجف اشرف

شفقنا – در مراسم افتتاح دارالعلم حضرت آیت الله العظمی خویی در نجف اشرف مراجع عظام تقلید نیز مشارکت داشتند.





























حجت الاسلام سيد محمد فقيه ايماني نوه دختري آيت الله خوئي فرزند حاج آقا جلال فقيه ايماني داماد آيت الله خوئي و متولي كارهاي عمراني مرحوم خويي از جمله همين مدينة العلم افتتاح شده در نجف و نيز مدينة العلم قم و مشهد و مؤسسات در انكلستان.





دو فرزند مرجع آیت الله سیستتانی در مراسم افتتاح دارالعلم سمت راست سیدباقر سیستتانی که نماینده علمیت ایشان است و درس خارج دارد و سمت جب سید محمد رضا سیستانی که رئیس دفتر و مسؤول امور سیاسي و دولتي ایشان است









حجت الاسلام سید جواد خویی یکي از نوادکان بسري حضرت آیت الله خویی






















انا مدينة
العلم و
علي بابها


انا مدينة
العلم و
علي بابها














وهو الأنيس لوحشة المتفرد
تعبد
تهجد
وتهجد
على العدو






دار العلم









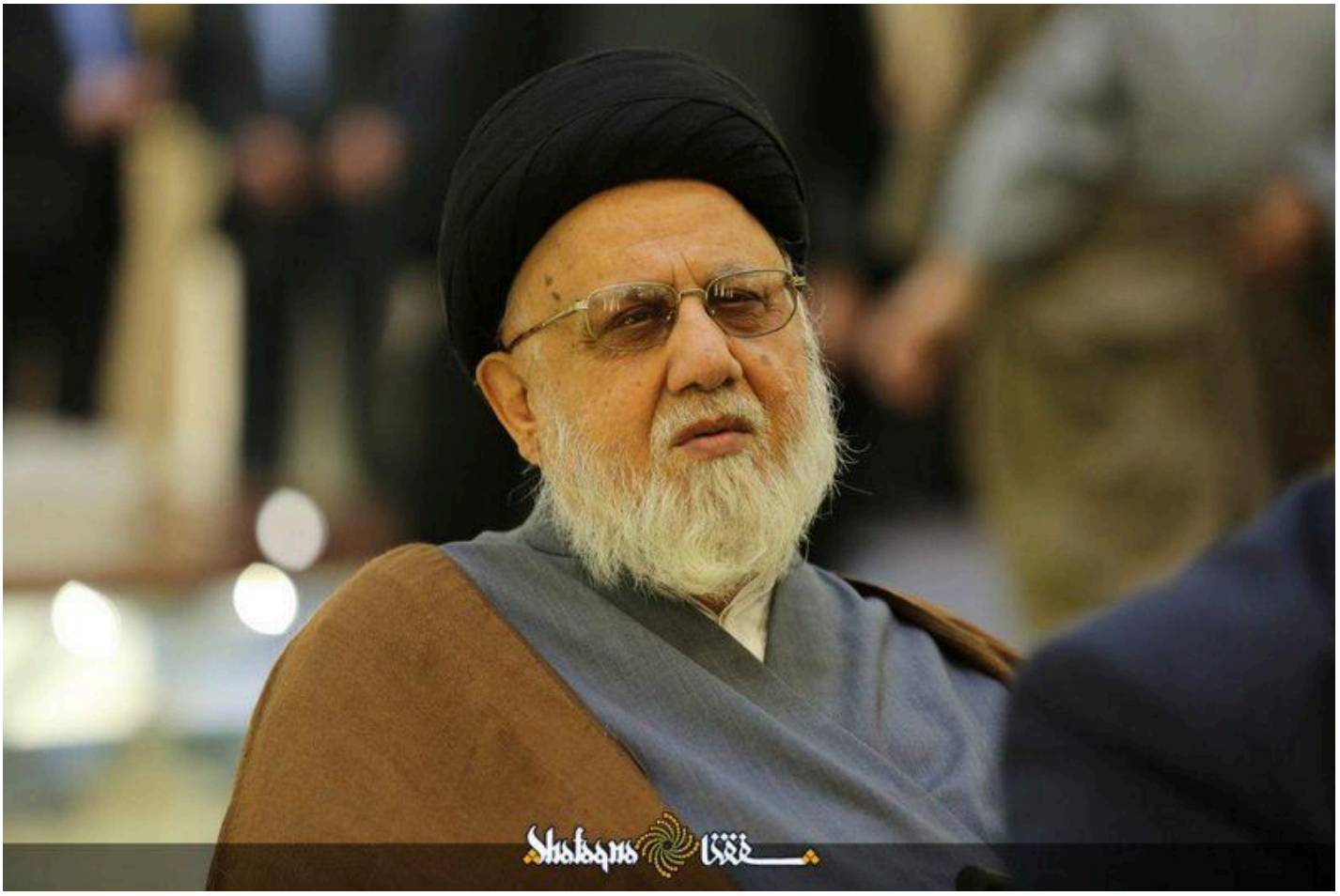






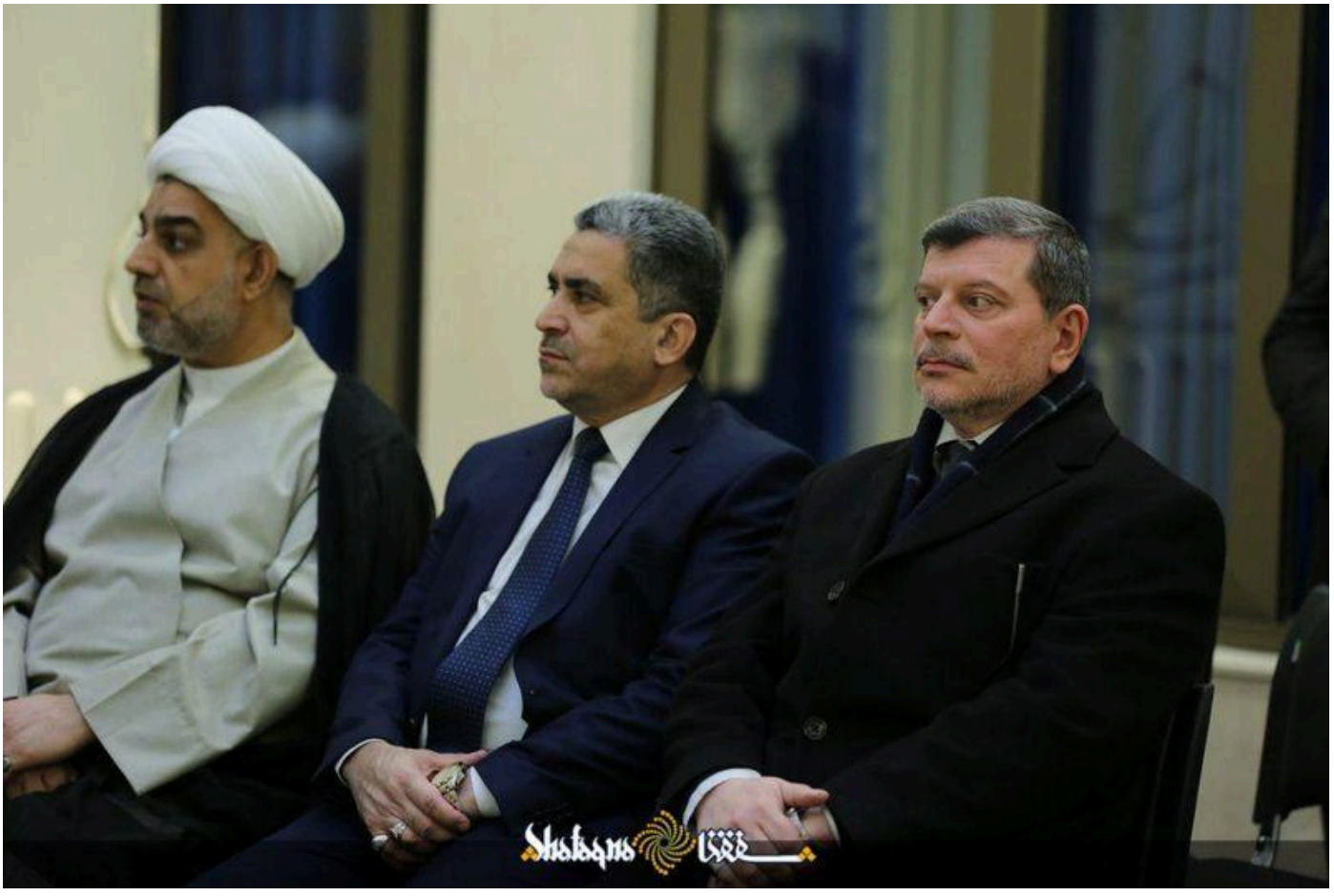
































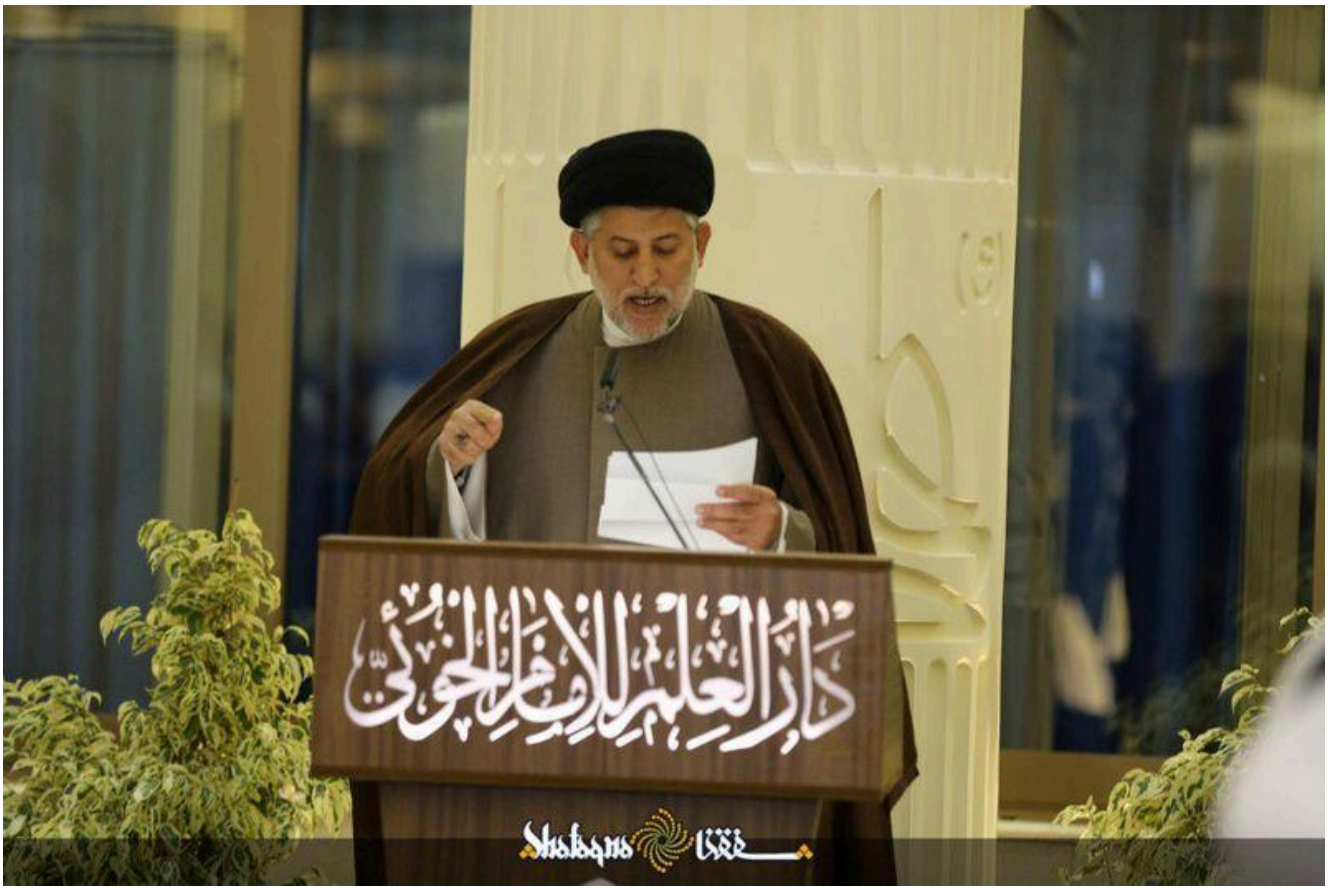











دار العلم للإمام الخوئي



























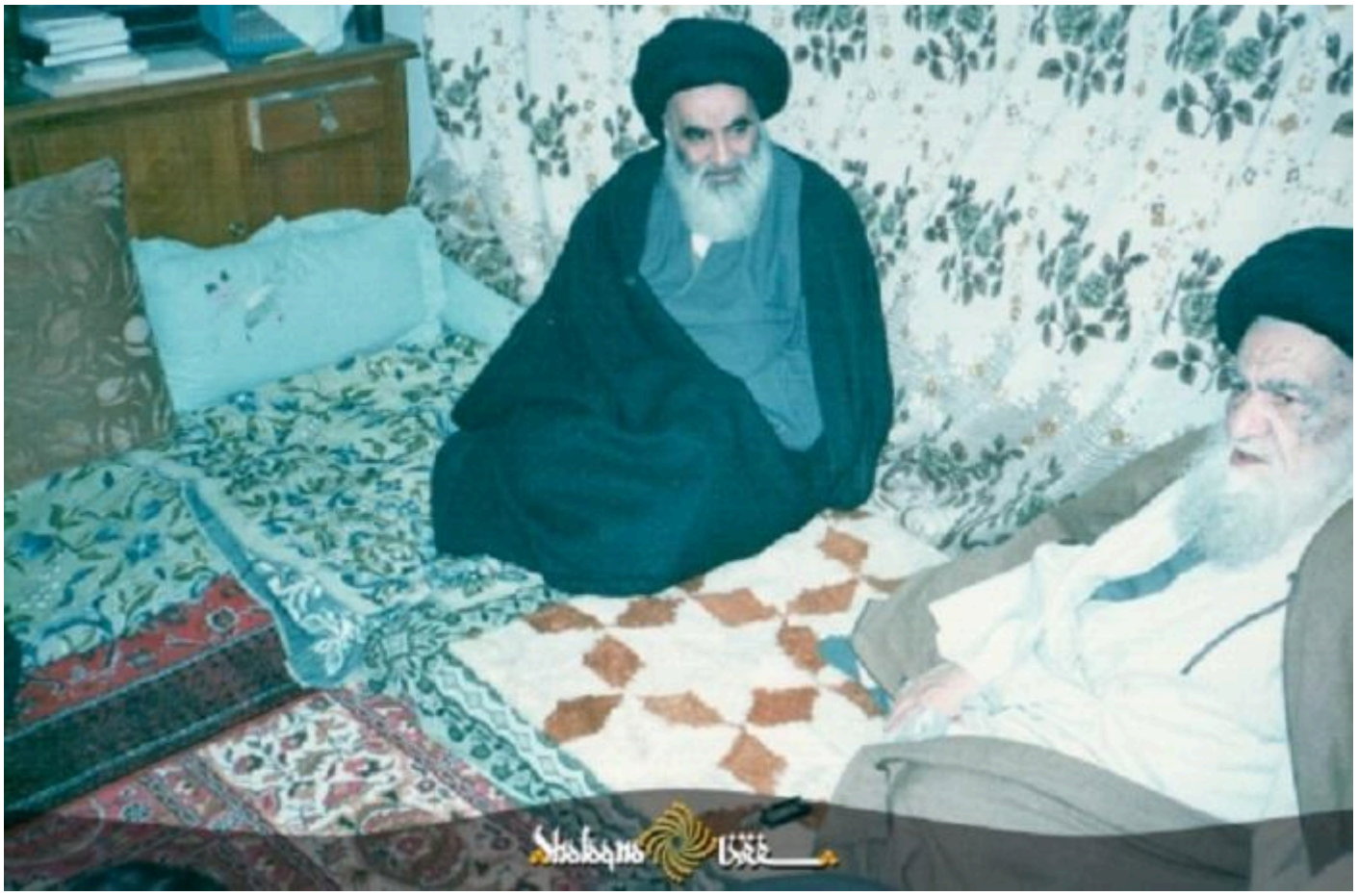






تفاوت حوزه و مرجعيت ديني و روحانيون فعال در عراق با مرجعيت و حوزه و روحانيون وابسته به حكومت ايران {بخش دوم مرجعيت نجف} كزارشي از مرجعيت به سبك نجف و تفكر و روش امروزين مراجع مكتب نجف (نقدي ضمني بر نكرش و روش مرجعيت وابسته به حكومت ايران)

مرجعیت در مکتب نجف {مرجعیت سیستانی}:



حضرت آیت الله سیستانی به عنوان پرچم دار حوزه علمیه نجف اشرف پس از حضرت آیت الله خویی زعامت را بر عهده گرفتند. در 24 امین سالگرد رحلت حضرت آیت الله العظمی خویی، این نوشتار که روزگذشته به قلم ابوالفضل فاتح در شفقنا عربی منتشر شده است به شرح زوایای اخلاقی و سلوک سیاسی و اجتماعی این مرجع بزرگ شیعه می پردازد.

بسمه تعالی

پیش درآمد

سیستانی و دامنه تاثیرگذاری او یک معماست به ویژه برای آنانکه با معیار های حاکم بر شخصیت و سلوک سیاستمداران مطرح به ممشا و نهج آیت الله می نگرند. این که چگونه شخصیتی گوشه عزلت اختیار می کند و سالها از کنج بیت محقرش بیرون نمی آید، با رسانه ها گفت و گو نمی کند، کمترین تصویر و فیلمی از او منتشر نمی شود اما در این حال موثرترین شخصیت امروز عراق و مرجع عالی شیعیان است از رموزی جمیل برخوردار است که این نوشتار تلاش می کند به اجمال آن را تبیین نماید.

حدود دوازده سال پیش در پی سقوط صدام با مساعدت حجت الاسلام و المسلمین آقای سید جواد شهرستانی فرصتی برای زیارت از عتبات عالیات و دیدار با حضرت آیت الله سیستانی فراهم شد. همان زمان در بازگشت از عراق خدمت بسیاری از بزرگان کشور که به آنان ارادت ویژه دارم رسیده و مشاهدات خود را مبنی بر آن که آیت الله در آینده عراق نقش بی بدیلی را ایفا خواهند کرد بیان کردم. از آن دیدار متن مفصلی در ایسنای عزیز نیز منتشر شد که بازتاب گسترده ای یافت. همه داستان در شرایطی بود که برخی تریبونها در ایران با پیش داوری و یا غرض ورزی این شخصیت برجسته را آماج تخطئه و انتقاد قرار داده بودند. شخصیتی که در آن زمان به شدت مراقب وضعیت ایران بود و درهمان ملاقات پیوسته توصیه به وحدت روحانیان و دانشگاهیان داشتند تا خدایی نکرده در شکاف و بالا گرفتن اختلافات اساس تشیع و انقلاب آسیب نپذیرد. ایشان با اشاره به اینکه مهاجمان به عراق برای دیگر کشورهای منطقه نیز نقشه دارند یادآور شدند شاید روزی ما بتوانیم عراق را از اشغال خارج کنیم اما اگر خدایی نکرده چنین رخدادی برای مناطق دیگر حاصل شود خلاصی از آن شاید در حد محال باشد

به یاد می آورم ایشان اشاره داشتند: «البته در داخل باید قاعده لاضرر و لاضرار حفظ شود. نبايد كسي به كسي زيان برساند. اما باز هم تاكيد مي كنم در حل مشكلات كسي چشم به خارج و اجنبي ندوزد. در اداره‌ي امور مردم، بايد افراد آگاه و خبره و نخبگان و مسؤلان با يكديگر همكاري كنند. من پنج سال است از در خانه بيرون نرفته‌ام. اگر ايران خوب باشد قلبم شادمان است. اما باور بكنيد اگر خبر بدي از ايران به من برسد؛ قلبم جريحه‌دار مي‌شود و براي من سختي يك خبر بد از ايران دردناك تر از اين چند سالي است كه از خانه بيرون نرفته‌ام».

به لطف خدا ده سال بعد سفرهای دیگری به عتبات عالیات و حضور در جامعه عراق دست داد که مشاهدات پیشین را عمق بخشید. همان گونه که می دانیم عراق در مرحله گذار از چالش های خطرناک و ویرانگری به سر می برد و هر روز با گره های سخت و دشواری مواجه بوده است. این گره ها نه به تدبیر سیاستمداران که در اختلافات و بحران های شخصی و گروهی غرق بوده اند و نه به دست یک مقام سیاسی مقتدر که عراق فاقد آن است، بلکه با تشخیص و هدایت یکی از مراجع بزرگ شیعه در دوران معاصر عراق حل و فصل شده است. اما پرسش کلیدی این است که چگونه آیت الله سیستانی که به ندرت موافقت دارد تا نامی از او در رسانه ها برده شود چنین نقش عظیمی را ایفا می کند.

شناخت و درک دلایل این نقش آفرینی می تواند ما را به درک بهتر نهاد دینی تشیع و به ویژه نهاد مرجعیت رهنمون سازد. با پذیرش تفاوت های اساسی بین ایران و عراق که در موارد بسیاری قابل تعمیم به یکدیگر نیست، تحلیل نوع سیاست ورزی مرجعیت در نجف اشرف می تواند پنجره دیگری به نقش و توان این نهاد در جهان تشیع بگشاید و این موضوع برای بنده که خود را پیرو «مکتب امام خمینی» و فرزند «انقلاب اسلامی» می دانم و همواره به آن مفتخرم واجد نکات فراوانی است که بر خود لازم دانستم تا روایت خود را از این مکتب نیز بر اساس مشاهدات عینی و حقایق تاریخی بیان نمایم. نگاه و سبک سیاست ورزی مراجع شیعه در حوزه سیاست و ظرفیت های متفاوت آن در هر زمان و مکان می تواند نشان دهد که چگونه مراجع بزرگ شیعی با الهام از ائمه معصومین بنا به شرایط و ظرفیت های اجتماعی و سیاسی چنانکه در انقلاب اسلامی نیز شاهد بوده ایم طرحی نو پی ریزی کرده و فراتر از قالب های شناخته شده حرکت می کنند.

تنوع سلوک مرجعیت شیعی در قبال سیاست

در تاریخ تشیع هر یک از بزرگان و مراجع شیعه در ارتباط با مردم و قدرت های حاکم در چارچوب برداشت های فقهی و مقتضیات زمان و مکان، رفتارهای متناسب با آن مقتضیات را داشته اند. این تنوع در انتخاب سیاست و خط مشی تعامل با بحران های سیاسی و اجتماعی خو د به نوعی نشان دهنده ظرفیت بالایی است که فقه شیعه و نهاد مرجعیت از آن برخوردار بوده است. به طور **خلاصه** عمده این رفتارها را می توان در چهار دسته خلاصه کرد:

- کناره گیری از قدرت و سیاست و نفی هر گونه حکومت غیرامام معصوم
- مماشات و حضور در جوار قدرت و سیاست برای حفظ منافع مذهب تا پذیرش سلطنت ماذون از فقیه
- تشکیل حکومت در قالب ولایت مطلقه فقیه
- کناره گیری از قدرت سیاسی و اجرایی اما نظارت بر سیاست

حوزه هزار ساله نجف اشرف به عنوان میراث دار فقه اهل بیت علیهم السلام دوران ها و فراز و فرودهای مختلفی را به خود دیده است اما سیاق عمده در نجف اشرف پرهیز از سیاست به مفهوم رایج بوده است. یکی از دشوارترین دوره ها دوره حکومت صدام بوده است که تمام همت خود را معطوف به نابودی این مرکز بزرگ علمی و فرهنگی شیعه نمود اما با ایستادگی و استقامت و مشی هوشمندانه علمای بزرگی چون حضرت آیت الله سید محسن حکیم و حضرت آیت الله سید ابوالقاسم خویی این حوزه برجای ماند تا دوباره سر برآورد. حوزه علمیه قم نیز که به همت حضرت آیت الله حائری یزدی و سپس حضرت آیت الله بروجردی تجدید حیات پیدا کرد و با انقلاب اسلامی جوششی مضاعف یافت به امیدی برای شیعیان جهان بدل شد. اینک نجف اشرف و قم مقدسه با مراجع گرانسنگ خود به عنوان دو بال تشیع دوران سرنوشت سازی را برای مذهب اهل بیت علیهم السلام رقم می زنند و در این حال هر یک از این حوزه ها، ظرفیت ها و ممشا و تجربه های منحصر به فردی دارد که باید مغتنم شمرده شده و در تعالی دیگری به کار بسته شود

در ایران عزیز، حضرت امام خمینی که هم فرزند حوزه قم بوده و هم سالها در نجف اشرف مشغول تحقیق و تدریس بودند، با دکترین ولایت فقیه، انقلاب اسلامی را راهبری وبا همراهی مردم به پیروزی رساندند. سپس دکترین امام خمینی رسما در قالب قانون اساسی مصوب انقلاب متجلی ، به آراء عمومی گذاشته و با استقبال مردم به میثاقی ملی برای اداره حکومت تبدیل شد. آنچه امام خمینی در ایران ارائه کردند، در طول زمان بسط پیدا کرد. کما اینکه امام در اسفند 57 از تهران به قم رفتند و مرکز حکومت را به سیاسیون سپردند، اما در عمل بر اساس مقتضیات انقلاب ، دوباره به تهران بازگشتند. ایشان سپس در سال 1367 نظریه ولایت مطلقه را ارائه دادند . .

صرف نظر از آنکه اگر امروز امام در میان ما بود اجتهاد ایشان در امر حکومت با چه تغییر و تحولی مواجه می شد، تجربه نظریه حضرت امام خمینی طی سالهای حیات ایشان و پس از آن تجربه منحصر به فردی به روی علمای معاصر گشود تا مباحث نظری را در فضایی واقعی و عملی محک زده و در این باب اجتهاد نمایند.

نجف اشرف پس از سقوط صدام

سقوط صدام و حاکمیت مردم عراق بر سرنوشتشان پنجره دیگر، اما متفاوتی را پیش روی علمای شیعه در عراق قرار داد. علمای نجف اشرف از حضور مستقیم در سیاست استقبال چندانی نکرده و از نقش آفرینی روحانیت در عرصه اجرایی سر باز زدند وآن را به شدت منع کردند. دلیل مسئله درسه نکته مهم نهفته بود. نخست آنکه اقتضائات سیاسی اجتماعی و ترکیب قومی مذهبی عراق از

پیچیدگی های خاصی برخوردار بوده و فضایی بسیار متفاوت با ایران را رقم می زد. دوم چنانکه گفته شد آراء فقهی علمای نجف اشرف عموما حضور مستقیم در سیاست و به دست گرفتن قدرت را ضروری زمان غیبت امام عصر (عج) نمی دانستند، و سوم نقشی که شبکه روحانیت و حوزه علمیه نجف اشرف در عراق ایفا کرده و می کند از جنبه های مختلف متفاوت با کشوری چون ایران بود .

در دوره پس از صدام علمای نجف اشرف و در راس آن مرجعیت عالی متفاوت از اندیشه حضرت امام خمینی (شیوه در دست گرفتن قدرت) و نه شیوه کناره گیری از قدرت، بلکه برحسب اندیشه آیت الله العظمی خویی که در انتفاضه شعبانیه در پاسخ به اضطرار اجتماعی به صحنه آمدند.

علمای نجف اشرف در دوره پس از صدام هم بقدر ضرورت در باسخ به دعوت مصالح ملي عراق در مقام فعال حوزه اجتماعی و ناظر حوزه سیاست عمل کردند. در نتیجه شبکه های اجتماعی مقتدر، ارتباط با نهادهای اجتماعی مختلف و مشروعیت دینی سبب شد که نهاد مرجعیت در نقش یکی از مستحکم ترین نهادهای مدنی جامعه عمل نماید و قدرت سیاسی را تحت تاثیر جدی خود قرار دهد. اگر کمی دقیق تر بنگریم خواست و اقدامات مرجعیت دینی، عموما بازتاب مطالبات ملت عراق بوده است که در قالب نهاد مرجعیت تشیع خود را بازمی یافت. نهاد مرجعیت در واقع در عوض پیوستن به عرصه اختلافات و شکاف های سیاسی خود را به نیروی اجتماعی مستحکمی بدل کرد تا سیاستمداران را از خودکامگی باز دارد. به جای آنکه نهاد دین را به سیاست های روزمره آغشته سازد، نهاد سیاست را چنان متاثر ساخت تا منزلت مذهبی و مردمی نهاد دین را به رسمیت بشناسد و به ارزش های بنیادین آن احترام بگذارد. این همان شیوه ی بینابینی و نظارت بر سیاست و قدرت همراه با زعامت امت است که در تقسیم بندی شیوه های فقهای شیعه بدان اشاره شد. این همه در حالی است که در سنت رایج نجف اشرف مراجع در بسیاری از مسائل سیاسی ورود نمی کنند، کمتر سخنرانی در باره مسائل جاری روز ایراد می کنند و نیز از ورود به مسائل جزیی سیاسی حتی در قالب استفتا نیز عموما پرهیز می کنند.

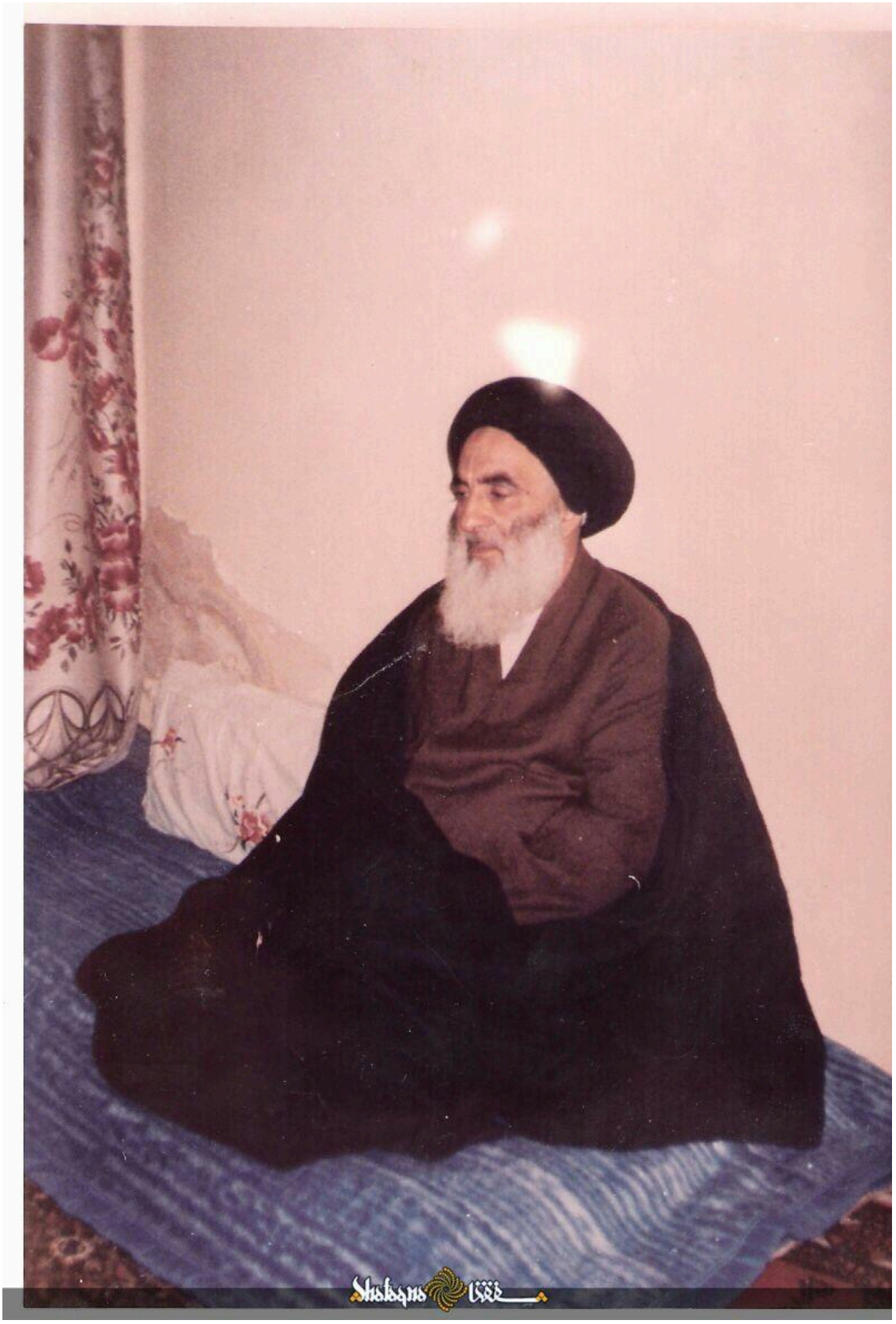
عوامل اقتدار و منزلت نهاد مرجعیت در نجف اشرف

در فهم منزلت امروز مرجعیت شیعه ، نکته دیگر اقتدار و مشروعیت نهاد مرجعیت (غیرحکومتي) است که از دل فرایند مرجع شدن بر می آید. مراجع شیعه در طول تاریخ اقتدار و مشروعیت خود را از ضرورت های دینی و مذهبی، جایگاه علمی و پایگاه اجتماعی بدست آورده اند. مرجعیت (غیرحکومتي) ماحصل ده ها سال خودسازی فردی و اجتماعی، آموزش و پژوهش و تالیف و مبتنی بر شبکه های اجتماعی وسیع است. امری که نهاد مرجعیت (غیرحکومتي) را نه به نهادی دولتی که به نهادی اجتماعی و مستقل بدل می سازد و اقتداری به مراتب بالاتر از نهادهای سیاسی به آن می بخشد. نگاهی به سوابق و نقش مراجع بزرگ (غیرحکومتي) درنجف اشرف و قم گواه روشنی بر این رویه حسنه است.

زعامت آیت الله سیستانی بر حوزه نجف اشرف و ویژگی های شخصیتی ایشان

نکته قابل ذکر دیگر رویکرد درونی و قدرت آفرین حوزه نجف اشرف پس از سقوط صدام بود آنگاه که علمای بزرگ نجف اشرف در اقدامی ارزشمند به سرعت بر زعامت حضرت آیت الله سیستانی بر حوزه نجف اشرف تاکید و تمکین کردند و دیگر کسی ازعلمای اصلی نجف اشرف (حضرت ایت الله فیاض، حضرت ایت الله حکیم، حضرت آیت الله بشیر نجفی) صدای مخالفی

نشنید. آیت الله سیستانی نیز در پاسخ به شیوه اتخاذی علمای کبار نجف اشرف در امور مهم، تمام مراجع اصلی نجف اشرف را مورد مشورت قرار داده و شیوه ای اجماعی را به کار بست. رای و دیدگاه آیت الله سیستانی در واقع رای جمعی است که از دل نقطه نظرهای مراجع و علمای بزرگ نجف اشرف که متکی بر مبانی دینی و از دل مطالبات مردمی است بر می آید و نه رای شخصی. این اقتدار و مشروعیت باعث می شود تا نهاد مرجعیت بی نیاز از شیوه های آمرانه (مرجعیت حکومتي) ، شیوه پدرانه و ناصحانه و با تامل بسیار را در رویکردها و ادبیات سیاسی اتخاذ کند و از تحریم و تهییج بی دلیل بپرهیزد. به عنوان مثال علیرغم حساسیت جدی به وضعیت مسلمانان جهان و شیعیان در جهان پر التهاب امروز، مرجعیت(غیرحکومتي) از صدور بیانیه های صرفا سیاسی و سخنرانی های داغ و صراحت های تند به شدت پرهیز می کند و در این حال با ارائه دیدگاه سازنده و راهبردی در دیدارهای گروه های مردمی از سراسر جهان و ملاقات با سیاست مداران و سیاست سازان جهان تلاش می نماید تا مذهب تشیع را سرفراز از دل بحران ها خارج سازد. بیانیه های آیت الله درباره انفجار مسجد شیعیان در قطیف و بیانیه ایشان درباره فاجعه منا از این جمله است.



مرجعیت بسان یک نهاد مدنی

مشروعیت نهاد مرجعیت شیعه و جایگاه آن در بطن جامعه سبب شده که مراجع عظام عموما به مطالبات مردم و مشکلات آنان به خوبی وقوف داشته باشد. اما ورود ایشان در این عرصه نه از مقام دولتی و سیاسی است که از مقام یک نهاد مدنی است که دولت ها را تحت تاثیر قرار می دهد تا پاسخگوی مطالبات مردم شان باشند. آیت الله سیستانی نیز هنگامی که می بیند دولت از توان پوشش خواسته های عمومی و مطالبات طوائف مختلف برخوردار نیست ابتدا از ملاقات پرهیز می کند و سپس توصیه به تغییر می دهد، اما خود در روند سیاسی مداخله آمرانه نمی کند و اصراری

بر تصدی طرفداران خود بر دولت ندارد.

مرجعیت حد فاصل دولت – ملت

چنانکه گفته شد ریشه حقیقی تاثیرگذاری اقدامات ایشان در قدرت نهاد مرجعیت و استقلال آن است و گرنه آیت الله در قانون اساسی عراق جایگاهی ندارد و از نظر حقوقی دارای قدرتی نیست. اما قدرت فعلی مرجعیت در واقع ما حصل عنایت الهی و رویه ی مردمی است که این نهاد برای خود قرار داده است. این نهاد مستقل از دولت اما در حد فاصل دولت و جامعه خود را تعریف کرده است. همین در حد فاصل بودن است که به آن قدرت می بخشد. نهاد مرجعیت در چنین فرایندی نه بخشی از قدرت رسمی سیاسی است که قربانی شکاف دولت – ملت شود و نه بخش بی تفاوت بدنه اجتماعی که تاثیری در سیاست ها و روندها نداشته باشد. او در مرز دولت و مردم است تا هم از مردم حافظت کند و هم دولت را مهار سازد. هم به مردم توصیه به اطاعت از حکومت کند و هم دولت را وادار به تمکین نظر ملت کند. همین جایگاه است که باعث می شود ایشان برای پیشبرد مصلحت مردم نیازمند اهرم های دولتی نباشد بلکه این دولت و حکومت است که خود را نیازمند مشروعیت بخشی مرجعیت می داند. این فرایند مشروعیت بخشی در کشور مذهبی ای چون عراق بخشی ذاتی از فرایند مردمسالاری است که بسط این ایده خود بحث مجزایی را طلب می کند.

اقتدار نهاد مرجعیت در کشوری مانند عراق که در قالب یک نهاد دینی اجتماعی خود را تعریف کرده است را می توان در مقابله با خطر بزرگ داعش نیز دید. وقتی خطر داعش رخ می دهد و حیثیت اسلام و تمامیت عراق در خطر است، فرمان جهاد از نهاد مرجعیت صادر می شود و همین فرمان بارها نافذتر از اقدامات و دستورات نظامی و سیاسی دولتمردان است. در زمانی که ارتش عراق رو به فرار گذاشت، این مردم عراق بودند که به حکم مرجعیت خاکریزها را در برابر داعش مستحکم ساختند تا معلوم باشد این صرفا قدرت سیاسی نیست که حافظ و ضامن همه چیز است بلکه قدرت معنوی و خبرویت فقهی و سیاسی متکی به مردم نیز که به سهم خود عاملی بسیار تعیین کننده است.

حساسیت به امکان فساد

نکته مهم دیگر توجه و حساسیت مرجعیت به امکان فساد است. مراجع نجف اشرف بیوتی بسیار ساده با سازوکاری بسیار شفاف دارند. گردش مالی در این بیوت با حفظ استقلال از دولت و مبتنی بر وجوهات شرعی یا اعانات مردمی است. آیت الله سیستانی به امکان فساد واقف است. او به خوبی می داند که این نهاد قدرتمند و ارزشمند می تواند مورد طمع قرار گیرد. دستگاه مرجعیت در نجف اشرف دارای دستگاه عریض و طویلی که قادر به مدیریت آن نباشند نیست. پرداخت ها نیز حساب و کتاب روشنی دارد . دستگاه مرجعیت در نجف اشرف بودجه دولتی ندارد. سادگی و پیراستگی این دستگاه و استقلال از بودجه دولتی است که آیت الله را قادر می سازد به راحتی موضع مستحکمی در برابر فساد اقتصادی و سیاسی در عراق بگیرد و مبارزه با فساد را از مهمترین مطالبات خود از دولت مردان قرار دهد.

حساسیت به تملق و شکل گیری جریان طرفدار

در بیوت مراجع نجف اشرف زمینه برای تملق تنگ است چرا که وابستگی به مرجعیت یا قلمداد

شدن از اعضای بیت یا وابستگان به بیت مرجعیت یا شاگردی یک مرجع موجب مزیتی اجتماعی محسوب نمی شود. اساسا چون قرار نیست که طلاب مسئولیت اجرایی و مقامی بر عهده بگیرند یا به توصیه آیت الله صاحب منصبی شوند، نمی توانند انگیزه ای جز تحصیل برای نزدیک شدن به بیت یک مرجع داشته باشند. با همه حساب و کتاب دار بودن عناوین در حوزه نجف اشرف عناوین نیز سبب منزلت و قدرتی برای کسی نمی گردد لذا در زمانه ای که رقابت بر سر القاب بسیار است، ایشان عنوان آیت الله ی را حذف می کنند تا شاید سرمشق دیگران شوند . ایشان از شکل گیری جریانی به نام طرفداران آیت الله پرهیز کرده و اجازه نداده اند کسی به طرفداری او مانع آزادی دیگران شود یا به بهانه طرفداری شعار "درود بر" و "مرگ بر" سر دهند. ایشان اساسا چیزی به نام طرفداران دو آتشه ندارند و افراطی گری را در هیچ امری به رسمیت نمی شناسند و اگر آن امر مذهبی باشد تحفظ چندین برابر است. طرفدار ایشان کسی است که مومن بالله است و زینتی برای اهل بیت علیهم السلام. حال مقلد هر فردی که باشد فرقی نمی کند.



پرهیز از سیاست زدگی بیت

آیت الله دیدارهای منظم با مقامات سیاسی، وزرا و نمایندگان مجلس ندارد. هیچ مقامی تایید اقدامات خود را از آیت الله نمی گیرد و لزوما از تایید ایشان برخوردار نیست. اینکه دفتر آیت الله به کسی وقت ملاقات بدهد، نشانه رضایت از عملکرد او نیست و نمی تواند مانع از استیضاح او شود. بیت سیاست را می شناسد و در ارتباط با سیاست مداران است اما سیاسی و به ویژه سیاست زده نیست و طول و عرض یک نهاد سیاسی را ندارد. از دید حوزه نجف اشرف، شان مراجع بالاتر از این ملاحظات است و نیازی به عریض و طویل شدن بیت و دفتر ندارد. مرجعیت فتوا می دهد و نظر می دهد و پدری می کند اما دستور نمی دهد. آیت الله نیازی به ورود در همه جزییات سیاست ندارد و نیازی ندارد که اطلاعات تصحیح شده دریافت کند و بر اساس آن رهنمود دهد. مرجعیت در

دیدارهای خود با نخبگان و اقشار مردم است که اطلاعات مورد نیاز را کسب می کند و روزنامه و کتاب می خواند و اخبار رسانه های صوتی تصویری را دنبال می کند.

پرهیز از تبلیغ و رقابت

قدرت مرجعیت شیعه (غیرحکومتي) از تبلیغات رایج یا زدو بندهای رایج سیاسی و اقتصادی و مافیایی حاصل نمی شود. آیت الله هیچ اقدام شخصی برای قدرتمند ساختن خود نکرده است. او با کسی رقابت نمی کند و موقعیت فقهی و سیاسی و اجتماعی خود را در طول سالیان دراز تحقیق و ریاضت و از دل سلسله مراتب حوزه و در طی زمان بدست آورده است. کسی ماموریت نیافته برای او چهره سازی کند و او همیشه مانع این اقدامات بوده است. او همه ی قدرت خود و هر چه را دارد از برکت امیر المومنین (ع) می داند و همه چیز را به خدا سپرده است. مورد آخر تقاضای ایشان مبنی بر جمع آوری تصاویر آیت الله از سطح خیابان ها و ادارات است. اقداماتی که به دقت از سوی ایشان در دستور کار قرار داده شده تا نهاد مرجعیت را از شر آسیب های محتمل مصون سازد.

مرجعیت (غیرحکومتي)؛ آزادی و حقوق مذاهب و عموم انسان

هیچگاه مخالفت یا موافقت با فتوای مرجعیت (غیرحکومتي) دلیلی بر اعمال فشار بر مردمی که موافق آن فتوا نیستند نشده است و علیرغم وجود زمینه های شکل گیری چنین فضایی در عراق ایشان به شدت جلوی آن ایستادگی نموده اند. عموم مردم در سیاق مذهبی خود بر مصداق لا اکراه فی الدین عمل می نمایند. حتی آنگاه که دانشجویان در مورد وضعیت نامناسب حجاب دختران در دانشگاه از ایشان استفتا می کنند ایشان بر ضرورت تقویت ایمان فردی دانشجویان تاکید می کنند و اصراری بر برجسته ساختن جنبه های تنبیهی دین ندارند. به اصطلاح ایشان دین را با تنبیه شروع نمی کنند.

مرجعیت (غیرحکومتي) هرگز در زندگی عمومی مردم مداخله نکرده است. اینکه مردم چه می پوشند و چه می گویند و چه میبینند مسئله آیت الله نیست. آیت الله فتوا دارد و دلسوزی دارد و راهنمایی می کند اما به نظر نگارنده مسئله اش این موضوعات نیست. این نکته می تواند ما را به وجه دیگری از مکتبی که آن را «مکتب مرجعیت (غیرحکومتي)» نامیده ام رهنمون سازد وآن این است که در این مکتب آزادی مردم مسلمان منافاتی با دین پیدا نمی کند. راز این موضوع در این نهفته است که ایشان به خوبی می داند که نهاد دین هنوز مقتدرترین نهاد اجتماعی در کشورهای مسلمان است. ایشان به خوبی می دانند که نهاد دین اگر سده هاست که برپا مانده است و درخت آن روز به روز بزرگ تر وپربار تر شده ، دلیل آن در همین تقویت معرفت مردم ضمن احترام به مردم و آزادی دادن به مردم در ترکیب سبک زندگی شان با دین است. مردمی که خلاقانه هم سبک زندگی شان را مستمر دگرگون ساخته و متحول می کنند و هم آنکه آن را به رنگ و تعالیم دین آمیخته می سازند و دین را ارزش بنیادی قرار می دهند. از ترکیب آزادی مردم و دینداری آنهاست که دین اسلام توانسته است در هرجامعه ای عراق و از چین و مالزی تا کشورهای اروپایی و غربی وارد شود و نه تنها عموما تضادی برای مردم ایجاد نکند که بر غنای فرهنگی آن جوامع بیفزاید. چنین رویکردی سبب شده است تا مرجعیت عراق گمان نکند که دین مردم می تواند به آسانی بازیچه این و آن شود و هر روز فریاد واسلاما سر نمی دهد

معیار دیگری که مکتب سیستانی را متمایز و موثر می سازد نگاه حمایتی ایشان به مذاهب دیگر است. ایشان نه تنها در حمایت از عموم شیعیان بلکه در حمایت از مذاهب دیگر اسلامی پیشقدم شده و تا جایی پیش می رود که آنان را «نفس و جان شیعیان» خطاب می کند و پرچم حمایت از دیگر ادیان را برداشته و جلوتر رفته و عموم انسان ها در عراق را تحت پوشش قرار می دهد حقوق و اخلاق نقشی زیربنایی در اندیشه آیت الله دارد و ارزش والایی برای ارتباط سالم انسانها فارغ از دین و نژاد و ملیت و جنسیت قائل هستند. به فتاوای ایشان که بنگرید به روشنی در می یابید که (برحسب احادیث شریفه) برای انسان به ماهو انسان ارزش فوق العاده ای قائل شده اند و تکالیف بسیاری برای مومنان در رعایت همین حقوق بر شمر ده اند. از جایز ندانستن نقض هر گونه قرار داد در کشورهای غیر اسلامی یا جایز ندانستن نقض عهد و حقوق غیر مسلمانان و کفار و تا جایز ندانستن بهتان حتی به اهل بدعت و از ممنوع دانستن ازدواج اجباری و همسر آزاری و کودک آزاری و سنت ندانستن ختنه زنان و حرام دانستن غیبت حتی در حق فرزند تا عدم جواز والدین و همسر به اعمال خشونت در تکالیف شخصی زن و فرزندان مکلف و .....

ترکیب آزادی و دینداری در نگاه مرجعیت نجف اشرف به حوزه اجتماعی محدود نمی شود بلکه حوزه سیاست را نیز در بر می گیرد. هیچگاه شنیده و دیده نشده است که آیت الله به منع یا ساکت کردن گروهی ولو مخالفان سرسختش اقدامی کند. همین نگاه خوشبینانه و گشوده ایشان باعث شده است که عرصه سیاست در عراق امروز اینگونه رنگارنگ و متنوع باشد و همه باهر گرایشی حضور داشته باشند. گرچه این تنوع و رنگارنگی متاسفانه به دلیل کوته بینی برخی فعالان سیاسی آسیب هایی را هم به دنبال داشته است که البته برای کشوری چون عراق با ریشه های استبدادی تاریخی آن چندان دور از انتظار نبوده است. و اقدام سال گذشته ایشان در کمک به چرخش قدرت در عراق (از حزب مالكي به عبادي) و حمایت همه جانبه ایشان از مبارزه با فساد و گره نزدن دستگاه مرجعیت به سرنوشت دولتمردان و تلاش بی وقفه برای ایفای مطالبات مردم نشان می دهد که در عوض نام ها و نزدیکی و دوری افراد به ایشان، سیاست شان محافظت از نهال مردمسالاری در کنار مقابله با بحران هاست. شاید در هر کشور دیگری به بهانه تروریسم و کشت و کشتار روزمره سیاستمداران حاکم می توانستند کرسی های خود را مستحکم کنند و حکومت فردی خود را حاکم سازند همانگونه که در کشورهای عربی مرسوم است که ریاست جمهوری ها به سرعت مادام العمرمی شوند. اما مرجعیت؛ مردمسالاری را فدای آرامش عراق نکرد. چرا که می داند آرامش طولانی مدت تنها از دل گفتگو، تعامل و چرخش قدرت به دست می آید. همین تعامل را ایشان در حوزه رسانه ای دنبال کرده اند. آیت الله می داند که برخی تلویزیون های مذهبی صراحتا مقابل دیدگاه های علمای نجف اشرف عمل می کنند و رسانه هایی دیگر نیز با اساس روحانیت ستیز می کنند، اما او هرگز به بستن رسانه ای در عراق نظر نداده است و اساسا نوشته های رسانه ها، او را برانگیخته و تهییج نمی کند. حتی وقتی روزانه ده ها دروغ به اونسبت می دهند، انگیزه ای برای تکذیب ندارد و جز در موارد نادر تکذیبیه صادر نمی شود. در واقع اصل برای ایشان سعه صدر و حفاظت از نهاد اخلاق و آزادی است و طبیعتا چنین اقدامی هزینه هایی نیز در پی خواهد داشت.

مرجعیت و سلوک شخصی

بلی، مرجعیت دلسوز امت است و این گونه می شود که آیت الله به تدریج مرجعیت عالی شیعیان و زعامت مردم عراق را به دست می گیرد، بی آنکه قدرت سیاسی را در اختیار داشته باشد. دیدگاه

او برای هر سیاست مداری که از غرب و شرق و بلاد اسلامی به عراق وارد می شود مهم است، اما او نه قدرت نظامی در اختیار دارد و نه حزب سیاسی و نه سرمایه های اقتصادی. او در خانه ای اجاره ای که از 35 سال پیش ساکن بوده، حضور دارد و کمترین بهره را از مواهب دنیا می برد. به اصطلاح زی او همان زی طلبگی عموم مراجع برجسته تاریخ تشیع از ابتدا تاکنون است و دنیا با همه رنگ ولعابش به خانه ساده ی او نفوذی نداشته است. با سادگی تمام هر شب به مولایش علی (ع) سلام می دهد و بر همان صندلی می نشیند که مهمانش می نشیند و دفتر و تشکیلاتش گرچه بنا بر اقتضائات و رجوع پر شمار و پیوسته مردم و طلاب و نخبگان و سیاست مداران قدری وسعت یافته اما به لحاظ سادگی همان است که ده سال پیش بود و فرزندانش همان شیوه ای را در ارتباط با عموم بر عهده دارند که از گذشته داشته اند. صفا و سادگی دفتر آیت الله تاثیر منحصر به فردی بر ملاقات کنندگان می گذارد و مرور ایام بر آیت الله اثری نگذاشته و وسعت روزافزون نفوذ کلامش تاثیری بر تغییر بیان ناصحانه و منصفانه او نداشته و او با همان سیاق سخن می گوید که ده سال پیش سخن می گفت. پختگی و درایت آیت الله روز بروز عمق بیشتری می یابد و در این حال در مقام سخن با دیگران او سخن دیگران را قطع نمی کند و خود پایان دهنده سخن نیست. هر گاه با او سخن بگویی و سخنش را بشنوی می توانی آن را در حضورش نقد کنی و حتی پایان دهنده کلام باشی. او برابر نشسته و برابر سخن می گوید. شدیدا تشنه اطلاعات است و بسیار خوب گوش می دهد. مخاطبش را مهمان فرض کرده و ادب و آدابش مهمان را خیره می کند. ارتباط کلامیش هم تراز است و به مخاطب این احساس را نمی دهد که کسی از مرتبه بالاتر با او سخن می گوید.

پس از دوازده سال شاید تنها تاثیر مرور ایام بر ظاهر آیت الله، سفیدی بیشتر محاسن اوست و شما امروز با فردی روبرو هستید که منزلتی عالی در چشم جهانیان دارد ، بی آنکه این موقعیت ، تغییری در مرام ده ساله او داده باشد. او مقتدای خود را مقتدایمان علی (ع) می داند. آری در دستگاه ابوالعجایب است که شیعه نفایس خود را نشان می دهد.

ابوالفضل فاتح

پانوشت: این یادداشت، انشاء الله در نوشته ای دیگر در آینده ادامه خواهد یافت

تفاوت حوزه و مرجعيت ديني و روحانيون فعال در عراق با مرجعيت و حوزه و روحانيون وابسته به حكومت ايران {بخش سوم روحانيون فعال عراق} كزارشي از روحانيون فعال و رهبران احزاب سياسي عراق (نقدي ضمني بر نكرش و روش احزاب سياسي وابسته به حكومت ايران)

سید عمار حکیم را چگونه یافتم؟



شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه) – در پی تاسیس حزب الحکمه در عراق، دکتر ابوالفضل فاتح در یادداشتی به شرح دیداری با سید عمار حکیم پرداخته است. در این یادداشت زوایای جالبی از شخصیت سید عمار حکیم و دیدگاه های او از نزدیک تبیین شده است. از جمله موضع او نسبت به آینده تشیع، آینده داعش، آینده عراق و تولد عراق نوین، چالش های منطقه ای، گفت و گو با آمریکا و عربستان و مصر، و نگاه او به ایران، آیت الله سیستانی و آیت الله خامنه ای تبیین شده است.

به گزارش شفقنا متن یادداشت دکتر فاتح به شرح ذیل است:

بسمه تعالی سید عمار حکیم هفته گذشته با اعلام تاسیس حزب الحکمه الوطنی خروج خود را از مجلس اعلاء انقلاب اسلامی عراق اعلام کرد. **به امید تولد عراق جدید**

نا آرامی ها و خشونت ها و جنگ های پیوسته پس از سقوط صدام هرگز مجالی برای ظهور عراق جدید فراهم نیاورد. عراق یا باید با اشغال خارجی ستیز می کرد و یا خرابکاری بعثی، خونریزی های طائفه ای و یا حکومت خود خوانده داعشی را را به نظاره می نشست. و یا اعلام تجزیه طلبی و استقلال طلبی قومی را تحمل می کرد. این ها همه پس از تحمل جنگ با ایران در دوران صدام و دو جنگ با آمریکا در سه دهه اخیر بود. باید بپذیریم که حتی یکی از این بحران ها کافی بود تا ملت و کشوری را متلاشی کند. همین چند سال پیش بود که یوگسلاوی در پی بحرانی کوتاه مدت از هم متلاشی و به چندین کشور تجزیه شد و یا شوروی سابق که خیلی زود از هم فرو پاشید. حالا عراق پس از فتح موصل شاید بتواند نگاهی به آینده داشته باشد و فرصتی برای تولد عراق جدید فراهم شود. گرچه طولانی شدن دوران برزخی و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات بر جای مانده از دوران صدام از جمله فقدان دانش مدیریتی و مدیران استراتژیک و اجرایی آزموده، و عمق خسارتهای ناشی از جنگ های اخیر و دخالت های پیوسته منطقه ای و فرامنطقه ای شانس تولد بی نقص عراق جدید را بسیار کم کرده است. در این حال ظرفیت های اقتصادی و ویژگی های قومی و فکری متمایز مردم عراق و ورود اکثریت شیعیان به عرصه مدیریتی این کشور که در دوران صدام به شدت از آن ممانعت می شد به عراق امروز امکان برخاستن و قد برافراشتن را می دهد و امیدهایی را زنده نگاه می دارد.

اعلام تاسیس حزب الحکمه الوطنی شاید از نشانه های نگاه مثبت به دوران نوین عراق جدید در نزد آل حکیم ارزیابی شود. سید عمار حکیم گفته است که دوره تولد احزاب و جریانات جدید آغاز شده و او می خواهد با بهر گیری از ظرفیت جوانان در آینده عراق نقش سازنده ای را برای حیات، امید و آینده عراق ایفا کند. او می گوید تاسیس این جریان «پیامد طبیعی پاسخ به تکامل ایجاد شده در فرایند سیاسی و بیانگر آرمان های ملت عراق و محافظت از حقوق مدنی و آزادی های شخصی است». این که او می تواند یا نه پرسشی است که با نگاهی به سوابق مجلس اعلا و شخصیت سید عمار حکیم شاید تا حدی بتوان پاسخی برای آن یافت.

آل حکیم



حضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم در کنار حضرت آیت الله خویی و حضرت آیت الله شاهرودی

آل حکیم به ویژه از دوران آیت الله العظمی سید محسن حکیم ،مرجع اعلی شیعه، به منزلتی ریشه دار در عراق دست یافته است. آل حکیم از نجبای عراق تلقی شده و ویژگی های متمایز خود را داشته اند. از یک سو ریشه در حوزه علمیه نجف داشته اند و همواره در دوران صد ساله اخیر یک پای مرجعیت و جریان روحانیت عراق بوده اند. ازفعالان نهضت مبارزه با بریتانیا در 1920 و سپس از معارضان کمونیستها و سوسیالیستها بوده اند و با حرکت های چپ گرایانه مخالف بوده اند. در شیوه مبارزه با شاه و نیز حکومتهاي عراق دیدگاه های متفاوتی با امام خمینی داشته اند و این از گفت و گو های آیت الله حکیم با امام خمینی در دوران نجف پیداست. پس از رحلت آیت الله العظمی سید محسن حکیم عموما به حضرت آیت الله العظمی خویی زعیم حوزه علمیه نجف اشرف که در نزد آیت الله العظمی سید محسن حکیم نیز منزلت ویژه ای داشتند رجوع کرده و زعامت ایشان را تبعیت کردند و در این حال به ویژه شهید سید باقر حکیم ارتباط ویژه ای با امام خمینی داشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی آیت الله سید باقر حکیم قائل به مدلی همچون انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با صدام و سرنگونی او بود تا جایی که آل حکیم شهدای بسیاری را تقدیم مبارزه نمود و سالها به زندان و تبعید تن دادند. پس از درگذشت آیت الله العظمی سید محسن حکیم، حضرت آیت الله سید یوسف حکیم (که خود واجد مراتب مرجعیت بود و لکن از این مسئله استنکاف کرد. ایشان کسی است که امام خمینی ایشان را به نیکی ستوده بود) و سپس آیت الله شهید سید عبدالصاحب حکیم و شهید علامه سید مهدی حکیم و آیت الله شهید سید باقر حکیم، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین عبدالعزیز حکیم و آیت الله سید محمد سعید حکیم از شاخص ترین شخصیت های این خاندان در دوران ۴۰ ساله اخیر تلقی می شوند. همچنین سید حیدر از نسل شهید باقر حکیم و سید عمار و سید محسن از نسل عبدالعزیزحکیم، و سید ریاض، سید محمد حسین، سید جغفر و سید حسین حکیم و آیت الله سید محمد باقر فرزند سید محمد صادق حکیم از شخصیت های مطرح این خاندان ریشه دار

و برجسته هستند.



سيذ حيدر حكيم در كنار پدرش آيت الله شهيد سيد باقر حكيم و برادر بزرك خود

سید عمار و رهبری مجلس اعلاي عراق

عمار حکیم، هشت سال پیش و در پی شهادت آیت الله سید باقر حکیم و درگذشت زود هنگام پدرش سید عبد العزیز حکیم، به ریاست مجلس اعلای عراق رسید. در ان زمان او ۳۹ سال داشت. او طلبه جوانی بود که تجربه زیادی در سیاست نداشت و مدیریت سطوح عالی را ندیده بود و خودش هم پیش بینی نمی کرد به این زودی به رهبری حزبی نائل شود که شخصیتی چون آیت الله سید باقر حکیم که از نظر کاریزمای شخصیتی و وجوه تفکر تشکیلاتی شبیه آیت الله بهشتی در ایران بود و از با سابقه ترین مبارزان دوران صدام به شمار می رفت نائل شود. پس از آیت الله حکیم که حدود ۲۲ سال رهبری حزب را در دست داشت، سید عمار فردی است که بیشترین زمان برای ایفای نقش در این سمت بر عهده داشته است. رهبری هشت ساله او فراز و فرود بسیاری به خود دید. در انتخابات سال ۲۰۱۰ و در نخستین سال رهبری، حزب بزرگترین شکست را پذیرا شد و تنها ۲۰ کرسی مجلس را بدست آورد اما پس از آن توانست همچنان مجلس اعلا را به عنوان اصلی ترین جریان ائتلاف مردمی عراق حفظ و موقعیت این جریان را تا حدی در عراق حفظ کرده و بهبود بخشد. البته یادآوری این نکته لازم است که در اختیار داشتن جند وزات خانه قوی در عراق به این جریان فرصت ایفای نقش بزرگی را می داد اما از سوی دیگر همچون تیغ دو دمی بود که توقعات مردم را هم برای دیدن تاثیرات این وزارتخانه ها در زندگی روزمره و سرمایه گذاری بلند مدت بسیار بالا می برد. روشن است که پاسخ به توقعات مردم در دوران منازعات داخلی و جنگ های پس از صدام کاری بسیار دشوار و کم نتیجه بوده است.

مجلس اعلا و انشعاب از بالا

مجلس اعلا از آغاز تاسیس خود به سرعت به یکی از قدرتمندترین جریان نظامی و سیاسی ضد حکومت بعث تبدیل شد و نقشی کتمان ناپذیر را در رهبری مبارزات ایفا کرد. با سقوط صدام نیز این حزب با محبوبیتی کم نظیر اصلی ترین گروه ائتلاف شیعه را تشکیل داد. زمانی مجلس اعلا قرار بود همه گروه های مبارز عراقی در تبعید را زیر لوای خود جمع کند اما به دلیل تنوع فکری و روشی (اقوام مختلف عربي كوردي تركماني شيعي و سني و مسيحي و بعثيها ووو) در گروه های عراقی به موفقیت چندانی دست نیافت و اینک نیز در تحولی بسیار مهم بزرگترین جریان موسس و حامی خود یعنی خاندان حکیم را از خود جدا می بیند. این جدایی قطعا هم بر سرنوشت مجلس اعلا و هم نقش سیاسی آل حکیم در عراق تاثیر مهمی خواهد گذاشت. در بادی امرجدایی سید عمار انشعاب از بالا و یک شکست جدی برای مجلس اعلا و تصمیمی با ریسک بالا برای جریان آل حکیم محسوب می شود. مجلس اعلا اگر نتوانسته است جریان حکیم را که از اصیل ترین و ریشه دار ترین جریانات مذهبی و سیاسی در عراق هستند در دل خود نگاه دارد برای جذب جریانی آلترناتیو با دشواری بسیاری مواجه خواهد بود. چرا که جریانات دیگر تا کنون برای خود در حزب یا سازمانی مذهبی و سیاسی جایابی کرده اند و پیوست آنان به مجلس اعلاء دور از ذهن است. مجلس اعلا طبیعتا مجبور است پیر شدن و کوچک شدن خود را با جدایی رهبر جوان اما خطر پذیر خود بپذیرد. از سوی دیگر جریان الحکمه در همین بدو امر مورد اقبال چندین جریان و حزب عراقی که چندان دل خوشی هم از شخصیت های با سابقه مجلس اعلا نداشتند واقع شده است و با توجه به انتقال دفاتر و امکانات رسانه ای مجلس اعلا به نظر می رسد این حزب با پشتوانه مناسب سیاسی و اقتصادی وارد معرکه شده است. اما این قطعا کافی نیست. حزب جدید التاسیس الحکمه نیز اگر می خواهد به روی جوانان عراق سرمایه گذاری کند باید آن را یک امر دراز مدت و

استراتژیک بداند. جوانان باید قدرت فکری، سازماندهی، برنامه محوری و پایداری حزب جدید را ببینند تا به آن اعتماد پیدا کنند. آنها باید اهداف کوتاه مدت و بلند مدت حزب را متناسب با واقع بینی، و در جهت انسجام سیاسی و ملی و بهبود اوضاع اقتصادی در هم ریخته و ناسالم و ضعیف عراق ببینند. اما این مهم دور از انتظار نیست و از خاندان حکیم و شخصیت جوان اما با تجربه امروز عمار حکیم قابل انتظار است

سید عمار را چگونه یافتم؟

دو ماه پیش و در نیمه های شعبان بود که در جریان سفری به عراق دیدار عمار حکیم را تجربه کردم. هدف انجام گفت و گویی رسانه ای بود اما ایشان مایل به گفت و گوی غیر رسانه ای بودند.

پل الجمهوریه نمادی از تحول در عراق

دفتر ریاست حزب در جنب پل مشهور الجمهوریه بغداد واقع شده بود که منطقه میدان التحریر را به منطقه سبز مرتبط می کند . این پل در دوران صدام نماد اقتدار و توسعه صدام تلقی می شد و از نظر امنیتی هیچ کس حق نداشت بر روی این پل توقف کند و اگر به طور مثال یک خودرو بر روی این پل نقصی مکانیکی پیدا می کرد. راننده حق نداشت خود اقدام به تعمیر آن کند و باید بلافاصله به ایستگاه انتظامی نزدیک پل رجوع و با اعلام نقص فنی خودرو انتقال خودرو را به آنها واگذار می کرد. چرا که در دو طرف پل و در کنار رودخانه دجله کاخ وزیر عالی رتبه صدام واقع شده بود. کاخی که امروز محل ملاقات با عمار حکیم بود و همین نشان دهنده تحولی عظیم و نمایانگر قدرت شیعیان که روزگاری در تحت ستم صدام قرار داشتند تلقی می شود. عمار از همان خاندانی است که صدام حدود ۶۵ نفر آنان را به دلیل مبارزه اعدام کرده بود.
عمار را تا حدی می شناختم و از توانمندی او شنیده بودم. اما عماری که در آن دیدار یافتم از عماری که می شناختم سطحی بالاتر از انتظار را نشان می داد. با خاندان حکیم نا آشنا نبودم. مخصوصا در چند سال اخیر از طریق سید حیدر حکیم که انصافا در طهارت نفس و قوت ایمان و دقت عمل و شرافت و وفا کم نظیر است به جنبه های بیشتری از شخصیت فکری شهید حکیم ، روح انسانی، بلندای دانش، استحکام، کیاست سیاسی و کاریزمای مذهبی و تشکیلاتی شهید حکیم پی برده بودم.

محکم و خوش بین به آینده تشیع

به رغم رنج و مظلومیت های شیعیان، او تشیع را در حال رشد و قدرت یابی می دید. هیچ یک از صف بندی های نظامی یا فکری در برابر شیعیان را خطر مهمی نمی دانست و شیعیان را در مسیر پیروزی بر همه چالش ها ارزیابی می کرد. او را محکم و خوشبین دیدم.
از لبنان و عراق و یمن گفت که چگونه شیعیان تحت ستم قدرت خویش را باز یافته اند.
در عراق وهابی های بی آبرو متلاشی شده اند. شیعیان اهل رزم شده اند و امروز قدرت اصلی را تشکیل می دهند.
در لبنان، شیعیان مهمترین سد در برابر اسرائیل و قدرتی غیر قابل بحث شده اند.
در یمن در حالی که تا پیش از این شیعیان عموما محروم ترین طبقات را تشکیل می دادند و از هر گونه توجه بین المللی و قدرت داخلی محروم بودند و باید در کوه ها ماوی می جستند، امروز به

قدرتی موثر تبدیل شده اند که بدون گفت و گو با آنان امکان تاسیس حکومت در یمن وجود ندارد. او باور داشت داعش نه تنها به اهدافش نرسید و نتوانست نیروهای انقلابی و حرکت شیعی را محدود کند بلکه به یک به یک فرصت برای ملت های عراق و سوریه تبدیل شد و مردم این کشورها از جمله شیعیان عراق و علویان سوریه با نگاه استراتژیک به موقعیت خود در قالب یک جریان مقاوم با توان دفاعی سر برآوردند.

آرام و اهل استدلال / اهل آشتی ملی و مخالف تجزیه

او پیش بینی می کرد داعش راهی ندارد جز آنکه به صحراهای لیبی و مصر و اردن و یمن و پاکستان و افغانستان پناه ببرد یا به کشورهای سازنده خود برگردد و برای آنان مصیبت ایجاد کند. او معتقد است که اگر اهل تسنن نیز گوشه امیدی به داعش داشتند متوجه شدند که راه احقاق حقوقشان داعش نیست چرا که هر جا داعش رفت جز فلاکت و تخریب و عقب ماندگی و شرم چیزی بر جای نگذاشت.

او تاکید داشت اهل تسنن به خوبی دانستند راه نجات وحدت است. از این رو آینده عراق را روشن و به عراق متحد می اندیشید و این را تنها یک آرزو نمی داسنت بلکه تحقق آن را ممکن و عملیاتی می دید. او تجزیه عراق را نه به نفع شیعیان و نه به نفع اهل تسنن یا کردها و یا کشورهای منطقه نمی دانست و منافع تجزیه عراق را صرفا در جیب اسرائیل می دید. او آشتی ملی را بهترین راهبرد رسیدن به اقتدار و وحدت ملی در عراق و ایجاد ثبات و پیشرفت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی می دانست. عمار را در این مباحث در قامت یک سیاستمدار بسیار آرام و اهل استدلال و اعتماد به نفس یافتم.

اهل گفت و گو = تشویق ایران به گفت و گوهای منطقه ای با حضور آمریکا از سوی پدر شهیدش = تشویق به گفت و گوی ایران و عربستان

او را قائل به گفت و گو شناختم. او از نقش آیت الله شهید سید باقر حکیم در تشویق ایران برای ورود به مذاکرات قدرت های منطقه ای با حضور آمریکا در باره عراق پس از صدام می گفت. این که با اصرار پدر ایشان ایران پا به مذاکراتی گذاشت که یک طرف آن آمریکا بود. او آن مذاکرات را نقطه ورود ایران به مذاکرات دامنه دار بعدی با آمریکا می دانست. مذاکرات منطقه ای را از راه حل های خروج منطقه از بحران می دانست. همین چند روز پیش گفته بود خواستار اجلاس سران ایران، عراق، عربستان، مصر و ترکیه است. او به جز اسرائیلی ها با همه طرفهای منطقه ای و فرا منطقه ای نشست هایی را تجربه کرده است از عربستان و مصر گرفته تا آمریکا و روسیه. او علاقه خود به گفت و گوی ایران و عربستان را پنهان نمی کرد.

تقدیر ویژه از نقش آیت الله سیستانی و فتوای ایشان

از نقش مرجعیت عالی عراق و فتوای جهاد ایشان سخن به میان آمد. بیان او از باوری عمیق به منزلت مرجعیت و نقش محوری حضرت آیت الله العظمی سیستانی گواهی می داد. او این فتوا را موجب تغییر معادلات منطقه و هزیمت تروریست ها می دانست. این فتوا را فراتر از یک فتوای جهاد و دارای ابعادی انسانی و اخلاقی و کمک به آوارگان و پیشگیری از جنگ طائفه ای می دانست. این در حالی است که حضرت آیت الله سیستانی در بهمن ماه ۹۵ دیدار با هیات ائتلاف ملی شیعیان عراق به ریاست عمار حکیم را نپذیرفتند. در دلیل این اقدام بیان شده بود که این امتناع به دلیل امتناع کلی آیت الله سیستانی از دیدار با سیاسیون است. واکنش ائتلاف ملی نیز جالب بود: «از

مشورتهای مرجعیت استفاده می کنیم اما از نام مرجعیت سوء استفاده نخواهیم کرد»

دیدار با السیسی و دفاع از تشیع

از نقش امام موسی صدر در ارتباط مذاهب و شخصیت ها و سران اسلامی سخن به میان آمد و خلائی که امروز در این خصوص حس می شود. او از سفر موفقش به مصر و دیدار با السیسی گفت. علی رغم مخالفت ها، او درباره وضعیت شیعیان در مصر و ضرورت همزیستی ادیان با السیسی سخن گفته است. او نشانه های تداوم موسی صدر در منطق گفت و گو با همه ادیان و مذاهب و همزیستی ملل و اقوام را از خود بروز می داد.

تعبیر ایران در نقش وزیر دفاع تشیع و عراق در نقش وزیر خارجه تشیع

از نقش برجسته ایران اسلامی به عنوان بزرگترین کشور شیعی و مخالفت های منطقه ای و فرا منطقه ای با جمهوری اسلامی ایران سخن به میان آمد. از اینکه با سابقه ی دشمنی های آمریکا و چالش های همپیمانان منطقه ای اش نظیر عربستان با ایران و با توجه به مجموعه نگاه ها و استدلال های حاکم بر سیاست خارجی ایران، به هر دلیل ایران به آسانی نمی تواند با کشورهایی چون آمریکا و عربستان وارد مذاکرات عادی شود. عادی سازی روابط با موانعی جدی داخلی و منطقه ای مواجه است.

آیا سیاست مداران شیعه عراقی از جمله سید عمار که هم به ایران نزدیک هستند و هم موانع حکومت ها برای گفت و گوی منطقه ای و فرا منطقه ای را ندارند می توانند نقشی در این میانه ایفا کنند تا در تلاشی همه جانبه بحران های منطقه به درگیری نینجامد؟

او ایران را چون دژ محکمی در برابر تمام این تهاجمات می دید . در این حال در تعبیر و تمثیلی ایران و عراق را دو بالی تعریف می کرد که یکی نقش وزیر دفاع و دیگری نقش وزیر خارجه جهان تشیع را ایفا می کنند.

در این حال مهمترین دغدغه و نگرانی های او در بعد خارجی گسترش تنش ایران و عربستان بود که ممکن است خدایی نکرده در صورت غفلت به ناگهان برافروخته شود و شعله های آن دامنگیر همه شود. در بعد داخلی نیز تفرقه و فراموشی چالش های آینده سیاسی و اقتصادی عراق در هلهله پیروزی بر داعش را مهمترین نگرانی دانست. در او نگاه های استراتژیک یافتم.

علاقمند به ایران اما مستقل در دیدگاه

او تلاش داشت در نوع بیان خود تعادلی بین یک شخصیت مستقل عراقی و در عین حال علاقمند به انقلاب اسلامی ایران را حفظ کند. از امام خمینی، جمهوری اسلامی و رهبری آن (حضرت آیت الله خامنه ای) با احترام و تکریم یاد می کرد و در این حال با دقت به بیان تحلیل های مستقل و و رفتار سیاسی مستقل خود به ویژه در روابط با دیگر کشورها و گفت و گو با آمریکا و مصر و امثال آن می پرداخت. در عراق داشتن شخصیت مستقل برای حفظ منزلت سیاسی و اجتماعی و مذهبی لحاظ می شود و در این حال ارتباط با ایران به خودی خود آن چنان حساسیت برانگیز نیست. هیچ فعالیت شیعی در عراق خارج از چارچوب مرجعیت، مردم و حکومت عراق به سرانجام روشنی نمی رسد و در این حال در نسبتی با ایران به عنوان بزرگترین کشور و قدرت شیعه نیز قرار می گیرد.

عمار نمی تواند گذشته خود با ایران و سالها حضورخود و پدر و عمو و خاندانش و سالها کمک ایران به حزبش را فراموش یا کتمان کند اما در این حال می تواند رفتاری مطلوب یک سیاستمدار

مذهبی عراقی داشته باشد. در مثل اعلای آن مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت الله العظمی سیستانی ایرانی الاصل است و تعلق خاطری ویژه به ایران و زبان فارسی دارند و قلبشان برای ایران و مردم ایران می تپد. اما ایشان عمیقا در دل و جان مردم عراق پذیرفته شده اند. چرا که همواره مصالح عالی مردم عراق را مد نظر قرار داده است و هرگز از منظر یک ایرانی برای مردم عراق سخن نگفته است.

اهل شنیدن

عمار حکیم خیلی خوب گوش می کرد، با دقت و یک به یک و با حافظه ای خوب به پرسش ها و موضوعات بدون آنکه یادداشتی برداشته باشد جواب می داد، شمرده و آرام اما با بیانی قوی صحبت می کرد و احترام خاص برای مهمان خود قائل بود. گرچه اگر فرصت بیشتری برای هر دوی ما بود چه بسا امکان بحث های چالشی و نقد دیدگاه ها نیز فراهم می شد. در گفتگو او شخصیتی محترم، آشنا به آداب دیپلماتیک و آینده نگر و اثر گذار است.

اعلام حزب جدید: انشعاب از بالا و ریسک جدی

عمار حکیم با اعلام حزب جدید قدرت ریسک پذیری و ابتکار عمل خود را نیز نشان داد و ثابت کرد می تواند تصمیمات سخت و غیر مترقبه بگیرد. او با انشعاب از بالا در حقیقت از مجلس اعلا بیرون کشید و خود را از شکاف فکری با شخصیت های سابقه دارد این مجلس به یک باره رهانید. از سوی دیگر خود را از چالش رهبری حزبی که به ارث رسیده بود خارج کرد. چون به نظر می رسد در مجلس اعلا هیچگاه به او به چشم شهید سید باقر حکیم و پدرش عبدالعزیز حکیم نگریسته نشد و چه بسا سابقون مجلس اعلاء خود را بالاتر و محق تر به رهبری مجلس می پنداشتند. او حزبی را تاسیس کرد که اولا خودش موسسش باشد ثانیا چالش رهبری نداشته باشد و ثالثا بتواند با هم نسلان خود و نسل جوان عراق ارتباط بر قرار کند.

در این حال با اقدام او که به نوعی کنار گذاشتن افراد با سابقه مجلس اعلا نیز محسوب می شود چالش های جدی آفریده شده است و جنجال ها و بگو مگو های بسیار حول محور این تصمیم برای مدتها ادامه خواهد داشت و بعید است سابقون مجلس اعلا به راحتی با این تصمیم سید عمار حکیم کنار بیایند و چه بسا وجه قانونی، سیاسی و حتی شرعی تصمیم او را با پرسش مواجه کنند. و او باید برای این چالش پاسخ مناسب داشته و آن را با تدبیر مدیریت کند.

لوازمی که یک رهبر کامل نیازمند است

البته این همه برای رهبری کامل کافی نیست. آنچه یک شخصیت را رهبری کامل و کاریزماتیک می سازد، ایمان به هدف متعالی و صراط روشن، نگاه استراتژیک، بینش و دانش عمیق، برنامه محوری، اهل عمل و واقع بینی، ، دور اندیشی و تنظیم روشن افق آینده، مشارکت پذیری، کاربست مدیران کارآمد، جاذبه و دافعه فکورانه و مسئولانه، خلاقیت در اندیشه و عمل، در نظر گرفتن تفاوت ها، نقد پذیری و پرهیز از استبداد رای، پذیرش آزادی فکر و بیان، قدرت تصمیم گیری در شرایط سخت، خطر پذیری، ایجاد روحیه امید، قدرت بسیج نیروها، انعطاف، پذیرش اشتباه، شفافیت و مراقبت از فساد و انحراف، کرامت، اصالت، ذهن باز، تولید قدرت و عزت، مسئولیت

پذیری، شکیبایی و خستگی ناپذیری، واکنش مناسب، ، بخشش و دیگرخواهی، است
سید عمار ظرفیت های ویژه ای دارد. تا حد مناسبی وجوهی معنی دار از این عناصر را در خود پرورش و بروز داده است و لذا در ردیف برجستگان عراق قرار گرفته است. سید عمار به خطیر بودن شرایط واقف است. نیک می داند که راه طولانی و دشوار است و پیوسته نیازمند نقد و نظر و روی گشاده و پذیرش دیدگاه ها و جامع نگری است. در این حال سید عمار دارای ظرفیت های ویژه ای است که او را متمایز می سازد و می تواند در آینده تبلوری تمایز یافته تر از نظر اندیشه و روش و عمل به او دهد.
آیا او می تواند جای پدرانش را پر کند؟ می تواند در مسیر امام موسی صدر گام بردارد؟ می تواند گفت و گو و ارتباط را جایگزین درگیری و خشونت سازد؟ می تواند در نقطه تلاقی حاکمیت، مرجعیت و مردم، حلقه وصلی مطمئن باشد؟ می تواند نقطه ای آرامش بخش در عراق متلاطم باشد؟ می تواند از حزب الحکمه نه صرفا یک حزب سیاسی برای تصدی قدرت بلکه مرکزی از امید و تدبیر و حکمت بسازد؟ امید بسیاری هست اما باید صبر کرد.



مقبره شهید آیت الله سید باقر حکیم و مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالعزیز حکیم در نجف اشرف

انكشاف ابعاد ديكر فتنه درماني

شروع فتنه توسط هاشارباشارهای حكومت برای كودتاي عليه دولت و الزام به استعفاي روحاني كه منجر به شعار عليه حكومت شد

تحرکات احمدی‌نژاد، منشأ تجمعات اخیر است

محسن غرویان در خصوص علت تجمعات اخیر مردم گفت: تشخیص اینکه انگیزه این تجمعات چیست، آیا سیاسی، اقتصادی یا سازماندهی شده، کمی مشکل است و باید چند روز بگذرد؛ اما آنچه از قرائن مشاهده می شود، اینها سیاسی است و همان بحث های جناحی و سیاسی در آن مطرح است. به هر حال، آقای احمدی نژاد در روزهای گذشته حرکاتی انجام داد و صحبت هایی مطرح کرد که منشأ این شد تا یکسری تجمعات اینچنینی شکل بگیرد. باید زمان بگذرد تا اهداف و ماهیت این تجمعات مشخص شود و من فکر می کنم همان گروه‌های افراطی و دلواپسان پشت این قضیه هستند. نمونه این اتفاقات نوعی موج‌سواری است که هر کسی به هر بهانه‌ای از فضا سوءاستفاده می کنند و به دولت فشار می آورند، حالا این فشارها تحت عنوان گرانی و ... مطرح می شود، وگرنه چنین چیزی عام و گسترده در میان اقشار دیده نمی شود. درست است که برخی از کالاها مقداری گران شده، ولی از این گرانی ها تا به حال زیاد بوده و قیمت ها بالا و پایین می شود. باید آرامش کشور را حفظ کنیم دولت منتخب با 24 میلیون رأی مردم است باید به آن کمک کرد و مشکلات را تحمل کرد، اقتصاد مقاومتی که مطرح می شود، باید همین جا خود را نشان دهد. /دنیای اقتصاد

کدام مخالف احمق دولت می‌خواهد کشور را به سمت ناامنی ببرد؟

احمد توکلی درباره برخی ادعاها که اعتراضات اخیر توسط مخالفان دولت سازماندهی شده، گفت: من نمی‌دانم منظور آن‌ها از مخالفان دولت چه کسانی است و نمی‌دانم کدام مخالفان احمقی هستند که می خواهند کشور را به سمت ناامنی ببرند. من بعضی از مخالفان دولت را می‌شناسم و خودم با بعضی از سیاست‌های دولت مخالف هستم اما آدم‌هایی به این احمقی را نمی‌شناسم که بخواهند کشور را ناامن کنند. من نصیحت می‌کنم که این مسائل را داخلی نکنند چرا که بخشی از این مشکلات به زمینه‌سازی طولانی مدت نارضایتی‌ها و بخش دیگر به نارضایتی مردم از برخورد با مالباختگان موسسات مالی مربوط می‌شود و جناحی شدن این مسائل به ضرر همه است. سیاسیون در حالی که کشور وضع خوبی ندارد، باید دست در دست بدهند تا مشکلات را حل کنند، کسانی که این تهمت‌ها را می‌زنند طرف مقابل را هم درگیر رفع اتهام می‌کنند و دیگر وقتی برای رفع مشکلات مردم نمی‌ماند./تسنیم

فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پاسخ به ادعای برخی مسئولان استان خراسان رضوی مبنی بر دخالت جریان منسوب به یکی از مسئولین سابق آغاز این تجمع و اعتراض در مشهد و برخی مناطق دیگر که در ادامه از دست رها شد و به اغتشاش و فتنه رسید، گفت: این موضوع با فراخوان یکی از سایت هایی صورت گرفت که وابسته به شخصی است که این روزها زبان به مخالفت خوانی نسبت به اصل و ارزش های نظام گشوده است.



فرمانده کل سپاه از بررسی عملکرد یک سایت توسط نیروهای امنیتی خبر داد

ردپای مسئول سابق در تجمع مشهد



فرمانده کل سپاه:

تجمع مشهد با فراخوان یکی از سایت های وابسته به شخصی صورت گرفت که این روزها زبان به مخالفت خوانی نسبت به اصل و ارزش های نظام گشوده / نیروهای امنیتی درحال بررسی این مسئله هستند و اگر به دخالت این مسئول سابق برسند قطعا با او برخورد خواهند کرد / شکست خط فتنه ۹۶ را اعلام می کنم

سرلشکر جعفری با تأکید بر اینکه دشمنان بدانند تهدیدات دفاعی و امنیتی علیه ایران اسلامی دیگر جواب نمی‌دهد، گفت: اکنون می‌توانیم بگوییم روز پایان فتنه 96 است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



سردار جعفری فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

نیروهای امنیتی در حال بررسی دخالت یک مسئول سابق در ناآرامی‌ها هستند

آمادگی امنیتی ما و بصیرت مردم، باعث شد، دشمن شکستی دوباره را تجربه کند، چون اگر وضعیت ما مانند مصر، تونس و لیبی بود، شاید جمه

جعفری تأکید کرد: نیروهای امنیتی در حال بررسی این مسأله هستند و اگر به دخالت این مسئول

سابق برسند، قطعا متناسب با وضعیت و درخواست ناجا با او برخورد خواهند کرد.

سردار نقدی: فردی که پیش از این در منصب کلیدی کشور بوده و امروز مدعی شده، خودش برای مبارزه با فساد چه کرده؟ / اگر موضوع عدالتخواهی است چرا پیش از این ساکت بودید؟ / اکنون که قرار است قوه قضاییه به تخلفات اطرافیانتان رسیدگی کند مدعی شده‌اید؟

معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه در مسئله مقابله با قاچاق کالا همه چیز در اختیار قوه مجریه است، گفت: برخی ها در دوران مختلف بندۀ آرا شده اند و به دلایلی نظیر ریزش آرا در برخورد با قاچاقچیان کم کاری کرده و می کنند، این نشانه ریاست طلبی است و کسی که این گونه عمل کرده نمی تواند مدعی دفاع از حقوق مردم باشد .

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

سردار جعفری گفته که اعتراض‌ها با فراخوان سایت وابسته به یک مسئول سابق آغاز شد

منظور فرمانده سپاه از نقش مقام سابق در ناآرامی‌ها چه بود؟

پای احمدی‌نژاد در میان است؟

نکته قابل توجهي که فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامي ديروز مطرح کرد ادعاي برخي مسوولان استان خراسان‌رضوي است. بر اساس آنچه سرلشکر جعفري بيان کرده مسوولان اين استان اعلام کرده‌اند برخي جريان‌هاي منسوب به يکي از مسوولان سابق در آغاز اين تجمع و اعتراض‌ها در مشهد و مناطق ديگر که در ادامه از دست رها شد و به اغتشاش رسيد دخالت داشته‌اند.

آفتاب‌نیوز :

تظاهرات خياباني از روز پنجشنبه آغاز شد. شهر مشهد نقطه شروع اين اعتراض‌ها بود اما به چند ساعت نرسيد که خيابان‌ها و ميادين اصلي شهرهايي چون شاهرود، نيشابور، قوچان و کاشمر هم به محلي براي تجمعات اعتراضي مردم تبديل و به سرعت به کرمانشاه و غرب کشور کشيده شد.



به گزارش **آفتاب‌نیوز**، پس از آن بود که در روزهاي جمعه و شنبه اين اعتراضات به شهرهاي مرکزي ايران هم سرايت کرد. اعتراضاتي که در ساعات و روزهاي اوليه بيش از هر چيز با محوريت مصايب اقتصادي و معيشتي مردم شکل گرفته‌بود اما رفته رفته رنگ و بويي ديگر گرفت. شمايل اعتراضات هر ساعت خشونت‌آميزتر از قبل مي‌شد و ناآرامي‌ها آرام نمي‌گرفت. حتي سخنان رييس‌جمهوري در

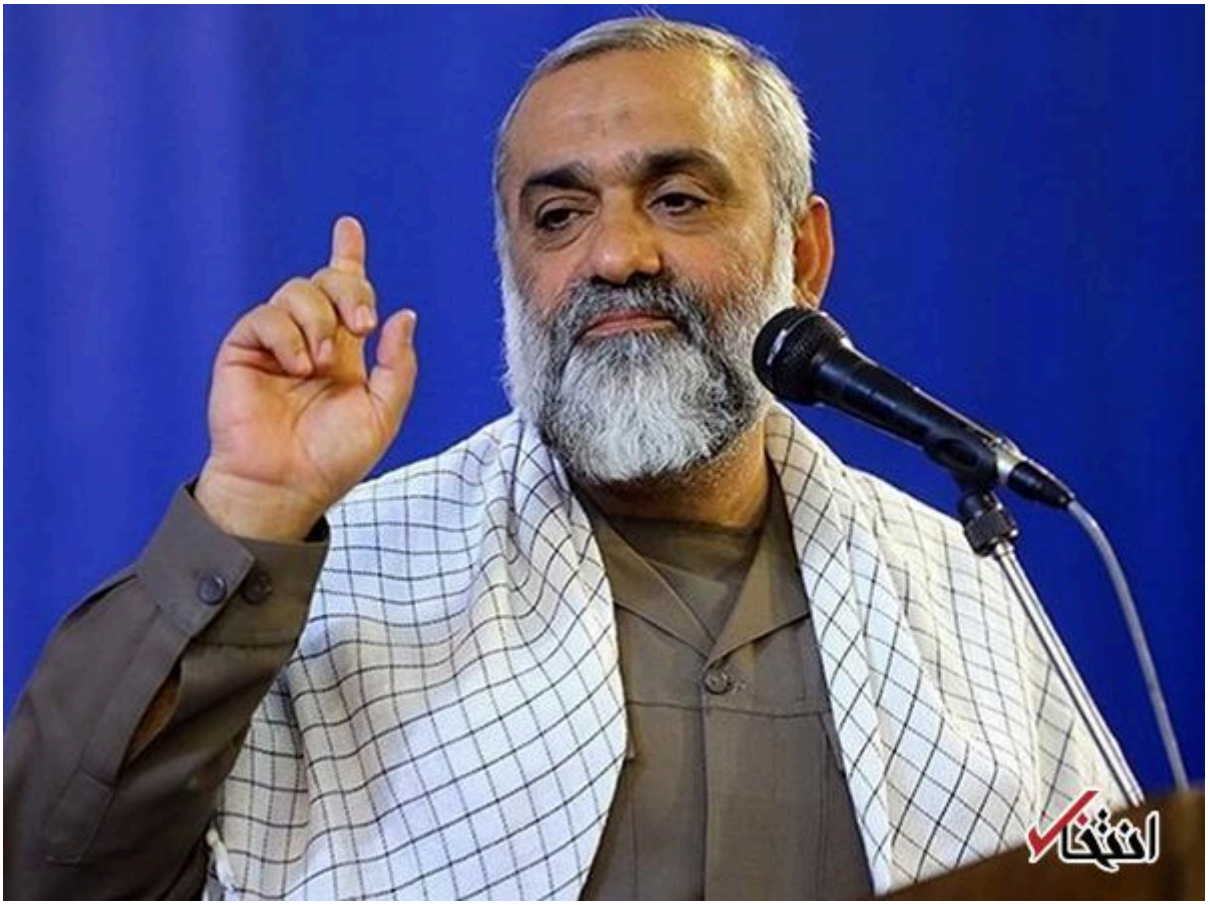
هيات دولت، نمايندگان مجلس و سياستمداران چپ و راست هم براي دعوت به آرامش افاقه نكرد. شكستن شيشه بانك‌ها، آتش زدن سطل‌هاي زباله، به آتش كشيدن تاكسي در روزهاي آخر به كشته‌شدن برخي شهروندان هم رسيد.

در همه اين ۷ روز بحث بر سر تحليل اين اعتراض و خشونت‌هاي پسين آن داغ بود. مشهد، شهر شروع اعتراضات گرچه اين روزها به شهر سپرده‌گذاران بدون سود معروف شده اما حضور مخالفان سرسخت دولت در اين شهر شائبه‌اي به وجود مي‌آورد كه اين اعتراضات سازماندهي شده است. فراگير شدن اعتراضات و همچنين تاكيد مشابه اصلاح‌طلبان و اصولگرا بر برخورد مسالمت‌آميز و نفي خشونت در تظاهرات اما خط تحليل‌ها را تغيير داد. موضوعي كه از فرمانده سپاه تا دبير شوراي عالي امنيت ملي و حتي رييس‌جمهوري هم بر آن تاكيد داشتند. علاوه بر اين اغلب مسوولان فضاي مجازي را يكي از مهم‌ترين عواملي مي‌دانند كه باعث شعله‌ورتر شدن آتش شد. ٦ روز پس از آغاز اين اعتراضات سرلشكر محمدعلي جعفري، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامي از احتمال دست داشتن يكى از مسئولان سابق در اين ناآرامى‌ها خبر داده است.(اينجا)

همچنين روزنامه جوان در سرمقاله روز چهارشنبه به قلم عبدالله گنجي يكي از مهم‌ترين ويژگي‌هاي اعتراضات اخير را خطدهي خارجي خوانده و نوشت «اصلاح‌طلبان برخلاف ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ پشت اين اعتراضات نيستند، محدود بودن جمعيت حاضر در اغتشاشات خصوصا در تهران و بي‌سر بودن آن از اين زاويه قابل تامل است.» همچنين گنجي در اين سرمقاله تاكيد كرده كه در بررسي‌هاي انجام شده ٦٠ درصد تهراني‌ها و ٥٤ درصد شهرستاني‌هاي حاضر در تجمعات كانال‌هاي ضدانقلاب به خصوص آمدنيوز را منشأ و محرك خود دانسته‌اند؛ تحريك جمعي و دو طرفه بودن اين رسانه‌ها تجربه جديدي است كه در ادوار قبلي نبوده است.

فرمانده سپاه از ارتباط كدام مسوول سابق با ناآرامي‌ها سخن مي‌گويد؟

به نوشته روزنامه اعتماد، نكته قابل توجهي كه فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامي ديروز مطرح كرد ادعاي برخي مسوولان استان خراسان‌رضوي است. بر اساس آنچه سرلشكر جعفري بيان كرده مسوولان اين استان اعلام كرده‌اند برخي جريان‌هاي منسوب به يكي از مسوولان سابق در آغاز اين تجمع و اعتراض‌ها در مشهد و مناطق ديگر كه در ادامه از دست رها شد و به اغتشاش رسيد دخالت داشته‌اند. سرلشكر جعفري براي توضيح بيشتر تنها به اين جمله اكتفا كرده كه «اين موضوع با فراخوان يكي از سايت‌هايي صورت گرفت كه وابسته به شخصي است كه اين روزها زبان به مخالف‌خواني نسبت به اصل و ارزش‌هاي نظام گشوده است. نيروهاي امنيتي درحال بررسي اين مساله هستند و اگر به دخالت اين مسوول سابق برسند قطعا متناسب با وضعيت و درخواست ناجا با او برخورد خواهند كرد.» گرچه فرمانده سپاه پاسداران مشخصا از كسي نام نبرده و تلويحا سخن گفته است اما با توجه به توصيف تكميلي او از مسوولان سابق به نظر نمي‌رسد پيدا كردن نام فرد مورد نظر كار سختي باشد. با اين حال مراكز اطلاع‌رساني جرياني كه از سخنان فرمانده سپاه به ذهن متبادر مي‌شود در جريان حوادث اخير موضع «سكوت» پيش گرفتند و فراخواني براي حضور در اعتراضات از سوي آنها مشاهده نشد. البته نه‌تنها رسانه‌هاي اين جريان بلكه ليدرهاي آنان، هم نسبت به حوادث روزهاي اخير موضع مشخصي نداشتند و ترجيح دادند سكوت پيشه كنند، از سويي تنها كانال تلگرامي كه بسياري از مقامات امنيتي و انتظامي در مورد عملكرد روزهاي اخير آن احساس نگراني مي‌كردند آمدنيوز بود؛ كانالي كه حتي باعث شد وزير ارتباطات و فناوري اطلاعات در توييتي مدير تلگرام را خطاب قرار داده و از او درخواست كند جلوي ادامه فعاليت اين كانال را بگيرد. پس از نامه‌نگاري‌هايي هم دولت ايران موفق شد مديران تلگرام را قانع كند اين كانال را به دليل آموزش‌هاي ساخت سلاح‌هاي آشوب خياباني مسدود كند. حال اين سوال مطرح است كه آيا مي‌توان از سخنان فرمانده سپاه پاسداران به ارتباط جريان آن مسوول سابق با شبكه‌اي همچون آمدنيوز رسيد؟



معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعتقاد دارد که مقصر گرانی و بیکاری و مشکلات اقتصادی، کسانی هستند که اقتصاد مقاومتی را اجرا نمی کنند و واردات بی رویه را ادامه می دهند.
معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه هدف اصلی استرتژی دشمنان انقلاب اسلامی این است که بگویند مشکل در انقلاب اسلامی است، گفت: زمانی که موسات مالی غیرقانونی با سودهای کلان تاسیس شدند ناظران و دستگاه های مسئول که باید جلوی این موسسات را می گرفتند وظیفه خودشان را انجام ندادند و این یک سناریو بوده است .
وی با بیان اینکه فردی که پیش از این در منصب کلیدی کشور بوده امروز مدعی شده اما جواب نمی دهد خودش برای مبارزه با فساد چه کرده است، گفت: مسائل اقتصادی کشور صد در صد در اختیار دولت است .
نقدی خطاب به مسئولان سابق که امروز مدعی شده اند، گفت: اگر موضوع عدالتخواهی است چرا پیش از این ساکت بودید و هم اکنون که قرار است قوه قضاییه به تخلفات اطرافیانتان رسید گی کند مدعی شده اید؟ مردم نباید این عوام فریبی ها را باور کنند .
وی افزود: چرا هرگاه مقابله با پرونده های بزرگ فساد اقتصادی آغاز می شود اغتشاش هم آغاز می شود و رسانه های مدعی آزادی بر طبل اشکالات قوه قضاییه می کوبند؟ در سال 1378 هم وقتی رسیدگی به پرونده فساد شهرداری جدی شد شاهد این گونه آشوب ها بودیم .

دم خروس بیرون زد؛ پیوند طیف تندرو اصولگرا با تیم عملیاتی احمدی نژادی‌ها در اغتشاشات اخیر /پروژه شوم مردان احمدی نژاد برای «پایان زودرس» دولت روحانی /سرنخ این ماجرا به کلافی می رسد که ... /تلاش پشت پرده تندروها برای اجبار روحانی به استعفا / مشروعیت زدایی از سه قوه حاکمیتی ، طرح خطرناکی که کلید خورده است

بعد از شعار موهنی که علیه رییس جمهور سر داده شد حالا آنها با طرح ماجرای مشکوک درخواست نمانیدگان برای استیضاح و کناره گیری رییس جمهور یا طرح خبر مشکوک و غیر واقعی درخواست طیفی از دانشجویان برای استعفای حسن روحانی ، این سرنا را از سر دیگر آن می نوازند .

یاسین سیف اللهی: آنچه در این چند روز در شهرهای مختلف ایران دیده شده قطعا یک پدیده تک عاملی نیست ؛ همانطور که قطعا یک پدیده خلق الساعه هم نیست. در تحلیل آن چه موجب پیدایش این رخدادها شده هر تحلیل گر و صاحب نظری تعدادی مولفه را پشت هم ردیف می کند تا در نهایت نتیجه بگیرد که چرا و چگونه به یکباره صورت شهرهای ایران تغییر کرد و این چنین ناآرامی هایی شکل گرفت.

شاید در تقسیم بندی عوامل بتوان آنها به دو قسم کرد:

1- پدید آورندگان
2- هدایت کننده و افزایش دهنده

و در همین راستاست که برخی می گویند برخی عناصر تندروی اصولگرا زمینه ساز این اغتشاش شده اند ولی در ادامه، کار از دستشان در رفته و مجموعه دیگری از عناصر از داخلی گرفته تا خارجی آن را هدایت و گسترانیده اند .

اما شاید بتوان با نگاهی دقیق و ریزبینانه به تحلیل و تفسیر دیگری هم رسید. اینکه آن عناصر تندرو اساسا چرا این زمینه سازی را انجام داده اند و آیا از زمانی که کار از دستشان در رفته است دیگر نقشی در این آنارشیسم کاریکاتوری ندارند؟ نشانه هایی وجود دارد که اگر آنها را مانند قطعات پازل کنار هم بگذاریم همه چیز هویدا می شود.

اگر از این طنز تلخ که برخی عناصر نشان دار مخالف دولت مطرح می کنند که دولت خودش عمدا ناراضایتی عمومی راه انداخته تا اوضاع چنین شود با خنده ای پر از کنایه عبور کنیم آنگاه به زمینه سازی سریالی اجتماعی می رسیم که از سوی برخی از طیف های تندرو راستگرا صورت گرفته است.

این زمینه سازها چندین محور دارد:

1- عوامل این دولت که برای رسیدن به توافق هسته ای تلاش کرده اند افرادی مرعوب ، خودفروخته ، جاسوس ، اجنبی پرست ، دارای روابط مشکوک با غربی ها ، معامله گر ،وطن فروش و هزار یک برچسب دیگر هستند که بارها از سوی این افراد به صورت سربسته و غیر سربسته به این مسئولان الصاق شده است .

2- مسئولان این دولت عده ای اشرافی هستند که یا در ویلاها و باغ های خصوصی خود به سر می برند و یا اینکه همه آنها «بیزنس‌من » هایی هستند که هیچ توجهی به جامعه ندارند و اساسا هیچ کدامشان مسئولیت پذیر نیستند.

3- اقدامات دولت هیچ کدام جنبه کارشناسی ندارد و اساسا عنصر جامعه در آن نادیده گرفته می شود.

4- دولت فاقد توان اجرایی و نظارتی است.

5- دولت توانایی برطرف کردن مشکلات جامعه را ندارد .

6- گرانی و تورم دیگر هیچ چاره ای ندارد و دولت هم نمی تواند برای حل آن هیچ اقدامی داشته باشد .

همزمان با این طیف تندرو ، تیم عملیاتی احمدی نژادی ها هم در این چند ماه اخیر اقداماتی را سامان داده اند که غیر از مواردی که همپوشانی با موارد بالا دارد دارای این محور ها هم هست :

1- غیر از دولت و شخص رییس جمهور ، علی لاریجانی به عنوان رییس مجلس فردی است که دارای روابط مبهم است . آنها اتهاماتی را به این چهره شاخص و معتبر نظام نسبت می دهند .برخی مسایل شبهه آفرین را در مورد او با تکرار برای افراد جامعه به عنوان یک واقعیت جلوه می دهند.

2- نفر بعدی رییس محترم قوه قضاییه است . آنها ایشان را نیز در چند ماه اخیر زیر بار تهمت های سنگین قرار داده اند تا آنجا که رهبری معظم انقلاب تذکر جدی در این مورد دادند .

3- آنها شکاف های درون جامعه را تا سر حد امکان عمیق کرده و عنصر بی عدالتی در جامعه را به عنوان یک کابوس و امر مطلق در ذهن افراد جامعه تداعی کرده اند .

حالا باید قطعات این پازل را کنار هم قرار داد. برای خیلی ها سوال بود که چرا احمدی نژادی ها به یکباره نام علی لاریجانی را به میان کشیده اند ؟ آنها اگر رقابتی هم داشتند باید به نقد حسن روحانی که دولت مستقر است می نشستند نه علی لاریجانی .

یا اساسا این سوال مطرح بود که چرا به یکباره بعد از طرح اتهامات عجیب و غریب و نادرست علیه رییس قوه قضاییه به یکباره این طیف از خواست مردم ایران ! برای کناره گیری این شخصیت فاضل سخن گفتند ؟

از آن سو نیز این سوال مطرح بود که برخی عناصر تندرو اصولگرا که در زمان احمدی نژاد مردم را توصیه به تحمل سختی ها می کردند و گرانی و تورم را مساله ای نه چندان اولویت دار جامعه قلمداد می کردند و هر کس در این مورد سخنی می گفت را متهم به سیاه نمایی شرایط می کردند چرا در این چند ماه هیچ کدام مردم را توصیه به تحمل شرایط نکردند و اتفاقا در تحریک شکاف های اجتماعی و به تعریف کلاسیک ، آگاه کردن طبقات پرولتاریا اقدام کردند؟

احمدی نژادی ها به خوبی می دانند که چد میلیون پرونده قضایی در کشور وجود دارد . آنها می دانند که تقریبا اکثر خانواده ها به

نوعی با سیستم قضایی مملکت سر و کار دارند. پس اینجا نقطه خوبی برای ایجاد بی اعتمادی و جدایی از بدنه حاکمیتی است .

آنها می دانند که علی لاریجانی یک عنصر بالقوه برای انتخابات 1400 است و می تواند فرد مورد توافق دو جناح برای تداوم وضعیت موجود باشد که به تداوم دیده نشدن آنها می انجامد .

اصرار دو سر این ماجرا به افزایش شکاف های اجتماعی و پدید آمدن یک موج اجتماعی دلیلی نداشته غیر از اینکه بنا داشته اند روی این موج سوار شده و به قدرت رسمی بازگردند . آنها آنقدر عجول بوده اند که تاب وصبر ، اتمام دوره حسن روحانی را هم نداشته اند . پروژه اتمام دولت روحانی قبل از موعد مقرر قطعا یک فرضیه قابل اعتناست که می توان از همین نشانه ها در مورد آن بحث کرد .

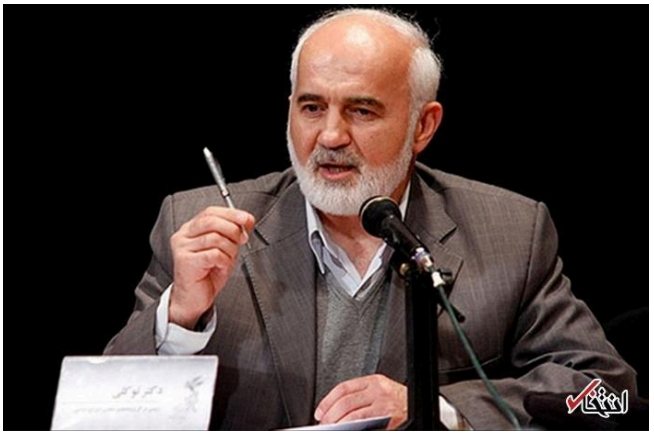
طرفه آنکه در چند روز اخیر دم خروس هم بیرون زده است . بعد از شعار موهنی که علیه رییس جمهور سر داده شد حالا آنها با طرح ماجرای مشکوک درخواست نمانیدگان برای استیضاح و کناره گیری رییس جمهور یا طرح خبر مشکوک و غیر واقعی درخواست . بعد از شعار موهنی که علیه رییس جمهور سر داده شد حالا آنها با طرح ماجرای مشکوک درخواست نمایندگان برای استیضاح و کناره گیری رییس جمهور یا طرح خبر مشکوک و غیر واقعی درخواست طیفی از دانشجویان برای استعفای حسن روحانی ، این سرنا را از سر دیگر آن می نوازند . یکی از سایت های خبری روز گذشته با درج مطلبی در این مورد نوشته بود که از ابتدای هفته جاری خبرهایی مبنی بر پیشنهاد استعفای رئیس جمهوری از سوی برخی از نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری مطرح شده است.علاوه بر این، سایت خبرنامه ... نیز نامه ای منتسب به دانشجویان را منتشر کرده است که در آن خواستار استعفای رئیس جمهوری و برگزاری انتخابات زودهنگام شده اند.

این سرنخ خوبی است ؛ رسیدن به سرمنشا آن هم چندان کار سختی هم نیست . این سرنخ ما را به کلافی می رساند که همه ماجرا از آن جا نشات می گیرد. جریانی خطرناک که در چند سال اخیر بارها و بارها در مورد آن هشدار داده شده است حالا به صورت ترکیبی برای مشروعیت زدایی مردمی از سه قوه حاکمیتی تلاش می کند. آیا هنوز زمان برخورد فرا نرسیده است؟

توکلی: اعتراضات مشهد مردمی بود / مگر شهروندان حق ندارند خواستار عزل رئیس‌جمهور شوند؟**!!!! نه جون از طریق انتخابات انجام مي شود**

این اشتباه بزرگی است که مسائل ملی را در سطح روابط جناحی تقلیل دهید. اعتراضات مشهد برخلاف آشوب روزهای بعد، کاملا مردمی و نتیجه بی‌اعتنایی دولت به این انتقادات و اعتراضات بود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



روزنامه شرق در گفت وگویی با احمدتوکلی به موضوع ناآرامی های اخیر پرداخته است.

بخشی از مصاحبه را می خوانید:

بسیاری بر این باورند که جرقه اعتراضات در مشهد با شیطنت‌های یک جناح آغاز شد تا جایی که حتی آنجا شعار مرگ بر روحانی هم سر داده شد. نشانه‌های دیگری هم وجود دارد. مانند اینکه مثلا یک دانشگاه در سایت خبری خود مطالبه استعفای روحانی را طرح کرد. آیا موافق هستید که استفاده سیاسی از مشکلات اقتصادی مردم تیری بود که بی‌هدف رها شد که امکان کنترل و مدیریت آن را سخت کرد و یک اعتراض را بدل به یک بحران ملی کرد؟

این اشتباه بزرگی است که مسائل ملی را در سطح روابط جناحی تقلیل دهید. اعتراضات مشهد برخلاف آشوب روزهای بعد، کاملا مردمی و نتیجه بی‌اعتنایی دولت به این انتقادات و اعتراضات بود. اینکه برخی مدعی شدند این اعتراضات را جناح مقابل راه انداخته است، ظلم به اعتراض بحق مردمی است. ضمن اینکه هیچ دلیل روشن و قانع‌کننده‌ای نیز برای این ادعا نداشتند. البته طبیعی است که منتقدان سیاسی دولت از اعتراض مردم استقبال کنند.

آیا با هرکسی که شعار سیاسی یا ساختارشکنانه داد، باید برخورد شود یا فقط با کسی که دست به اسلحه برد یا حملات تخریبی کرد، باید برخورد شود؟

قانون جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد کسی مرگ بر رئیس‌جمهور یا شخصیت‌های طراز اول بدهد. زمانی که آقای خاتمی سال ۷۷ در دانشگاه تهران در سالگرد دوم خرداد سخنرانی داشت، عده‌ای علیه قوه قضائیه شعار دادند و گفتند مرگ بر یزدی اما آقای خاتمی حاضر نشد که برائت‌جویی کند بلکه صرفا گفت که دوست ندارم از مرگ سخن گفته شود. می‌خواهم بگویم این مرگ‌برگفتن‌های سیاسی سابقه‌دار است و البته همان زمان هم غیرقانونی و غیراخلاقی بود.

این تحلیل برخی اصولگرایان هم هست. آقای محبیان یا برخی دیگر هم اشاره کرده‌اند به اینکه برخی مخالفان دولت دنبال بهره‌برداری بودند و پشت برخی از این تجمعات انگیزه‌های جناحی وجود داشت.

خب این حرف اشتباهی است. شما که دارید بحث را جناحی می‌کنید، فکر نمی‌کنید که به منافع ملی ضربه می‌زنید؟

گاهی ما درباره نگاه یا تحلیل صحبت می‌کنیم گاهی درباره یک واقعیت بیرونی. شما می‌گویید چنین واقعیتی در بیرون وجود نداشته که بخشی از جریان اصولگرایی پشت سر جرقه اولیه رخدادها بوده است؟

خب با کدام دلیل؟ کدام سند؟ تحلیل این و آن که نمی‌شود دلیل.

اینکه بخشی از جریان اصولگرایی بحث استعفای آقای روحانی را مطرح کرده است آیا یک نشانه یا نمونه سند نیست؟

خیر. با فرض اینکه این خبر شما درست باشد، مگر شهروندان چنین حقی ندارند که خواستار عزل رئیس‌جمهور خود شوند؟ حالا چنین مطالبه‌ای به معنی سازماندهی اعتراضات خیابانی است؟ به نظرم طرح چنین ادعایی نوعی ساده‌سازی اعتراضات اخیر است. کسانی که ادعای جناحی آشوب‌ها را دارند، عمق این اعتراضات را متوجه نشدند.

به نظر شما مرز بین شعار ساختارشکنانه و عادی چیست؟ به نظر شما وقتی در همان اعتراض نخست در مشهد شعار مرگ بر روحانی داده می‌شود این شعار ساختارشکنانه نیست؟ برای اینکه شعاری علیه یک فرد یا نهادی را ساختارشکنانه تلقی می‌کنیم ولی علیه فرد یا نهادی دیگر عادی، معیار و متر ما چیست؟

شعار مرگ بر فلان غلط است، علیه هرکسی گفته شود هم اشتباه است. بنده عرض کردم حتی اگر عده‌ای درخواست استعفا داشته باشند؛ خلاف قانون نکرده‌اند و ارتباط آشوب‌های خیابانی به این درخواست به مزاح شبیه است و شما نمی‌توانید از این مطالبه شروع اعتراضات خیابانی را نتیجه بگیرید. یا اینکه گفته‌اند صحبت‌های آقای علم‌الهدی باعث شده مردم تحریک شوند، این‌هم کاملا اشتباه است. آقای علم‌الهدی گفته‌اند مردم مشکلات اقتصادی پیدا کرده‌اند و گرفتاری مالی دارند یا اینکه گفتند به داد مردم مال‌باخته برسید؛ از کجای این صحبت استفاده می‌شود که ایشان از گفتن مرگ بر فلان حمایت کرده است؟ از کجای این حرف استنباط می‌شود که شروع اعتراضات با تحریک ایشان باشد؟ با چنین ادعایی، دیگر هیچ‌کس نباید انتقاد کند.

موافقید که ریشه اعتراضات داخلی است، زیرا به‌تازگی هم آقای رمضان‌زاده به این ادعایی که پای دشمن خارجی به میان کشیده می‌شود اعتراض کرده و گفته این حرف‌ها چیست که می‌زنید؟

واقعا از شما عجیب است. ترامپ را که به‌صراحت آمده و حمایت کرده است شما تحرکات دشمن تلقی نمی‌کنید؟ چطور دشمنی آنها را نمی‌بینید؟ اما دشمنی خارجی‌ها ربطی به دلیل اولیه اعتراضات ندارد. این دو با هم متفاوت است. اینکه ریشه اعتراضات، داخلی است حرف درستی است. شروع اعتراضات ناشی از عملکرد اقتصادی دولت و بی‌اعتنایی‌اش به پاسخگویی است، اما طبیعی است که این قبیل تحریکات به‌سرعت بستر دشمنی دشمن را فراهم می‌کند، دشمن بر آن مسلط می‌شود و سوءاستفاده می‌کند. برای همین است که جنس اعتراضات مشهد آن‌هم ساعات اولیه‌اش با اعتراض روزهای بعد کاملا متفاوت است.

اصولگرایان آیا همواره از هرگونه حق اعتراض و تجمع حمایت کرده‌اند؟ بارها شده اتحادیه‌ها، اصناف و گروه‌های مختلف، کارگران و مردم به دلایل مختلف تجمع کرده‌اند، تابه‌حال مشاهده نشده که از آنها حمایتی شود. در حوزه اعتراضات مدنی و سیاسی هم هیچگاه دیده نشده که از حق اعتراض و انتقاد حمایت کنند. اصولا در گفتمان اصولگرایی چندان سابقه‌ای در این حوزه‌ها نمی‌بینیم. چه شده که یکباره اصولگرایان حامی شده‌اند؟

اصلا این‌طور نیست. ده‌ها اعتراض در سال‌های مختلف شکل گرفته و کسی مخالف آن نبوده است. البته مواردی که این اعتراضات منجر به به‌هم‌زدن امنیت کشور شده، اصولگراها نیز مخالف بوده‌اند. سال ۸۸ اعتراضات غیرقانونی منجر به آتش‌زدن مسجد شد. منجر به آدم‌کشی شد، نشد؟ اتفاقا سؤال این است که چرا اصلاح‌طلبان به این آشوب‌ها اعتراض نکردند؟

بازگردیم به ریشه رخدادهای اخیر. آقای عباس عبدی نرخ تورم و رشد قیمت‌ها را در دولت اخیر و گذشته باهم مقایسه کرده بودند که در زمان آقای احمدی‌نژاد وضعیت به‌مراتب بدتر بوده، ولی اعتراضی رخ نداده بود؛ مثالی زده بودند که مگر می‌شود کسی دستش را در آب صد درجه کند و نسوزد، ولی در آب ۴۵ درجه بسوزد. ایشان نتیجه گرفته بودند که ماجرا نمی‌توانسته خودجوش باشد و حتما آغازش ماجرایی داشته است.

حرف نادرستی است. به این علت که اولا بخشی از مشکلات گذشته نیز در این دولت تلنبار شده و به‌مرور برای مردم محسوس شده است. دوم اینکه حجم مشکلات از نرخ تورم و برخی دیگر از شاخص‌های اقتصادی نیز فراتر رفت و به شاخص‌های سیاسی و اجتماعی رسید. شما اثر حقوق‌های نجومی بر عصبانیت مردم را دست کم نگیرید. شما نمی‌توانید بی‌اعتنایی دولت به مشکلات مردم را بی‌اثر بدانید. دولت حتی حاضر نیست با مردم درباره مشکلاتشان حرف بزند. همین ماجرای مال‌باختگان را ببینید. من خودم بین تجمع آنها در خیابان رفتم. با آنها صحبت کردم. مدام با من تماس داشتند. به بانک مرکزی فشار آوردم که به آنها وقت دهید، به نفع مردم است. نامه نوشتم و بیانیه منتشر کردم. مردم عصبانی بودند. مردم از بی‌اعتنایی مسئولان ناراضی بودند و حق هم داشتند. مردم رفتند جلوی ساختمان مجلس، ریاست‌جمهوری و قوه قضائیه و مسئولان را مخاطب قرار دادند؛ اما مسئولان دولتی نرفتند سراغشان که مشکل شما چیست؟ ضمن اینکه حرف‌هایی زدند که تازه نمک روی زخمشان بود. مقایسه نرخ تورم این دولت و دولت گذشته تصویر درستی از اغتشاشات ارائه نمی‌دهد و ساده‌سازی ماجراست.

«سایت حزب‌الله مشهد» و «پیروان احمدی‌نژاد» فراخوان داده بودند

مطهری در پاسخ به این پرسش انصاف نیوز که آیا آمار بالای بیکاری در شهرهایی که اعتراض در آنها صورت گرفت می‌تواند دلیل این حوادث باشد، گفت: بله مؤثر بوده ولی عامل اصلی نبوده است. زیرا ما در شرایط

سخت‌تر از این هم بودیم ولی مردم همراهی کردند. بنابراین صرفاً مسایل معیشتی نبوده است. قبلاً در دهه‌ی هفتاد هم چنین اغتشاشاتی داشتیم که به دلایل اقتصادی روی داد و تورم ۴۹ درصد عامل آن بود. ولی اعتراضات امروز صرفاً دلایل اقتصادی ندارد.او در پاسخ به این پرسش که آیا درست که امام جمعه‌ی مشهد در شکل‌گیری اعتراضات نقش داشته است، گفت: شخص ایشان را من نمی‌دانم ولی آن کسانی که در مشهد ابتدا دعوت به تجمع کرده‌اند یکی «سایت حزب الله مشهد» بوده که این‌ها قبلاً کنسولگری عربستان در مشهد را تخریب کرده‌اند و دیگری هم پیروان آقای احمدی‌نژاد بوده‌اند که از طریق فضای مجازی دعوت به تجمع کرده بودند. آقای علم‌الهدی هم در نماز جمعه‌ی آن هفته [به این مضمون] گفته بودند که بخش اولش یعنی شعار مرگ بر روحانی خوب بود اما بقیه‌اش خوب نبود که البته این حرف خوبی نیست.

نماینده ایلام به نقل از وزیر اطلاعات: ناآرامی‌ها از مشهد و به واسطه اقدامات یک جریان سیاسی آغاز شد/ کل ماجرا توسط هدایت خارجی به وجود نیامده / ائمه جمعه بی تاثیر نبودند

دانشجویان تنها 6 درصد از کل تعداد بازداشتی‌ها را تشکیل می‌دهند .

روز گذشته با حضور وزرای اطلاعات، کشور ، جانشین فرمانده سپاه و رئیس صداو سیما حوادث اخیر در مجلس بررسی شد.

به گزارش عصرایران ، نماینده عضو فراکسیون امید مجلس در گفت و گو با «ایران آنلاین» توضیحاتی درباره سخنان وزرای اطلاعات و کشور در جلسه غیر علنی مجلس و مسایل مطرح شده ارائه کرد. از جمله اشاره وزیر اطلاعات به شروع حوادث از مشهد و آمارهای وزیر کشور از درصد دانشجویان بازداشت شده.

جلال میرزایی درباره طرح مساله بازداشت دانشجویان در این جلسه توضیح داد: «دانشجویان و فضای دانشگاهی کشور در این اتفاقات حضور چندان جدی نداشتند و ما نباید مساله دانشگاه‌ها را بیش از اندازه پر رنگ کنیم، چون این کار باعث زیر فشار رفتن بیشتر فضای دانشگاه‌ها خواهد شد.»

وی افزود: «به گفته وزیر کشور دانشجویان تنها 6 درصد از کل تعداد بازداشتی‌ها را تشکیل می‌دهند و عموم دانشجویانی هم که بازداشت شده‌اند نه به واسطه خط و مشی سیاسی، بلکه به دلیل حضور در نا آرامی‌ها بوده است.»

نماینده ایلام درباره نهادهای بازداشت کننده این افراد هم گفت: «در این ماجرا همه دستگاه‌های امنیتی به فراخور مسئولیت و موقعیت خود اقدام به برخورد با افراد و بازداشت عده‌ای کرده‌اند.»

میرزایی همچنین درباره توضیحات وزیر اطلاعات هم گفت: «آقای علوی معتقد بودند که در شکل گیری این نا آرامی‌ها چند علت و دلیل به صورت همزمان و موازی موثر بوده‌اند و نمی‌شود گفت کل ماجرا توسط هدایت خارجی به وجود آمده است.»

این نماینده مجلس درباره توضیحات وزیر اطلاعات درباره شروع این ناآرامی‌ها هم گفت: «آقای علوی توضیح داد که بر اساس بررسی‌های وزارت اطلاعات مشخص شده که نا آرامی‌ها از مشهد و به واسطه اقدامات یک جریان سیاسی داخلی آغاز شده اما این اعتراضات خیلی سریع و ظرف چند ساعت از دست و مدیریت این جریان خارج شده است.»

وی ادامه داد: «در این جلسه همچنین اشاره شد که ائمه جمعه با تاکید چند ساله بر نارضایتی‌ها و کمبودهای کشور در شکل‌گیری این اتفاقات بی‌تاثیر نبوده‌اند و سخنان آنها به همراه تبلیغات برخی تریبون‌های دیگر باعث شدت یافتن احساس محرومیت در مردم شده است.»

روز گذشته با حضور وزرای اطلاعات، کشور ، جانشین فرمانده سپاه و رئیس صداو سیما حوادث اخیر در مجلس بررسی شد

روزنامه جمهوری اسلامی: آشوب ها را 2جریان راه انداختند: سرمایه داران موسسات اعتباری؛ مخالفان دولت درمشهد

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: با فرو نشستن گرد و غبار برخاسته از اغتشاشات هفته گذشته و آشکار شدن واقعیت‌ها، اکنون تردیدی باقی نمانده است که یک جریان سیاسی رقیب دولت آغازگر این غائله بود که از مشهد آغاز شد.

در این زمینه، دو نکته مهم وجود دارد که یکی مربوط به موج سازان است و دیگری به موج سواران.

موج سازان، یعنی همان جریان سیاسی رقیب دولت، در عین حال که متعلق به یک جریان هستند، از دو بخش تشکیل شده‌اند. بخش اول رقبای سیاسی هستند و بخش دوم ثروتمندان مزاحمی که از دولت یازدهم ناراضی هستند و برای آنکه دولت دوازدهم جرات نکند با آنها برخورد کند، درصدد انتقام گرفتن از آن برآمدند. این مجموعه «سیاسی - اقتصادی» درصدد بودند اگر بتوانند با شعار «مرگ بر روحانی» رئیس‌جمهور روحانی را وادار به استعفا کنند و عناصر دلخواه خود را بر سر کار بیاورند ولی درست در همان تجمعی که در مشهد به وجود آوردند، شعارها به طرفی رفت که آنها احساس کردند کنترل از دستشان خارج شده و نمی‌توانند به هدفشان برسند.

بخش سیاسی این جریان، هویتی شناخته شده دارد و مردم عناصر این بخش را با سخنان ضد دولتی شان در طول چهار سال و نیم گذشته شناخته‌اند.
برای شناخت بخش اقتصادی این جریان می‌توان به سخنان رئیس‌جمهور روحانی در مجلس به هنگام ارائه لایحه بودجه سال آینده مراجعه کرد. او در این جلسه گفت:

«... شش تعاونی متخلف که بیست و پنج درصد بازار پولی کشور در اختیار اینها بود. بیست و پنج درصد بازار پولی در اختیار این شش دستگاه متخلف بود. نه تنها راجع به سود تسهیلات هر روز اراده می‌کردند و تصمیم می‌گرفتند و به هم می‌ریختند، هر روز اراده می‌کردند بازار ارز را به هم می‌زدند، بازار سکه را به هم می‌زدند، بازار املاک را... هر جور که می‌خواستند. دولت یازدهم با استمداد از مقام معظم رهبری که من خدمت ایشان در آخر دولت یازدهم به طور مفصل صحبت کردم که ما دچار چه معضل بزرگی هستیم و سه تا چهار میلیون نفر تمام زندگی شان دارد تلف می‌شود و اینها چه کسانی هستند؟ این صندوق‌ها چه کسانی هستند؟ اوه چقدر سخت بود با این صندوق‌ها برخورد کردن! اگر خدا کمک نمی‌کرد. اینها رفته بودند همه جا را دیده بودند. همه جا به ما فشار می‌آوردند. از تمام ارگان‌ها به من نامه می‌نوشتند آقا! این آدم به این خوبی! این همه خدمت کرده، چه کارش دارید؟ چرا دارید حسابش را می‌بندید؟ چرا دارید موسسه‌اش را می‌بندید؟ آدم‌های عجیب و غریب می‌آمدند و سفارش می‌کردند و معلوم بود اینها با چه دغلکاری رفته بودند آدم‌های خوب ما را هم افکارشان را منحرف کرده بودند...»

بدین ترتیب، تکلیف «موج سازان» روشن است. باقی می‌ماند بخش موج سواران که بسیار جالب و در نوع خود کم نظیر یا حتی بی‌نظیر است.

موج سواران هم، از قضا از دو بخش ترکیب شده‌اند. یک بخش از داخل و یک بخش از خارج. جالب‌تر اینکه موج سواران داخلی درست همان کسانی بودند که این موج را به راه انداختند. به عبارت روشن تر، موج سازان، بعد از آنکه متوجه شدند اوضاع غیرقابل کنترل شده، به فکر سوار شدن بر موج افتادند و با محکوم کردن اغتشاش قیافه عوض کردند و در عین حال ژست طرفداری از مردم محروم و اینکه مردم حق دارند اعتراض کنند گرفتند و تا توانستند با این گرایش باز هم به دولت پرخاش کردند و البته بسیار ماهرانه و با ظرافت و پیچیدگی.

جمع دیگر موج سواران، گروه‌های ضدانقلاب، منافقین، آمریکا، رژیم صهیونیستی و آل سعود بودند که بسیار ناشیانه در شیپور حمایت از اغتشاشگران دمیدند و مشت خود را باز کردند و البته به هیچ نتیجه‌ای هم نرسیدند. آنچه در این میان قابل تامل است، ترکیب عجیب موج سواران داخلی و خارجی است که اولی با قیافه دلسوزی برای نظام بر موج پدید آمده سوار شد و دومی با قیافه دلسوزی برای مردم ولی نقطه مشترک این دو این است که هر دو دروغ گفتند. نه موج سواران داخلی دلسوز نظام جمهوری اسلامی هستند و نه موج سواران خارجی دلسوز مردمند.

آنچه اکنون ضرورت دارد این است که مسئولان با این ماجرا برخورد ملاحظه کارانه نکنند و بدون اغماض به معرفی آنها اقدام نمایند. اگر به هر دلیل نمی‌توانند یا نمی‌خواهند با موج سواران داخلی که همان موج سازان هستند برخورد قانونی کنند، لااقل آنها را به مردم معرفی کنند و اگر از همین حداقل نیز مضایقه دارند لااقل مانع افشاگری‌ها علیه آنها نشوند و به مردم نیز آدرس غلط ندهند.

ضمناً از مجموع کسانی که در شهرها طی آن یک هفته ناآرامی در خیابان‌ها حضور داشتند، فقط اندکی از آنها عوامل آشوبگر بودند و بقیه افراد کسانی بودند که به دلیل مشکلاتی که داشتند تحت تاثیر تحریکات آن جماعت اندک قرار گرفتند و مرتکب اقداماتی شدند که نمی‌بایست می‌شدند.
بنابر این، مسئولان جمهوری اسلامی با چهار جماعت مواجهند که باید با دقت و ظرافت با هر یک از این چهار جماعت برخورد در خور آنها بکنند؛ موج سازان، موج سواران (که البته در مواردی یکی می‌شوند)، اغتشاشگران و مردمی که توسط آنها تحریک شدند ولی باید برای حل مشکلاتشان کاری کرد. غیر از این، هر که هرچه می‌خواهد بگوید ولی بداند که مردم باور نخواهند کرد.
تشکیل جلسه «مجمع روحانیون مبارز» به ریاست «سید محمد خاتمی» ؛ مردم حق دارند مطالبات خود را ازطریق قانونی فریاد کنند، وظیفه مسئولان است که صدای ملت را بشنوند/ عناصر فرصت طلب و عوامل آشوبگر با سوء استفاده از اجتماعات آرام و با ایجاد آشوب و حتی قتل انسانهای بیگناه، در مسیر تحقق مطالبات واقعی مردم انحراف ایجاد می کنند/ مردم، حل مشکلات را با روشهای اصلاح طلبانه و با تکیه بر وحدت ملی تحقق خواهند بخشید

مجمع روحانیون مبارز اعلام کرد: در جلسه مجمع روحانیون مبارز ضمن بررسی مسائل و اخبار داخلی و بین‌المللی در رابطه با حوادث اخیر برخی از شهرها نکات زیر را مورد تأکید قرار داد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

جلسه مجمع روحانیون مبارز شب گذشته به ریاست حجت الاسلام سیدمحمد خاتمی برگزار شد.
به گزارش انتخاب ؛ مجمع روحانیون مبارز اعلام کرد: در جلسه مجمع روحانیون مبارز ضمن بررسی مسائل و اخبار داخلی و بین‌المللی در رابطه با حوادث اخیر برخی از شهرها نکات زیر را مورد تأکید قرار داد.
۱- بدون شک مردم ایران با مشکلات و دشواریهایی در زمینه های معیشتی ، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبرو هستند، و حق دارند مطالبات خود را ازطریق قانونی و اعتراضات مدنی اظهار و حتی فریاد کنند و وظیفه مسئولان امر خصوصاً قوای سه گانه است که صدای ملت را بشنوند و زمینه حل مشکلات و تأمین مطالبات به حق آنان را فراهم کنند و در تعامل و ارتباط منطقی و مستمر با مردم و نهادهای مدنی و فعالان سیاسی راههای اداره بهتر کشور و جلب مشارکت عمومی را بدست آورده و به مرحله اجرا گذارند.
۲-حوادث تلخ روزهای اخیر در نقاط مختلف کشور نشان داد که عناصر فرصت طلب و عوامل آشوبگر با سوء استفاده از اجتماعات و اعتراضات آرام مردمی با ایجاد آشوب، ناامنی، تخریب اموال عمومی، اهانت به مقدسات دینی و ملی، و حتی قتل انسانهای بیگناه، اهداف پلید دشمنان را دنبال میکنند. و در حقیقت با اینگونه اقدامات در مسیر ابراز و تحقق مطالبات واقعی مردم انحراف ایجاد کرده و موجب زیان مضاعف بر کشور و جامعه میگردند و لذا هوشیاری و مراقبت عموم ملت شریف ایران و تمامی دلسوزان و علاقمندان به پیشرفت، امنیت و آرامش کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر برای گذر از این دشواریهاست.
۳- بلافاصله پس از بروز اولین تجمعات و اعتراضات مردمی دشمنان قسم خورده و کینه توز ملت ایران و در رأس آنها آمریکا و عوامل زبون آنان همچون تروریستهای منافق و برخی مزدوران منطقه ایی آنان به حمایت و تشویق آشوبگران و اقدامات خشونت بار آنان پرداختند و عمق فریبکاری خود در ادعای دموکراسی و دلسوزی برای مردم ایران را به نمایش گذاشتند.
مردم فهیم و رشید ایران هرگز جنایات و دشمنی این فریبکاران فرصت طلب را از آغاز انقلاب، دوران جنگ تحمیلی، و تحمیل تحریمهای غیر انسانی و دیگر اقدامات دشمنانه فراموش نخواهد کرد و به خواست خداوند حل مشکلات و تأمین خواسته های بحق خود را با روشهای اصلاح طلبانه و با تکیه بر وحدت و همدلی داخلی و ملی تحقق خواهد بخشید.

صدا و سیما اپوزیسیون دولت شده است؟ / عبدالله ناصری:عملکرد رسانه ملی بسیار غیرحرفه‌اي بود/ موضع گیری های صدا وسیما فضای اجتماعی را تندتر می کند/ تلویزیون می توانست ابتکار عمل را از دست رسانه‌های خارجي بگیرد/وضعیت اقتصادي فعلی مردم بهتر از دوره احمدي نژاد نیست

عملکرد صدا و سیما بسیار غیرحرفه‌اي بوده و هست. الان هم این سازمان با موضع‌گیري‌هایش حتي فضاي اجتماعي را تندتر

مي‌كند.

گروه سیاست نامه نیوز: اتفاق نظر جریان های سیاسی با وجود اختلاف نظرهای فراوان آنها، در نوع مواجهه با اعتراض های اخیر در سطح کشور، مسئله ای بود که از سوی تحلیلگران عرصه سیاست مورد توجه قرار گرفت و تحلیل های گوناگونی در باره آن بیان شد. اما آنچه انتقادات فراوانی را برانگیخت رفتار رسانه ملی در قبال رخدادهای اخیر بود؛ به نحوی که حتی برخی از اصولگرایان نیز نسبت به آن زبان به انتقاد گشودند.

عبدالله ناصری، فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص برخورد جناح‌های سیاسی به **نامه نیوز**، گفت: جريان‌هاى سياسي كشور تا حالا هم خوشبختانه در مجموع با در نظر نگرفتن بعضي‌ها كه تك و توك ناشي گري كردند و اين رفتار ناشيانه از تحليل غلطشان بود؛ معتقدم از همان روزهای ابتدایی بسیار هوشمندانه با اين مسئله برخورد كردند . اين مسئله ملي و كلان كشور است و به هيچ وجه جريانات سياسي نبايد از آن سوء استفاده كنند و آدرس غلط بدهند و به نفع خودشان بهره‌برداري انجام دهند.

این استاد دانشگاه و تحلیل گر مسائل سیاسی در خصوص عملکرد صدا و سیما اظهار کرد: عملكرد صدا و سيما كه بسيار غيرحرفه‌اي بوده و هست. الان هم اين سازمان با موضع‌گيري‌هايش حتي فضاي اجتماعي را تندتر مي‌كند. صدا و سيما مي‌توانست از روز اول فضاي بازي ايجاد كند ، خصوصاً تلویزیون می توانست سوار بر موج تبليغاتي و موج اطلاع‌رساني شود و ابتكار عمل را از دست رسانه‌های خارجي بگيرد. ولي صدا و سيما چيزي كه بلد نيست كار حرفه‌اي خودش است. اين موضوع بارها گفته شده و معتقدم كه اين مسئله را اگر ريشه در گذشته برايش قايل باشيم در همان دوراني كه آقاي احمدي نژاد مدعي امروز، مسبب بسياري از بحران‌هاي كشور و بحران آفريني‌ها بوده در نقش يك همگام و هم جهت با دولت وقت حركت مي‌كرد ولی از سال 1392 به اين طرف كاملا برخلاف گذشته در نقش اپوزيسيون دولت آقاي روحاني عمل مي‌كند. در صورتي كه رسانه ملي و متعلق به همه افكار و افراد جامعه است . بهتر است که همین الان از خطاهاي گذشته خودش برگردد و فضا را به گونه‌ای باز کند که در واقع به تعبير رهبري، مسئله دو قطبي سازي‌هاي متوهمانه و جعلي در جامعه و بين مردم ايجاد نكند. چون به هر صورت واقعيت اين است كه اين حوادث بالاخره جمع خواهد شد و اگر هم جمع شود اين عصبانيت و اين دغدغه‌هاي مردم و اين فضاهاي اجتماعي كه الآن در سطح جامعه شاهدش هستيم به مثابه آتش زير خاكستر خواهد بود.

ناصری در ادامه افزود: استراتژي اصولگرايان بعد از پيروزي آقاي روحاني موجب شده اين شكاف اجتماعي عميق تر بشود كه اين اعتراضات بروز پيدا كند .

وی نشان کرد: برخی از چهره‌هاي بزرگ اصول‌گرا در لابه لاي صحبت‌هاشان گرايي مي‌دهند از اينكه منشأ بسياري از اين اتفاقات در اين روزهاي اخير به مناظره‌های انتخاباتی تلويزيوني در سال 1396 باز می‌گردد که مثلا شعارهایی مثل همین 96 درصد و 4 درصد که مطرح شد و مردم، نسبت به آن حساس شدند.گاهی از اوقات صورت مسئله را پاك مي‌كنيم يا مسئولين سرخودشان را كلاه مي‌گذارند و بعضي‌ها مثل كبك سرشان را در برف فرو مي‌كنند؛ اما واقعيت اين است كه در بيش از يك دهه گذشته، يعنی از سال 1384 به بعد فاصله بين دهك اول و دهك آخر جامعه به همت و تدابير غلط آقاي احمدي‌نژاد در حوزه اقتصاد و پول بسيار قابل‌توجهي كه در سرمايه‌ي كشور بوده فاصله اين دو دهك را افزايش پيدا كرده و طبقه متوسطي كه هميشه طبقه پويا و فعال در عرصه‌هاي اقتصادي، توليدي، فرهنگي، اجتماعي و حتي سياسي بوده تقريباً از بين برده شده است.در موقعيت فعلی و با توجه به شرايط منطقه‌اي و بين‌المللي و حتي نگراني هايي كه از آينده برجام هست معتقدم دو جريان سياسي بايد دست به دست هم ديگر بدهند و بدون طرح مسائل گذشته واقعاً براي آينده و بقاي كشور، فكري كنند .به عنوان كسي كه طرفدار آقاي روحاني هستم معتقدم وضعيت اقتصادي مردم بهتر از دوره آقاي احمدي نژاد نيست لااقل برای جامعه قابل لمس نيست چرا كه جامعه امروزي ما عادت كرده پديده‌ها را خيلی شديد لمس كنند، لمسش در واقع غيرقابل مشهود است و حتماً خيلي به سبد خريد مردم آسيب رسانده. شكي در اين ندارم و اين بر مي‌گردد به تدابير غلطي كه آقاي روحاني در به‌كارگيري بعضي از نيروهاي ناكارآمد در دولتش .با شكل گيري مجلس دهم می‌توانست فرصت بهتري را از لحاظ اقتصادي براي جامعه فراهم كند اما به هر صورت دولت، دولتي است با اختيارات محدود و علي‌رغم اين اختيارات محدود هنوز هم مي‌تواند كارهايي را براي جامعه انجام بدهد و بدون شك بايد دو جريان سياسي دست به دست هم بدهند فارغ از گرايش سياسي بيايند به كمك دولت و نه تنها دولت بلكف به كمك حكومت بيايند. به هر صورت اگر اين روند ادامه پيدا كند، ديگر تنها بحث دولت مطرح نخواهد بود.

در صداوسیما نه خانی می‌آید و نه خانی می‌رود

متاسفانه باید بگوییم که صداوسیما خود را رسانه یک جریان می‌داند و تصور می‌کند همه مردم نیز همانند آن جریان فکر می‌کنند.
عصر ایران؛ مصطفی داننده-حوادث اخیر ایران که بسیاری از شهرهای کشور را درگیر خود کرده است بازهم نمره منفی در کارنامه صداوسیما ثبت کرد.
درحالی که بسیاری از شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای در حال پخش حوادث ایران بودند صداوسیما مهر سکوت بر لبان خود زد و هیچ واکنشی به این اتفاقات نشان نداد. بعد از گذشت چند روز مسئولان صداوسیما فهمیدند که در ایران اتفاقاتی افتاده است.
همین سکوت باعث شده بود مردمی که به شدت به دنبال اخبار این حوادث بودند به سراغ شبکه‌های مختلف بروند تا اخبار را در آنجا جویا شوند.

این رفتار صداوسیما تقریبا تبدیل به عادت شده است. این سازمان که نام خود را رسانه ملی نیز گذاشته است همیشه در بزنگاه‌های مختلف در اتفاقات مهم کشور جا می‌نامد و زمین را به رقبای خود واگذار می‌کند.
بسیاری از ناظران سیاسی بر این باور هستند که صداوسیما خود را رسانه یک جریان می‌داند و تصور می‌کند همه مردم نیز همانند آن جریان فکر می‌کنند. دیدن برنامه‌های تلویزیون به خوبی حکایت از این معنا دارد.
امروز جریان اصولگرایی آنهم جریان تند این گفتمان دارای یک شبکه مستقل در تلویزیون است. برنامه‌های شبکه افق را ببینید تا پی به این معنا ببرید.
صداوسیما به ویژه تلویزیون باید این واقعیت را بپذیرد که صدای امروز مردم ایران نیست و باید در رفتار خود تغییر ایجاد کند.
امروز صداوسیما از تمام رسانه‌های رسمی و غیر رسمی عقب مانده است و حاضر نیست خود را به آنها برساند.
معمولا در صداوسیما نه خانی می‌آید و نه خانی می‌رود. کلا صداوسیما علاقه دارد ساز خود را بزند و کاری با مردم نداشته باشد.
یکی از دلایل بی‌اعتمادی مردم به تلویزیون هم همین است که بخشی از مردم این رسانه را رسانه خود نمی‌دانند.
تلویزیون باید بداند ایران فقط اصولگرایان نیستند. ایران متعلق به همه است و صداوسیما نیز باید تلاش کند صدای همه مردم را پوشش دهد.
برای صداوسیما با این همه بودجه و نیروی انسانی چندان خوب نیست که مردم این سازمان را با یک کانال تلگرامی مقایسه کنند و در نهایت نتیجه بگیرند که آن کانال در پوشش اخبار راست یا دروغ اثرگذار تر بوده است.
چرا صداوسیما سعی نمی‌کند بلندگوی مردم باشد. چرا سعی نمی‌کند صدای اعتراض آنها را به گوش مسئولان برساند. شاید اگر تلویزیون صدای اعتراض مردم را بشنود و آن را به مسئولان منتقل کند قطعا شاهد به خیابان کشیدن اعتراض‌ها نخواهیم بود.
صداوسیما باید صدای مردم باشد نه اینکه تلاش کند چشم خود را به روی مشکلات مردم ببندد.
صداوسیما این روزها جناحی‌ترین رسانه ایران است. تلویزیون این روزها حزبی‌تر از هر رسانه حزبی عمل می‌کند.

صداوسیما در قلمرو سیاسی سیستماتیک دروغگوست

انتقاد شدید از صداوسیما در یک برنامه تلویزیونی: صدا و سیما به طور سیستماتیک تولید دروغ می‌کند+فیلم

حسن محدثی گفت: تلویزیون که می‌آیم ازسوی دانشجویان مواخذه می‌شوم که دردستگاه غیرمردمی با رسالت تولید دروغ شرکت میکنم.

آفتاب‌نیوز :

دکتر حسن محدثی، استاد دانشگاه در یک برنامه تلویزیونی ضمن انتقاد شدید از رویکرد سیاسی صداوسیما گفت: هربار که در برنامه شما شرکت می‌کنم دانشجویان و همکارانم من را مواخذه می‌کنند. صدا و سیما به طور سیستماتیک تولید دروغ می‌کند و حتی اخبار را هم تغییر می‌دهد.

به گزارش آفتاب‌نیوز، در این برنامه تلویزیونی، حسن محدثی گفت: تلویزیون که می‌آیم ازسوی دانشجویان مواخذه می‌شوم که دردستگاه غیرمردمی با رسالت تولید دروغ شرکت میکنم. سپس مجری در واکنش به اظهارات این استاد دانشگاه پرسید شما که باور نداری؟ که محدثی نیز تاکید کرد: صداوسیما در قلمرو سیاسی سیستماتیک دروغگوست.

200 هزارمیلیارد تومان را کدام افراد و نهادها می خورند؟

3 بار اظهار نظر روحانی درباره اعتراضات کنونی مردم

حسن روحانی در روزهای اخیر سه بار درباره شورش مردم اظهار نظر کرده است. یکبار در جلسه دولت، یکبار بصورت پیام و یکبار نیز در دیدار با شماری از نمایندگان مجلس. مهم ترین نکته ای که او در اظهار نظرهایش بیان کرده همان دفاع از حق مردم برای تظاهرات و البته با پرهیز ازخشونت است. درعین حال که نکات مهمی را هم فاش کرده است. از جمله این که 200 هزار میلیارد تومان بودجه مملکت در دست دولت نیست و می رود و حساب و کتابی هم برای آن نیست. (او نگفت این بودجه را چه نهادهائی می برند و می خورند اما برای مردم عاقل ایران اشاره ای کافی است. بودجه نظامی و دولتی که معلوم است و مندرج در لایحه بودجه، بنابراین بحث بر سر آن پولهای مفتی است نهادهای مذهبی وابسته به بیت رهبری می گیرند.)

روحانی گفت: مردم مشکلات اقتصادی زیادی دارند، اما نقد مردم فقط به اقتصاد نیست، آنها راجع به فساد و عدم شفافیت هم حرف دارند و می‌گویند مسائل باید شفاف باشد. این که در رسانه (صدا و سیما) همه نقدهای مردم را به دستگاه اجرایی برگردانیم، بی انصافی است. همه اقشار" باید رادیوتلویزیون را متعلق به خود بدانند: باید همه احساس کنند در این رسانه ملی حضور دارند و می‌توانند نظراتشان را بیان کنند. مردم باید احساس کنند که در رسانه‌ها می‌توانند حرف‌هایشان را بیان کنند.

وضعیت بهداشت و درمان، آرامش اقتصادی، وضعیت روستاها و کمک به قشرهای ضعیف" بهتر شده و وضعیت تحریم‌ها و شرایط بین المللی ایران در سالهای اخیر تغییر کرده، اما معنای این حرفها این نیست که مشکلات مردم حل شده است. **اعتراض‌های اخیر تهدیدی است که باید به فرصت تبدیل شود. علاوه بر مسائل اقتصادی، یکی از خواسته‌های مردم این است که فضا را بازتر کنیم.**

همه اینها که به خیابان آمده اند کسانی نیستند که از خارج دستور گرفته باشند بلکه عده‌ای از آنها مردمی هستند که به خاطر احساسات و مشکلات‌شان به خیابان ها آمدند.

موسسات غیرمجاز و تعاونی‌ها ربطی به این دولت نداشته و حتی مجوز بانک مرکزی را هم نداشتند، اینها مجوزهایشان مجوزهای تعاونی برای دهه ۸۰ و قدیمی است، اشکالات و مشکلاتی داشتند، دولت برای اینکه این مسائل را حل کند، تاکنون ۱۱ هزار میلیارد تومان پول گذاشته، این بار سنگینی بر دوش دولت است. یکسری کارخانه فعال هستند. جنس هم تولید می کنند اما جنسش در انبار است، تقاضا در بازار وجود ندارد. بنابراین پول ندارد حقوق کارگرش را بدهند.

اگر می‌خواهیم اشتغال را درست کنیم، باید مسکن ما به حرکت در بیاید، باید صنایع و بنگاه‌های کوچک و صادرات غیرنفتی به حرکت در بیاید. حمل و نقل ما باید اصلاح شود، تا هم موضوع انرژی حل شود و هم مسئله اشتغال حل شود.

آقای رییس جمهور، با مردم سخن بگویید اما نه از طریق تلویزیون

جامعه ایران وابسته به تلگرام شده است. تلگرام، مصداق بارزی از فضای باز خبری است که مردم می توانند خبرهای رسمی و غیررسمی را در آن بیابند.

عصر ایران؛ مصطفی داننده - تلگرام فیلتر شد. بسیاری از مردم برای دسترسی به تلگرام به فیلترشکن‌ها پناه بردند. این هجوم گسترده مردم به فیلتر شکن‌ها بیانگر یک واقعیت مهم در فضای عمومی جامعه ایران است.

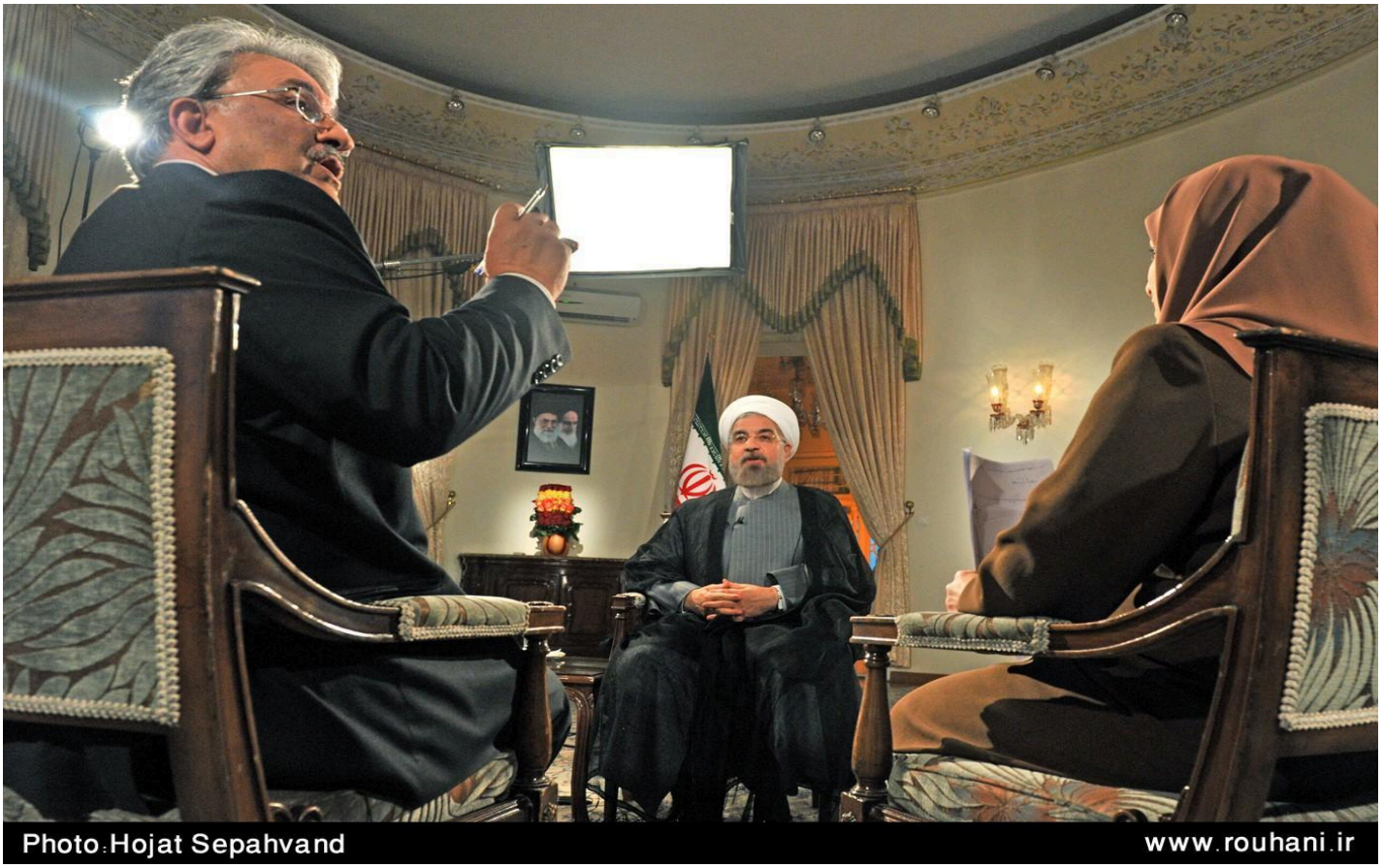
مردم دوست دارند به اخبار بدون سانسور دست پیدا کنند. کانال‌های تلگرامی در این یکی دو سال اخیر تبدیل به مهم‌ترین منبع خبری ایرانی‌ها شده‌اند.

جامعه ایران وابسته به تلگرام شده است. تلگرام، مصداق بارزی از فضای باز خبری است که مردم می توانند خبرهای رسمی و غیررسمی را در آن بیابند؛ نمونه بارز آن اعتراضات اخیر ایران است. اعتراضاتی که در دو روز آغازین آن با بی‌اعتنایی صداوسیما و سانسور گسترده در رسانه‌های کاغذی و اینترنتی روبرو شد.

کانال‌های تلگرامی با استفاده از این سکوت تبدیل به مرجع خبری مردم شدند. تازه بعد از گذشت چند روز از این حوادث، رسانه‌های رسمی به صورت محدود به اخبار اعتراضات اخیر ایران می‌پردازند.

می‌شود گفت تلگرام بخشی از زندگی مردم شده است چون جامعه ایران از طریق آن به اخبار آزاد دسترسی پیدا می‌کند.البته تحریف هم آفت طبیعی چنین فضاهایی است که با بلوغ کاربری، روز به روز از میزان آن کاسته می شود.

باتوجه به اهمیت تلگرام برای جامعه ایرانی می‌خواهم به رییس جمهور روحانی یک پیشنهاد بدهم. البته این پیشنهاد در صورتی محقق خواهد شد که فیلتر تلگرام برداشته شود. به نظر می‌رسد با عادی شدن شرایط، تلگرام نیز به حالت عادی خود برگردد.



روحانی از وقتی رییس جمهور ایران شده است از صداوسیما گلایه دارد. او بر این باور است که صداوسیما اخبار دولت را به خوبی پوشش نمی‌دهد و بیشتر به ساز مخالفان دولت می‌رقصد. مجموعه دولت و شخص رییس جمهور به صداوسیما به عنوان رسانه رسمی جناح رقیب نگاه می‌کنند نه رسانه همه مردم و جناح‌های سیاسی.

آیا بهتر نیست روحانی به جای اینکه چشم به تلویزیون داشته باشد، هر روز یا هر هفته در مدت زمان کوتاهی مانند 5 دقیقه از طریق تلگرام با مردم سخن بگوید؟ روحانی بدون اینکه نگران سانسور باشد می‌تواند بدون هیچ مشکلی با مردم سخن بگوید.
مردم باید واقعیت‌های جامعه را بشناسند. بهترین روش برای این کار، حرف زدن صریح و مستقیم رییس جمهور با مردم است، بی واسطه و منت صدا و سیما.

مردم مطالبات بحقی دارند

آیت‌الله جوادی‌آملی: نباید به جایی برسیم که مردم به ما سیلی بزنند/زمانی که مردم در صحنه نباشند شکست قطعی است/چرا با یکدیگر اختلاف می‌کنید/حق مسلم ما اعتراض و بیان مطالبات بوده

مرجع تقلید شیعیان گفت: مردم کشور ما مردمی علوی و حسینی(ع) هستند و حضور آنها در صحنه‌های مختلف نشان از وفاداری آنان به نظام است.

آفتاب‌نیوز :

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی امروز در جلسه درس اخلاق که در مؤسسه اسراء برگزار شد با اشاره به نقش مردم به‌عنوان ستون‌های حکومت دینی اظهار داشت: مردم مطالبات بحقی دارند و ما نیز آنها را از منابر می‌گوییم، و چرا با یکدیگر اختلاف می‌کنید و رهبر و دین را تنها می‌گذارید؟

وی با بیان اینکه "حق مسلم ما اعتراض و بیان مطالبات بوده و دین و قانون به ما چنین اجازه‌ای داده است"، افزود: پرچم جمهوری اسلامی در شرایطی که لفظ مقدس "الله" بر آن نقش بسته برای ما مقدس است و کسی که در کشور خود پرچم خود را به‌آتش می‌کشد راهی به جایی نمی‌برد.

استاد برجسته حوزه علمیه با تأکید بر اینکه بردگی مردم شیوه دشمنان است تصریح کرد: کشور پس از جنگ

جهانی دوم اسیر دشمنان بود و تمام اموال و ثروت کشور به‌غارت می‌رفت و این در شرایطی است که کنار نداشتن ذلت رژیم طاغوت هم‌اکنون همه‌چیز داریم.

وی با اشاره به اینکه ورود دشمنان به کشور دوباره همان دوران را رقم می‌زند، ابراز کرد: مردم کشور ما مردمی علوی و حسینی(ع) هستند و حضور آنها در صحنه‌های مختلف نشان از وفاداری آنان به نظام است.

مرجع تقلید شیعیان یادآور شد: داشتن رهبری خوب یک‌طرف قضیه بوده و تا زمانی که مردم در صحنه نباشند شکست قطعی است و نباید به جایی برسیم که مردم به ما سیلی بزنند.

منبع: تسنیم

آیت‌الله مکارم شیرازی: امروز مردم تنها راه کار را در این دیدند که به سراغ تظاهرات خیابانی بروند

بهترین راه این است که مسوولان در تمام طول سال یک روز هفته را برای شنیدن مشکلات مردم بگذارند.



آیت الله مکارم شیرازی مرجع تقلید شیعه در قم با تأکید بر بومی‌سازی فضای مجازی، گفت: فضای مجازی فعلی خانواده‌ها را از هم متلاشی می‌کند و خطری برای انقلاب، نظام و امنیت جامعه است.

به گزارش عصرایران به نقل از مهر، آیت الله ناصر مکارم شیرازی صبح چهارشنبه در ابتدای درس خارج فقه خود در مسجد اعظم قم به قرائت بیانیه‌ای در زمینه حوادث روزهای اخیر کشور پرداخت و اظهار داشت: امروز مردم تنها راه کار را در این دیدند که به سراغ تظاهرات خیابانی رفته و از این طریق فریاد خود را به گوش مسئولان برسانند تا آنان پشت درهای بسته برای آنان تصمیم گیری نکنند؛ البته بعداً جمعی که معجونی از ضد انقلاب و منافقین و افراد فریب خورده بودند، به آنان پیوستند و ابتکار عمل را از دست آنان گرفته و به ویرانگری و اهانت به همه مقدسات پرداختند. شیاطین خارجی نیز از این فضا به طور کامل استفاده کرده و اغتشاش در مناطق مختلف را به آنان تعلیم دادند.

وی افزود: امروز پرده‌ها بالا رفت و نقشه دشمنان برملا شد و مردم با راهپیمایی پرشکوه خود ان شاءالله پاسخ این گروه اندک را خواهند داد؛ برخی از مسئولان به بنده گفتند دو شب قبل که در نقاط مختلف کشور تظاهرات بود، تعداد افراد شرکت کننده کمتر از 6 هزار نفر در کل کشور بوده است؛ به همین دلیل می‌گوییم گروه اندک.

این استاد برجسته حوزه ادامه داد: حقیقت این است که مسئولان چاره‌ای جز این ندارند که به درد دل مردم مستقیماً گوش فرا دهند و بهترین راه این است که در تمام طول سال یک روز هفته را برای شنیدن مشکلات مردم بگذارند. به عنوان مثال این هفته از نمایندگان دانشجویان دعوت کنند و با حضور چندین نفر از وزرا و مسئولان، دردهای خود را بگویند و راه حل خود را بیان کنند. هفته دیگر از کسبه بازار، کشاورزان، صاحبان صنایع مختلف و ... دعوت کنند؛ چراکه مشکلاتی دارند که به یقین به گوش مسئولین نرسیده و بسیاری از آنان، راه حل‌های پیشنهادی دارند که قابل توجه است؛ سپس گروهی را مأمور رسیدگی و جمع بندی کرده و نتیجه آن را در اختیار مسئولین بگذارند تا قوانین و برنامه‌ها بر طبق آن تنظیم گردد و این کار در طول سال ادامه بیابد.

وی در بخش دیگری از بیانیه خود تأکید کرد: مسئله مهم دیگر داستان آتش افروزی فضاهای مجازی است؛ بارها به مسئولین محترم از رئیس جمهور و دیگران هشدار دادیم که این فضای مجازی بلای جان شماست؛ نه تنها دین و ایمان و اخلاق و همه مقدسات را هدف قرار داده و فحشا را به درون خانه‌ها می‌فرستد و خانواده‌ها را از هم متلاشی می‌کند؛ بلکه خطری برای انقلاب، نظام و امنیت جامعه است؛ اما متأسفانه گوش شنوایی نبود؛ اما اکنون می‌بینیم دامن همه آنان را گرفته است.

آیت الله مکارم شیرازی ادامه داد: یک نفر مزدور موساد و سیا در خارج نشسته و برای ده میلیون نفر به آسانی پیام می‌فرستد که فردا فلان ساعت بیرون ریخته و اغتشاش کنید؛ حتی طرز ساختن بمب‌های دست ساز را هم به آنان یاد می‌دهد.

وی اضافه کرد: از مسئولان محترم سؤال می‌کنم فضای مجازی که پدیدآورنده آن دشمنان ما هستند و تمام اختیارش در دست آن‌هاست و ما را عملاً برده خود می‌سازند، آیا عاقلانه است ما خودمان را در اختیار آنان بگذاریم؟ بیایید از فرصت استفاده کنید و برای فضای مجازی سالم که توسط کارشناسان آگاه، طرح‌هایی ریخته شده، فکری کرده و آن را تکمیل کنید و به نیازهای مردم برسید و فضای مجازی سالم، در دست جامعه قرار داده و امنیت و اخلاق و ایمان و سلامت جامعه را حفظ کنید.

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: نگویید موقتاً قطع کردیم و دوباره بر می‌گردیم؛ راستی عجیب است این شیاطین هم دوباره بر می‌گردند؛ همان آش و همان کاسه.

وی افزود: سخن دیگر اینکه متأسفانه بعضی تصمیم گرفته به توجیه‌گری پرداخته و پیام آشکار حوادث را فراموش کنند که این راستی اشتباه بزرگی است. در احادیث اسلامی آمده که افراد با ایمان و هوشیار از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شوند؛ آری افراد هوشیار و با ایمان چنین هستند.

آیت الله مکارم شیرازی در پایان اظهار داشت: آخرین سخن این است که ما از مأموران انتظامی می‌خواهیم که اجازه ندهند اغتشاشگران به اموال عمومی و خصوصی مردم صدمه زده و به مقدسات اهانت کنند.

منبع: مهر

بیانیه مهم مرجع مردمی آیت‌الله العظمی دستغیب خطاب به مردم

پنج شنبه, ۱۴ دی, ۱۳۹۶

چکیده : خوب است آقایان محترم تاریخچه ظهور نه دی را بررسی دقیق کنند آخر مگر نه اینکه از تمام آنچه در آن وقت کذایی اتفاق افتاد، فیلم‌ها گرفته شد! خوب است بررسی شود که چه کسانی احترام را شکستند، و جلودارانی که امروز

آیت‌الله العظمی سیدعلی‌محمد دستغیب در مورد اعتراضات اخیر، خطاب به مردم بیانیه‌ای صادر کردند.
به گزارش حدیث سرو متن این بیانیه به شرح زیر است:
بسم الله الرحمن الرحیم
حضور محترم مردم ایران از مسلمان و غیر آن و نیز مسؤولین و خدمتگزاران در هر لباس و مقام
سلام علیکم و رحمه الله
مطالبی جهت یادآوری و ازدیاد محبّت و رفع سوء تفاهم‌ها خدمتتان معروض می‌دارم امید است که مورد توجه قرار گیرد.
شما می‌دانید که این انقلاب و جمهوری اسلامی رایگان به دست نیامده، حاصل خون هزاران شهید از جوانان پاک و نوجوانان و بعضاً سالمندان می‌باشد؛ و می‌دانید که سرمایه‌های عظیم این ملّت از منابع زیرزمینی و غیر آن، سال‌های متمادی در دست چپاولگران خارجی بود و به‌وسیله ایادی آنها از خانواده پهلوی و غیر آنها چپاول می‌گشت و ملّت مظلوم ایران در سرنوشت خویش هیچ‌گونه دخالتی نداشتند. از برکت حرکت مردم و خون مردان پاک و رهبری امام امّت رحمه‌الله دست یاغیان و چپاولگران از اصول و فروع این مملکت قطع شد، و سال‌ها مردم با صفا در کنار یکدیگر به خوبی زندگی می‌کردند، اما امروز شاهد اختلالات و اختلافات تقریباً عمیقی هستیم که اگر عقلای قوم ساکت بنشینند مواجه با خطرات عظیمی خواهیم شد.
عمده شکاف بین مسؤولان رده بالا و اکثریت مردم است که موجب شده آنها به سوی بی دینی و یا گریز از وطن و یا فحشا و منکرات و یا اعتیاد کشیده شوند.
علل این شکاف از این قرار است:
۱ ـ حکومت بی چون و چرای شورای محترم نگهبان بر مردم.
۲ ـ دخالت نیروهای نظامی یعنی سپاه و بسیج در امور قضایی و دانشگاهها و امور اقتصادی و سیاسی.
۳ ـ اصرار بر زندانی یا حصر کسانی که خدمت‌های فراوانی به این انقلاب کرده اند ومورد احترام و محبّت اکثر مردم هستند.
۴ ـ با وجودی‌که در سال‌های پیش از ۸۴ و بعد از ۹۲ اکثر مردم به افرادی که می‌خواستند رأی دادند، و طرف دیگر رأی نیاورد و در اقلیت کامل بود امّا اغلب طرفداران حاکمیت محترم کارشکنی‌های واضح و آشکار داشته و دارند که ظهور آن را در جشن سپاه و بسیج در ایّام نه دی امسال(۹۶) شاهد بودیم.
۵ ـ تحمیل فرد، به همراه افرادی که وضع آنها روشن شده است و در هشت سال بر همه کارهای این ملّت و حتّی بر مجلسین حاکم بودند.
۶ ـ کم‌توجهی به حاکمیت قرآن و سنّت در اجرای قضاوتها و زندانها و ...
۷ ـ محصور بودن علما و مراجع و تهدید آنها که مبادا اعتراضی و سخنی خلاف رأی آقایان شنیده شود.
۸ ـ خرج‌های غالباً بیهوده از اموال این ملت که از جمله آنها نصب پلاکاردها در ایام خاص، برگزاری برنامه های نمایشی و پخش برنامه ها و فیلمهایی در صدا و سیما که نفعی برای این ملّت ندارد و نظیر آن را در نه دی امسال(۹۶) مشاهده کردیم.
خوب است آقایان محترم تاریخچه ظهور نه دی را بررسی دقیق کنند آخر مگر نه اینکه از تمام آنچه در آن وقت کذایی اتفاق افتاد، فیلم‌ها گرفته شد! خوب است بررسی شود که چه کسانی احترام را شکستند، و جلودارانی که امروز در زندان و یا حصر هستند خود می‌گویند ما را علنی و در حضور مردم محاکمه کنید تا حق ظاهر شود.
آقایان عزیز به فریاد مردم به خصوص جوان‌ها برسید. مبادا این انقلاب و جمهوری اسلامی به دست خود محترمین تضعیف شود و یا از بین برود؛ بقاء دین مردم به صدق و امانتداری مسؤولین است.
وقایع ایام گذشته در این ماه هشداری بود. بگذارید منتخبین مردم کار قانونی خود را انجام دهند، و چنانچه از خیرخواهی حرفی می‌زنند به دشمنی نگیرید.
والسلام علی من اتبع الهدی
سیدعلی محمد دستغیب
۱۳۹۶/۱۰/۱۲

واعظی به درخواست استعفای روحانی واکنش نشان داد

فعالیت‌های مشکوک در مشهد علیه منتخب ملت/ماجرای درخواست استعفای روحانی چیست؟

محمود واعظی درباره بیانیه برخی از دانشجویان دانشگاه‌ها مبنی بر استعفای رییس‌جمهور گفت: من چنین چیزی را نشنیده‌ام. کسانی که اینگونه اظهارنظر می‌کنند باید جای پایشان را در شروع حرکات اخیر در مشهد هم ببینید.

آفتاب‌نیوز :

رییس دفتر رییس‌جمهور به درخواست جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران برای استعفای حجت‌الاسلام روحانی از مقام ریاست جمهوری واکنش نشان داد.

به گزارش **آفتاب‌نیوز**، محمود واعظی درباره بیانیه برخی از دانشجویان دانشگاه‌ها مبنی بر استعفای

رییس‌جمهور و برگزاری انتخابات زودهنگام و انتشار آن در برخی از سایت‌های منتقد دولت به خبرگزاری ایلنا گفته است: من چنین چیزی را نشنیده‌ام. کسانی که اینگونه اظهارنظر می‌کنند باید جای پایشان را در شروع حرکات اخیر در مشهد هم ببینید.



ماجرا چیست؟

استعفای روحانی؛ خواسته ای عجیب در زمانی عجیب‌تر! مطالبه استعفاي حسن روحاني که خبرنامه صبح صادق متعلق به دانشگاه امام صادق روي خروجي خود قرار داد، در ادامه خطي است که در روز آغاز اعتراضات از شهر مشهد شروع شد.

به نوشته روزنامه شرق، امير محبيان، روزنامه‌نگار و تحليلگر اصولگرا، در همين ارتباط گفته بود که عده‌اي در داخل با موج‌سواري به‌دنبال خارج‌کردن رقيب از صحنه هستند: «جريانات مختلف سياسي تلاش دارند از اين شرايط بهره‌برداري خاص خود را داشته باشند. بخشي از اين جريانات، جريانات سياسي داخلي هستند که متصور هستند با موج‌سواري بر اين جريان، رقيب را از ميدان خارج خواهند کرد يا اينکه اين اعتراض‌ها را به نحوي مطرح مي‌کنند که گويا اين اعتراضات در تأييد آنهاست. متأسفانه جريانات سياسي در اين شرايط بسيار بد عمل مي‌کنند. اين جريانات به جاي آنکه فضا را آرام و روند حرکات را به سمت معقولي ببرند که مديريت‌پذير باشد، ضمن آنکه حرف‌ها و اعتراضات واقعي شنيده شود، سعي مي‌کنند با تشديد اين وضعيت با رقباي خود تسويه‌حساب سياسي کنند».

سایت جماران هم خبري در ارتباط با ماجراي استعفا منتشر کرد. جماران از عبدالرضا عزيزي، نماينده مجلس، سؤال کرده که آيا صحت دارد از سوي برخي نمايندگان در جلسه رؤسای کمیسیون‌ها با رئیس‌جمهوری؛ پیشنهاد استعفای زودهنگام روحانی به دلیل اعتراضات عمومی روزهای اخیر مطرح شده است؟ عزيزي در پاسخ گفته: «هرگز چنین بحثی مطرح نشده است و بنده قویا آن را تکذیب می‌کنم».

جماران نوشته بود که از نیمه‌شب گذشته (دوشنبه) خبرهایی مبنی بر پیشنهاد استعفای رئیس‌جمهوری از سوی برخی از نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری مطرح شده است. اگرچه برخلاف ادعاي جماران، اين شايعه چندان قوي نبود و بازتاب گسترده‌اي در شبکه‌هاي اجتماعي نداشت، مگر همان مطلبي که به طور مشخص سايت خبرنامه امام صادق منتشر کرد. این سایت، نامه‌ای را منتسب به جمعي از دانشجويان دانشگاه‌هاي تهران منتشر کرد که در آن خواستار استعفای رئیس‌جمهوری و برگزاری انتخابات زودهنگام شده بودند. نویسندگان نامشخص نامه به دو اصل ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی درباره اداره کشور بعد از استعفاي رئيس‌جمهوري هم اشاره کرده‌اند.

صدايي بدون پژواك

نکته قابل‌تأمل اين نامه اين بود که هيچ ردي از اسامي امضاکنندگان نامه وجود نداشت و برخلاف رويه‌هاي

معمول، جز سايت خبرنامه صبح صادق، هيچ سايت يا خبرگزاري ديگري آن را منتشر نكرده بود؛ به‌ويژه كه در اين موارد معمولا تشكل‌هاي دانشجويي در تماس با رسانه‌ها خواستار انتشار نامه يا بيانيه‌هاي خود هستند، كه اين اتفاق هم نيفتاده بود. نامنسجم‌بودن جريان اصولگرايي در پيگيري ايده استعفا را از آنجا مي‌شود فهميد كه برخلاف موارد مشابه، رسانه‌هاي اصولگرا تاكنون هيچ واكنشي نسبت به آن نداشته و موجي بر مبناي آن نساخته‌اند.

سايت خبرنامه صبح صادق درحالي اين نامه را منتشر كرده است كه سعيد جليلي، دانش‌آموخته و استاد دانشگاه امام صادق كه احتمالا بايد به لحاظ فكري به منتشركنندگان اين نامه نزديك باشد، اين روزها مواضع متفاوتي گرفته است. مسئول پرونده هسته‌اي در دولت احمدي‌نژاد و رقيب انتخاباتي حسن روحاني در سال ۹۲، كه از زمان انتخابات رياست‌جمهوري ۹۶ به اين‌سو با دنبال‌كردن ايده «دولت در سايه» خود را به منتقد جدي دولت تبديل كرده، در واكنش به رخدادها و اعتراضات اخير خياباني گفته است: «اگر مسئوليت نداريم قرار نيست در نقش اپوزيسيون نظام حاضر شويم. انقلابی‌گری به معنای کمک به دولت برای رفع مشکلات در هر دوره از زمانی است که مسئولیت اداره کشور بر عهده ما نیست». دانشگاه امام صادق پيش از اين از سوی آيت‌الله مهدوي‌كني، دبيركل سابق جامعه روحانيت، اداره مي‌شد و امروز به‌وسيله فرزندش. دانش‌آموختگان اين دانشگاه با جريان فكري جبهه پايداري نزديكي زيادي دارند. بسياري از مديران سياسي جمهوري اسلامي دانش‌آموخته دانشگاه امام صادق هستند. اين انتصابات در زمان احمدي‌نژاد به اوج خود رسيد. آنها به «امام صادقي» معروف هستند. به جز سعيد جليلي كه دبير شوراي عالي امنيت ملي بود، محمد حسینی وزير ارشاد، احمدزاده استاندار وقت فارس نيز دانش‌آموخته اين دانشگاه بودند. رئيس بسيج وقت دانشگاه امام صادق در سال ۸۸، درباره انتصابات ديگر فارغ‌التحصيلان اين دانشگاه در سطوح مديريتي گفته بود: «بقيه در سطح فرمانداری و از بچه‌های قدیمی‌تر هستند».

سخنان روحانی در باره تظاهرات و فیلترینگ

نسل جوان اکثریت است و این نسل حرف دارد!

حسن روحانی در دیدار با وزیر و معاونان وزارت امور اقتصادی و دارایی گفت:
«همه‌جای دنیا برخی از خواسته‌ها و تجمع مردم سوءاستفاده می‌کنند، اما مردم بحق می‌گویند ما را ببینید، به حرفمان گوش کنید و به خواست ما عمل کنید. ما ملت بزرگی داریم؛ معصوم نداریم و همه مسئولان قابل نقد هستند و اگر نقد با امید، اراده و راه‌حل درست همراه باشد، بسیار مفید است. در این حوادث یک موضوع اساسی وجود داشت که با کمال تأسف در رسانه ملی و سایر رسانه‌ها آن موضوع دیده نشده و بیشتر به‌دنبال مسائل جزئی و فرعی بودند و معتقدم توجه به آن موضوع اساسی می‌تواند آرامش و امنیت بلندمدت باثبات و تأثیرگذاری در کشورمان به‌وجود آورد. آن موضوع فاصله ما مسئولان با نسل جوان است. امروز آن‌طوری که ما فکر می‌کنیم، با آنچه جوانان فکر می‌کنند، متفاوت است. امروز نگاه جوانان به دنیا و زندگی با نگاه ما فرق می‌کند و این اشکال اساسی است که باید آن را حل‌وفصل کنیم. اشکال این است که ما می‌خواهیم دو نسل بعد از ما، آن‌طورکه ما می‌پسندیم زندگی کنند، درحالی‌که نمی‌توان برای آنها تعیین‌تکلیف کرده و یک نوع سبک زندگی برایشان مشخص کرده و گفت مسیر همین است که ما می‌گوییم. نسل جوان ما یک حرف بیشتر ندارد و آن اینکه می‌گوید من هم می‌فهمم و حرف دارم و باید به حرف من گوش کنید. مردم هم صراحتا اعلام می‌کنند که حرف دارند و باید به حرف مردم گوش داد و بالاتر از آن به آن عمل کنیم و اگر اکثریت کشور با نسل جوان است به معنای آن است که باید به نظر اکثریت عمل کنیم. البته در اینکه در یک اجتماع و تظاهراتی عده‌ای سوءاستفاده کنند یک موضوع طبیعی است و در همه جای دنیا وجود دارد که برخی از خواسته‌ها و تجمع مردم سوءاستفاده‌ها می‌کنند.
انتقاد حق مردم است، چراکه صاحب کشور هستند و تمام افتخار ما مسئولان این است که نماینده مردم و امانت‌دار امور کشور از سوی مردم هستیم، لذا مردم حق دارند بر کارهای ما نظارت کرده و انتقاد کنند. نباید کسی را نفی کرد. بعضی‌ها تصور می‌کنند مردم فقط پول و اقتصاد می‌خواهند، اما آیا کسی حاضر است ماهانه پول قابل‌توجهی دریافت کند، اما به‌طور مثال شبکه مجازی کاملا مسدود باشد یا در تردد با خودرو و رفت‌وآمد به بیرون از خانه با محدودیتی مواجه بوده و حتی حق حرف‌زدن نداشته باشد. مگر می‌شود آزادی و زندگی مردم را با پول خریداری کرد، چرا عده‌ای آدرس غلط می‌دهند و این توهین به مردم است. مردم مطالباتی دارند که بخشی از آن اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی است و باید همه این مطالبات مورد توجه قرار بگیرد. همه باید در یک جا به این تصمیم برسیم که مردم همه‌کاره کشور هستند و بی‌تردید اگر این موضوع را با جان و دل و عمل خود قبول کنیم، تمام مسائل حل وفصل خواهد شد. همچنان که دولت باید در اتاق شیشه‌ای باشد، مجلس و دیگران هم باید در اتاق شیشه‌ای قرار بگیرند و تصمیماتی که اتخاذ می‌شود بایستی به‌طور شفاف به مردم توضیح داده شود و مردم باید قضاوت کنند. افتخار دولت یازدهم و دوازدهم گردش آزاد اطلاعات است، اما عده‌ای از فضای مجازی خوششان نمی‌آید. یک عده می‌گویند مردم فقط باید به صدا و سیما نگاه کنند و گوش کنند؛ البته معتقدیم که صدا و سیما باید صدای ملت را منعکس کند نه صدای جناح خاصی را. مردم از صدا و سیما هم استفاده می‌کنند اما نباید عده‌ای بخواهند که شبکه‌های مجازی که به خاطر شرایط خاص چند

روزی مسدود شده برای همیشه مسدود باشد.
شبکه‌ای به خاطر شرایط امنیتی کشور چند روزی بسته بود، بعد حالا می‌خواهید سوءاستفاده کنید؟ بگویید حالا که بسته بود، خیلی خوب بود؛ شب راحت خوابیدیم؛ برای ابد بسته باشد؟ تو راحت خوابیدی؛ ۴۰ میلیون نفر گرفتار بودند؛ فکر کردی تو هستی فقط؟ صد هزار نفر شغل‌شان را در این یک هفته از دست داده‌اند؛ تو شغلت بهتر شده! باید به خواست و زندگی مردم توجه کنیم. در این چند روزی که یکی از شبکه‌ها بسته بود و گفتم بازش کنند، دیدم چند تا از اینها نامه نوشتند که ای کاش بسته می‌ماند. شما چرا عجله کردید و فلان. نمی‌گویند چند نفر در این شبکه‌ها اجناس‌شان را به نمایش می‌گذارند و به فروش می‌رسانند. آن طلبه گوشه حجره مدرسه فیضیه هم کتابی را که نمی‌خواهد، از طریق یکی از همین شبکه‌ها به فروش می‌رساند؛ می‌گوید من این کتاب‌ها را دارم و قیمت‌شان فلان مقدار است و هرکسی می‌خواهد، آدرس من این است. آن فردی هم که بخواهد از خانه با تاکسی برود، ترجیح می‌دهد از این فضا استفاده کند. البته هر چیز خوبی در کنار خود بدی‌هایی هم دارد؛ اما نمی‌توان گفت که به‌طور مثال به خاطر خطراتی که اتومبیل و موتورسیکلت دارد، کارخانه تولید این محصولات به طور کامل تعطیل شود یا نمی‌توان گفت که اگر در کتابی یک خط علیه من نوشته‌اند، به طور کل چاپ کتاب در کشور ممنوع شود.
در حوزه بیمه و مالیات باید اقدامات بزرگی صورت گیرد. اولا همه باید مالیات بپردازند و هیچ استثنائی را نمی‌توان پذیرفت که چطور فلان آستان یا دستگاه مالیات نمی‌پردازد. همه باید مالیات بدهند؛ حتی آنهایی که طبق قانون برای چند سال از پرداخت مالیات معاف می‌شوند، باید مالیات‌شان مشخص شود؛ اما دریافت نکنند؛ ولی مهم است که میزان مالیات آنها محاسبه شود. مالیات باید فرهنگ عمومی شود، حتی اگر حداقلی باشد. از خزانه کشور به هر دستگاهی که پولی داده می‌شود، باید روی سایت منتشر شود تا مردم نظارت کنند که از آن پول در چه مسیری استفاده شده است.
(نقل وبسایت ریاست جمهوری)

طرح کودتا علیه روحانی‌به شورش علیه نظام انجامید!

با گذشت زمان به تدریج ابعاد حرکتی که قرار بود به کودتا علیه دولت روحانی بیانجامد بیش از پیش آشکار می‌شود و معنای حوادث هفته‌های گذشته روشن‌تر می‌شود.
امروز می‌دانیم که مخالفان روحانی در هفته‌های اخیر برنامه سرنگونی و سقوط او را ریخته بودند. چنانکه روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از گزارش وزیر اطلاعات در مجلس درباره اعتراضات اخیر خبر داد: "تردیدی باقی نمانده است که یک جریان سیاسی رقیب دولت آغازگر این غائله بود که از مشهد آغاز شد." جمهوری اسلامی در توضیح نوشت : "موج سازان، یعنی همان جریان سیاسی رقیب دولت، در عین حال که متعلق به یک جریان هستند، از دو بخش تشکیل شده‌اند. بخش اول رقبای سیاسی هستند و بخش دوم ثروتمندان مزاحمی که از دولت یازدهم ناراضی هستند و برای آنکه دولت دوازدهم جرات نکند با آن‌ها برخورد کند، درصدد انتقام گرفتن از آن برآمدند. این مجموعه «سیاسی - اقتصادی» درصدد بودند اگر بتوانند با شعار «مرگ بر روحانی» رئیس‌جمهور روحانی را وادار به استعفا کنند و عناصر دلخواه خود را بر سر کار بیاورند". این دو بخش در واقع یکی هستند. سرمایه‌داران حکومتی همان سردمداران و حامیان باندهای سیاسی هستند که دستشان در دست یکدیگر است. این وحشتی که از پایان رهبری آقای خامنه‌ای در آنها بوجود آمده ناشی از احتمال از دست دادن موقعیت‌های سیاسی است که امکان غارت کشور را برای آنها فراهم کرده است.
تردید نیست که حسن روحانی نیز از این تلاشها آگاه بوده است. سخنرانی وی هنگام ارائه بودجه که در آن بر چند کارتل بنام "تعاونی" که 25 درصد ارز کشور را در اختیار داشتند و نقش آنها در برهم زدن بازار و سودهای کلان ناشی از آن تاکید کرد و بر پیامدهای برخورد دولت با آنها هشدار داد، نشانه‌ای از آگاهی وی از تلاشهایی بود که گردانندگان باندهای مالی و سیاسی حکومتی برای کودتا علیه وی به راه انداختند. وی در همان سخنرانی این جمله مهم را به زبان آورد که در صورت عدم برخورد با این باندها "حتی اگر به فرض محال این دولت به پایان برسد، دولت بعدی به پایان نخواهد رسید." بعبارت دیگر هشدار داد که سرنگونی وی در دستور کار است ولی به معنای توانایی کودتاگران در اداره کشور نخواهد بود. او در همان سخنرانی گفت که برای متلاشی کردن این باندهای ثروت و قدرت، پس از گفتگوهای طولانی با رهبر به توافق و تفاهم رسیده است. آیا شعار "مرگ بر خامنه ای" که پس از "مرگ بر روحانی" سر داده شد نتیجه همین تفاهمی نبود که روحانی در سخنرانی خود در مجلس به آن اشاره کرد؟ آیا بخشی از انگیزه این شعارها مخالفت با سیاست نزدیکی و اتحاد با روسیه نبود که در سوریه نیز به صورت اتحاد نظامی برای جلوگیری از تبدیل شدن آن کشور به عراق و لیبی دیگر و تخریب پشت جبهه ایران برای حمله نظامی به آن نبود؟ آنها که می خواستند علیه دولت کودتا کنند اینگونه به امریکا پیام ندادند که ما اگر سر کار بیائیم سیاست خارجی تغییر خواهد کرد؟
اینها نکاتی است که باید بی اعتناء به جو سازی های آلوده به توهمات و احساسات به آنها اندیشید و از بیان آنها به خود بیم راه نداد.
باز گردیم به دلائل و انگیزه های کودتا علیه روحانی و به یاد آوریم اعلام ارقام بودجه و رقمهای میلیاردی د. روحانی

در ادامه همان سخنرانی گفت که دوسوم بودجه کشور در اختیار دولت نیست که هم نفتی بود که بر آتش خشم مردم پاشیده شد و هم مردم را به مسئولیت اندک دولت در وضع اقتصادی موجود آشنا کرد. امروز مردم دولت روحانی را کمتر از هرکسی مسئول وضع اقتصادی موجود می‌دانند و این مقابله با وی را براساس مشکلات اقتصادی کشور دشوارتر از گذشته کرده است.
سخنان حسن روحانی در جریان حوادث اخیر و به ویژه سخنرانی روز دوشنبه وی که در آن به عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نارضایتی‌ها اشاره و بر گرفتن مالیات از همه نهادها و استان‌ها (آستانقدس) تکیه کرد، نشانه موقعیت جدید و تحکیم شده وی در دولت است. "نظام" نه تنها دیگر جایگزینی برای او ندارند، بلکه باید به سیاست گذشته کارشکنی به امید برکناری وی خاتمه داده و راه را برای اصلاحات و بهبود وضع اقتصادی مردم باز کند اگر می‌خواهد سقوط نکند. یقینا در این سقوط روحانی بازنده آخر خواهد بود و نه بازنده اول.
راه دیگر آنست که سپاه خود با آگاهی از اعتبار سقوط کرده روحانیان حکومتی در میان مردم به کودتا دست بزند که آن هم - با این وضع نابسامان اقتصادی داخلی و دشمنان و مخالفان جهانی ایران از دولت ترامپ گرفته تا حکومت‌های خلیج فارس- دولت مستعجل خواهد بود.

سرمقاله مهم روزنامه ج. اسلامی

سهم صاحبان 6 تعاونی‌در کودتای مشهد علیه روحانی

هر چه از هفته شورش مردم دور تر می شویم، زبان ها و قلم ها برای افشای پشت پرده توطئه علم الهدا و رئیسی برای کودتا علیه دولت روحانی که موتور آن غارتگران بودند افزوده می شود. روز گذشته روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله بسیار مهم خود بی اعتناء به ادعائی که بلافاصله پس از شکست کودتان و تبدیل آن به شورش عمومی علیه نظامی درباره وابستگی آن به امریکا و عربستان واسرائیل شروع شد نوشت:
«تردیدی باقی نمانده که ثروتمندانی که در صدد انتقام از روحانی بودند، غائله را از مشهد آغاز کردند. روحانی به هنگام ارائه لایحه بودجه 97 به مجلس گفت: شش تعاونی و صندوق 25 درصد بازار پول کشور را در اختیار داشتند، ما دکان آنها را تعطیل کردیم.»
شاید با توجه به آنچه که هفته گذشته در مشهد روی داد و حساب از دستشان در رفت و تبدیل شد به شورش در سراسر ایران، دیگر وقت آن رسیده باشد که نام صاحبان آن تعاونی ها و وابستگی شان به نهادهای قدرت اعلام شود تا مردم با گوشه ای از واقعیاتی که از آنها پنهان نگهداشته می شود آشنا شوند.

رئیسی در آستانقدس کابینه سایه تشکیل داده

طرح کودتا علیه روحانی‌ناگهان تبدیل شد به شورش مردم

تظاهرات اولیه ای که در مشهد با سازماندهی علم الهدا و سید ابراهیم رئیسی کلید خورد و نتوانستند آن را در چارچوب شعار اصلی آن، یعنی "مرگ بر روحانی" حفظ کنند و تبدیل شد به یک شورش سراسری در کشور علیه فساد و دزدی و اختلاس و بیکاری و گرانی و اختناق، هدفش سرنگونی دولت روحانی بود. حتی با خوش خیالی پیشنهاد اعلام رفراندوم علیه دولت را هم تنظیم کرده بودند که در پوستر تهیه شده در دانشگاه امام صادق که یکی از کانون های توطئه علیه دولت است منعکس می باشد.
علم الهدا و رئیسی از مدتها پیش توطئه از همان آغاز شمارش آراء انتخابات 96 و معلوم شدن شکست قاطع رئیسی با 5 تا 6 میلیون رای (که بدستور رهبر قرار شد سه برابر اعلام شود تا واکنشی در سپاه بوجود نیآید) آغاز شد. سرتیپ ذوالقدر رئیس گروهبندی جمنا سازماندهی را آغاز کرد، دولت سایه تشکیل شد. البته در آستانقدس رضوی این دولت تشکیل شد تا با قیام علیه دولت روحانی و سقوط آن، این دولت سایه با تجربه ای که در نهادهای وابسته به آستانقدس کسب کرده امور را بدست بگیرد. نگاه کنید به ترکیب برخی انتصابات در آستانقدس که روز گذشته روزنامه وقایع اتفاقیه منتشر کرد:
رهبری و مدیریت 40 هلدینگ اقتصادی آستانقدس بی سر و صدا در اختیار گردانندگان ستاد انتخاباتی رئیسی قرار گرفت. از جمله "فرهاد رهبر" ریاست دانشگاه آزاد اسلامی که با حکم علی اکبر ولایتی وزیر خارجه بیت رهبری عهده دار آن شده است. و یا مسعود میرکاظمی وزیر نفت و نیرو در کابینه احمدی‌نژاد و یا سید نظام‌الدین موسوی، مدیرعامل سابق خبرگزاری فارس، «میثم مداحی» 28 ساله که قرار است مدیریت مجموعه "شهاب خودرو" را بدست بگیرد.
مرکز توطئه و یا به تعبیری مرکز اصلی "فتنه" در مشهد است و تحقیق درباره استخر مرگ شدن هاشمی را هم بعنوان گام اول طرح کودتا علیه روحانی باید از همین کانون آغاز کرد.
روزنامه وقایع اتفاقیه نوشت: جمع اصولگرایان در آستان قدس رضوی در ماه‌های اخیر جمع‌تر از همیشه شده است. آنها مدیریت سازمان‌های اقتصادی آستان را هم برعهده گرفته‌اند تا شاید آینده سیاسی منتقدان دولت از آستان قدس بگذرد.
در میان احکامی که ابراهیم رییسی در طول مدتی که از ریاستش بر آستان قدس رضوی می‌گذرد صادر کرده است، چهره‌های

اصولگرای بسیاری صاحب منصب شده‌اند که البته سابقه اجرایی مشترکی هم داشته‌اند به نام «عضویت در دولت محمود احمدی‌نژاد.» احمدی‌نژادی‌ها همان‌طور که در ستاد انتخاباتی رییسی دست بالا را داشتند در آستان قدس رضوی هم احکام بی‌شماری گرفته‌اند که البته بیشترین میزان حضور آنها در سازمان اقتصادی رضوی است. جایی که تصمیم‌گیری در مورد نزدیک به ۴۰ هلدینگ اقتصادی را رصد و در مورد آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.
در میان چهره‌هایی که در ماه‌های اخیر به آستان قدس رضوی پیوسته‌اند چهره‌هایی همچون فرهاد رهبر که این روزها ریاست دانشگاه آزاد اسلامی را بر عهده دارد یا مسعود میرکاظمی وزیر نفت و نیرو در دوره محمود احمدی‌نژاد هم به چشم می‌آید. در این میان سید نظام‌الدین موسوی، مدیرعامل سابق خبرگزاری فارس هم به آستان قدس رضوی پیوسته است که نشان می‌دهد احتمالا خط و ربط رسانه‌ای این نهاد هم بی‌شباهت به خبرگزاری فارس نباشد.
هرچند در ماه‌های اخیر احکامی برای اصولگرایانی که به او نزدیکتر هستند صادر کرده است تا جمع‌شان جمع بماند اما به نظر می‌رسد که او برنامه‌های مهمتری هم برای آینده داشته باشد که با توجه به امکانات اقتصادی آستان قدس دست آنها را برای آینده بیشتر بازمی‌گذارد. در این میان خبرهای جدیدتری در مورد احتمال تغییر در برخی سازمان‌های زیر مجموعه آستان قدس رضوی نیز به گوش می‌رسد که قرار است سایر اعضای ستاد ابراهیم رییسی نیز به آستان قدس رضوی اضافه شوند.
در این میان اسم «میثم مداحی» ۲۸ ساله به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی مدیریت بر مجموعه شهاب‌خودرو که زیر مجموعه آستان قدس رضوی است به گوش می‌رسید. چهره‌ای که در روزهای انتخابات ریاست بر ستاد فرزندان شهدا را برعهده داشته است و گویا از مدیر عاملی یکی از شرکت‌های زیر مجموعه بنیاد شهید به تازگی عزل شده است. بسیاری دیگر از چهره‌ها هم به صورت غیررسمی و بدون حکم این روزها در آستان قدس رضوی مشغول به کار هستند.

گزارش المانیتور از تاثیرات منفی یك شبکه ویدئویی اینترنتی تندروها بر حوادث اخیر ایران؛

ترفندی علیه روحانی که معکوس شد!

سه شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۶ ساعت ۱۲:۰۰



ترجمه: علیرضا طالب‌زاده

هرچه که باشد کلمه دولتی (state) که بر سر رسانه‌ای آورده می‌شود نوعی برچسب است که نشانگر این است که باید با اخبار و اطلاعاتی که یک رسانه وابسته به حکومت یا نهادی دولتی مخابره می‌کند با احتیاط برخورد کرد چرا که ممکن است سوگیرانه، یک‌طرفه، جانبدارانه و یا از زوایه‌ای خاص باشد. نحوه انعکاس اخبار و تصاویر مربوط به اعتراضات اخیر خود شاهدی بر این مدعا است. ظهور رسانه‌ها و خبرگزاری‌های وابسته به حکومت و نهادهای نظامی و امنیتی در سال‌های اخیر روندی رو به رشد داشته است. از طرفی کمبود رسانه‌های بی طرف و خصوصی در داخل به همان نسبت به رونق و گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های برون مرزی برای پیگیری اخبار کمک کرده و باعث رونق آنها شده است. کافی است نحوه مخابره

اخبار مربوط به ناآرامی‌های اخیر در رسانه‌های دولتی و برون مرزی را با هم مقایسه کنید. نشریه آنلاین المانیتور، این هفته در مقاله‌ای با عنوان «تولیدکنندگان رسانه‌ای {یك نهاد خاص} جبهه جدیدی را علیه روحانی باز می‌کنند»، نگاهی دارد به تلویزیون اینترنتی آوانت تی‌وی (مخفف آوانتگارد به معنی پیشرو و پیشاهنگ) که نسبتا برای عموم ناشناخته است. برگردان این مقاله را در زیر می‌خوانید:

به سبک و سیاق تلویزیون دولتی، مصاحبه‌کننده جوان در یک پیاده رو در منطقه‌ای شلوغ ایستاده و نظر رهگذران را درباره اعتراضات و ناآرامی‌های ناگهانی اخیر در ایران جویا می‌شود. مردی حدودا 60 ساله با چشمانی خسته جواب می‌دهد: «بنده سه تا بچه دکتر مهندس تو این جامعه دارم که هر سه تاشون بیکارند.» یک رزمنده زمان جنگ ایران و عراق با جمعیتی که اطرافش حلقه زده‌اند با تشر و عصبانیت به مصاحبه‌گر می‌گوید: «من یه جانبازم، به دارو نیاز دارم، اما تو هیچ داروخونه‌ای نیست، آزاد بخرم داروها رو؟ الان کمرم‌ترکش داره، هر زمان احتمال فلج شدنم است... به کی بگم دردمو؟» در یک ویدئوی تند که آوانت تی‌وی تولید کرده گروه هایی از مردم به طور مداوم این پیام را می‌دهند که با اقتصاد بیمار ایران دیگر قادر نیستند از عهده مخارج برآیند و دخلشان جوابگوی خرجشان نیست. آوانت تی وی یک کانال جدید اینترنتی در دورنمای پیچیده رسانه‌ای در ایران است.

ویدئوی آوانت تی‌وی پنج روز بعد از شروع ناگهانی ناآرامی‌ها در ایران که تا زمان حاضر به تعدادی از شهرها و تقریبا همه استان‌ها گسترش یافته است در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. این ویدئو به دقت یک سری از مصاحبه‌های احساسی مردمی ناراحت و دلخور را با وضعیت اقتصادی کشور و سیاست‌های دولت روحانی مرتبط و یکی می‌کند. با اطلاعات اندکی که درباره این تلویزیون اینترنتی برای عموم در دسترس است و با تلاش‌های گسترده‌ای که تولیدکنندگان آن برای نشان دادن این شبکه به عنوان یک ایستگاه مستقل کرده‌اند، این ویدئو قصد دارد که شفاف جلوه کند و خود را به عنوان نماینده واقعی اراده مردم ایران نشان دهد. آن چه که به طرز ناشیانه و زننده‌ای از این ویدئو غایب است انتقاد از نظام سیاسی به عنوان یک کل است که یکی از موضوعات تظاهرات اخیر بود.

در واقع آوانت تی‌وی به هیچ روی مستقل نیست. المانیتور قادر نبوده است که با آن تماس برقرار کند، اما دو رسانه تولیدکننده حامی نظام تایید کرده‌اند که این شبکه تنها جدیدترین نمونه از یک رسانه جدید است که توسط ..... {یك نهاد خاص} پشتیبانی می‌شود. همانند ظهور رسانه‌ها و نشریات بعد از جنبش سبز که به دنبال انتخابات ریاست جمهوری 1388 به وجود آمدند آوانت تی‌وی از جنگ رسانه‌ها در دل جناح‌بندی‌های سیاسی در داخل و خارج نشات می‌گیرد. بعد از اعتراضات عظیم 1388، تولیدکنندگان رسانه‌های نظام متوجه شدند که با بحران مشروعیت مواجه هستند. مسئول یکی از شبکه‌های اصلی صدا و سیما در سال 1389 به من گفت: «ما به خوبی می‌دانیم که مخاطبان زیادی را به کانال‌های ماهواره‌ای خارجی که توسط گروه هاب ایرانی تبعید شده اداره می‌شود باخته ایم و مردم ما اخبار و سرگرمی را از شبکه‌ها اجتماعی به‌دست می‌آورند. تلویزیون دولتی دیگر جوابگو نیست.

ما نیاز داریم که دنبال راه‌های جدیدی برای تاثیرگذاری بر مخاطب و نحوه خبررسانی باشیم و وضعیت را به نفع خود برگردانیم.» تاکتیکی که تولیدکنندگان استفاده کردند دوری گزیدن از محتوایی است که تنها برای تلویزیون دولتی ساخته می‌شود. محتوایی که به طور بالقوه مخاطبان تقریبا به صورت خودکار آن را پروپاگاندا و تبلیغات نظام قلمداد می‌کنند. شگرد دیگر این تولیدکنندگان ایجاد استودیوهای تولیدی کوچکی است که محتوایی درست می‌کنند که به آسانی قابل شناسایی به عنوان محصول حامی نظام نباشد. این تولیدات استودیویی ویژه بودجه خود را از ... و بودجه فرهنگی حکومت تامین می‌کنند اما به عمد در مقیاس کوچک و غیرقابل شناسایی باقی می‌مانند.

آوانت تی‌وی در 21 آذر 1396 تنها چند روز بعد از اینکه روحانی بودجه سال 97 را ارائه و در جمع مردم از سازمان‌ها و نهادهای متخلف که باعث بی نظمی و مشکل در اقتصاد کشور می‌شوند انتقاد نمود شروع به کار کرد. روحانی در سخنرانی خود در صحن مجلس درباره پیشنهاد لایحه بودجه 97، در 19 آذر 1396 از نهادها و موسسات فرهنگی در دست اصولگرایان و همچنین از بودجه‌هایی که سال‌ها است به روحانیون اختصاص داده می‌شود انتقاد کرد. در اصل او از تعدادی از نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای که نقش مهمی در کوبیدن جنبش سبز تحت عنوان توطئه خارجی ایفا نموده و به دنبال آن به خود روحانی هم حمله کرده‌اند انتقاد کرد.
در تبیین جزئیات جدیدی از لایحه بودجه، روحانی برای اولین بار از تنوع نهادهای دولتی از جمله مراکز فرهنگی نام برد که بودجه‌های کلان و حمایت‌های بی قید و شرطی را ار نظام می‌گیرند. او این حرکت را به درخواست برای شفافیت و محدود ساختن فساد در بودجه‌های دولتی نسبت داد. واکنش‌ها به این موضوع در شبکه‌های اجتماعی تند و سریع بود. مردم شروع به حمله به .... مراکز اصول گرایان و محافظه‌کاران به خاطر گرفتن بودجه‌های کلان از خزانه دولت کردند.

یک تولید کننده استودیوهای تولید نظام بعد از این که روحانی بودجه جدید را رو کرد گفت: «ما نمی‌توانیم به او اجازه دهیم که شاهرگ حیاتی ما را قطع کند. او و حامیانش می‌خواهند برای ساکت کردن ما بودجه‌مان را قطع کنند. اما ما ساکت نخواهیم نشست. به او نشان خواهیم داد که مردم مخالف او هستند.»
همانطور که روحانی در 19 آذر اظهار داشت: «25 درصد بازار پولی کشور در اختیار شش تعاونی متخلف بود. هر روز اراده می‌کردند و تصمیم می‌گرفتند بازاز ارز را بهم می‌ریختند، بازار سکه و طلا و املاک را به هم می‌زدند، هر جوری می‌خواستند.» او ادامه داد که او با استمداد از مقام معظم رهبری در خدمت ایشان به طور مفصل صحبت کرده است که ما دچار چه معضل بزرگ هستیم و 3-4 میلیون نفر تمام زندگیشان دارد به وسیله این صندوق‌ها تلف می‌شود.

او با تاکید بر اینکه مجلس به تهدیدات این صاحبان منافع وقعی ننهد گفت: «اوه چقدر سخت بود با این صندوق‌ها برخورد کردن! همه جا به ما فشار می‌آوردند از تمام ارگان‌ها به من نامه می‌نوشتند: آقا این آدم به این خوبی، این همه خدمت کرده، چیکارش دارید؟ چرا دارید حسابشو می‌بندید؟ چرا دارید موسسه‌اش را می‌بندید؟» اعتراضات که در 7 دی 1396 از مشهد شروع شد پاسخی از اصولگراها به روحانی به خاطر اظهاراتش در خصوص بودجه و همچنین تلاش‌های دیگر او برای محدود ساختن نیروهای تندرو بود. بیشتر تحلیل‌ها درباره علل پشت پرده و منشا اعتراضات ناگهانی به تلاش‌های تندروها برای زمینه‌سازی و سازماندهی راهپیمایی علیه روحانی قبل از راهپیمایی سالگرد نهم دی برمی گردد (به عبات دیگر راهپیمایی‌های قبل از 9 دی را به عنوان مقدمه‌چینی برای تبدیل راهپیمایی حکومتی 9 دی به یک راهپیمایی ضد دولتی تلقی می‌کردند). راهپیمایی نهم دی ... در سال 88 برای بزرگداشت سرکوب جنبش سبز پایه گذاری شد. در واقع مشهد مشخصا خانه دو رقیب اصلی روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر یعنی ابراهیم رئیسی و محمدباقر قالیباف بود. هدف اعتراضات فراهم کردن زمینه برای یک راهپیمایی گسترده در 9 دی بود، اما بر خلاف نیات تندروها زمانی که مردم به خیابان‌ها ریختند سرانجامش به سردادن شعار علیه نظام ختم شد.

تولید کننده مورد اشاره در بالا و همکارانش به سرعت تشخیص دادند که اگر داستان در مسیری که قرار بود جلو برود ممکن است یک بار دیگر کنترل اوضاع از دستشان خارج شود. بنابراین استودیوهای تولیدی نظام شروع به درست کردن ویدئوهایی که معضلات اقتصادی را برجسته می‌کند و حمله به عملکرد دولت روحانی کرده اند. این تولیدات جدید و زیرکانه هدفشان این است که انتقادی جلوه کنند اما در آخر سر این عقیده را تقویت و القا می‌کنند که رهبری و روشنگری رهبری ضروری و در راس امور است. آوانت تی‌وی جدیدترین مثال از روش هایی است که در آنها جناح‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌ها در داخل جمهوری اسلامی و گروه‌های مخالف نظام در حیطه رسانه‌ای استفاده می‌کنند. همانطور که روحانی با اشاره به بودجه‌های کلان اختصاص داده شده به مراکز قدرت غیرمسئول در سخنرانی اش در مجلس گفت: «اگر روند سال‌های پیش ادامه یابد به فرض محال که دولت دوازدهم نتواند کشور را اداره کند دولت بعد حتما نمی‌تواند و ما در این بن بست قرار می‌گیریم.»

مخالفان دولت روحانی بر موج نارضایتی مردم سوار می شوند

زیباکلام: مخالفان روحانی در مشهد از دارودسته علم‌الهدی بودند/تندروهای طرفدار رئیسی مرگ بر روحانی گفتند

صادق زیباکلام معتقد است قهر مردم با صندوق های رای تنها شانس سیدابراهیم رئیسی و اصولگرایان برای انتخابات ریاست جمهوری 1400 است و تنها در این صورت است که آنان می‌توانند پیروز انتخابات شوند.

آفتاب‌نیوز :

صادق زیباکلام معتقد است شروع‌کننده اعتراضاتی که در کشور رخ داد، مخالفان حسن روحانی در مشهد بودند؛ مخالفانی که به گفته او از دارودسته سیدابراهیم رئیسی، سیداحمد علم الهدی و اصولگرایان تندرو بودند و قصد داشتند با به راه انداختن اعتراضات دولت دوازدهم را شکست‌خورده جلوه دهند.
به گزارش آفتاب‌نیوز، این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران درباره آینده سیدابراهیم رئیسی با توجه به حوادث اخیر کشور گفت: «آینده سیاسی آقای رئیسی به این بستگی دارد که روند موفقیت دولت روحانی در طی سه سال آینده به چه صورت دربیاید. اگر دولت بتواند حداقلی از پیشرفت های اقتصادی داشته باشد شانس زیادی برای آقای رئیسی و اصولگرایان باقی نمی ماند چون اصولگرایان موفقیت خوبی در بین مردم ندارند؛ بنابراین اگر روحانی بتواند حداقلی از پیشرفت ها و مطالبات اقتصادی را به دست بیاورد فکر نمی کنم اصولگرایان شانس زیادی داشته باشند.»
زیباکلام تصریح کرد: «اما اگر آقای روحانی و دولت ایشان از نظر اقتصادی موفق نشوند در آن صورت شانس اصولگرایان به خصوص جریان‌های پوپولیست و تندرو خیلی زیاد می شود؛ چون در این حالت کسر قابل توجهی از کسانی که به آقای روحانی رای دادند، نه تنها دیگر به نامزد اصلاح طلبان واعتدالیون رای نمی دهند بلکه اساسا پای صندوق رای حاضر نمی شوند و در انتخابات شرکت نمی کنند.»

این تحلیلگر سیاسی اصلاح طلب با یادآوری موج «پشیمانیم» اظهار کرد: «موج عبور از روحانی که به راه افتاد بسیاری از کسانی که به روحانی رای داده بودند اظهار ندامت کردند؛ نه از اینکه چرا به روحانی رای دادند بلکه از اینکه چرا گول صادق زیباکلام و نظیر زیباکلام را خوردند و اساسا در انتخابات شرکت کردند. الان خیلی از کسانی که به من حمله می کنند در فضای مجازی نمی گویند چرا روحانی این کار را نکرد، بلکه می گویند تو زیباکلام ما را فریب دادی و ما را پای صندوق رای کشاندی؛ این طیف اساسا رفتن پای صندوق رای را خطا می بینند بنابراین در صورت عدم موفیقت دولت آقای روحانی کسر قابل توجهی از این 24 میلیون در انتخابات شرکت نمی‌کنند. انتخابات 1400 که جای خود را دارد، من حتی تردید دارم که اینها در انتخابات مجلس سال 98 شرکت کنند. البته همه اینها در صورتی است که روحانی نتواند از نظر اقتصادی موفقیت چندانی به دست بیارد بنابراین مقدم بر اینکه بگوییم آقای رئیسی چقدر شانس دارد باید بگوییم عملکرد آقای روحانی چقدر شانس برای تندروها به وجود می آورد.»
زیباکلام با تاکید بر اینکه مخالفان دولت روحانی بر موج نارضایتی مردم سوار می شوند گفت: «یقینا آقای روحانی و دولت ایشان خواهند گفت کارنامه ما خیلی هم بد نبوده ما مخالفان دولت که طیف آقای رئیسی هستند در بوق و کرنا خواهند دمید که دولت اصلا موفق نبوده است. آنان با تبلیغات گسترده در صداوسیما، تریبون نماز جمعه و رسانه‌های حکومتی که در اختیار آنان است به مردم القا خواهند کرد که دولت اصلا موفق نبوده و شکست خورده است؛ بنابراین صرف نظر از اینکه در عالم واقعیات دولت موفق شود، آقای رئیسی و تندروها سعی خواهند کرد با تبلیغات وسیعی که انجام می دهند به مردم القا کنند که دولت به هیچ وجه موفق نبوده است.»
او یادآور شد: «اینجا وظیفه دولت روحانی و طرفداران ایشان دشوار می شود که تبلیغات تندروها را پاسخ دهند و نگذارند تصویر سیاهی از دولت روحانی چه در عرصه داخلی و بین المللی ارائه شود.»
زیبکلام با اشاره به اعتراضات اخیر در کشور گفت: «این اعتراضات از مشهد شروع شد و الان دیگر برای همه مشخص است که چه کسانی شروع‌کننده آن بودند. این اعتراضات در راستای استراتژی کلی تندورها برای ناکارآمد جلوه دادن دولت حسن روحانی تنظیم شد.»
او در توصیف این طیف تندرو که با هدف ناکارآمد جلوه دادن دولت حسن روحانی و با نگاه به انتخابات ریاست جمهوری 1400 اعتراضات را از مشهد کلید زدند گفت: «این تندروها شامل آقای رئیسی و طرفداران آقای احمدی نژاد و کسانی که به ایشان نزدیکند است. در دوران انتخابات اردیبهشت ماه هم شاهد بودیم که بسیاری از نزدیکان آقای احمدی نژاد از اعضای ستاد آقای رئیسی بودند. بنابراین مشخص است که طرفداران احمدی نژاد و رئیسی ابتدا این اعتراضات را با شعار مرگ بر روحانی به راه انداختند و سعی کردند از نارضایتی مردم به نفع خود بهره برداری کنند. آنها قصد داشتند ابتدا در مشهد و سپس در سایر شهرهای دیگر موج نارضایتی علیه آقای روحانی به راه بیندازند اما اشکال کار از اینجا به وجود آمد که به سرعت مردم عادی به اعتراضات پیوستند و آن شعارهایی که قرار بود داده بشود علیه روحانی به حاشیه رانده و شعارهایی که همه دیدیم و شنیدیم داده شد. به همین دلیل است که بعد از چند روز شروع کردند به سرعت با اعتراضات برخورد کردند.»
زیباکلام خاطرنشان کرد: «این طیف نتوانست از اعتراضات آنگونه که برنامه ریزی کرده بود بهره برداری کند اما با این حال همچنان در حال برنامه ریزی برای ناامید کردن مردم از اصلاح طلبان است چون در این صورت است که مشارکت در انتخابات کم می شود و مسیر برای ورود آنان به نهادهای انتخابی هموار خواهد شد.»

منبع: اعتماد آنلاین

روحانی:
عده‌ای در خیابان اعتراض می‌کنند؛ هر کی حرف می زند، یا خس و خاشاک است، یا گاو، یا گوساله یا آشغال؛ چرا اینطور حرف می زنید؟ چرا توهین می‌کنید و بی‌ادبانه با جامعه برخورد می‌کنید؟ / فضای مجازی با فیلتر درست نمی‌شود؛ گفتیم ماهواره ممنوع، واقعا ممنوع شد؟ / مردم حق انتخاب دارند، خود را بالاتر از مردم نبینیم +ویدئو

رئیس جمهور گفت: اجازه دهید موضوع در یک دادگاه صالح ثابت شود. یا خس و خاشاک است، یا گاو، یا گوساله، یا آشغال است. چرا توهین می‌کنید و بی‌ادبانه با جامعه برخورد می‌کنید؟ دقیق حرف بزنیم، مخصوصا در تریبون‌های مقدس. ملت ما ملت بزرگی است. اعتراض بود، تمام شد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



رئیس جمهور گفت: امروز برای کسی تردید وجود ندارد که توسعه در یک کشور در کنار علوم طبیعی و تجربی، بدون رشد و پیشرفت در علوم انسانی و اسلامی امکان‌پذیر نیست.

به گزارش «انتخاب»، حسن روحانی رئیس جمهور، پیش از ظهر امروز(یکشنبه 24 دی‌ماه) در آیین اختتامیه نهمین جشنواره بین‌المللی فارابی که در سالن اجلاس سران برگزار شد اظهار داشت: بسیار خوشحالم که در جمع صاحبنظران، فرهیختگان و برندگان مدال افتخار در جشنواره فارابی نصیب آنها می‌شود حضور دارم.

وی ادامه داد: در یک دورانی سایه مظلومیت و یا نوعی محرومیت بر سر علوم انسانی و اسلامی سایه افکند. آن زمانی که علوم طبیعی، علوم تجربی و مهندسی اکتشافات و اختراعاتشان به صحنه زندگی مردم آمد، زرق و برقی که این آثار علمی داشت بسیاری از جوامع ما را تحت تأثیر قرار داد. تا جایی که فکر کردند علم یعنی همین؛ یعنی علوم طبیعی، تجربی و مهندسی و علوم انسانی در رده دوم و سوم زندگی انسان‌ها قرار می‌گیرد.

رئیس جمهور با بیان اینکه همین سایه، در ذهن جوانان ما و آنها که عازم دانشگاه بودند و در فکر انتخاب رشته بودند و یا در تحصیلات تکلمیلی هم اثر گذاشت تصریح کرد: لذا استعدادها در یک دورانی به دنبال علوم مهندسی و ریاضی و در دوره دیگری به دنبال علوم تجربی رفتند و می‌گفتند آنهایی که استعداد دارند و جزء افراد دو رقمی در کنکور هستند باید به رشته‌های مهندسی بروند و یا علوم تجربی. آنهایی که وا می‌مانند از این کاروان، به ناچار باید به یکی از رشته‌های علوم انسانی را بر گزینند.

وی ادامه داد: خوشحالم که این دوران خیلی زود سپری شد و امروز برای کسی تردید وجود ندارد که توسعه در یک کشور در کنار علوم طبیعی و تجربی، بدون رشد و پیشرفت در علوم انسانی و اسلامی امکان‌پذیر نیست.

مهمترین بخش های اظهارات روحانی به شرح زیر است:

امروز برای کسی تردید وجود ندارد که توسعه در یک کشور در کنار علوم طبیعی و تجربی بدون رشد و پیشرفت در علوم انسانی و اسلامی امکان‌پذیر نیست.

امروز در یک جامعه، حکمرانی شایسته می‌تواند جامعه را در مسیر درست هدایت کند.
این حکمرانی شایسته از علوم انسانی نشات می‌گیرد.
اگر علوم انسانی در یک جامعه پیشتاز نباشد و صنعت در کنار علوم انسانی قدم نگذارد ممکن است صنعت و علوم تجربی به ضد خود تبدیل شود.
امروز در منطقه ما گروه‌های جنایتکار از بمب، موشک، اینترنت و فضای مجازی استفاده کردند.
آنها که خاورمیانه را به آشوب کشیدند کسانی بودند که در فهم درست از دین و مسائل اجتماعی عقب مانده بودند و از تکنولوژی برای از بین بردن جامعه استفاده کردند. داعش بیشترین استفاده را از اینترنت و فضای مجازی می‌کرد.
در قلب کشورهای غربی، فاشیسم به ظاهر از علم استفاده می‌کند. نمونه واضح و روشن آن، صنعت هسته‌ای است.
صنعت هسته‌ای می‌تواند در بسیاری از علوم و فنون به نفع جامعه باشد و استفاده غلط از این دانش می‌تواند بشریت را به انهدام و نابودی بکشاند.
اینکه رهبری معظم انقلاب می‌گوید سلاح‌های کشتار جمعی حرام است، به این دلیل است که علوم انسانی و اسلامی باید پیشتاز صنعت باشد. عقل، دین و اخلاق چراغ راهنماست.
تحول در علوم انسانی با مهندسی درست نمی‌شود. علوم انسانی را نمی‌توان مهندسی کرد. با پول پیشرفت نمی‌کند. با سفارش متحول نمی‌شود.
چرا در عصر ما شهید مطهری و علامه طباطبایی نیست؟ مگر آنها با پول و سفارش درس خواندند؟
به جای پول و سفارش و مهندسی، فضای آزاد را در اختیار اندیشمندان ما قرار دهید، فضای نقد را باز بگذارید. در آن فضا علامه طباطبایی به وجود می‌آید، مطهری‌ها به وجود می‌آیند.
فکر می‌کنید علم بدون تضارب آرا پیشرفت می‌کند؟ بدون نقد و بحث، بدون رویارویی دقیق اخلاقی و علمی می‌توان رشد کرد؟ کجاست شیخ انصاری؟ کجاست آخوندی خراسانی؟ پیدا کنید.
فضای مناسب، نقد، اختلاف فکری و نظری را به رسمیت شناختن، احترام گذاشتن به تنوع، احترام گذاشتن به اختلاف نظر موجب رشد می‌شود.
فشار برای وحدت ماشینی برای انسجام جامعه ما خطرناک است.

امروز بحث ما با دنیا در بسیاری از مسائل بحث احترام به علوم انسانی است.
در همین یکی دو هفته اخیر آمریکایی‌ها در دو بخش شکست بزرگی خوردند. یک بخش آنجا که خواستند برابر افکار عمومی جهان بایستند و تعهدات بین‌المللی را زیر پا بگذارند.
دنیا در برابر آمریکا ایستاد. آمریکایی‌ها می‌خواستند چند روز پیش تعهد خود را در برجام زیر پا بگذارند. صف مقابل او را دیدید.
تمام کشورهای جهان به استثنای یکی دو کشور و یک رژیم منفور، همه یکپارچه بودند. اگر ما به تعهد احترام نگذاریم، باید فاتحه تمدن در جامعه خوانده شود.
اگر ارزش‌ها در جامعه زیر پا رفت، اگر تعهد یک دولت در پیوستگی تعهد دولت قبلی زیر پا گذاشته شد دیگر هیچ تعهدی باقی نمی‌ماند.
اعتماد وقتی باقی می‌ماند که دولت‌ها به تعهد دولت قبل متعهد بمانند.
خوشحالم که حاکمیت کاخ سفید در به‌هم ریختن تعهدات بین‌المللی و زیر پا گذاشتن وفای به عهد و ایستادگی مقابل مصوبه شورای امنیت سازمان ملل و توافق هفت کشور، ناموفق بود. این پیروزی برای بشریت، اخلاق و حقوق است.
ما در برجام موفقیت‌هایی به دست آوردیم که هرگز از بین نخواهد رفت. در برجام به دنیا گفتیم که معضل پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی با میز مذاکره قابل حل و فصل است. حتی اگر کسی برجام را نقض کند، این پیروزی باقی است.
ما ثابت کردیم ایران راستگوست و دشمنان ما دروغ می‌گویند. ما ثابت کردیم به دنبال سلاح هسته‌ای نبودیم. این را آژانس به اجماع آرا حتی آمریکا، PMD را خاتمه‌یافته اعلام کرد. این یعنی ایران راست گفته و معاندان آن دروغ گفته‌اند. این پیروزی از بین نمی‌رود.
ما در برجام کاری کردیم که دنیا بپذیرد ایران حق دارد تحقیق و توسعه هسته‌ای خود را ادامه دهد. این پیروزی قابل خدشه نیست.

برخی هنوز ابعاد برجام را لمس نکرده‌اند. برجام آثاری دائمی الی یوم‌القیامت دارد. برخی آثار آن هم ممکن است بماند، یا خیر.

در طول این دو سال، درآمد نفتی و میعاناتمان دو برابر شده است. صدها مورد سرمایه‌گذاری خارجی آوردیم.
اینجا تبدیل به کارخانه و بنگاه اقتصادی و نیروگاه و بندر و لوکوموتیو و هواپیما شده است. اینها از بین نمی‌رود.
چه کسی توانست در یک مذاکرات سخت بین‌المللی برای ملت ایران موفقیت به دست آورد؟ علم حقوق، علم سیاست.
این علوم انسانی است که می‌تواند سرنوشت جامعه را تعیین کند. سرمایه علوم، علوم انسانی است. با استعدادها را تشویق کنیم.
علوم انسانی باید جامعه را هدایت کند. ما می‌خواهیم چند نفری در یک اتاق، علوم انسانی را هدایت کنیم. علوم انسانی در یک جامعه آزاد رشد می‌کند.
دیپلمات‌های ما، قراردادی را نوشتند و منعقد کردند - نمی‌خواهم بگویم نقص ندارد - ولی قراردادی است که ترامپ یک سال است خود را به در و دیوار می‌زند و بالا و پایین می‌رود که آن را به هم بزند. تاکنون نتوانسته است.
این به معنی استحکام قرار داد و پیروزی حقوق بر دیکتاتوری است.
آمریکا نتوانست با استبداد و دیکتاتوری، افکار عمومی جهان را زیر پا بگذارند. این موفقیت علوم انسانی ایران بود.

در خیابان عده‌ای اعتراض می‌کنند. خواهش می‌کنم به همه مردم ما احترام بگذارید.
اجازه دهید موضوع در یک دادگاه صالح ثابت شود. یا خس و خاشاک است، یا گاو، یا گوساله، یا آشغال است. چرا توهین می‌کنید و بی‌ادبانه با جامعه برخورد می‌کنید؟
در لندن و نیویورک هم اعتراض شود، چهار نفر می‌آیند شیشه می‌شکنند.
دقیق حرف بزنیم، مخصوصا در تریبون‌های مقدس. ملت ما ملت بزرگی است. اعتراض بود، تمام شد. برخی سوءاستفاده کردند، نیروهای امنیتی به خوبی اداره کردند. الان شمای جامعه‌شناس، روانشناس اجتماعی و ... باید تحلیل و واکاوی کنید علت اعتراضات را.

اگر خدای ناکرده روزی ارزش‌های دینی یا ملی ما نزد جوان‌های ما کمرنگ شود، ما مقصریم.
واقعیت‌ها را نادیده نگیرید. شما قطب‌نما را نگاه نکنی، در قطب‌نما تاثیری حاصل نمی‌شود و شمال و جنوب عوض نمی‌شود در دنیا. شما قطب‌نما را دستکاری کنید، باز هم شمال و جنوب دنیا عوض نمی‌شود.
علوم انسانی، قطب‌نمای مسائل اجتماعی ماست. اجازه دهیم درست کار کند. با شعار، شمال و جنوب عوض نمی‌شود.
ما خوشبختانه امروز در مقطعی قرار داریم که جامعه ما ارزش علوم انسانی را به خوبی می‌داند.
حتی در بسیاری از مسائل به ظاهر غیرمرتبط با علوم انسانی، فرهنگ به عنوان یک زیربنای مهم است. مثلا ارتباط پزشک با بیمار و اعتماد بیمار به پزشک است که بیش از جراحی، شفابخش است. نحوه حرف زدن پزشک با مریض می‌تواند منجی بیمار باشد.

فضای مجازی با فیلتر درست نمی‌شود.
یک روزی خواستیم کسی رادیو گوش نکند. رژیم گذشته در پارازیت موفق بود؟ گفتیم ماهواره ممنوع، واقعا ممنوع شد؟ مردم نگاه نمی‌کنند؟ گفتیم فضای مجازی بد، درست شد؟
مردم حق انتخاب دارند. خود را بالاتر از مردم نبینیم. مردم ما می‌فهمند. البته باید تعامل کنیم و حرف بزنیم.
باید بگوییم چگونه باید از این ابزار استفاده شود. از هر چیزی درست استفاده نشود خطرناک است.
علوم انسانی باید به میدان بیاید و بگوید چگونه جامعه به نقطه‌ای برسد که مورد نظر مردم ما، مطلوب شرع و عقل باشد. شرع و عقل از مردم و جامعه جدا نیست.
آمریکا هم در مساله داخلی ما شکست خورد، هم در برجام. ملت ما در هر دو جا پیروز شد. این را قدر بدانیم تا در کنار هم ایرانی آبادتر و سرافرازتر داشته باشیم.

شهردار سابق آنکارا: حامیان اعتراضات در ایران همان حامیان اعتراضات میدان تقسیم استانبول هستند

شهردار سابق پایتخت ترکیه: آن موقع می گفتند اول ترکیه و سپس به سراغ ایران می رویم؛ در برنامه خود موفق نشدند و حالا می گویند اول به حساب ایران میرسیم بعد نوبت ترکیه است. ان شاالله این بار نیز آرزویشان را به گور خواهند برد.

شهردار سابق آنکارا امروز در توییتی گفت حامیان اعتراضات اخیر در ایران همان هایی هستند که از اعتراضات 5 سال پیش در میدان تقسیم استانبول هم خوشحال بوده و از آن حمایت کرده بودند.

به گزارش عصر ایران به نقل از سی ان ان ترک، " ابراهیم ملیح گوکچک" شهردار سابق آنکارا که ماه گذشته پس از بیش از دو دهه از سمت خود استعفا کرد، امروز در توییتی نسبت به اعتراضات اخیر در ایران اظهار نظر کرد.

این سیاستمدار عضو حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه، در توییتی نوشت:

"وقایع این روزهای ایران مشابه اعتراضات چند سال پیش درمیدان تقسیم استانبول است. به حامیان اعتراضات ایران نگاه کنید، همان هایی هستند که از اعتراضات میدان تقسیم حمایت می کردند. آن موقع می گفتند اول ترکیه و سپس به سراغ ایران می رویم؛ در برنامه خود موفق نشدند و حالا می گویند اول به حساب ایران میرسیم بعد نوبت ترکیه است. ان شاالله این بار نیز آرزویشان را به گور خواهند برد."



گفتنی است با وجودی که این سیاستمدار اسلامگرای ترکیه به طور صریح به حامیان اعتراضات ایران و ترکیه اشاره نکرده اما گمان می رود منظور او برخی کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان و امارات به همراه اسراییل و البته دولت ایالات متحده آمریکا باشد.

امروز وزارت امور خارجه ترکیه نیز به اعتراضات اخیر در ایران واکنش نشان داده و با صدور بیانیه ای ضمن پرهیز دادن کشورها از دخالت در امور داخلی ایران، ابراز امیدواری کرده است که این اعتراضات با پرهیز از خشونت به شیوه ای مسالمت آمیز خاتمه یابد.

دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو رهبران آمریکا و اسراییل در روزهای گذشته بارها با اظهار نظر ضمن حمایت از معترضان در ایران، از وقایع ایران ابراز خوشحالی کرده اند.

اما عربستان سعودی و امارات متحده عربی با وجودی که گمان می رود از وقایع این روزهای ایران خرسند بوده باشند اما تا کنون از اظهار نظر و واکنش رسمی به وقایع ایران اجتناب کرده اند.

این در حالی است که برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران عربستان سعودی، اسراییل و آمریکا را به حمایت پشت پرده و حتی آشکار از معترضان در ایران متهم کرده اند.

ابراهیم ملیح گوکچک



پاسخ روسیه به درخواست آمریکا درباره ایران: واشنگتن بگوید چطور با اعتراض‌های شهر فرگوسن برخورد شد

سخنگوی وزارت امورخارجه روسیه در پاسخ به درخواست واشنگتن برای تشکیل جلسه فوری شورای امنیت سازمان ملل درباره ایران گفت: واشنگتن باید به خاطر بیاورد چگونه حقوق بشر در آمریکا رعایت می‌شود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



سخنگوی وزارت امورخارجه روسیه در پاسخ به درخواست واشنگتن برای تشکیل جلسه فوری شورای امنیت سازمان ملل درباره ایران گفت: واشنگتن باید به خاطر بیاورد چگونه حقوق بشر در آمریکا رعایت می‌شود.

به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، ماریا زاخاروا سخنگوی وزارت امورخارجه روسیه به اظهارات نیکی هیلی نماینده آمریکا در سازمان ملل که روز سه‌شنبه خواستار تشکیل نشست فوق‌العاده شورای امنیت سازمان ملل در نیویورک و شورای حقوق بشر این سازمان در ژنو شد، واکنش نشان داد.

وی اظهار داشت: نیکی هیلی گفت که آمریکا به دنبال تشکیل جلسه فوری شورای امنیت و شورای حقوق بشر سازمان ملل است. تردیدی وجود ندارد آمریکا نیز چیزهای زیادی برای گفتن به جهان دارد.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی روسیه افزود: به‌عنوان مثال، هیلی می‌تواند تجربه کشورش درباره پراکنده کردن معترضان را به اشتراک بگذارد و بگوید که چطور دستگیری‌ها و سرکوب‌های گسترده‌ای در جریان اعتراضات جنبش وال استریت انجام داده است و اینکه چطور با اعتراض‌های (شهر) فرگوسن برخورد شد.

هیلی روز سه‌شنبه ضمن درخواست برای تشکیل جلسه شورای امنیت درباره ایران گفت: ما نباید ساکت بمانیم. مردم ایران در تلاش برای رسیدن به آزادی خود هستند.

وی همچنین مدعی شد که اعتراضات انجام شده در ایران از سوی عوامل خارجی ترتیب داده نشده است.

نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، در بیانیه‌ای به این اظهارات نیکی هیلی در سازمان ملل واکنش نشان داد و اقدام وی را "اشک تمساحی تهوع آور" دانست.

در این بیانیه آمده است: جمهوری اسلامی ایران سخنان مداخله جویانه نماینده آمریکا و سایر مقامات آمریکایی را در حمایت از خشونت و اغتشاش به شدت محکوم می‌کند. این سخنان برای سرپوش گذاشتن بر سیاست‌های شکست خورده آمریکا و متحدانش در منطقه بیان شده است و می‌خواهند از این طریق از مردم شجاع و شریف ایران انتقام بگیرد.

در ادامه این بیانیه تاکید شده است: مداخلات آمریکا در ایران از کودتای 28 مرداد تاکنون کارنامه‌ای خونین و ننگین بوده است. تهدیدات و یاوه‌گویی‌های نماینده آمریکا در سازمان ملل حمایت از خشونت‌طلبی و آتش‌افروزی

در ایران محسوب می‌شود. امنیت و ثبات ایران در چهاردهه گذشته متکی به مردم بوده است و مردم ایران با وجود جوسازی‌های اخیر از حقوق و دستاوردهای انقلاب اسلامی حفاظت خواهند کرد و اجازه نخواهند داد خشونت و ویرانگری، این حقوق ذاتی و دستاوردهای تاریخی را تخریب کنند؛ چراکه حافظه تاریخی ملت ایران هنوز خاطره جنایات و ذلت تحمیلی رژیم دیکتاتوری تحت حمایت آمریکا را فراموش نکرده است.

ایرانیان نارضایتی خود نسبت به وضعیت اقتصاد و سیاست را نشان دادند

چین درباره اعتراضات اخیر در ایران چه نظری دارد؟/ارگان حزب کمونیست: این اعتراضات به «انقلابی رنگی» منجر نخواهند شد

روزنامه «خلق» می‌نویسد: «در سال ۲۰۰۹ میلادی سه میلیون نفر در اعتراض به خیابان‌های تهران آمدند. آنان نتوانستند زمین‌لرزه‌ای سیاسی ایجاد کنند. اکنون شاید کمتر از سه هزار نفر به خیابان آمده‌اند. آنان چه کاری می‌توانند انجام دهند؟»

آفتاب‌نیوز : سرویس بین‌الملل- علیرغم آن که «دونالد ترامپ» رییس‌جمهوری آمریکا از ناآرامی‌های اخیر در ایران حمایت کرده است، دولت چین در این باره هیجان زده نیست. روزنامه «خلق» ارگان حزب کمونیست چین (تنها حزب قانونی و حاکم بر آن کشور) در سرمقاله روز سه‌شنبه خود به اعتراضات اخیر در ایران پرداخته و اطمینان داده که خطر انقلاب رنگی ایران را تهدید نمی‌کند.



به گزارش **آفتاب‌نیوز**، در این سرمقاله نوشته شده که در تظاهرات اخیر تعداد کمتری در مقایسه با تظاهرات سال ۲۰۰۹ میلادی در اعتراض به نتیجه انتخابات آن زمان حضور دارند. این روزنامه می‌نویسد مهمتر از ماهیت متفاوت سیاسی این تظاهرات با تظاهرات ۲۰۰۹، این واقعیت وجود دارد که نظام ایران ظرفیت قابل توجهی برای کنترل اوضاع دارد. این روزنامه می‌نویسد: «در سال ۲۰۰۹ میلادی سه میلیون نفر در اعتراض به خیابان‌های تهران آمدند. آنان نتوانستند زمین‌لرزه‌ای سیاسی ایجاد کنند. اکنون شاید کمتر از سه هزار نفر به خیابان آمده‌اند. آنان چه کاری می‌توانند انجام دهند؟»

این روزنامه در ادامه می‌نویسد: «به نظر بسیاری از ایرانیان این حرکت نه تنها انقلابی نیست که جنبشی سیاسی نیز نمی‌باشد. ناظران مسائل می‌گویند که مردم ایران تنها احساس نارضایتی خود را نسبت به وضعیت فعلی اقتصاد و سیاست در آن کشور نمایش دادند».

این روزنامه البته نسبت به ادامه وضعیت اقتصادی کنونی در ایران هشدار داده و می‌نویسد: «علیرغم آن که تظاهرات رو به پایان است، اقتصاد ایران وضعیت وحشتناکی دارد. اکنون مردم ایران خواستار سطح بالاتری از کیفیت زندگی هستند و قدرت را به محک آزمون گذاشته‌اند».

این روزنامه می نویسد این اعتراض‌ها در ایران فرصتی برای غرب است که یاد بگیرد نمی‌شود الگوهای مشابه را در همه جا عملیاتی کرد و می‌نویسد: «کشورهای غربی اغلب به طور مشترک از ناآرامی در برخی از کشورهای غیرغربی حمایت می‌کنند. اما وضعیت هر کشوری با کشور دیگر فرق دارد؛ از نظر تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و توسعه اجتماعی همه کشورها مشابه یکدیگر نیستند و منافع عموم

مردم در تمام کشورهای در حال توسعه نیز شبیه یکدیگر نیستند».

ضرورت موضع عزتمندانه دربرابر مداخله خارجی؛

پشت پرده تعویق سفر وزیر خارجه فرانسه به تهران/ پاریس هزینه دخالت در امور داخلی ایران را می‌دهد؟



وزارت خارجه ایران باید عزتمندانه اعلام کند چه تهران آرام باشد یا نباشد، تا زمانی که الیزه موضع خود را در قبال تهران اصلاح نکند اجازه ورود وزیر یا رییس جمهور فرانسه را نخواهد داد.

سرویس جهان مشرق- دکتر **حسن روحانی** شامگاه سه‌شنبه در گفتگوی تلفنی **امانوئل مکرون**رییس‌جمهور فرانسه با وی، ضمن تبریک سال نو میلادی به دولت و ملت فرانسه، اظهار امیدواری کرد تا در سال جدید شاهد تعمیق و تحکیم روابط و همکاری‌های دوستانه و همه‌جانبه ایران و فرانسه باشیم. اما پس از این گفتگو، سفر وزیر خارجه فرانسه، **ژان-ایو لودریان** به تهران به تعویق افتاد!

داستان از این قرار است که امانوئل مکرون در روزهای گذشته نسبت به برخورد نیروهای انتظامی با آنچه او «معترضان» خوانده است، ابراز نگرانی کرده بود؛ در حالی که خود در فرانسه مشغول سرکوب و دستگیری آشوبگران در شهرهای مختلف است. بیش از 510 نفر در شب سال جدید میلادی دستگیر شده اند و 1031 دستگاه خودرو در آتش سوخته است، 56 هزار مامور پلیس، 39 هزار آتش‌نشان و 7 هزار سرباز ارتش برای برقراری امنیت و آرامش در نقاط مختلف فرانسه مستقر شدند.


مشرق
mashreghnews.ir


SUBWAY
SUBWAY
Salades
مشرق
mashreghnews.ir



آنچه از گفتگوی تلفنی رئیس‌جمهور با مکرون منتشر شده است، البته شامل بر نکات مثبتی است. رییس جمهور مواضع اخیر ترامپ نسبت به بیت المقدس را در شرایط منطقه مخرب دانست و بر ضرورت اعلام موضع صریح اروپا در راستای توسعه و تقویت ثبات و آرامش در منطقه و عدم همراهی با آمریکا در این زمینه تاکید کرد. روحانی با اشاره به اینکه برنامه های موشکی و دفاعی ایران هرگز ناقض قطعنامه‌های بین‌المللی نیست، تاکید کرد: سلاح ما برای دفاع از کشورمان است و هرگز نسبت به دستیابی به آنچه باید برای دفاع از کشورمان داشته باشیم، تردید نخواهیم کرد.

دکتر روحانی با بیان اینکه امروز در ایران دموکراسی دقیقی حاکم است و نمونه بارز آن در انتخابات ریاست‌جمهوری با حضور پرشور ملت پای صندوق ها، در پیشگاه جهانیان به نمایش درآمد، افزود: **ترویج خشونت به هیچ عنوان ارتباطی با آزادی‌های مشروع، نقد و بیان مطالبات ندارد و هیچ کشوری در خصوص امنیت مردم خود مسامحه نمی‌کند.** روحانی با انتقاد از اینکه یک گروهک تروریستی در پاریس پایگاه داشته و علیه ملت ایران فعالیت کرده و مردم را تحریک و ترغیب به خشونت در ایران می کند، گفت: از دولت فرانسه انتظار داریم تا در راستای مبارزه با تروریسم و خشونت به وظیفه قانونی خود در قبال این گروهک تروریستی عمل کند.

اما علی رغم این موارد که نشان از اعتراض دولت ایران نسبت به رویکرد اخیر الیزه و استانداردهای دوگانه آن در برخورد با دو آشوب همزمان در فرانسه و ایران دارد، در بیانیه الیزه در مورد تعویق سفر **لودریان** صرفاً به «توافق دوجانبه» رؤسای جمهور طی تماس تلفنی اشاره شده و اینکه «طی هفته‌های بعد، از کانال دیپلماتیک به تعیین تاریخ جدید اقدام خواهد شد». در این بیانیه همچنین آمده که مکرون نسبت به قربانیان حوادث اخیر ابراز نگرانی کرده و از روحانی درخواست کرده «خویشتنداری و مدارا» نشان دهد.

با توجه به حال و هوای بیانیه الیزه، تعدادی از خبرگزاری‌های مطرح جهان از جمله **شین‌هوا** و**بی‌بی‌سی دلیل تعویق سفر وزیر خارجه فرانسه** پس از این گفتگوی تلفنی را چیز دیگری اعلام کردند: **تهران امنیت ندارد!** حتی در دو مورد، یعنی فرانس24 و رویترز در تیتری به این مسأله اشاره شد:



خبر فوری فرانس 24 (سفر وزیر خارجه، ژان-ایو لودریان به تهران در میانه تظاهرات به تعویق افتاد) رسماً تعویق سفر را به دلیل ناآرامی در تهران اعلام کرده است.



تیتر رویترز: فرانسه نگران از بازداشت‌ها در ایران، سفر وزیر را لغو کرد!

مقامات فرانسوی و رسانه‌هایشان حالا و پس از چند روز اغتشاش، به آتش کشیده شدن اموال مردم، قربانی شدن افراد بی‌گناه و خسارات عظیم دیگر به کشور، به گونه‌ای وانمود کرده‌اند که ایران با «معترضان مدنی»، برخورد غیرقانونی کرده و مردم عادی را سرکوب کرده اما در فرانسه پلیس با «آشوبگران» برخورد می‌کند، بنابر این در شأن وزیر خارجه دولت فخیمه‌ای مانند فرانسه نیست که مهمان چنین دولت متجاوز و کشور ناامنی شود! به نظر می‌رسد تهران بعد از تماس تلفنی با پاریس، از الیزه اصطلاحا رودست خورده است.

به نظر می‌رسد وقت آن رسیده وزارت خارجه ایران از موضع عزتمندانه و با رعایت هوشمندی در حفظ مصالح کشور نسبت به

این فضای سیاسی و رسانه‌ای در جهان واکنش نشان دهد و با محکوم‌کردن استانداردهای دوگانه الیزه در برخورد با حوادث داخلی و آنچه در ایران اتفاق می‌افتد، سفر لودریان به تهران را منوط به عذرخواهی، تغییر مواضع پاریس و برخورد جدی با گروهک تروریستی منافقین کند. آیا اگر در پاریس نیز به مقر پلیس حمله شود و ساختمان‌های عمومی-دولتی به آتش کشیده شوند، الیزه صرفاً نگران آزادی بیانِ حمله‌کنندگان خواهد بود؟!

منابع

https://www.reuters.com/article/us-iran-rallies-france/macron-asks-rouhani-to-show-restraint-ministers-visit-postponed-idUSKBN1ER1QB

http://www.france24.com/en/breaking/20180102-french-foreign-minister-jean-yves-le-drian-delays-tehran-visit-amid-protests

http://www.fardanews.com/fa/news/767167

https://uk.reuters.com/article/uk-iran-rallies-france/france-concerned-by-iran-arrests-does-not-confirm-minister-visit-idUKKBN1ER14E

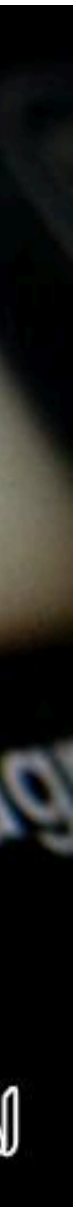
http://www.xinhuanet.com/english/2018-01/03/c_136867818.htm

http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-42548108

قانون جدید در آلمان: جریمه 60 میلیون دلاری اینستاگرام و فیس بوک در صورت عدم حذف «اخبار جعلی» و پست های «نژادپرستانه» و «ضداسلام» / براساس قانون NetzDG، شبکه های اجتماعی باید ظرف 24 ساعت این پست ها را پاک کنند

آلمان از روز اول ژانویه قانونی برای برخورد سختگیرانه در مورد محتوای نفرت پراکنانه و اخبار جعلی در شبکه های اجتماعی تصویب کرده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



نیوزویک نوشت: آلمان از روز اول ژانویه قانونی برای برخورد سختگیرانه در مورد محتوای نفرت پراکنانه و اخبار جعلی در شبکه های اجتماعی تصویب کرده است.

به گزارش «انتخاب»، سایت هایی نظیر فیس بوک، اینستاگرام و توییتر و حتی پیام رسان اسنپ چت، در صورت عدم حذف این پست ها، با بیش از 60 میلیون دلار جریمه مواجه می شوند.

این قانون که در آلمان به عنوان NetzDG شناخته می شود از شبکه های اجتماعی می خواهد که ساختاری برای شکایت تعریف کنند که محتواها و پست های مشکوک به سرعت به کارکنان منتقل شود.

این قانون پس از آن تصویب شد که پست هایی با محتوای جعلی، نژادپرستانه و ضداسلام در شبکه های اجتماعی در سال های 2016 و 2017 به صورت گسترده در آلمان منتشر شد.

براساس این گزارش، شبکه های اجتماعی پس از دریافت شکایات، باید در عرض 24 ساعت و در موارد پیچیده

تر در ظریف یک هفته پست ها را حذف کنند.
فیس بوک پس از این مصوبه آلمان، صدها نفر را در این کشور به کار گرفته تا گزارش ها و پست ها را مانیتور کند.

محمد هاشمی: چه مصلحتی است که کاری با احمدی‌نژاد ندارند؟ (تحت حمایت جه کسي که کاري با او ندارند)

محمد هاشمی در پاسخ به اینکه سیاسیون بعد از فوت آیت الله هاشمی درباره اینکه چه کسی می تواند جای خالی ایشان را پر کند نام شخصیت هایی را مطرح می کردند، به نظر شما در یک سال گذشته آیا کسی توانست جای آیت الله هاشمی رفسنجانی را پر کند، به خبرآنلاین گفت: ویژگی هایی که آقای هاشمی داشت، هیچ کس چنین ویژگی هایی ندارد. به هر حال ایشان از جهات مختلف می توانست کمک کند و این نوع مسائل صوری و دستوری نیست که بگویند فلانی جای فلانی برود. اینها اکتسابی است و یک عمر آقای هاشمی این ویژگی ها را کسب کرده بود بنابراین مشابهی ندارد. در یک سال گذشته هم شاهد بودیم کسی پیدا نشد. وی در پاسخ به این که آقای هاشمی پیش بینی درباره آقای احمدی نژاد داشت و وقتی آن را در قالب نامه منتشر کرد، خیلی از سیاسیون آن زمان سکوت کردند یا حتی به نقد نامه آیت الله هاشمی پرداختند اما امروز خود آنها وقتی رفتارهای آقای احمدی نژاد را می بینند به نوعی مواضع آیت الله هاشمی را تکرار می کنند به نظر شما الان باید در مقابل رفتار آقای احمدی نژاد چه کرد؟ اظهار داشت: من به پشت پرده حوادث آشنایی ندارم اما این را می دانم این حرف هایی که آقای احمدی نژاد و اطرافیانش این روزها زدند اگر کس دیگری می زد چه برخوردی با او می کردند. واقعا برخوردهای بسیار سخت و زندان طویل مدت و شاید اعدام. حالا به چه دلیل مصلحت است به آقای احمدی نژاد کاری نداشته باشند، دیگر باید از بزرگان سئوال کرد./خبرآنلاین

ماکرون گفته باید مسیر گفت‌وگوها با ایران حفظ شود

هشدار رییس جمهور فرانسه نسبت به پیامدهای اظهارات خصمانهٔ آمریکا، اسرائیل و عربستان علیه ایران؛ می‌تواند باعث جنگ شود

رییس جمهور فرانسه با تاکیید بر لزوم حفظ راه‌های گفت‌وگو با ایران نسبت به پیامدهای اظهارات خصمانهٔ آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان علیه ایران هشدار داد.

آفتاب‌نیوز :

رییس جمهور فرانسه روز چهارشنبه گفت: باید تعادل در ارتباط با ایران حفظ شود.

به گزارش **آفتاب‌نیوز** به نقل از رویترز امانوئل ماکرون، وی هشدار داد که اظهارات خصمانهٔ آمریکا، اسراییل و عربستان در مورد اعتراضات اخیر در ایران می‌تواند باعث وقوع جنگ با ایران شود.



ماکرون باز هم با تکرار مواضع ضد ایرانی خود تاکید کرد که حفظ فشار بر ایران باید ادامه یابد اما نباید راه‌های گفت‌وگو با ایران مسدود شود.

وی ادامه داد: باید یک استراتژی منطقه‌ای در برابر ایران برای محدود کردن این کشور انجام شود اما در صورت نبود امکان گفت‌وگو منطقه می‌تواند وارد بحران جدیدی شود.

طی روزهای اخیر دونالد ترامپ و برخی مقامات این کشور در مواضعی مداخله جویانه از اعتراضات در ایران حمایت کردند که این موضوع با واکنش منفی کاربران شبکه‌های اجتماعی رو به رو شده است.

منبع: ایسنا

معافیت مالیاتی درآمدهای تا دو میلیون تومان

سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه کل کشور سال ۹۷ در نشست خبری خود و در تشریح مصوبات کمیسیون تلفیق بودجه اظهار کرد: در تبصره ۶ لایحه بودجه در مورد سقف معافیت مالیاتی حقوق و دستمزد بحث‌هایی صورت گرفت و مقرر شد این معافیت‌ها حداقل در حد سال گذشته باشد؛ بنابراین، سقف معافیت مالیاتی برای کارمندان دولت در حد ۲۴ میلیون تومان در سال یعنی ماهانه دو میلیون تومان و برای مشاغل بخش خصوصی ۱۸ میلیون تومان در سال یعنی ماهانه یک و نیم میلیون تومان تعیین شد. علی‌اصغر یوسف‌نژاد با بیان اینکه دو میلیون و ۷۰۰ هزار کارمند دولت و چهار میلیون تن تعداد اصناف هستند، یادآور شد: ممکن است تغییرات جزئی به نفع کارمندان داشته باشیم.

وی اضافه کرد: تلاش کمیسیون تلفیق این است که در مورد عوارض و پرداختی مردم در آب، برق و گاز و خدمات عمومی افزایش قابل توجهی نداشته باشیم و پرداخت‌ها در حد سقف پرداختی در سال ۹۶ باشد. اگر هم موارد خاصی باشد با تشکیل کارگروهی متشکل از دولت و مجلس به نقطه نظر مشترک خواهیم رسید. از جمله در مورد سقف معافیت مالیاتی کارکنان دولت که ممکن است تغییراتی به نفع مردم داشته باشد. /ایسنا

علی اکبر ولایتی؛ مردی برای تمام پست‌ها/ ۷۲ سال سن و ۳۷ مسئولیت همزمان!

یک استاد دانشگاه: 37 مسئولیت ولایتی یعنی 37 نخبه کنار گذاشته شده اند/ حداد عادل 25 مسئولیت دارد/ کلی متفکر اسلام‌شناس در قم داریم که اجازه ندارند وارد حکومت شوند

ابراهیم فیاض می‌گوید: نارضایتی‌های عمومی در دوران احمدی‌نژاد شروع شد. اکنون دارد اوج می‌گیرد و به نظر من تازه اولش است.



نامه‌نیوز نوشت: ابراهیم فیاض گفت: برای آرام کردن شرایط و حل مشکلات باید به این امر توجه کرد. این که وعده های اقتصادی و سیاسی بدهند نوعی حقه‌بازی است. متاسفانه در سال 88 مسائل سیاسی دیده شد و مسائل اقتصادی و اجتماعی نادیده گرفته شد. تجمعات اخیر به نظر من مکمل 88 است و به مسائل اجتماعی می پردازد. اکنون نیز برخی‌ها می‌خواهند مساله را از لحاظ سیاسی حل کنند و کاملا در اشتباه هستند. مسائل اجتماعی خیلی حاد است.

جامعه ایران دچار تصلب ساختاری شده، چرخش نخبگان یا چرخش مالی وجود ندارد، حتی در روستاها نیز رباخواری ایجاد شده است. کارکرد رباخواری این است که پول مردم را از دست مردم خارج کرده و در دست یک عده دیگری جمع می کند. چرخش مالی از بین می‌رود و اگر چرخش مالی از بین برود، اقتصاد از بین می‌رود. در روستاها و هیچ کجا کار نیست. باید جامعه را اقتصادی کنیم. از این رباخواری و فرهنگ تجاری و تجارت مالی باید جلوگیری کنیم. متاسفانه دولت هم به‌جای این‌که به این منابع مالی دقت کند، رفته دنبال منابع مالی خارجی.

به نظر من ورود منابع خارجی به کشور نیز به نوبه خود باعث افزایش فاصله طبقاتی می شود.

وی افزود:پول ها و قدرت در دست یک عده‌ای خاص جمع شده و چرخش مالی و نخبگان نداریم؛ مصداق اش این است که نخبگان فرهنگی در صدا و سیما ثابت هستند. شما توجه کنید که در شبکه های مختلف و برنامه های صدا و سیما از چند روحانی بیشتر استفاده نمی شود. بیشتر از همه آقای پناهیان را می بینید که همه جا هست. در سمینارهای علمی، فکری، بین‌الملل، داخلی و خارجی. حتی به نظر می رسد که قم را هم از نظام فرهنگی کشور کنار گذاشته شده اند. خود آقایان قم هم نمی‌توانند، در صدا و سیما اظهارنظر کنند.

این استاد دانشگاه یادآور شد: می‌گویند دکتر ولایتی 37 تا مسئولیت دارد. 37 تا مسئولیت ولایتی یعنی 37 نخبه کنار گذاشته شده اند. آقای حداد عادل 25 تا مسئولیت. این وضعیت یعنی به هیچ وجه چرخش نخبگان نداریم. من خبر موثق دارم که همین آقایانی که گفتم، حتی فرصت نمی کنند امضاء کنند تا حقوق افراد در موسسات زیر مجموعه آن ها پرداخت شود.

وی گفت: به چرخش نسلی نیاز داریم. به جوانان تحصیلکرده، مصمم و ارزشی که به فکر ارتقای جامعه باشند. خوشبختانه ظرفیت بسیاری نیز از این نظر وجود دارد. جامعه پر است از جوانانی که می خواهند به جامعه و کشورشان خدمت کنند. متاسفانه این بازار سنتی و این فرهنگ تجاری به شدت مسلط شده است و اجازه نمی دهد که این جوانان بالا بیایند و در اداره کشور مشارکت داشته باشند. به عنوان مثال کلی متفکر اسلام‌شناس در قم داریم که اجازه ندارند وارد حکومت شوند. در عوض یک پناهیان و باندی که پشت سرش است، کل صدا و سیما را در دست گرفته اند. متاسفانه نه حوزه و نه دانشگاه الان در حکومت دخالت ندارند و یک اقلیت خاصل مسلط هستند. هیچ مشکلی حل نمی شود مگر اینکه این شرایط را تغییر دهیم.



به گزارش گروه رسانه های خبرگزاری تسنیم، طی چند روز گذشته مطلبی درباره علی‌اکبر ولایتی، رئیس هیات‌موسس و هیات‌امنای دانشگاه آزاد اسلامی در برخی کانال‌های رسانه‌های خبررسان منتشر شده است؛ این مطلب می‌گوید ولایتی در 72 سالگی 37 مسئولیت را به‌طور همزمان برعهده دارد. پیام این اینفوگراف درباره ولایتی روشن است: «عهده‌داری این همه مسئولیت به‌طور همزمان به این معناست که یا همه‌کارها یا اکثریت آنها روی زمین می‌ماند.»

در این اینفوگراف جزئیات سمت‌هایی که ولایتی عهده‌دار است، درج شده اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین استدلال علیه پیام ظاهری این مطلب در همین جزئیاتی است که در اینفوگراف قید شده است. آنچنان که در این طرح گرافیکی آمده، بیش از 90 درصد عناوینی که برای علی‌اکبر ولایتی درج شده، جنبه مشورتی و شورایی دارد و عملا کار اجرایی محسوب نمی‌شود. فلسفه حضور افراد در این جایگاه‌ها آن است که افراد متخصص و متبحر در حوزه‌های خاص یا افرادی که به‌جهت موقعیت آکادمیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مبرز و آشنا به حوزه‌ها محسوب می‌شوند، برای مدیران اجرایی در برخی موارد کلان «مورد مشورت» قرار می‌گیرند یا سیاست‌های کلان آن مجموعه‌ها مورد بررسی و تصویب قرار می‌گیرد، نه آنکه عهده‌دار امور اجرایی در یک مرکز یا نهاد باشند.

آنچنان که در بخشی از این طرح گرافیکی نیز آمده، تمام موارد درج‌شده به‌عنوان سمت‌های ولایتی در سه دسته آموزشی، سیاسی (سیاست داخلی و خارجی) و فرهنگی قابل دسته‌بندی است. ولایتی به دلیل تخصص آکادمیکش در رشته پزشکی و تاسیس بیمارستان مسیح دانشوری به‌عنوان یکی از بیمارستان‌های پیشرفته در ایران و همچنین سابقه سیاسی‌اش به جهت تصدی وزارت امور خارجه در دو دولت آیت‌ا... خامنه‌ای و آیت‌ا... هاشمی‌رفسنجانی و نیز تحقیقات و مطالعات فرهنگی‌اش، در هر سه دسته مذکور صاحب تخصص و محل مشورت است و به همین دلیل به نظر می‌رسد چندان عجیب نباشد که برای حضور در شوراهای عالی و هیات‌امناهای مربوط به این مباحث از او دعوت شود.

شورای عالی مرکز تحقیقات سل، هیات‌امنای دانشگاه علوم پزشکی، کنگره دوسالانه بین‌المللی بیماری‌های ریوی مراقبت‌های ویژه و سل، شورای راهبردی روابط خارجی، شورای امپی‌اچ دانشگاه شهیدبهشتی، گروه اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه بهشتی، شورای عالی پیوند اعضای دانشگاه شهیدبهشتی، شورای عالی شعبه بین‌الملل دانشگاه شهیدبهشتی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... جزء مواردی است که برای علی‌اکبر ولایتی درج شده است؛ نگاهی به کارکرد همه اینها نشان می‌دهد که اینها کار اجرایی به حساب نمی‌آیند بلکه جنبه مشورتی دارند و فرد به جهت موقعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی خود محل مشورت قرار می‌گیرد. درواقع از بین تمام مشاغلی که برای ولایتی درج شده تنها ریاست بر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام که در دوره جدید کارهای آن هدفمندتر است و از اقدامات حاشیه‌ای و ریخت و پاش‌های بی‌مورد در آن به‌شدت کاسته شده و همچنین ریاست بر بیمارستان مسیح دانشوری شغل اجرایی محسوب می‌شوند.

مثلا اگر بر همین مبنا به سمت‌های مسئولان در کشور نگاه شود، در کشورمان نزدیک به 48 شورای عالی وجود دارد که رئیس‌جمهور صرف‌نظر از عهده‌دار بودن سمت ریاست‌جمهوری، ریاست این شوراهای عالی را نیز برعهده دارد. لذا اگر براساس استدلال مطلبی که درباره علی‌اکبر ولایتی منتشرشده قضاوت شود، صرف‌نظر از موقعیت دانشگاهی و حوزوی رئیس‌جمهور و همچنین جدا از عضویت او در مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیات نظارت بر برجام، شورای روابط خارجی و نمونه‌های نه‌چندان اندک از این دست، آقای روحانی حداقل 50 سمت را به‌طور همزمان عهده‌دار است!

یا مثلا فردی مانند محمدرضا عارف در یک حساب سرانگشتی و گذرا علاوه‌بر عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت همزمان ریاست فراکسیون امید مجلس، عضویت در کمیسیون آموزش، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضویت در شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، استادی در دانشگاه صنعتی شریف و به تبع آن عضویت در یک گروه درسی در دانشگاه شریف، عهده‌دار بودن برخی پروژه‌های تحقیقاتی در این دانشگاه، عضویت در

فرهنگستان علوم و چندین مورد دیگر از این دست را برعهده دارد.
بنابراین اگر مساله رسانه منتشرکننده موارد مذکور علیه علی‌اکبر ولایتی، دارا بودن عنوان‌های متعدد است حداقل باید عنوان‌های فردی مانند شخص رئیس‌جمهور یا هم‌جناحی‌های رسانه منتشرکننده این طراحی، در راس بررسی‌ها قرار می‌گرفتند.
بالاتر اینکه فردی در دولت مورد حمایت رسانه مذکور تصدی عالی‌ترین مقام یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های اقتصادی کشور را برعهده داشت که بنابر گزارش برخی رسانه‌ها در 52 شرکت اقتصادی خصوصی نیز جایگاه مدیریتی داشت! مدیریت یک شرکت اقتصادی خصوصی با عضویت در یک هیات مشورتی یا شورایی که کارکرد سیاستگذاری کلان دارد و جلسات آن گهگاه و با فاصله‌های زمانی مشخص تشکیل می‌شود ماهیتی کاملا متفاوت دارد؛ چراکه اولی کاملا اجرایی، زمانبر و نیازمند وقت‌گذاری اختصاصی و معین است. با این حال رسانه‌ای که اخیرا به ولایتی تاخته، درباره آن فرد مذکور و عهده‌داری این میزان از شرکت‌های خصوصی آن‌هم همزمان با تصدی سمت وزارت- که صرف‌نظر از هرگونه تحلیل جانبی، از نظر حقوقی نیز کاملا خلاف قانون محسوب می‌شود- هیچ مطلبی منتشر نکرده است.
انتشار چنان مطلبی علیه علی‌اکبر ولایتی چه از آن نظر که اکثریت عنوان‌های مطرح‌شده جنبه مشاورت و سیاستگذاری کلان داشته و نیاز به وقت‌گذاری حضوری و اجرایی را به حداقل ممکن می‌رساند و چه از منظر کارنامه رسانه‌های مخالف ولایتی که یک نمونه آن در نحوه برخورد با وزیر عضو هیات‌مدیره 52 شرکت اقتصادی خصوصی مشخص است، دست‌کم نشان می‌دهد که این رسانه‌ها انگیزه‌ای غیر از بیان صداقت درباره افراد دارند؛ اما بلافاصله این سوال مطرح می‌شود که پس چه مقصودی می‌تواند انگیزه اصلی انتشار چنین محتوایی باشد؟
به نظر می‌رسد یک فاکتور مهم در بررسی و تحلیل این ماجرا را باید در ماجراهای دانشگاه آزاد اسلامی در دوره اخیر ریشه‌یابی کرد. اگر عهده‌داری این عنوان‌ها برای علی اکبر ولایتی مساله منفی محسوب می‌شود، او با حذف دو عنوان (ریاست هیات‌موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی)پیش از دوره اخیر در دانشگاه آزاد اسلامی نیز ضرورتا باید با 35 عنوان همچنان مورد حمله این رسانه‌ها قرار می‌گرفت اما در آن دوران خبری از این انتقادات و مخالفت‌ها وجود ندارد، بلکه اقدامات او در دانشگاه آزاد اسلامی موجب آغاز تحرکاتی میدانی و رسانه‌ای علیه او شده است.
محمدمهدی زاهدی استاد ریاضیات و رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی معتقد است روندی که دکتر علی اکبر در دانشگاه آزاد اسلامی برای اصلاح امور آغاز کرده باعث دلخوری‌هایی بین برخی متنفعان شده و به همین دلیل مباحثی علیه ایشان مطرح می‌شود.
زاهدی می‌گوید: «دکتر ولایتی نگرانی‌هایی را در مسائل فرهنگی دارد و تلاش می‌کند دانشگاه آزاد اسلامی به سمت دانشگاهی تمدن ساز حرکت کرده و الگوی خوبی برای سایر دانشگاه‌ها باشد.»
جبار کوچکی‌نژاد نماینده مردم رشت و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است که یک جریان و باند خاص برای سال‌ها از دانشگاه آزاد اسلامی بهره می‌گرفته و از آن در حوزه‌های مختلف استفاده می‌کرده است. اما با حضور دکتر ولایتی اصلاحاتی در این دانشگاه انجام شده و دست این گروه‌ها از برخی منافع‌شان قطع شده است به همین دلیل تلاش می‌کنند با فضاسازی علیه دکتر ولایتی او را از طی این مسیر منصرف و به مسائل حاشیه‌ای مشغول سازند. در حالی که اتفاقا همین هجمه‌ها دلیل محکمی است بر اینکه این راه مناسب بوده و باید ادامه داشته باشد.
وی تاکید می‌کند در همین شهر رشت که من نمایندگی مردم شریف آن را در مجلس شورای اسلامی برعهده دارم شاهد بودیم که بعضی‌ها با امکانات و پول دانشگاه آزاد اسلامی و بیت‌المال خوشگذرانی می‌کردند.
هجمه مسیر جدید و علمی دانشگاه آزاد را متوقف نمی‌کند

دکتر محمدمهدی تهرانچی، عضو هیات امنا و رئیس واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی مقام معظم رهبری می‌فرمایند پیشرفت علمی دشمن دارد؛ پس نکته بسیار مهم آن است که همه حرکت‌هایی که منجر به پیشرفت علمی می‌شود و آموزش عالی کشور را روی ریل ارتقا، مستقر و جهش علمی موجب می‌شود از سوی بیگانگان و بدخواهان «خط قرمز» محسوب می‌شود و دشمنی آنها را در تمام جهات برمی‌انگیزد.
امروز سالروز شهادت دکتر شهریاری است؛ در دنیای علم بسیار بسیار نادر است که دانشمندان یک کشور را این چنین به صراحت از سوی غرب ترور کنند و بعد از آن حتی دانشگاه یک کشور را تحریم کنند. این نشان می‌دهد که نظام سلطه در رابطه با پیشرفت علم دشمنی‌هایش را بروز می دهد.
امروز هم در دانشگاه آزاد اسلامی با یک تحول مفهومی مواجه هستیم. دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان یکی از کنشگران فعال نظام در حوزه آموزش عالی و در راستای کیفیت بخشی و کارآمدسازی آموزش عالی در حال حرکت به جلو است.
دکتر ولایتی شخصیت علمی وارسته‌ای است که فرمایشات رهبر معظم انقلاب را در حوزه پیشرفت علم و نظام آموزش عالی دنبال می‌کند. لذا این اتفاق دشمنان را ناخشنود کرده است. دشمنان به نوعی بحث‌هایشان را در داخل هدایت می‌کنند و توسط جناح‌هایی که وابستگی فکری به آنها دارند و یا افرادی که به آنها متصل هستند، اعمال می‌کنند.
این رفتارها این روزها به صورت خبرسازی‌های بی منطق به منظور هجمه به شخص دکتر ولایتی بروز کرده است. و البته شخصا معتقدم خبرسازی‌های بیشتر در آینده را نیز از سوی آنها شاهد خواهیم بود.
هرچه دانشگاه آزاد اسلامی در مقابله با انواع و اقسام فسادهای اقتصادی و ... موفق باشد و آنها را از خود بزداید و بدنه عظیم دانشگاه آزاد را در راستای پیشرفت علمی به‌کار بگیرد، این دشمنی‌ها از ناحیه برخی گروه‌ها بیشتر هم می‌شود. معتقدم جریان نفوذ در رسانه در این زمینه به دنبال کارشکنی است اما انشاءالله دانشگاه آزاد اسلامی در راستای فرمایش مقام معظم رهبری همچنان با گام‌های محکم در مسیر ارتقای علمی و فرهنگی خود با شتاب حرکت می کند.

قبیله‌سالاران ساکت نمی‌نشینند

دکتر صالح اسکندری، مسئول امور رسانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی هجمه‌های این روزها به دکتر علی‌اکبر ولایتی از یک سو به دلیل اطلاعی که از زحمات و دغدغه‌های ایشان برای ارتقای دانشگاه آزاد اسلامی و بریدن دست برخی گروه‌های منفعت‌طلب از این سرمایه ملت دارم، بسیار تاسف‌برانگیز است اما این ماجرا را به نحو دیگری نیز می‌توان تفسیر کرد که از قضا نتیجه‌ای امیدبخش از آن استخراج شود و آن اینکه به لطف الهی عملکرد آقای دکتر ولایتی برای حفاظت از سرمایه‌های دانشگاه متعلق به ملت به میزانی برای گروه‌های قبیله‌سالار و منفعت‌گرا سنگین تمام شده و «موثر افتاده است» که شبکه‌ای از امکانات میدانی، رسانه‌ای و جناحی خود را برای متوقف کردن آن و ضربه زدن به شخصیت دکتر ولایتی به کار گرفته‌اند.
دکتر ولایتی امروز در 72 سالگی در سنی که می‌توانست بازنشسته باشد و در کنار خانواده خود استراحت کند، هر چه در وسع و توان خود دارد برای خدمت به نظام و مردم به کار گرفته و بارهای زمین مانده‌ای که بعضا دیگران از به مقصد رساندن آن شانه خالی کرده‌اند، به دوش می‌کشد.
در همه جای دنیا رسانه‌های آن کشور می‌کوشند تا از شخصیت‌های برجسته خود تجلیل و تقدیر کنند اما جای تاسف است که برخی رسانه‌ها در کشور با فهرست کردن عضویت در چند انجمن و مجمع علمی و فرهنگی که ممکن است سالی یک بار هم تشکیل نشوند می‌خواهند چهره یکی از این سرمایه‌های انقلاب و نظام را در جامعه تخریب کنند.
از رسانه‌ها و جریانات ضدانقلاب چیزی جز تخریب دکتر ولایتی و سایر شخصیت‌هایی که خود را وقف انقلاب کرده‌اند نمی‌رود اما سوال اینجاست که رسانه‌های داخلی چرا با تکنیک‌های سطحی و از طریق

اغوای مخاطب با ارائه اطلاعات بی‌ربط چهره‌های علمی و سیاسی برجسته کشور را تخریب می‌کنند. بدون تردید این حملات معنادار است و هر کجا میزان تاثیرگذاری دکتر ولایتی افزوده شده عده‌ای سعی کرده‌اند ایشان را وادار به عقب‌نشینی کنند.
منبع:فرهیختگان

اتحاد سودان و ترکیه در برابر عربستان و یارانش

۱۲-۱۰-۱۳۹۶ | ساعت ۱۶:۳۶



شفقنا- سعودی ها همانطور که در مقاله هایی که در رسانه های آن و در شبکه های اجتماعی تحت سیطره حکومت آمده است بر این باورند که حضور ترکیه در جزیره سواکن که برخی از اخبار غیر موثق می گویند این حضور به حضور نظامی ارتقا پیدا می کند، همانند حضور نظامی در قطر، برای مقابله با کشورشان و همپیمان اماراتی شان است زیرا این دو کشور پایگاه های نظامی در جزایر یمن و اریتره در نزدیکی این جزیره دارند.

به گزارش شفقنا به نقل از جماران، روزنامه رای الیوم در سرمقاله خود به تحولات جدید در روابط عربستان با متحدانش پرداخت و نوشت: «عمر البشیر» رییس جمهور سودان این روزها در معرض حمله انتقادات سختی از جانب برخی از رسانه های عربستان سعودی است تا جایی که برخی از این انتقادها به درجه نمک نشناسی نسبت به کمک های عربستان رسید؛ کمک هایی که در تلاش های گسترده عربستان در سازمان ملل و وساطت این کشور نزد واشنگتن برای لغو تحریم ها علیه سودان نمود پیدا کرده است.

این حمله سخت به دلیل نزدیکی بزرگ و رو به رشد کنونی میان البشیر و «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه و امضای چندین توافقنامه همکاری میان دو طرف طی سفر اردوغان به خاطوم صورت گرفته است. بارزترین توافق امضا شده دادن جزیره«سواکن» در سواحل دریای سرخ و در مقابل سواحل عربستان سعودی به ترکیه برای سرمایه گذاری اقتصادی و تبدیل آن به نقطه تجمع و سفر حجاج عرب و آفریقایی برای ادای مناسک حج در اراضی عربستان به مانند گذشته است.

سعودی ها همانطور که در مقاله هایی که در رسانه های آن و در شبکه های اجتماعی تحت سیطره حکومت آمده است بر این باورند که حضور ترکیه در جزیره سواکن که برخی از اخبار غیر موثق می گویند این حضور به حضور نظامی ارتقا پیدا می کند، همانند حضور نظامی در قطر، برای مقابله با کشورشان و همپیمان اماراتی شان است زیرا این دو کشور پایگاه های نظامی در جزایر یمن و اریتره در نزدیکی این جزیره دارند.

نمی دانیم دلایل واقعی که باعث شد البشیر به طور کامل به عربستان پشت کرده و به محور ترکیه و قطر برود یعنی انتقال تفنگ از روی یک شانه به شانه دیگر،چیست لیکن آن چه می

توان از طریق خوانش تحولات نتیجه گرفت این است که رئیس جمهور سودان به دلیل بی وفایی همپیمان جدید سعودی خود در زمینه وعده های حمایت اقتصادی و خارج کردن کشور از بحران هایش دچار ناامیدی شده است و خودش را بیگانه و غیرقابل اعتماد در اردوگاه آمریکا دید به همین دلیل تصمیم گرفت که به اردوگاه ترکیه و روسیه منتقل شود دقیقا به مانند کاری که ملک« عبدالله دوم» پادشاه اردن کرد آن زمان که به نصحیت ها و نمی گوییم دستورهای سعودی ها را برای نرفتن به نشست همکاری اسلامی در استانبول و ایجاد روابط قوی با اردوغان بر پایه مخالفت با تصمیم آمریکا با یهودی سازی قدس اشغالی و انتقال سفارت آمریکا به این شهر، گوش نداد. این خودش نیز موضوع دیگری است.
البشیر اخیرا تحت تأثیر مکتب«عمل گرایی» اردوغانی قرار گرفته است یعنی ایجاد ائتلاف ها بر اساس منافع کشور و نه بر اساس نتایج دیگر به مانند گذشته یعنی در زمان آغاز به عهده گرفتن انقلاب نجات حاکمیت. و می توان گفت که زمانی که از اردوگاه روسیه، ترکیه و ایران به اردوگاه آمریکایی-عربستانی منتقل شدن احساس«غربت» زیادی کرد و تصمیم گرفت که اشتباه را در روزها و ماه های گذشته تصحیح کند آن هم با بازگشت به بستر طبیعی گرم خودش.این را یک مسئول سودانی نزدیک به البشیر به روزنامه رأی الیوم گفت.
هر کسی سخنرانی البشیر به مناسبت شصت و دومین سالروز استقلال کشورش در روز یکشنبه هفته جاری را دنبال کرده باشد این واقعیت را به خوبی لمس می کند به طوری که از توافقنامه فراگیر درباره همکاری استراتژیک با روسیه و ترکیه تمجید کرد و محاصره کشورش توسط آمریکا را از بیست سال پیش تا کنون به شدت محکوم کرد؛ امری که فرصت گسترده ای برای بهره برداری از منابع سودان در ایجاد توسعه از طریق پروژه های مشخص که کشور را به سمت پل های رشد سریع هدایت کند.
زمانی که می گوییم البشیر به سرعت روی خط مکتب اردوغانی حرکت می کند و تبدیل به شاگرد نجیب آن شد در حالی که گرایش های عقیده ای«اخوانی» را در هر صورت انکار نمی کند، اشاره به تأکیدش بر این می کنیم که نیروهای سودانی به کار خود در یمن تا زمان بازگرداندن دولت به اصطلاح قانونی ادامه می دهند.این همان کاری بود که اردوغان رئیس اش انجام داد زمانی که « بن علی یلدریم» نخست وزیرش را برای سفر به عربستان فرستاد و با خود پیام اطمینان بخش و تمایل برای همکاری و هماهنگی داشت این در حالی بود که وی داشت توافقنامه های استراتژیک در جزیره سواکن امضا می کرد؛ توافقنامه هایی که سعودی ها امضای آنها را علیه خود تفسیر کردند. از سوی دیگر، هماهنگی عربستان و ترکیه که یلدریم برای آن تلاش کرد پس از امضای توافقنامه سواکن بخار شد و حضور سودان در یمن از نظر عربستان و امارات دیگر مطلوب نیست همانطور که حضور نظامی قطر نامطلوب شد و بی تردید این دو کشور از البشیر خواهند خواست که نیروهای خود را از یمن خارج کند زیرا دیگر مقبول نیستند.
سعودی ها به خوبی می دانند که کشورها منافعی دارند که به دنبال رسیدن به آنها هستند و نزدیک شدن به عربستان به معنای آن نیست که آنها وابسته و دنبال رو سعودی ها می شوند و به دیکته های سعودی ها تن می دهند.البشیر خدمات بزرگی را به عربستان سعودی ارائه کرد زمانی که مدرسه ها و مراکز ایران را در کشورش بست و سفیر ایران را طی حمله

معترضان ایرانی به سفارت عربستان در تهران و آتش زدن آن، اخراج کرد.
مهم تر از آن این است که رئیس جمهور سودان بیش از ده هزار نظامی سودانی را برای جنگ تحت فرماندهی عربستان در یمن اعزام کرد و برخی اخبار منتشر شده است مبنی بر اینکه هزار نظامی سودانی در جبهه های جنگ کشته شدند که از جمله کشته شده ها عناصری از نیروهای ویژه سودان بودند و اگر «اختلال خاصی» وجود دارد که باعث شد البشیر به اردوگاه قطری -ترکیه ای منتقل شود بنابر این احتمال های زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه برخی از موضع گیری های عربستان مسئول این وضعیت هستند؛ امری که نیازمند بیان روشن و بازنگری و نقد خود است.
مشکل بزرگتری که البشیر در سال جدید با آن رو به رو می شود فقط با عربستان نیست بلکه با مصر نیز دچار مشکل می شود زیرا مصر نفوذ اقتصادی و نظامی ترکیه در سواحل جنوبی اش را تهدید استراتژیک برای خود و تلاش برای تضعیف منافع اش و گشودن جبهه های فرسایش علیه خود می داند زیرا اردوغان و جنبش اخوان المسلمین روابط بسیار قوی دارند و این قوی بودن روابط را با نشان دادن علامت رابعه در خارطوم و در قصر قرطاج در تونس نشان داد که این کار را برای چالش مصر و تأکید بر اتحاد با اخوان انجام داد. از آن مهم تر دشمنی مصر و سودان بر بستر جزیره سواکن پس از مثلث«حلایب» است که منجر به نزدیکی بیشتر سودان با اتیوپی می شود که دارد «سد النهضه» را می سازد؛ اقدامی که جریان نیل آبی را تغییر داده و کم می کند .این اقدام اتیوپی باعث می شود که سهم مصر از آب نیل که به ۵۶ میلیارد متر مکعب در سال می رسد تحت تأثیر قرار گرفته و کم شود و چه بسا منجر به خشک شدن میلیون ها هکتار از زمین های زراعی می شود.
اردوغان ضربه خودش را وارد آورد و سودان را به اردوگاه خودش جذب کرد همانطور که کشورهای همجوار دیگر مصر مانند چاد و سومالی و چه بسا تونس را جذب کرد و بعید نمی دانیم که تحرک بعدی اش در یمن خواهد بود. دریای سرخ در آستانه تبدیل شدن به دریاچه ترکیه است. هیچ کس نمی تواند اقدامات بعدی اردوغان را پیش بینی کند این در حالی است که پیش بینی سیاست ها و موضع گیری های دشمنان راکد و خمارش که از قبل مشخص است، سخت نیست. رئیس جمهور ترکیه اجتهاد و اقدام می کند این در حالی است که درهای اجتهاد سیاسی نزد دیگران بسته است و تفاوت در اینجا نهفته است.
ماندن نیروهای سودان در یمن یا خارج شدن آنها یکی از نشانه ها در این زمینه است و بسیاری احتمال دومی را ترجیح می دهند.

در خون خانواده هاشمي هم اشعه آلفا و بتا پيدا شده

حسين مرعشي (برادر عيال رفسنجاني) گفت: اينكه شايعه شده تابوت خالی بود چنين چيزی را تأييد نمی‌كنم. اين حرف شايعه‌ای بيش نيست. همان شب فوت، آقا محسن به گاوصندوق دفتر و خانه سر زدند چون می‌خواستند از محل دفن حاج آقا آگاه شوند كه نه در خانه چيزی پيدا كردند و نه دفتر و تنها وصيت‌نامه زمان آنژيوی ايشان بود. به گفته آقای محمد هاشمی، پای وصيت‌نامه مذكور نوشته شده ناتمام. آن وصيت‌نامه تمام شده و ظاهراً يادداشت‌هايی است كه ناتمام مانده و در حال حاضر هم نيست. در مورد حاج آقا بايد بگويم كه اشعه آلفا ۱۲درصد بوده و در بدن حاج خانم اين ماده ۴درصد است اما اينكه منشأ اين اشعه‌ها كجاست، مشخص نيست. در مورد فاطمه خانم هم بايد بگويم يک درصد اشعه بتا در خون او پيدا شده است./ايلنا

پزشکی قانونی و قصور در توضیح و تعیین علت مرگ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

دکتر مازیار اشرفیان بنابمتخصص پزشکی قانونی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۹۵ در سن ۸۲ سالگی در تهران درگذشت. این خبر انعکاس جهانی یافت و بیش از خود خبر، همه میخواستند و هنوز هم مشتاقند بدانند، چرا و چگونه.

در یک سالی که از درگذشت یکی از قویترین و با نفوذترین سیاستمدار نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، درخصوص فوت ایشان سوالات و شبهات بسیاری مطرح شده و حتی عده‌ای ایشان را قربانی زاویه گرفتن با ارکان قدرت مطلقه ولایت فقیه دانسته و او را شهید می‌نامند. در این مقاله مروری خواهیم داشت به چند سوال اساسی که نیاز به پاسخ صریح و روشن داشته و دارند.

سوال اول: علت مرگ آقای هاشمی "ایست قلبی" عنوان شده است. این ادعا تا چه حد قابل قبول و صحیح است؟

در تمام مطالب منتشر شده، علت فوت آقای هاشمی رفسنجانی "ایست قلبی" عنوان شده است. از دیدگاه علم پزشکی قانونی عنوان "ایست قلبی" مطلقا نمی‌تواند علت مرگ عنوان شود و استفاده از آن برای صدور جواز دفن توسط هیچ پزشک معالج یا پزشکی قانونی کافی و مقبول نیست و صدور جواز دفن با این عنوان خلاف قانون و مغایر اخلاق پزشکی است.

ایست قلبی عنوانی کلی است که در پزشکی قانونی از آن به عنوان حالت فیزیوژیک بدن انسان، در لحظه وقوع مرگ استفاده می‌شود. این حالت فیزیولوژیک می‌تواند علل متعدد داشته باشد، مثل بیماری عروقی قلب، حمله قلبی، بیماریهای عضلانی قلب، بیماری‌های مادرزادی قلبی، التهاب حاد عضله قلب، عفونت، برق گرفتگی، مسمومیت دارویی، خونریزی شدید، غرق شدگی و دلایل دیگر.

در پزشکی قانونی به وضعیت فیزیولوژیک متوفی در زمان مرگ، Mode مرگ می‌گویند که مطقا برای توضیح علت مرگ واضح، کافی و وافی نیست. بگذارید با مثالی این مسئله را قدری بیشتر توضیح دهم. اگر در جواز دفن یک متوفی علت مرگ "شوک ناشی از خونریزی شدید" مکتوب و عنوان شود، در واقع فقط از یک اصطلاح و حالت فیزیولوژیک نامفهموم برای توضیح و توجیه علت اصلی (cause)مرگ استفاده شده است که قابل قبول نیست. در واقع، در موارد مرگ مشکوک، وظیفه پزشکی قانونی این است که با معاینه و کالبد شکافی دقیق، علت مرگ را تعیین کند نه حالت فیزیولوژیک زمان مرگ را و لازم است علت اصلی مرگ در جواز دفن به دقت و صراحت اعلام و بیان شود.

در این مثال (شوک ناشی از خونریزی شدید)، پزشکی قانونی باید با کالبد شکافی دقیق، تعیین و گزارش کند که آیا شوک منجر به مرگ، ناشی از خونریزی داخلی بوده یا خارجی؟ اگر خونریزی داخلی بوده آیا به دلیل ضربه به احشاء و عروق ایجاد شده است یا مثلا پارگی عروق به دلیل بیماری داخلی و خودبخود بوده است؟ اگر خونریزی خارجی بوده است، لازم است محل خونریزی و میزان و علت آن، مانند آسیب عروق با جسم برنده یا اصابت گلوله و غیره تعیین و مشخص گردد و کاملا توضیح داده شود که این خونریزی چرا و چگونه و تحت چه شرایطی پیش آمده است.

آنچه در مورد علت فوت آقای هاشمی رفسنجانی مطرح شده یعنی ایست قلبی یقینا علت فوت ایشان را توضیح نمی‌دهد و در مرحله تعریفMode مرگ متوقف مانده است. ایست قلبی دلایل متفاوت دارد که لازم بود با کالبد شکافی علت اصلی آن مشخص شود. متاسفانه در این مورد کوتاهی شده و سوال اصلی خانواده و بسیاری از دوستداران ایشان کماکان بی‌پاسخ مانده است.

ممکن است برخی بخواهند با توجه به سن بالای آقای هاشمی رفسنجانی در هنگام مرگ، فوت ایشان را طبیعی و قابل قبول بدانند ولی فارغ از سن متوفی، شرایط پیرامون مرگ، تعیین می‌کنند که آیا یک مرگ مشکوک است یا طبیعی. فوت آقای هاشمی رفسنجانی با توجه به شرایط محیطی زمان مرگ، یقینا در زمره مرگهای مشکوک قرار می‌گیرد و معاینه جسد ایشان و صدور جواز دفن مطمئنا در حیطه وظایف پزشکی قانونی قرار می‌گیرد.

با توجه به مسئولیت پزشکی قانونی در تعیین علت مرگ، خصوصا در مورد مرگ‌های مشکوک، اگر جواز دفن ایشان خارج از

سازمان پزشکی قانونی صادر شده باشد، یقینا تخلف واضح پزشکی صورت گرفته و این امر قابل پیگرد قانونی است. به یاد داشته باشیم که ارجاع فوتهای مشکوک به پزشکی قانونی (فوت‌هایی که به هر دلیلی غیر منتظره و غیر قابل توجیهند و مطلقا ربطی به سن متوفی ندارند) وظیفه اصلی مراجع قضایی است و در این مورد اگر دست پزشکان قانونی از معاینه و بررسی پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی کوتاه شده باشد، یقینا دستور از بالا، منجر به این کوتاهی و قصور در تعیین علت فوت او شده و لازم است مشخص شود چرا.

با توجه به موارد فوق، اینجانب به عنوان پزشک قانونی و مدیر کل سابق مرکز پزشکی قانونی استان هرمزگان صدور جواز دفن آقای هاشمی رفسنجانی را با عنوان ایست قلبی، کاملا غیر قابل قبول و صادر کننده چنین جواز دفنی را مقصر و مجرم می‌دانم و یقینا بر اساس ضوابط قانونی جاری و حاکم در ایران، قصور پزشکی رخ داده است و خانواده آقای هاشمی رفسنجانی حق دارند و می‌توانند پیگیر آن باشند.

من مطلقا قصد القا شبهه در خصوص مرگ آقای هاشمی رفسنجانی را ندارم، ولی از نظر علم پزشکی قانونی، مرگ ایشان بر اثر همان ایست قلبی که مطرح شده را می‌توان با اتصال جریان برق قوی به آب استخری که در آن مشغول شنا بوده‌اند (حتی برای چند ثانیه) توجیه کرد. جریان برقی قوی، مطلقا آثار ظاهری بروی بدن متوفی بجا نخواهد گذاشت وعاملان آن می‌توانند شواهد را براحتی و در چند دقیقه جمع و جور کنند.

با توجه به شرایط فوت آقای هاشمی رفسنجانی، سناریوهای متعددی را می‌توان در مورد علت فوت ایشان تصور و مطرح کرد که قتل عمد، بدون بجا گذاشتن آثاری روی بدن و محیط اطراف رخ داده باشد. از طرف دیگر ممکن است واقعا ایشان به دلیل کهولت سن هنگام شنا دچار ضایعه قلبی و مرگ ناگهانی شده باشند- بدون دخالت هیچ عامل خارجی. اینجا است که نقش پزشکی قانونی اهمیت پیدا می‌کند و نبود گزارش دقیق پزشکی قانونی در مورد علت فوت، بر شایعات مختلف دامن زده و می‌زند.

نکته بسیار مهم دیگری که تعیین آن یقینا وظیفه پزشکی قانونی و کارآگاهان قضایی است، چیزی است که در پزشکی قانونی شیوه مرگ (Manner) می‌نامیم.

در هر مرگ مشکوکی پزشکی قانونی باید با تحقیقات لازم و کافی تعیین کند آیا مرگ تصادفی بوده یا ناشی از قتل و جنایت، خودکشی بوده یا طبیعی. این هم نکته دیگری در مورد مرگ آقای هاشمی رفسنجانی است که به دلیل عدم کالبد شکافی و تحقیقات مکفی، مبهم باقی مانده است.

متاسفانه اینجانب با توجه به سوابق حرفه‌ای خود در پزشکی قانونی، علت فوت آقای هاشمی رفسنجانی را کاملا نامشخص می‌دانم و بیان ایست قلبی به عنوان علت فوت ایشان را فقط بازی با کلمات برای توجیه می‌دانم.

سوال دوم: ادعا شده که میزان مواد رادیو اکتیو در پیکر آقای هاشمی رفسنجانی ده برابر معمول بوده است. این مسئله چه اهمیتی دارد و به معنی چیست؟

در باره مقادیر بیش از حد رادیو اکتیو در پیکر آقای هاشمی رفسنجانی و برخی اعضای خانواده ایشان متاسفانه هیچ اطلاع دقیقی در دست نیست. ما روزانه در دنیایی مملو از مواد رادیو اکتیو زندگی می‌کنیم و بطور طبیعی بدن ما حاوی مقادیری ماده رادیو اکتیو است چون مرتبا مقادیر بسیار ناچیزی ماده رادیو اکتیو می‌نوشیم، میخوریم و تنفس می‌کنیم.

طور متوسط سالانه سه دهم میلی سیورت (mSv) رادیو اکتیو وارد بدن یک انسان بالغ می‌شود که حدود یک دهم اشعه رادیواکتیوی است که از پرتوهای کیهانی وارد بدن ما می‌شود. اتم‌های رادیو اکتیوی مانند پتاسیم ۴۰، کربن ۱۴ ، اورانیم ۲۳۸ ، پولونیوم ۲۱۰ و سرب ۲۱۰ در بدن ما یافت می‌شوند ولی مقدار این مواد رادیو اکتیو بسیار ناچیز و تاثیر مخرب آنها بر بدن ما بسیار اندک است.

نکته مهم این است که این مقدار رادیو اکتیو در پیکر آقای هاشمی رفسنجانی کاملا غیرطبیعی است (آنطور که ادعا شده است، ده برابر معمول، که مقدار آن نیز مشخص نشده است)، و لازم است با تحقیقات جامع و دقیق، منشاء و علت آن پیدا شود. یقینا این مسمومیت خفیف آقای هاشمی و خانواده محترم ایشان با رادیو اکتیو، عادی نیست و لازم است تعیین و مشخص شود این مسمومیت چرا، چگونه و در طول چه مدتی ایجاد شده است.

برای ایجاد مسمومیت حاد با ماده رادیواکتیو، که می‌تواند در عرض چند روز تا چند هفته منجر به مرگ شود، مقادیر بسیار بیشتری لازم است (بیشتر از یک سیورت) و یقینا مسئله مسمومیت حاد و شدید در مورد آقای هاشمی رفسنجانی و خانواده ایشان مطرح نیست، اما باید مشخص شود مواد رادیو اکتیو چگونه به منزل و یا محل کار ایشان راه پیدا کرده است. دیگر اینکه با تعیین نوع ماده رادیو اکتیو یافت شده در بدن ایشان، باید مشخص شود، آیا این مواد رادیواکتیو در داخل ایران قابل تولید و در دسترس هستند یا احیانا منشاء خارجی دارند.

تنها نکته‌ای که در مورد وجود ماده رادیو اکتیو در پیکر آقای هاشمی می‌توان متصور شد، مسمومیت عمدی، خفیف و مزمن است، زیرا این نوع مسمومیت بتدریج با آسیب زدن به ساختار مولکول دی ان آ، منجر به بروز انواع سرطان می‌شود بدون اینکه اثری از مسمومیت با مواد رادیواکتیو مشاهده و ثبت گردد.

در صورت بروز چنین سرطانی، همه باور خواهند کرد که فرد مسموم شده با مواد رادیو اکتیو، به دلیل سرطان و مرگ طبیعی فوت کرده است و یقینا این مسمومیت خفیف با ماده رادیواکتیو نمی‌تواند مثل مسمومیت حاد منجر به آسیب جدی و از کار افتادن بافتها و نسوج بدن شود.

سوال سوم: آیا علت ایست قلبی آقای هاشمی رفسنجانی می‌تواند مسمومیت عنوان شده با ماده رادیو اکتیو باشد؟

با توجه به اطلاعات علمی موجود، حتی ده برابر مقدار طبیعی ماده رادیو اکتیو نمی‌تواند عامل و توجیه کننده مرگ و ایست قلبی آیت الله هاشمی رفسنجانی باشد.
با توجه اطلاعات و شواهدی که در مورد فوت آقای هاشمی رفسنجانی در دست است، بعنوان یک پزشک قانونی، علت مرگ ایشان را کاملا نامعلوم و مبهم می‌دانم و مسئولیت این ابهام را نیز کسانی می‌دانم که علیرغم درخواست خانواده و دوستداران ایشان، بدون انجام کالبد شکافی، ترجیح داده‌اند پیکر ایشان را در اسرع وقت دفن نمایند.
در صورتی که حتی پزشکی قانونی، جواز دفن ایشان را با انجام معاینه ظاهری و بدون کالبد شکافی صادر کرده باشد، ارائه تصویر جواز دفن صادر شده، می‌تواند اطلاعات بیشتری را در اختیار همه قرار دهد.
امیدوارم با نبش قبر و مطالعه دقیق علمی و کالبد شکافی پیکر آقای هاشمی رفسنجانی و با حضور متخصصین پزشکی قانونی بین المللی و انجام آزمایش‌های لازم در آزمایشگاههای معتبر علمی جهان، علت اصلی فوت ایشان مشخص و علنی گردد.

مصاحبه مدیر مسئول روزنامه ج.اسلامی

روحانی اجازه نداد پرونده مرگ هاشمی بسته شود

مسیح مهاجری مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، مصاحبه بمناسبت سالگرد فوت هاشمی رفسنجانی با "خبرآنلاین" داشته که حاوی نکات تازه درباره مرگ ناگهانی هاشمی است.

او ابتدا می گوید: «من در این سال‌های آخر عمر آقای هاشمی هر هفته چهارشنبه یک جلسه خصوصی با ایشان داشتم که نزدیک ظهر برگزار می‌شد و تا ظهر طول می‌کشید. آخرین دیدار من با آقای هاشمی روز چهارشنبه قبل از فوت ایشان بود. یعنی ایشان یکشنبه فوت کرد، من چهارشنبه ایشان را دیده بودم. شرایط جسمی آقای هاشمی حداقل برای ۱۰،۱۵سال دیگر مناسب بود. بنابراین اصلا نمی‌شد احتمال مرگ در آینده نزدیک را برای ایشان داد. اما اینکه واقعا علت فوت چه بوده؟ این را باید کسانی که سررشته‌ای دارند بگویند. ما هم مثل بقیه افراد شنیده‌ایم که شورای عالی امنیت ملی تحقیق کرده و در آن به این نتیجه رسیده که مواد رادیواکتیو در بدن ایشان ۱۰ برابر حد مجاز بوده و در بدن بعضی از اعضای خانواده ایشان هم بیش از حد مجاز بوده و از اینجا این احتمال را دادند که ممکن است این عامل فوت ایشان بوده باشد. این را هم شنیدیم که وقتی گزارشش را به آقای روحانی دادند و خواستند نتیجه بگیرند و پرونده را ببندند، آقای روحانی قبول نکردند و گفتند بیشتر تحقیق کنید. این خودش معنایش این است که این ماجرا مشکوک است.

آقای هاشمی جلسات خصوصی با رهبری داشتند و این‌طور هم نبود که اقدام‌کننده برای رفتن به این دیدار آقای هاشمی باشند. ایشان می‌گفتند من همیشه منتظر هستم که خودشان خبر کنند. یعنی خود رهبری به دفترشان می‌گفتند به آقای هاشمی بگویید فرداشب بیایند. البته سال‌های بعد از ریاست‌جمهوری هر دو هفته یک بار بود، بعد کم کم ماهی یک بار و بعد کم‌کم دو ماهی یک‌بار شد. کم شد اما قطع نشد.

درباره نامه هاشمی به مقام معظم رهبری در سال ۸۸ ؛ به نظرم در تاریخ این به‌عنوان یک تابلوی طلایی برجسته باقی خواهد ماند و به‌جای اینکه ما زحمت بکشیم بخواهیم این را ثابت کنیم، خود عوامل ایجاد کننده مسائل ۸۸ که به آن فتنه گفتند و درواقع فتنه‌گرهای واقعی همان جریان انحرافی بودند، آنها الان خودشان دارند این را ثابت می‌کنند که آنچه آقای هاشمی در آن نامه نوشتند درست بود و مصلحت کشور همان بود که جلوی آن ماجراها گرفته شود. یعنی همان پیشنهادی که آقای هاشمی داشتند و اینکه اگر الان جلوی این موضوع با بیل گرفته نشود بعدها با پیل هم نمی‌شود. همین پیش‌بینی هم درست بود. این نشان‌دهنده عمق تفکر سیاسی آقای هاشمی و شناختش از جامعه و آینده نگری ایشان بود.

در حوله هاشمی رفسنجانی آثار رادیواکتیو بود



فاطمه هاشمی جزئیات تازه‌ای را از موضوع وجود مواد رادیواکتیو در بدن مرحوم هاشمی رفسنجانی در گفت‌وگو با اعتمادآنلاین اعلام کرد.

اعتمادآنلاین| **مهدی روزبهانی-** فرزند رئیس سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید حوله‌ای که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را با آن به بیمارستان بردند نیز به رادیواکتیو آلوده بوده است. پیش از این فائزه هاشمی اعلام کرده بود که فاطمه، خواهرش و عفت مرعشی، مادرش نیز به مواد رادیواکتیو آلود هستند. فاطمه هاشمی به **اعتمادآنلاین** می‌گوید چون جواب آزمایش‌ها را ندارند نمی‌توانند برای درمان به پزشک مراجعه کنند. در ادامه مشروح گفت‌وگوی فاطمه هاشمی را با **اعتمادآنلاین** می‌خوانید:

***خواهر شما اعلام کرد که علاوه بر پدرتان در بدن شما و مادرتان هم وجود مواد رادیواکتیو گزارش شده است. شما این موضوع را از پزشکان شنیدید؟**

ما پزشکی را ندیده‌ایم. این گزارشی بود که شورای عالی امنیت ملی داد و چندین بار هم از آن‌ها خواستیم که حداقل برای معالجه اطلاعات به ما بدهند تا بتوانیم به متخصص مراجعه کنیم. برای آن یکسری آزمایش‌های خاصی هست که هر جایی آن را انجام نمی‌دهند و بیشتر هم مکان‌های امنیتی این آزمایش‌ها را انجام می‌دهند و به همین خاطر ما هیچ اقدامی انجام ندادیم.

***آیا در این باره به پزشکی مراجعه کرده‌اید؟**

به پزشک مراجعه کنیم چه بگوییم؟ اولین چیزی که می‌خواهند جواب آزمایش است.

***شورای عالی امنیت ملی وجود این مواد را در بدن شما و مادرتان چگونه تشخیص داد؟**

اول یک آزمایش ادرار از بابا داشتند. سوند بابا را که از بیمارستان برده بودند. آن‌طوری که خودشان گفتند، روی ادراری که در سوند بوده است آزمایشی انجام دادند. بعد از من خواستند که آزمایش ادرار مادرم را بگیرم و برایشان بفرستم و بعد از خود من خواستند. بعد هم ما را بردند در یک مرکز و با دستگاه اسکنی که بود برای رادیواکتیو اسکن کردند. البته شورای امنیت هم اول به خود ما این موضوع را نگفت. من از یک مسئول دولتی این ماجرا را فهمیدم که من و مادرم هم آلوده هستیم، ولی گفتند که چون مقدار آن کم است چیز مهمی نیست و کاری هم نمی‌شود کرد. چندین بار هم گفتیم که جواب را می‌خواهیم. یک جوابی بعد از مدت‌ها دادند که وقتی به چند پزشک نشان دادم گفتند این اعداد و رقم‌هایی که در این جواب گذاشته‌اند خیلی جور در نمی آید.

***چطور شد که فقط شما و مادرتان آزمایش دادید و فقط شما را برای اسکن بردند؟**

فقط از من و مادرم آزمایش گرفتند و ما را اسکن کردند. از ما سوال کردند که چه کسی بیشتر با حاج

آقا ارتباط داشته است که گفتیم اول مادرم بعد پرسیدند که چه کسی رفت و آمد بیشتری داشته که گفتم من! البته من اسم یکی دو نفر دیگر از بچه‌ها را دادم ولی آن‌ها را برای آزمایش نبردند. این چیزی است که برای ما بود و جوابی هم به این سوال ندادند، حتی آن روزی که همه خانواده را جمع کردند و گفتند که علاوه بر ادرار، حوله بابا هم آلوده بوده است. این حوله‌ای است که به تنشان بوده و با آن ایشان را به بیمارستان آورده بودند. این موضوع را در آخرین جلسه‌ای که ما را جمع کردند، گزارش دادند.

***برادرتان گفته که گویا دوباره پرونده باز شده است، اطلاعی در این باره دارید؟**

یک صحبتی شده است و نمی‌دانیم که شورای امنیت دوباره پیگیری آن را شروع کرده است یا نه. فقط آقای روحانی این پرونده را به شورای امنیت برگردانده است و نمی‌دانیم که چه اقدامی انجام داده‌اند.

زندگی مسالمت آمیز شیعیان و اهل سنت در روستای کوچکی در کامبوج

۱۳۹۶-۱۰-۱۳ | ساعت ۱۲:۰۱



شفقنا زندگی- روستای کوچکی در کشور کامبوج سکونتگاه ۴۲ خانواده شیعه مذهب است.
این تعداد بیشترین تراکم جمعیتی شیعیان در این کشور خاور دور محسوب می شود.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا، روستای «ویهیار سامبو» در ایالت «تبنگ خموم» کشور کامبوج مسکن مسلمانانی است که از زمان سکونت خود در این محل اهل سنت بوده اند. اما از اواخر دهه گذشته با حضور محمد زین، واعظی که در ایران به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و با گسترش آموزه های تشیع در این منطقه، مکتب تشیع نیز با تغییر گرایش مذهبی برخی از افراد در این منطقه رواج یافت.



در ابتدا این تغییر مکتب موجب شد اهل سنت از حضور در مراسمی که از سوی شیعیان ترتیب داده می شد، اجتناب کنند و چند سال مکان اقامه نماز شیعیان و اهل سنت از یکدیگر جدا بود.
اما باوجود پذیرش سرد ابتدایی، از سال ۲۰۱۴ به بعد روابط پیروان این دو مکتب اسلامی بهبود یافته است.
عقایدی که موجب اختلاف این دو گروه می شود، تحت تاثیر تجربه های مشترک زندگی که ناشی از قساوت ها و تراژدی هایی است که تاریخ معاصر کامبوج را شکل داده، اهمیت خود را از دست داده است. در گذشته در کشورهایی همچون اندونزی حضور شیعیان موجب واکنش شدید اجتماعی و عدم پذیرش گسترده مردم می شد اما تنش های ابتدایی که در این روستا بوجود آمد، نتوانست در این جامعه نزاع فرقه ای ایجاد کند.



در حدود دوهزار نفر در این روستا زندگی می کنند که ۳۴۰ خانواده اهل سنت و ۴۲ خانوار

شیعه مذهب هستند. بیشتر این افراد کشاورزانی هستند که برنج، کاساو و کائوچو پرورش می دهند.



چی ونعت، امام ۶۵ ساله اهل سنت مسجد ویهیار سامبو، می گوید هرچند دو گروه از مسلمانان در این روستا زندگی می کنند اما روابط و ارتباطات مابین پیروان دو گروه در طی دو تا سه سال گذشته به تدریج بهتر شده است. وی می گوید: «ما با یکدیگر صحبت می کنیم و مشکلات زیادی با هم نداریم. در روستای ما بیشتر از مناطق مسلمان نشین دیگر کامبوج شیعیان زندگی می کنند. پیروان دو گروه اسلامی در این روستا در مراسم ازدواج یکدیگر شرکت می کنند اما این فقط به مراسم ازدواج محدود می شود. در دیگر مراسم مذهبی حتی در عید قربان چنین رفت و آمدی وجود ندارد.»



ست مت، رهبر ۴۰ ساله اقلیت شیعه این روستا که به مدت ۷ سال در ایران به فراگیری علوم تشیع پرداخته، در این باره می گوید: «گرچه ما به ایدئولوژی های مختلفی از ایمان اسلامی اعتقاد داریم اما اکنون در کنار هم با صلح زندگی می کنیم.»

وقتی در مورد دلیل تغییر گرایش وی به دکترین شیعه سوال کردیم، وی پاسخ داد که از لحاظ مفهومی تشیع مکتبی بزرگتر و والاتر برای هر مسلمانی است. مت توضیح داد: «من تشیع را پس از مطالعه و تحقیق شناختم. سپس تصمیم گرفتم به اصول این مکتب معتقد باشم زیرا ملاحظه کردم که از تمامی فرقه های اسلام، برتر است.»

وی درخصوص سبک زندگی شیعیان در این روستا، تصریح کرد: «ابتدا زمانی که گروه ما تصمیم گرفت به اسلام شیعی تغییر کیش دهد، به سختی می توانستیم با یکدیگر در روستا ارتباط برقرار کنیم اما سپس جو خوبی حاکم شد و ما اکنون در حال ساختن مدرسه برای کودکان خود هستیم و تصمیم داریم به زودی مسجد مختص خودمان را نیز بسازیم. در حال حاضر در میان شیعیان روستای ما سه نفر آموزگار مذهبی داوطلب برای آموزش کودکان حضور دارند که آنها نیز در ایران علوم اسلامی را فراگرفته اند».

منبع: ***Khmer Times***

سهام عدالت چیست و چقدر می‌ارزد؟

دولت ایران بعد از ۱۱ سال، برای اولین بار "به صورت قانونی" به تقریبا "همه گروه‌های مشمول" سود سهام عدالت پرداخت. البته همانطور که در ادامه این گزارش آمده، قبلا هم در مواردی سودهایی پرداخت شده که در یک مورد هم بحث برانگیز شد.

در این گزارش تلاش شده به سوالات اساسی درباره طرح بحث برانگیز سهام عدالت پاسخ داده شود.



همایش واگذاری سهام عدالت در ششم آبان ۱۳۸۵ از راست به چپ: محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهوری) غلامعلی حداد عادل (رئیس مجلس) پرویز داوودی (معاون اول رئیس جمهوری) داوود دانش‌جعفری (وزیر اقتصاد)

سهام عدالت چیست؟

سبدی از سهام ۴۹ شرکت بیشتر صنعتی ایران است که در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، با هدف "توزیع ثروت دولت میان بخش‌های کم درآمد جامعه" آغاز شد. واگذاری در آبان ۱۳۸۵ اعلام شد. این طرح در طول یازده سال اخیر یکی از موضوعات بحث برانگیز اقتصاد ایران بود.

- **آغاز واگذاری 'سهام عدالت' به ایرانیان کم درآمد**

منتقدانش می‌گویند این طرح که یکی دیگر از هدف‌هایش کمک به خصوصی سازی شرکت‌های دولتی بود، اقدامی ظاهری بود و در عمل این شرکت‌ها همچنان در مالکیت غیر مستقیم دولت ماندند یا به شرکت‌های شبهه دولتی رسیدند. علی طیب‌نیا وزیر وزیر اقتصاد در دولت اول حسن روحانی هم گفت که این طرح در عمل **شرکت‌ها را "بی‌صاحب" کرد** و به هدف خصوصی سازی که بالا بردن کارایی و سود ده کردن شرکت‌های دولتی بود کمکی نکرد.

سهام عدالت چقدر می‌ارزد؟

در زمان واگذاری، ارزش هر سهم ۵۰۰ هزار تومان بود، اما بعد با دستور محمود احمدی‌نژاد، ارزش آن به یک میلیون تومان افزایش یافت. سقف ارزش سهام عدالتی که به خانواده‌ها اختصاص می‌یافت هم پنج میلیون تومان در نظر گرفته شد.

سازمان خصوصی سازی ایران، که مسئول مدیریت این طرح است می‌گوید، ارزش سهام یک میلیون تومانی یازده سال قبل، در آبان ۱۳۹۶، به "حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان" رسیده است. البته سهام عدالت هنوز قابل خرید و فروش نیست و ارزشی که مقام‌های ایران اعلام می‌کنند، برآورد آنها از ارزش سهام است.

اما اینطور نبود که دولت این سهام عدالت یک میلیون تومانی را مجانی به مردم بدهد. مشمولان باید پول سهام را پرداخت می‌کردند.

مشمولان سهام عدالتشان را چند خریده‌اند؟

یازده سال پیش، زمانی که سهام عدالت توزیع شد، از مشمولان تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی، به عنوان "بخش آسیب پذیر جامعه" پولی دریافت نشد. اما گروه‌های بعدی باید یک میلیون تومان ارزش سهام را قسطی پرداخت می‌کردند.

در حال حاضر مشمولان دریافت سود سهام عدالت دو دسته‌اند. کسانی که قسط‌هایشان را پرداخت کرده‌اند و مالک سهام عدالت خود هستند (مشمولان بهزیستی و کمیته امدام هم جزو این دسته هستند) و گروهی که فقط صاحب نصف هر سهم عدالت خود

هستند (به ارزش ۵۰۰ هزار تومان).

سود سهام عدالت چقدر است؟

در اولین مرحله پرداخت "رسمی" سود سهام عدالت، قرار است طبق جدول زیر، سود پرداخت شود.

سه پرداخت ۵۰ هزار تومانی	۱۵۰ هزار تومان	کسانی که قسطها را کامل پرداخت کرده‌اند
سه پرداخت ۲۶ هزار تومانی	۷۸ هزار تومان	کسانی که صاحب نصف سهام عدالت خود هستند

چند نفر سود سهام عدالت می‌گیرند؟

در مجموع ۴۹ میلیون نفر مشمول دریافت سود سهام عدالت هستند. اما در این مرحله به ۳۳ میلیون نفر سود پرداخت شده است. دلیلش هم این است که هنوز همه مشمولان مدارک خود را تکمیل نکرده‌اند و هنوز مدارک آنها "راستی آزمایی" نشده است.

کل تا پایان سال	کل سود مرحله اول	مشمولان تایید شده	کل مشمولان
۳۸۰۰ میلیارد تومان	۱۲۰۰ میلیارد تومان	۳۳ میلیون نفر	۴۹ میلیون نفر

سودی که قرار است پرداخت شود مربوط به سال مالی ۱۳۹۵ است.

آیا قبل از این هم سود سهام عدالت پرداخت شده بود؟

تاکنون در سه مرحله سودهایی پرداخت شده است اما این اولین بار است که سود به همه گروه‌ها و به صورت "قانونی" پرداخت می‌شود.

در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در مجموع به سه گروه از مشمولان سود پرداخت شد. اما از سال ۱۳۸۷ پرداخت‌ها متوقف شد چون بر اساس قانون اولا باید سود بعد از پایان پرداخت اقساط آغاز می‌شد و دوم اینکه سود سهام عدالت باید از محل سود شرکت‌ها پرداخت می‌شد، نه از بودجه عمومی دولت.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ دولت محمود احمدی‌نژاد به حدود ۹ میلیون نفر سود سهام عدالت پرداخت کرد، که بعدها بعضی از نمایندگان مجلس این اقدام را "تخلف انتخاباتی" و "خرید رای مردم" خواندند.

چه کسانی مشمول دریافت سهام عدالت هستند؟

۱۸ گروه مشمول دریافت سهام عدالت هستند. گروه اول، مددجویان کمیته امداد، سازمان بهزیستی و رزمندگان فاقد شغل هستند، دوم، روستاییان و عشایر کم درآمد و سوم شاغلین و بازنشستگان دستگاه‌های اجرایی و در نهایت دامنه مشمولان به کارگران فصلی می‌رسد.

اما در مورد شناسایی این افراد، انتقادهایی وجود دارد. دولت ایران بارها اذعان کرده که به دلیل نبود یک ساختار مالیاتی کارآمد در کشور، نمی‌تواند به صورت دقیق جامعه را براساس میزان ثروت دسته بندی کند. این مسئله که بیشتر در مورد پرداخت یارانه‌های نقدی مطرح شد، در مورد توزیع سهام عدالت هم صدق می‌کند.

روزنامه روس: مخالفان سوری ۷ هواپیمای روسیه را در حمیمیم منهدم ساختند

۱۴-۱۰-۱۳۹۶ | ساعت ۰۹:۲۲



شفقنا- یک روزنامه روس از انهدام شماری از هواپیماهای این کشور در نتیجه حمله اسلام گریان تندرو به پایگاه محل استقرار آنها در غرب سوریه خبر داد.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از بخش عربی خبرگزاری رویترز، روزنامه معتبر «کمرسانت» روسیه شامگاه چهارشنبه در گزارشی از دو منبع نظامی و دیپلماتیک نقل کرد که دست کم هفت هواپیمای نظامی این کشور در جریان حمله خمپاره ای یک شنبه گذشته اسلام گرایان افراطی مخالف نظام حاکم در سوریه به پایگاه نظامی حمیمیم در استان ساحلی اللاذقیه در غرب این کشور منهدم شدند.

بر اساس این گزارش، روزنامه مذکور در پایگاه اینترنتی خود در این باره تاکید کرده که حمله خمپاره ای مخالفان سوری به پایگاه حمیمیم انهدام دست کم چهار بمب افکن «سوخوی-۲۴»، دو جنگنده «سوخوی-۳۵ اس»، یک هواپیمای باری «آنتونوف-۷۲» و همچنین یک انبار مهمات را در پی داشته است.

به نوشته کمرسانت، این حمله علاوه بر این که بیشترین خسارت را به تجهیزات نظامی روسیه از آغاز عملیات نظامی این کشور در سوریه در پاییز سال ۲۰۱۵ میلادی تاکنون وارد کرده، باعث زخمی شدن بیش از ۱۰ نظامی روس نیز شده است.

خبر اصلی را در رویترز ببینید

https://ara.reuters.com/article/ME_TOPNEWS_MORE/idARAKBN1ET02L

اذعان روسیه به حمله مخالفان سوری به حمیمیم و تکذیب انهدام ۷ هواپیما

۱۴-۱۰-۱۳۹۶ | ساعت ۱۰:۵۶



شفقنا- وزارت دفاع روسیه ضمن اذعان به حمله اسلام گرایان افراطی به پایگاه محل استقرار نیروهای این کشور در سوریه، انهدام شماری از هواپیماها در نتیجه این حمله را تکذیب کرد.
به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از بخش عربی خبرگزاری اسپوتنیک روسیه، وزارت دفاع این کشور صبح امروز (پنج شنبه) با صدور بیانیه ای، گزارش برخی رسانه های خبری مبنی بر انهدام هفت هواپیمای روس در جریان حمله مخالفان مسلح به پایگاه هوایی «حمیمیم» در استان ساحلی اللاذقیه در غرب سوریه را تکذیب کرده و آن را نادرست و جعلی خواند.
بر اساس این گزارش، وزارت دفاع روسیه در بیانیه خود ضمن تاکید بر این که گروه خلبانان این کشور در سوریه در آمادگی جنگی کامل به سر می برند و به انجام تمامی وظایف خود ادامه می دهند، اذعان کرد که گلوله باران پایگاه هوایی حمیمیم از سوی عناصر مسلح در روز یک شنبه گذشته کشته شدن دو نظامی روس را در پی داشته است.
این وزارتخانه همچنین خاطر نشان ساخت که سرویس های امنیتی سوریه در حال انجام عملیات جست و جو و پاکسازی عناصر مسلح عامل حمله به فرودگاه نظامی حمیمیم هستند و افزایش سطح حفاظت در این پایگاه نیز در جریان است.
خبر اصلی را در اسپوتنیک ببینید
https://arabic.sputniknews.com/russia/201801041028954005

جزئیات حمله پهپادی به پایگاه نظامی روسیه در سوریه

ستاد مشترک ارتش روسیه اعلام کرد، افراد مسلح در سوریه از پهپادهای ساخت خارج استفاده می‌کنند. هر فروند پهپادی که در حمله به پایگاه حمیمیم شرکت کرده بود حامل ده گلوله راکت بود.

ستاد مشترک ارتش روسیه همچنین اعلام کرد، از این به بعد خطر استفاده تروریست‌ها از هواپیمای بدون سرنشین در هر منطقه‌ای از جهان وجود دارد.



به گزارش رویترز، وزارت دفاع روسیه روز پنجشنبه اعلام کرد، مواد منفجره به کار رفته در هواپیمای بدون سرنشینی که به اهداف نظامی این کشور در سوریه حمله کرده در اوکراین و دیگر کشورها تولید شده است.

سه روز پیش بود که سیزده پهپاد متعلق به گروه‌های تروریستی سوریه، در حمله‌ای شبانه به سمت پایگاه هوایی «حمیمم» و پایگاه دریایی «طرطوس» رفتند؛ جایی که نیروهای روس حضور دارند.

درخواست اردوغان از پوتین برای توقف حملات ارتش سوریه به حلب

«رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه روز پنجشنبه در تماس تلفنی با «ولادیمیر پوتین» همتای روس خود، ملاحظات آنکارا در قبال تحولات اخیر سوریه را به اطلاع مقام ارشد روس رساند.

آن طور که نیویورک‌تایمز خبر داده، اردوغان در این تماس تلفنی به حملات ارتش سوریه به معارضان مسلح در استان ادلب و غوطه شرقی اشاره کرده و گفته، به بار نشستن تصمیمات نشست سوچی، مستلزم قطع این حملات است.

ادلب محل حضور معارضینی است که ترکیه از آنها حمایت می‌کند؛ ترکیه علاوه بر این حمایت چند ساله، اخیراً به عنوان ناظر اجرای مقررات کاهش تنش در این منطقه گمارده شده و حالا خواهان توقف حملات به شبه‌نظامیان تحت حمایت خود است.

اردوغان در این تماس تلفنی به حمله پهپادی اخیر تروریست‌های سوریه به نیروهای روس در سوریه هم اشاره کرد و گفت: «این حملات هیچ ارتباطی با آنکارا ندارد ولی ما از هویت محرکان اصلی این اقدام، آگاهی داریم.»

دیدار پوتین با هیات تحریریه پراودا

روسیه میداند چه کسانی پهپهاد دراختیار تروریست ها گذاشتند



ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه روز گذشته در روزنامه پروادا حضور یافت و به سئوالاتی که مطرح شده پاسخ داد. او درباره مناسبات با ترکیه و سوریه گفت که ترکیه ارتباطی با حملات پهپادی اخیر به اهداف نظامی روسیه در سوریه ندارد. من امروز با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه درباره اوضاع سوریه گفت‌وگو کردم. ما می‌دانیم چه‌کسانی اقدام تحریک‌آمیز حمله به مواضع نظامی روسیه در سوریه را انجام داده‌اند. حمله به پایگاه حمیمیم و طرطوس اقدامی تحریک‌آمیز بود و با هدف از بین بردن روابط با شرکاء از جمله ترکیه صورت گرفت. ازروی سر دولت و ارتش و ارگان های امنیتی ترکیه دست هائی در کارند تا مناسبات روسیه و ایران و ترکیه را خراب کنند. همزمان با حملات اخیر، یک هواپیما بر فراز منطقه حمیمیم در پرواز بود. البته هر دو حمله با شکست روبرو شد اما اطلاعات حمله در اختیار ما هست. تروریستها برای نخستین بار از هواپیماهای بدون خلبانی برای حملات خود استفاده کردند و از فاصله 50 کیلومتری موشک شلیک شد. ما میدانیم که ساختن پهپاد کار سختی نیست اما هدایت کردن آن به سیستم های پیچیده ی وابسته است که از توان تروریست ها خارج است و تنها از طریق ماهواره امکان پذیر است. ما میدانیم این هواپیماهای بدون سرنشین چه زمانی و توسط چه کشوری تحویل تروریست ها شد و حتی تعداد آنها را هم میدانیم که 13 عدد بود. این هواپیماها تکنیک بالایی داشتند و طبق برنامه میبایستی اهداف معینی را هدف می گرفتند. ما پایگاه های خود را مجهز تر کردیم و به همکاریمان با ترکیه ادامه خواهیم داد. ما و ترکیه آماده میشویم که در سوچی با دولت و اپویسیون سوریه ملاقات کنیم.

در مورد رابطه با امریکا که باید بگویم که متاسفانه در امریکا فضای سیاسی عادی نم یشود و بهبود روابط به ما بستگی ندارد. ما مشکلی نداریم این امریکا میباشد که باید سعی در بهبود

روابط کند ولی متاسفانه همیشه پرزیدنت امریکا را می ترسانند از دخالت ما در امور امریکا. (در مورد انتخابات). امیدوار هستیم بعد از اینکه فضای متشنج در امریکا آرام شد اقدات مثبتی انجام شود. البته میدانیم که کنگره امریکا مصوبات جدیدی در مورد تحریم میخواهند تصویب کند. بعد از آنکه بر ما معلوم شود ما نیز اقدامات خود را انجام خواهیم داد. نمیدانم آیا این درک و جسارت را خواهند داشت که بفهمند بهبود روابط به با روسیه به نفع امریکا نیز هست؟

از پوتین درباره رهبر کره شمالی سئوال شد که وی در پاسخ گفت:

رهبر کره شمالی، مردی عاقل و پخته است. ما میدانیم چه کسانی پشت تبلیغات علیه او و علیه کره شمالی هستند و چقدر پول خرج می کنند. در این مرحله، بازی را کره شمالی برنده است. رهبر کره استراتژی خود را دنبال کرد و کره حالا راکتی دارد که ۱۳ هزار کیلومتر برد دارد و قادر است به هر نقطه کره زمین برسد. با این همه، ما معتقدیم که تنها با گفتگو می تواند مسائل را حل کرد.

از پوتین درباره انتخابات ریاست جمهوری و حضور 15 نامزد برای رقابت با وی سئوال شد که او گفت:

خوشحالم که کاندادهای دیگری هم هستند. همیشه در بحث های انتخاباتی روشن میشود که چه مشکلات و کمبودهائی در کشور وجود دارد و این بسیار مثبت است، متهی همه چیز باید طبق قانون انجام شود.

آیا امکان محاکمه هاشمی شاهرودی در آلمان وجود داشت؟

بهنام دارایی زادهحقوقدان



محمود هاشمی

شاهرودی، رئیس پیشین قوه قضاییه جمهوری اسلامی و رئیس کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، چند هفته‌ای در مرکز درمانی علوم اعصاب هانوفر در شمال آلمان بستری بود. آیا امکان پیگرد کیفری آقای هاشمی شاهرودی در آلمان (یا سایر کشورهایی اروپایی)، به اتهام آن چه که "نقض فاحش موازین حقوق بشر در ایران" خوانده می‌شود وجود دارد؟ در این یادداشت سعی می‌شود که به این پرسش و چند ملاحظه‌ی حقوقی دیگر پرداخته شود.

این شکایت‌ها در چه سطحی یا در چه چهارچوبی می‌تواند مطرح شوند؟

سه‌شنبه این هفته اعلام شد که فولکر بک، عضو حزب سبزهای و نماینده پیشین پارلمان آلمان، شکایت رسمی خود را علیه محمود هاشمی شاهرودی، به اتهام "قتل و جنایت علیه بشریت"، تحویل دادستان ایالت نیدرزاکسن داده است؛ روز چهارشنبه نیز یک سخنگوی دادستانی آلمان تایید کرد که چنین شکایتی دریافت شده و دادستانی در حال بررسی آن است.

طرح شکایت‌های فردی، در زمانی که شاکی پرونده خودش قربانی مستقیم اتهام‌های وارده نیست، در واقع نوعی "اعلام جرم" است. به این معنا که دادستان مربوطه را متوجه جرمی می‌کند که جنبه‌ی "غیرشخصی" دارد؛ یا جرم و رخداد آن چنان مهم است که می‌تواند در چهارچوب اصل "صلاحیت جهانی" طبقه‌بندی و رسیدگی شود.

بر پایه‌ی اصل "صلاحیت جهانی" در حقوق بین‌الملل کیفری، جرایمی وجود دارد که قطع نظر از آن که مجرم تابعیت چه کشوری را دارد، یا جرم در کدام کشور رخ داده است، یا قربانی کُجایی است، دستگاه‌های قضایی همه‌ی کشورها، می‌توانند به این دست از جرایم رسیدگی کنند.

"جنایات جنگی"، "جنایت علیه بشریت"، "نسل‌کُشی"، "شکنجه" یا حتی "دزدی دریایی" و "هواپیماربایی"، در زمره این جرایم قرار می‌گیرند که دستگاه قضایی تمامی کشورها، یا دست‌کم کشورهایی که در آن‌ها "اصول و قواعد دادرسی منصفانه" رعایت می‌شود، می‌توانند به آن رسیدگی کنند.

اما واقعیت این است که این تنها راهی نیست که ناقضان حقوق بشر را می‌توان در کشور دیگری پای میز محاکمه کشاند. بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته‌تر، با یکدیگر قرارداد "استرداد مجرمین" دارند؛ به این معنا که دستگاه قضایی یک کشور می‌تواند تقاضای بازداشت و استرداد یک متهم را بنا به دلایلی که ارائه داده است از کشوری دیگر داشته باشد.

در سال ۱۹۹۸ قاضی اسپانیایی، بالتازار گارزون، از دولت بریتانیا خواست تا آگوستو پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی را که برای یک دوره درمانی به انگلستان رفته بود؛ بازداشت و به اسپانیا تحویل دهد. در حکم بازداشت قاضی اسپانیایی، پینوشه متهم به قتل، شکنجه و آدم‌ربایی هزاران تن، از جمله شهروندان اسپانیایی شده بود. بازداشت پینوشه ۸۴ ساله در بیمارستانی در لندن، به استناد همین قرارداد استرداد مجرمین میان بریتانیا و اسپانیا صورت گرفت.

علاوه بر اصل صلاحیت جهانی، یا امکان توسل به قراردادهای استرداد مجرمان، دیوان بین‌المللی کیفری لاهه هم تمهیدات روشنی دارد. در "جنایت علیه بشریت" و برخی دیگر از جرایم عمده حقوق بشری، دیوان کیفری لاهه، صلاحیت رسیدگی دارد و می‌تواند تقاضای استرداد متهمان را از کشورهای عضو خود، از جمله آلمان، داشته باشد.

هرچند ایران عضو "دیوان بین‌المللی کیفری لاهه" نیست و زیر بار تعهدات آن هم نرفته است. اما بر پایه‌ی اساس‌نامه دیوان، در صورت ارجاع شورای امنیت، دادستان دیوان می‌تواند وارد موضوع شود و تقاضای بازداشت مقام‌هایی را کند که حتی کشور آن‌ها عضو دیوان نیستند.

آیا هاشمی شاهرودی در حال حاضر "مصونیت قضایی" دارد؟

روزنامه فرانکفورتر آلگماینه چاپ آلمان، در گزارش روز سه‌شنبه خود نوشته که محمود هاشمی شاهرودی بدون آن که گذرنامه دیپلماتیک داشته باشد به آلمان آمده است.

هرچند حتی اگر او با پاسپورت دیپلماتیک و با "مصونیت قضایی" به آلمان رفته بود، بر اساس اصول و قواعد نوین حقوق بین‌الملل کیفری، از جمله ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری لاهه، چنین مصونیت‌هایی را نمی‌توان در موارد نقض جدی موازین حقوق بشر به کار بست.

اتهام‌های احتمالی هاشمی شاهرودی چه می‌تواند باشد؟

محمود هاشمی شاهرودی، در دهه شصت و در اوج سرکوب‌های سیاسی جمهوری اسلامی، دست‌کم سِمت اجرایی یا قضایی مشخصی نداشته یا در "دادسرای انقلاب" کار نمی‌کرده است.

با این حال، در زمان ریاست او بر قوه قضاییه جمهوری اسلامی، در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸، صدها فعال سیاسی و اجتماعی در "دادسراها و دادگاه‌های انقلاب" که زیر نظر او بوده‌اند، بدون آن که از حداقل‌های یک دادرسی منصفانه برخوردار باشند، بازپرسی، محاکمه و محکوم شده‌اند. برخی از این فعالان سیاسی در این سال‌ها حتی اعدام شدند.

از سویی دیگر، آقای هاشمی شاهرودی را بایستی مسئول اجرای آن احکام اعدامی دانست که در سال‌های ریاست او بر قوه قضاییه برای ده‌ها نوجوان محکوم به قصاص صادر شد.

بر اساس ماده‌ی دو "آیین‌نامه نحو اجرای احکام اعدام"، که اتفاقاً امضای خود آقای شاهرودی زیر آن است؛ احکام اعدام بایستی به "تنفیذ رئیس قوه قضایه" برسد و سپس اجرا شوند. به این معنا که هیچ حکم اعدامی، بدون آن که رئیس قوه قضاییه اجازه دهد، اجرا نشده است.

بر پایه برآوردهای یک **سازمان حقوق بشری در خرداد ماه ۱۳۸۷**، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی از سال ۱۳۷۷ تا آن مقطع، که ۹ سالش در زمان ریاست هاشمی شاهرودی بوده، ۱۷۷ حکم اعدام، برای نوجوانان صادر کرده است که دست‌کم ۳۴ تا از آن‌ها، با اجازه نهایی آقای شاهرودی اجرا شدند. از جمله اجرای حکم عاطفه رجبی، دختر دانش‌آموز ۱۶ ساله‌ای که در سال ۱۳۸۳ در نکا در ملاعام اعدام شد.

فراموش نکنید که انتشار فیلم یا عکس از مراسم‌های اعدام، که در طول تمامی این سال‌ها به عنوان یک ابزار نیرومند به منظور ارعاب و هراس جمعی استفاده شده است، بر پایه همان آیین‌نامه‌ای که به آن اشاره شد، با دستور مستقیم رئیس قوه قضاییه صورت می‌گیرد.

اما آیا همه این‌ها به این معنی است که می‌شد محمود هاشمی شاهرودی را در آلمان بازداشت و محاکمه کرد؟

واقعیت این است که هنوز پیچیدگی‌ها و پرسش‌های حقوقی فراوانی در میان بوده است. از جمله این که آیا اقدامات مورد اشاره،در نهایت می‌تواند به عنوان "جنایت علیه بشریت" طبقه‌بندی شود؟ جدا از این نمی‌توان این مساله را نادیده گرفت که ملاحظات سیاسی-اقتصادی فراوانی نیز وجود دارد که ممکن است بر تصمیم‌گیری‌های حقوقی-قضایی سایه افکند.

عدم استرداد نهایی پینوشه به اسپانیا یا عدم مداخله جدی دستگاه قضایی آلمان در سال ۲۰۰۶ در محاکمه زکیر آلماتوف، وزیر کشور ازبکستان، که به مانند شاهرودی برای درمان به هانوفر آمده بود (زکیر آلماتوف، در نهایت موفق شد که به رغم اقدام دادستانی خاک آلمان را ترک کند) به ما یادآوری می‌کند که اصول و قواعد حقوقی، الزاماً تعیین کننده ماجرا نیستند و لازم است که ملاحظات دیگر نیز ارزیابی شود.

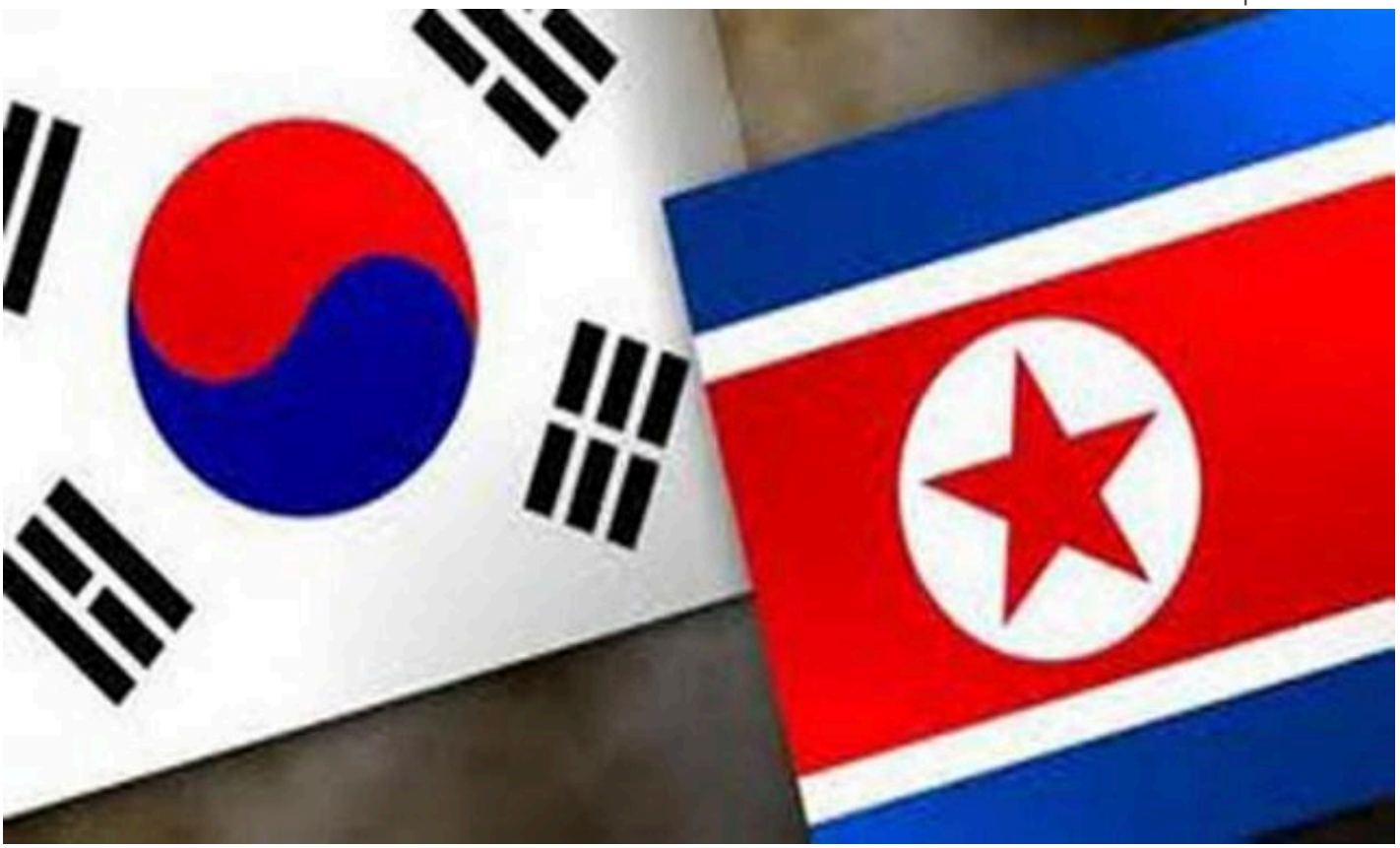
بیانیه مجمع تشخیص مصلحت درباره شایعات اخیر

بی تردید دو رسالت سترگ آگاهی افزایی و روشنی بخشی نسبت به ارتقا و جهت دهی به افکار عمومی از توقعات شفاف جامعه نسبت به رسانه ها به شمار می رود که باید براساس انصاف و صداقت نسبت به آن عامل باشند هر چند ممکن است برخی رسانه نماها از این جریان زلال استثنا باشند.

بنابراین با توجه به مخابره رسمی اخبار توسط روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخی رسانه های ضدانقلابی اقدام به جعل و گمانه زنی های خلاف واقع نموده اند که لازم است برای شایعه زدایی و تنویر افکار عمومی مطالب ذیل را تقدیم نماییم: بستری شدن حضرت آیت الله شاهرودی ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام در یکی از بیمارستانهای آلمان بنا بر توصیه اکید تیم پزشکی و بر خلاف تمایل ایشان بوده است و پس از بهبودی و طی روند درمانی در آلمان به ایران مراجعت نموده اند و در مجمع تشخیص مصلحت نظام و جایگاه های دیگر در خدمت مردم و انقلاب اسلامی خواهند بود.

چرا آمریکا از بهبود روابط دو کره ناخرسند است؟

۱۴-۱۰-۱۳۹۶ | ساعت ۱۰:۲۷



شفقنا- آمریکا اصلی ترین عامل تشدید تنش ها در شبه جزیره کره از اینکه دو کره در حال بهبودروابط هستند ناخرسند است.

به گزارش شفقنا به نقل از ایرنا، وزارت خارجه آمریکا از زمانی که دو کره موافقت کرده اند خط مستقیم تلفنی روابط راه اندازی کنند علاقه ای به اظهار نظر در این باره نشان نداده است. حتی خبرگزاری یونهاپ از کره جنوبی در یکی از تیترهای خبری خود نوشته است واشنگتن تمایلی به اظهار نظر در این باره نشان نمی دهد.

بهبود روابط دو کره می تواند باعث شود تا فروش تسلیحاتی آمریکا به کره جنوبی کاهش یافته و اعتراضات علیه حضور نظامی این کشور در شبه جزیره کره تشدید شود تا جایی که در سفر ترامپ به دو کشور ژاپن و کره جنوبی در اواخر سال ۲۰۱۷، این دو کشور موافقت کردند برای رفع کسری تجاری آمریکا، خریدهای نظامی بیشتری از آن کشور انجام دهند و ترامپ با بزرگ نمایی در موضوع توان نظامی کره شمالی تلاش کرد تا این کشورها را قانع کند به اسلحه های پیشرفته تری نیاز دارند.

او از ژاپن خواست تسلیحات و جنگنده های پیشرفته از آمریکا خریداری کند تا قدرت سرنگون کردن موشک های کره شمالی را داشته باشد و به کره جنوبی توصیه کرد برای حل مساله کسری تجاری آمریکا با آن کشور، خریدهای نظامی از جمله زیردریایی ها و

بالگردهای ضد زیردریایی بخرد و دو طرف به این توافق رسیدند که با حمایت های فنی، آمریکا برد موشک های کره جنوبی افزایش یابد.
طرح موضوع خرید تسلیحات آمریکایی توسط این دو کشور از جانب ترامپ، واکنش های مختلفی به دنبال داشت و باعث شد تا علاوه بر کارشناسان سیاسی، برخی سران جهان هم به این موضوع واکنش نشان دهند.
تا جایی که 'ولادیمیر پوتین' رییس جمهوری روسیه گفت استفاده برخی کشورهای فروشنده سلاح از کانون های مناقشه برای کسب درآمد غیرقابل قبول است.
او اعلام کرد برخی کشورهای فروشنده تسلیحات از کانون های مناقشه برای کسب درآمد استفاده می کنند چنین رویکردی در عرصه بین المللی غیرقابل قبول است.
این دیدگاه بیانگر آن است سفر ترامپ قبل از اینکه دارای طرحی برای حل مساله کره شمالی و یا کاهش بحران باشد رویکردی تجاری به ویژه تجارت تسلیحاتی داشته است رویکردی که به اعتقاد برخی صاحب نظران ترامپ به آن رسید.
در همین حال وزارت خارجه آمریکا در یک موضعگیری جداگانه که بیانگر ناخرسندی این کشور از برقراری رو.ابط دو کره است تاکید کرده مساله گفت و گوی دو کره و موضوع تسلیحات هسته ای کره شمالی را نمی توان به طور جداگانه دنبال کرد.
این کشور تاکید کرده است همچنان با کره جنوبی برای فشار وارد کردن بر کره شمالی در یک صف واحد قرار دارد.
اما کره جنوبی از بهبود روابط و برقراری خط تلفنی ابراز خرسندی کرده است و انتظار می رود هفته آینده طرفین در باره اعزام هیات ورزشی کره شمالی به بازی های المپیک زمستانی کره جنوبی و بحران در روابط، برای نخستین بار در ماه های گذشته گفت و گو کنند.
'مون جائه این' رییس جمهور کره جنوبی تاکید کرده است کشورش در کنار بهبود روابط و گفت و گوی دو کره به دنبال حل بحران هسته ای شبه جزیره کره نیز خواهد بود.
نیکی هیلی سفیر آمریکا در سازمان ملل هم گفته است تا زمانی که ممنوعیت هر نوع سلاح هسته ای برای کره شمالی اعمال نشود هیچ گفت و گویی را واشنگتن جدی تلقی نخواهد کرد.
کارشناسان و ناظران بر این باورند آمریکا در ادوار مختلف هربار شاهد بهبود روابط دو کره بوده برای جلوگیری از این روند سنگ اندازی کرده است تا همچنان پایگاه نظامی و ۲۸ هزار و ۵۰۰ نظامی خود را در کره جنوبی و شبه جزیره کره نگهدارد.

هکرهای مرتبط با سپاه نزدیکان روحانی را هدف می‌گرفته‌اند



محمدجواد ظریف و حسین فریدون از اهداف حملات گروهی بوده‌اند که با سپاه مرتبط بوده، عباس عراقچی را گروه دیگری هدف گرفته

مستنداتی دیده شده است که نشان می‌دهند هکرهایی از داخل ایران نزدیکان حسن روحانی، از جمله محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه را هدف قرار داده‌اند. بنا به مستندات موجود دست کم یکی از این گروه‌ها با سپاه پاسداران ارتباط داشته است.

بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل **گزارشی** درباره حملات سایبری از داخل ایران منتشر کرده و بخشی از مستندات این گزارش پیش از انتشار عمومی آن در اختیار بی‌بی‌سی فارسی و روزنامه نیویورک‌تایمز قرار گرفته است.

بنا بر این مستندات محمدجواد ظریف، حسین فریدون، مجید تخت روانچی، عباس عراقچی، حسام‌الدین آشنا و چند تن دیگر از مقام‌ها و نزدیکان حسن روحانی جزو هدف‌های حمله هکرهایی از داخل ایران بوده‌اند. شهیندخت مولاوردی، معاون وقت رئیس جمهور در امور زنان و خانواده یکی از اهداف در میان مقام‌های دولتی بوده که هک موفق او در بهار سال ۱۳۹۵ و پاییز ۱۳۹۶ رسانه‌ای شده است.

هکرها پس از در اختیار گرفتن حساب‌های گوگل و فیسبوک خانم مولاوردی از آنها برای هک شماری از روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زنان استفاده کردند و به آشنایان خانم مولاوردی، که به لینک دریافتی از حساب او اطمینان داشتند، جاسوس‌افزاری برای دانلود فرستادند.

متخصصان امنیت سایبری غربی، گروه هکری را که در بهار ۱۳۹۵ به خانم مولاوردی حمله کردند به عنوان «بچه‌گربه موشکی» (Rocket Kitten) می‌شناسند.

بچه‌گربه موشکی گروهی است که تصور می‌شود پشت **هک تلگرام** و ربودن شماره تلفن‌های ۱۵ میلیون کاربر ایرانی در سال ۱۳۹۵ بوده باشد.

این گروه علاوه بر حمله به خانم مولاوردی، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران و حسین فریدون، برادر حسن روحانی و رئیس دفتر پیشین او را نیز هدف گرفته و با فرستادن لینک‌هایی که به صفحات جعلی جی‌میل و گوگل‌درایو می‌رفتند، سعی در دزدیدن رمز عبور آنها داشته است.



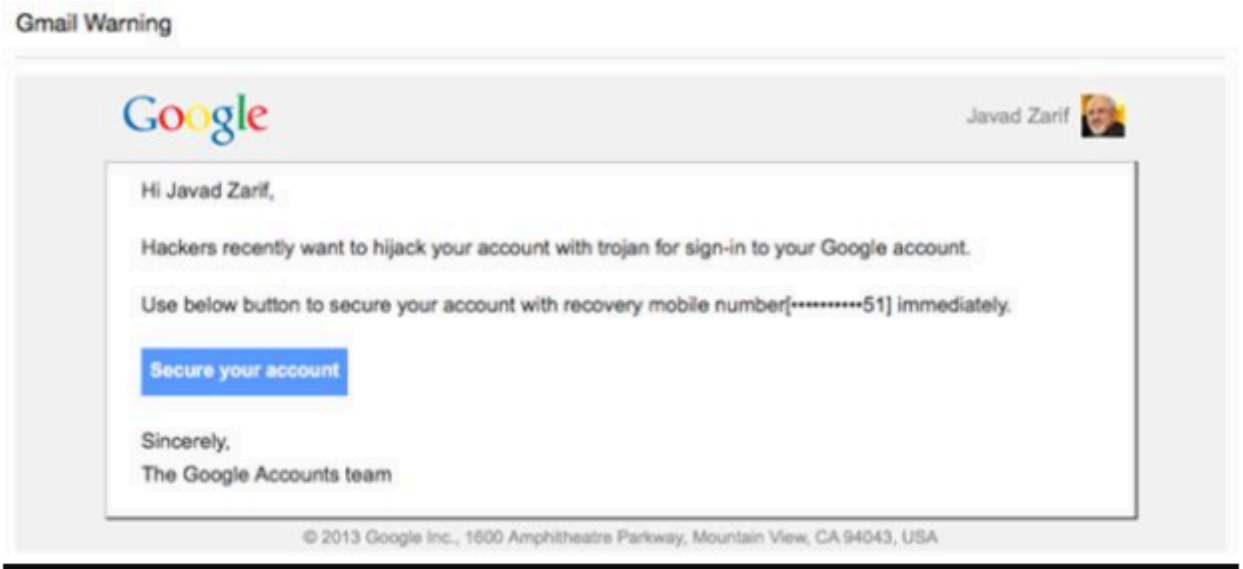
فیشینگ (Phishing) چیست؟

در حمله فیشینگ هکر به دنبال فریب قربانی است تا با او را به سایت‌هایی جعلی، که مشابه سرویس‌های واقعی چون گوگل و فیسبوک و... طراحی شده‌اند، هدایت کند.

برای این کار وبسایت جعلی علاوه بر اینکه ظاهری مشابه سایت اصلی دارد، آدرسی مشابه نیز دارد که می‌تواند قربانی را به اشتباه بیندازد. (مثلا qooqle.com به جای google.com)

معمولا ایمیلی ساختگی از طرف یک سرویس برای قربانی فرستاده می‌شود. مثلا ایمیلی که به دروغ از طرف جیمیل به او می‌گوید باید برای افزایش امنیت، تنظیمات حسابش، مانند رمز عبور را تغییر بدهد.

اگر قربانی فریب بخورد و به آن لینک برود، سایت قلابی از او می‌خواهد که رمزش را وارد کند. در صورتی که قربانی این کار را بکند هکرها به رمز او دسترسی پیدا می‌کنند و می‌توانند کنترل حسابش را در دست بگیرند.



صفحه ساختگی گوگل که به محمدجواد ظریف پیغام هشدار جعلی می‌دهد تا پس از وارد کردن مشخصات از طرف او رمزعبورش را بدزدد - این مورد مربوط به تلاش گروه هکری "بچه‌گربه پرنده" است نه "بچه‌گربه موشکی"



صفحه جعلی گوگل درایو که برای حسین فریدون فرستاده شد

البته هک مقام‌های ایرانی می‌تواند از طرف نهادهای اطلاعاتی خارجی هم انجام شود.
چنان که پیش از این گزارش شده و ادوارد اسنودن، کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا نیز گفته است، آمریکا بدافزار استاکس‌نت را برای جاسوسی و همچنین ایجاد اختلال در تجهیزات هسته‌ای ایران طراحی و استفاده کرد.
همچنین از میان موارد عمده حمله سایبری علیه مقام‌های ایران که رسانه‌ای شده‌اند، می‌توان به تلاش برای نفوذ به شبکه هتل‌های محل برگزاری مذاکرات هسته‌ای اشاره کرد. این تلاش برای نفوذ به گفته شرکت‌های امنیت سایبری کاسپرسکی و سیمانتک احتمالا کار اسرائیل بود.
اما حملات ذکرشده به شهیندخت مولادوردی، محمدجواد ظریف و حسین فریدون از داخل ایران انجام شده‌اند. و مستنداتی وجود دارد که گروه بچه‌گربه موشکی، یعنی عامل این حملات را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرتبط می‌کند.
باقر نمازی، استاندار خوزستان در دوران حکومت پهلوی و از کارکنان پیشین یونیسف، در زمستان ۱۳۹۴ در حالی که به ایران رفته بود تا پیگیر وضعیت پسرش، سیامک نمازی، از مدیران کرسنت و زندانی در ایران باشد، بازداشت شد.
چند ساعت پس از بازداشت آقای نمازی، و در حالی که بسیاری از نزدیکان او هنوز از بازداشتش مطلع نبودند، از حساب ایمیل او برای حملات "فیشینگ" (ربودن رمز عبور) استفاده شد و از آدرس او ایمیل‌هایی برای نزدیکانش فرستاده شد که آنها را به صفحه‌ای جعلی برای وارد کردن رمز عبور می‌برد. این صفحه جعلی از وبسایت‌های مورد استفاده گروه بچه‌گربه موشکی بوده است.
از آنجا که بازداشت آقای نمازی از طرف سپاه پاسداران انجام شده، و گروه بچه‌گربه موشکی پس از بازداشت او به ایمیلش

دسترسی پیدا کرده است، این گروه هکر قاعدتا باید با سپاه ارتباط داشته باشد.
طبق مستنداتی که بی‌بی‌سی مشاهده کرده، چند حمله دیگر نیز انجام گرفته که به ترتیب مشابهی گروه بچه‌گربه موشکی تنها از طریق در اختیار گرفتن اطلاعات بازداشت‌شدگان سپاه قادر به انجام آنها بوده است.
البته کالین اندرسون، پژوهشگر امنیت سایبری که گزارش کارنگی را تهیه کرده، می‌گوید به نظر می‌رسد گروه‌های هکری مانند بچه‌گربه موشکی در ایران، در قالب پیمانکاران و شرکت‌های کوچکی کار می‌کنند که ضرورتا همه فعالیت‌هایشان رسمی و وابسته به نهادهای حکومتی نیست.
شمار هکرها و هویت واقعی همه اشخاص در این گروه‌های هکری روشن نیست و دست کم در یک مورد یک شخص در دو گروه مختلف شناسایی شده، که می‌تواند به معنی ارتباط کاری یا سازمانی گروه‌ها با یکدیگر باشد.

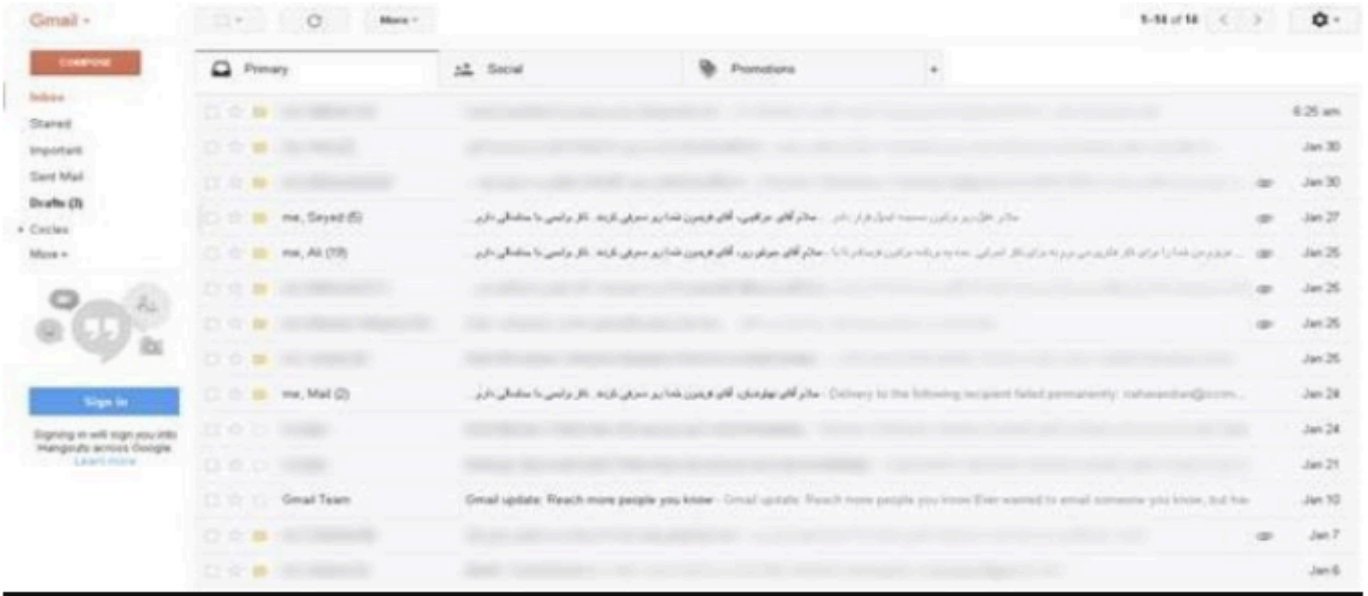
مستندات این گزارش چه طور به دست آمده؟
در مواردی قربانیان حملات با مختصصان امنیت سایبری تماس می‌گیرند و اطلاعات مربوط به حمله، مثلا ایمیل حاوی بدافزار یا لینک فیشینگ را به آنها می‌دهند.
ویژگی‌های فنی موجود در این مستندات بررسی می‌شود و به عنوان مثال آدرس فرستنده، نشانی اینترنتی (آی‌پی)، بدافزار یا صفحه فیشینگ مورد استفاده، سرورهای مورد استفاده و ردپاهای دیگری نظیر آن به دست می‌آید.
از آنجا که یک گروه مادامی که لو نرفته ممکن است از ابزارها، کدها و سرویس‌های مشابهی استفاده کند، می‌توان آن را شناسایی کرده و ردش را در حملات مختلف دید.
در مواردی بدافزارها و ذخیره‌سازی اطلاعات ربوده‌شده بر سرورهای مورد استفاده هکرها نقاط ضعف امنیتی دارند که اقدامات آنها را لو می‌دهد.
یک روش دیگر به دست آمدن چنین اطلاعاتی **"سینک‌هولینگ"** است. اصطلاحی که برای منحرف کردن مسیر اطلاعات استفاده می‌شود.
شیوه عمل در سینک‌هولینگ از این قرار است:
هر بدافزاری برای فرستادن اطلاعات ربوده‌شده از قربانی به هکر، اطلاعات را به آدرسی می‌فرستد. متخصصان امنیت سایبری می‌توانند در مواردی اطلاعات را رهگیری کنند و به طور کامل به آنچه هکر می‌بیند دسترسی داشته باشند.
مستندات مورد استناد در این گزارش هر یک به یکی از این شیوه‌ها به دست آمده است.
گروه مشهور به بچه‌گربه موشکی تنها گروهی نیست که در سال‌های اخیر از داخل ایران مقام‌ها و چهره‌های نزدیک به حسن روحانی را هدف گرفته است.
از میانه زمستان ۱۳۹۲ تا بهار ۱۳۹۳ گروهی دیگر، که شرکت‌های امنیت سایبری غربی آن را به نام "بچه‌گربه پرنده" (Flying Kitten) می‌شناسند به شماری از چهره‌های دیپلماتیک حمله کرد.
علاوه بر محمدجواد ظریف، عباس عراقچی، مجید تخت‌روانچی، صادق خرازی، حسین موسویان و سیروس ناصری هدف گروه بچه‌گربه پرنده قرار گرفتند.
مقطعی که این حملات طی آن رخ داده‌اند بین توافق موقت ژنو و توافق جامع هسته‌ای است.
در این مدت هکرهای بچه‌گربه پرنده با دست کم دو ایمیل جعلی که مشابه ایمیل‌های آشنایان مقام‌های دولت و اطرافیان حسن روحانی بوده، تلاش کرده‌اند تا با آنها ارتباط برقرار کرده و فریبشان دهند که فایلی را از طریق ایمیل دانلود و نصب کنند. فایلی که قاعدتا جاسوس‌افزار بوده است.
چنان که از اطلاعات لو رفته از این دو اکانت جعلی برمی‌آید، مقام‌های دولت حسن روحانی چندین مکاتبه با هکر داشته‌اند.

هک مقام‌ها و حاکمیت دوگانه

بهرنگ تاج‌دین - بی‌بی‌سی فارسی

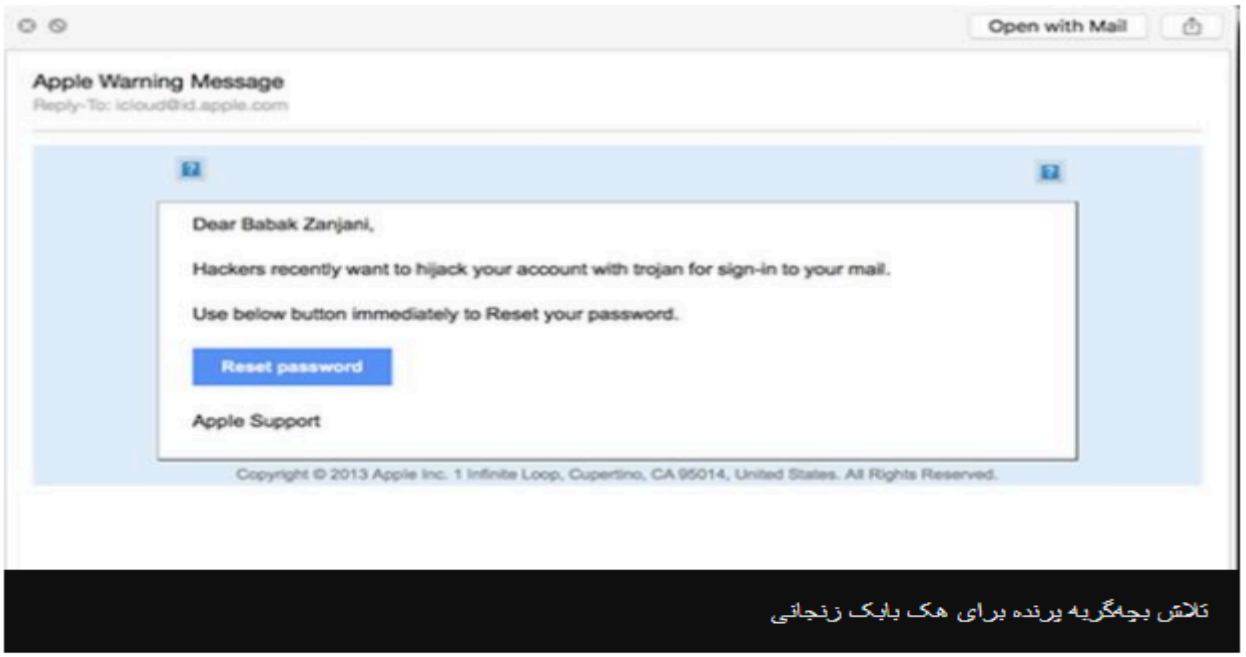
شاید انتظار می‌رفت که مقام‌های ایرانی برای هکرهای "مرتبط با سپاه پاسداران" خط قرمز محسوب شوند. ولی نکته غافلگیرکننده این است که طبق مدارکی که بی‌بی‌سی فارسی دیده، این گروه‌ها بین وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران با یک فعال حقوق بشر در خارج از کشور، گروه‌های جدایی‌طلب یا نهادهای نظامی آمریکایی و اسرائیلی فرقی قائل نمی‌شوند.
نمی‌دانیم آیا یک فرمانده سپاه اجازه یا دستور حمله سایبری به محمدجواد ظریف، حسین فریدون و دیگران را داده یا این گروه‌ها "سرخود" عمل کرده‌اند، ولی تلاش‌های مکرر برای چنین حملاتی از داخل ایران، تا حدی که یک گروه چند سال وزیر مسئول مهم‌ترین مذاکرات تاریخ جمهوری اسلامی را زیر حمله دارد، نشان می‌دهد این گروه‌ها امنیت و اختیار عمل بالایی دارند؛ چیزی که نمی‌تواند از چشم و گوش مقام‌های عالی‌تر پنهان بماند.
این حمله‌ها می‌توانند نظریه "حاکمیت دوگانه" در ایران را تقویت کنند. جایی که حتی اعضای کابینه و افراد نزدیک به آن را هم می‌توان به چشم غیرخودی و "دشمن" بالقوه دید.
محکومیت حبس پنج ساله عبدالرسول دری اصفهانی، عضو تیم مذاکرات به هسته ای، به اتهام جاسوسی، شاهدی بر این دوگانگی است تا جایی که وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه به صورت علنی درباره جاسوس بودن او اختلاف نظر دارند.
یکی از نکات جالبی که از این حملات برمی‌آید استفاده بسیاری از مقام‌های ایرانی از سرویس‌های جیمیل و یاهو است،

سرویس‌هایی که سرور آنها در ایران نیست و دسترسی نهادهای امنیتی غربی به اطلاعات آنها آسانتر از دسترسی به اطلاعات سرویسی در داخل ایران است.
البته روشن نیست مقام‌های ایرانی هدف حمله هکرها از حساب‌های ایمیل جیمیل و یاهو برای مکاتبات شخصی استفاده کرده‌اند یا مکاتبات رسمی. هرچند صفحه گوگل درایو جعلی که برای هک حسین فریدون استفاده شد مدارکی با مهر "محرمانه" در خود دارد، یعنی تصور هکرها، که به دنبال بازسازی صفحه‌ای جعلی مشابه صفحه ورود گوگل درایو شخصی آقای فریدون بوده‌اند، این بوده است که آقای فریدون ممکن است مدارکی محرمانه را در گوگل درایو خود ذخیره کند.

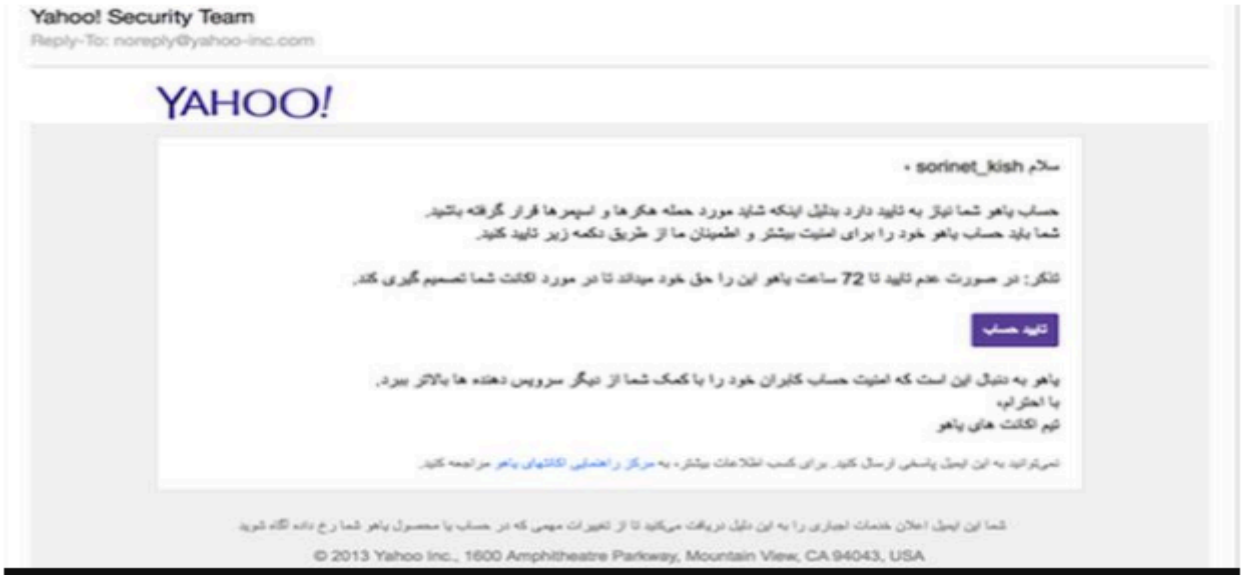


بچه گربه پرنده با ایمیلی که شبیه یکی از آشنایان مقام‌های دولت بوده با آنها مکاتبه می‌کرده تا برایشان بدافزار بفرستد

گروه بچه‌گربه پرنده نیز مانند گروه بچه‌گربه موشکی تنها به مقام‌های دولتی نپرداخته است.
یکی از اهداف عمده این گروه بابک زنجانی، سرمایه‌دار مشهور ایرانی بوده است.
چند ماه پیش از آن که آقای زنجانی دستگیر شود، هکرهای بچه‌گربه پرنده سعی می‌کردند در حساب او، خواهرش و همچنین مدیر وبسایتش نفوذ کنند.



تلاش بچه‌گربه پرنده برای هک بابک زنجانی



تلاش گربه‌پرنده برای هک شرکت سوری‌نت

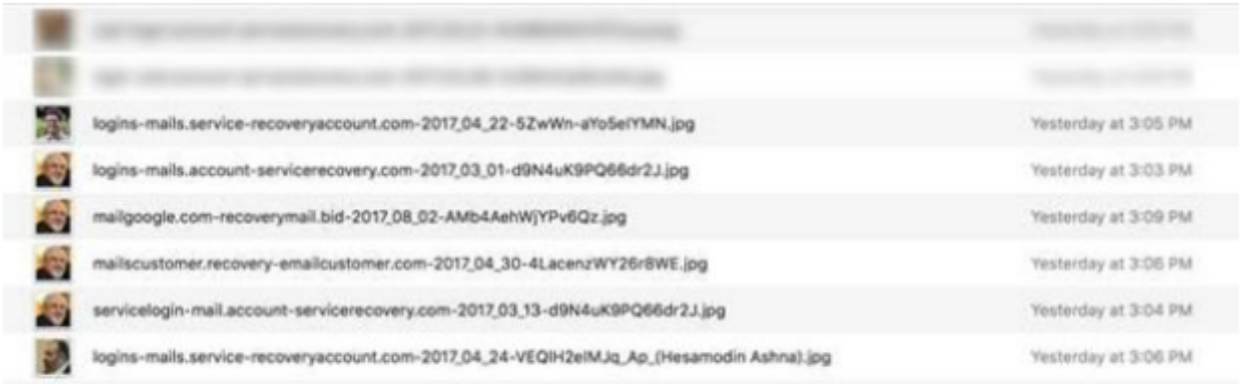
احتمالا همین گروه بچه‌گربه پرنده به دنبال هک مایکل فلین، مشاور امنیت ملی پیشین دونالد ترامپ، و باب کورکر، رئیس کمیته روابط خارجی نیز بوده است.
به همین ترتیب، حملات گروه بچه‌گربه موشکی که با سپاه مرتبط بوده، محدود به مقام‌های دولت حسن روحانی نبوده است، بلکه آنها به اهدافی در آمریکا، عربستان سعودی، اسرائیل و همچنین روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی ایرانی نیز حمله کرده‌اند.
اقدام نهادهای امنیتی یک کشور برای جمع‌آوری اطلاعات یا ایجاد اختلال در کشورهایی که با آنها دچار تنش هستند، و همچنین اقدام مشابه علیه فعالان سیاسی و خبرنگاران نامعمول نیست، اما اقدام هکرهای مرتبط با یک نهاد امنیتی به نفوذ در حساب‌های مقام‌های دولت خود کم‌سابقه به نظر می‌رسد.

بخشی از چت هکرها با هم

-چند نفرو می‌خواهم بیارم. کلاً تعداد ما خیلی کمه
+اگر کسی رو می‌شناسی بهم معرفی کن برای استخدام. من به حاجی میگم
(چهار روز بعد)
-برای اون قضیه اضافه کردن خودمون چند نفرو پیدا کردم. بقیه رو واجا [وزارت اطلاعات] درو کرده بود
+بهش گفتی برای کجا قراره بیاد؟
-گفتم شرکت ... شرکت معمولی
+اگر بهش بگیم برای کجا قراره کار کنه جا می زنه؟
-نه.

+فقط جلو روش بهش بگو. تو تلفن نگو
-ببین به نظر من میخواهی آدم بیارم وعده آنتالیا و تایلند بدید
+من فقط میتونم وعده قم جمکران بدم
-مک رو برای بد افزار می‌خواهی؟
+نه صرفاً بدافزار. یه حوزه جدید داریم شروع می‌کنیم. الزاماً بدافزار نیست. ولی بالاخره پروژه هاش با دیدگاه امنیتیه
-می‌گم جایی سراغ نداری بشه سربازی دوستمو درست کنم؟
+تخصصی تو هیچ زمینه‌ای داره؟
-قبلن هک برنامه‌نویسی می‌کرد. خیلی قدیمیه. الان فروشندگی می‌کنه
+شنبه یادم بنداز یه سؤال کنم ببینم اگر شد هماهنگ کنم بره سپاه تهران. احتمالاً با لباس شخصی اوکی نمی‌شه. ولی در عوض خدمتش راحته.
-اینجا که بچه‌های خودمونند خیلی هتله خداییش

بهار سال ۱۳۹۶ حملات فیشینگ دیگری هم علیه محمدجواد ظریف و حسام‌الدین آشنا انجام شد.
مختصصان امنیت سایبری گروه مسئول این حملات را "بچه‌گربه دلربا" (Charming Kitten) نامگذاری کرده‌اند.
مستندات موجود حاکی از آن است که این گروه چندین بار برای فریب دادن محمدجواد ظریف صفحات جعلی ساخته که اطلاعات او را بدزدند.
همان سروری که برای حمله به آقایان ظریف و آشنا استفاده شده بود، برای ساخت صفحات جعلی و هدف گرفتن فعالان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران، از جمله بهرنگ تاج‌دین، خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی نیز مورد استفاده قرار گرفت.



فهرستی از برخی هدف‌های حمله گروه هکری بچه‌گربه دلربا

کالین اندرسون می‌گوید عملیات سایبری گروه‌های هکری داخل ایران از سال ۱۳۸۸ به بعد افزایش پیدا کرده است، چرا که در آن مقطع هم اعتراضات جنبش سبز در جریان بوده که انبوهی از فعالان و خبرنگاران را به اهداف مورد نظر برای جمع‌آوری اطلاعات تبدیل کرد.
در عین حال حملات استاکس‌نت هم در همان مقطع شروع شد.
آقای اندرسون می‌گوید: "حکومت خودش را از دو جبهه تحت حمله می‌دید که هر دو هم به اینترنت مربوط بود. به نظر می‌آید از آن موقع ایران گروه‌های هکر کوچکی را به خدمت گرفت تا علیه رقبایش دست به عملیاتی بزنند."
گزارش کارنگی می‌گوید پیچیدگی و سطح فنی عملیات گروه‌های هکر ایرانی قابل مقایسه با عملیات قدرت‌های غربی یا چین و روسیه نیست.
پدیده "فرار مغزها" و مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج، در این گزارش به عنوان یکی از عوامل محدودیت توانایی ایران در انجام حملات پیچیده‌تر ذکر شده است.
این گزارش می‌گوید هکرهای احتمالا مرتبط با نهادهای امنیتی ایران در اغلب موارد به دزدیدن اطلاعات تجاری و صنعتی یا بانک اطلاعات دولتی دست نزده‌اند و اغلب به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌اند و یا در مواردی مانند حمله به آرامکو در عربستان سعودی، اقدامشان حرکتی انتقام‌جویانه بوده است.
کارنگی پیش‌بینی می‌کند که با بالا گرفتن دوباره تنش میان ایران و آمریکا، گروه‌های هکر ایرانی حملاتی را، مانند حمله سال گذشته به سدی در نیویورک، ترتیب بدهند.

کودتا در اردن یا جوسازي؟

۱۲-۱۰-۱۳۹۶ | ساعت ۱۷:۳۲



شفقنا- دربار سلطنتی اردن به گزارش های امنیتی ای دست یافته بود که از کودتایی قریب الوقوع در داخل کاخ سلطنتی حکایت می کرد، برای همین دستور به حصر خانگی دو برادر شاه یعنی فیصل و علی بن الحسین و شاهزاده طلال بن محمد داده شد.

به گزارش شفقنا به نقل از دیپلماسی ایرانی، اردن سال جدید میلادی را با خبری شوکه کننده آغاز کرد. اگر چه دولت این کشور تلاش کرد از شدت هیجانات بکاهد و هر گونی نگرانی درباره آینده حکومت این کشور را برطرف کند.

طی روزهای اخیر شبکه های اجتماعی و برخی سایت ها اخباری را منتشر کردند مبنی بر این که دستور داده شده است تا سه شاهزاده اردنی مذکور بازنشسته شوند. به گفته این رسانه ها دربار سلطنتی اردن به گزارش های امنیتی ای دست یافته بود که از کودتایی قریب الوقوع در داخل کاخ سلطنتی حکایت می کرد، برای همین دستور به حصر خانگی دو برادر شاه یعنی فیصل و علی بن الحسین و شاهزاده طلال بن محمد داده شد. به گفته این سایت ها این افراد در تماس دائم با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی و محمد بن زاید، ولیعهد امارات متحده عربی بودند و قصد داشتند با پشتیبانی و کمک آنها کودتایی در درون اردن انجام دهند و ملک عبدالله دوم را از سلطنت خلع کنند. گفته می شود که سازمان امنیت اردن این توطئه را کشف کرد و با اطلاع دادن به پادشاه جلوی وقوع آن را گرفت. دربار سلطنتی دستور به بازنشستگی شاهزاده های مذکور را رد کرده اما هیچ اظهار نظری درباره بودن یا نبودن کودتا نکرده است. مساله ای که همچنان این شائبه را در اذهان حفظ کرده که احتمالا کودتایی در کار بوده و خنثی شده است.

دولت اردن اعلام کرد که هر کس به نشر شایعه و اطلاعات دروغ درباره بازنشستگی

شاهزاده های اردنی یعنی فیصل بن الحسین و علی بن الحسین، دو برادر ملک عبدالله دوم، شاه اردن و طلال به محمد از ارتش مبادرت ورزد بازداشت و محاکمه خواهد شد.
یک مقام رسمی که نخواست نامش فاش شود به روزنامه رای الیوم گفت که دولت اردن در حال رصد شبکه های مختلف اجتماعی و سایت های اینترنتی است تا کسانی که به نشر اکاذیب، شایعات و ادعاهای دروغ مبادرت کرده اند را برای محاکمه تحویل دستگاه قضایی کشور بدهد.
به گفته این مقام، دربار سلطنتی اردن از دولت این کشور خواسته است تا تمامی کسانی که اقدام به نشر اکاذیب کرده اند و در حال حاضر زیر نظر هستند را تحویل دستگاه قضایی بدهد.
بر اساس اطلاعاتی که به رای الیوم رسیده قرار است به زودی اعلام شود افرادی در این رابطه دستگیر شده اند اما هنوز اعلام نشده که نام این افراد یا طرف های ذی ربط چه بوده است.
درباره پادشاهی اردن روز شنبه بیانیه ای صادر کرده که در آن آمده بود «بعضی از سایت ها و شبکه های اجتماعی شایعات و ادعاهای باطل و مغرضانه ای را منتشر کرده بودند که هدف از آن توهین و تخریب وجهه شاهزاده ها، فیصل بن الحسین، علی بن الحسین و طلال بن محمد بود.»
در ادامه این بیانیه آمده بود: «درباره سلطنتی تمامی کسانی که اقدام به توهین یا نشر اکاذیب کرده و ادعاهای باطلی را درباره شاهزادگان و خانواده شاهنشاهی مطرح کرده اند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد داد چرا که انتشار چنین اخبار خلاف واقعی با هدف توهین به اردن و نهادهای آن صورت گرفته است.»

در ایران بازیگران زن متاهل هیچ پیشنهادی برای کار ندارند

بازیگر فیلم بچه‌های جسور گفت: اتفاق تاسف باری که این روزها بسیار دیده می شود این است که بازیگران زنی که شوهر دارند پیشنهادات بسیار کمی به آنها می شود و اگر شما مجرد باشید به راحتی برای نقش ها دعوت می شوید.

لیلا بوشهری بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان، در خصوص فعالیت‌های خود در عرصه بازیگری گفت: به تازگی بازی در فیلم سینمایی با موضوع کودکان را به کارگردانی "علی پویان" به پایان رسانده ام اما این روزها بیشتر به فکر این هستم که خودم وارد عرصه کارگردانی و ساخت اثر شوم. پیش از این سابقه کارگردانی تئاتر را داشته ام اما این نخستین تجربه تصویری من خواهد بود.

بازیگران زن متاهل در سینمای ایران هیچ پیشنهادی برای کار ندارند/همه چیز در سینمای ایران پول است و پول

وی در رابطه با کم کاری خود در سینما افزود: این روزها وضعیت بازیگری در سینما اصلاً خوب نیست و هر شخصی که پول داشته باشد به هر چه که می‌خواهد می رسد. بارها به من پیشنهاد بازی داده شده و وقتی به دفتر سینمایی می‌روم می‌گویند چقدر پول داری. این روزها شما بدون حتی اندکی تجربه می‌توانید با فراهم آوردن پول نقش اول را بازی کنید.

بازیگر فیلم "بچه‌های جسور" با اشاره به لابی بازی در سینما تاکید کرد: روابط در سینمای ایران بیداد می‌کند. شما باید برای حضور مداوم رابطه داشته باشید و اگر نه سالها باید در انتظار پیشنهادات خوب بمانید. وضعیت سینما سالهاست که این چنین شده و کاری نمی توان کرد اما من همیشه گلیم خود را از آب بیرون کشیده ام.

بازیگران زن متاهل در سینمای ایران هیچ پیشنهادی برای کار ندارند/همه چیز در سینمای ایران پول است و پول

وی از وجود روابط نادرست در سینما پرده برداشت و ادامه داد: اتفاق تاسف باری که این روزها بسیار دیده می شود این است که برخی از بازیگران زنی که متاهل هستند پیشنهادات بسیار کمی به آنها می شود ولی اگر مجرد بودند به راحتی برای نقش ها دعوت می شدند. این اتفاق به شدت در سینما رایج شده است. این بازیگران مجرد به سینما وارد شده و با خودشان سرمایه هم می آورند و تبعاً به نقش های بسیار بزرگ نیز خواهند رسید.

بوشهری سینما را اسیر پول خواند و خاطرنشان کرد: همه چیز در سینمای ایران پول است و پول. شما پول داشته باشید یک روزه بازیگر و کارگردان می شوید. این روزها تهیه کنندگانی حضور دارند که فیلمشان را با پول بازیگران تولید می‌کنند. اینها لیستی را جلوی بازیگر می‌گذارند که برای هر نقش قیمت مشخصی را اعلام می کنند.

ثبت‌نام اولین کاندیدای زن مسلمان در انتخابات روسیه / رقیب محجبه پوتین آمد

رسانه‌های روسیه گزارش دادند یک زن مسلمان نیز به فهرست کاندیداهای ریاست جمهوری رقیب ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در انتخابات ماه مارس این کشور اضافه شده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



رسانه‌های روسیه گزارش دادند یک زن مسلمان نیز به فهرست کاندیداهای ریاست جمهوری رقیب ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در انتخابات ماه مارس این کشور اضافه شده است.

به گزارش ایسنا، به نقل از آرتی، این کاندیدا به نام آینا گامزاتوا، یک خبرنگار زن مسلمان و همسر و مشاور مفتی اعظم جمهوری داغستان روسیه است.

او همچنین ریاست بزرگترین گروه رسانه‌ای مسلمان در روسیه را به عهده داشته و روز دوشنبه به عنوان کاندیدا نزد کمیته مرکزی انتخابات این کشور ثبت‌نام کرد.

او اواخر ماه دسامبر از سوی یک گروه محلی در جمهوری داغستان به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری انتخاب

شد.
گامزاتوا همسر مفتی اعظم داغستان بوده و همچنین مشاور او در امور دولتی و روابط عمومی محسوب می‌شود.
این زن ۴۶ ساله ریاست چند سازمان خیریه را نیز به عهده دارد.
او به عنوان یک کاندیدای مستقل بدون پشتیبانی یک حزب ثبت‌نام کرده و به این ترتیب باید ۳۰۰ هزار امضا از سوی حامیانش در همه مناطق روسیه جمع آوری و ارائه کند.
این در حالی است که برحسب قانون در روسیه کاندیداهای احزاب حاضر در پارلمان مجبور به جمع آوری این امضاها نیستند و کاندیداهایی که مورد حمایت احزاب بدون نماینده در پارلمان قرار می‌گیرند هم باید ۱۰۰ هزار امضا جمع کنند.
گامزاتوا اولین کاندیدای ریاست جمهوری زن مسلمان در روسیه بوده و هنوز برنامه انتخاباتی خود را ارائه نداده است و صرفا بر مسائلی نظیر اتحاد و انسجام ملی تاکید کرده است.
با این حال او از سوی گروه‌های مسلمان در روسیه مورد حمایت قرار گرفته و حتی توجه برخی رسانه‌های بین‌المللی و رسانه‌های کشورهای دیگر را نیز جلب کرده است.
پیشتر یک زن روسی دیگر به نام "کسنیا سوبچاک" که ریاست نسخه روسی زبان یک مجله مد بین‌المللی را نیز به عهده دارد به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری روسیه ثبت‌نام کرد.
فهرست کاندیداهای ریاست جمهوری زن در روسیه علاوه بر وی شامل دیگر چهره‌ها و سیاستمداران شناخته شده و همچنین برخی کاندیداهای غیرمعمول از جمله یک اپراتور جرثقیل به نام ناتالیا لیسیت سینا می‌شود.
قرار است انتخابات ریاست جمهوری روسیه در تاریخ ۱۸ مارس برگزار شود.
انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۸ روسیه در روز ۱۸ مارس (۲۷ اسفندماه) در سراسر این کشور برگزار می شود.
ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور کنونی روسیه تصمیم خود برای شرکت در دور جدید انتخابات ریاست جمهوری این کشور را در تاریخ ۶ دسامبر سال جاری اعلام کرد.







مقایسه رفتار آیت الله هاشمی و احمدی‌نژاد نسبت به برخورد با نزدیکان‌شان؛

آیت الله هاشمی چگونه رفتار کرد؛احمدی‌نژاد چه می‌کند؟!

اعتراض به شیوه عملکرد قوه قضائیه در صدور احکام معمولا با واکنش فرد متضرر از حکم های صادر شده، همراه می شود. این واکنش در بین سیاسیون هم قابل توجه و جالب است. در روزهایی که مواجه شده با اولین سالگرد درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی در این گزارش به بررسی دو شیوه برخورد با احکام صادره از سوی قوه قضائیه پرداخته ایم؛ واکنش آیت الله مرحوم در خصوص احکام قوه قضائیه در مورد فرزندانش و واکنش «محمود احمدی نژاد» به احکام قضایی صادر شده علیه یارانش.

کد خبر:۷۶۲۹۸۰
تاریخ انتشار:۲۰ دی ۱۳۹۶ - ۰۹:۳۳10 January 2018

اعتراض به شیوه عملکرد قوه قضائیه در صدور احکام معمولا با واکنش فرد متضرر از حکم های صادر شده، همراه می شود. این واکنش در بین سیاسیون هم قابل توجه و جالب است. در روزهایی که مواجه شده با اولین سالگرد درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی در این گزارش به بررسی دو شیوه برخورد با احکام صادره از سوی قوه قضائیه پرداخته ایم؛ واکنش آیت الله مرحوم در خصوص احکام قوه قضائیه در مورد فرزندانش و واکنش «محمود احمدی نژاد» به احکام قضایی صادر شده علیه یارانش.

به گزارش «تابناک»، اگرچه مرحوم آیت الله «اکبر هاشمی رفسنجانی» از جمله مبارزان پشتاز انقلاب اسلامی بود که رهبری او را یار دیرین انقلاب خوانده و امام (ره) درباره او گفت که «نهضت زنده است تا هاشمی زنده است» اما او در این راه ملایمات و ناملایمات زیادی دید که از جمله آن می توان به زندانی شدن 2 تن از فرزندانش و دادگاهی شدن یکی دیگر از فرزندان او اشاره کرد.

اگرچه قوه قضائیه رأی به زندانی شدن 2 فرزند هاشمی داد و یک فرزند دیگر او را محکوم به زندان کرد و در نهایت تبرئه، اما رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام هیچگاه به دستگاه قضایی و مسئولان آن تعرضی نکرد و بر رأی صادر شده علیه فرزندانش گردن نهاد. اوج فهم او از لزوم ندادن بهانه به دست معاندان جمهوری اسلامی جایی است که در واکنش به بازداشت فائزه و مهدی هاشمی، اظهار کرد که «فرزندان وی با فرزندان مردم فرقی ندارند.»

در زمان مراجعت «مهدی هاشمی» به زندان خانواده هاشمی رفسنجانی، فیلمی را منتشر کرده‌اند که در آن «اکبر هاشمی رفسنجانی»، با خواندن دعایی برای پسر خود، مهدی، وی را بدرقه زندان اوین می‌کند. خبرگزاری فارس در همان زمان به نقل از «محسن هاشمی» که در پاسخ به سئوالی درباره نظر پدرش در مورد بازداشت مهدی و فائزه اظهار نظر کرده بود، نوشت: «ایشان می‌گویند، بچه‌های من مثل بچه‌های بقیه افراد هستند و فرقی بین بچه های من با بچه مردم نیست.»

فرزند ارشد آیت الله مرحوم نظر پدر در مورد زندان رفتن «مهدی هاشمی» و اجرای حکم «فائزه هاشمی» برای تحمل 6 ماه حبس را اینگونه عنوان کرده بود که «نظر ایشان این است که نباید تبعیضی صورت بگیرد و باید بدون تبعیض با فرزندان ایشان برخورد شود»

«محسن هاشمی» با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جویای حال مهدی و فائزه است، گفت: «ایشان از بازداشت مهدی و فائزه نگران نیستند؛حاج آقا به این بحران‌ها عادت دارند.»

اظهار نظر غیر رسمی هم به نقل از مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی در همان برهه منتشر شده که اینگونه بود: «مطلب این است که یک گروه با اهداف تخریبی هرچه دلشان می‌خواهد، می‌گویند. مهدی مجموعه کارهای آن‌ها را جمع کرده که در سایت‌ها، تریبون‌ها و روزنامه‌ها گفته و نوشته‌اند. این فشارها روی قاضی خیلی اثر می‌گذارد. نمایندگان مجلس آن‌گونه حرف می‌زنند. یک نماینده مجلس موضوعی را که سه بار در مجلس رد شده، تکرار می‌کند و دروغ هم می‌گوید. با این وضع قاضی باید خیلی شجاع باشد که در این فضا رأی بدهد.»

او درباره حکم صادره علیه فرزندانش گفته بود که « من نمی‌خواهم دخالت کنم. من از اول به رهبری و رئیس قوه‌قضاییه و همه گفته‌ام. قاضی را نمی‌شناسم و هیچ وقت ندیده‌ام. به این‌ها گفتم اگر مهدی جرمی کرده باشد، ترجیح من این است در دنیا جزایش را ببیند و به آخرت نیفتد. چون آخرت خیلی سخت است و اگر جرمی نکرده، این در شأن جمهوری اسلامی نیست که انسانی را که جرم ندارد، به دلیل مسائل سیاسی، متهم یا محکومش کنند. من باید از جمهوری اسلامی دفاع کنم.»

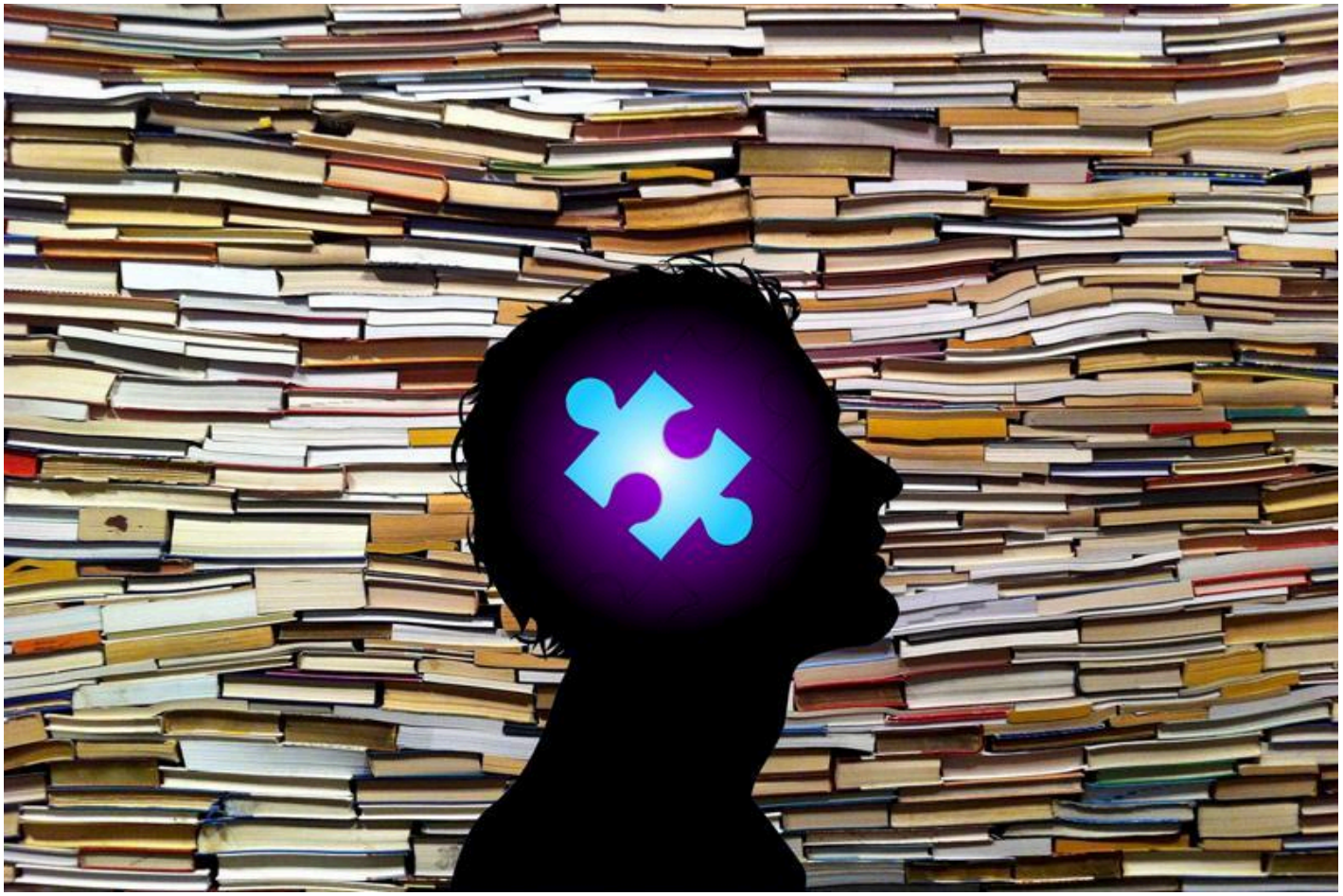
همه اینها در حالی است که «فائزه هاشمی» در همان زمان از سوی ماموران امنیتی بازداشت و برای اجرای حکم شش ماه حبس خود به بند امنیتی زندان اوین منتقل شد. همچنین «مهدی هاشمی» بیش از 28 جلسه در دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه محاکمه شد و سرانجام این فرد به ترتیب زیر و براساس مواد قانونی اعلام شده محکوم شد.

براساس ماده 5 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، نامبرده متهم به اخذ رشوه و اختلاس 600 میلیونی تومانی بود که براساس این ماده قانونی، وی به 10 سال حبس، رد مال 600 میلیون تومانی و 1.2 میلیارد تومان جزای نقدی و همچنین انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم شد.

براساس ماده 3 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، این فرد متهم به ارتشاء به

مبلغ 5 میلیون و 200 هزار دلار بود که براساس همین ماده قانونی به 10 سال حبس، رد مال به مبلغ 5.2 میلیون دلار و جزای نقدی معادل همان مقدار (5.2 میلیون دلار) و انفصال دائم از خدمات دولتی به همراه 50 ضربه شلاق محکوم شد.
براساس ماده 610 قانون مجازات اسلامی، نامبرده به 5 سال حبس محکوم شد.
با رعایت ماده 134 قانون مجازات اسلامی در مقام اجرا، اشد این احکام که همان 10 سال است اجرا خواهد شد.
فائزه، دختر اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت ایران به ۶ ماه زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیت و عضویت در احزاب، فضای مجازی و فعالیت رسانه‌ای و مطبوعاتی محکوم شده بود. قاضی صلواتی ریاست دادگاه وی را بر عهده داشت.
بر اساس اعلام «غلامعلی ریاحی» وکیل «فائزه هاشمی» او توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به شش ماه حبش قطعی محکوم شده است. بر اساس این حکم وی به مدت ۵ سال حق عضوی در «احزاب، گروه‌ها، انجمن‌ها و فضای مجازی و فعالیت رسانه‌ای و مطبوعاتی» را نخواهد داشت.
«فاطمه هاشمی» دیگر فرزند آیت الله هاشمی به اتهام انتساب مطالب خلاف واقع به روسای قوای قضاییه و مقننه به شعبه 12 بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه احضار و حدود یک ماه بعد برای او قرار مجرمیت صادر و پرونده وی به شعبه اول دادگاه انقلاب ارسال و در نهایت دادگاه فاطمه هاشمی در شعبه اول دادگاه انقلاب برگزار شد. «سیدوحید ابوالمعالی» در خصوص حکم صادره علیه موکل خود اعلام کرده بود: دادگاه، فاطمه هاشمی را به 6ماه حبس تعزیری محکوم کرده البته وی در ادامه نیز خاطرنشان کرد: اجرای این مجازات به مدت دو سال معلق شده است. البته او چندی بعد در این پرونده از دادگاه حکم برائت گرفت.
بر خلاف رویه و رویکرد مرحوم آیت الله «هاشمی رفسنجانی» و درست در نقطه مقابل آن می توان «محمود احمدی نژاد» را یاد کرد. رئیس دولت های نهم و دهم که در دوران صدراتش هم نشان داده بود که به نزدیکان خود حساسیت زیادی دارد و حتی وقتی سخن از برخورد احتمالی با برخی اطرافیان او شد. احمدی نژاد کابینه و اطرافیان خود را خط قرمز خودش عنوان کرد و اجازه رسیدگی به تخلفات احتمالی را نداد.
رئیس دولت های نهم و دهم پس از جدی شدن مساله برخورد با برخی اطرافیانش از سوی دستگاه قضایی، رویکرد تندی در پیش گرفت و موضوعات و مسائل اثبات نشده ای را به رئیس دستگاه قضا و برخی مسئولان قضایی و حتی رئیس قوه مقننه نسبت داد؛ مساله ای که با اقبال جدی رسانه های معاند جمهوری اسلامی مواجه شد.
او در نامه های متعدد و ویدئوهای مختلف پس از بازداشت «حمید بقایی» ضمن اعتراض به بازداشت او بی هیچ قید و شرطی خواستار آزادی فوری وی شده و مسائل مطرح شده و اتهامات او را واهی خوانده بود. «محمود احمدی نژاد» در اظهارنظرهای مختلف با انتقاد تند از «آیت الله صادق لاریجانی» و برخی مقامات ارشد دستگاه قضایی در اظهار نظری عجیب خواستار کناره گیری رئیس قوه قضائیه شده بود.
همچنین پس از اظهارنظر رئیس قوه قضائیه پیرامون رئیس دولت های نهم و دهم و اطرافیان او در جمع دانشجویان، احمدی نژاد در ویدئویی ضمن انتقاد از آیت الله آملی لاریجانی گفته بود که او که ما را به فساد متهم می کند، دو روز فرصت دارد مدارک را ارایه بدهد، وگرنه علیه او افشاگری می کنم. اگرچه افشاگری او بیشتر شبیه اظهار نظرهای پیشینش و بیان سخنان بدون سند و مدرک علیه افراد بود.
انتشار ویدئوهایی در مورد عملکرد قوه قضائیه و وارد کردن اتهامات بدون سند و مدرک و طعنه زدن به برخی افراد و عملکردها، اقدم عجیب در تعیین ضرب العجل 48 ساعته پس از سخنرانی رئیس قوه قضائیه و زیر سئوال بردن دستگاه قضایی و احکام صادره از سوی این دستگاه و طرح موضوعات بی پایه و اساس علیه رئیس دستگاه قضایی و ... از جمله رویکردهایی است که احمدی نژاد پس از جدی شدن احتمال برخورد با اطرافیانش آن را اتخاذ کرد.
اینها همه نشان می دهد که او و نزدیکانش سخنانی که در مورد عدالت و رعایت آن می زنند بیشتر درباره خودشان است، بدون توجه به مصالح ملی و مصالح مردم. در اقدامات آیت الله هاشمی رفسنجانی پیرامون محکومیت فرزندان و نزدیکانش اگرچه حالت اعتراض دیده می شود، اما هیچگاه فرصتی برای بیگانه دست نمی دهد تا از این اختلاف و شکاف بتوانند استفاده کنند، اما رویکرد احمدی نژاد هیچ شباهتی به کسی که مصالح مردم و ملت برایش اهمیت دارد، ندارد.

پرفروش‌های حوزه اندیشه در سال ۲۰۱۷ /انگلیسی زبان‌ها چه خواندند؟



شفقنا- روزنامه ایران در گزارشی پر فروش های حوزه اندیشه در سال ۲۰۱۷ را معرفی کرده است که مشروح آن را در زیر می خوانید.

در باب قصد/ مایکل روس

کتاب «در باب قصد» تاریخچه‌ای کوتاه از ایده «قصد» در اندیشه غرب، از یونان باستان تا حال حاضر را پیش روی مخاطب می‌گذارد.آیا می‌توانیم بدون ایده «قصد» زندگی کنیم؟ آیا اصلاً باید تلاش کنیم؟ به عقیده کانت، ما درگیر مفهوم «قصد» و حتی نظریه انتخاب طبیعی داروین، هستیم که عمیقاً این ایده را متزلزل کرد، اما قادر نبود تا آن را کامل از بین ببرد. در واقع، توضیحات زبانی – مانند آنچه که ارسطو درک «علل نهایی» نامیده است – به نظر می‌رسد که از نو جان گرفته‌اند. این در حالی است که تحلیلگران دینی و برخی از فیلسوفان سکولار اینگونه استدلال می‌کنند که هرگونه توضیح برای زندگی بدون ایده «قصد» از فقدان مؤلفه‌ای ضروری رنج می‌برد.

مایکل روس در این کتاب، تاریخ ایده «قصد» را در اندیشه فلسفی، مذهبی، علمی و تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب، که نمونه‌های ادبی و نوشته‌های دیگر را در دسترس خواننده می‌گذارد نظرات مربوط به «قصد» را در دنیای طبیعی و انسانی مورد تحلیل قرار می‌دهد. به عبارتی، نشان می‌دهد که چگونه بیش از دو هزار سال است که سه تفکر درباره «قصد» در قلب تفکر غرب نفس می‌کشد؛از دیدگاه افلاطونی، «قصد» در نتیجه

برنامه‌ریزی‌های وجود الهی یا انسانی است؛ از دیدگاه ارسطویی، «قصد» از گرایش یا اصل نظم در دنیای طبیعی حاصل می‌شود؛ و از دیدگاه کانتی، «قصد» اساساً المانی است که باید کشف شود. نظریه تکامل داروین از طریق انتخاب طبیعی، این ایده را گسترش داد.کتاب «در باب قصد» مفاهیم عمیق و جذاب این روش تفکر را مورد تحلیل قرار می‌دهد و در این میان، سؤالات جدی درباره «قصد زندگی» طرح می‌کند و این تفکر که «آیا زندگی بدون «قصد» معنی دارد؟» نیز به چالش کشیده می‌شود. در نتیجه، نویسنده به این نکته می‌رسد که موضوع «قصد» همچنان مسأله‌ای حیاتی و مبرم برای انسان امروز است که باید به آن بیاندیشد.

براندوم/ رونالد لوفلر

«رابرت براندوم» از مشهورترین فیلسوفان معاصر امریکایی است که اندیشه‌هایش به طور گسترده در انجمن‌های فلسفی و تحلیلی جهان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. رویکرد نوآورانه او به زبان و عقلانیت، فلسفه‌های زبان و ذهن، معرفت‌شناسی، متافیزیک و منطق را با تفسیرهای جذابی از شخصیت‌های تاریخی نظیر کانت، هگل و ویتگنشتاین ادغام می‌کند. با این حال، فهم فلسفه براندوم با توجه به طبیعت جسورانه غیرطبیعی و بسیار فنی خود ممکن است برای مبتدیان کمی دشوار به نظر برسد.

در این کتاب، رونالد لوفلر راهنمایی انتقادی از پیچ و خم فلسفه براندوم ارائه می‌کند. او ماهیت پیشگام رویکرد براندوم را در ارتباط با زبان و ارتباطات، همراه انضمام بی‌قید و شرط سنت ایده‌آلیستی آلمان، انتقال می‌دهد و به شکلی متمرکز و قاطع همه جنبه‌های مهم اندیشه براندوم، از جمله پراگماتیک‌های هنجاری و معانی استنباطی و نظریه‌های او را از دانش تجربی، منطق، اظهارات زبان‌شناختی و عینیت را معرفی می‌کند.

مانیفست واقعیت: ایده آلیسم واقعیت و رئالیسم کانت/ لوسی آلیس

در قلب فلسفه انتقادی امانوئل کانت، دیدگاهی معرفت‌شناختی و متافیزیکی وجود دارد که او آن را «ایده‌آلیسم متعالی» می‌نامد؛ و هدف کتاب درک‌پذیر کردن این تفکر است. با وجود مرکزیت ایده‌آلیسم متعالی در تفکر کانت، پس از دویست سال از انتشار نخستین نقد، هنوز درک واحدی از این دیدگاه وجود ندارد. لوسی‌آلیس استدلال می‌کند که تمایز کانت به مؤلفه‌های معرفت‌شناختی و متافیزیکی افکار او است و به ایده آلیسم اصیل متعهد است، اما این ایده آلیسم پدیداری نیست.

بخش مرکزی تحلیل لوسی آلیس توجه دقیق او به مفهوم «شهود» کانت و نقش آن در شناخت است. او شهود کانتی را به‌عنوان بازنمودی می‌داند که ما را با ابژه‌های اندیشه آشنا می‌کند. ایده آلیسم کانت را می‌توان واقعیتی تجربی و محدودکننده دانست. وی بر این نظر است که واقعیت تجربی از این جهت که تجربه متعالی نیست وابسته به ذهن است؛ به عبارتی، در ذهن ما به معنای واقعی کلمه وجود ندارد. مطالعه شهود به این روش ما را قادر می‌سازد تا منطق اصلی کانت از ایده آلیسم در زیباشناسی متعالی را
درک کنیم.

پس از هایدگر/ گرگوری فراید و ریچارد پولت

این کتاب منحصر به فرد بیش از ۳۰مقاله جدید از محققان برجسته درباره مسائل بحث‌برانگیز فلسفه هایدگر را در خود جای داده است. نوشته‌های او مخاطب را به تجزیه و تحلیل و کاربرد آنها دعوت می‌کند که البته مشخصاً در ارتباط با وابستگی‌های سیاسی جای انتقاد دارد. فلسفه امروز پس از هایدگر شکل می‌گیرد، به‌طوری که دیدگاه‌های او نباید ساده‌لوحانه پذیرفته شود؛ مسائل جدیدی وجود دارد که او به آنها اشاره‌ای نکرده است اما ما در پی پرسش‌هایی که او در ذهن‌ها برانگیخته، به تفکر
برآمدیم. تحلیلگرانی که در این اثر همکاری کرده‌اند، سؤالاتی از این قبیل می‌پرسند:
– تفکر «پس از» هایدگر به چه معنا است؟
– چه مواردی در آثار دوره پدیدارشناسی ارزشمند است؟
– ریشه خطاهای سیاسی هایدگر کجا است؟
– آیا هنوز هم در آثار هایدگر مؤلفه‌هایی وجود دارد که بتواند بینش‌های مفید سیاسی را برانگیزاند؟
– آیا او می‌تواند ما را در درک وضعیت پست‌مدرن کمک کند؟
پرسش‌ها و مقاله‌های استدلالی این کتاب، عمیقاً خوانندگان را به تفکر وامی‌دارد.
لئو استراوس و چنین گفت زرتشت نیچه (همراه نوشتاری از استراوس)/ ویرایش و تفسیر ریچارد ل. ولکلی
با وجود اینکه لئو استراوس نوشته‌های زیادی درباره نیچه ندارد، اما سخنرانی‌ها و مکاتبات او در این زمینه حاکی از انتقادات عمیق اش نسبت به نیچه است. یکی از آثار پربار او همایشی بود که سال ۱۹۵۹ در دانشگاه شیکاگو درباره کتاب «چنین گفت زرتشت» نیچه ارائه کرد. او در این سخنرانی سعی کرد نشان دهد که بین مهم‌ترین پروژه نیچه و تلاش‌های او در بازیابی فلسفه کلاسیک سیاسی همخوانی وجود دارد. در مقابل، ریچاردل. ولکلی سخنرانی‌های استراوس را به شکلی فوق‌العاده تفسیر می‌کند، به‌طوری که نقش انتقادی نیچه در شکل‌دهی ذهنیت استراوس روشن می‌شود. علاوه بر ارتباط گسترده نیچه و فلسفه سیاسی، استراوس به انتقاد هایدگر از «اراده معطوف به قدرت» نیچه اشاره می‌کند. سخنرانی‌ها بخوبی ارتباط تفکر هایدگر با لئو استراوس را نشان می‌دهد، شخصیتی که در درک بحران فلسفه و تمدن غرب نقشی کلیدی بازی کرد.

سنت تحلیلی در فلسفه: جلد دوم، دیدگاه نو/ اسکات سومس
این کتاب، تاریخی عمیق از زبانشناسی در فلسفه تحلیلی، از فیلسوف برجسته زبان ارائه می‌دهد. این دومین جلد از پنج جلد تاریخ قطعی فلسفه تحلیلی در زایش منطق مدرن در سال ۱۸۷۹ تا پایان قرن بیستم است. اسکات سومس، فیلسوف برجسته زبان و مورخ فلسفه تحلیلی، دقیق‌ترین توصیف از سنت تحلیلی را که تاکنون منتشر شده، ارائه کرده است، به طوری که در محدوده زمانی و نسبت به‌موضوع های مورد نظر بی‌نظیر است. سومس با تمرکز بر نقاط عطف اصلی و تشخیص آنها به سؤالات اساسی سنت تحلیلی می‌پردازد.
جلد دوم بررسی فشرده از دیدگاه جدید فلسفه تحلیلی است که لوودویگ ویتگنشتاین پایه‌گذار آن بود. علاوه بر کاوش موفقیت‌ها و شکست‌های فیلسوفانی که این دیدگاه را دنبال کردند، کتاب

پیش رو نشان می‌دهد که چگونه منطق اندیشان فلسفی مانند کورت گودل، آلفرد تارسکی، آلونزو چرچ و آلن تورینگ دامنه و محدودیت‌های منطق و تئوری ریاضی محاسبات حاکم در دوران دیجیتال را توسعه داده‌اند. این کتاب با بررسی تلاش‌ها در جهت حفظ هنجارهای اخلاقی در دوره علمی به پایان می‌رسد.

کتاب بازی‌های سوررئالیستی/ آلستر بروچی و مل گودینگ

این مجموعه لذت‌بخش به همه اجازه می‌دهد تا از روش‌های دست اول بحث‌برانگیز مورد استفاده توسط هنرمندان و شاعران مکتب سوررئالیست بهره ببرند، به این ترتیب از تفکر و رفتار متعارف و معمول به حقیقتی
عمیق‌تر برسند.
هنرمندانی مانند آندره برتون، رنه مارگریت و ماکس ارنست این سبک را اختراع کردند.
نتایج این بازی‌ها گاهی فقط خنده‌دار و گاهی بسیار رمزآلود و عمیق است.
این جنبش سوررئالیستی که از سده ۱۹۰۰ در اروپا آغاز شد، با استفاده از روش‌های تفریحی و ترفندهای سیستماتیک کارهایی بحث‌برانگیز تولید می‌کند و هنر، ادبیات و جامعه را به چالش
می‌کشد.
آنها تجربه‌های خود را از هنر و فلسفه، مانیفست و تظاهرات، عشق و سیاست مورد بررسی قرار می‌دهند، اما فرای هر گونه بازی، این سبک بیشتر از همه به‌دنبال این است تا نگاهی متفاوت به روش‌های تحصیلی داشته باشد و پایه قطعیت آرامبخش بورژوازی را
سست کند.
بازی‌های سوررئالیستی کتابی لذت‌بخش است که به خواننده اجازه می‌دهد
تا از طریق روش‌های سوررئال با نوسان‌های شگفت‌انگیز میان کلام و تصاویر زیبا و متناقض
لذت ببرد.
این جعبه بازی برای سرگرمی‌های شعری، تخیلی و افسانه‌ای است و پر از امکانات جدید برای باز کردن درهای ناخودآگاه و آزادسازی قوه خلاقیت جمعی است.

ضد ادیپ: کاپیتالیسم و اسکیزوفرنی/ ژیل دلوز، فیلیکس گاتاری

نویسندگان این کتاب آثار مارکس، فروید و نیچه را برای تجزیه و تحلیل سیاسی امیال ادغام کردند تا آنچه را که فرهنگ غرب از بیان آن سر باز می‌زند بیان کنند. ابتدا، در فرانسه از آن به‌عنوان یک شاهکار یا گاهی«دیوانگی بدعت آمیز» یاد می‌شد.
ژیل دلوز و فیلیکس گاتاری در این کتاب تئوری خود را اینگونه مطرح کردند: غریزه ذاتی تمایل به حضور در اجتماع جوامع غربی به دولت‌ها، رسانه‌ها و حتی اصول اقتصادی اجازه داد تا از بیزاری هر فرد برای جدا ماندن از گروه سوءاستفاده شود. علاوه بر این، کسانی که از اختلالات روحی رنج می‌برند ممکن است به معنای خالص کلمه دیوانه نباشند، اما طبیعتاً

از جامعه جدا شده‌اند.
بیش از بیست و پنج سال پس از انتشار اولیه این کتاب، «ضد ادیپ: کاپیتالیسم و اسکیزوفرنی» همچنان اثری بحث برانگیز در حوزه گفت‌وگوها درباره ماهیت تفکر آزاد به شمار می‌آید.

در باب زبان: آثار کلاسیک چامسکی/ نوام چامسکی
در این اثر، دو کتاب «زبان و مسؤلیت» و «تأملاتی در باب زبان» در یک جلد ارائه شده است. چامسکی در «زبان و مسئولیت»، پرتره‌ای شخصی از تفکر سیاسی، اخلاقی و زبانشناسی خود ارائه می‌دهد. وی در «تأملاتی در باب زبان»، به مفاهیم کلی مطالعات زبان می‌پردازد و تحلیل‌هایی دقیق و روشن از اختلاف‌نظرها میان روانشناسان، فیلسوفان و زبان‌شناسان از سؤالات اساسی زبان ارائه می‌دهد.نوام چامسکی که از دیدگاه نیویورک تایمز «به یقین مهم‌ترین روشنفکر زنده» است، به‌دلیل نوشته‌های تأثیرگذارش در باب زبان و سیاست در جهان شناخته شده است. این کتاب دو اثر محبوب و ویژه او را شامل می‌شود که کارهای غیررسمی و در دسترس منتقدان زبانشناسی و سیاست را در خود جای داده است.
به هر حال، این اثر می‌تواند معرفی جامع از مفاهیم ایده‌آل اندیشه او باشد.در بخش اول، «زبان و مسؤلیت»، چامسکی همراه یک سری گفت‌وگو با میتسو رونات، فیلسوف برجسته فرانسوی، تصویری جذاب از تفکرات سیاسی، اخلاقی و زبانی خود را نشان می‌دهد. و در بخش دوم، وی تحلیل‌هایی کلی از علم زبان پیش رو می‌گذارد و بحث‌های روانشناسان، فیلسوفان و زبانشناسان را درباره سؤالات مهم زبان ارائه می‌کند.
مترجم: فرزانه اسکندریان

آثار تصمیم «ترامپ» برای تحریم صدا و سیمای ایران

دولت کنونی آمریکا قصد دارد طی روزهای آینده به بهانه «مجازات عواملِ سرکوب اعتراضات اخیر در ایران (!)»، تحریمهای وضع شده علیه «سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامیِ ایران» را مجدداً برقرار کند.
به گزارش روزنامه گاردین، منابع آگاه اعلام کردند که دولت «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا قصد دارد به بهانه «مجازات عوامل سرکوب اعتراضات اخیر در ایران (!)»، تحریمهای پیشتر وضع شده علیه «سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» را مجدداً اجرایی کند.



شایان ذکر است که سازمان صدا و سیمای ایران از سال ۲۰۱۳ تحت تحریمهای آمریکا قرار گرفت؛ اما هم «باراک اوباما» رئیس جمهور پیشین آمریکا و هم دونالد ترامپ جمهوریخواه هر ۱۸۰ روز یکبار فرمان «تمدیدِ تعلیق تحریمها علیه صدا و سیمای ایران» را امضاء کرده اند.
روزنامه گاردین به نقل از این منابع آگاه اعلام کرد که دونالد ترامپ قصد دارد در پایان ماه ژانویه، حکم تمدید تعلیق تحریمهای صدا و سیمای ایران را امضاء نکند.
یک منبع آگاه و نزدیک به حلقه تصمیم گیری در واشنگتن در ارتباط با تحریمهای صدا و سیمای ایران گفت که «ترامپ متقاعد شده است که تحریمهایی علیه بانک مرکزی ایران وضع نکند؛ اما در عوض سازمانهای معینی همچون شبکه رادیو و تلویزیون دولتی ایران را مشمول تحریم قرار دهد».
این منبع آگاه ادعا کرد: «این یک اقدام نمادین است و حامل پیامی قدرتمند به [حکومت] ایران بدون تحمیل مشقات بیشتر بر مردم ایران است!»
گفتنی است که با امتناع ترامپ از امضای فرمان تمدید تعلیق تحریمها علیه صدا وسیما، فعالیت این سازمان دولتی در خارج از مرزهای ایران از جمله فعالیت دفاتر آن در خارج از کشور، امکان خرید برنامه های تلویزیونی خارجی و همچنین پخش زنده و ماهواره ای برنامه ها با محدودیت مواجه خواهد شد.
به نقل از این منبع آگاه، «این احتمال نیز وجود دارد که تمام افراد وابسته به سازمان صدا و سیما که در خارج از ایران ساکن هستند، مشمول این تحریم قرار گرفته و حسابهای بانکی آنها به حالت تعلیق درآید».

جزئیات راهبرد جدید آمریکا در سوریه؛ ایجاد ارتش جدید و خودمختاری برای کردها در شمال سوریه!

تصور حضور بلندمدت ایالات متحده در سوریه بیش از هر زمان دیگری در حال تقویت شدن است و به نظر می رسد واشنگتن راهبرد خود برای حفظ زمین بازی در این کشور را تدوین و آغاز کرده است. نخستین نشانه رویکرد جدید آمریکا، در سخنان جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا آشکار شد که تاکید کرد واشنگتن دیپلمات های خود را به مناطق تحت سیطره نیروهای دموکرات سوریه خواهد فرستاد تا در کنار نظامیان فعالیت کنند.

کد خبر:۷۶۲۸۶۴



تصور حضور بلندمدت ایالات متحده در سوریه بیش از هر زمان دیگری در حال تقویت شدن است و به نظر می رسد واشنگتن راهبرد خود برای حفظ زمین بازی در این کشور را تدوین و آغاز کرده است.

به گزارش تابناک، در همین زمینه خبرگزاری اسپوتنیک روسیه به نقل از رسانه های عربی و دیپلمات های غربی نوشته است: دولت آمریکا در نظر دارد راهبردی جدید درباره سوریه اتخاذ کند و نخستین نشانه رویکرد جدید آمریکا، در سخنان جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا آشکار شد که تاکید کرد واشنگتن دیپلمات های خود را به مناطق تحت سیطره نیروهای دموکرات سوریه خواهد فرستاد تا در کنار نظامیان فعالیت کنند.

انتظار می رود واشنگتن در دوره پیش رو اقدامات ملموسی را در مناطق شرق نهر فرات سوریه، که تحت کنترل نیروهای دموکرات سوریه است و مساحت آن حدود 28 هزار کیلومتر (سه برابر مساحت لبنان) است، اتخاذ کند و این منطقه را، به صورت دیپلماتیک به رسمیت بشناسد.

این درحالی است که دولت سوریه موضع خود را علیه نیروهای سوریه دموکراتیک تشدید کرده و آن‌ها را خائن می داند.

از سوی دیگر، روزنامه ینی شفق ترکیه نیز گزارش داد که آمریکا در حال فراهم کردن زمینه های تشکیل دولت فدرالی نیروهای حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) در شمال سوریه به پایتختی شهر رقه است و در آینده ای نزدیک یک فرودگاه غیر نظامی نیز در این شهر می سازد

همچنین روزنامه الشرق الاوسط به نقل از منابع غربي فاش کردند که آمریکا درحال تدوین یک راهبرد جدید درباره سوریه است که شامل 10 بند اصلي مي‌شود و بر حمایت از نیروهاي سوریه دموکراتیک به عنوان جایگزیني براي دولت مرکزي متمرکز است.

براساس اطلاعات به دست آمده 10 اقدامي‌که آمریکا اتخاذ خواهد کرد شامل موارد زیر است:

1- افزایش حمایت نظامي‌از نیروهاي سوریه دموکراتیک. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اواسط ماه میلادي گذشته دستوري را براي ادامه مسلح کردن این نیروها و افزایش تعدادشان به 25 تا 30 هزار تن امضا کرد.

2- آموزش نیروهاي سوریه دموکراتیک با تغییر نقش آن‌ها تا تبدیل شدن به یک ارتش نظامي‌که مسئولیت حفظ امنیت و ثبات بعد از آزادي خاک سوریه از داعش را برعهده داشته باشند. همچنین برنامه آموزشي

شامل نيروهاي پليس و نيروهاي امنيتي به ويژه در مناطقي است كه باندهاي زيرزميني داعش در آنجا هستند. اين نيروها شامل 3000 تن هستند.
3- تقويت شوراهاي محلي مدني كه بر مناطق آزاد شده از دست داعش حكمراني خواهند كرد.
4- بازسازي از طريق تشويق كشورهاي حاضر در ائتلاف ضد داعش براي فراهم آوردن منابع مالي و انساني جهت بازسازي شهرهاي ويران شده به گونه‌اي كه شهر رقه به الگويي در خاورميانه تبديل شود.
5- تقويت خدمات‌رساني و ايجاد زيرساخت و استفاده از منابع طبيعي موجود كه شامل منابع اصلي گاز، نفت، كشاورزي و آب مي‌شود. نيروهاي سوريه دموكراتيک كنترل مهم‌ترين ميادين گازي و نفتي و بزرگترين سدهاي سوريه را در دست دارند.
6- آموزش دستگاه‌هاي دولتي و قضايي. مسئله جالب توجه در اينجا اين است كه سخنگوي دولت فرانسه روز پنجشنبه اعلام كرده بود كه زنان فرانسوي عضو داعش كه در كردستان سوريه بازداشت شده‌اند اگر نهادهاي قضايي آنجا قادر به تضمين محاكمه عادلانه آنها باشند، همانجا محاكمه خواهند شد. اين موضع خشم رجب طيب اردوغان، رئيس جمهور تركيه را برانگيخته است.
7- فراهم آوردن حمايت هوايي از مناطق تحت كنترل همپيمانان محلي آمريكا در شمال و شرق سوريه و ابقاي پايگاه‌هاي نظامي‌كه شامل پنج پايگاه در شرق رود فرات مي‌شود كه حدود 2000 نظامي‌و كارشناس آمريكايي در آنجا كار مي‌كنند و اتاق‌هاي عمليات مشتركي را با نيروهاي سوريه دموكراتيک ايجاد كرده‌اند و نيز به رسميت شناختن ديپلماتيک اين مناطق. درحال حاضر كارشناسان آمريكايي مشغول گسترس فرودگاه الرميلان و ايجاد پايگاه نظامي‌ديگري براي استقبال از كارشناسان غير نظامي‌آمريكايي طي هفته‌هاي آينده هستند.
8- فشار واشنگتن براي مشاركت دادن نمايندگان سوريه دموكراتيک در روند سياسي ژنو.
9- حمايت از روند انتخابات كنوني در مناطق فدرالي اعلام شده تحت كنترل كردها در شمال سوريه. قرار بود سومين و آخرين مرحله انتخابات كردها به زودي برگزار شود اما يک مسئول كرد اعلام كرد كه انتخابات به موعد ديگري موكول شده است و تماس‌ها براي تشكيل نهادهايي در مناطق فدرالي شامل دولت، وزارتخانه‌ها، پارلمان و سفارتخانه‌ها ادامه دارد.
10- فراهم آوردن حمايت نظامي و سياسي و ديپلماتيک از مناطق شرق رود فرات، عفرين و منبج كه تحت كنترل كردها و نيروهاي سوريه دموكراتيک هستند.
يک مسئول غربي اعلام كرد كه هدف آمريكا از حمايت نيروهاي سوريه دموكراتيک در شرق رود فرات سه مسئله است: اول اينكه بر حضور ايران در سوريه تاثير بگذارد. دوم بهبود موضع مذاكره با دمشق و مسكو درباره حل بحران و سوم تقويت موضع كردها در مذاكرات با دمشق.
اين درحالي است كه دولت سوريه موضع خود را عليه نيروهاي سوريه دموكراتيک تشديد كرده و آن‌ها را خائن دانسته است درنتيجه واشنگتن مجبور به دفاع از اين نيروها شده است.

دروغهاي علمي: آثار سوء **سدسازيهای بزرك** ، دانشي كه باطل بودنش بيش از نيم قرن است اثبات شده و غربيها انرا كنار كذشته اند

يكي از مباحث دروغهاي علمي **سدسازيهای بزرك** است

قبلا اشاراتي به ان كرده ايم

كشورهاي مدرن سي جهل سال است كه انرا كنار كذاشته اند

و بر خي مهندسين ايراني كه عقب افتاده هاي علمي بوده؛ بجاي بيروي از اخرين دستاوردهاي علمي جهان دنبال مطالب زير سؤال رفته علمي انها هستند

منابع آب قرباني مهندسي تهاجمي

فاطمه ظفرنژاد، پژوهشگر حوزه آب



«آب»؛ يكي از پر مناقشه‌ترين كلمه‌هاي اين ايام سرزمين ما است. از دعواهاي كشاورزان در روستاها بر سر دريافت آبِ بيشتر گرفته تا گلايه‌ها و فريادهاي اعتراض‌آميز مديران دستگاه‌هاي تصميم‌گير درباره طرح‌هاي مديريت و اختصاص آب. گفت‌وگوي تند ميان يكي از نمايندگان استان خوزستان در مجلس با عيسي كلانتري، رييس سازمان حفاظت محيط زيست بر سر موافقت كلانتري با طرح انتقال آب از سرشاخه‌هاي كارون يكي از آخرين و مشهورترين چالش‌هاي شكل گرفته بر سر «آب» است. در اين ميان اما هنوز يك پرسش اصلي باقي مانده است. اينكه آيا تنها نسخه فرار از بحران كم آبي، انتقال آب بين حوضه‌اي است؟ و آيا اين طرح‌ها تضادها و شكاف اجتماعي را تشديد نمي‌كند؟ فاطمه ظفرنژاد، پژوهشگر حوزه آب و توسعه پايدار يكي از منتقدان جدي مديريت سازه‌اي (سدسازي و انتقال) آب است. ظفرنژاد پيش از اين با ترجمه كتاب «رودهاي خاموش» اثر «پاتريك مك كالي» و تاليف كتاب «آب و توسعه پايدار» كوشش كرده اين ديدگاه‌ها را در معرض داوري افكار عمومي قرار داده است. او در گفت‌وگو با «اعتماد» بار ديگر به صراحت اجراي هر گونه طرح انتقال آب بين حوضه‌اي را رد و رويكرد رييس سازمان حفاظت محيط زيست به حوزه آب را هم اشتباه ارزيابي كرد.

چندي پيش انتشار خبر موافقت آقاي كلانتري، رييس سازمان حفاظت محيط زيست با طرح انتقال آب از سرشاخه‌هاي كارون به باغ‌هاي كشاورزي رفسنجان در استان كرمان موجب شد

برخي نمايندگان مجلس و حاميان محيط زيست از اجراي اين طرح اظهار نگراني كنند. از آنجا كه شما يكي از منتقدان جدي طرح‌هاي مديريت سازه‌اي (سدسازي و انتقال) آب در كشور هستيد، ارزيابي‌تان درباره اين تصميم چيست؟

بيش از دهه‌هاست كه بسياري از كارشناسان، اكولوژيست‌ها، جامعه‌شناسان و كارشناسان حوزه‌هاي ديگر و حتي بسياري از مهندسان بر اين باورند كه طرح‌هاي انتقال آب گونه‌اي از «مهندسي تهاجمي» به طبيعت و ناسازگار است. كتاب‌هاي زيادي در خارج و داخل ايران در رد طرح‌هاي سدسازي و انتقال آب نوشته شده و در آنها به روشني توضيح داده شده كه انتقال آب پيامدهاي اجتماعي و اقتصادي هم در حوضه مبدا و هم در حوضه‌گيرنده آب در پي دارد و حوضه‌هاي آبريز را با چالش‌هاي جدي زيست محيطي روبه‌رو مي‌كند.

اگر اين طرح‌ها اينقدر مخربند پس چرا هنوز در ايران طرفداران سفت و سختي دارند. اين حمايت از جنس اختلاف نظر علمي است يا دلايل ديگري دارد؟

تكنوكرات‌ها در ايران طرفداران اصلي اين طرح‌ها هستند. بخش كوچكي از حاميان طرح‌هاي سد و انتقال آب كساني هستند كه تصور مي‌كنند پيشرفت جامعه با مديريت سازه‌اي بر آب ميسر است اما بخش بزرگ حاميان آن كساني هستند كه چه در دستگاه دولتي و چه در بخش خصوصي در اين طرح‌ها ذي‌نفعند. اين افراد و شركت‌ها در دهه‌هاي گذشته با دولت‌هاي مختلف كار كرده‌اند و اهداف شخصي خود را پيش رانده‌اند. كسب و كار بزرگي در طول دهه‌ها پيرامون اين طرح‌ها شكل گرفته و در شش دهه گذشته يك سوم تا نيمي از بودجه عمراني كشور براي اجراي طرح‌هاي سدسازي، انتقال و ساير طرح‌هاي سازه‌اي آب صرف شده است. بدون اينكه كوچك‌ترين پاسخگويي در قبال اين طرح‌ها ارايه شود. توجيه اقتصادي و اجتماعي، زيست محيطي وحتي فني مستقل درباره آنها تهيه نشده است. عمده گزارش‌هاي توليد شده به سفارش كارفرماها تهيه شده‌اند و غالبا قابل استناد نيستند. بايد بپرسيم آيا تحليل جامع‌نگر دقيقي خارج از حلقه كساني كه از محل اين طرح‌ها امرارمعاش مي‌كنند تهيه شده است؟ اين طرح‌ها ٦-٥ دهه در اين كشور قدمت دارد. هر چند در برخي از برهه‌هاي تاريخي مثل دهه ٧٠ شمسي در تنور آن به‌شدت دميده شد. اين كسب و كار بزرگ اجازه نمي‌دهد تلاش‌ها براي اصلاح ساختار آب كشور بر مبناي راهبردهاي غيرسازه‌اي پايداري، جامع نگر، مشاركتي به جايي برسد.

در مقابل ديدگاه‌هاي شما، برخي معتقدند مخالفت صد درصدي با همه طرح‌هاي انتقال آب فانتزي و غيركاربردي است. مثلا گفته مي‌شود طرح‌هايي مثل انتقال آب حوضه به حوضه براي مصرف شرب خيلي وقت‌ها غيرقابل اجتناب است.

اين واقعيت مثل روز روشن است. تمام درياچه‌هايي كه وزارت نيرو روي آنها دستكاري كرده و در حقيقت با طرح‌هاي تخيلي خود براي آنها برنامه داده همه نابود شده‌اند. آيا مي‌توان خشك شدن بخش بزرگي از رودخانه‌ها و خشكيدن تالاب‌هاي كشور را ناديده گرفت؟ نمي‌توانيم سرمان را زير برف كنيم و بگوييم اين اتفاقات روي نداده است. پس اين طرح‌هاي ناسازگار و نابومي در حالت خوشبينانه طرح‌هاي رمانتيك هستند و در حالت بدبينانه با هدف جانبدارانه اجرا مي‌شوند.

مشخصا در مورد ادعايي كه براي طرح‌هاي تامين آب شرب مطرح مي‌شود؛ ديدگاه‌تان چيست؟

اتفاقا تامين آب شرب شهرها با انتقال از دور دست‌ها آن‌هم با ساخت ده‌ها سد و صدها كيلومتر خط انتقال و ده‌ها ايستگاه تلمبه آب به‌شدت رد شده است. يكي از مهم‌ترين ويژگي‌هاي شهرهاي پايدار كه امروز در همه ضوابط علمي روي آن تاكيد مي‌شود: تامين آب شرب شهرها از نزديك‌ترين محل و در همان منطقه و بر اساس صرفه‌جويانه‌ترين الگوي مصرف با بارها بازچرخاني آب خاكستري و با توجه به رد پاي بوم‌شناختي آب همان منطقه است. مگر متولي آب كشور مدعي نيست كه مصرف آب شرب در مقايسه با موارد ديگر مصرف، بسيار اندك است پس چرا آن را به‌راحتي با اصلاح الگوي مصرف در همان منطقه و از محل آب‌هاي زيرزميني و قنات‌هاي همانجا تامين نمي‌كنند؟ چرا به كشاورز خوزستاني مي‌گويند آب را هدر مي‌دهيد و بعد مي‌خواهند آب را ببرند صدها كيلومتر منتقل كنند ؟ اين انتقال آب چالش‌هايي را در پي خواهد داشت و فقط منافع برخي از مجريان اين طرح‌ها تامين مي‌شود.

در سال‌هاي اخير ديدگاه انتقال آب به استان‌هاي جنوب شرقي و مركزي كشور براي تامين آب صنايع آب بر مثل فولاد بسيار زياد مطرح شده تا جايي كه كنسرسيومي براي انتقال آب خليج فارس به معادن سنگ‌آهن و مس در استان‌هاي كرمان و يزد هم در دست پيگيري است. گفته مي‌شود صنعت براي سر پا ماندن چاره‌اي جز انتقال آب ندارد.

اين تنها يك ادعاي نادرست است و من آن را قبول ندارم. يكي از ويژگي‌هاي صنعت پايدار، اين است كه با زيست‌بوم منطقه همخواني داشته باشد و تطابق برنامه‌ها با كاهش ردپاي بوم شناختي به ويژه ردپاي آب در حوضه‌هاي كم آب مركزي را در سرلوحه برنامه‌اش بگذارد. عقل سليم مي‌گويد به جاي انتقال آب از دورست براي گسترش صنعت آب بري مانند فولاد در حوضه خشك مركزي، بايد صنايع فلز و فولاد كه به آب فراوان آن هم تنها براي خنك كردن نياز دارند را ببريم كنار منابع آب احداث كنيم. چه لزومي دارد آب كمياب شيرين براي اين صنايع به‌كار گرفته شود در حالي كه آب شور، آب خاكستري و حتي آب سياه با يك درجه

پالايش را هم مي‌توان براي اين صنايع به‌كار گرفت. حتي همين حالا هم هزينه انتقال صنايع فولادي كه در منطقه مركزي ايران شكل گرفته‌اند از جمله ذوب آهن اصفهان- كه ابتدا قرار بوده در بندرعباس احداث شود- از هزينه طرح‌هاي انتقال آب كمتر است؛ ضمن اينكه يكي ديگر از آثار مثبت اين كار تمركز جمعيت و توسعه اقتصادي و اجتماعي در مناطق حاشيه خليج فارس است. در طول صدها كيلومتر از بندر چابهار تا بندرعباس مي‌بينيم كه سواحل ما خالي است. ما به جاي اينكه جمعيت را در كناره‌ها حفظ كنيم با سياستگذاري‌هاي غلط داريم همه جمعيت را ترغيب مي‌كنيم كه به حوزه مركزي بيايند و اين مساله هم از ديدگاه اقتصادي و اجتماعي و هم از ديدگاه امنيت ملي درخور اهميت است.

اما مديران صنعتي مي‌گويند مي‌خواهند همه حلقه‌هاي توليد محصول را كنار هم جمع كنند تا به اين ترتيب ارزش‌افزوده بيشتري توليد شود. ضمن اينكه نمايندگان مجلس اين طرح‌ها را در كاهش نرخ بيكاري حوزه‌هاي انتخابيه‌شان موثر مي‌دانند و براي استقرار اين صنايع تلاش مي‌كنند.

طرح موضوع اشتغالزايي از سوي نمايندگان و دولت‌ها، بايد ديد فارغ از امكان تحقق،به نفع نسل‌هاي آينده هم هست يا نيست. در حقيقت اين طرح‌ها مهاجرپذيري حوضه انتخابيه را افزايش مي‌دهند. از سوي ديگر نمايندگان استان‌هاي كنار خليج فارس هم مي‌توانند طالب طرح‌هاي اشتغال‌زا باشند. ارزش افزوده بيشتر در سايه تجمع صنايع در حوضه بسيار كم آب مركزي نيز پايه بررسي و پژوهش مستند و مستقلي ندارد و ادعايي بيش نيست. انتقال سنگ آهن با قطار از محل معادن به صنايع كنار خليج فارس، هزينه‌هايش بسيار كمتر از انتقال آب است. در واقع اين طرح‌ها هستند كه رويايي‌اند نه ديدگاه‌هاي ما. به ياد دارم كه خانم ابتكار به سه طرح انتقال آب از سرشاخه‌هاي كارون به كرمان، انتقال آب خزر به سمنان و انتقال آب درياي عمان به استان‌هاي مركزي مجوز نداد. من تعجب مي‌كنم كه اينك به اين طرح‌ها تاييديه داده مي‌شود. دست كم از رسانه‌ها انتظار مي‌رود اين دو مديريت متفاوت در كمتر از يك سال را سر ميز مناظره بنشانند تا جامعه بيشتر از مساله آگاه شود.

پس شما استدلال اخير رييس سازمان حفاظت محيط زيست مبني بر اينكه در حوضه آبريز خوزستان آب بيش از نياز مصرف مي‌شود و مي‌توان با صرفه جويي، آب را در بخش‌هاي ديگر كشور استفاده كرد را هم قبول نداريد؟

من نمي‌دانم ايشان بر چه مبنايي اين استدلال را مطرح مي‌كنند. در زماني كه ايشان وزير جهاد كشاورزي بودند كارشناسان بارها درباره تبعات اجراي طرح نيشكر هفت تپه هشدار دادند اما با اصرار آقاي كلانتري آن طرح اجرا شد و امروز آثار منفي آن را روي شادگان مي‌بينيم. آقاي كلانتري به عنوان رييس گروه نجات ارومیه نيز صحبت‌هاي زيادي را مطرح كردند اما آنجا هم سياست‌هاي ايشان موفق نبود و هيچ اتفاق مثبتي نيفتاد و معاون ايشان پس از ۵ سال و صرف هزينه سنگين اعلام مي‌كنند كه درياچه احياپذير نيست. مديراني مثل ايشان كه در دولت‌هاي مختلف مسووليت داشته و دارند بايد مسووليت تصميم‌هاي‌شان را بر عهده بگيرند

البته ايشان اعلام كردند بودجه طرح احياي درياچه ارومیه تامين نشده است و حتي پيشنهاد استقراض از منابع خارجي را هم مطرح كردند.

جنس راهكارهاي ايشان براي ارومیه از جنس مديريت سازه‌اي آب بوده و به مديريت نرم و جامع و مشاركتي حوضه آبريز توجه نشد. بي‌ترديد پول هم كه باشد چه از منابع داخلي و چه از استقراض (كه به نظرم بسيار كار اشتباهي است) قرار است خرج اجراي همين ديدگاه‌هاي نادرست و سفرهاي پرهزينه بي‌فايده شود و نه اصلاح نظام مديريت و مصرف آب كه از جنس راهبردهاي اكولوژيك است. اين تمدن چند هزار ساله به خوبي با اين درياچه همزيستي داشته و آن را حفظ كرده بود اما ما با ندانم كاري‌هاي مديران و مهندسان و رويكرد تهاجمي آن را خشك كرديم. پس مساله در نبود پول نيست بايد ببينيم اين پول قرار است صرف چه كاري بشود.

خب شما مي‌گوييد روش‌هاي سازه‌اي را بايد كنار بگذاريم. از طرف ديگر ما با چالش كمبود آب هم مواجه‌ايم و رفته‌رفته اين مساله به تضاد اجتماعي هم بدل شده است. خب پس چه بايد كرد؟

اين كمبود آب نيست كه چالش آفرين است چون اين سرزمين همواره با محدوديت آب روبرو بوده و همواره با سازگارترين و پايدارترين شيوه‌هاي خلاق مانند قنات با آن كنار آمده و در ده هزاره با وجود افزايش جمعيت خودكفايي كشاورزي و آب داشته است. اين مديريت ناسازگار از بالا به پايين دولتي بدون مشاركت جوامع بومي مولد است كه در شش دهه به‌شدت چالش آفريني كرده است. تاكيد من روي مديريت بوم سازگار و مشاركتي در هر يك از حوضه‌هاي آبريز است. نمي‌شود با يك نسخه واحد آب را به تنهايي و در چنين سرزميني با چنين تنوع زيستي شگفتي برانگيز مديريت كنيم. ٦ حوضه اصلي و بيش از ٣٠ حوضه فرعي آبي ما تفاوت‌هاي اقليمي و اكولوژيك بسيار متفاوتي دارند و نمي‌توان همه آنها را از مركز و با اراده تكنوكرات‌هايي كه زير تهويه مطبوع نشسته‌اند مديريت كرد. يكي از مشكلات ما اين است كه نهاد دانشگاه درباره فجايعي كه سدسازي و انتقال آب به بار آورده هيچ تحقيق و پژوهش مستقلي انجام نداده است. ما

تا شهرهاي كوچك دانشگاه برده‌ايم اما چه چيزي آموزش داده‌ايم؟ با پوزش از استادان درست‌كار دانشگاه بايد بگويم در بسياري موارد دانشگاه‌هاي ما به بنگاه فروش مدرك بدل شده‌اند. طي اين ٦٠ سال كه تفكر سازه‌اي بر مديريت آب و بسياري ديگر از زمينه‌هاي كشور حاكم بود از دانشگاه هيچ صدايي بلند نشد كه اعترض كند. حتي همين الان كه دهه‌هاست كه در دنيا بحث استفاده از شيوه سازگار با محيط مطرح است هنوز دانشگاه‌ها در كشور ما با وزارت نيرو و شركت‌هاي تابعه آن قرارداد مي‌بندند و مشاوره‌هايي مي‌دهند كه به توسعه سازه‌اي در آبخيزها كمك كند. از طرف ديگر مجلس هم مي‌توانست در قانون‌گذاري طوري عمل كند كه جلوي شيوه‌هاي مخرب و مغاير با عدالت اجتماعي و اقتصادي و محيط زيستي را بگيرد اما اين اتفاق نيفتاد.

مملكت ما هميشه با محدوديت منابع آب روبرو بوده و هيچ‌وقت آب به راحتي در اين كشور به دست نمي‌آمده است. اما نكته مثبت اين بوده كه مردم مولد حوضه‌ها آب و منابع طبيعي را مديريت مي‌كردند و حكومت‌ها كاري به مديريت منابع طبيعي و آب نداشته‌اند. اين خبرگان و مردم مولد حوضه‌هاي آبي بودند كه با صرفه‌جويانه‌ترين و آشتي‌جويانه‌ترين روش‌ها آب را به‌كار مي‌گرفتند و تنها در صورت برخي اختلاف‌ها حكومت مركزي با مشاركت خود جوامع بومي مولد به حل مشكل مي‌پرداخت مانند آنچه در زمان شاه عباس و شيخ بهايي در اصفهان روي داد. اين روش درست مديريت منابع است. راه‌حل اصلي در يكپارچه‌سازي مديريت منابع طبيعي و اعمال مديريت نرم و مشاركتي در هر يك از بيش از ٣٠ حوضه است. ايجاد فضاي گفت‌وگو ميان دولت و مردم مولد حوضه‌هاي آبي ضرورت روز است. من در سفري كه اخيرا به خوزستان داشتم متوجه شدم مردم از كيفيت تصميم‌گيري‌ها رضايت ندارند. بايد به خواست جوامع مولد حوضه‌ها گوش داد و با آنها هماهنگي كرد.

بايد همه پروژه‌هاي انتقال آب متوقف شوند. ما نيازمند مديريت يكپارچه آب، خاك و منابع طبيعي هستيم. بايد زمينه مشاركت مردم مولد در مديريت منابع سرزمين به ويژه منابع طبيعي و اصلاح وضع موجود فراهم و نيز دست تكنوكرات‌هاي دولتي و خصوصي و... از تصميم‌گيري براي اين حوزه كوتاه شود.

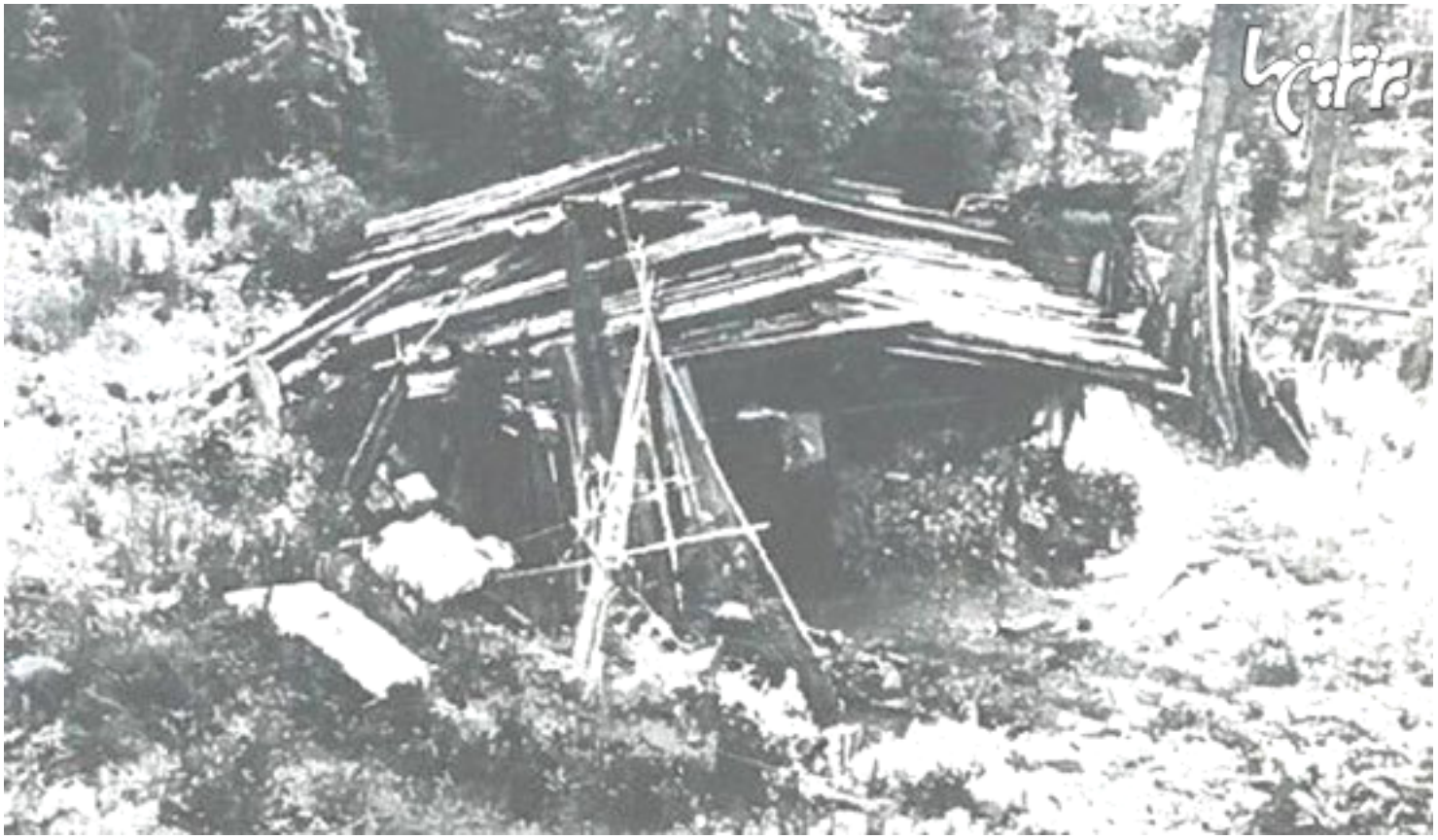
گفت‌وگو از: امين شول‌سيرجاني اين گفت‌وگو نخستين بار در روزنامه اعتماد منتشر شده است.

هجرت به اعماق سیبري برای حفظ دین از هجمه کمونیستها
خانواده‌ای که ۴۲ سال تنها در سیبری زندگی کردند

در سال ۱۹۳۶ خانواده لیکف شهر را ترک کردند و به اعماق جنگل‌های سیبری رفتند و تا سال ۱۹۷۸ در انزوای کامل در آنجا زندگی کردند. در سال ۱۹۷۸، یک خلبان هلی کوپتر هنگام پرواز روی جنگل‌های سیبری چیز عجیبی دید. او چند صدمتر بالاتر از دامنه کوه یک فضای باز خالی در میان جنگل دید. از آنجا که این فضای شبیه مزرعه بود او را متعجب کرد، چون نشان می‌داد کسی در آن زندگی می‌کند.



با این حال این زمین بیش از ۲۰۰ کیلومتر از اولین سکونتگاه انسانی فاصله داشت. علاوه بر این، مقامات شوروی هیچ مدرکی نداشتند که نشان بدهد کسی در این منطقه زندگی می‌کند. خلبان فرستاده شده بود تا جایی برای فرود گروهی از زمین شناسان برای اکتشاف سنگ آهن پیدا کند. زمین شناسان بعد از مطلع شدن از چیزی که خلبان دیده بود، تصمیم به بررسی گرفتند و وقتی از کوه بالا رفتند یک کلبه چوبی در کنار رود مشاهده کردند.



این کلبه تنها یک اتاق تنگ، کثیف، کهنه و سرد داشت. کف آن از پوست سیب زمینی و پوست دانه‌های کاج تشکیل شده بود. به سختی می‌شد باور کرد کسی واقعا در آن زندگی می‌کند. اما واقعا یک خانواده پنج نفری در آن زندگی می‌کردند. هرچه زمین شناسان خانواده لیکف را می‌شناختند با داستان باورنکردنی زندگی آن ها آشنا می‌شدند. بزرگ خانواده لیکف پیرمردی به نام کارپ و یکی از مردان مومن ارتدوکس در روسیه بود. پس از آنکه بولشویک‌های بی ایمان در سال ۱۹۱۷ حکومت روسیه را در دست گرفتند، آن‌ها با آزار و اذیت مواجه شدند. بولشویک‌ها مسیحیت را غیرقانونی کردند و برادر کارپ را در سال ۱۹۳۶ کشتند. کارپ فورا با خانواده اش شهر را ترک کرد و به جنگل رفت.

او همسرش (آکولینا) و دو فرزندش (ساوین و ناتالیا) را به اعماق جنگل برد و چهار دهه درانزوای کامل زندگی کردند. در این مدت خانواده لیکف صاحب دو فرزند دیگر (دیمتری و آگافیا) هم شد. هیچ یک از آن‌ها غیر از اعضای خانواده خود تا سال ۱۹۷۸ هیچ انسان دیگری ندیده بودند. انزوا زنده ماندن را برای آن‌ها بسیار دشوار کرده بود. وقتی برف و طوفان محصول آن‌ها را در سال ۱۹۶۱ از بین برد مجبور شدند کفش و پوست بخورند. آکولینا ترجیح داد از گرسنگی بمیرد تا فرزندانش گرسنه نمانند.



باوجود سختی هایی که این خانواده تحمل می‌کردند، عجیب است که تمایلی به کمک گرفتن از زمین شناسان و

ترک جنگل نداشتند. در ابتدا، تنها هدیه‌ای که این خانواده از زمین شناسان قبول کردند نمک بود. در نهایت، چاقو، چنگال، دستگیره، غلات، خودکار، کاغذ و مشعل الکتریکی هم پذیرفتند.

با این وجود، در سال ۱۹۸۱ سه نفر از چهار فرزند خانواده طی چند روز جان خود را از دست دادند. وقتی دیمیتری ذات الریه گرفت، زمین شناسان می‌خواستند با هلی کوپتر او را به بیمارستان ببرند. اما او حاضر نشد خانواده اش را ترک کند و به آن‌ها گفت: انسان هرچقدر خدا بخواهد عمر می‌کند.



برخی معتقدند علت مرگ و میر کودکان این بود که زمین شناسان آن‌ها را در معرض میکروب هایی قرار دارند که نسبت به آن مصون نبودند. اما نویسنده‌ای به نام واسیلی پسکوف علت مرگ آن‌ها را نارسایی کلیه می‌داند. به دنبال این مرگ ها، زمین شناسان سعی کردند کارپ و فرزند باقی مانده اش را قانع کنند جنگل را ترک کنند. هر دو امتناع کردند و به زندگی ساده خود ادامه دادند.

آگافیا بعد از مرگ پدرش در سال ۱۹۸۸ تنها عضو زنده خانواده لیکف شد. او در ژانویه ۲۰۱۶ تیتر خبرها شد و سپس در ۷۱ سالگی به بیمارستان برده شد تا پایش را درمان کند، پس از آن به جنگل و خانه همیشگی خود بازگشت.



سخنرانی علی مطهری

برخی فرماندهان سپاه فعالیت های حزبی دارند!

سخنرانی علی مطهری در کنگره حزب همبستگی که در سالن همایش‌های صدا وسیما برگزار شد:

در مورد آقای هاشمی باید گفت ایشان مصلح اجتماعی بودند. شهید مطهری می‌گوید مصلح واقعی با کاستی جامعه مبارزه می‌کند اگرچه از محبوبیت او کم شود. سوار موج جامعه نمی‌شود.

ما این حالت را مخصوصا در سالهای آخر عمر ایشان می‌دیدیم و در جایی که جامعه راه انحرافی می‌رفت، ایشان ایستاد، آگاهی‌بخشی کرد و در نهایت پیروز شد و صحنه جامعه را تغییر داد و جریان حاکم را در سال 92 کنار زد.

ولایت فقیه به معنای تعطیلی عقل نیست. یکی فکر کند بقیه عمل کنند معنی ولایت فقیه نیست. همه باید فکر کنند. در جاهایی نظر ولی فقیه متبع است. آیت الله هاشمی رفسنجانی آنجایی که احساس می‌کرد خطایی رخ می‌دهد حرف خود را می‌زد. در برخی از مقاطع بعد از انقلاب شهید مطهری در مواردی نظر امام را تغییر داده است.

اگر در جایی خطایی می‌بینیم، باید وارد شویم. نامه آیت‌الله هاشمی به رهبری در سال 88 نیز از همین رو است.

بعد از حوادث اخیر، مجلس و دولت نباید منفعل شود. اگر لازم است بنزین گران شود، بشود. اینطور نباشد بعد چند تظاهرات عقب نشینی کنند. مصلحت جامعه اقتضا می‌کند بنزین گران شود و یارانه برخی قطع شود.امروز فضای خوبی در مجلس و دولت حاکم نیست. انفعالی عمل می‌کنند. ممکن است عده‌ای بگویند با دوتا تظاهرات می‌توان نظر حکومت را تغییر داد.

کسی در سال 88 جرات نمی‌کرد بگوید اعتراض را باید به رسمیت بشناسیم اما امروز اصولگرایان هم این موضوع را می‌گویند. ما از شعار مردم و توهین مردم به مقامات نباید بترسیم. اگر اجازه اعتراض ندهیم به تخریب ختم می‌شود. باید این کار اصلاح شود که اگر بشود یک گام به جلو گذاشتیم. مسئولان ما با جوانان و دانشجویان ارتباط خوبی ندارند. می‌بینم پاسخ دادن به جوانان چه مقدار موثر است اما متاسفانه ارتباط کم است. عدم حضور معترضان سال 88 در این تظاهرات اخیر دلیل بر این است که اتهامات برانداز برای آنها غلط است. اگر اینها برانداز بودند بهترین فرصت بود اما کسی وارد نشد. باید دوستان نگاه خود را به معترضان 88 تغییر دهند.

اینکه روحانیت را مسئول نان مردم کنیم، درست نیست. روحانی باید به کار اصلی خود بپردازد. نظامیان از سیاست و اقتصاد باید خارج شوند. امام به شدت در این مورد هشدار می‌داد.

یک بار زمان امام، فرمانده سپاه در رابطه با اتفاقات مجلس حرف زد. امام با عصبانیت گفت به سپاه چه که در مجلس چه می‌گذرد؟ سپاه نباید در سیاست وارد شود. مصلحت خود نظامیان نیست. متاسفانه برخی نظامیان هم وارد سیاست می‌شوند. عملکرد حزب دارند که به صلاح کشور نیست.

نهادهای انقلابی مانند ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد مستضعفان موقت بودند ولی اکنون به کارتل اقتصادی تبدیل شده اند. همه نهادها باید مالیات بدهند، معنی ندارد بگوییم آستان قدس معاف است.

تفرقه دلیل از بین رفتن حکومت‌های اسلامی مثل عثمانی شد و بعد اسرائیل را تاسیس کردند که نتیجه تفرقه بین مسلمانان بود که عرب و ترک و عثمانی را به جان هم انداختند و ماهی خود را آب گل آلود گرفتند. امروز هم باید وحدت خود را حفظ کنیم.

جشنواره عمار/ گفت‌وگو با کارگردان مستند «جنگ.دوربین.من» و «نقاشی یک رویا»؛

ساسان فلاح فر: فاطمیون غده سرطانی اسرائیل را نابود خواهند کرد/ اولین شهید بی‌سر فاطمیون تا لحظه بریدن سر «یا علی یا علی» می‌گفت

سرویس فرهنگ و هنر مشرق - ساسان فلاح‌فر، روحانی فیلمساز با ساخت چند اثر مستند متفاوت در حوزه مقاومت و نمایش آن در جشنواره عمار به شهرت فراوانی دست یافت. فلاح‌فر به شناخت دقیقی از برادران افغان و فاطمیون با ساخت چند مستند دست یافت. تحلیل او درباره فاطمیون بسیار دقیق و شنیدنی است.

***آنچه در مقدمه بحث برای من اهمیت دارد ورود روحانیت به عرصه فیلمسازی است. این هم یکی از هزاران برکت جشنواره عمار است. چرا فیلمسازی در این لباس مقدس برای شما جدی شد؟**

وقتی لباس دین بر تن می‌کنم، وقتی درس دینی می‌خوانم باید یکسری از حرف‌ها را بزنم و دین را تبلیغ کنم، تبلیغ یعنی رساندن. دست مردم را باید بگیرم و برسانم به جایی که دین توصیه کرده است. به خاطر همین باید از ابزار روز باید استفاده کنم. من هر وقت پیام خوبی داشته باشم، با کلام و نوشتار باید آنرا منتقل کنم. اما همیشه باید از ابزار روز استفاده کرد و به روز صحبت کرد. تاریخ اسلام را که ورق می‌زنید، متوجه بهره‌برداری از ابراز روز خواهید شد. پیامبر در مدینه آمدند با بهترین الفاظ با مردم صحبت کردند، زیبا سخن گفتن از ویژگی‌های پیامبر بود. کلام نیکو و والا ، از ویژگی‌های امیر مومنان (ع) بو،د به همین دلیل نهج‌البلاغه بلاغت و زیبایی خاصی دارد. دین ما در نسبت با مدیوم‌های روز، طرز گفتگو کردن با مردم را به ما می‌آموزد.

***زبان دین با زبان سینما تعارضی ندارد؟**

همیشه دعواست بر سر اینکه ماهیت سینما یک ماهیت سکولار است، به تعبیری عقل‌گرایی فارغ از دین. دیگرانی هم اعتقاد دارند که می‌تواند ماهیت دینی هم داشته باشد. دسته اول که معتقدند سینما مدیومی سکولار است بر این باورند که اگر در مسیر فیلمسازی گام برداری در آن ذوب خواهی شد و نمی‌توانی آنچیزی که مد نظر دین است را بگویی، چون مدیوم مال غربی هاست، چون غربی‌ها آنرا بوجود آوردند. اما به نظر من و خیلی از اساتید، ما می‌توانیم از این مدیوم به صورت دینی استفاده کنیم. همه مدیوم‌ها می‌توانند سکولار باشند، می‌توانند دینی باشند. بستگی به برخورد ما نسبت به آن دارد. برخورد من با سینما و فیلمسازی برخوردی دینی است. این را هم بگویم که می‌توان از این روش استفاده کرد برای تبلیغ دین.

عملکرد سینمای ایران در این سال‌ها فاجعه است

اغلب سینماگران ایرانی فقط دنبال پول و شهرت در جشنواره های فرنگی هستند

***شما می‌فرمایید که سینما ابزاری است برای تبلیغ دین. عملکرد سینمای ایران را در این گذار و سی و اندی ساله چگونه تحلیل می‌کنید.**

عملکرد سینمای ایران در این سال‌ها فاجعه است. عملکرد سینما در بخش داستانی در رابطه با مسائل دینی فاجعه است از چند جهت. یک عده هستند می‌آیند فیلم دینی می‌سازنند به قول آقای رحیم‌پور ازغدی برای کاسبی خودشان. یک مخلوطی از دروغ و واقعیت و توهم راتحویل مردم می‌دهند به عنوان فیلم دینی. یک عده دیگر هم این مسئله، اصلا برایش مهم نیست. فقط دنبال همان اشاعه سبک زندگی غربی هستند و تازه اشاعه و بحث درباره سبک زندگی غربی را هم بلد نیستند. دوست دارند اما بلد نیستند. در مورد سینمای ایران فقط می‌توان به یک نتیجه رسید که اغلب سینماگران ایرانی فقط دنبال پول و شهرت در جشنواره های فرنگی هستند.

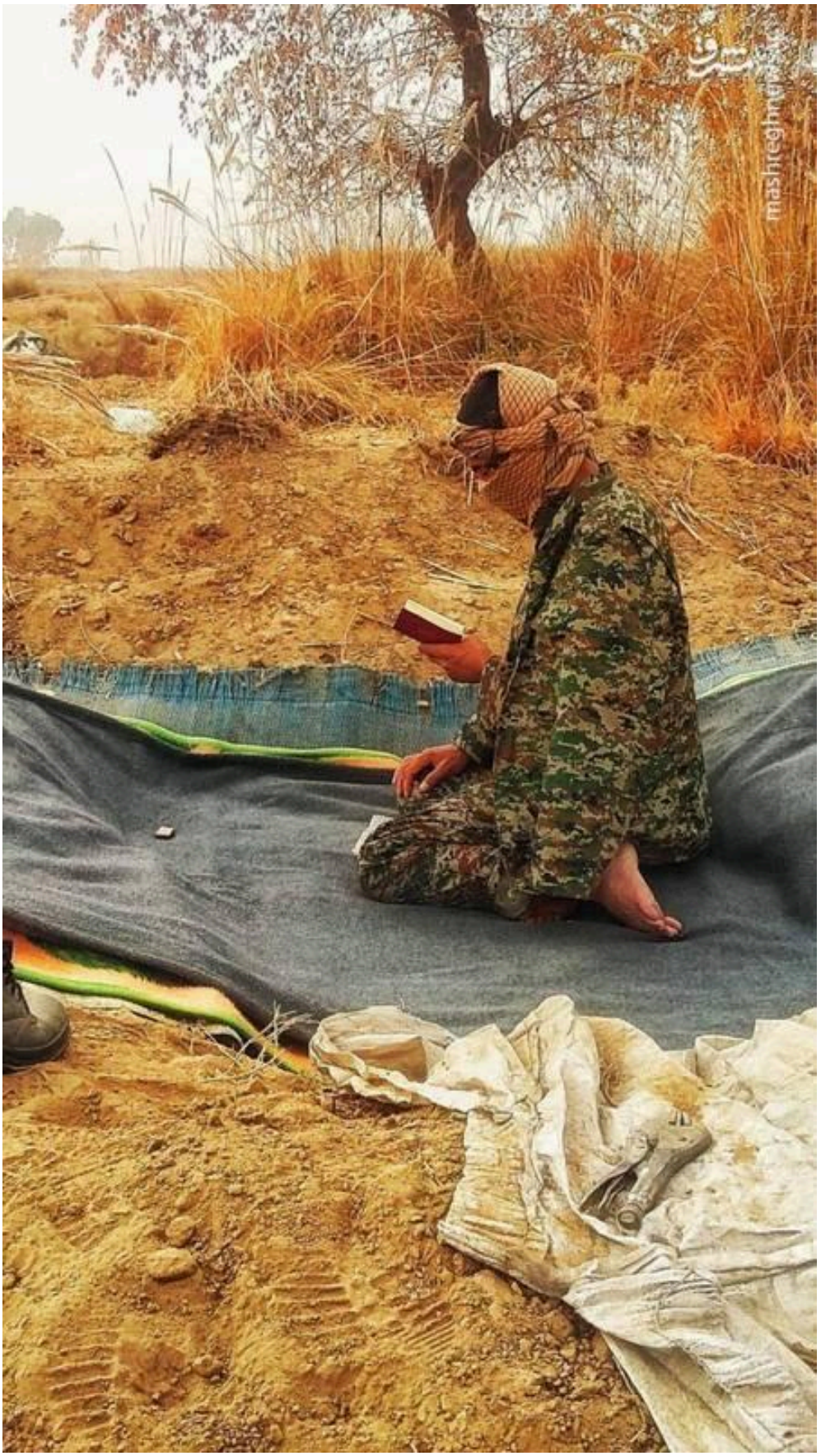
عموم فیلم‌هایی که استاد حاتمی کیا ساخته‌اند درونمایه دینی دارد

سینمای ایران ادای بیزنس را درمی‌آورد،بیزنسی هم نیست. چون وقتی ما فیلم خوب بسازیم ،هم درآمد دارد هم اعتبار، هم شان دارد برای سازنده و بازیگران. بر فرض مثال؛ استاد حاتمی‌کیا. شما ببیند عموم فیلم‌هایی که ایشان ساخته‌اند درونمایه دینی دارد. درونمایه اعتقادی و درست دارد، خطش را درست رفته است. سینماگر ایرانی می‌خواهد فیلم دینی بسازد چهارنفر را در حال نمازخواندن نشان می‌دهد که یکنفر هم در خانه‌اشان نذری می‌آورد ،یک پرچم امام حسن هم در خانه نصب کردند، ریش هم دارند و چنین ترکیبی ساده‌انگارانه‌ای در سینمای ایران یعنی فیلم دینی. در فیلم دینی، نمایش مناسک از ملزومات نیست، در فیلم دینی قهرمان اصلی نباید ریش داشته باشد. **فیلم بادیگارد آخرین اثری که مردم از آقای حاتمی‌کیا دیدند هیچکدام از مولفه‌های سطحی‌نگر و ظاهری فیلم دینی در محتوایش نیست ولی کاملا دینی است.** نمونه دیگر یتیم خانه ایران است.چند تا کارگردان در ایران مسئله و دغدغه‌اشان ساختن چنین اثری درباره تاریخ ایران است. یک عده با نگاه سکولار به سینمای دینی اعتقاد دارند. آنچه که در یتیم خانه ایران نمایش داده می شود مگر بر سر ایران نیامده است؟ چرا دغدغه هیچ فیلمسازی نیست غیر از ابولقاسم طالبی ؟ اغلب فیلم‌های اجتماعی ما شده‌اند نمایش عشق‌های مثلثی. آنچه که عرض کردم تحلیلی بود در مورد سینمای داستانی. چون من کار داستانی تولید نکردم و مخاطب سینمای داستانی هستم. یک

***مسیر بحث را به سمت سینمای مستند هدایت کنیم. چرا سینمای مستند مسئله شما شد؟**

شما امروز چند نفر را می‌بینید که چند سینماگر را می‌شناسید که مسئله دنیای امروز و منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و

بحرانی که در سوریه و عراق بوجود آمده مسئله و دغدغه‌اشان بوده، چه داستانی چه مستند.



آنقدر در حوزه فرهنگ مقاومت کار نکردیم و چند سال گذشت یکدفعه خدا محسن حججی را خدا فرستاد که کاری در حوزه فرهنگ مدیران ما نکردند او یک تنه انجام دهد.

***در جشنواره عمار امسال سنگ تمام گذاشتند.**

من مسئله‌ام امسال و پارسال نیست. از ابتدای این رخدادها تا الان. از ابتدای وقایع سوریه و عراق بیشتر از صد مستند ساخته شده؟ بیشتر از دویست مستند ساخته شده؟ مردم باید نسبت به این مسئله باید آگاهی پیدا می‌کردند که چه اتفاقی دارد می‌افتد. آنقدر در حوزه فرهنگ مقاومت کار نکردیم و چند سال گذشت یکدفعه خدا محسن حججی را خدا فرستاد که کاری در حوزه

فرهنگ مدیران ما نکردند او یک تنه انجام دهد. خدا به او گفته بود برو یک جنجالی در فضای رسانه درست بکن که نه ایران تمام دنیا بفهمند در آنجا چه خبر است.

هر جایی که دفاع از مظلوم ممکن باشد باید جبهه مقاومت تشکیل داد.

برای اغلب مدیران فرهنگی ما جبهه مقاومت مسئله نیست.

***نقصان در رسانه‌های مرجع را نمی‌توان کتمان کرد. در رسانه‌های مرجع ما تا دو سال قبل کلمه‌ای از مدافعان حرم مطرح نمی‌شددر صورتیکه رسانه‌های فارسی زبان ملکه عملیات روانی گسترده‌ای را درباره «مدافعان حرم» براه انداختند. در نتیجه کار نکردن رسانه‌های مرجع امروز شاهد این هستیم که حضور در سوریه و عراق مسئله ملی تلقی نمی‌شود. در صورتیکه مدافعان حرم و عرصه مقاومت مفهومی کاملا ملی است.**

مدافعان حرم در یک دوره زمانی آمده و باید دستمایه قرار بگیرد تا ما را با هدف اصلی برساند. مدافعان حرم عبارتی است برای تقریب ذهن مردم نسبت به جبهه مقاومت. مدافعان حرم در دل جبهه مقاومت هستند. جبهه مقاومت حتما مسئله‌اش این نیست که هر کجا حرم وجود دارد برود. جبهه مقاومت باید در جایی باشد که صدای مظلوم وجود دارد. هر جایی که مبارزه با استکبار و صهیونیسم ممکن باشد. مگر در یمن حرم داریم،اما جبهه مقامت داریم.الحوثی‌ها در یمن در دایره جبهه مقاومت هستند در لبنان جبهه مقاومت داریم.در افغانستان یک زمانی جبهه مقاومت شدند که توانستند نیروی های شوروی را از افغانستان خارج کنند. **هر جایی که دفاع از مظلوم ممکن باشد باید جبهه مقاومت تشکیل داد.**

***رسانه‌های مرجع اصلا دلشان نمی‌خواهد به صورت رسمی به جبهه مقاومت بپردازند.**

ببین کمکاری مستند سازان از طرفی قابل توجیه نیست اما کسانی هم باید در عرصه مدیریت فرهنگی باشند که خط و ربطها را برای مستندسازان و حتی فیلمسازان بخش داستانی تبیین کنند.

***جبهه مقاومت مسئله ملی ما هست یا نیست؟**

مسئله جهانی ماست.

***پس چرا در رسانه‌های مرجع ما تصویر واضحی ندارد. چرا باید این مستندها را فقط در جشنواره عمار ببینیم.**

برای اغلب مدیران فرهنگی ما جبهه مقاومت مسئله نیست. جبهه مقاومت، به نظر شخصی در حدود بیست درصد به جبهه مقاومت در رسانه‌های ما پرداخته شده و هشتاد درصد مغفول مانده است.

شما تقریبا جایی را نمی‌توانید در سوریه نام ببرید که از شر تروریست‌ها آزاد شده و نامی از فاطمیون نباشد

***دو اثر اخیر شما در جشنواره عمار امسال در مورد لشکر فاطیمون است.چرا از میان همه سوژه‌هایی که وجود دارد سراغ لشکر فاطیمون رفتید؟**

فاطیمون را سه سال است که بنده می‌شناسم. یک عده افغانستانی هستند که از بهترین‌های جبهه مقاومت هستند. شما تقریبا جایی را نمی‌توانید در سوریه نام ببرید که از شر تروریست‌ها آزاد شده و نامی از فاطمیون نباشد. عموما در همه مناطق سوریه حضور دارند. حالا فاطیمون از چه کسانی تشکیل شده است.افغانستانی هستند. نگاه مردم به افغانستانی‌ها چگونه است؟

***عموما نگاه فاشیستی –اجتماعی نسبت به افغان‌ها در ایران رایج است.**

برخی ناراحت می‌شوند که بنده این حرف را می‌زنم اما به نظر من واقعیت است که ما بعضی‌هایمان از خیلی از نژاد پرست هایی که در دنیا وجود دارند و ما عملکرد و رفتار آنها را نقد می‌کنیم، از آنها نژاد پرست تریم. در نژاد پرستی اشتباهاتی داریم، می‌گوییم ما ایرانی هستیم و آنها افغانی. کسی که چنین رویکردی دارد اصلا تاریخ افغانستان را می‌داند؟ چند سال است که افغانستان از ایران بزرگ جدا شده که چنین حرفی را داریم می‌زنیم و از بالا به پایین به آنها نگاه می‌کنیم. به خاطر این نگاه‌های اشتباه به خاطر اینکه فضایی که در ایران وجود دارد و در تمام دنیا نیز هست، علی الخصوص در ایرانی که من زندگی می‌کنم و نگاه مردم را نسبت به افغان‌های می‌شناسم. دیدگاه‌های خودم هم در مورد افغان‌ها قبلا اشتباه بوده و نگاه من مثل بقیه بود.



***نگاه شما هم نژاد پرستانه بوده ؟**

اینقدر نبوده اما از افغان‌ها خوشم نمی‌یامد. فکر می‌کردم آمده‌اند و جای مرا تنگ کردند. فکر می‌کردم حالا که همه چیز در ایران روبراه است به این کشور آمده‌اند. اما وقتی وارد جمع آنها شدم متوجه شدم عموم برادران افغان، اصلا به خاطر انقلاب حضرت روح‌الله به ایران آمدند. یک تعدادی زیادی هم آمدند که در دوران دفاع مقدس به ایران کمک کنند. سال‌های پس از جنگ فهمیدیم که یک تیپی داشتند به نام تیپ ابوذر که چقدر شهید داشتندف چقدر فتوحات داشتند و ....

***یعنی آنقدری که آنان به ایران و ایرانی تعصب دارند ما به افغان و افغانی تعصب نداشتیم.**

اصلا. **آنها به انقلاب، به امام خمینی(ره) ، به امام خامنه‌ای تعصب عجیبی دارند. به نظرم افغانستانی‌ها دارند صادرکنندگان انقلاب اسلامی می‌شوند. می‌شوند به آنها گفت دسترنج انقلاب خمینی و دارند انقلاب را به تمامی جهان صادر می‌کنند. از طرف دیگر انقلاب ما را در داخل دارند کمک می‌کنند.** کاری که شاید باید خیلی بیشتر تلاش می‌کردیم و انجام می‌دادیم امروز فاطیمون دارد این کار را انجام می‌دهد. مستند سازی درباره فاطمیون برای من فضایی به وجود آورد تا متوجه شوم برداشت من از افغان‌ها اشتباه است و بعد به آن کسانی این نگاه اشتباه را داشتند بفهمانم که به چه دلایلی باید نگاه اشتباه خودتان را درست بکنید. اگر من بخواهم من رسانه صالح داشته باشم باید مصلحانه عمل کنم باشم. فاطمیون فضایی بوجود آورد تا با مدیوم فیلم مستند به مردم بگویم مردم افغانستان آنطور که شما فکر می‌کنید نیستند. در آثاری که درباره فاطمیون ساختم از ایثار حرف می‌زنیم. ایثار یک صفت پسندیده‌ای است در تمام عالم. ایثارگر کسی است که مردم خیلی به او محبت دارد. فاطمیون ایثارگرند و در چند فیلمی که درباره ایثارگران فاطمیون ساخته‌ام، لحظات فراوانی از ایثار فاطمیون را نشان می‌دهم. سر تا سر فیلم‌های من با محوریت فاطمیون، نشان دهنده ایثار است.**ایثار در دایره فرهنگی انقلاب نیاز به ثبت دارد. اگر به نسل الان بگویید که تعداد بیشماری از افغان‌ها در جنگ هشت ساله حضور داشتند کمتر کسی باور می‌کند.**

به همین دلیل مجموعه تشکیل شد از همین بچه‌های فاطمیون به نام مرکز رسانه‌ای فاطمیون که زیر نظر فرمانده‌اشان تشکیل شد برای اینکه تاریخ ثبت بکند چه کاری دارند انجام می‌دهند. شما نگاه کنید از تیپ ابوذر اثر رسانه‌ای نمی‌بینید. چون آنچنان که مستحق است به وسیله تصویر ثبت نشد. **مردم دلاور افغانستان در دوران دفاع مقدس در صف نخست نبرد بودند.** اما امروز ثبت می شود که در سوریه فاطمیون چقدر خدمات ارائه دادند. چقدر برای جبهه مقاومت کار کرده‌اند و انشاالله فردا روزی که فاطمیون اسرائیل را هم نابود خواهند کرد. **مقام معظم رهبری فرمودند که 25 سال آینده را اسرائیل نخواهد دید. یکی از ستون‌های نابودی اسرائیل فاطمیون خواهد بود چون هدفشان این است. این هدف را از روز اولی که وارد سوریه شدند، داشتند. راه را گم نکردند از همان ابتدا گفتند که هدف ما پاک کردن این غده سرطانی است و با از بین رفتن اسرائیل منطقه آرام خواهد شد.**



***این تصویر از فاطمیون خیلی متفاوت است با تصویر دانشجویی که می‌رود پرچم اسرائیل را با آب و رنگ پاک می‌کند. این تفاوت تربیت ناشی از کجاست؟**

دقیقا تفاوت تربیت در پذیرش انقلاب است. دقیقا صحبت های چهارشنبه مقام معظم رهبری که نقل به مضمون ایشان فرمودند برخی دینشان سیاسی است و برخی سیاستشان دینی است. ما سیاستمان باید دینی باشد نه دینمان را با سیاسی بازی از بین ببریم. برخی اینجوری هستند ممکن است طرف عمامه هم بر سر داشته باشد ولی درک درستی از انقلاب نداشته باشد. ممکن است در انقلاب حضور داشته باشد ولی انقلابی نباشد. ممکن است همین امروز یک جایی یک مسئولیتی هم داشته باشد در ارگانی و نهادی داشته باشد ولی نه انقلاب را خوب فخم کرده باشد نه تربیت انقلابی را بفهمد، نه اینکه بفهمد تفاوت دوست و دشمن چیست. مشکل اصلی ما این است برخی گیر بدیهیات انقلابی هستند. اسرائیل اصلا چیزی نیست که بخواهد پرچمی داشته باشد، چهار تا دزد برای خودشان پرچم زده‌اند. پرچم دزدان احترام دارد؟ اگر ما می‌بینیم یک عده هستند که پرچم اسرائیل را از معابر عمومی پاک می‌کنند از روی پرچم رد نمی‌شوند و آنرا به عنوان یک کشور قبول دارند، در عوض در جمهوری اسلامی اسم و رسمی دارند، اما انقلاب را نمی‌فهمند، جمهوری اسلامی را نمی‌فهمند و رهبری را نمی‌فهمند، مردم را نمی‌فهمند و خودشان را به نفهمی می‌زنند و نمی‌دانند که به خاطر خوشایند چه کسی اینکارها را دارند می‌کنند. آخه چه منفعتی می‌تواند داشته باشد پاک کردن پرچم اسرائیل که هیچ معنا و مفهومی ندارد. این پرچم سمبل گرفتن زندگی ماست و تو واکنش منفی به این پرچم نشان نمی‌دهی. اگر دزد به خانه شما بیاد لباس‌هایش می‌گیری اتو می‌کنی به او می‌دهی، با عقل و فطرت جور درنمی‌آید و آن دختر خانمی که داشت پرچم اسرائیل را پاک می‌کرد خط و ربط او هم مشخص شد.معلوم شد پدر و خاندانش کیست.



***چرا اعضای فاطمیون با اینکه این همه مصیبت در این کشور کشیده‌اند پای آرمان انقلاب ایستاده‌اند؟**

فاطمیون از بیست و دونفر تشکیل شد . شخصیت ویژه ای به نام **علیرضا توسلی** که در روزهای دفاع مقدس، انقلاب از خدمات بی شمار او بهره‌مند شد، رفت عده‌ای افغان‌های عزیز را جمع کرد رفتند سوریه برای کمک کردن به جبهه مقاومت و آن بیست و دو نفر به تدریج افزایش یافتند و هسته اولیه افزایش یافت و به قصد مبارزه با غده سرطانی اسرائیل راهی سوریه شدند. در اثر بعدی که راجع به فاطمیون خواهم تصاویرش را خواهید دید. از همان ابتدا هدف اصلی مشخص بود، باید اعوان و انصار صهیونیست‌های از بین برد تا به غول نهایی رسید. با این طرز تلقی گروه کوچک فاطمیون به تدریج بزرگتر شد. آنچه لشکر فاطمیون را گسترش داد این بود که این لشکر رزمندگان خوبی هستند.

***شائبه‌ای و اتهامی که رسانه‌های معاند و بیگانه به رزمندگان عزیز لشکر فاطمیون می‌زنند این است که این عزیزان پول خوبی بابت حضور در سوریه می‌گیرند برای بنده که نیت شیعی آنان شفاف و روشن است اما چون شما به این دلاوران نزدیک بودید تحلیل خودتان چیست؟**

حرف مالی را وسط می‌کشند و می‌خواهند آنان را مزدور معرفی کنند. من با یک صحنه اساسی در فیلم «جنگ، دوربین،من» پاسخ داده‌ام. اما سئوال من از کسانی که در رسانه‌هایشان چنین اتهامی به دلاوران فاطمیون می‌زنند این است که چند نفر حاضرند جانشان را با پول تعویض کنند؟

در همین زلزله اخیر که در تهران آمدند. شهروندان عزیز نخستین چیزی که به دنبال آن بودند تا خانه بردارند و بیرون ببرند بیرون پولشان بود؟ جانشان مهمتر بود یا پولشان؟ با طرح مسئله مالی می‌خواهند نشان بدهند مزدور هستند. مردمی که قاعدتا تحت تاثیر این مسائل قرار می‌گیرند حاضرم آنها را ببرم در میدان جنگ، اگر آنجا جلوی گلوله مستقیم داعش ایستاد من به هر کسی همراه ما شد پول اثر بعدی‌ام را خواهم داد.

در مستند «جنگ، دوربین،من» من دارم فرمانده‌ای را نشان می‌دهم از لشکر فاطمیون که پایش تیر خورده و حاضر نیست به عقب باز گردد. به زور می‌گوید مرا نبرید من باید برگردم به خط مقدم. شما در مستند «جنگ، دوربین،من» ببینید، مزدور در 20 متری داعش خونخوار حاضر است با یک اسلحه بجنگد. این دلاوری حاصل پول نیست، حاصل شجاعت برآمده از اعتقاد است. یعنی در همان صحنه‌ای که ما نشان دادیم دلاور افغانی رفته جلو که بتواند داعش را به خوبی قلع و قمع کند و ممکن است با یک نارنجک دستی جانش را از دست بدهد.

دوستان اشتباه نکنند و تحت تاثیر شعارهای دشمن قرار نگیرند. دلاور فاطمیونی کارگر که نیست برود جلو چند تیر بیشتر شلیک کنند دستمزد بیشتری بگیرد، مجاهدند، مجاهد فی سبیل الله و برخی از مردم ما و کسانی که این شایعات را ترویج می‌دهند مفهوم مجاهد فی سبیل الله را فراموش کرده‌اند. فاطمیون فرزندان تیپ ابوذرند، همان کسانی که در هشت سال دفاع مقدس در جنگ مقدم برای حفاظت جان ایرانی‌ها جنگیدند. اگر زخم‌های آنان را التیام بخش نیستید لااقل آنقدر آزاده باشید و زخم زبان نزنید. زوزه تیر که از بیخ کسی رد می شود با هیچ کس شوخی ندارد. دلاوری های فاطمیون ماحصل تفکر و تعهد و تربیت انقلابی است.

***برای من تربیت سخی در مستند نقاشی یک رویا خیلی جالب بود که این آدم کارگر بوده و اعتیاد داشته و حضرت زینب(س) به خوابش می‌آید و پس از ترک اعتیاد راهی سوریه می‌شود و پس از چندین ماه اسیر داعش بودن حاضر**

نمی‌شود برای زنده ماندن به حضرت زینب جسارت کند. ناخواسته مرا یاد فیلم سکوت مارتین اسکورسیزی انداخت که مسیحیان ژاپنی در آن فضایانکزیسیونی ژاپن حاضر نمی‌شوند به تمثال مسیح (ع) اهانت کنند. گویی فاطمیون برگزیده می‌شوند.

سخی (دلاور فاطمیونی در مستند نقاشی یک رویا) وقتی دارند از او دارند حرف می‌کشند چرا اومدی و دلیلت چه بوده، خیلی محکم پاسخ می‌دهد به خاطر حضرت زینب(س) آمدم. حاضر نیست از اعتقادات خودش عبور کند با اینکه زخمی است و داعشی ها مرتب او را کتک می‌زنند. محسن حججی را به عنوان شهید ذبیح می‌شناسید،من یک شهید در فاطمیون به شما معرفی می‌کنم مثل شهید حججی.

شهید رضا اسماعیلی (اینجا)، اولین شهید بی سر فاطیمون است. تکفیری‌ها که او را گرفتند گفتند تو باید به وجود مقدس امیر المومنین (ع) توهین کنی تا زنده بمانی. او را با هزار سختی و مشقت دستگیر کردند. بی سیم را روشن کردند و بی سیم را یکسره کردند که مجاهدان صدای او را بشنوند. گفتند توهین کن. مقاومت کرد و شروع کرد به یاعلی یاعلی یاعلی ... گفتن. ایشان با استقامتی عجیب شروع کرد به ذکر گفتن، در همین حین بچه های که صدای بی‌سیم را می‌شنیدند گفتند که صدای خرخر بریدن گلوی این دلاور از پشت بی‌سیم شنیده شد.



ببیند مومن واقعی مسلمان واقعی به چه کسی می‌گویند؟ به کسی که پای اعتقاداتش اینگونه ایستاده است. ما این صحنه های را ندیدیم و این شهید را نشناختیم. اینها حاصل مکتب انقلابند نه کسانی با یقه دیپلمات و ریش و عبا و عمامه هزاران ظاهر ادعای انقلابی بودن دارند اما اهل سازش با دشمن هستند و منافقاند. **این نفاق برای جمهوری اسلامی خیلی خطرناک است. فاطمیون به همین خاطر برای انقلاب اسلامی بهترند و با عوامل بلند پایه نفاق و چقدر غریبند.**

***خیلی از فاطمیون شناسنامه ندارند، رسیدگی درست و درمان به آنها نمی‌شود اما اهل اغتشاش و طلبکاری هم نیستند.**

مشکلی که در ممکلت ما وجود دارد حرف گوش نکردن است. در جلسات عمومی و خصوصی بارها مقام معظم رهبری درباره این مسئله صحبت کردند. چند نفر از مسئولان گوش کردند؟ عمده مشکل مسئولان این است که اصلا حرف رهبری را گوش نمی‌کنند. حضرت آقا بارها فرمودند که فرزندان افغان‌ها حق تحصیل داشته باشند، بیمه داشته باشند هزاران رسیدگی اجتماعی و شما با جزئیات فرمایشات حضرت آقا را رصد کنید که نمود این اتفاق را در برنامه وطن دار دیده‌اید که از یک عده از مسئولان اعتراف گرفتند که باید اینکار را بکنید. آقای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی فلان طور رفتار کن. آقای مسئول اطباء ، اینطور باشید. مگر رهبری بالاترین منصب حکومت جمهوری اسلامی از شما درخواست کرده بود که گفته بود رفاه اجتماعی آنان را تامین کنید؟ یک عده گوش نمی‌دهند یک عده دیر گوش می‌دهند. این بزرگترین مشکلات ممکلت در تمام رده‌های مدیریتی است. (ساده لوح این کوینده: مسؤولان طبق بخشنامه ها عمل مي كنند نه سخنرانيهاى تبليغاتي كه اكر واقعا بنا داشتند عملي شود بخشنامه صادر مي كردند)



***من نظرم این است که فاطمیون از بهترین های شیعه هستند و باید بهترین جا تهران زندگی کنند و فرزندانشان در بهترین مدارس تحصیل کنند.**

افغان‌هااز فطرت دینی قوی برخوردارند و همین فطرت و تربیت اعتقادی سبب شده که عموما در فضاهای مذهبی زندگی می‌کنند. مشهد، قم ،شهرری، و هر جا استان‌ها اطراف بعقه‌های امامزاده‌ها و ائمه زندگی می‌کنند. حتی برخی از این عزیزان در زینبیه سوریه زندگی می‌کنند و بومی آنجا بودند. در کنارمرقد حضرت زینب دختر امام کاظم (ع) زندگی می‌کنند. یعنی شما هر جا امامزاده‌ای می‌بینی، بخشی از برادران افغان ما در اطراف آن زندگی می‌کنند.

خادمان حرم حضرت رقیه سال‌های سال نزدیک به چندین نسل متوالی افغانستانی هستند. چند نسل از خادمانشان افغانستانی هستند. من اصرار دارم بگویم که اینها با یک زمینه قوی مذهبی پرورش یافتگان انقلاب هستند. حتی جغرافیای عموم افغان‌ها اسلامی است. همه این استدلال‌ها را کنار هم گذاشتم تا این مسائل مهم در مورد افغان‌ها را به گوش همه برسانم. اینقدر فیلم در مورد افغان های فیلم بسازم . مثلا من نبرد پالمیرا ساختم تا همگان متوجه شوند مهمترین منطقه سوریه را فاطمیون آزاد کردند.

هزاران سبک و سوژه وجود دارد در مورد فاطمیون و افغان‌های فیلم ساختن. در نقاشی یک رویا من در مورد جانبازی صحبت می کنم 14 ماه اسیر داعش بوده و هر روز یک تکه نان خورده اما خواست داعش مبنی بر توهین به حضرت زینب (س) را انجام نداده است. آدمی که به مرحله می‌رسد امکان ندارد که فرد معتقدی نباشد و اعتقاد او را به چنین جایی رسانده است.

***در مورد مستند مادرانه هم توضیح بدهید؟مادر شهیدافغانی با این مختصات که در فیلم نشان می‌دهید سال‌ها پس از هشت سال دفاع مقدس ندیده بودیم.**

خانواده‌ای در قم در به نام صابری یک پسر و دو دختر دارند. پسرشان می‌خواهد به سوریه برود اجازه می‌دهند به سوریه برود و از همان گروه‌های اول فاطمیون است که آنجا تشکیل شده بود. روی تل(تپه) قرین که مشرف به بلندی های جولان علیرضا توسلی فرمانده فاطمیون به شهادت رسیدند، مهدی صابری همانجا شهید شد. تک پسر را وقتی آوردند ما تصاویر معراج شهدا را داریم که مادر بالای سر فرزندش حاضر می‌شود. من توضیح نمی‌دهم و بگذارید ببینند. هر چقدر توضیح بدهیم نمی توانیم مادر این شهید فاطمیونی را توصیف کنیم. دقیقا مصداق آنچه هستند که حضرت زینب فرمودند. **ما رایت الا جمیلا**. برادر و عزیزترین کس تورا در مقابل تو تکه تکه کنند و بگویی من جز زیبایی چیزی ندیدم (ما رایت الا جمیلا). {اشاره به حضرت زینب (س)}. این مادر این لحظه را برای ما به تصویر کشید. تک پسرش را آوردند شهید پر از خون، رفتار این مادر را شما ببینند. اگر ذره ای اشک دیدید، اگر ذره ای ناراحتی دیدید، ندیدید. شما یک مادر زینبی می‌بینید. اینانند پرورش یافتگان مکتب انقلاب و انقلابی،نه آن عده‌ای که شناسنامه ایرانی دارند، ادای انقلابی‌گر درمی‌آورند و امروز هزاران کار ضد انقلابی انجام می‌دهند.

وزیر ارتباطات دلیل آن را باز کرد

مردم ایران به اینترنت ملی اعتماد ندارند

جهرمی وزیر ارتباطات در اینستاگرام بحث اینترنت ملی و دلیل بی اعتمادی مردم به آن را باز کرد و نوشت:

زمانی نه‌چندان دور، صنعت وبلاگ در ایران همگام با دنیا در حال رشد و رقابت بود و شبکه اجتماعی بومی ایرانی پا به پای نمونه‌های بین‌المللی رقابت می‌کرد.

اما امروز دیگر نامی از صنعت وبلاگ ایران به جا نمانده و شبکه اجتماعی محبوب آن زمان اعلام کرده به زودی سرویس خود را خاموش خواهد کرد.

در مصاف آزادی و امنیت، داخلی‌ها صحنه رقابت را به برخی نگاه‌های تنگ نظرانه واگذار کردند و در کنارش صحبت از پروژه‌هایی با پسوند ملی آغاز شد که بیشتر آنها با تصدی دولت‌ها به سرانجامی نرسید و جز ضرر اقتصادی برخی مجموعه‌ها، نامی به جا نمانده است.

در این میان آمارهای سال ۹۲ خبر از آن می‌داد که بیش از ۲۵ درصد استفاده مردم از اینترنت با فیلترشکن است، اما با رویکرد حمایتی دولت از دسترسی مردم به شبکه‌های اجتماعی، کم کم این سرویس‌ها در زندگی مردم نقش خود را پیدا کردند اما در این میان ظرفیت‌های دولت تا آنجا نبود که بتواند همه موانع پیش روی شبکه‌های اجتماعی داخلی را رفع نماید.

بدون‌شک هر زمان صحبت از توسعه سرویس‌های ایرانی می‌شود، همواره به حجم ریالی حمایت دولت از این سرویس‌ها توجه می‌شود و در این میان فراموش می‌شود که سرویس‌های بومی برای توسعه علاوه بر پشتیبانی مالی، نیازمند امان نامه‌ای در حوزه‌های قضائی و امنیتی هستند که ظاهرا دولت به تنهایی قادر به ارائه چنین تضامینی نیست.

بالطبع در نبود شرایط مناسب برای رشد محصولات ایرانی، مردم منتظر حل مشکلات داخلی نماندند و با استفاده از سرویس‌های بین‌المللی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی ادامه دادند و علاوه بر رفع نیازهای روزمره مثل اخبار و...، بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های اقتصادی را نیز در این فضا شکوفا کردند و معیشت بخشی از مردم به این فضا گره خورد.

حالا در شرایطی قرار داریم که حاکمیت ما و اکثر کشورهای دنیا امکان اعمال مقررات بر شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی را ندارند و البته ساده‌ترین راه‌حل(!) برای غلبه بر این تهدیدات نوین بستن فضا و به دنبال آن سردادن آواز لزوم توسعه شبکه‌های داخلی، آن هم از جنس صرفا تکنولوژی و بدون توجه به سایر پارامترها از جمله حریم خصوصی و سهولت ابراز بیان مشروع است، غافل از آنکه عقب نگاه داشتن کشور از علم روز خود یک تهدید بزرگ دیگر است.

وعده دورف مبنی بر عرضه تلگرام بر بستر بلاک‌چین؛

TON یا تلگرام غیرقابل فیلتر کردن چیست و چگونه کار می‌کند؟

خبری که پیشتر یکی از مدیران تلگرام آن را اعلام کرده بود، اما حالا به طور رسمی اعلام می‌شود. خبر در راه بودن «شبکه باز اطلاعات تلگرام» یه به طور مخفف «Telegram Open Network» (TON) که در آن تلگرام بر بستری عرضه خواهد شد که امثال بیت‌کوین بر آن بستر فعالیت می‌کنند. پلتفرمی که به تلگرام کمک می‌کند بی ارتباط با سرورهایش نیز فعال بماند!

تلگرام فیلترناشدنی چیست و چگونه کار می‌کند؟ این سوالی است که این روزها مکرر پرسیده می‌شود و حتی عده‌ای روزشماری می‌کنند تا موعد رونمایی از آن برسد. نسخه متفاوتی از تلگرام که بنیانگذار آن وعده ارائه اش در زمانی کوتاه را داده است.

به گزارش «تابناک»، به فاصله کوتاهی از انسداد موقت تلگرام در کشورمان، پاول دورف، بنیانگذار تلگرام -که پیشتر وی‌کی (VK)، یعنی بزرگترین شبکه اجتماعی روسیه را بنا نهاده و به دلایلی از آن جدا و برای ادامه فعالیت، روانه آلمان شده، وعده عرضه نسخه متفاوتی از تلگرام را داد که قابل فیلترکردن و انسداد نیست.

این وعده در حالی بیان می‌شد که تلگرام به درخواست مسئولان کشورمان برای حذف برخی کانال‌های ترویج کننده خشونت و ترور پاسخ منفی داده بود و پیرو آن، مسئولان کشورمان رای به خارج شدن آن از دسترس ایرانیان دادند. تصمیمی که البته تاکید شده و می‌شود که موقتی‌ست، به شرطی که تلگرام به خواسته مسئولان کشورمان جامه عمل بپوشاند.

شرطی که به نظر نمی‌آید محقق شود که اگر این گونه بود، پیشتر این گونه شده بود. وضعیتی که نشان می‌دهد احتمالا بازگشتی در کار نیست و ظاهرا دورف هم تمایلی به بازگشت به بازار ایران ندارد، حتی با اینکه می‌داند ۴۰ میلیون از حدود ۷۰ میلیون کاربر نرم افزارش ایرانیان هستند و تنها راه به سود رساندن تلگرام، تداوم این ارتباطات و همکاری با مسئولان کشورمان است.

درباره همکاری‌هایی سخن می‌گوییم که نمونه آن، مجوز ورود تلگرام به عرصه تبادلات مالی در کشورمان بود که از مدت‌ها پیشتر زمزمه افزوده شدنش امکانش به تلگرام مطرح شده بود و مسئولان کشورمان قصد داشتند با دادن این مجوز به تلگرام، این شبکه اجتماعی محبوب ایرانیان را مجاب به انتقال سرورهایش به کشورمان نمایند.

اتفاقی که دیگر قرار نیست رخ دهد، به ویژه زمانی که به یادآوریم وی‌چت به کشورمان بازگشته و در چندسالی که از دسترس ایرانیان خارج بود، توانسته سهم بسیار بزرگی از بازار تبادلات مالی جمعیت بزرگی از هموطنانش به دست آورد؛ جمعیت چند صد میلیون نفری چینی‌هایی که برای پرداخت مبلغ خریدهای روزمره خود از وی‌چت بهره می‌برند.

دورنمایی که دورف برای تلگرام ترسیم کرده بود، اما حالا تغییر کرده است؛ آنقدر که به نظر می‌رسد تلگرام هم برای این برنامه نویس نابغه روس، حکم وی‌کی را یافته است. شبکه اجتماعی‌ای که وی در روسیه بنا نهاد و محبوب‌ترین شبکه اجتماعی این کشور، با اختلاف به نسبت فیسبوک و امثال آن شد و وقتی کنترل آن با فروش سهام توسط شریکش تا حدی از دستان دورف خارج شد، عطای داشتنش را به لقایش بخشید و دست از آن شست.

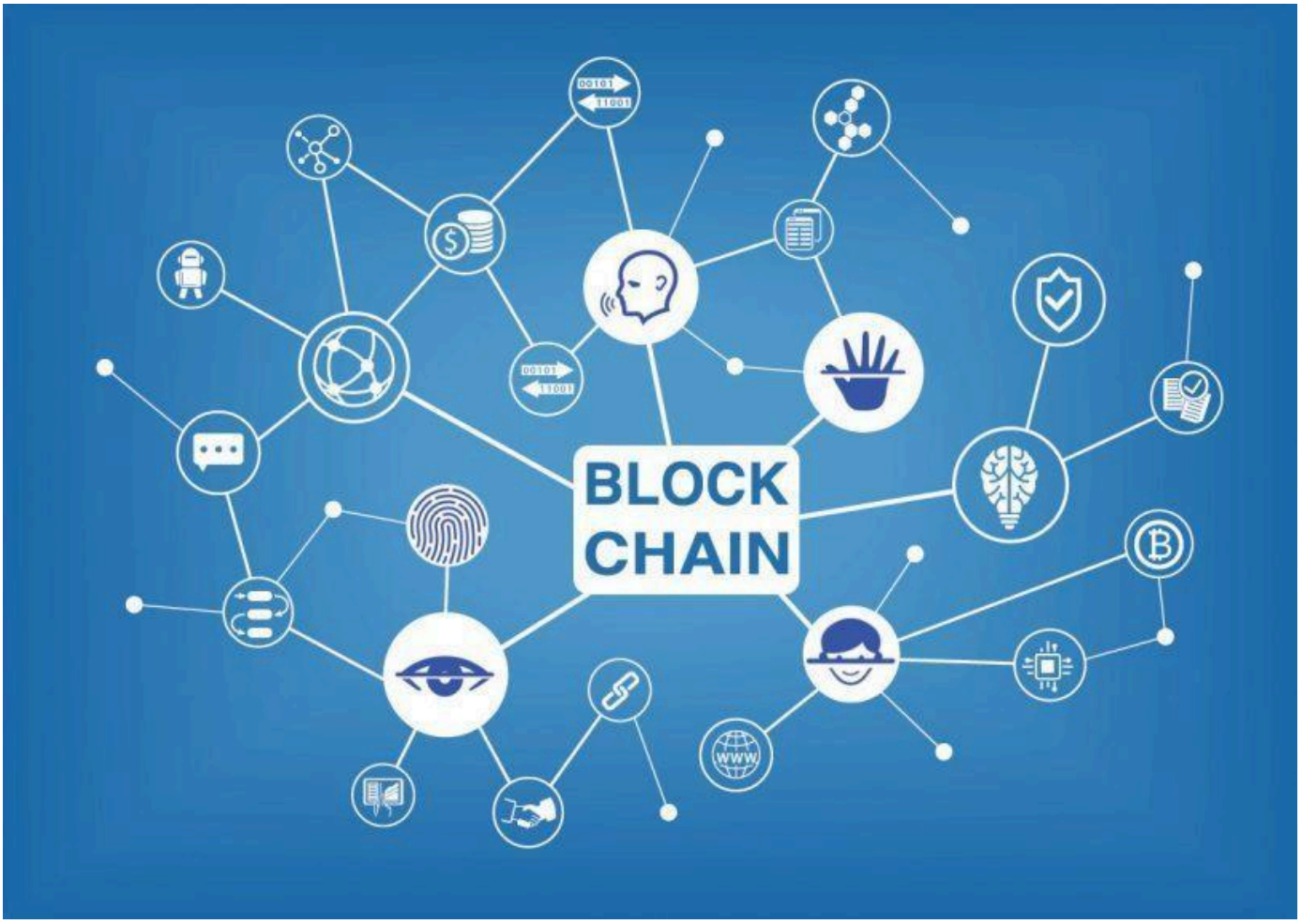


اتفاقی که این بار به شکلی دیگر در حال وقوع است. اینکه دورف از نسخه جدید تلگرام سخن به میان آورده که بر بستر بلاک‌چین عرضه خواهد شد. نسخه‌ای که نمی‌توان آن را فیلتر یا محدود کرد و از آن سو، اختیار تلگرام را از دست مالکش خارج خواهد کرد! چیزی شبیه وقف کردن تلگرام برای عموم!

خبری که پیشتر «آنتون روزنبرگ»، یکی از مدیران تلگرام آن را اعلام کرده بود، اما حالا به طور رسمی اعلام می‌شود. خبر در راه بودن «شبکه باز اطلاعات تلگرام» یه به طور مخفف «TON (Telegram Open Network) که در آن تلگرام بر بستری عرضه خواهد شد که امثال بیت‌کوین بر آن بستر فعالیت می‌کنند. پلتفرمی که به تلگرام کمک می‌کند بی ارتباط با سرورهایش نیز فعال بماند!

برای فهم بهتر ماجرا بهتر است ابتدا کمی درباره بلاک چین توضیح دهیم؛ فناوری بلاکچین اساساً یک پایگاه داده توزیع شده از اسناد و یا دفتر کل عمومی از همه تراکنش‌ها یا رویدادهای دیجیتال است که توسط اجزای تشکیل دهنده اش به شکل مشترک اجرا می‌شود. یعنی هر تراکنش در آن با توافق اکثریت اجزای سیستم محقق می‌گردد و اطلاعاتی که یکبار وارد سیستم شده باشد، هرگز پاک نمی‌شوند.

به عبارت ساده تر، در بلاک چین اطلاعات یک واقعه نه در یک سرور و با چک شدن و رجوع مداوم به آن سرور، که در هسته های فراوانی که همانا کاربران آن سیستم هستند، نگهداری می‌شود و از این رو، قطع ارتباط سرور، منجر به قطع ارتباط شبکه نخواهد شد. وضعیتی که برای تلگرام باید این گونه آن را تشریح کرد که مدیران این نرم افزار قصد دارند اطلاعات این شبکه اجتماعی را بین کاربران نگهداری کنند که در این صورت، حتی با بستن ارتباط کاربران با سرورهای تلگرام هم نمی‌شود تلگرام ایشان را از کار انداخت.



وضعیتی که البته آفت هایی به دنبال دارد که از جمله آنها، خارج شدن کنترل کامل تلگرام از دست مدیران این شرکت نیز هست. منظور کنترل اطلاعات در این شبکه است که بستر بلاک‌چین مانع از دخل و تصرف و حذف آن به سادگی می‌گردد و بر این اساس، دیگر مدیران این شرکت نمی‌توانند مدعی شوند خط و خطوط قرمزی دارند که اگر زیر پا گذاشته شود، به سرعت آن را حذف می‌کنند چراکه بلاک‌چین این امکان را به ایشان نمی‌دهد.

علاوه بر آن، ورود TON به بازار و اقبال کاربران به آن، برای ایرانیان یک مساله جدید خواهد آفرید. اینکه هزینه اینترنت شان –ولو اندک- افزایش خواهد یافت چراکه در بلاک چین مدام بین کاربران برای صحت سنجی و انتشار مطالب ارتباط برقرار است و این ارتباط در کشور ما که اینترنت را به صورت مجموع اطلاعات دریافت و ارسالی فاکتور می‌کنند و می‌فروشند، منجر به افزایش هزینه کاربران خواهد شد.

افزایش هزینه‌ای که البته اندک است، اما در کشور ما می‌تواند مساله ساز باشد، به ویژه آنکه بسیاری از کاربران تلگرام در کشورمان از بسته های اینترنت تلفن همراه استفاده می‌کنند که محدودیت زیادی از نظر حجمی دارند. این در حالی است که عرضه تلگرام بر بستر بلاک‌چین، تماس صوتی رایگان این نرم افزار که از زمان راه اندازی، در کشورمان فیلتر شد را هم به امکانات تلگرام خواهد افزود و طبعا هزینه های بیشتری برای مشترکان به وجود خواهد آورد.

به این موارد، امکان استفاده از ارزهای دیجیتال و تبادلات مالی خاص بر بستر TON را هم می‌توان افزود که به دلیل ویژگی های بلاک چین، انسداد آنها تقریبا غیر ممکن به نظر می‌رسد. اتفاقی که پیشتر دست کم یکبار در Frozen Chat، نرم افزار ارتباطی بر بستر بلاک‌چین برای اندروید تجربه شده اما به شکست این پروژه منجر شده است. شکست نرم افزاری که خاستگاه ایتالیایی دارد اما کسی نیازی به استفاده از آن ندیده تا به بایگانی سپرده شود اما اوضاع برای تلگرام فرق می‌کند؛ فرقی که می‌توان آن را در اشتیاق فراوان ایرانیان به این نرم افزار، حتی پس از فیلتر شدنش دریافت!

ستون پنجم اسرائیل و امریکا در کنار حکومت ایران عمل می کند

راشا تودی – ترجمه رضا نافعی

نویسنده این مقاله Rainer Rupp نام دارد. سالها در مرکز فرماندهی ناتو در اروپا کار می کرده و مدت ها پس از فروپاشی دیوار دو آلمان نیز ناشناس مانده بود تا این که بعنوان کسی که اخبار ناتو را به دولت وقت آلمان شرقی می رسانده شناخته شد. محاکمه و محکوم به 12 سال زندان محکوم شد. پس از گذراندن دوران محکومیت از زندان آزاد شد به حرفه روزنامه نگاری با نوشتن تحلیل های سیاسی روی آورد.

من مقاله او را ابتدا مقداری خلاصه و سپس برای انتشار جهت آگاهی فارسی زبانان ویرایش کردم. طبیعی است که با برخی برداشت ها و اصطلاحات او موافق نباشم اما نزد خود به این نتیجه رسیدم که آگاهی از یک تحلیل متفاوت بهتر از نداشتن آگاهی از آنست، ضمن آن که پذیرش هر آنچه او نوشته الزامی نیست.

«امریکا و اسرائیل، دو متجاوز بزرگ، دو دولت تروریست ، ایران را کشوری را که صد سال است به هیچ کشوری حمله نکرده متهم به تجاوز می کنند. این تجاوز کی و کجا رخ داده است؟

از قرار معلوم همین که جمهوری اسلامی ایران تسلیم سلطه جوئی جهانی امریکا و سلطه جوئی منطقه ای اسرائیل نشده، و در برابر آن مقاومت کرده، خود به معنی تجاوز است.

یک مقام ارشد امریکائی گفته است که نوع » بحث ها» در هفته ها و ماه های آینده ژرف تر خواهد شد. در واقع آنچه مورد نظر است بررسی چگونگی «استراتژی جامع پرزیدنت ترامپ برای مقابله با ایران» ، و فعالیت های ایران در سوریه است.

گزارش های دیگری که در روزهای نخست سال نو در رسانه های محلی و همچنین بزبان انگلیسی در» تایمز اف اسرائیل» منتشر شد حکایت از آن داشت که » مقابله با ایران» شامل قتل شخصیت های برجسته ایرانی نیز می گردد.

طبق این اخبار سازمان های اطلاعاتی امریکا برای به قتل رساندن ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، به اسرائیل چراغ سبز داده اند.

ژنرال سلیمانی فرمانده سپاه قدس، فعالیت های نظامی بین ایران و سوریه، عراق، حزب الله و حماس را هماهنگ می کند. او از سال 1998(برابر با 1376شمسی) این سمت را دارد.

اسرائیل در عین حال فراموش نکرده است که حمایت ایران از حزب الله بود که نگذاشت ارتش ظفرنمون اسرائیل با تجاوز به جنوب لبنان بر آن کشور مسلط شود.

در عین حال اسرائیلی ها افتخار می کنند که تا کنون چندین و چند تن از دانشمندان اتمی و طراحان موشکهای ایران را بقتل رسانده اند.

اتاق های فکری که نزدیک به دولت امریکا هستند یک سلسله تحلیل های جالب عرضه کرده اند. در اینجا دو مورد از این مطالعات برای تسلط بر ایران مورد بحث قرار می گیرد. برای پی بردن به طرز تفکر حکام واشنگتن باید تمام سند را مطالعه کرد.

طرح نخست از موسسه معروف » بروکینگز» است که آن را در سال 2009 منتشر کرده است با عنوان :» کدام راه به ایران»، گزینه هائی برای استراتژی جدید امریکا . طرح دوم را موسسه CATO Libertarian دراکتبر سال 2017عرضه کرده است با عنوان «خطائی که تحمیلی نیست: خطرات مواجهه با ایران». گرچه تحقیق بروکینگز امروز نیز کتاب راهنما برای سرنگونی دولت ها در کشورهای دیگر است، اما طرح CATO Libertarian در مورد ایران واقع بینانه تر است.

هر دو تحقیق نتیجه می گیرند که تجاوز بازهای آمریکا به ایران، اعم از این که حمله ای یکباره و بسیار شدید باشد یا حمله ای گسترده برای اشغال ایران باشد مانند حمله امریکا به عراق، هر دو برای ایالات متحده گزینه های بدی هستند. در عین حال که به رغم تحولات سال 2009 جنگ اقتصادی و تحریم علیه ایران، همراه با بی ثبات سازی داخلی، راه حلی مناسب برای دستیابی به هدف است، اما CATO در تحقیقات خود به این نتیجه می رسد که واشنگتن گزینه ای برای تغییر رژیم در ایران ندارد.
در عوض، کاتو توصیه می کند که دولت ایالات متحده ایران را به همین صورت که هست به عنوان یک کشور بپذیرد و با تهران بعنوان یک کشور برابر حقوق، از طریق دیپلماسی نزدیک گردد. اما به نظر می رسد که واشنگتن هیچ گونه آمادگی برای پذیرفتن این پیشنهاد ندارد.
در عوض، پیشنهاد می شود که پیروی از راهنمایی بروکینگز برای تغییر رژیم ، که آزمون نیز شده است، ادامه داده شود. سند Brookings به چهار فصل تقسیم می شود:
فصل اول – تهران را به تغییر نظر واداشتن: گزینه های دیپلماتیک (یعنی تحریم ها)
فصل دوم – خلع سلاح تهران: گزینه های نظامی. (تجاوز آشکار)
فصل سوم – تغییر رژیم (از طریق عملیات مخفی)
فصل چهارم – ترساندن تهران: مهار کردن ایران
در فصل سوم، ما با دو حالت روبرو می شویم که در حال حاضر به ویژه در مورد ایران اهمیت دارد:
بخش 7: تحریک اقلیت های ایرانی.
بخش 8: کودتا و ایجاد » جنگ داخلی
بنظر می رسد آنچه که ما در حال حاضر در ایران می بینیم ترکیبی است از بخش های 8 و 7 طرح Brookings.
اگر ارگانهای امنیتی ناپختگی نشان دهند و عوامل ایجاد آشوب را با توده مردم تظاهر کننده یکی فرض کنند، آنوقت امریکا به مقصود خود رسیده است. اگر چند تن از آشوبگران به هر دو طرف تیراندازی کنند، یعنی هم به پلیس و هم به تظاهر کنندگان آرام، آنوقت وضعیت بسرعت از کنترل خارج می شود. ترکیبی مشابه این در لیبی، در آغاز حمله به سوریه و همچنین در اوکرائین رخ داد.
نیویورک تایمز در یک مقاله مفصل که در تاریخ 2 ژوئن سال 2017 منتشر شد، گزارش داد که سازمان سیا یک سلول عملیاتی ویژه برای چنین اقداماتی را در ایران راه اندازی کرده است.
این اقدام منعکس کننده تصمیم دولت ترامپ است برای تبدیل جمهوری اسلامی به یکی از اولویت ها در اهداف سرویس های اطلاعاتی آمریکاست، یعنی توسل به عملیات مخفی. از قرار معلوم برای مجهز ساختن » مرکز ماموریت برای ایران» صرفه جوئی نشده است. تحلیل گران، ماموران ویژه و «کارشناسان» یعنی همه کسانی که در کل » آژانس» وجود دارند باید در این مرکز گرد هم آورده شوند تا بتوان طیف گسترده ای از توانائی های این آژانس تبهکار را به نمایش در آورده و به نتیجه رساد.
مایکل دآندره آ Michael D'Andrea رئیس این مرکز از زبده ترین افسران سیا است و در محافل اقدامات تبهکارانه به » شاهزاده سیاه » شهرت دارد و چون مسلمان شده است او را

» آیت الله مایک» نیز می نامند . یک همکار سابق او در سازمان سیا در ستایش او با شور و شعف به نیویورک تایمز گفته است: «او می تواند یک برنامه بسیار تهاجمی را هدایت و در عین حال بسیار هوشمندانه عمل کند.»
منظور او اشاره به کار پیشین D'Andreas در آژانس بود که نخست به عنوان رئیس گروه ضد ترور و بعدها به عنوان رئیس ماموریت هواپیماهای بدون سرنشین سیا فعالیت می کرد که فقط بر اساس حدس و گمان، هزاران به ظاهرا اسلامگرا و احتمالا غیرنظامیان را به قتل رساند. او همچنین سرپرست گروه همکاری سیا با وهابی های اسلام بود که به ویژه در لیبی، عراق و سوریه با بریدن سر افرادی که معتقد به ادیان دیگر بودند شهرت یافتند.
D'Andrea با بهره وری از سنگدلی و بی رحمی شدید خود بی شک مهارت های مناسبی برای نقش خود به عنوان رئیس «مرکز ماموریت ایران » که عنوانی است بی ضرر، یدک می کشد.
در ماه ژوئن، ناظران، فراخواندن او برای تصدی کار جدید را سیگنالی (نشانه ای) تلقی کردند برای عملیات جاسوسی «عضلانی» و عملیات پنهانی علیه ایران .
این انتخاب با شیوه کار مایک پمپئو که ترامپ او را به ریاست جدید سیا برگزید کاملا هماهنگ است. Pompeo به عنوان یک عضو جمهوریخواه کنگره، در هر موردی موضع گیری سخت تری علیه ایران را تحمیل کرده است. بنظر می رسد که انتخاب دارنده آ D'Andrea برای این کار همان انتخاب کارامد است.
با همین پیش زمینه روز 30 دسامبر درحالیکه درایران تظاهرات مردم در شهرهای مختلف جریان داشت در جنوب غربی ایران نزدیک مرز عراق یک لوله نفت منفجر شد که بلافاصله نظرها متوجه «داندره. آ» شد.
برای این اقدام انفجاری نام یک گروه مشکوک نیز بلافاصله اعلام شد :»بریگادر شهدای اهواز» که گویا متعلق به » انصار الفرقان » است.
از زمان باستان بخشی از ساکنان منطقه اهواز از اقوام عرب بوده اند. آنها یکی از اقلیت های کوچک و فراوانی هستند که در ایران زندگی می کنند. این انفجار بخشی از همان طرح برپائی جنگ قومی درایران نبود؟
گروه » انصار الفرقان» گروهی است بازمانده از گروه تروریستی » جندالله» که در گذشته نیز از کمک های امریکا استفاده می کرده است.
این گروه متهم به اقدامات متعدد تروریستی در ایران است. رهبراین گروه در سال 2010 کشته شد و پس از آن بقیه اعضاء در» انصار الفرقان » و دیگر گروههای تروریستی به هم پیوستند.
«مارک پری»(Mark Perry) روزنامه نگار حقیقت جو، در سال 2012 با استناد به سندی که از CIA-Memoranda به او رسانده شده بود گزارش داد که «آژانس» و موساد سازمان اطلاعاتی اسرائیل تروریست های جندالله را با پرچمی دروغین برای اقدامات تروریستی و آسیب رساندن به تاسیسات ایران استخدام کرده است. آنها که دانشمندان اتمی ایران را ترور کردند اعضای جندالله بودند که مستقیما با موساد اسرائیل ارتباط داشتند.
جای شگفتی نیست که درست هنگامی که موساد و سیا مذاکرات خود را درباره » استراتژی مشترک علیه اقدامات ایران در خاورمیانه» گسترده تر کردند یک گروه تروریستی از بازماندگان جندالله باردیگر در چارچوب استراتژی امریکا برای اقدامات انفجاری و تروریستی فعال شوند.»

/https://deutsch.rt.com/meinung/63254-was-ist-los-im-iran-zweiter-teil

فیلم جلسه انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری که به تازگی منتشر شده

جلسه سران نظام در حضورامام و آیت الله منتظري دوماه بعد اعدام سید مهدي هاشمي و یکسال و نیم قبل فوت امام خميني

https://www.youtube.com/watch?v=whzGHNC1kkg

موقتي بودن

https://www.youtube.com/watch?v=GMSEljjQlSA

عدم صلاحیت

https://www.youtube.com/watch?v=qkII4ym27sA



"باید خون گریست به حال جامعه اسلامی که حتی احتمال]رهبر شدن[کسی مثل بنده در آن مطرح بشود". آیت الله علی خامنه‌ای با این جمله، سخنرانی خود را در جلسه‌ای از مجلس خبرگان آغاز می‌کند که او را پس از درگذشت آیت‌الله خمینی به رهبری موقت جمهوری اسلامی ایران برگزید.

در تصاویری از این جلسه غیرعلنی که پیشتر منتشر نشده بود، آقای خامنه‌ای می‌گوید که:

1- (عدم صلاحیت محض) "باید خون گریست به حال جامعه اسلامی که حتی احتمال]رهبر شدن[کسی مثل بنده در آن مطرح بشود". آیت الله علی خامنه‌ای با این جمله، سخنرانی خود را در جلسه‌ای از مجلس خبرگان آغاز می‌کند که او را پس از درگذشت آیت‌الله خمینی به رهبری موقت جمهوری اسلامی ایران برگزید.

2- انتصاب او به رهبری "اشکال فنی و اشکال اساسی" دارد، من نه صلاحیتش را دارم.

3- و رهبری او، "رهبری صوری خواهد بود، نه رهبری واقعی".

4- او می‌گوید: "من نه از لحاظ قانون اساسی، نه از لحاظ شرعی برای بسیاری از آقایان حرفم حجیت حرف رهبر را ندارد." آقای خامنه‌ای اشاره می‌کند که در همین جلسه مجلس خبرگان چند نفر از اعضاء در صحبت‌های خود "تصریح کرده‌اند" که او صاحب‌نظر مسائل

دینی نیست. (به عنوان ولایت عدول مؤمنین)
5- موضوع انتخاب برای رهبري در بن جلسه رهبري موقت بوده است
مجلس خبرگان در جلسه فوق‌العاده‌ای که روز ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ بلافاصله پس از درگذشت آیت‌الله خمینی تشکیل داد، آیت‌الله خامنه‌ای را به طور موقت تا هنگام برگزاری رفراندوم بازنگری قانون اساسی به رهبری برگزید. در این جلسه، ۷۴ نفر از ۸۲ عضو مجلس خبرگان حضور داشتند و شصت نفر از آنان به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رأی موافق دادند.
موقت بودن این انتصاب در آن زمان در بیانیه‌ای که هیئت رئیسه مجلس خبرگان منتشر کرد بازتاب نیافت. در همین جلسه، آیت‌الله خامنه‌ای و اکبر هاشمی رفسنجانی که اداره جلسه را بر عهده داشت، هر دو از پیشنهاد تشکیل شورای رهبری پشتیبانی کردند، اما اعضای خبرگان به رهبری فردی رأی دادند.
مجلس خبرگان سپس در ۱۵ مرداد ۱۳۶۸ و پس از آنکه شرایط انتصاب به رهبری، از جمله شرط مرجعیت، در بازنگری قانون اساسی تغییر کرد، جلسه فوق‌العاده دیگری را برگزار کرد و این بار آیت‌الله خامنه‌ای را به طور دائمی به رهبری جمهوری اسلامی برگزید. در خبرهای رسمی، بدون اشاره به تعداد آراء موافق اشاره شد که تصمیم به "ادامه رهبری آیت‌الله خامنه‌ای" با "اکثریت قریب به اتفاق" گرفته شده است. اما اکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود نوشته است که ۶۴ نفر از ۸۲ عضو مجلس خبرگان در این جلسه فوق‌العاده حضور یافتند و ۶۰ نفر آنان بار دیگر به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رأی موافق دادند.

ناگفته‌های ویدیوی افشاشده از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری

خبر نشان می دهد در آن جلسه، در مورد "مجتهد" بودن آقای خامنه ای هم، که طبق قانون اساسی جدید برای رهبر شدن لازم بود، تردید جدی وجود داشته

<u>ویدیویی</u> که به‌تازگی از جلسه ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ خبرگان برای انتخاب جانشین آیت الله خمینی منتشر شده، دارای نکات جدیدی است که برای اولین بار در سطح افکار عمومی مطرح شده اند.

شاید بتوان نکته اصلی این ویدیو را، تاکید حاضران در نشست خبرگان بر موقت بودن انتخاب آقای خامنه ای رئیس جمهور وقت به سِمت رهبری و همزمان، اصرار بر مخفی ماندن این مساله از افکار عمومی دانست.
موقت بودن رهبری، البته به معنای ادامه مسئولیت تا زمان رفراندوم قانون اساسی و حذف شرط "مرجعیت" برای رهبر بوده.
ولی به نظر می‌رسد که در جلسه ۱۴ خرداد خبرگان، در مورد "مجتهد" بودن آقای خامنه ای هم، که طبق قانون اساسی جدید برای رهبر شدن لازم بود، تردید جدی وجود داشته است.
در سال های بعد از انتخاب آیت الله خامنه ای به جانشینی، روایت های رسمی بسیاری در مورد ماوقع ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ منتشر شده که به وضوح، حقایق مختلفی را در مورد آن روز پنهان کرده اند.
به عنوان نمونه در خرداد ۱۳۸۹، تلویزیون ایران برنامه ای خبرساز را در ارتباط با انتخاب آیت الله خامنه ای به رهبری منتشر کرده که حاوی صحنه هایی از ویدیویی که اخیرا افشا شده نیز بوده است.
ویژگی مهم مستند تلویزیون این بوده که در آن، صحنه هایی که به تردید خبرگان در مورد اجتهاد رئیس جمهور وقت ارتباط داشته و همچنین، تمامی اشارات به "موقت" بودن انتخاب وی، حذف شده است. تا حدی که مثلا این جمله مهم اکبر هاشمی رفسنجانی در آستانه رای گیری برای رهبری آقای خامنه ای، که در ویدیوی اخیر مشخص است، به کلی تحریف شده است: "آقایانی که با رهبری جناب آقای خامنه ای تا رفراندوم - البته این موقت است، دائمی نیست - موافق هستند قیام بفرمایند" (همین جمله، در فیلم تلویزیون به این صورت مقطع نمایش داده شده: "موافق هستند قیام بفرمایند").



"موقت بودن" انتخاب رهبر در جلسه ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، به معنای ادامه مسئولیت تا زمان رفراندوم قانون اساسی و حذف شرط "مرجعیت" برای رهبر بوده، ولی ویدیوی اخیر نشان می دهد در آن جلسه، در مورد "مجتهد" بودن آقای خامنه ای هم، که طبق قانون اساسی جدید برای رهبر شدن لازم بود، تردید جدی وجود داشته

یکی دیگر از تصاویر قابل توجه در ویدیویی که جدیدا منتشر شده، به لحظه رای گیری برای رهبری -موقت- آیت الله خامنه ای مربوط می شود: مشخص است که در زمان رای گیری، محمد مومن، که همچون سایر اعضای هیات رئیسه خبرگان در بالا و رو به سایر اعضای مجلس نشسته، به رهبری آقای خامنه ای رای نمی دهد.

این در حالی است که آقای مومن قبل از افشای ویدیوی اخیر، مدعی شده بود که اساسا رای گیری برای انتخاب رهبر، به طور کاملا مخفی برگزار شده است. در نقل قولی که شماره ۱۵ خرداد ۱۳۹۵ سایت خبرآنلاین منتشر کرده، وی با تاکید بر اینکه در مورد جلسه "۱۴ خرداد ۱۳۶۸" مجلس خبرگان صحبت می کند، گفته است: "رای‌گیری به صورت قیام و قعود نبود، بلکه رای مخفی بود و باید در گلدان‌ها ریخته می‌شد."

محمد مومن در اظهارات دیگری در پاییز ۱۳۸۵ در شماره ۴۱ مجله "حکومت اسلامی" -که از سوی دبیرخانه مجلس خبرگان منتشر می‌شود- گفته که قبل از رای گیری خبرگان به آقای خامنه ای پیشنهاد داده رهبر شود که منطقا، با رای ندادنش به او سازگار نیست.

نقل چنین روایت هایی از جلسه ۱۴ خرداد، که احتمالا در صورت عدم انتشار ویدیوی اخیر میزان صحت آنها مشخص نمی شد، از سوی فقیهی صورت گرفته که از زمان تاسیس شورای نگهبان عضو آن است و مسئولیت گرفتن امتحان فقهی از کسانی را دارد که می‌خواهند کاندیدای عضویت در خبرگان شوند.

"موافق هستند قیام بفرمایند"

تردید در "اجتهاد"

تلاش مجلس خبرگان برای تعیین جانشین آیت الله خمینی، در شرایطی صورت گرفت که وی در ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸، شش هفته پیش از درگذشت خود، طی حکمی دستور تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی را داده و تاکید کرده بود باید در عرض دو ماه این بازنگری به پایان برسد. وی در متن این دستور، خواستار بازنگری در ۸ زمینه شده بود که یکی از آنها "رهبری" - بدون توضیح بیشتر- بود.

در آغاز جلسه ۱۴ خرداد مجلس خبرگان، نامه دیگری از آیت الله خمینی به تاریخ ۹ اردیبهشت خوانده شد که ظاهرا، به علی مشکینی رئیس وقت مجلس خبرگان نوشته شده بود. آقای خمینی در این نامه آورده بود که از ابتدا موافق شرط مرجعیت برای رهبری نبوده ولی به خاطر اصرار بقیه به وجود این شرط در قانون اساسی موجود تن داده و کماکان اعتقاد دارد مرجع بودن برای رهبری لازم نیست و "مجتهد عادل" بودن کفایت می کند.

در ویدیوی اخیر، قبل از رای گیری در مورد شورایی یا فردی بودن رهبری آینده، اکبر هاشمی رفسنجانی نایب رئیس وقت خبرگان تاکید می کند نتیجه رای گیری هر چه باشد، صرفا تا زمان برگزاری رفراندوم تغییر قانون اساسی معتبر خواهد بود. او می‌افزاید: "در جامعه مطرح نمی شود ولی بدانیم [رهبری آینده] چه شورایی بشود، چه فردی بشود، محدود به آن زمان است."

هاشمی رفسنجانی در مرحله بعد، در آستانه رای گیری بر سر شخص علی خامنه ای به عنوان جانشین رهبری هم اعلام می کند: "آقایانی که با رهبری جناب آقای خامنه ای تا رفراندوم - البته این موقت است، دائمی نیست - موافق هستند قیام بفرمایند"؛ و سپس به کسانی که گویی می خواهند از موقت بودن انتخاب و عدم اعلام عمومی آن مطمئن شوند می گوید: "موقت گفتم ... اعلام نمی شود."

دلیل موقت بودن این انتخاب، از متن گفتگوهای جلسه مشخص است. خود آقای خامنه ای در ویدیو می گوید: "واقعا باید خون گریست به جامعه اسلامی که حتی احتمال کسی مثل بنده در آن [برای رهبری] مطرح بشود... به لحاظ فنی اشکال پیدا می کند این قضیه. من نه از لحاظ قانون اساسی، و نه از لحظ شرعی برای بسیاری از آقایان، حرفم حجت حرف رهبر را ندارد. این چه رهبری خواهد بود؟"

او می افزاید: "قانون اساسی می گوید مرجع [باشد رهبر]. از لحاظ شرعی هم حجیّت قول رهبر در صورتی است که کسی که می خواهد به حرف او [رهبر] عمل کند، او را فقیه و صاحب نظر در امور دین بداند. خوب، الان در همین جلسه چند نفر از آقایان آمده اند و صحبت کرده اند، تصریح کرده اند که من صاحب نظر نیستم."

مطابق ویدیویی که جدیدا منتشر شده، محمد مومن عضو هیات رئیسه خبرگان، به رهبری آقای خامنه ای رای نمی دهد. این در حالی است که آقای مومن قبل از افشای ویدیوی اخیر، مدعی شده بود که اساسا رای گیری برای انتخاب رهبر، به طور مخفی برگزار شده است. این عضو شورای نگهبان، مسئولیت گرفتن امتحان فقهی از کسانی را دارد که می‌خواهند کاندیدای عضویت در خبرگان شوند

ما هنوز به صحبت های افراد مورد اشاره آقای خامنه ای که در نشست خبرگان گفته اند او را در مسائل فقهی "صاحب نظر" نمی دانند دسترسی نداریم. با این وجود، حتی کسانی که از رهبر شدن وی دفاع می کنند، نمی گویند که علی خامنه ای را صاحب نظر در مسائل فقهی می دانند و بر دلایل دیگری چون جایگاه حقوقی او به عنوان رهبر تاکید دارند. نقطه عطف اظهارات چنین مدافعانی، این صداست که در فیلم به وضوح شنیده می شود: "موقت است آقای خامنه ای. موقت است! اشکالی ندارد!"

مقدار صلاحيت فقهي: (در مسائل اجتماعي + با يک مقدار کار کردن + يک مقدار کمک گرفتن از کسانی که منابع را می دانند کمک کنند برای پیدا کردن مصادر، ایشان می تواند به نظر [فقهی] برسد)

حتی اکبر هاشمی رفسنجانی، که در جلسه بیشترین نقش را در جا انداختن رهبری رئیس جمهور وقت دارد، در دفاع از "صاحب نظر" بودن -و البته نه "مجتهد" بودن- او در مسائل فقهی می گوید: "من واقعاً آقای خامنه ای را صاحب نظر می دانم. صاحب نظر جدی در مسائل فقهی. اما نه اینکه ایشان رفته مسائل را استنباط کرده."

هاشمی رفسنجانی ادامه می دهد: "یعنی الان اگر یک مساله اجتماعی‌ای برای کشور مطرح بشود و ایشان بخواهد نظر فقهی پیدا بکند، با همان روش سنتی... با یک مقدار کار کردن، یا یک مقدار کمک گرفتن از کسانی که منابع را - چون وقت ممکن است نداشته باشند - کمک کنند برای پیدا کردن مصادر، ایشان می تواند به نظر [فقهی] برسد." با این تاکید بعدی که: "حالا ما رأی می‌گیریم، دیگر بحث هم نمی‌کنیم."

این واقعیت، البته قابل انکار نیست که تمام ابهام های مطرح شده در مجلس خبرگان در مورد جایگاه آقای خامنه ای، در زمانی عنوان شده که هنوز قانون اساسی تغییر نکرده و شاید برخی اعضای خبرگان هنوز نمی دانسته اند در آینده، دقیقا چه سطحی از فقاهت برای رهبری لازم خواهد بود.

ولی باید توجه داشت که همه پرسی تغییر قانون اساسی، در ۶ مرداد به انجام رسید و جلسه بعدی مجلس خبرگان برای تمدید دوران رهبری آقای خامنه ای، در ۱۵ مرداد ۱۳۶۸، یعنی تنها دو ماه پس از انتخاب موقت وی به این سمت تشکیل شد.

طبق قانون اساسی جدید (فعلی)، رهبر جمهوری اسلامی لازم بود علاوه بر شرایط دیگر، دارای "صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه" باشد.

این در حالی است که نمی توان تصور کرد آقای خامنه ای در دو ماه منتهی به جلسه ۱۵ مرداد، حتی با فرض اختصاص تمام این مدت به تکمیل تحصیلات مذهبی، به حد مورد تصریح قانون اساسی جدید رسیده باشد.

یعنی، از جایگاه فردی که "صاحب نظر" بودن او در مسائل فقهی در معرض تردید جدی بوده، به جایگاه کسی رسیده باشد که دارای "صلاحیت علمی لازم" برای صدور فتوا در "ابواب مختلف فقه" است.



در فیلم صداو سیما در مورد انتخاب آقای خامنه ای به رهبری، این جمله هاشمی رفسنجانی در آستانه رای گیری خبرگان: "آقایانی که با رهبری جناب آقای خامنه ای تا رفراندوم - البته این موقت است، دائمی نیست - موافق هستند قیام بفرمایند" به این صورت تقطیع شده: "موافق هستند قیام بفرمایند"

طلبد"

روایت آذری قمی

در بخشی از نوار منتشر شده از جلسه ۱۴ خرداد، آقای خامنه ای خطاب به احمد آذری قمی از فقهای معروف مجلس خبرگان می گوید: "همین آقای آذری که اسم من را اولین بار آوردند در این جلسه، بنده اگر حکم [فقهی] بکنم ایشان قبول خواهند کرد؟" و صدای پاسخی می آید که تصریح دارد: "ما که نمی خواهیم از شما تقلید بکنیم."

در سخنان رئیس جمهور وقت در ویدیویی که اخیرا منتشر شده، مشخص است که آقای آذری قمی، اولین کسی بوده که در جلسه ۱۴ خرداد، نام آقای خامنه ای را به عنوان جانشین رهبر بر زبان رانده. این در حالی است که احمد آذری قمی بعدها، در آبان ۱۳۷۶، تاکید کرد از بابت "اشتباه خود و به اشتباه انداختن دیگر خبرگان" در مورد اجتهاد آقای خامنه ای "از خدا و ملت ایران پوزش می طلبد".



آقای خامنه ای در بخشی از ویدیو می‌گوید احمد آذری قمی، اولین کسی بوده که در جلسه ۱۴ خرداد، نام وی را به عنوان جانشین رهبر بر زبان رانده است. آقای آذری قمی بعدها، در آبان ۱۳۷۶، تاکید کرد از بابت "اشتباه خود و به اشتباه انداختن دیگر خبرگان" در مورد اجتهاد آقای خامنه ای "از خدا و ملت ایران پوزش می طلبد"

در صفحه ۱۵۱ کتاب "فراز و فرود آذری قمی" نوشته محسن کدیور اسلام‌شناس، متن اظهارات آقای آذری قمی در سال ۱۳۷۶ نقل شده که دربخشی از آن آمده: "ولایت‌فقیه طبق اصل ۱۰۹ [قانون اساسی جدید]... احاطهٔ فقهی بر جمیع مسائل مستحدثه و غیرمستحدثه نظام مقدس اسلامی و قدرت استنباط سریع و مستحکم را می‌طلبد که بدون تردید ایشان [آقای خامنه‌ای] فاقد آن، حتی بر حسب اقرار خود ایشان نزد حقیر می‌باشد."

در قسمتی از ویدیوی اخیر، واضح است که حتی علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان، در مورد واجد شرایط بودن هر شخص واحدی و از جمله رئیس جمهور وقت برای رهبری تردید دارد. آنجا که می گوید: "آقایانی که می خواهند رای به [رهبری] فردی بدهند این را هم در نظر بگیرند که اگر تصویب شد آیا آن فرد را پیدا می کنند یا نه."

در همین ویدیو، اکبر هاشمی رفسنجانی، تذکر علی مشکینی را به صراحت رد می کند: " آنهایی که رای می دهند قاعدتا این‌جوری هستند دیگر."

آقای رفسنجانی در ادامه، در آستانه رای گیری دوم جلسه خردادماه برای انتخاب رهبر، ابایی از اعلام این جمله پای بلندگو ندارد که "ما هم پیشنهادمان آقای خامنه ای است". وی سپس در پاسخ به شبهه یکی از حاضران که خواستار تعویق رای گیری است اعلام می کند: "نه، الان رأی می گیریم تمام می شود دیگر."



پس از رد صلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲، زهرا مصطفوی دختر آیت‌الله خمینی، طی نامه‌ای سرگشاده به آیت الله خامنه‌ای تاکید کرد که پدرش علاوه بر آقای خامنه‌ای، آقای رفسنجانی را هم مناسب جانشینی خود دانسته است

نقل قول های سرنوشت ساز جلسه خبرگان

بخش هایی از ویدیویی که اخیرا از جلسه خرداد ۱۳۶۸ خبرگان منتشر شده به لحاظ خبری تازگی ندارند، اما احتمالا برای بینندگانی که از قبل در جریان روایت های مرتبط با این جلسه نبوده اند قابل توجه هستند.

شاید بتوان این بخش های ویدیو را -بدون مقایسه موضوعی- با فایل صوتی آیت الله منتظری که در مرداد ۱۳۹۵ منتشر شد مقایسه کرد، که محتوای بیشتر نکات آن در مورد اعدام های ۱۳۶۷، پیشتر در کتاب خاطرات آقای منتظری آمده بود، اما انتشار فایل صوتی، همین نکات را در ابعادی فراتر از گذشته در معرض توجه افکار عمومی قرار داد.

از میان چنین بخش هایی از ویدیوی اخیر، می توان به آنها اشاره کرد که نشان می دهند مبنای انتخاب آسان آقای خامنه ای به رهبری، نقل قول هایی بوده که اکبر هاشمی رفسنجانی از آیت الله خمینی انجام داده است.

آقای رفسنجانی در همین ارتباط، در بخشی از ویدیو می گوید: "ما یک جلسه با روسای قوا و نخست وزیر و احمد آقا خدمت امام داشتیم و همان موقعی بود که از مساله آقای منتظری داغ شده بود و ما با امام مباحثه داشتیم. ما یکی از احتجاجاتمان با امام این بود که شما اگر آقای منتظری را کنار بگذارید ما در رهبری دچار مشکل می شویم... امام [رهبری] شورایی را خیلی تمایل نداشتند هیچ وقت . [در مورد] فرد هم می گفتیم ما فردی را نداریم الان که مطرح کنیم در جامعه. چون ما فرضمان بر مرجعیت و همان مسائل بود. امام فرمودند چرا نداریم؟ آقای خامنه ای."

نایب رئیس وقت خبرگان می افزاید: "یک بار دیگر من خصوصی خدمت امام رفتم باز روی همین مساله... خیلی با ایشان وَر رفتم روی این مساله. باز ایشان به من توی همان جلسه فرمودند که شما وقتی مثل آقای خامنه ای را دارید، چرا تردید دارید؟ چرا مشکل دارید؟"

هاشمی رفسنجانی در نهایت، از نقل قول سومی صحبت می کند که زمان آن، به گفته او به یک روز قبل از نشست خبرگان بر می‌گشته: "احمد آقا دیروز به ما گفت توی جمع چند نفری مان؛ گفت وقتی آقای خامنه ای کره بودند و فیلمشان با آقای کیم ایل سونگ [رهبر کره شمالی] داشت نمایش داده می شد، منظره خوبی بود آنجا... ایشان [آقای خمینی] فرمودند که ایشان [آقای خامنه ای] واقعاً شایسته رهبری هستند. البته این را از احمد آقا نقل می کنم با واسطه، این را که عرض می کنم آقای اردبیلی و من و آقای احمدآقا و آقای نخست وزیر توی جلسه بودیم؛ با هم شنیدیم."

یک نکته قابل تامل در ویدیوی اخیر این است که اکبر هاشمی رفسنجانی، پیش از نخستین نقل قول شفاهی خود از آیت الله خمینی در مورد رهبری آقای خامنه ای می گوید: "البته امام توی این صحبتشان، این سندی که امروز خواندیم [وصیتنامه] گفته بودند چیزهایی را قبول کنید از من که یا نوشته باشم، یا توی رادیو گفته باشم. این [که می خواهم بگویم] آن نیست که تو رادیو ایشان گفته اند... منتهی ما شاهد ۴-۵ تا داریم اینجا."

در بخشی از ویدیو، اکبر هاشمی رفسنجانی در دفاع از اجتهاد آقای خامنه‌ای می‌گوید: "الان اگر یک مساله اجتماعی‌ای برای کشور مطرح بشود و ایشان بخواهد نظر فقهی پیدا بکند، با همان روش سنتی... با یک مقدار کار کردن، یا یک مقدار کمک گرفتن از کسانی که منابع را - چون وقت ممکن است نداشته باشند - کمک کنند برای پیدا کردن مصادر، ایشان می تواند به نظر [فقهی] برسد." با این تاکید بعدی که: "حالا ما رأی می‌گیریم، دیگر بحث هم نمی‌کنیم"

این قسمت از صحبت های نایب رئیس وقت خبرگان، به بخش پایانی وصیتنامه آیت الله خمینی اشاره دارد که از قضا، ساعاتی پیش از سخنان آقای رفسنجانی، برای نخستین بار در مجلس خبرگان خوانده شده بود و تصریح داشت: "اکنون که من حاضرم، بعض نسبت‌های بی واقعیت به من داده می شود وممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می شود مورد تصدیق نیست، مگر آنکه صدای من یا خط وامضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم."

قابل توجه است که سال ها بعد، پس از رد صلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲، زهرا مصطفوی دختر آیت‌الله خمینی، طی نامه‌ای سرگشاده به آیت الله خامنه‌ای تاکید کرد که پدرش علاوه بر آقای خامنه‌ای، آقای رفسنجانی را هم مناسب جانشینی خود دانسته است.

خانم مصطفوی، که خواستار دخالت آیت الله خامنه ای در موضوع رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی شده بود، در نامه اول خرداد ۱۳۹۲ خود بدون توضیح بیشتر نوشت: "همان روزی که تأیید امام بر رهبری حضرتعالی را از زبان ایشان شنیدم و همواره آن نظریه را در مواقع لازم بیان کرده ام، تأیید صلاحیت برادر آقای هاشمی را هم شنیدم، زیرا امام بعد از نام جنابعالی نام ایشان را هم ذکر کردند."

اینکه زهرا مصطفوی، که همواره از مدافعان رهبری آقای خامنه ای بود، چنین شهادتی را ۲۴ سال بعد از جلسه معروف مجلس خبرگان بر زبان می راند، به طور طبیعی این شک را تقویت می کند که شاید مساله جایگزینی پس از آیت الله خمینی، ناگفته های دیگری هم داشته که به هر علت بیان نشده است.

این شک، به ویژه در شرایطی تقویت می شود که در جلسه ۱۴ خبرگان ۱۳۶۸، ادعاهایی خبری برای تسهیل رهبری آقای خامنه ای مطرح شده که میزان صحت آنها، در معرض تردید قرار دارد.

به عنوان نمونه، اکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ خود نوشته است: "خبر آماده باش نیروهای عراقی در منطقه عین خوش که در اثنای جلسه توسط دکتر [حسن] روحانی رسید و من به جلسه اطلاع دادم، تاثیر زیادی در آمادگی خبرگان برای ختم کار داشت. موفقیت بزرگی است."

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با جعفر شیرعلی نیا مولف کتاب "روایتی از زندگی و زمانه آیت الله سیدعلی خامنه ای" که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده نیز، دلایلی را برای "تمام شدن سریع کار خبرگان و رأی آوردن" آقای خامنه ای ذکر کرده که نخستین‌شان این است: "اوضاع خطرناک بود و خبرهایی هم از جبهه رسیده بود که نیروهای صدام حرکت کرده اند و به جلو می آیند. همه نگران بودیم که خلاء وجود رهبری، آن هم پس از رحلت امام مشکل آفرین شود."

با خواندن این جملات در مورد "آماده باش نیروهای عراقی" یا "حرکت نیروهای آنها" به سمت ایران، ذهن خواننده احتمالا به سمت حملات ارتش عراق به ایران در اواخر جنگ هشت ساله می رود. این در حالی است که اجلاس خبرگان رهبری، در خرداد ۱۳۶۸ برگزار شده و نه خرداد ۱۳۶۷ که عراق در حال حمله به ایران در آستانه قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی آیت الله خمینی بود (ایران این قطعنامه را در ۲۷ تیر پذیرفت که یک ماه بعد، در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ منجر به ترک مخاصمه طرفین شد).

محسن کدیور، در تحقیقی به نام "اجلاس خرداد ۶۸ خبرگان رهبری در ترازوی نقد" که ۱۵ خرداد ۱۳۹۵ منتشر شده، یادآوری می کند در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ که ایران و عراق در وضعیت ترک مخاصمه قرار داشتند، نیروهای نظامی ناظر سازمان ملل متحد (یونیماگ) برای نظارت بر آتش بس در مرزهای دو کشور مستقر بودند و "هیچ نقض آتش بس جدی و قابل ذکری توسط یونیماگ ثبت نشده بود". وی می‌افزاید که به علاوه، در مستندات منتشر شده از سوی "مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس" وابسته به سپاه و مورخان ایرانی جنگ هشت ساله هم، اثری از وجود بحران در جبهه های جنگ در هنگام برگزاری اجلاس خبرگان به چشم نمی خورد.



در ویدیو مشخص است اکبر هاشمی رفسنجانی پیش از نقل قول‌های شفاهی خود از آیت الله خمینی در مورد آقای خامنه‌ای یادآوری می کند که رهبر سابق در وصیت نامه خود تاکید کرده نقل قول های منتسب به او را قبول نکنند مگر به دستخط او بوده یا در صداوسیما پخش شده باشد

الله خمینی در مورد آقای خامنه‌ای یادآوری می کند که رهبر سابق در وصیت نامه خود تاکید کرده نقل قول های منتسب به او را

قبول تثبیت رهبری در شرایط خاص

تصمیم نشست ۱۴ خرداد مجلس خبرگان، در نهایت در جلسه ۱۵ مرداد ماه همین مجلس، به دائمی شدن رهبری آیت الله خامنه ای انجامید.

نشست دوم خبرگان، که ۹ روز بعد از رفراندوم بازنگری قانون اساسی بود، در شرایطی برگزار شد که خبر موقت بودن انتخاب قبلی خبرگان به افکار عمومی راه نیافته بود. واقعیتی که از همان ابتدا این گمان را تقویت می کرد که قرار نیست در نشست بعدی مجلس خبرگان، اتفاقی جز دائمی شدن تصمیم قبلی خبرگان به وقوع بپیوندد.

اکبر هاشمی رفسنجانی، در کتاب خاطرات سال ۱۳۶۸ خود، از تلاش "عناصری" خبر می دهد که انتخاب آقای خامنه ای را "موقت معرفی می کنند"؛ گویی این کار را نوعی توطئه می دانسته است. در روزنویس ۱۶ خرداد هاشمی رفسنجانی آمده است:

"آقای [عبدالمجید] معادی‌خواه آمد و از وجود عناصری گفت که با رهبری آقای خامنه‌ای مخالفت می‌کنند و بنا دارند که آن را موقت معرفی کنند تا در این فرصت با تماس با اعضای مجلس خبرگان شاید بتوانند بعد کاری بکنند."

به هر ترتیب در جلسه ۱۵ مرداد خبرگان، همان طور که انتظار می رفت، رهبری دائم آقای خامنه ای به رای گیری گذاشته شد و -حداقل تا آنجا که از اسناد منتشر شده تا این لحظه بر می آید- بدون مواجهه یا مقاومت خاصی به تصویب اعضا رسید.

محسن کدیور در تحقیقی تحت عنوان "شروع رهبری دینی با تدلیس" در ۱۷ اسفند ۱۳۹۴، سرنوشت عبدالمجید شرع‌پسند نماینده کرج در مجلس در فضای میان دو نشست مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۶۸ را یادآوری کرده که نشان دهنده هزینه های مخالفت با رهبری آقای خامنه ای در آن مقطع است.

آقای شرع پسند در ۱۱ تیر ۱۳۶۸ و در اعتراض به موضوعات مختلف و از جمله نحوه رهبر شدن رئیس جمهور وقت، که آن را مغایر قانون می دانست، از مجلس شورای اسلامی استعفا داد.

اکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود، استعفانامه عبدالمجید شرع پسند را دارای "مضامین ضدانقلابی" توصیف کرده و از تجمع مردم کرج برای "اظهار انزجار" از نماینده خود، "فعال شدن حاجی بخشی [که بعدها به چهره معروف انصار حزب الله تبدیل شد] در همین خصوص" و تهدید آقای شرع پسند از طرف نمایندگان مجلس به "کتک زدن" خبر داده است.

قابل انکار نیست که پس از درگذشت آیت الله خمینی، آقای خامنه ای از مقبولیت نسبی در میان مسئولان برخوردار بوده و با توجه به حمایت تعیین کننده اکبر هاشمی رفسنجانی و همراهانش، هیچ عاملی نمی توانسته جلوی انتخاب او به جانشینی رهبر سابق را بگیرد.

با وجود این، کماکان به نظر می رسد که در دو ماه سرنوشت ساز میان درگذشت آیت الله خمینی و انتخاب نهایی جانشین وی،

هزینه مخالفت با رهبری آیت الله خامنه ای نیز، قابل چشم پوشی نبوده است.

کدیور درباره انتخاب خامنه‌ای: مصوبه رهبری فردی غیرقانونی بوده است

محسن کدیور

خامنه‌ای درباره انتخاب رهبری خود گفته بود: «واقعا باید خون گریست در جامعه‌ی اسلامی که حتی احتمال [رهبر شدن] کسی مثل بنده در آن مطرح شود.» روز گذشته فایل تصویری دقایقی از أواخر اجلاسیه خبرگان سال ۱۳۶۸ که منجر به انتخاب آقای خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران شده است توسط یکی از خبرنگاران منتشر شد.

این فایل تصویری مربوط به اجلاسیه بعد از ظهر ۱۴ خرداد ۱۳۶۸است که از ساعت ۳ تا ساعت ۷ و نیم با یک تنفس به‌طول انجامیده است. فایل تصویری متعلق به ۲۰ دقیقه آخر جلسه است. مجلس خبرگان در آن تاریخ دقیقا ۸۰ عضو داشته (۱) ۶ نفر در این جلسه غائب بوده‌اند، بنابراین عدد حاضران ۷۴ نفر بوده است. جلسه با ریاست علی مشکینی و نطق کوتاه وی آغاز شده، اما در ادامه هاشمی رفسنجانی نایب رئیس جلسه را اداره کرده، و با نطق کوتاه مشکینی هم خاتمه یافته است.

مشروح مذاکرات اجلاسیه‌های یازده‌گانه دوره اول مجلس خبرگان ۱۳۶۲-۱۳۶۹ بطور کامل منتشر شده است، شامل هفت اجلاسیه سالیانه و چهار اجلاسیه فوق‌العاده. از این یازده اجلاسیه دو اجلاسیه آن در سال ۱۳۶۸ برگزار شده است، یکی ۱۴ خرداد و دیگری ۱۵ مرداد. در جلسه ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ آقای خامنه‌ای به رهبری موقت و در جلسه ۱۵ مرداد ۱۳۶۸ به رهبری دائم جمهوری اسلامی انتخاب شده است. تا کنون به مشروح مذاکرات این دو جلسه دسترسی نداشته‌ام. مجموع اطلاعات جسته گریخته‌ای که از این دو جلسه داشته‌ام در دو مقاله بلند منتشر شده است:

اجلاس خرداد ۶۸ خبرگان رهبری در ترازوی نقد (ویرایش اول: دی ۱۳۹۳- تیر ۱۳۹۴؛ ویرایش دوم ۱۵ خرداد ۱۳۹۵)

شروع رهبری دینی با تدلیس (۱۷ اسفند ۱۳۹۳)

در این مقاله مطالب پیش‌گفته را تکرار نمی‌کنم، بلکه به نکات تازه فایل تصویری منتشر شده طی سه قسمت به شرح زیر می‌پردازم: برخی نکات تازه فایل تصویری، اعترافات تاریخی آقای خامنه‌ای، و عبرتهای فایل تصویری مجلس خبرگان.

برخی نکات تازه فایل تصویری

فایل تصویری منتشرشده اطلاعات تازه ای به شرح زیر بدست می‌دهد:

یک. نام کسی که از آقای حسن طاهری خرم آبادی می‌خواهد که آنچه آقای خمینی درباره آقای خامنه‌ای گفته را برای همه اعضا نقل کند محسن مجتهد شبستری است. هاشمی رفسنجانی می گوید که منبع اصلی همه این نقلها خود اوست و شروع به بازگو کردن نقلهای سه گانه می کند. نکته تازه فایل تصویری نام مجتهد شبستری است.

دو. در چنین جلسه مهمی بجای اینکه رای گیری با ورقه انجام گیرد، با قیام و قعود انجام شده است! در رای گیری برای شورایی یا فردی بودن رهبری ۴۴-۴۵ نفر از ۷۴ نفر حاضر در مجلس به رهبری فردی رای می‌دهند. رهبری شورایی مطابق اصول قانون اساسی ۱۳۵۸ امری قانونی بوده است. حال آنکه شرط رهبری فردی مرجعیت بوده است که فرد واجد شرایط قانونی را برای آن نمی شناخته اند. مطابق آئین نامه مجلس خبرگان در آن زمان مصوبات مجلس خبرگان با موافقت نصف به‌علاوه یک حاضران معتبر است، مگر در مورد تعیین رهبر یا اعضای شورای رهبری که موافقت دو سوم حاضران معتبر می‌باشد. (۲) اینکه رهبر فردی باشد یا شورایی از مصادیق مستثنی است نه مستثنی منه، در چنین امر مهمی نصاب دو سوم حاضرین لازم بوده است، یعنی برای رهبری فردی (یا شورایی) مجلس خبرگان به ۵۰ رای احتیاج داشته، در حالی که ۴۴-۴۵ نفر رای حد نصاب قانونی نداشته است. بنابراین مصوبه رهبری فردی غیرقانونی بوده است!

سه. مطابق فایل تصویری تعداد خبرگانی که به رهبری آقای خامنه‌ای با قیام رای مثبت می دهند ۵۶ نفر بوده است. در همین مدرک گفته می شود که ۱۴ نفر هم نشسته اند. جمع این دو عدد ۷۰ نفر است که ۴ نفر از تعداد حاضرین کمتر بوده است! در اعلامیه‌ی هیأت رئیسه‌ی خبرگان که به قلم هاشمی رفسنجانی نوشته شده و در ۱۵ خرداد ۱۳۶۸ در رسانه‌ها منتشر شده آمده است: «[مجلس خبرگان رهبری] در جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی مورخ ۱۴ خرداد ۶۸ با اکثریت بیش از چهار پنجم اعضای حاضر -۶۰ رأی موافق از ۷۴ عضو حاضر در جلسه – حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران برگزید.» روزنامه‌ها نوشتند رهبر با بیش از دو سوم نمایندگان حاضر در اجلاسیه انتخاب شد. به روایت ابراهیم امینی: «طبق قانون باید دو سوم اعضای خبرگان رأی بدهند، و در آن‌جا بیشتر از دو سوم رأی دادند. حاضرین خبرگان حدود هفتاد و چهار نفر بودند که شصت نفر به آیت‌الله خامنه‌ای رأی دادند، و بقیه اصلاً رأی ندادند، که در واقع ممتنع بودند.» (۳) محاسبه آراء قیام و قعود دقیق نبوده و با تعداد حاضرین نمی‌خوانده است. اینکه برخی قاعدین توسط هیات رئیسه دیده نشده باشند و بجای ۱۸ نفر اشتباها ۱۴ نفر شمرده شده باشند احتمالی قوی است. هاشمی که اولین سازنده عدد ۶۰ چند ساعت بعد از گزارش عدد ۵۶ در جلسه رسمی خبرگان است بی هیچ دلیلی عدد ۴ را به قیام‌کنندگان اضافه کرده است. نسبت ۵۶ به ۷۴ حدود سه چهارم است. در حالی که با رقم ساختگی ۶۰ نسبت چهار پنجم اعلام شده است. البته حتی رقم ۵۶ بیش از دوسوم نصاب قانونی بوده است. ضمنا تعداد دقیق اعضای خبرگان که به رهبری آقای خامنه ای در اجلاسیه ۱۴ خرداد رای ندادند ۱۸ نفر بوده است (نه ۱۴ نفر).

چهار. تا سال ۱۳۹۱ هیچ سندی درباره اینکه مصوبه ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ مجلس خبرگان «رهبری موقت» آقای خامنه‌ای بوده است منتشر نشده است، بلکه موقت دانستن رهبری آقای خامنه‌ای توطئه تلقی شده است! خاطرات سال ۱۳۶۸ هاشمی رفسنجانی که در سال ۱۳۹۱ منتشر شده نخستین سند رسمی منتشر شده است که نشان می‌دهد «در رای گیری گذشته [۱۴ خرداد ۱۳۶۸] تصریح کرده بودیم که رهبری موقت است». حال آن‌که وی در خاطرات ۱۴ خرداد وی کلمه‌ای درباره موقت بودن رهبری آقای خامنه‌ای ننوشته و در هیچ سند رسمی منتشرشده ای نیز رهبری وی موقت اعلام نشده بود. (۴) اما در فایل تصویری منتشرشده به صراحت «موقت بودن» رهبری آقای خامنه‌ای تا برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی و واجدیت شرایط قانون اساسی جدید به چشم می‌خورد.

اعترافات تاریخی آقای خامنه‌ای

اما مهمترین نکات جدید این فایل تصویری سخنان شخص آقای خامنه‌ای قبل از انتخاب به رهبری موقت است. گفتنی است فایل صوتی دوسوم این سخنرانی در خرداد ۱۳۹۵ به دستم رسیده بود و در مقاله اجلاس خرداد ۶۸ خبرگان رهبری در ترازوی نقد آورده بودم (۵) انتشار فایل تصویری متن کامل این سخنرانی قدم بزرگی در شناخت بیشتر آقای خامنه‌ای، مجلس خبرگان و ماهیت جمهوری اسلامی است. نکات دهگانه این سخنرانی به شرح زیر است:

نکته اول. «واقعا باید خون گریست در جامعه‌ی اسلامی که حتی احتمال [رهبر شدن] کسی مثل بنده در آن مطرح شود.» آقای خامنه‌ای نه از باب تواضع بلکه «واقعا» حقیقت را می‌گوید. نویسنده با آقای خامنه‌ای کاملا هم نظر است!

نکته دوم. «خود من حقیقتا لایق این مقام نیستم، و این را بنده می‌دانم، و شاید آقایان هم می‌دانید.» این هم از باب تواضع نیست. ایشان «حقیقتا» لایق این مقام نیست. خودش به عدم لیاقت برای رهبری إقرار کرده و إقرار العقلاء علی انفسهم جایز. اما از آن مهمتر این اعترافات زمانی صورت گرفته که چندین نفر از اعضای خبرگان (در بخشی از جلسه که فایل تصویری یا متن کتبی آن تا کنون منتشر نشده) صلاحیت فقهی وی را برای رهبری انکار کرده‌اند. جمله اخیر اشاره به نظر منفی برخی از خبرگان درباره صلاحیت علمی وی است.

نکته سوم. «من نه از لحاظ قانون اساسی، و نه از لحاظ شرعی برای بسیاری از آقایان حرفم حجیت حرف رهبر را ندارد. قانون اساسی که می‌گوید مرجع، حالا یا مرجع شأنی یا مرجع فعلی، آن که حالا هیچی ...» آقای خامنه‌ای تصریح می‌کند که فاقد شرایط الزامی اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی است.

چرا که نه مرجع بالفعل است نه مرجع شأنی. ایشان در ۱۴ خرداد ۶۸ حتی مرجعیت شأنی هم برای خود قائل نبوده و کاملا درست گفته است. این بیانات تایید کامل مفاد کتاب ابتذال مرجعیت شیعه: استیضاح مرجعیت آقای خامنه‌ای است. ایشان شأنیت مرجعیت هم نداشته و صادقانه به دوری خود از این جایگاه دینی اعتراف می‌کند.

نکته چهارم. «از لحاظ شرعی برای بسیاری از آقایان حرفم حجیت حرف رهبر را ندارد.... از لحاظ شرعی هم، حجیت قول رهبر در صورتی است که آن کسی که می‌خواهد به حرف او [رهبر] عمل کند او [رهبر] را فقیه و صاحب نظر در امور دین بداند، خوب الان در همین جلسه چند نفر از آقایان آمدند صحبت کردند و تصریح کردند که بنده صاحب‌نظر [در أمور فقهی] نیستم.» با توجه به خبرگانی که حدود دو ساعت در جلسه رسمی در عدم صلاحیت فقهی آقای خامنه‌ای برای رهبری سخن گفته‌اند، وی صادقانه می‌گوید فرامینش برای این دسته از خبرگان حجیت شرعی ندارد. آنها وی را فقیه نمی‌دانند تا به ولایت او به عنوان ولایت فقیه قائل شوند. تعبیر به صاحب نظر نبودن در مسائل فقهی تعبیری پائین تر از فقیه نبودن است. برخی از خبرگان نه تنها وی را فقیه ندانسته اند بلکه حتی او را صاحب نظر در مسائل فقهی هم به حساب نیاورده‌اند. آقای خامنه ای با توجه به جو منفی یادشده علیه صلاحیت فقهی وی به حق خود را فاقد شرایط این منصب خطیر معرفی می کند.

نکته پنجم. «مسئله [رهبری من] اشکال فنی دارد، اشکال اساسی دارد.... اصلا از لحاظ فنی اشکال پیدا می‌کند این قضیه [رهبر شدن من]، رهبری [من]، رهبری صوری خواهد بود نه رهبری واقعی.» آقای خامنه‌ای صادقانه اعتراف می‌کند که رهبر شدن وی اشکال فنی و اساسی دارد. مراد از اشکال فنی اشکال قانون اساسی سپردن رهبری به فرد فاقد شرایط و اشکال شرعی سپردن ولایت فقیه به فردی که صاحب نظر در مسائل فقهی هم نیست می باشد. حق با آقای خامنه ای است! واقعا این دو اشکال اساسی است.

استنتاج ایشان در اینکه با وجود این اشکال فنی و اساسی «رهبری صوری خواهد بود نه رهبری واقعی» کاملا صحیح است. رهبری صوری یعنی رهبری تشریفاتی. واضح است وقتی غیرفقیه به عنوان ولی فقیه معرفی شود رهبری تشریفاتی و صوری است. أوامر، فرامین و تصمیمات چنین رهبری نه الزام شرعی دارد نه الزام قانونی.

نکته ششم. «قبلا خدمت آقای هاشمی [رفسنجانی] هم گفته ام در یکی دو هفته قبل از این که همین قضیه مطرح بود و ایشان فرمودند من جدّا به ایشان گفتم من قاطعا چنین چیزی را قبول نخواهم کرد.» آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی یکی دو هفته قبل از وفات آقای خمینی یعنی حوالی اول تا هفتم خرداد ۶۸ درباره جانشینی آقای خمینی و رهبری فردی از جمله رهبری خودش صحبت کرده اند. البته در آن جلسه ایشان «جدّا» گفته «قاطعا چنین چیزی [رهبری] را قبول نخواهد کرد». البته روایت هاشمی رفسنجانی درباره زمان این چاره‌اندیشی کمی متفاوت است: «بحث جدّی درباره‌ی رهبری در همان سه ـ چهار روز آخر عمر امام مطرح شد.» وی در تشریح مسئله اضافه می‌کند: «از دو سه روز آخر عمر امام در جلسات خاص مسائل را تحلیل می کردیم و تصمیمات اساسی را می‌گرفتیم و بحث جانشینی امام را مطرح کردیم که نظرمان به شورای رهبری بود. فکر می‌شد شورای رهبری می‌تواند.» (۶) ظاهرا نقل آقای خامنه‌ای دقیق‌تر از نقل هاشمی رفسنجانی است.

نکته هفتم. «چطور همین آقای [احمد] آذری [قمی] که اسم مرا اول بار در این جلسه آوردند، بنده اگر حکم بکنم ایشان قبول خواهند کرد؟ (همهمه: بله قبول خواهند کرد) قطعا قبول نمی‌کنند!» مرحوم آذری قمی در آن زمان در اوج دفاع از رهبری نظام بوده است. این دوره تا حوالی سال ۱۳۷۳ ادامه یافت. آذری قمی در پنج سال نخست رهبری آقای خامنه‌ای مطیع وی بود. اما بعد از این تاریخ یکی از مهمترین مخالفان آقای خامنه‌ای شد و اجتهاد، مرجعیت و رهبری وی را زیر سوال برد. تفصیل انتقادات وی را در کتاب فراز و فرود آذری قمی(۱۳۹۲) آورده‌ام.

نکته هشتم. یکی از خبرگان در پاسخ به اشکال آقای خامنه‌ای به پاسخ آقای خمینی به نامه مشکینی استناد می‌کند. به نظر وی منتخب خبرگان در هر صورت رهبر است چه مجتهد باشد چه مجتهد نباشد و از عدول مؤمنین باشد در هر دو صورت رهبر منتخب خبرگان ولایت دارد، حتی ولایت مطلقه دارد و

تبعیت از او واجب و حکمش نافذ است. آقای خامنه‌ای به حق تذکر می‌دهد: «این دیگر ولایت فقیه نیست. ولایت عدول مومنین است» مجلس خبرگان قرار بوده ولایت فقیه تعیین کنند نه ولایت عدول مومنین. در حقیقت با توجه به اینکه آقای خامنه‌ای به إقرار صریح خودش و تصریح عده قابل توجهی از خبرگان فاقد شرایط ولایت فقیه بوده، ولایت او ولایت مومن مقلد بوده است. و این نکته بسیار مهمی است. (۷)

نکته نهم. یکی دیگر از خبرگان اشکالات آقای خامنه‌ای به عدم صلاحیتش به رهبری دائم را وارد دانسته متذکر می‌شود که قرار است ایشان رهبر موقت باشد و برای رهبری موقت شرایط رهبری دائم الزامی نیست. لذا ایشان اگرچه فاقد درجه فقاهت و اجتهاد است اما رهبری موقت غیر فقیه و غیرمجتهد مانعی ندارد. آقای خامنه‌ای پاسخی به وی نمی‌دهد. واضح است که شرائط رهبری چه دائم و چه موقت شرعا و قانونا مشخص است و ایشان خود را واجد صلاحیت رهبری موقت هم نمی‌دانسته است. در عین اینکه قانون اساسی و شرع چنین سمتی را به رسمیت نشناخته است. توجیه محمد امامی کاشانی در مورد استنابه دادن منکران فقاهت ایشان به کسانی که برای وی صلاحیت فقهی فی الجمله قائلند هم مسکوت می‌گذارد چرا که حلال مشکل نیست و به کلاه شرعی اشبه است.

نکته دهم. هاشمی رفسنجانی در برابر منتقدان صلاحیت فقهی آقای خامنه‌ای می‌گوید که «واقعا آقای خامنه‌ای را صاحب‌نظر جدی در مسائل فقهی می‌دانم». وی توضیح می‌دهد «اگر یک مساله اجتماعی برای کشور مطرح شود و ایشان بخواهد نظر فقهی پیدا بکند، با همان روش سنتی با یک مقدار کار کردن و کمک گرفتن از مجتهدان برای دسترسی به مصادر ایشان می‌تواند به نظر فقهی اجتهادی برسد.» (با تلخیص و ویرایش) هاشمی رفسنجانی می‌پذیرد که آقای خامنه‌ای استنباط بالفعل در هیچ مسئله‌ای نکرده است، اما نه در همه ابواب فقهی بلکه تنها در مسائل اجتماعی آن هم به شرط مساعدت فقها برای یافتن مصادر، ایشان به نظر اجتهادی می‌رسد. واضح است که به چنین کسی هرگز فقیه یا مجتهد گفته نمی‌شود. تذکر یکی از خبرگان جالب است که مبادا إقرار آقای خامنه‌ای بر عدم صلاحیت رهبری بعد از رای خبرگان تکرار شود! هاشمی رفسنجانی هم تذکر می‌دهد که این إقرار باید همین‌جا دفن شود.

عبرت‌های فایل تصویری مجلس خبرگان

بعد از مشاهده این فیلم به هفت عبرت اشاره می کنم:

اول. حالات آقای خامنه‌ای قبل از رهبری و بعد از رهبری بسیار عبرت آموز است. آقای خامنه‌ای در این جلسه خبرگان صادقانه إقرار می‌کند که شرع و قانون اساسی به او اجازه رهبری نمی‌دهد. او با توجه به مستوای متوسط دانش فقهی خود به پروای آخرت حقیقت را بر زبان راند. صندلی قدرت این اعترافات صادقانه و واقع‌بینانه را در همان جلسه دفن می‌کند و خامنه‌ای جدیدی متولد می‌شود صد و هشتاد درجه بر خلاف این اعترافات: آقا خدائی می‌کند! گویی أصلا ایشان این حرفها را به زبان نرانده بود! مقام معظم رهبری خود را مجتهد، ولی فقیه و مرجع تقلید معرفی می‌کند. آیا او فراموش کرده درباره خود چه گفته بود؟!

دوم. کسی که در فقاهت او این‌قدر اما و اگر است و خود به فقدان مرجعیت فعلیه و شأنیه خود إقرار دارد، چگونه در نخستین ماههای رهبری بساط مرجعیت تقلید پهن می‌کند و فتوی می‌دهد و در وجوهات شرعیه تصرف می‌کند؟ آیا این همان «ابتذال مرجعیت شیعه» نیست که آقای منتظری گفت ودر کتابی با همین نام مستنداتش عرضه شد؟

سوم. رهبر منتخب خبرگان به إقرار خود و تصریح برخی خبرگان فقیه نبود تا ولایت فقیه داشته باشد. آنچنان‌که خود پذیرفت رهبری او از باب ولایت عدول مؤمنین است، یعنی ولایت مؤمن مقلد. مؤمن مقلد یقینا ولایت مطلقه و مرجعیت تقلید ندارد. راستی آقای خامنه‌ای با اقاریر و اعترافات صریحش چه پاسخی در آخرت در برابر خداوند و چه پاسخی در دنیا در برابر مردم دارد؟ آیا آنچه در ناحیه رهبری و مرجعیت مرتکب شده تعبیری جز تدلیس دارد؟ تدلیس در رهبری و ولایت مومن مقلد را ولایت فقیه جازدن، و تدلیس در مرجعیت و بدون فقاهت و اجتهاد فتوی دادن و تصرف در وجوهات شرعیه کردن. (تدلیس حقیقت امر رامی پوشانند تا غیر از آنچه هست او را بنمایانند)

چهارم. اعضای مجلس خبرگان خصوصا کارگردان زرنگ آن اکبر هاشمی رفسنجانی در تدلیس رهبری

نقش عمده داشته‌اند. آنها ولایت مومن مقلد را به عنوان ولایت فقیه به مردم قالب کردند.
پنج. تدلیس دیگر مجلس خبرگان، هاشمی رفسنجانی و آقای خامنه‌ای کتمان رهبری موقت ۱۴ خرداد تا ۱۵ مرداد ۱۳۶۸ است. آنها رهبر منتخب خبرگان را رهبر دائم کشور معرفی کردند حال آن‌که «رهبر موقت» انتخاب کرده بودند.
شش. هاشمی رفسنجانی دنیا و آخرت خود را برای رهبری آقای خامنه‌ای فدا کرد. او فرد فاقد صلاحیت شرعی و قانونی را به رهبری رساند. خدا در آخرت به دادش برسد! او در تمام ستمهایی که آقای خامنه‌ای کرده شریک جرم است. اما دنیایش را هم فدا کرد. چرا که آقای خامنه‌ای از او مکارتر بود. وقتی از نردبان رفسنجانی و خبرگان بالا رفت نردبان را پرت کرد و دوست پنجاه ساله خود را که رهبریش را مدیون او بود حذف کرد. مرگ کاملا مشکوک هاشمی رفسنجانی تاوان دنیوی تدلیس‌هایی بود که او با رهبری خامنه‌ای مرتکب شده بود. باید منتظر بود و پایان کار آقای خامنه‌ای را دید.
هفت. اعضای مجلس خبرگان با تصمیم تاریخی خود سیاست را بر دیانت، مصلحت را بر حقیقت و تدلیس را بر صداقت ترجیح دادند. آنها فصل تازه‌ای را در فقه شیعه گشودند. این فیلم ۱۹ دقیقه ای ترجمان شعارهای نغز معترضین اخیر است: اسلام را پلّه کردید، ملتُ ذلّه کردید. آیا کسانی که اینگونه با ملت تزویر کرده‌اند قابل اعتمادند؟
اما این تنها ۱۹ دقیقه از این جلسه سه ساعته است. انتشار مشروح مذاکرات کامل جلسه بعد از ظهر ۱۴ خرداد و نیز جلسه ۱۵ مرداد ۱۳۶۸ پرده از بسیاری حقایق دیگر برخواهد داشت.
لینک مطلب در تریبون زمانه
منبع: وبسایت محسن کدیور

یادداشت‌ها:
۱. بحث دقیق اعضای مجلس خبرگان دوره اول در هر مقطع در این مقاله آورده‌ام: نورافشانی بر تاریک‌خانه روح‌القوانین، ۳ شهریور ۱۳۹۴.
۲. در مقاله نظارت در نطفه خفه شده خبرگان بر رهبری (۱ آبان ۱۳۹۴) مفاد آئین‌نامه مجلس خبرگان بررسی شده است.
۳. بحث آماری این جلسه به همراه مستندات آن به دقت در منبع زیر آورده‌ام: اجلاس خرداد ۶۸ خبرگان رهبری در ترازوی نقد_(۱۵ خرداد ۱۳۹۵)
۴. مستندات و مدارک بحث را در مقاله زیر دنبال کنید: شروع رهبری دینی با تدلیس (۱۷ اسفند ۱۳۹۳)
۵. پاورقی شماره ۴۲ باب دوم: موفقیت بزرگ!
۶. اجلاس خرداد ۶۸ خبرگان رهبری در ترازوی نقد (۱۵ خرداد ۱۳۹۵)
۷. عنوان باب سوم مقاله پیشین «ولایت مومن مقلد» است. علاوه بر این بنگرید به مقاله رهبری آقای خامنه‌ای: ولایت مؤمن مقلد، نه ولایت فقیه (۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۴)

اشکوری: ویدئوی رهبر شدن خامنه‌ای همچون یک بمب ساعتی است! آیا رهبر شدن خامنه ای غیرقانونی بود؟

دویچه وله - حسن یوسفی اشکوری، محقق و دین‌پژوه انتشار فیلم کوتاهی از جلسه مجلس خبرگان هنگام انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری جمهوری اسلامی را مانند یک "بمب ساعتی" می‌داند. او در گفت‌وگو با دویچه وله تصریح می‌کند که این ویدئو مشروعیت رهبر جمهوری اسلامی را زیر سوال می‌برد.
حسن یوسفی اشکوری که به عنوان که نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی آیت‌الله اکبر

هاشمی رفسنجانی را از نزدیک می‌شناخته است، رهبر شدن آیت‌الله خامنه‌ای را طرح آقای هاشمی می‌داند و اشاره می‌کند که آقای هاشمی حتی پس از برگزاری همه‌پرسی تغییر قانون اساسی و حذف شرط مرجعیت برای مقام رهبری به مجلس خبرگان برای تأیید صلاحیت آقای خامنه‌ای و ماندن در مقام رهبری رجوع نکرد.

آیا رهبر شدن خامنه ای غیرقانونی بود؟

رضا حقیقت‌نژاد - ایران وایر، انتشار ۱۹دقیقه از جلسه مجلس خبرگان در تاریخ ۱۴خرداد۶۸، بحث های جدیدی درباره نحوه انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان دومین رهبر جمهوری اسلامی دامن زده است. در این جلسه، ابتدا مجلس خبرگان با رای اکثریت حاضر در جلسه با فردی بودن رهبر موافقت کرد. سپس از ۶۰ نفر از ۷۴ نفر عضو حاضر در جلسه، به رهبر شدن آیت الله خامنه ای رای مثبت دادند. اکبر هاشمی رفسنجانی که اداره این جلسه را بر عهده داشت، می گوید انتخاب شورای رهبر و یا رهبر موقت و تا زمان برگزاری رفراندوم است. منظور او همه پرسی بازنگری قانون اساسی است که ۶مرداد۶۸ برگزار شد و ناظر به همین تغییرات، مجلس خبرگان رهبری در ۱۵مرداد۶۸ جلسه فوق العاده برگزار شد و از ۶۴عضو حاضر، ۶۰ نفر به رهبری خامنه ای رای مثبت دادند.

در هنگام برگزاری جلسه اول، مقررات جلسه طبق قانون اساسی بود که تا آن هنگام بازنگری نشده بود. در اصل قانون اساسی پیش از سال ۶۸، به فوت رهبر اشاره نشده ولی آمده بود که مجلس خبرگان «هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند، او را به عنوان رهبر به مردم معرفی نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می کنند.» این اصل معطوف به اصل۵ همان قانون نیز بوده که به «فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر» اشاره کرده است. ناظر به همان اصل می توان گفت نیازی به رای گیری برای شورایی شدن یا فردی شدن رهبری نبوده و قانون اساسی سابق و فعلی نظر و اولویت به رای گیری برای انتخاب فرد بوده و در واقع تاکید کرده اگر فرد پیدا نشد، شورا را انتخاب کنند. با این حال به نظر می رسد مجلس خبرگان برای محکم کاری اقدام به رای گیری برای هر دو مورد کرده است.

مسئله چالش برانگیز اما «رهبری موقت» است که در قانون اساسی به آن اشاره نشده است. انتخاب موقت بودن رهبر ناظر به یک رویداد دیگر بوده است. آیت الله خمینی ۴اردیبهشت۶۸، در نامه ای هیاتی مرکب از ۲۵نفر را مسئول بررسی نقایص و اشکالات قانون اساسی و تصویب اصلاحات می کنند و نهایی شدن را منوط به تاییدشدن توسط آرای عمومی مردم می داند؛ یعنی همه پرسی قانون اساسی. شورای بازنگری قانون اساسی حدفاصل ۷ اردیبهشت تا ۲۰تیرماه ۶۸، ۴۱جلسه برای بازنگری در قانون اساسی برگزار کرد. آیت الله خامنه ای در مقام رهبر موقت، مصوبات این شورا تصویب و تایید و دستور همه پرسی داد.

اکبر هاشمی رفسنجانی در این نوار ویدئویی می گوید: «... ما هرچه انتخاب بکنیم، حتما این محدود به آنی است که قانون اساسی بعدا تصویب می کند. اگر معارض با قانون اساسی درآمد، طبعا باید اصلاح شود و منطبق بر قانون اساسی شود.» او مجددا تاکید می کند: «این شورایی [شدن رهبری] اگر رای می گیریم، هرچه باشد، این محدود است تا زمانی که رفراندوم می شود و قانون اساسی، این تا آن زمان است ... بدانید چه شورایی شود و چه فردی، محدود به آن زمان است.» این

سخنان قبل از رای گیری درباره شورایی یا فرد بودن رهبر است و با مخالفت خاصی در مجلس خبرگان مواجه نمی شود. او سومین بار، هنگامی که می خواهند برای فردی بودن رهبر رای بگیرند، می گوید: «آقایانی که با فردی بودن رهبر در این مقطع، تا رفراندوم، موافق هستیند، قیام بفرمایند.» و سرانجام چهارمین بار و وقتی می خواهند رهبری خامنه ای رای گیری می کنند، می گوید: «آقایانی که با رهبری جناب آقای خامنه ای تا رفراندوم البته، این موقت است، دائمی نیست، موافق هستند، قیام بفرمایند.» این بار هم خبرگان مخالفتی نمی کند و رای می دهد. بنابراین می توان تشخیص اکثریت مجلس خبرگان این بوده که «موقتی بودن» رهبر یا شورا به دلیل در پیش بودن رفراندوم قانون اساسی و احتمال تغییرات در قانون جدید و لزوم تطبیق شرایط با قانون اساسی جدید، خلاف نیست. این تصمیم از سر ضرورت بوده و عدم مخالفت اکثریت خبرگان را پشتوانه خود دارد.

محسن کدیور، محقق و دین پژوه در یادداشتی این ایراد را مطرح کرده که «مجلس خبرگان، هاشمی رفسنجانی و آقای خامنه ای» با «کتمان رهبری موقت از ۱۴خرداد تا ۱۵مرداد۶۸»، «رهبر موقت منتخب خبرگان را رهبر دائم کشور معرفی کردند» و این را مصداق فریب و پنهان کاری دانسته است. این ایراد از این نظر که رهبر موقت و اعضای مجلس خبرگان، پرده پوشی کرده اند، درست است ولی دائم شدن رهبری خامنه ای در جلسه فوق العاده ۱۵مرداد۶۸ مجلس خبرگان مصوب شده و طبق قانون اساسی جدید و قدیم مشکل قانونی ندارد.

نکته محسن کدیور از این نظر حائز اهمیت است که از تاریخ ۱۶خرداد ۶۸ تا ۱۵مرداد۶۸، بیش از ۳۰مراسم بیعت با خامنه ای برگزار شده و هیچ سخنی از موقت بودن رهبری در میان نیست. حسن یوسفی اشکوری در گفتگو با رادیو فردا می گوید جلسه فوق العاده رسمی نبوده است. این ایراد هم وارد نیست. طبق ماده ۲۰ آیین نامه داخلی مجلس خبرگان، در مواردی که هیات رئیسه لازم بداند یا ده نفر از اعضا کتبا پیشنهاد بدهند، اجلاسیه فوق العاده تشکیل می شود و در مورد تعیین رهبر، با «موافقت دوسوم حاضران»، مصوبات مجلس خبرگان معتبر است. بنابراین تشکیل اجلاس فوق العاده قانونی است و موافقت بیش از دوسوم حاضران در جلسه صبح ۱۵مرداد۶۸ کسب شده است. اعضای مجلس خبرگان همان روز با علی خامنه ای دیدار و علی مشکینی، رئیس مجلس خبرگان در سخنرانی اش به این جلسه فوق العاده اشاره و «نظر اکثریت قاطع اعضای این مجلس مبنی بر مطابقت کامل حضرت آیت الله خامنه ای با شرایط رهبری که در اصلاحات قانون اساسی پیش بینی شده» را اعلام کرده است.

مهدی پرپنچی، تهیه کننده و مجری برنامه صفحه۲ تلویزیون بی بی سی فارسی در توییتی نوشته این فیلم نشان می دهد در «پیش بینی جانشین آیت الله خامنه ای» نباید با تکیه بر «معیارهای قانون اساسی، شرع و مقبولیت افراد»، کسانی را معرفی کرد، کما اینکه در انتخاب آیت الله خامنه ای، نه قانون اساسی، نه شرع و نه مقبولیت، هیچ یک محلی از اعراب نداشته اند.» نکته او معطوف به انتخاب شخص است و می توان گفت مهم ترین نتیجه از این ویدئو همین است. روند اداره جلسه توسط هاشمی رفسنجانی، نقل خاطره از آیت الله خمینی و مهارت او در مدیریت و هدایت جلسه به سمتی که می خواهد به خوبی نشان می دهد که انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی یک بازی کاملا سیاسی است که در یک بستر قانونی هدایت و پرده پوشی می شود. این رویداد در انتخاب رهبر آینده ایران هم می تواند تکرار شود. حالا هاشمی نیست ولی بازیگردانان دیگری هستند.

نامزدهای انتخاب رهبری شورایی و فردی چه‌کسانی بودند؟

هاشمی رفسنجانی که در آن برهه نائب رئیس اول آیت الله مشکینی در مجلس خبرگان بود، در کتاب خاطراتش به نام «بازسازی و سازندگی» در تشریح این بخش از مذاکرات مجلس خبرگان که به صورت جلسه غیرعلنی برگزار شد و هنوز هم مسائل مطرح شده در این جلسه به صورت محرمانه باقی مانده است، می نویسد: «صحبت‌های زیادی شد. بعضی‌ها طرفدار رهبری شورایی و بعضی خواهان رهبری فردی بودند. بعضی آیت‌الله خامنه‌ای و بعضی‌ها آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی را مطرح کردند و برای شورا هم اسم‌هایی برده شد.»

چه کسانی در لیست‌های شورای رهبری بودند؟

پیش از تغییر اصل و صد هفتم قانون اساسی که به انتخاب رهبری می‌پرداخت، این موضوع مطرح بود که اگر در میان افراد واجد شرایط رهبری به شرح مذکور در قانون اساسی، فردی واجد همه شرایط بود، همان شخص برای رهبری انتخاب شود، وگرنه از میان واجدین نسبی شرایط عمومی، سه نفر که نسبت به دیگران امتیازات بیشتر دارند به عنوان شورای رهبری انتخاب شوند.

این نکته موجب شد تا در ابتدای بررسی جانشین رهبری و پیش از تعیین گزینه شورای رهبری یا رهبری فردی، برخی به بیان لیست‌هایی برای شورای رهبری به شرح زیر بپردازند.

ترکیب اول:آیت الله خامنه ای،آیت الله مشکینی و آیت الله موسوی اردبیلی

ترکیب دوم:آیت الله خامنه ای،آیت الله مشکینی،آیت الله موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و سید احمد خمینی

ترکیب سوم:آیت الله خامنه ای، آیت الله مشکینی،آیت الله موسوی اردبیلی،آیت الله فاضل لنکرانی،آیت الله عبدالله جوادی آملی.

البته آیت الله هاشمی نیز در خاطرات خود در این رابطه نوشته است: «قبلا در مشورت‌های سران قوا و جمعی دیگر از بزرگان به این نتیجه رسیده بودیم که شورایی مرکب از آیات خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و مشکینی رهبری را به عهده بگیرند.»

سرانجام به دلیل مخالفت اکثریت خبرگان با شورای رهبری، هیچ یک از لیست های ذکر شده، رنگ واقعیت نگرفتند.

موافقان و مخالفان شورایی شدن رهبری

در جلسه عصر و به منظور انتخاب جانشین رهبری، اولویت با تعیین یکی از دو مدل رهبری بود؛ شورای رهبری یا رهبری فرد.

در این میان بنابر گفته حائری شیرازی، آیت الله خامنه ای جز دسته موافقان شورای رهبری بودند(3)، نکته‌ای که هاشمی رفسنجانی نیز بر آن مهر تأیید زده است: «اولین بحث ما این بود که شورا باشد یا فرد. ما که جزو هیات‌رئیسه خبرگان بودیم و باید برنامه‌ها را تنظیم می‌کردیم، نظر ما این بود که شورایی باشد و شورای سه‌نفره را در نظر گرفتیم که آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله موسوی اردبیلی بودند. نظر جامعه مدرسین روی آیت‌الله گلپایگانی بود و فرد را پیشنهاد دادند. یک بحث جدی داشتیم و وقت زیادی از جلسه را گرفته بود که فرد یا شورا باشد. این در اختیار ما بود و باید انتخاب می‌کردیم. فرد 45 رای و شورا 35 رای آورد. نظر آیت‌الله خامنه‌ای روی شورا بود و سخنرانی خوبی هم کردند و توضیح دادند که شورا لازم است، اما وقتی که رای گرفتیم، این‌گونه شد. اگر روزی قرار باشد که دوباره رهبری را انتخاب کنیم، بحث می‌کنیم که فرد یا شورا باشد. در اینجا مشکلی نداریم. من طرفدار شورا بودم و همان نظرم مانده است. قاعدتا نظر آیت‌الله خامنه‌ای هم همان است، ولی چون خبرگان رای داده، فعلا این است. بعدا باید شرایط را ببینیم.»(4)

همچنین هاشمی در کتاب خود نیز به موافقت آیت الله خامنه ای با شورای رهبری اشاره کرده و نوشته است که «خود ایشان پشت تریبون رفتند و گفتند من با رهبری شورایی مطابق قانون اساسی موافقم و با رهبری فردی مخالفم. پس چگونه نامزد بشوم؟»

در میان موافقان رهبری فرد و در واقع مخالفان شورای رهبری نیز در جلسه به نطق پرداختند. حائری شیرازی که در آن زمان ردای موافقت با رهبری فردی را بر تن کرده بود، در رابطه با بحث و جدل میان موافقان و مخالفان رهبری فردی می‌گوید: « آن روز من صحبت کردم به عنوان مخالف، بعد از من یک موافق رفت، موافق به جای اینکه دلیل بیاورد شروع کرد به قسم دادن خبرگان، ایشان دلیلی نداشت برای حرف‌هایی که می زد.»

پس از رأی گیری و با موافقت اکثریت اعضای حاضر در مجلس خبرگان، شورای رهبری رد و رهبری فرد در دستور کار جلسه خبرگان برای انتخاب جانشین رهبری قرار گرفت.

آیت الله گلپایگانی گزینه جامعه مدرسین برای رهبری

هاشمی که هر از گاهی به کنایه از محرمانه ماندن جلسه انتخاب رهبری یاد می‌کند، در قسمتی از خاطراتش از آیت الله

گلپایگانی به عنوان گزینه جامعه مدرسین برای رهبری فردی نام می‌برد.
او در کتاب خاطراتش نوشته است: «ابتدا به پیشنهاد اعضای جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] که عضو مجلس خبرگان بودند، آیت‌الله گلپایگانی مطرح شد. حدود ۱۴ نفر به ایشان رای دادند.» و سرانجام پس از رأی گیری در مورد رهبری آیت الله گلپایگانی به عنوان گزینه جامعه مدرسین، این بار آیت الله خامنه ای به عنوان گزینه رهبری مطرح شد.
این 14 نفر که می‌توان از آنها به عنوان یکی از نقاط خاکستری آن برهه از تاریخ خبرگان یاد کرد، در هر دوره‌ای از تاریخ سیاسی کشورمان مورد بحث و جدل گروه‌های سیاسی قرار گرفته‌اند، چه آنکه روزی هاشمی رفسنجانی در اینستاگرام خود در لفافه به منتقدانش اشاره می‌کند که «عده ای هنوز دنبال برنامه های قدیمی خود هستند؛ همان ها که سال ۶۲ مقابل ریاست آیت الله مشکینی بر خبرگان ایستادند و مقابلش کاندیدا آوردند و بعد از ارتحال امام هم دنبال انتخاب رهبری غیر از "آقا" بودند و قبل از طرح نام ایشان، آیت الله گلپایگانی را برای رهبری کاندید کردند ولی ناکام ماندند!»
منتقدان هاشمی اما معتقدند که وی تلاش دارد با روایت هایی که بیان می کند اینگونه جلوه دهد که 14 نفری که به آیت الله گلپایگانی رای دادند مخالف رهبری آیت الله خامنه ای بودند.
خبرگزاری تسنیم در پرونده‌ای که حدود یک سال قبل آغاز کرده، با برخی اعضای مجلس خبرگان آن زمان به گفت‌وگو نشست. یکی از این افراد آیت‌الله فیض گیلانی بود که در جلسه تاریخی خبرگان حضور داشت. وی درباره جزئیات آن جلسه می‌گوید "آقای هاشمی شورای رهبری را مطرح کرد و موافق و مخالف صحبت کردند. بعد رأی گرفتیم و شورای رهبری رأی نیاورد چون باید نصف به‌علاوه یک به شورا رأی می‌دادند. قرار بود بعد از رأی آوردن رهبری شورایی، دنبال 3 یا 4 نفر برویم ولی چون شورا رأی نیاورد دیگر اسامی هم گفته نشد
آیت‌الله سید علی اکبر قریشی نماینده آذربایجان غربی در خبرگان درباره نامزدهای رهبری شورایی می‌گوید "آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آقای هاشمی رفسنجانی. بعد قرار شد شورا متشکل از پنج نفر باشد و به این جمع مرحوم آسید احمد خمینی و فرد دیگری که اسمش یادم نیست اضافه شود".
آیت‌الله سید ابراهیم امینی عضو ارشد جامعه مدرسین هم درباره ترکیب شورایی در گفت‌وگویی می‌گوید **"آقایان خامنه‌ای، مشکینی، موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی و سید احمد خمینی و از آقایان محمدفاضل لنکرانی و جوادی آملی هم ذکری به‌میان آمد".**
لذا آن‌طور که از سخنان سایرین هم برمی‌آید، آیت‌الله خامنه‌ای در ترکیب رهبری شورایی نیز حضور داشته است و از ابتدا بحث انتخاب وی به‌عنوان رهبر مطرح بود. بعد از منتفی شدن رهبری شورایی، نوبت به انتخاب به رهبری واحد رسید. از آنجا که در قانون اساسی شرط رهبری مرجعیت بود و امام خمینی نیز مرجع به‌شمار می‌رفت، در ذهن بسیاری از اشخاص این بود که رهبر آینده نیز حتماً مرجع است.
بعد از منتفی شدن رهبری شورایی، نوبت به انتخاب رهبری واحد رسید. از آنجا که در قانون اساسی اول شرط رهبری مرجعیت بود و امام خمینی نیز مرجع به‌شمار می‌رفت، در ذهن بسیاری از اشخاص این بود که رهبر آینده نیز حتماً مرجع است.
آیت‌الله فیض گیلانی در گفت‌وگو با تسنیم درباره اسامی مراجعی که در جلسه خبرگان نامشان به‌میان آمد به تسنیم چنین گفته بود "اسم آیت‌الله گلپایگانی به‌میان آمد. موافقان صحبت کردند اما مخالفی نداشت چون کسی حاضر نشد برود پشت میز و بگوید آقای گلپایگانی اشکال دارد و صلاح هم نبود. بعد به کفایت مذاکرات رأی گرفتیم و آقای گلپایگانی رأی نیاورد... بعد یک نفر نام آیت‌الله اراکی را مطرح کرد و راجع به آقای اراکی صحبت کرد و مخالفی هم نداشت که به کفایت مذاکرات رأی گرفتند و مرحوم اراکی هم رأی نیاورد".
هرچند مراجع آن زمان همچون آیات گلپایگانی، اراکی و حتی آیت‌الله خویی از همراهان قدیمی

نهضت امام به‌شمار می‌رفتند و از لحاظ طهارت نفس در بالاترین رتبه قرار داشتند اما بلاشک باید رهبری انتخاب می‌شد که از نظر جسمی نیز توان اداره کشور را داشته باشد چراکه هرکدام این افراد تا 1 الی 2 سال بعد از دنیا رفتند.

فیلم جلسه با تصویر و صوت هست، انرا ببینید و درباره دقت روایتها از جلسه قضاوت کنید.

آذری قمی؛ از نظریه پردازی ولایت فقیه تا مرگ در حصر خانگی

به روز شده: 20:13 گرینویچ - سه شنبه 11 فوریه 2014 - 22 بهمن 1392

جلال یعقوبی
روزنامه نگار

احمد آذری‌قمی، ۱۵ سال پیش، در ۲۲ بهمن ۱۳۷۷ درگذشت. وی یکی از مهم ترین نظریه پردازانی بود که در تثبیت "ولایت" رهبر جمهوری اسلامی نقش داشت.

با این حال، اما به دلیل انتقادهایی که در پایان عمر خود به آیت‌الله خامنه‌ای مطرح کرد، منزوی شد و در حالی که در خانه خود محصور بود، در سکوت خبری درگذشت.

احمد آذری قمی در پایان عمر خود طی نامه ای سرگشاده به "مردم ایران و به ویژه جوانان"، به خاطر نقشی که در رسیدن آقای خامنه‌ای به رهبری داشت عذرخواهی کرد.

این گزارش، به مرور زندگی سیاسی و دیدگاه های انتقادی این مدرس حوزه علمیه قم اختصاص دارد.

در نوشتن گزارش، از کتاب محسن کدیور اسلام‌شناس تحت عنوان " فراز و فرود آذری قمی: سیری در تحول مبانی فکری ایت الله احمد آذری قمی" استفاده شده و تمام نقل قول‌های بدون منبع متن، از این کتاب هستند.

سال های همراهی با آیت الله خمینی

نام احمد آذری‌قمی، همواره یادآور راست‌گراترین جریان محافظه‌کار در ایران است. او مدتی در ابتدای پیروزی انقلاب، سمت دادستانی انقلاب مرکز را داشت ودر شهریور ۱۳۵۸ از این سمت استعفا کرد.

آذری‌قمی دلایل استعفای خود را "بیماری و ابتلا به مرض قند، فشار کاری و کارشکنی‌ها و اخلال برخی افراد در دادسرا" اعلام کرد. آذری‌قمی بعدها گفت: "من آن موقعی که دادستان انقلاب بودم و نظرتان باشد یک شب ۲۱ نفر در تهران اعدام شدند، بنی‌صدر ظاهراً رفته بود، گزارش نادرستی به ایشان [آیت‌الله خمینی] داده بود که همه اینها را در عرض دو ساعت محاکمه کرده‌اند . ایشان خیلی عصبانی شد که ما از تهران رفتیم با آقای محمدی گیلانی و آقای هادی غفاری هم تشریف داشتند. ایشان به قدری ناراحت و عصبانی، که من عرض کردم آقا اجازه می‌خواهم چند جمله بگویم، فرمودند که من وقت ندارم." (متن مذاکرات مجلس شورای اسلامی- دور دوم- ۱۴ مرداد ۱۳۶۳)

آذری‌قمی چند سال نیز ریاست جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را برعهده داشت. سیدحسین موسوی تبریزی، درباره ماجرای نامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مبنی بر خلع مرجعیت آیت‌الله شریعتمداری، گفته است: "آیت‌الله آذری‌قمی دبیر وقت جامعه مدرسین نقش محوری داشت که با برخی از آقایان روحانیت مبارز تهران هماهنگ کرده بود. ایشان آن متن را نوشت و عده‌ای از آقایان امضا کردند و فورا به رسانه‌ها داده شد." (مهرنامه- شهریور ۱۳۹۲) محسن کدیور اما معتقد است که آن متن به قلم محمد یزدی بود.

او می‌نویسد: "به هر حال اعلامیه‌های عزل آیت‌الله شریعتمداری به قلم محمد یزدی مسئول کمیته‌ی امور سیاسی جامعه مدرسین و در زمان ریاست آذری قمی صادر شده است."

اختلاف با آیت الله خمینی

آذری‌قمی، بعدها "بنیاد رسالت" را تاسیس نمود که در دهه شصت، روزنامه رسالت را منتشر می‌کرد. این روزنامه از منتقدان سرسخت سیاست‌های اقتصادی دولت میرحسین موسوی بود. با حذف رقیبان سیاسی روحانیت در سال‌های اول انقلاب، اختلاف‌ها به میان نیروهای هوادار آیت‌الله خمینی هم کشیده شده بود.

علی‌اکبر محتشمی‌پور مهمترین اختلاف‌های راستگرایان با دولت موسوی را در این موارد خلاصه کرده است: "اموال مصادره شده از سرمایه‌داران غصبی است و باید بازگردانده شود، زمین‌های کشاورزی که برطبق اصلاحات اراضی به کشاورزان داده شده غصبی است و باید بازگردانده شود، دخالت دولت در امور اقتصادی و بازرگانی شرعاً حرام است، تعاونی‌ها ریشه‌ای کمونیستی دارد، موسیقی و شطرنج مطلقاً حرام است، مخالفت با لایحه تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان، مخالفت با لایحه دریافت مالیات، مخالفت با لایحه قانون کار." (چند صدایی در جامعه و روحانیت ـ ص۷۱)

در آن روزها، جناح موسوم به "راست" که از آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت حمایت می‌کرد، خواستار کنار رفتن میرحسین موسوی بود. اما مخالفت آیت‌الله خمینی مانع اصلی کنار گذاشتن او شد. پس از آنکه علی خامنه‌ای مجدداً به ریاست‌جمهوری رسید، اختلاف‌های این دو جریان به اوج خود رسید.

علی‌اکبر ناطق‌نوری در خاطرات خود گفته است: "وقتی برای بار دوم مقام معظم رهبری به ریاست جمهوری

برگزیده شدند، بین ایشان و امام یک بحثی در مورد انتخاب نخست وزیر بود، ایشان می‌گفت اگر من رییس جمهور بشوم، در انتخاب نخست وزیر هر کسی را که بخواهم خودم باید تصمیم بگیرم و این علامت را هم امام ظاهرا داده بودند که خود شما تصمیم بگیر، لذا ایشان کاندیدا شدند [...] چند روزی که گذشت، نظر امام عوض شد. علتش این بود که گویا آقای محسن رضایی به عنوان فرمانده سپاه خدمت امام رسیده و گفته بود که موقعیت آقای موسوی در جنگ و بین جوان‌ها به گونه‌ای است که اگر ایشان نخست‌وزیر نشوند، جنگ لطمه می‌خورد."
ناطق‌نوری می‌گوید که علی خامنه‌ای نامه‌ای به آیت‌الله خمینی نوشت و در آن خواست که او نظر خود را "حکم" کند: "اگر حضرت عالی تشخیص می‌دهید که باید مهندس موسوی را معرفی کنم، حکم کنید، شما رهبر هستید. شما روز قیامت جواب دارید، ولی من جواب ندارم کسی را که مصلحت نمی‌دانم، نخست‌وزیر کنم، مگر این که حکم ولی‌فقیه بالای سر او باشد." اما با پافشاری آیت‌الله خمینی، نخست‌وزیر تغییر نکرد. (خاطرات ناطق‌نوری-جلد دوم- ص۷۶)
احمد آذری‌قمی یکی از طرفین این اختلاف بود و از درخواست سیدعلی خامنه‌ای مبنی بر تغییر نخست‌وزیر حمایت می‌کرد. راستگرایان کوشیدند تا علی‌رغم حمایت آیت‌الله خمینی، زمینه تغییر نخست‌وزیر را فراهم کنند. آذری‌قمی در مرکز این اختلاف‌ها قرار گرفت و حتی از نقد نظرات آیت‌الله خمینی هم ابایی نداشت.
درمرداد ۱۳۶۴ و در جریان رای اعتماد به دولت، او که به عنوان مخالف سخن می‌گفت، تاکید کرد: "از آن روز اول که امام مهندس بازرگان را انتخاب فرمودند که ما همان موقع هم قبول نداشتیم، ولی سه هزار نفر از فضلا و طلاب قم و جامعه مدرسین حرکت کردند بازرگان ، بازرگان حمایتت می‌کنیم. برای این که منتخب امام هستی. بنی‌صدر هم‌همچنین ، قطب‌زاده هم‌همچنین ، آن‌هائی را هم که امام به‌اصطلاح اظهار می‌کرد: می‌شناسم، تا آن موقعی که انحرافی نبود و می‌دانستیم که مورد توجه و علاقه امام هستند و حتی جناب موسوی نخست‌وزیر محترم را همین اخیراً که ایشان تقویت کردند و گفتند راجع به دولت تضعیف نشان نکنید و چه نکنید."
آذری‌قمی اضافه کرد:"امام به عنوان یک مرشد و ناصح امین باید به وظیفه‌اش عمل بکند و به وظیفه‌اش هم عمل کرده است و می‌کند در مقاطع حساس آن نظر خودش را ابراز می‌کند که به نظر من چنین است و چنان است، اما یک وقتی با مردمی که به اصطلاح، آن‌ها مأمور به شور و بررسی و این مسائل نیستند با آن‌ها صحبت می‌کند. یک وقت با نمایندگان مجلس صحبت می‌کند که می‌گوید نمایندگان مجلس من این نظرم است یعنی نصیحت من است و الا خود دانید." (متن مذاکرات مجلس شورای اسلامی- دور دوم- ۱۴ مرداد۱۳۶۳)
این سخنان خشم آیت‌الله خمینی را درپی داشت. چند روز بعد، آذری‌قمی در نامه‌ای علنی که خطاب به "علمای اعلام" نوشت، افشا کرد: "دو روز پس از این سخنان من در مجلس، شیخکی به نام قرائتی به خانه‌ام آمد و به روایتی از حاج احمد خمینی که پیام پدرش را به قرائتی ابلاغ کرده بود، به این مفهوم به من ایفاد کرد: 'به آقای آذری‌قمی بگویند که نفوذ و مقام ایشان به گرد پای نفوذ و مقام شریعتمداری در میان علمای اعلام نمی‌رسد. بهتر آن است دیگر پا را از گلیم خود درازتر نکنند.' وقتی این شیخک این پیام را ابلاغ کرد او را با شدت و عصبانیت و تربیتی که سزاوارش بود از خانه بیرون کردم و پس از آن به تحقیق پرداختم و دیدم که این پیام صحت دارد. بنا براین لازم دانستم این پیام را به شخص آقای روح‌الله خمینی بنویسم و ۳۰ فقره رونوشت آن را برای ۳۰ تن از علمای اعلام و دلسوخته‌ای که در این پنج سال شاهد از بین رفتن احکام شرع و التقاط این احکام و نفوس با فتواهای نادرست بوده و دلی خونین دارند بفرستم." (به سوی سرنوشت- خاطرات هاشمی- ص ۳۰۸)
این اختلاف‌ها موجب رنجش آیت‌الله خمینی از آذری‌قمی شد. هاشمی رفسنجانی در خاطرات هشتم شهریورماه از هشدار آیت‌الله خمینی به روزنامه رسالت خبر داده و از قول او می‌نویسد: "دست‌هاتان را یک قدر نگه دارید، قلم‌هایتان را یک قدر نگه دارید، توجه بکنید به اینکه هر چیزی نباید نوشته شود، هر چیزی نباشید منتشر بشود و من به شما عرض می‌کنم که من ممکن است یک روزی اگر چنانچه خدای نخواسته تعقیب بکنند آقایان، ممکن است من یک وضع دیگری پیش بیاید برایم."
همچنین به گفته اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رهبر فقید جمهوری‌اسلامی علی‌رغم درخواست آذری‌قمی، حاضر نشده بود که به روزنامه او کمک مالی کند. (همان – ۱۶ اسفند ۱۳۶۵) او همچنین دستور داده بود که روزنامه رسالت به جبهه ارسال نشود.
ماجرای اختلاف با دولت موسوی، حتی به جدال علنی آیت‌الله خمینی با علی خامنه‌ای رئیس جمهور وقت هم منجر شد. در ماجرای قانون کار که دولت موسوی به دنبال تصویب آن بود، اما شورای نگهبان مقاومت می‌کرد، نهایتا آیت‌الله خمینی به نفع دولت وارد عمل شده و برداشتی از ولایت‌مطلقه را مطرح کرد که بر اساس آن حاکم اسلامی، اختیار تعطیل برخی احکام مذهبی را هم داشت.
آقای خامنه‌ای، در نمازجمعه تهران اعلام کرد که ولی‌فقیه نمی‌تواند احکام اسلام را تغییر دهد و این برداشتی اشتباه از سخنان آیت الله خمینی است. اما رهبر فقید جمهوری اسلامی شانزدهم دی‌ماه ۱۳۶۶، خطاب به وی نوشت: "از بیانات جنابعالی در نماز جمعه این طور ظاهر می شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعیه الهیه تقدم دارد، صحیح نمی دانید."
او اضافه کرد: "حکومت، که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله- صلی الله علیه وآله و سلم- است، یکی از

احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ و مسجدی که ضِرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند. و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند." (صحیفه امام، ج۲۰، ص۴۵۲)

دوره همراهی با آقای خامنه ای

پس از مرگ آیت‌الله خمینی، جانشینی او به مساله‌ای مهم تبدیل شد. در آن زمان آذری‌قمی تا آستانه انتخاب به عنوان رهبر پیش رفت. در ماجرای تقابل راستگرایان با دولت موسوی، آذری‌قمی و علی خامنه‌ای چنان به هم نزدیک شده بودند که در ماجرای انتخاب رهبر جدید، آقای خامنه‌ای پیشنهاد کرد که آذری‌قمی رهبر جمهوری اسلامی شود.

شهریور ماه گذشته، محمد امامی کاشانی در برنامه "شناسنامه" که از شبکه سوم تلویزیون دولتی ایران پخش می‌شود، برای اولین‌بار افشا کرد که آقای خامنه‌ای "روی انتخاب مرحوم آذری‌قمی" به عنوان جانشین آیت الله خمینی اصرار داشته است. وی افزود: "حتی بین آقا و آقای آذری صحبت‌هایی هم رد و بدل شد، اما در نهایت مجلس به مقام معظم رهبری رای داد." (خبرگزاری فارس - ۲۹ شهریور۱۳۹۲)

نکته مهم آن است که آقای آذری‌قمی خواستار رهبری آیت‌الله گلپایگانی ـ از مراجع‌تقلید ـ بود. به نوشته محسن کدیور، آقای آذری قمی "در مجلس خبرگان به ولایت آیت‌الله گلپایگانی و معاونت اجرایی حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای رای داد".

یک ماه بعد از مرگ آیت‌الله خمینی، و در حالی که رهبر جدید کار خود را به تازگی آغازکرده بود، احمد آذری‌قمی مقاله‌ای با عنوان "انتخاب خبرگان و ولایت فقیه" منتشر کرد که در آن آمده بود ولی‌فقیه اگر بخواهد می‌تواند "حتی توحید را به طور موقت تعطیل نماید." (روزنامه رسالت، ۱۹ تیر ۱۳۶۸) بعدها این سخنان به یکی از خبرسازترین متن‌های منتشر شده در دفاع از ولایت‌فقیه تبدیل شد.

حدود یک ماه بعد، نهضت آزادی ایران در اعتراض به این مقاله، با اشاره به جمله آیت‌الله آذری‌قمی نوشت: "این آخری آن قدر شگرف و شگفت‌انگیز است که اگر کسی با شنیدن آن شاخ درآورد نباید تعجب کرد و ملامتش نمود. شیخ نفرموده‌اید که منظورتان از 'تعطیل توحید' چیست. آیا نپرستیدن خدا و پیروی نکردن از راهنمایی ها و رهبری او، به خاطر قدرت حکومت و یا مصالح امت است و یا شریک گرفتن و شرک به خدا؟" این بیانیه با عنوان "نهضت آزادی (دربسته و دست و زبان بسته) ایران" امضا شده بود.

با وجود این شخص آقای خامنه ای یا منسوبان او، هیچ گونه اعتراضی به تعبیر آذری قمی از اختیارات ولی فقیه نشان ندادند.

نتیجه انتقاد به آقای خامنه ای

جمع بندی محسن کدیور از زندگی احمد آذری‌قمی حکایت دارد که این مدرس حوزه، پس از رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تا سال ۱۳۷۳ "از پیشگامان دفاع از ولایت مطلقه ایشان تا مرز تعطیل توحید عملی و انحصار جواز اخذ وجوهات شرعیه توسط رهبری است." اما پس از آن "ابتدا منکر صلاحیت حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای برای افتاء و مرجعیت می‌شود و بتدریج با تکیه بر شرط اعلمیت فقهی برای رهبری، انتخاب آقای خامنه‌ای را از باب ضرورت دانسته، از وی به شدت انتقاد می‌کند."

احمد آذری‌قمی، پس از آن، نامه‌های متعددی، خطاب به بنیاد رسالت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و وزارت اطلاعات نوشته و اعلام مرجعیت آیت‌الله خامنه‌ای را نادرست خواند. اولین نوشته آیت‌الله آذری‌قمی که نشانه تغییر مسیر فکری اوست، نامه‌ای است که در آبان سال ۱۳۷۴ به بنیاد رسالت نوشته است. او در این نامه ضمن قبول اصل ولایت‌فقیه و همچنین مصداق آن (علی خامنه‌ای) تاکید کرد که اصرار بر "نفی صلاحیت مرجعیت آقای خامنه‌ای دارم" او نوشته بود: "من به وظیفه‌ی شرعی خود عمل می‌کنم و برای پیامدهای اطلاعاتی آن حتی قتل آماده‌ام. بیش از این لازم نمی‌دانم مطلب را تعقیب کنم." این نامه پس از آن نوشته شد که آذری‌قمی اجازه چاپ رساله خود را نیافته بود.

پس از انتخاب محمد خاتمی به ریاست‌جمهوری، آیت‌الله آذری‌قمی نامه‌هایی انتقادی متعددی را منتشر کرد. از جمله او در نامه خود خطاب به جامعه مدرسین قم با اشاره به اعلام چند تن از علمای قم به عنوان مرجع و آوردن نام آیت‌الله خامنه‌ای در کنار آنان نوشته بود: "قطعا بر خلاف نظر آقای [محمد] یزدی، آیت‌الله خامنه‌ای به آنها نمی‌رسد. ایشان [یزدی] فرموده‌اند که معظم‌له یا از شش نفر دیگر بالاتر و حداقل مساوی می‌باشند... باید بگوئیم جناب یزدی یا معنای اجتهاد و فقه را نمی‌داند، یا دروغ صریح و تملق می‌گوید." او می‌افزاید: "مقام معظم رهبری به من فرمودند که رهبری تمام اوقات مرا مشغول کرده است، پس اعلمیت و مرجعیت از کجا آمد؟ چرا وعاظ السلاطین شهادت دروغ می‌دهند؟ جزای آنها با صاحب شریعت!"

در تابستان ۱۳۷۶ نیز نامه‌ای خطاب به علی فلاحیان، با عنوان "مقام منیع و خطرناک وزارت اطلاعات" نوشت که در آن آمده بود: "آیا به نظر جنابعالی [با این شیوه] مرجعیت آقای خامنه‌ای که [وزارت] اطلاعات با معاونت آقای فلاح جا انداخته... آیا مسلمانان جهان [و] خارجی‌ها وجه قبیحی از مرجعیت و رهبری نساخته و نمی‌سازند؟

یعنی رهبری به ضرب زور معظم‌له مرجع تقلید معرفی کرده و برخلاف سنت جاریه قرن‌ها عمل کرده است."
چند هفته بعد در نامه‌ای سرگشاده به تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۷۶ خطاب به "هموطنان عزیز"، نوشت: "اوج اشتباه من و به اشتباه انداختن دیگر خبرگان و سائر افراد ملت اظهار ولایت‌مطلقه و اثبات آن برای رهبر فعلی حتی در مقابل مراجع دیگر بود، اگرچه مرجعیت را در اختیار حوزه و علمین آقای گلپایگانی و آقای اراکی قدس سرهما می‌دانستم، ولی سایر احکام ولائی، من‌جمله اخذ وجوه را در انحصار مقام رهبری می‌دانستم، که در کبرای کلی یعنی انحصار در ولی‌فقیه به عقیده خود باقی، ولی رهبری فعلی را ولی‌فقیه نمی‌دانم، نصب خبرگان معظم‌له را، بعد از وفات امام قدس‌سره منشأ شرعی نداشت، زیرا ایشان نه مجتهد مطلق بودند، و نه اعلم."
او اضافه کرد: "در این رابطه از خدا و ملت ایران پوزش می‌طلبم، امید است که هر دو به پاداش اعتراف به قصور یا تقصیر از من دربگذرند." و بالاخره اینکه: "حضرت حجت‌الاسلام خامنه‌ای از مقام ولایت بر حسب نظر امام راحل قدس سره و قانون و شرع منعزل می‌باشند. اما بر حسب نظر امام که فرموده‌اند ولی‌فقیه اگر دیکتاتوری کند ساقط می‌شود. و اما قانون برحسب اصل ۱۰۹ قانون اساسی که می‌گوید ولی‌فقیه باید صلاحیت افتاء در تمام ابواب فقه را داشته باشد، بلکه بر حسب تناسب حکم و موضوع احاطه فعلی و نزدیک به فعلیت لازم است."
در همان ایام، آیت‌الله حسینعلی منتظری مرجع تقلید شیعه نیز طی یک سخنرانی در جمع طلاب درسی خود از "مبتذل کردن" مرجعیت شیعه انتقاد کرد. او با تاکید بر اینکه رهبر باید "اعلم" باشد خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای گفت: "حالا صرف نظر از مساله رهبری، مرجعیت را چرا دیگر؟ شما که در شان و حد مرجعیت نیستید" و اضافه کرد: "و خود آیت‌الله مومن به من گفت یکی از این آقایان که می‌رود در دفتر ایشان در قم می‌نشیند و مسائل را مطابق نظر آقای خامنه ای جواب می‌دهد. به ایشان گفتم که ایشان که رساله ندارد، شما چگونه فتاوا را بر طبق نظر ایشان جواب می‌دهید؟ گفت ما روی تحریر امام جواب می‌دهیم! گفتم مردم آخر مساله ایشان را می‌خواهند، گفت: می‌گویند ایشان فتوایش مثل فتوای امام است، ما روی تحریر امام جواب می‌دهیم! خوب این معنایش مبتذل کردن مرجعیت شیعه نیست؟" (بهای آزادگی-ص۳۰)
پس از آن بود که زمینه حمله و حصر آیت‌الله منتظری و همچنین احمد آذری‌قمی فراهم شد. در واکنش به این موضع، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دهم آبان ۱۳۷۶ اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن به "کژاندیشان مغرض" هشدار داده شده بود. چند روز بعد روزنامه رسالت خبر داد که جمعی از طلاب و فضلای حوزه علمیه قم خواستار لغو عضویت آذری‌قمی در جامعه مدرسین شده‌اند. انصار حزب‌الله نیز در اطلاعیه‌ای تهدید کرد: "به آقای آذری قمی ابلاغ می‌کنیم در صورتی که این شایعه صحت داشته و ایشان پایش را بیشتر از گلیمش دراز کرده باشد و مطالب موهن نوشته باشد، حزب‌الله قلم او را آنچنان می‌شکند که صدای خورد شدن آن قلم لرزه بر بدن تمامی یاوه‌نویسان بیندازد."
۱۹ آبان ۱۳۷۶، عده‌ای با شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه" به مجلس درس احمد آذری‌قمی در مدرسه فیضیه قم حمله کرده و ضمن ضرب و شتم وی، از ادامه تدریسش در حوزه جلوگیری کردند. پس از آن و تا پایان عمر، او در حصر قرار گرفت. ۲۸ آبان نیز خانه و حسینیه آیت‌الله منتظری مورد حمله قرار گرفت و او نیز به مدت پنج سال در حصر خانگی قرار گرفت.
بعد از این حوادث، این روحانی محصور در نامه‌ای خطاب به رئیس دادگستری تهران نوشت: "لشکریان ولایت فقیه همچون لشکریان شاه شیشه شکستند، و درها را شکسته از جا کندند، قرآن و مفاتیح و کتب حدیث را از بالا پرت کردند و کف کوچه را از اوراق آنها پر کردند. چیزی را سالم نگذاشتند. صدای زینب‌های زمان را درآوردند که: یزید بزن، خوب می‌زنی! این چوب ولایت‌فقیه است، نوش جان کن. نه به خانواده مریض و نه به فرزند مریض من رحم نکردند، و چند روز آنها را بدون دوا و استراحت رها کردند."
آذری‌قمی بعدها از حصر خانگی و در اردیبهشت سال ۱۳۷۷ طی نامه‌ای دیگر "خطاب به مردم ایران به ویژه جوانان" نوشت: "رهبری آقای خامنه‌ای معلول تلاش من بوده است، که از این سبب و جهات دیگر از خدای خود و از شما جوانان عزیز عذر می‌خواهم."
احمد آذری‌قمی در اواخر عمر مبتلا به سرطان‌خون شده بود که به دلیل شرایط حصر امکان مداوا نیافت. محسن کدیور در تحقیقی که راجع به زندگی آذری‌قمی منتشر کرده، به نقل از محمد مومن قمی از مدرسین حوزه علمیه قم نوشته است: "کمی قبل از فوت آیت‌الله آذری‌قمی [اواخر پائیز ۱۳۷۷] من به دیدار 'آقا' [آقای خامنه‌ای] رفتم و از ایشان درخواست کردم اگر اجازه بفرمایند حصر بیت آیت‌الله آذری برداشته شود تا بلکه ایشان بتواند برای درمان بیماری حادش روانه‌ی بیمارستان گردد که در غیر این صورت در مورد ایشان بیم جانی می‌رود. آقا در پاسخ خواسته‌ی من گفتند: به دَرَک!"
حصر احمد آذری‌قمی ۱۵ ماه طول کشید که در این مدت به دلیل بیماری‌اش سه بار به حالت کما رفت. پزشکان متخصص و همچنین خانواده و دوستانش تلاش‌هایی برای رفع حصر کردند که بی‌نتیجه ماند. او در روز ۲۲ بهمن ۱۳۷۷ در بیمارستان خاتم‌الانبیای تهران وابسته به سپاه پاسداران، در حالی که تحت نظارت ماموران امنیتی بود، درگذشت.

بیانیه مجلس خبرگان منتشره در ۲۱ دیماه ۱۳۹۶ واجد یک تصدیق و چهار دروغ و مصداق عذر بدتر از گناه است

توضیح «مجلس خبرگان» کنونی در باره کار آن مجلس خبرگان که آقای خامنه‌ای را «رهبر» گرداند، واجد یک تصدیق و چهار دروغ است و می‌گوید اصل راهنمای این مجلس نیز، سنجیدن حق به شخص است:

1. بیانیه نه تنها تصدیق می‌کند که گزینش آقای خامنه‌ای خلاف قانون اساسی بوده‌است، نه تنها تصدیق می‌کند، در سطح مراجع تقلید، شخص واجد شرائط رهبری وجود نداشته‌است، بلکه تصدیق می‌کند که اکثریت مجلس خبرگان واضع قانون اساسی، حقیقت را از مردم پوشانده و با تدلیس، قانون اساسی را به تصویب آنها رسانده، بنابراین، فاقد اعتبار است. در حقیقت، در مجلس خبرگان اول، جانبداران ولایت فقیه مدعی شدند که نه یک که چند مرجع واجد شرائط وجود دارند. پس، تصویب آن قانون اساسی از سوی مجلس خبرگان اول و رأی مردم به آن، با این فرض انجام شد که مراجع موجود شرائط رهبری را دارند.

2. وقتی مجلسی بر طبق قانون اساسی انتخاب می‌شود، این قانون نیست که باید خود را با مجلس تطبیق دهد بلکه این مجلس است که باید بر طبق آن قانون عمل کند.

در مجلس خبرگان اول که قانون اساسی را وضع می‌کرد، یکی از دلایل بر جعلی بودن ولایت فقیه که ارائه کردم، این بود که مرجع تقلید واجد شرائط رهبری، وجود ندارد، اما موافقان، برابر شرح بالا، گفتند وجود دارد. لذا عمل آن مجلس خبرگان در گزینش آقای خامنه‌ای، نقض قانون اساسی و جرم بوده‌است.

تعریف این مجلس خبرگان از مرجع، نیز همان نیست که مراد موافقان ولایت فقیه در مجلس خبرگان بود. آنها شرائطی را در نظر داشتند که در رساله‌های عملیه، قید می‌شوند. بخصوص اعلم و اعدل و اتقی بودن. آقای خامنه‌ای، به اعتراف خودش، فاقد هر سه شرط بوده‌است.

3. بنابراین، رأی نیاوردن مراجع و رأی نیاوردن رهبری شورائی، گویای نقص کار آن مجلس است. مجلس خبرگان موظف به یافتن راه‌کار نبود. موظف به اطاعت از قانون اساسی بود. اگر دغدغه‌ای جز عمل به قانون و شرع نداشت، مرتکب جرم نقض قانون اساسی و تحمیل یک شخص فاقد صلاحیت به مردم کشور نمی‌شد.

4. هرگاه مجلس بنا را بر تقدم و حاکمیت قدرت بر قانون اساسی و شرع نمی‌گذاشت و خود را ملزم به عمل به قانون اساسی می‌کرد، قانون اساسی و دین و کشور وضعیتی پیدا نمی‌کرد که اینک دارد. یک‌بار دیگر، عمل آن مجلس خلاف قانون اساسی و اطاعت از ایجابات قدرتمداری گروهی بوده‌است که دولت را تصرف کرده بودند. بنابراین، جرم بوده‌است.

5. اما عذری که این مجلس برای جرم ارتکابی آن مجلس تراشیده‌است، عذر بدتر از گناه است. چراکه

5.1. نظر آقای خمینی – بر فرض جعلی نبودن نامه – نمی‌توانست ناقض قانون اساسی باشد. بخصوص که خود او، هیأت تعیین کرده بود برای بازنگری در قانون اساسی. یعنی می‌دانست که نباید خلاف قانون اساسی عمل کرد. هرچند قانون اساسی این حق را به او نداده و این عمل او، همانند فراوان قول و فعل او، نقض قانون اساسی بود؛

5.2. بنابر نامه – باز برفرض جعلی نبودن نامه – رهبر باید مجتهد عادل باشد. اما آقای خامنه‌ای خود اعتراف کرده‌است که فاقد این دو صفت است. افزون بر این‌که او بعنوان مجتهد متجزی، به عضویت مجلس خبرگان پذیرفته شده‌بود. آنچه آقای خامنه‌ای در آن مجلس گفته‌است (مسلمانان باید خون گریه کنند اگر چون او کسی رهبر آنها شود و او فاقد شرائط قانون اساسی و صدور حکم شرعی است)، مصداق تواضع نیست، چراکه پذیرفتن مقام، پس از آن سخنان، ریا و ریا ساقط کننده عدالت می‌شد. اظهار حقیقت در باره خویش است. از این‌رو، پذیرفتن رهبری از سوی او جرم مضاعف است. بخصوص که با تغییر قانون اساسی، مجرمی فاقد صلاحیت صاحب ولایت مطلقه برجان و مال و ناموس مردم شد.

و

5.3. آن نامه خط آقای خمینی نبود. به درخواست من، دو کارشناس بین‌المللی خط، تصدیق کردند که نامه نمی‌تواند خط آقای خمینی باشد. آن را دستی نوشته بود که حداکثر می‌توانست 50 سال سن داشته باشد و نه نزدیک به 90 سال! غیر از اینکه مشخصات خط غیر از مشخصات خط آقای خمینی بودند. نظر دو کارشناس را روزنامه لوموند انتشار داد.

بدین‌سان، با نقض قانون اساسی، فاقد صلاحیت و کفایتی، به استناد نامه‌ای جعلی و قولی ناقض وصیتنامه او – که استناد به آنها برای نقض قانون اساسی جرم مسلم است – صاحب اختیار مطلق کشور شده‌است. بیانیه «مجلس خبرگان» کنونی هم تصدیق جرم بودن عمل آن مجلس است و هم تصدیق مجرمانه بودن تصدی امور کشور از آن روز تا امروز و تا وقتی است که کشور از شر حاکمیت جبار بیاساید.

ابوالحسن بنی‌صدر

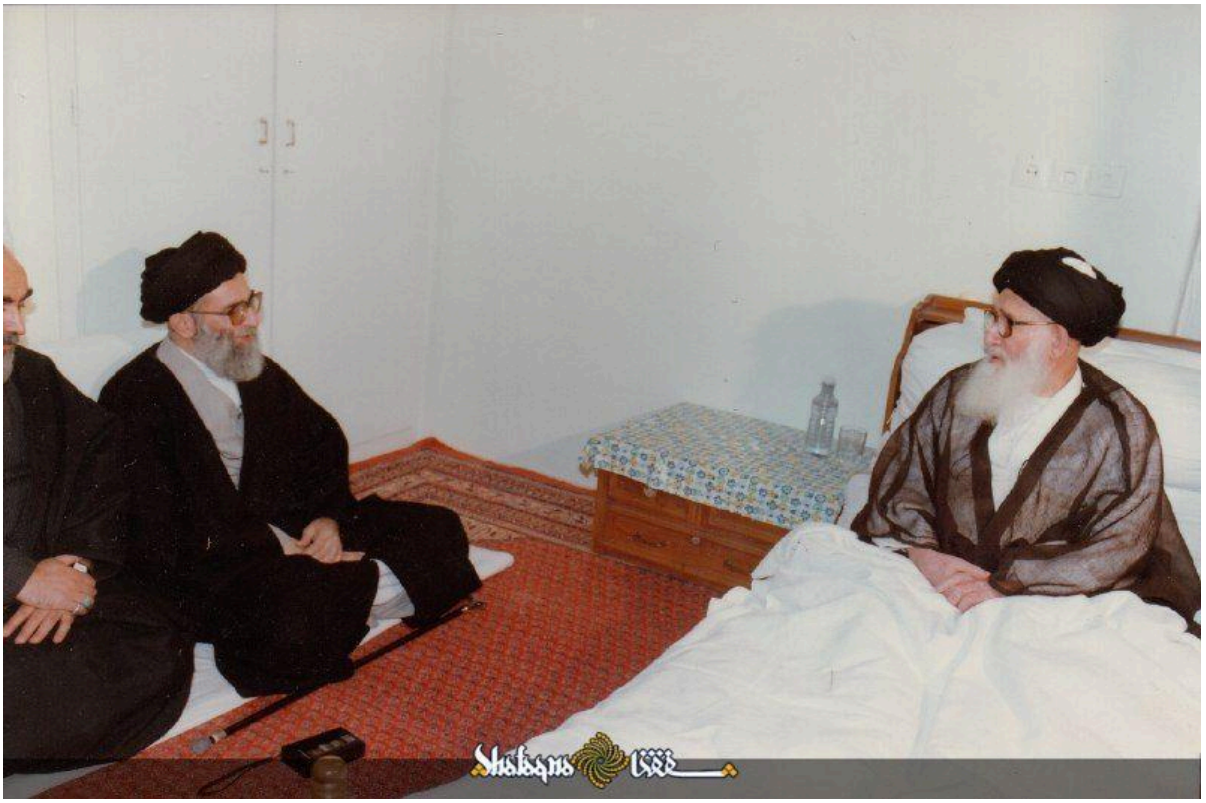
نکته اي که صحبتش نمي شود: بعد از اعلام خبرکان بخاطر مشروعيت و واقعيت بيدا کردن ولايت در رهبري جديد بنا شد از آيت الله کلبايکاني بخواهند که ايشان اجازه ولايت و تصرف در امور به رهبري جديد بدهند، که بعد از امتناعها و صحبتهاي و کذاردن شروطي اين ولايت و اجازه تصرف از طرف آيت الله کلبايکاني به رهبري جديد داده شد، و براى همين جهت رهبري جديد به ديدار آيت

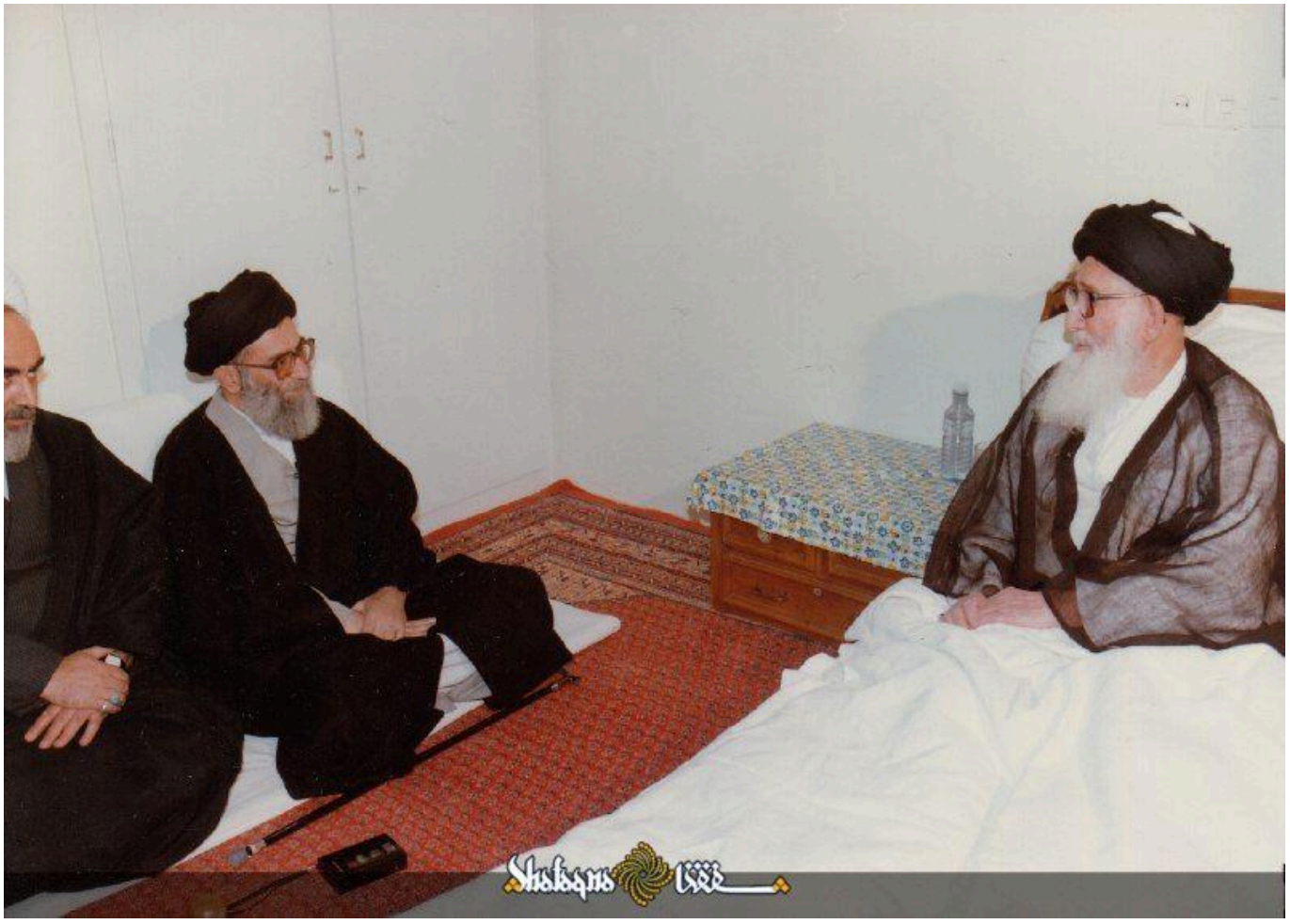
الله كلبايكاني رفت

دیدار آیت الله خامنه ای و آیت الله العظمی گلپایگانی پس از تعیین رهبری



دیدار آیت الله خامنه ای با آیت الله العظمی گلپایگانی در سال ۱۳۶۸ و پس از تعیین رهبری
شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه) – تصاویری کمتر دیده شده از دیدار حضرت آیت الله خامنه ی با حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی را می بینید.
به گزارش شفقنا، بر اساس اطلاع این دیدار پس از تعیین حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۸ و در بیت آیت الله العظمی گلپایگانی در قم مقدسه صورت گرفته است.





'رهبر گفت: امام در خواب اعتراض کرد که چرا اسم هاشمی را نبردی؟"

مطلب حاضر، به مرور مجموعه ای از گفتگوهای خصوصی اکبر هاشمی رفسنجانی و آیت الله علی خامنه ای در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی می پردازد.
اطلاعات مورد اشاره در این مطلب، از کتاب "روایتی از زندگی و زمانه آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی" نقل شده، آخرین کتابی که در زمان حیات او، در ارتباط با خاطرات سیاسی هاشمی رفسنجانی انتشار یافته است. بسیاری از این اطلاعات، پیشتر در منابع دیگر هم مورد اشاره قرار گرفته است.
لازم به تاکید است که گزارش حاضر، به شرح "مهم ترین" وقایع دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی نمی پردازد، بلکه بخش هایی از کتاب را بازخوانی می کند که به گفتگوها و اختلاف نظرهای هاشمی رفسنجانی و رهبر ایران اشاره دارد.

فضای بعد از درگذشت نخستین رهبر

هاشمی در پاسخ به سوالی در مورد میزان 'هماهنگی' میان او و رهبر در انتخابات ۱۳۷۶ می گوید: 'آیت الله خامنه ای و آقای ناطق که رئیس مجلس هم بود، برنامه ریزی کرده بودند بیایند. خود من به آقای ناطق رای دادم'

بعد از مرگ آیت الله خمینی، زمانی که اکبر هاشمی رفسنجانی در حال اداره جلسه مجلس خبرگان برای انتخاب جانشین است، دو نفر از نمایندگان "به ناگاه فریاد می زنند اگر امام درباره صلاحیت آقای خامنه ای برای رهبری سخنی گفته اند بگویید تا ما هم بدانیم".
هاشمی رفسنجانی در پاسخ می گوید: "در جلسه ای که با حضور روسای سه قوه و برخی از آقایان خدمت امام رسیده و نگرانی خود را از خلاء رهبری بعد از عزل آقای منتظری توسط ایشان ابراز کردیم، امام فرمودند خلاء رهبری پیش نمی آید، شما آدم دارید. گفتیم چه کسی؟ ایشان در حضور آقای خامنه ای فرمودند همین آقای خامنه ای."
هاشمی می افزاید: **"خبر آماده باش نیروهای عراقی** در مقابل منطقه عین خوش که در اثنای جلسه توسط دکتر روحانی رسید و من به جلسه اطلاع دادم، **تأثیر زیادی در آمادگی اعضای خبرگان برای ختم کار داشت. رأی گیری انجام شد و آقای خامنه ای با ۶۰ رأی از ۷۴ عضو حاضر حائز بیشترین آرا شدند."** [با توجه به اینکه جلسه خبرگان حدود ۱۰ ماه بعد از آتش بس ایران و عراق برگزار شده، واضح نیست منظور از "آماده باش نیروهای عراقی در منطقه عین خوش" چه بوده است].
نشر این خبر و وحشت خبرکان از درکرفتن جنك بعد فوت امام و مشخص نبودن رهبر جدید
پس از انتخاب آقای خامنه ای به رهبری، به اولین جایی که می رود دفتر هاشمی رفسنجانی در مجلس است. هاشمی می گوید: "برای شیوه انجام وظایف رهبری با هم صحبت کردیم. قرار شد احکام انتخابات یا انتصابات امام را ایشان تأیید کنند و قرار شد به صدا و سیما بگویم بهای لازم را به موضوع بدهد. تصمیمات مهمی با هم گرفتیم."
در نوروز بعد از انتخاب آیت الله خامنه ای به رهبری، وی می گوید که خوابی عجیب دیده است. هاشمی نقل می کند: "[آقای خامنه ای] شب عید نوروز و بعد از شنیدن پیام های نوروزی از تلویزیون خواب رفته و امام را در خواب دیده اند که معترضانه و دوستانه به ایشان گفته اند چرا در پیام نوروزی اسم رئیس جمهور را نبرده اند و ایشان جواب داده اند فردا در صحبت عید جبران می کنند."

اختلاف نظرهای اولیه

یکی از نخستین اختلاف نظرهای رهبر و هاشمی رفسنجانی، بر سر سپاه پاسداران است. حکم ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ آیت الله خمینی به اکبر هاشمی رفسنجانی برای انتصاب او به جانشینی فرمانده کل قوا، بر اصلاح ساختار نیروهای مسلح تاکید داشته و هاشمی می گوید با آقای خمینی در مورد ضرورت ادغام ارتش و سپاه صحبت کرده بود. اکبر هاشمی رفسنجانی سپس، عبدالله نوری نماینده آیت الله خمینی در سپاه را مامور تشکیل جلساتی برای بررسی ادغام می کند. اما پس از آغاز رهبری آقای خامنه ای، یکی از اولین دستورهای او توقف پیگیری ادغام ارتش و سپاه است

با وجود روابط بسیار نزدیک اکبر هاشمی رفسنجانی و آیت الله خامنه ای در آغاز دوران مسئولیت رهبر جدید، از همان ابتدا به نظر می رسد که او در مورد بعضی از موضوعات با هاشمی تفاوت دیدگاه دارد.
یکی از نخستین موضوعات اختلاف، به شیوه رفتار با آیت الله منتظری مربوط می شود. وی با وجود برکنار شدن از سمت جانشینی آیت الله خمینی، به لحاظ حوزوی مهم ترین مرجع تقلید ایران است و مسئولان حکومتی نگرانند که جانشینی آقای خامنه ای را تایید نکند.

حقه مشترك براى كرفتن تاييد آيت الله منتظري جهت رهبري خامنه اي

هاشمی رفسنجانی در گفتگو با کسانی که در تلاش برای میانجی گیری میان حکومت و آیت الله منتظری هستند پیشنهادی را مطرح می کند: **"ایشان رهبری آیت الله خامنه ای را تأیید کنند و ما هم متقابلا کمک کنیم که رفته رفته وضع ایشان عادی شود و مرجعیت آینده ایشان آسیب نبیند." او حدود یک هفته بعد از انتخاب رهبر، خبر از رسیدن نامه ای از طرف آیت الله منتظری می دهد که "رهبری ایشان را تأیید کرده، به امید اینکه آقای خامنه ای جواب بدهند و در رسانه ها پخش شود". هاشمی سپس تلفنی با رهبر حرف می زند و درمورد جواب آقای خامنه ای به نامه آیت الله منتظری توافق می کنند.**
اما بعد از آنکه رادیو و تلویزیون نامه آیت الله منتظری را به رهبر می خوانند، بر خلاف توافق قبلی جواب آیت الله خامنه ای از

صدا و سیما منتشر نمی شود. هاشمی می گوید: "از آقای خامنه ای علت را پرسیدم که گفت تلفن های زیادی مبنی بر گله و شکایت به دفتر شده. استخاره کرده و تصمیم به عدم نشر در تلویزیون گرفته اند."
موضوع یکی دیگر از اختلاف نظرهای اولیه دو مقام حکومتی، سرنوشت سپاه پاسداران است. حکم ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ آیت الله خمینی به اکبر هاشمی رفسنجانی برای انتصاب او به جانشینی فرمانده کل قوا، بر اصلاح ساختار نیروهای مسلح تاکید داشته و هاشمی می گوید با آقای خمینی در مورد ضرورت ادغام ارتش و سپاه صحبت کرده بود.
اکبر هاشمی رفسنجانی سپس، عبدالله نوری، نماینده آیت الله خمینی در سپاه را مامور تشکیل جلساتی برای بررسی ادغام می کند. اما پس از آغاز رهبری آقای خامنه ای، یکی از اولین دستورهای او توقف پیگیری ادغام ارتش و سپاه است. چند ماه بعد رهبر جدید در دانشگاه امام حسین سپاه تاکید می کند که بحث ادغام ارتش و سپاه "از اول هم درست نبوده".
هاشمی می گوید تلاشش برای پیگیری ادغام، نتیجه تجربیات دوران جنگ بوده: "با دو ارتش و دو نیروی مسلح که رقیب همدیگر هستند، چگونه می توان جنگید؟" مولف کتاب "روایتی از زندگی و زمانه آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی" به هاشمی می گوید "اگر ادغام انجام نمی شد اکنون نیروی بانفوذی مانند سپاه قدس در منطقه نداشتیم" و او جواب می دهد نقش سپاه قدس "وزارت خارجه را از اعمال مسئولیت خودش در حساس ترین نقاطی که به ما مربوط می شود محروم کرده است". هاشمی می افزاید: "در عراق، سوریه، لبنان، افغانستان، یمن و هر جایی که این گونه می شود ما حقیقتاً مشکل داریم. کسی نمی تواند در این کشورها سفیری را بدون موافقت سپاه قدس بگذارد."

مذاکره با آمریکا

به روایت علی هاشمی برادرزاده اکبر هاشمی رفسنجانی که در جریان مذاکرات ایران و آمریکا در زمان جنگ نقش داشت، جورج بوش (پدر) در زمان مسئولیت خود، یک روز با دفتر ریاست جمهوری ایران تماس می گیرد تا با هاشمی رفسنجانی شخصا صحبت کند، اما مدتی پشت خط می ماند و موفق نمی شود

جرج بوش (پدر) که ۷ ماه قبل از آغاز رسمی ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی به کاخ سفید رفته بود، در اولین سخنرانی خود از ایران می خواهد به آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان کمک کند و می افزاید: "حسن نیت باعث حسن نیت خواهد شد".
با روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی، میانجی گری هایی بین المللی در همین ارتباط به جریان می افتد. سپس، بر مبنای تصمیمی که در سطوح عالی حکومت ایران گرفته می شود و با پیگیری سپاه پاسداران، گروگان های آمریکایی آزاد می شوند. اما مشکلات جدیدی بین ایران و آمریکا پیش می آید و دولت بوش برخلاف انتظار تهران، اقدام متقابلی انجام نمی دهد.
در اردیبهشت ۱۳۶۹ که هنوز اقدامات پشت پرده ایران برای آزادی گروگان ها در جریان است، عطاء الله مهاجرانی معاون پارلمانی رئیس جمهور در مقاله ای خواستار "مذاکره مستقیم" با آمریکا می شود که آیت الله خامنه ای در واکنشی تند، هرگونه مذاکره را مردود می داند.
چند روز بعد از این واکنش، هاشمی خبر از گفتگویی خصوصی با رهبر می دهد که حکایت از اختلاف دیدگاه دو طرف بر سر گفتگو با واشنگتن دارد: "درباره صحبت‌های روز چهارشنبه ایشان، به خاطر حمله تند علیه یک نویسنده معمولی صحبت شد و نیز موضع گیری صریحی که ممکن است در آینده لازم شود از آن عدول کنند. چون نفس مذاکره اشکالی ندارد. گرچه در حال حاضر مناسب نیست."
علی هاشمی برادرزاده رئیس جمهور که در جریان مذاکرات ایران و آمریکا در زمان جنگ نقش داشته نیز، در مورد همین مقطع خاطره عجیبی را نقل می کند. به گفته او، جورج بوش (پدر) در زمان مسئولیت خود، یک روز با دفتر ریاست جمهوری ایران تماس می گیرد تا با هاشمی رفسنجانی شخصا صحبت کند، اما مدتی پشت خط می ماند و موفق نمی شود.
در عین حال، از روایت های هاشمی بر می آید که آیت الله خامنه ای با وجود مخالفت با مذاکره مستقیم با آمریکا، از اساس با هر گونه ارتباط مخالف نبوده است.
هاشمی رفسنجانی می گوید: "یکی از مصوبات شورای عالی امنیت ملی این بود که با آمریکا کار اقتصادی انجام دهیم و به تصویب رهبری هم رسید. حتی برای آن آیین نامه نوشتیم و بنا شد زیر نظر رئیس جمهور باشد. در مسائل اقتصادی، دست خودمان را نبستیم و مصلحت خودمان را می دانستیم و این کار بعد سیاسی هم داشت. می‌خواستیم ارتباط کلا قطع نباشد و مجرایی برای برقراری روابط و استفاده باقی بماند."

هاشمی می گوید از نظر حکومتی رهبر در مخالفت با مذاکره با آمریکا تبعیت کرده اما به او گفته: 'بالاخره در روز قیامت از من و شما می پرسند چرا این همه ضرر و مشکلات برای نظام و مسلمانان ایجاد شد. اگر اینها را بر عهده می گیرید، من دیگر حرفی ندارم'. آقای خامنه ای جواب می دهد: 'بله، جواب با من باشد'

اکبر هاشمی رفسنجانی در جای دیگر روایت می کند که حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، زمانی هزینه ها و منافع مذاکره با آمریکا را در دو ستون فهرست کرده که مبنای گفتگویی با رهبر شده است: "من بر آن اساس و نظر و ضمن اینکه خودم هم نظراتی داشتم و اضافه کردم، رفتم و با آقا صحبت کردم. خیلی بحث کردیم، یکی دو ساعت بحث کردیم و به نتیجه نرسیدیم."
هاشمی می افزاید از نظر حکومتی رهبر در مخالفت با مذاکره تبعیت کرده اما به او گفته: "بالاخره در روز قیامت از من و شما می پرسند چرا این همه ضرر و مشکلات برای نظام و مسلمانان ایجاد شد. اگر اینها را بر عهده می‌گیرید، من دیگر حرفی

ندارم". آقای خامنه ای جواب می دهد: "بله، جواب با من باشد."

اختلاف نظرهای اقتصادی و فرهنگی

از همان ابتدای روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی، نشانه هایی از حساسیت آیت الله خامنه ای در مورد "تجمل گرایی" مشاهده می شود.

هاشمی می گوید که در اواخر سال ۱۳۷۰، حتی امتیازات محافظان رئیس جمهور موضوع گفتگویی میان او و رهبر می شود: "پاسداران به ایشان شکایت کرده اند که محافظان من امتیازات زیادی مثل منزل، راحتی بیشتر، حق ماموریت بیشتر، وام و خرید سفر کیش و نظایر آن می گیرند. توضیح دادم اغراق شده است."

در یک نوبت دیگر، رهبر جمهوری اسلامی به شدت انتقاد می کند که حسین محلوجی وزیر معادن و فلزات "انواع و اقسام سنگ های گران قیمتی را که ما در کشور داریم، آورده و در وزارتخانه اش کار کرده است". رهبر می گوید: "من در اینجا او را خواستم و به او گفتم شما چرا این کار را کردی؟ گفت وقتی مسافران خارجی به وزارتخانه می آیند، این سنگ ها جلو چشم شان قرار گیرد و مشتری پیدا شود! شما را به خدا این منطق قابل قبول است؟"

هاشمی رفسنجانی البته معتقد است وزارتخانه هایی چون معادن و فلزات که دولت به دنبال اجرای "خصوصی سازی" گسترده در آنها بوده به طور ویژه در معرض حساسیت قرار داشته اند. در حدی که مسئولانی چون وزیر معادن و فلزات در جلسات هیات دولت از دستگیری مدیران و معاونین خود در خیابان وکارخانه ها شکایت می کنند و اینکه نمی توان با این شرایط کار کرد.

طیفی دیگر از حساسیت های رهبر، مرتبط با سیاست "تعدیل اقتصادی" و آزادسازی قیمت هاست که نهایتا به عقب نشینی دولت از این سیاست ها منجر می شود. محمدعلی نجفی رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه می گوید: "در دفتر رهبری گروهی بودند که نسبت به این برنامه ها انتقاد داشتند. تا جایی که خود مقام معظم رهبری هم از یک موضع انتقادی نسبت به برنامه اول و سیاست های اقتصادی دولت در سال ۷۳ برخورد کردند." وی جایی نقل می کند که حتی وقتی دولت در آستانه ارائه برنامه ۵ ساله دوم به مجلس بوده، تذکراتی مکتوب از آیت الله خامنه ای به رئیس جمهور می رسد که چون فرصت تغییر نبوده هاشمی بناچار عین نامه رهبر را همراه برنامه به مجلس می‌فرستد.

در اواخر سال ۱۳۷۰، حتی امتیازات محافظان رئیس جمهور وقت موضوع گفتگویی میان او و رهبر می شود: 'پاسداران به ایشان شکایت کرده اند که محافظان من امتیازات زیادی مثل منزل، راحتی بیشتر، حق ماموریت بیشتر، وام و خرید سفر کیش و نظایر آن می گیرند. توضیح دادم. اغراق شده است'

بخشی مهمتر از انتقادات رهبر به وزارتخانه ها، متوجه وزارت ارشاد محمد خاتمی است. به نوشته کتاب زندگی و زمانه هاشمی رفسنجانی، وضعیت مطبوعات ز دلایل اصلی نارضایتی رهبر محسوب می شود: "ورود روزنامه‌های دولتی و نوآورانه همشهری و سپس ایران... رهبری را حساس کرد. شاید هم حضور مطبوعاتی هایی مانند احمد ستاری و شمس الواعظین رهبری را حساس کرده بود."

آیت الله خامنه ای در همین ارتباط، به حسین شریعتمداری نماینده خود در روزنامه کیهان ماموریت می دهد سرمقاله های ۱۰ شماره از روزنامه همشهری را تحلیل محتوا کند. گزارش شریعتمداری که آماده می شود، رهبر در حاشیه آن می نویسد: "این تحلیل بسیار خوب، تیزبینانه و دقیقاً منطبق بر همان برداشتی است که من از مطالعه آن چند شماره داشتم."

در همین مقطع در اعتراض به عملکرد وزارت ارشاد، گروه انصار حزب الله به شدت فعال می شود که در رأس آن یک سرتیپ سپاه - حسین الله کرم - قرار دارد. هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سوالی در مورد ورود سپاهیان به عرصه رویارویی با دولت می گوید: "سپاه از این چیزها ابایی نداشت و اگر لازم بود، انجام می داد". او در پاسخ به این پرسش که "شما به این وضعیت اعتراضی نداشتید؟" به توضیحاتی مختصر بسنده می کند: "تا آن حد مزاحم نبودند. بعدها ریشه دار شدند."

وی همچنین، در مورد اقدامات وزارت اطلاعات علی فلاحیان در زمان دولتش هم، به اختصار سخن می گوید.

در جایی از خاطراتش، انکار نمی کند که به دنبال انتشار نامه ۹۰ نفر از اعضای اپوزیسون داخلی در انتقاد از دولت او، به وزارت اطلاعات دستور ورود به مساله را داده است: "به آقای فلاحیان گفتم مسائل نامه سرگشاده لیبرال ها را به صورت قانونی و بدون افراط بررسی کند."

این بررسی، منجر به دستگیری بسیاری از امضاکنندگان و از جمله عزت الله سحابی رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه از سوی وزارت اطلاعات می شود. هاشمی رفسنجانی می گوید برخورد وزارت اطلاعات به گونه ای بوده که حتی منجر به واکنش به واکنش آیت الله خامنه ای می شود: "مقام معظم رهبری گفتند اینهایی که این کارها را می کنند، خودشان زندان نبوده اند و نمی دانند زندان یعنی چه که افراد را مدت ها در زندان نگه می دارند." هاشمی می افزاید: "من به مسئولان گفتم سریعا به اتهامات رسیدگی شود که پس از رسیدگی اینها را آزاد کردند."

هاشمی رفسنجانی از 'موشک هایی' صحبت می کند که وزارت اطلاعات به اروپا فرستاده بوده تا با آنها به مجاهدین خلق حمله کند. روایت هاشمی از ماجرا چنین است: 'اینها موشک هایی را برای اینکه منافقین را بزنند، به اروپا فرستادند. از طریق یکی از افراد وزارت فهمیدم و پیگیری کردم. چون بدون اطلاع من عمل کردند، آنها را تنبیه کردم'

او در بخش دیگری از خاطرات خود، از "موشک هایی" صحبت می کند که وزارت اطلاعات به اروپا فرستاده بوده تا با آنها به گروه مجاهدین خلق حمله کند. روایت هاشمی از ماجرا چنین است: "اینها موشک هایی را برای اینکه منافقین را بزنند، به اروپا فرستادند. از طریق یکی از افراد وزارت فهمیدم و پیگیری کردم. چون بدون اطلاع من عمل کردند، آنها را تنبیه کردم." وی می

افزاید: "فعالیت های برون مرزی وزارت اطلاعات باعث می شد برخی از کشورها با سوء استفاده از برخی موارد پرونده هایی را که هیچ ربطی به ایران ندارد به ایران ربط دهند. یکی از آنها انفجار مقر آمریکایی ها در الخبر عربستان بود."
در کتاب زندگی و زمانه هاشمی رفسنجانی توضیحات چندانی در مورد اقدامات وزارت اطلاعات علی فلاحیان علیه منتقدان حکومت در داخل و خارج از کشور نیامده است.

انتخابات مجلس

در جریان نخستین انتخابات مجلس در دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، آیت الله خامنه ای از او در مقابل منتقدانش در جناح چپ حکومت حمایت می کند. در این مقطع رهبر، مخالفان دولت را "فتنه گر" لقب می دهد و آنها را کسانی می داند که "شایسته آمدن به مجلس نیستند". در عمل نیز، شورای نگهبان تعداد بی سابقه ای از کاندیداهای جناح چپ را در انتخابات ۱۳۷۱ رد صلاحیت می کند.
انتخابات پارلمانی ۱۳۷۵ اما در شرایطی برگزار می شود که میان دولت هاشمی با جامعه روحانیت مبارز و گروه های همسو اختلافاتی ایجاد شده است. در این شرایط، هاشمی رفسنجانی با جامعه روحانیت مبارز رایزنی می کند تا در لیست ۳۰ نفره خود برای تهران، ۱۵ نفر از کاندیداهای منتسب به دولت را قرار بدهند اما آنها زیر بار نمی روند. نهایتا رفسنجانی به قرار گرفتن ۵ نفر از این کاندیداها در لیست اصلی جناح راست رضایت می دهد که ابتدا مورد قبول قرار می گیرد ولی بعد با آن هم مخالفت می شود.
هاشمی رفسنجانی می گوید که با به بن بست رسیدن مذاکرات خواستار کسب تکلیف از آیت الله خامنه ای شده و سپس علی اکبر ناطق نوری، به نمایندگی از جامعه روحانیت مبارز با رهبر صحبت کرده است.
به روایت هاشمی، رهبر جمهوری اسلامی به ناطق نوری می گوید بهتر است دولتی ها لیست جداگانه بدهند: "[رهبری] می گفتند آنها رای نمی آورند. بالاخره اینها در دولت هستند ومردم اینها را مسئول می دانند و نارضایتی هایی که هست تا حدودی به پای اینهاست. یعنی اینها در دولت و قدرت هستند و وقتی می خواهند رای بگیرند، مردم به اینها رای نمی دهند."البته رهبر دو دلیل دیگر را هم ذکر می کند که یکی از آنها داغ تر شدن رقابت انتخاباتی و دیگری مجبور نشدن هواداران گروه ها به رای دادن به کسانی است که قبولشان ندارند.
ایجاد چنین وضعیتی باعث می شود تا متحدان رئیس جمهور، که برخی از آنها عضو دولت هستند، تحت عنوان "کارگزاران سازندگی" بیانه بدهند و مستقل از بقیه جناح راست وارد انتخابات شوند، هرچند مدتی بعد تردیدهایی در ادامه کارشان ایجاد می شود.
رهبر جمهوری اسلامی به ناطق نوری می گوید بهتر است همکاران دولتی هاشمی در انتخابات مجلس پنجم لیست جداگانه بدهند: '[رهبری] می‌گفتند آنها رای نمی آورند. بالاخره اینها در دولت هستند ومردم اینها را مسئول می دانند و نارضایتی هایی که هست تا حدودی به پای اینهاست. یعنی اینها در دولت و قدرت هستند و وقتی می خواهند رای بگیرند، مردم به اینها رای نمی‌دهند'
هاشمی رفسنجانی حکایت می کند: "به رهبری تلفن کردم وگفتم اینها [کارگزاران] می گویند احساس می کنیم شما راضی نیستید. اجازه بدهید ما از رقابت بیرون برویم. ایشان گفتند بر اینها واجب است که بیایند." هاشمی می افزاید: "به آقای کرباسچی هم جداگانه از دفتر ایشان [رهبری] تلفن شده بود که شما باید در جمع اینها باشید."
در آستانه انتخابات، فرمانده وقت سپاه محسن رضایی در جمع سپاهیان سخنرانی می کند و حرف هایی می زند که به اعلام موضع در مورد کارگزاران تعبیر می شود: "امروز روزی است که لشگر حضرت رسول باید اولین عملیات سیاسی پر افتخار خود راانجام دهد. لشگر حضرت رسول باید به میدان بیاید و به حزب الله رای بدهد."
در این انتخابات، اگرچه محافظه کاران منتقد دولت هاشمی اکثر کرسی های مجلس را به دست می آورند، اما کارگزاران سازندگی و گروه های جناح چپ حکومت، موفق می شوند یک فراکسیون بزرگ حدودا ۱۰۰ نفره را در مجلس تشکیل بدهند.

انتخابات ریاست جمهوری

در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۲، بسیاری از محافظه کاران منتقد دولت از احمد توکلی حمایت می کنند. علی لاریجانی وزیر ارشاد وقت می گوید پیش از انتخابات به هاشمی رفسنجانی گفته احمد توکلی باعث کاهش آرای او خواهد شد و هاشمی با خنده پاسخ داده توکلی "دویست، سیصد هزار رای بیشتر ندارد".
در زمان تبلیغات انتخاباتی، احمد توکلی در نطق انتخاباتی تنظیم شده برای پخش در تلویزیون، انتقادات شدیدی را علیه دولت مطرح می کند و هیات نظارت بر تبلیغات کاندیداها، خواستار "اصلاح" بخش هایی از نطق می شود.
توکلی اما می گوید از دفتر رهبری به او خبر می دهند "نظر آقا این است که اگر می دانی حرف هایی که زده ای حق است کوتاه نیا". اکبر هاشمی رفسنجانی هم به صدا وسیما می گوید صحبت های توکلی را پخش کنند. احمد توکلی در نهایت به طور غیرمنتظره، ۴ میلیون رای به دست می آورد.
در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ششم، احمد توکلی در نطق انتخاباتی تنظیم شده برای پخش در تلویزیون انتقادات شدیدی را علیه دولت مطرح می کند و هیات نظارت بر تبلیغات کاندیداها، خواستار 'اصلاح' بخش هایی از نطق می شود. توکلی می‌گوید از دفتر رهبری به او خبر داده اند 'نظر آقا این است که اگر می‌دانی حرف هایی که زده ای حق است کوتاه نیا'
در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، یک بار دیگر گفتگویی خصوصی میان رهبر و هاشمی رفسنجانی صورت می گیرد که بعدا رسانه ای می شود. این بار، گفتگو پس از آن است که در آستانه انتخابات، هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه تهران در مورد احتمال بروز تقلب هشدار می دهد.
آیت الله خامنه ای می گوید که بعد از خطبه های هاشمی رفسنجانی، از او در مورد دلیل هشدارش پرس و جو کرده: "گفتم شاید ایشان خبری دارند اما ایشان گفتند که نه. من درهمه انتخابات ها به مسئولان و دست اندرکاران سفارش می کنم که تخلف نکنند."
هاشمی در گفتگو با نویسنده کتاب زندگی و زمانه هاشمی رفسنجانی، در پاسخ به سوالی در مورد میزان "هماهنگی" میان او و رهبر در انتخابات ۱۳۷۶ می گوید: "آیت الله خامنه ای و آقای ناطق که رئیس مجلس هم بود، برنامه ریزی کرده بودند بیایند. خود من به آقای ناطق رای دادم. این طرفی ها، هم دولت را اذیت می کردند و هم با رهبری یک مقدار زاویه داشتند."
در پاسخ ذکر شده در این روایت کتاب، منظور از "برنامه ریزی" برای آمدن ناطق نوری چندان واضح نیست، اما دربرگیرنده خبری است که می تواند برای بسیاری از مخاطبان تازگی داشته باشد: اینکه با وجود حمایت کارگزاران سازندگی از خاتمی در انتخابات ۱۳۷۶، شخص اکبر هاشمی رفسنجانی به علی اکبر ناطق نوری رای داده است.

ماجرای زنی که باعث محاصره و تحریم قطر شد!

۲۱-۱۰-۱۳۹۶ | ساعت ۱۲:۴۷



شفقنا- شیخ«محمد بن عبدالرحمن آل ثانی» معاون رییس شورای وزیران و وزیر خارجه قطر ابعاد جدیدی از محاصره قطر توسط عربستان و متحدانش را فاش کرد. شیخ محمد در گفت و گو با تلویزیون رسمی قطر در برنامه «الحقیقه» گفت که امارات متحده عربی به دلیل تحویل ندادن همسر یک مخالف اماراتی که در دوحه به سر می برد در محاصره قطر مشارکت کرد.

به گزارش شفقنا به نقل از جماران، وی افزود امارات دو ماه پیش از بحران خلیج فارس معامله ای را به دوحه پیشنهاد داد که برای حمله رسانه ای به قطر ، قطری ها باید یک زن را به ابوظبی تحویل دهند.

آل ثانی گفت که پیش از بحران خلیج فارس برخی اختلاف های حاشیه ای وجود داشت که در چارچوب دوجانبه می توانست حل شود لیکن دو ماه پیش از بحران خلیج فارس حملات رسانه ای توسط امارات علیه قطر رصد شد و دوحه خواستار حل مشکلات به شکل دوجانبه شد ولی ابوظبی خواستار تحویل همسر یک مخالف اماراتی شد که در دوحه مقیم است.

وی تصریح کرد که شیخ«محمد بن زاید» ولیعهد ابوظبی در سال ۲۰۱۵ دو فرستاده به شیخ«تمیم بن حمد آل ثانی» امیر قطر برای تحویل این زن فرستاد.

این مسئول قطری در ادامه افزود که امیر قطر تحویل این زن به امارات را رد کرد زیرا در زمینه ارتکاب جرمی جنایی تحت پیگرد نبود به همین دلیل تحویل اش بر خلاف قوانین بین المللی و قانون اساسی قطر است زیرا بر اساس ماده ۵۸ قانون اساسی قطر تحویل هر گونه پناهنده به دلایل سیاسی ممنوع است.

شیخ محمد همچنین گفت:« اخلاق ما به عنوان عرب و سنت های ما اجازه تحویل زن را نمی دهد».

وزیر خارجه قطر در ادامه گفت که امیر قطر بر ضرورت اجازه ندادن به هر کسی که دوحه را به عنوان سکوی حمله به امارات یا هر گونه کشور دیگر در حاشیه خلیج فارس قرار می دهد تأکید کرد.
شیخ محمد آل ثانی در این گفت و گو تصریح کرد:«زمانی که قطر توقف حملات رسانه ای را مطرح کرد امارات موضوع همسر مخالف اماراتی را بار دیگر پیش کشید و مشخص کرد که در مقابل تحویل این زن، حملات رسانه ای به قطر متوقف می شود.»
وی افزود:« شیخ تمیم نیز بار دیگر بر موضع اش در تحویل ندادن زن تأکید کرد زیرا بر خلاف شروط اقامت در قطر عمل نکرده است که شیخ زاید پاسخ داد که هماهنگی میان دو کشور به طور کامل متوقف می شود».
وزیر خارجه قطر در ادامه گفت که مسئولان قطری با مسئولان عربستانی دیدار کردند تا این مساله را به اطلاع آنها برسانند به طوری که امیر قطر با ولیعهد عربستان در آن زمان یعنی شاهزاده«محمد ین نایف»و جانشین ولیعهد عربستان در آن زمان یعنی شاهزاده«محمد بن سلمان» در ماه می گذشته دیدار کرد.
بن عبدالرحمن عنوان کرد که «بن نایف به ما تأکید کرد که عربستان بخشی از اختلاف نخواهد بود و اگر این زن در عربستان بود سعودی ها او را تحویل نمی دادند.بن سلمان نیز در ادامه به امیر قطر گفت که خداوند رو سفیدت کند ، کشور قطر همیشه در کنار ما و جلوی ما قرار دارد و هیچ اختلافی با این کشور نداریم و ما نیز به نوبه خود برای حل مشکل تلاش می کنیم و نقش میانجی گر را بازی می کنیم».
این وزیر اماراتی فاش کرد که تحقیقات در زمینه هک کردن خبرگزاری قطر ثابت کرده است که دو کشور در این جرم دست دارند؛ کشورهایی که وی حاضر نشد نام آنها را ببرد و اعلام کرد که تدابیر حقوقی علیه آنها اتخاذ می شود.
روزنامه آمریکایی واشنگتن پست نیز پیش از این فاش کرد که امارات متحده عربی در عملیات هک کردن دست دارد، امری که ابوظبی به شکل رسمی آن را تکذیب کرد.
در ۵ژوئن سال گذشته عربستان، امارات،بحرین و مصر روابط خود با قطر را پس از متهم کردنش به« حمایت از تروریسم»قطع کردند؛ امری که قطر آن را تکذیب کرد و اعلام کرد که با حمله«افتراها و دروغ پردازی ها مواجه است».
وزیر خارجه قطر در ادامه قطع امید کشورش در عبور از بحران را بیان کرد و گفت:«ما همچنان بر این باوریم که عقلانیت حاکم شود تا از بحرانی که در روابط بین المللی نظیر آن را ندیده ایم، عبور کنیم.امیدواریم که از بحران عبور شود لیکن کشورهای تحریم کننده قطر باید به قوانین پایبند باشند و به حاکمیت کشورها احترام بگذارند.»

پاسخ مردم نروژ به ترامپ: متشکریم، دوست نداریم به آمریکا بیاییم!



شفقنا- مردم نروژ پاسخ محکمی به رییس‌جمهور آمریکا داده‌اند.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از رویترز، ترامپ در جمع نمایندگان آمریکایی مدعی شده بود مهاجرانی که پا به آمریکا می‌گذراند از کشورهایی کثیف وارد می‌شوند؛ در عوض آمریکا باید میزبان مهاجرانی همچون مردم نروژ باشد. در پاسخ، مردم نروژ روز جمعه فضای مجازی این کشور را پر از انتقاد و محکومیت علیه ترامپ کرده و پاسخ وی را دادند؛ به طوریکه هشتگ« متشکریم، به آمریکا نمی‌آییم» به سرعت به یکی از «ترندهای» اصلی شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد.

الجزیره نیز در خبری اعلام کرده گروهی از کشورهای آفریقایی اظهارات نژادپرستانه ترامپ را محکوم کرده و از وی خواسته‌اند از مردم قاره سیاه عذرخواهی کند.

خبر اصلی را در رویترز ببینید

https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-immigration-norway/thanks-but-no-thanks-norwegians-reject-trumps-immigration-offer-idUSKBN1F11QK

کارمند ساده شرکت نفت ۱۰۰ میلیارد به جیب زد و به ترکیه فرار کرد

یک کارمند ساده در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت با سوءاستفاده از امکانات شغلی ۱۰۰ میلیارد تومان را طی ۹ سال به جیب زد و از کشور فرار کرد.
یک کارمند ساده در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت با سوءاستفاده از امکانات شغلی ۱۰۰ میلیارد تومان را طی ۹ سال به جیب زد و از کشور فرار کرد.
به گزارش فارس، هفته گذشته یکی از سایت‌های نفتی خبری را با عنوان کشف فساد مالی در وزارت نفت منتشر کرد و نوشت فرد اختلاس کننده گرین کارت کانادا داشت و از طریق ترکیه راهی این کشور شد.
پس از انتشار این خبر کسری نوری رئیس روابط عمومی وزارت نفت اظهار کرد: مسوولان امور مالی مدیریت اکتشاف به تازگی در بررسی اسناد مالی خود با تخلف انجام شده توسط یکی از کارمندان امور مالی این مجموعه مواجه شدند که بلافاصله موضوع را به مراجع اطلاعاتی و قضایی گزارش دادند.
به گفته نوری، وزیر نفت دستور داده است تا سازمان حسابرسی به عنوان بازرس قانونی شرکت نفت و همینطور حسابرسی داخلی این شرکت ضمن انجام تحقیقات دقیق برای روشن شدن ابعاد موضوع و تعیین میزان سوء استفاده اقدام کنند. همچنین وزیر نفت دستور برکناری و آماده به خدمت‌شدن تعدادی از مسوولان ذیربط را که در انجام مسوولیت‌هایشان بی‌دقتی و اهمال کرده‌اند هم صادر کرده است.
بررسی فارس حاکی است این فرد که ۳۰ سال در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت مشغول به کار بوده است با ورود به بخش مالی این شرکت فرعی زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران، توانست سواستفاده های مالی خود را از سال ۸۷ آغاز و تا همین اواخر رقمی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان را به جیب بزند.
همچنین فعالیت این فرد تا همین اواخر نیز ادامه داشته اما به محض مطلع شدن از بررسی سوء استفاده مالی توسط یک نهاد نظارتی از کشور فرار کرده و به ترکیه گریخته است.
وی که مدارک اقامت در کشور کانادا را داشته است قصد داشت در آخر هفته ترکیه را به مقصد کانادا ترک کند که تا لحظه انتشار خبر مشخص نیست که این کار را انجام داده و یا اینکه نهادهای امنیتی کشور موفق شده اند وی را دستگیر کرده و به کشور بازگردانند.
با این وجود جای بررسی این نکته هم وجود دارد که چه نقاط ضعف مهمی در سیستم مالی و نظارتی این شرکت وجود داشته است که یک کارمند ساده در طول این مدت طولانی و در دوره مدیریت چند مدیر بدون جلب نظر توانسته است چنین رقم قابل توجهی را اختلاس کند.

روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارانوت:

پیروز بزرگ سال ۲۰۱۷ «ایران» بود/ ایرانی‌ها به یک قدمی اسرائیل رسیدند

دنیا پوتین را به عنوان بزرگ‌ترین فرد پیروز سال ۲۰۱۷ می‌شناسد، اما از نظر اسرائیلی‌ها با تثبیت موجودیت نظامی ایران در مرزهای اسرائیل، پیروز بزرگ این سال جمهوری اسلامی است.

سرویس جهان مشرق - روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارانوت در گزارشی به قلم ناحوم برنیاع تحلیلگر مسائل راهبردی رژیم صهیونیستی به بررسی حوادث و تحولات سال ۲۰۱۷ پرداخت و ابعاد منفی این تحولات برای رژیم صهیونیستی را بررسی کرد.

وی در این گزارش تاکید می کند که عاموس یادلین سرتیپ نیروهای ذخیره و رئیس آکادمی مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در ارائه ارزیابی راهبردی در سال ۲۰۱۸ احتمال بروز جنگ طی سالهای گذشته بسیار کم و نزدیک به صفر دانسته بود، اما وی در سال جاری می گوید که اوضاع در سال جاری تغییر می کند. در حالی که ایران خود را در تقابل با اسرائیل در بلندی‌های جولان به این منطقه نزدیک کرده و اسرائیل اعلام کرده که اجازه این روند را نخواهد داد، احتمال بروز جنگ افزایش پیدا کرده است.

این گزارش می‌افزاید که دنیا پوتین را به عنوان بزرگ‌ترین فرد پیروز سال ۲۰۱۷ می‌شناسد، اما از نظر اسرائیل پیروز بزرگ این سال ایران است. سال ۲۰۱۷ با تثبیت موجودیت نظامی ایران در مرزهای اسرائیل به پایان رسید و به همین علت نمی‌توان این سال را سال خوبی برای اسرائیل ارزیابی کرد.



یدیعوت آحارونوت تاکید می‌کند که ۲۰۱۷ سال نامطلوبی را در مسائل مختلف داخلی و منطقه ای و بین المللی برای رژیم صهیونیستی به جای گذاشت. در روز ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا مراسم تحلیف خود را به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا برگزار کرد، فرضیه ای که وجود داشت، این بود که وی نیز کاملا مانند روسای جمهوری سابق آمریکا کار خواهد کرد، اما عملکرد ترامپ هنوز مشخص نکرده که آیا یک انسان نابغه است که بیش از دیگران می فهمد یا اینکه یک دیوانه به تمام معنا است. آمریکایی ها نظر قطعی در این رابطه ندارند و نظرات آن ها از شیفتگی به ترامپ تا دیوانه خواندن وی و نامیدن وی به عنوان یک خطرموجودیتی برای آمریکا در تناقض است.

دونالد ترامپ چهارمین رئیس‌جمهور متوالی آمریکا که در نظر بخش گسترده‌ای از مردم این کشور، رئیس جمهوری غیرقانونی به شمار می‌رود. مخالفت با وی از اختلاف نظر در رابطه با تفکرات و دیدگاه‌های سیاسی فراتر رفته است و مبتنی بر مبانی اخلاقی است. کلینتون از این دیدگاه فردی خائن و فاسد به شمار می رود. جورج بوش پسر نتایج انتخابات را مصادره کرد و باراک اوباما نیز رئیس جمهوری پنهانکار است. او با رنگ چهره ای متفاوت و کشوری نادرست و با دینی نادرست! به دنیا آمد. ابر غیر

قانونی بودن، کلینتون ، بوش و اوباما را آزار داد، اما ترامپ آتش این موضوع را بر افروخته است. او می گوید من غیر قانونی نیستم، او به نیمی از آمریکایی ها و حتی بیشتر آنها می گوید که این شما هستید که غیر قانونی هستید. ترامپ اولین پوپولیستی نیست که سیاست خود را بر اساس تحریک ضد بخش هایی از ساکنان این کشور بنا نهاده است، بلکه اولین کسی است که سیاست تحریک آمیز خود ضد اکثریت مردم جامعه را دنبال می‌کند.
ترامپ استراتژی خود را مبتنی بر اصل "اول آمریکا" قرار داد. این سیاست باعث انحلال توافقنامه های تجاری آمریکا با کانادا و مکزیک و دولت های جنوب شرق آسیا و حمله کاخ سفید به چین و تهدیدات جنگی علیه کره شمالی و تضعیف ناتو و تحویل دادن خاورمیانه و اوکراین به پوتین شد. عقب نشینی آمریکا از موقعیت خود در عرصه جهانی در دوران اوباما آغاز شده بود، ترامپ پیش از این مخالفت خود را با این سیاست اعلام کرد، اما در نهایت خود نیز همین سیاست را در پیش گرفت. این سیاست باعث شکست آمریکا و پیروزی ایران در سوریه شد.



این گزارش صهیونیستی به همراهی گرم آمریکا با سیاست های رژیم صهیونیستی اشاره کرده و می افزاید که در منازعه اسرائیلی-فلسطینی به عنوان یکی از مهمترین دوستان دولت اسرائیل وارد عمل شد. اعلام ترامپ مبنی بر به رسمیت شناختن پایتختی قدس برای رژیم صهیونیستی باعث از بین رفتن روند سازش شده است. علاوه بر این که وی در دفاع از رژیم صهیونیستی در موسسات بین المللی گام های بزرگی برداشت.
یدیعوت آحارنوت می نویسد که محمد بن سلمان شاهزاده سعودی با رویکرد تندروی در اسلام وهابی و همراهی با سازمان های تروریستی اهل تسنن بویژه القاعده بزرگ شده است. او رویکردی انقلابی و افکاری رادیکال دارد.
به نوشته این گزارش دلارهای نفتی سعودی طی سالهای گذشته برای زیرساخت های دینی و اجتماعی اهل تسنن در گوشه و کنار دنیا هزینه می شود، ولی به گسترش سازمان های تروریستی از القاعده گرفته تا داعش کمک می کند. آمریکایی ها تسلط شاهزاده سعودی بر حاکمیت عربستان را مطلق می دانند و می گویند که هیچ کس نمی تواند از حاکمیت وی سخن بگوید.

عامل توزیع شبنامه علیه روحانی در مجلس کیست؟

گروه سیاسی: نزدیک به سه هفته از توزیع شبنامه توهین‌آمیز علیه رئیس‌جمهور در صحن علنی مجلس شورای اسلامی می‌گذرد اما بالاخره روشن شد همان نماینده‌ای که از شوق عزل فرجی‌دانا در روز استیضاح در جایگاه هیأت رئیسه مجلس حرکات نمایشی انجام می‌داد «واسطه» توزیع شبنامه توهین‌آمیز علیه رئیس‌جمهور بوده است.



به گزارش ایلنا، شبنامه‌ای که به تحصیلات رئیس‌جمهور و نحوه حقوق گرفتن او از مجلس در دوران نمایندگی‌اش شبهات اساسی وارد کرده بود و موجبات گلایه همگان را فراهم کرده بود هرچند از سوی «مهدی کوچک‌زاده» یکی از نمایندگان تندروی مجلس تهیه شده بود اما شیوه توزیع آن در صحن مجلس صدای بسیاری از نمایندگان را درآورد. توزیع شبنامه را بسیاری نوعی مقدمه‌چینی برای استیضاح وزیر علوم می‌دانستند و در همان روزها در هیاهوی اخبار استیضاح گم شد. هرچند که در هیأت رئیسه مجلس هم هر یک تقصیر را بر گردن دیگری می‌انداختند اما اظهارات روز گذشته سخنگوی هیأت رئیسه مجلس حاکی از صورت دادن یک برنامه‌ریزی بدون

پشتوانه دیگر از سوی جبهه پایداری در مجلس داشت که این بار مغفول مانده بود. اما روز گذشته معلوم شد که برای توزیع شبنامه هم برنامه‌ریزی صورت گرفته بوده است.
بهروز نعمتی سخنگوی هیأت رئیسه مجلس روز گذشته در همین مورد گفت: این موضوع در آخرین جلسه هیأت رئیسه مجلس مطرح شد و این‌گونه روشن شد که آقای ضرغام صادقی، عضو هیأت رئیسه مجلس به اعتماد آقای دهقان دیگر عضو هیأت رئیسه اجازه توزیع این شبنامه در صحن علنی مجلس را داده است. وی در همین مورد ادامه داد: آن گونه که مشخص شد ظاهرا آقای محمد دهقان، منشی هیأت رئیسه مجلس به آقای صادقی اطمینان داده است که مطالب این شبنامه از سامانه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری برداشته شده بوده و مشکلی برای توزیع آن وجود نداشته است.
وی با بیان اینکه آقای صادقی بر همین مبنا دستور توزیع شبنامه را داده است، تاکید کرد: البته شخص آقای صادقی اعلام کرده‌اند که از نوع اطلاع‌رسانی در این مورد ناراحت بوده‌اند. در نهایت اعضای هیأت رئیسه مجلس تصمیم گرفتند که در موارد اینچنینی برای توزیع هر برگه‌ای در صحن علنی مجلس با رئیس جلسه هماهنگی لازم صورت بگیرد تا موارد اینچنینی پیش نیاید.
برنامه‌ریزی‌های جبهه پایداری که با یارگیری‌های جدید تبدیل به «اقلیت تندرو» در مجلس شده‌اند اما به شدت هدفدار است. چند روز بعد از آنکه در صحن علنی مجلس به رئیس‌جمهور که به بیانی دومین شخص کشور است توهین بی‌سابقه می‌کنند در جایگاه هیأت رئیسه مجلس پیش از اعلام آرا، جشن و شادمانی می‌کنند و از به سرانجام رسیدن تلاش‌های بی‌سابقه‌شان خوشحالند.
با این همه سرنوشت توزیع یک شبنامه توهین‌آمیز علیه رئیس‌جمهور تنها به یک تصمیم رسید. تصمیم برای اینکه دیگر اجازه تکرار چنین موضوعاتی داده نشود. وزارت دادگستری اعلام کرده بود که دولت از توزیع این شبنامه گلایه دارد اما وظیفه بررسی این شبنامه توهین‌آمیز را برعهده مجلس می‌داند.
مجلس اما بسیار ساده پرونده این توهین به دومین شخصیت کشور را بست. این پرونده را اگرچه هیأت رئیسه مجلس بست اما بعید به نظر می‌رسد که اقلیت تندروی مجلس خیال بستن این پرونده را داشته باشند و از مزه مزه کردن موفقیت اخیرشان پشیمان شوند. گفتنی است محمد دهقان عضو هیأت رئیسه مجلس در تماسی که خبرنگار «اعتماد» با او داشت، اعلام کرد که به هیچ عنوان چنین خبری را تأیید نمی‌کند و در جریان آن قرار ندارد.

تلاش برای تحصیل بیاده رفتن ۴/۵ کیلومتر در سرماي منهاي 9 درجه کودک چینی با موهای یخزده که «جهانی» شد

۱۳۹۶-۱۰-۲۱ | ساعت ۱۳:۰۹



شفقنا- عکسی از کودک چینی که موهایش یخ زده، به سرعت به یکی از پربازدیدترین عکس‌های جهان تبدیل شده است.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از اسکای‌نیوز، «وانگ فو مان» کودک اهل استان «یو نان» در چین که هر روز مجبور است برای رسیدن به کلاس درس، ۴/۵ کیلومتر مسیر را پیاده کند، اکنون به نماد کودکان فراموش شده در چین بدل شده است.

عکسی از وانگ توسط معلمش گرفته شده که نشان می‌دهد در اثر پیاده‌روی در سرمای منفی ۹ درجه، موها و ابروهایش یخ بسته‌اند. مقامات مدرسه وانگ می‌گویند والدین او مجبور شده‌اند به خاطر بیکاری، روستا را ترک کرده و فرزندشان را تنها بگذارند.

وانگ در واکنش به اظهار محبت هزاران نفر در جهان در مورد خود گفته: راه رفتن در سرما سخت است اما او عادت کرده است. وانگ گفته دوست دارند یک روز پکن را ببیند.

هیچ بحرانی در تاریخ جمهوری اسلامی نیست که نام هاشمی در عبور از آن مطرح نباشد

پشت‌پرده مصائب نخستین سالگرد «آیت‌الله»/«هاشمی‌زدایی» به‌شدت شروع شده است

توقع و باور خانواده این بود که برای سالگرد مرحوم آیت‌الله هاشمی ستادی مرکب از نمایندگان دستگاهها و سازمانهایی چون مجلس خبرگان - مجمع تشخیص مصلحت - نهاد ریاست جمهوری- مجلس - سپاه و ستاد کل ارتش - دانشگاه آزاد - دبیرخانه ائمه جمعه و جماعات و سایر مراکزی که روزگاری افتخار میزبانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را داشته‌اند و هنوز از برکات وجودی رئیس یا فرمانده خود بهره‌مندند - تشکیل خواهد شد و در سالگرد این یاور راستین امام و رهبری ضمن قدرشناسی از خدمات ایشان - راه و روش اخلاق مدارانه او را برای آیندگان بازگو و تبیین خواهند نمود.

آفتاب‌نیوز :



محمد هاشمی برادر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی طی یادداشتی در روزنامه جمهوری اسلامی، گزارشی از مصائبِ آزاردهنده برگزاری مراسم سالگرد این یار راستین امام و رهبری را بیان کرده است.

به گزارش **آفتاب‌نیوز**، متن کامل این یادداشت در ادامه می آید:

این آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از شخصیت‌های محوری در دوران مبارزه علیه نظام ستم‌شاهی - عضو شورای انقلاب - سرپرست وزارت کشور - اولین رئیس مجلس شورای اسلامی پس از پیروزی انقلاب - نماینده امام و جانشین فرمانده کل قوا در دوران جنگ تحمیلی - چهارمین رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران - رئیس مجلس خبرگان رهبری - رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام - عضو هییت موسس حزب جمهوری اسلامی - موسس و رئیس هیئت امنا دانشگاه آزاد اسلامی سال گذشته در سالروز شهادت امیرکبیر دعوت حق را لبیک گفت.

مردم وفادار و قدر شناس کشور با حضور چندین میلیونی، خادم و خدمتگزار و تکیه گاه خویش را بدرقه نمودند و از لحظات اولیه عروج ملکوتی ایشان تا ماهها بعد صدها مجلس بزرگداشت و یادبود به طور خود جوش در اکثر نقاط کشور اعم از شهر و روستا برگزار گردید. محور مشترک اظهارات مردم و سخنرانان این بود که با رفتن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی- بنیانگذار تفکر اعتدالی و امید مردم در شرایط سخت و بحرانی از میان مردم رخت بست ولی در قلوب مردم جای گرفت.

در دیدارهایی که اعضای بیت معظم له با مراجع عظام و علمای اعلام به منظور سپاسگزاری از پیام‌های تسلیت و اظهار هم دردی داشتیم فصل مشترک توصیه‌های این بزرگان بر ثبت و انتشار تفکرات و آثار این عالم مجاهد و مبارز و خردگرا - برای روزگار امروز و آیندگان بود.

با عنایت به سنت حسنه‌ای که در جمهوری اسلامی ایران نهادینه شده است که دستگاه یا سازمانی که خدمتگزار یا خدمتگزارانی در زمان حیاتشان در آنجا انجام وظیفه نموده‌اند در سالگرد رحلت آنان ضمن اظهار همدردی با خانواده و بستگان- مراسم نکوداشتی را فراخور شخصیت مربوطه ترتیب می‌دهند و یاد و راه او را اجر می‌نهند.

توقع و باور خانواده این بود که برای سالگرد مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ستادی مرکب از نمایندگان دستگاهها و سازمانهایی چون مجلس خبرگان رهبری- مجمع تشخیص مصلحت نظام- نهاد ریاست جمهوری- مجلس شورای اسلامی- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی- دانشگاه آزاد اسلامی- دبیرخانه ائمه جمعه و جماعات و سایر مراکزی که روزگاری افتخار میزبانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را داشته‌اند و هنوز از برکات وجودی رئیس یا فرمانده خود بهره‌مندند - تشکیل خواهد شد و در سالگرد این یاور راستین امام و رهبری ضمن قدرشناسی از خدمات ایشان - راه و روش اخلاق مدارانه او را برای آیندگان بازگو و تبیین خواهند نمود.

حدود سه ماه مانده به سالگرد رحلت این عالم مجاهد و سردار بزرگ سازندگی- از تعدادی از این مراکز و دستگاه‌ها استمزاج شد که چه برنامه‌ای برای نکوداشت این عالم مجاهد دارند؟ پاسخهایی که داده میشد مشخص می‌شد که نه تنها چنین برنامه‌ای برای نکوداشت ایشان وجود ندارد- بلکه "هاشمی زدایی" از این نهاد و مرکز به شدت تمام شروع شده است و کسانی که نامی از هاشمی در این دستگاه‌ها برده یا میبرند پاکسازی و تصفیه شده و میشوند و امروز یاد و نام و عکس هاشمی در این سازمان‌ها همانند رسانه ملی ممنوع و موجب مجازات است!!؟

بنابراین بر آن شدیم با معدودی از یاران و همکاران ایشان، که بعد از رحلت این عالم مجاهد مشمول مهرورزی!

متصرفین جایگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دستگاه‌ها و نهادها و سازمان‌هایی قرار گرفته‌اند که شهرت و استحکام و قوام خود را از تلاشهای هاشمی رفسنجانی کسب کرده اند- برای سالروز عروج ملکوتی ایشان برنامه‌ریزی نموده و جهت تحقق توصیه‌های علمای اعلام و مراجع عظام تقلید و انبوهی از فضلا و صاحب نظران و اندیشمندان فرهیخته و تنظیم و نشر آثار و تفکرات جهت تبیین مکتب فکری هاشمی بپردازیم.

اما زمانیکه وارد این عرصه شدیم متوجه شدیم که هیچ بحرانی در تاریخ جمهوری اسلامی نیست که نام هاشمی در عبور از آن مطرح نباشد، هیچ موضوع مهم سیاسی- فرهنگی- اقتصادی و اجتماعی نیست که آیت‌الله هاشمی در آن اثر نداشته باشد، هیچ بحرانی نیست که در عبور از آن ایفای نقش نکرده باشد و هیچ انتخابات مهمی نیست که نامش در آن مطرح نباشد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جزء چند چهره بسیار معدودی است که نسل‌های اول و دوم و سوم انقلاب با او زیسته و از او خاطرات شیرین و بیاد ماندنی دارند بخصوص که حاصل حضورش در جایگاه ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دانشگاه آزاد اسلامی، شورای انقلاب فرهنگی، خطیب جمعه و... میراثی است بنام اعتدالگرایی، میانه روی، خرد ورزی، سیاست مدار مردم‌دار و مردمی، حامی توسعه اقتصادی سیاسی و اجتماعی، به منظور رفاه و آسایش مردم شناخته میشود و از دوران فرماندهی او به عنوان جانشین فرمانده کل قوا، مردم او را فرماندهی شجاع و طرفدار صلح و همزیستی مسالمت آمیز میشناسند که با مایه گذاشتن جان و آبروی خود به جنگ هشت ساله فرسایشی خاتمه داده و صلح و دوستی و همزیستی مسالمت آمیز را در منطقه جایگزین جنگ و خونریزی و تخریب نمود.

با این شناخت تحقیق درباره اندیشه‌ها و عملکرد او سهل ولی تدوین و تنظیم و انتخاب مطلب بسیار دشوار است چرا که شخصیتی که در چیدن کلمات و واژه‌ها در کنار هم با دقت فوق‌العاده و حکمت بی‌نظیر، استادانه عمل میکرده که توصیه‌ها و راهکارهای او نه برای یک زمان بلکه برای همه زمانها گره گشا و کار ساز است.

این جمع کوچک در فرصت کوتاه موفق شدند با همراهی بیش از 100 نفر از فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی و اجرایی مطالب لازم را برای برگزاری کنگره‌ای بزرگ در تهران با عنوان نخستین کنگره بزرگداشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با موضوعات متنوع اعم از اجتماعی سیاسی اقتصادی فرهنگی و دینی برگزار نمایند.

این کنگره علاوه بر بخش عمومی و مشترک که از ساعت 9-12 صبح با پیام تصویری حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی و چندین سخنرانی و میان برنامه انجام شد، دارای 3 نشست تخصصی همزمان با عناوین 1: فرهنگ و دین باوری 2: سیاست ورزی و مدیریت 3: اقتصاد و توسعه برگزار گردید.

علاوه بر این، در قم نیز جمعی از فضلای حوزه علمیه، همایشی با عنوان «شخصیت و اندیشه‌های اخلاقی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» برگزار کردند که مورد استقبال کم نظیر علما و دانشگاهیان و اقشار مختلف مردم قرار گرفت.

در این نشستهای تخصصی حدود 50 نفر از متخصصین فرهیخته با ارائه مقاله یا سخنرانی به تناسب موضوع پرداختند، حاصل همایشهای قم و تهران 12 جلد کتاب است که در دسترس علاقه مندان قرار گرفته و یا در آینده نزدیک قرار می‌گیرد.
با عنایت به توضیحات فوق الذکر با تمام وجود به فرموده علامه و مفسر بی‌نظیر قرآن کریم حضرت آیت‌الله جوادی آملی رسیدیم که در پیام شیوای خود فرمودند: "آیت‌الله هاشمی رفسنجانی امروز دیگر یک اسم و متعلق به یک خاندان و خانواده نیست، این نام چون ستاره‌ای در آسمان تاریخ، به عنوان بابصیرت‌ترین شخصیت آینده نگر در سپهر سیاسی ایران میدرخشد و خواهد درخشید.
با اینکه پیکرش پس از نیم قرن مبارزه و تحمل زندان و شکنجه و مسئولیتهای متعدد و سخت و طاقت فرسا در عالی‌ترین سطوح نظام و هفده سال تحمل دوری و فراق و البته تحمل مظلومانه‌ترین توهین‌ها و تهمت‌ها در کنار مراد و امام خویش و یار همرزم مظلومش شهید بهشتی ارمید، اما فرهنگ و خط مشی که به عنوان "اعتدال" در فضای سیاسی کشور بنا نهاد و نهادینه ساخت، ادامه دهنده راه بزرگان دین اسلام و ایران است که پیداست چون مقتدایش حضرت علی‌بن‌ابی‌طلب(ع) از تیرهای زهرآگین توهین و تهمت در امان نبود، توهین‌ها و تهمت‌هایی که امام راحل قبل از کوچ ملکوتی‌اش آنها را پیش‌بینی کرده و نوشته بودند: "احتمال قوی میدهم که پس از من، برای انتقام جویی از من به بعضی از نزدیکان و دوستانم تهمت‌هایی که آنهارا ناروا میدانم بزنند و با آتشی که باید مرا بسوزانند آنان را بسوزانند و احیانا به صورت دفاع از من انتقام از آنان بگیرند." آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تمام عمر مفید خویش، ثابت کردند که جز برای عظمت و مجد اسلام و سرفرازی ایران نمی‌کوشید و حاضر بود در این راه تمام مسائل و مصایب را تحمل کند که یافتن مصادیق برای هریک از صبوری‌های آن رادمرد، برای مردم و مسئولان ما در همه سطوح مشکل نیست.

اینک در سالگرد عروج ملکوتی آن عالم مجاهد با انبوهی از اسناد و مدارکی که از گفتار و رفتار و کردار وی برجای مانده، آینده به تدریج بزرگی و بصیرت ایشان را بیشتر و بیشتر خواهد شناخت. به فرموده امام‌خمینی(ره) اینان با این تلاشهای احمقانه نمی‌توانند شخصیت انسانی و اسلامی مطهری و هاشمی را ترور کنند هر چند ترورها حساب شده و سازمان یافته باشد. "

در پایان وظیفه خود می‌دانم به رسم ادب و احترام و به نمایندگی از جمع کوچک شورای سیاست‌گذاری سالگرد ارتحال عالم مجاهد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از همکاری و مشارکت مشتاقانه و داوطلبانه فرهیختگان حوزه و دانشگاه و مجریان حال و گذشته و حضور حماسی مردم شریف و قدرشناس قم و تهران و سایر بلاد در همایش‌های برگزار شده تشکر و قدردانی نمایم و اگر بخاطر فضاهای کوچک نتوانستیم پذیرای حضور مشتاقان گردیم به گونه‌ای که تعداد زیادی نتوانستن به محل اجلاس‌ها ورود نمایند عذرخواهی می‌نمایم.
لازم می‌دانم از تلاش‌های بی‌وقفه و پیگیری‌ها و مدیریت مثال زدنی آقای مهندس یاسر هاشمی به عنوان مدیر اجرایی کنگره تشکر ویژه نمایم. گرچه علاقه وافر و عشق بی‌نظیر او به پدر برای معرفی اندیشه‌ها و راه طی شده توسط پدر مهمترین انگیزه و توشه راه و تلاشهای مجدانه و خالصانه او بوده است اما به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از ایشان و همه کسانی که در این راه تلاش و مشارکت نمودند، تشکر و قدردانی می‌کنم و یقین دارم با همت والا و علاقه بی‌نظیر به بازنشر اندیشه‌ها و مکتب هاشمی بیش از پیش تلاش خواهند نمود.
با احترام
محمد هاشمی

در گفت و گو با «انتخاب» مطرح شد؛
روایت محسن هاشمی از لحظه شنیدن خبر فوت آیت‌الله هاشمی / اگر وصیتنامه دیگری از آیت‌الله وجود داشته باشد، خانواده از آن بی‌اطلاع است / خاطرات دهه 80 در دهه بعد منتشر خواهد شد؛ فاصله 20 ساله با زمان نگارش امکان انتشار آن با حداقل سانسور را فراهم می‌کند / اگر ایشان در حوادث اخیر در میان ما بود، تلاش می‌کرد مسایل را از طریق رایزنی و عقلانیت حل کند / از علت ایست قلبی بی‌اطلاعیم

محسن هاشمی، فرزند مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی می گوید: اینکه وصیت نامه دیگری از ایشان وجود داشته باشد، خانواده از آن اطلاعی ندارد هرچند نمی توان امکان آن را نیز رد کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

محسن هاشمی، فرزند مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی در گفت و گو با «انتخاب» م



ی گوید: اینکه وصیت نامه دیگری از ایشان وجود داشته باشد، خانواده از آن اطلاعی ندارد هرچند نمی توان امکان آن را نیز رد کرد.
او درباره اینکه «اگر آیت الله هاشمی امروز در میان ما بود چه واکنشی به حوادث اخیر کشور نشان می داد»، نیز می گوید: ایشان مثل همیشه تلاش می کرد مسایل اقتصادی کشور را از طریق رایزنی و عقلانیت حل کند و از بار فشار اقتصادی بر دوش مردم بکاهد اما فضای جامعه نیز نا امن وبی ثبات جلوه نکند.
مشروح گفت و گوی «انتخاب» با محسن هاشمی رفسنجانی به شرح زیر است:

انتخاب: در یکسال اخیر بحث وصیتنامه مرحوم آیت الله هاشمی همچنان داغ مانده، آیا واقعا وصیتنامه گمشده ی ایشان وجود دارد؟
اینکه وصیت نامه ای را آیت الله هاشمی رفسنجانی نگارش و نهایی کرده باشند و ما از وجود آن باخبر باشیم، صحت ندارد، برخی دست نوشته های ایشان شبیه وصیت نامه بود که از زندگینامه خود نوشت ایشان تا بخشی از تحلیلها و روایت آیت‌الله از وقایع سیاسی را در خود جای داده است، البته این دستنوشته ها بصورت یک متن نهایی وتنظیم شده نیست.
اما اینکه وصیت نامه دیگری وجود داشته باشد خانواده از آن اطلاعی ندارد اما نمی توان امکان آن را نیز رد کرد.
انتخاب: شما به تدوین و جمع آوری یک وصیتنامه سیاسی از دست نوشته های ایشان اشاره کردید کمی درباره جزییات آن توضیح می دهید. آیا این دستونشته ها تاکنون جایی منتشر نشده اند؟ بطور مثال در خاطرات ایشان؟
دست‌نوشته های ایشان در مورد مسایل اخیر است، تازه ترین خاطرات روزنوشت ایشان که منتشر شده مربوط به سال 1373 است، بنابراین دستنوشته ها حدودا دو دهه پس از نگارش آخرین جلد خاطرات منتشر شده ایشان تدوین شده است و این دست‌نوشته ها تا پیش از رحلت ایشان منتشر نشده و فقط بخشی از زندگینامه خودنوشت ایشان به مناسبت اربعین آیت الله هاشمی رفسنجانی در مطبوعات منتشر شد.
انتخاب: زمان انتشار خاطرات دهه 80 آیت الله هاشمی چه زمانی است؟ آیا خاطراتی که از آن بعنوان خاطرات سری آیت الله یاد می شود اساسا وجود دارد؟ اگر وجود دارد قرار بر انتشار آن است؟
خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی و سایر آثار ایشان، توسط دفتر نشر معارف انقلاب که به همین منظور و با نظر آیت الله هاشمی رفسنجانی در سال 1369 تاسیس شد منتشر می شود و تا کنون روال بر این بوده که هر سال خاطرات روزنوشت یکسال ایشان آماده سازی و منتشر شود که از خاطرات سال 1360 این روند آغاز و تاکنون 14 سال به انضمام خاطرات دوران مبارزه و دوسال نخست پیروزی انقلاب، توسط دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شده است. حفظ فاصله ای حدود بیست سال بین نگارش و زمان انتشار این فرصت را ایجاد می کند که حساسیت کمتری نسبت به وقایع و مسایل مورد اشاره در خاطرات وجود داشته باشد و امکان انتشار آن با حداقل سانسور فراهم شود، بنابراین روند انتشار خاطرات دهه هشتاد حدودا در دهه بعد انجام خواهد شد مگر اینکه دفتر نشر معارف انقلاب بنا به دلایل یا مصالحی در این روند تجدید نظر کند.
انتخاب: اگر آیت الله هاشمی الان زنده بودند چه واکنشی درباره وقایع اخیر کشور داشتند؟
آیت الله هاشمی رفسنجانی نسبت به موضوع رفاه مردم و حفظ حداقل معیشت و اشتغال برای اقشار محروم جامعه توجه ویژه ای داشت و یکی از دلایلی که ایشان برجام و حل پرونده هسته ای را دنبال می کردند این بود که فشارهای شدیدی به اقتصاد کشور و معیشت مردم وارد می شد و بتدریج در حال افزایش بود، اما در عین حال آیت الله هاشمی رفسنجانی، وحدت و همدلی مردم ومسئولان را مهمترین عامل پیشبرد انقلاب وحل مسایل کشور می دانست، بنابراین در این شرایط ایشان مثل همیشه تلاش می کرد مسایل اقتصادی کشور را از طریق رایزنی و عقلانیت حل کند و از بار فشار اقتصادی بر دوش مردم بکاهد اما فضای جامعه نیز نا امن وبی ثبات جلوه نکند چرا که بی ثباتی وهرج ومرج خود بدترین تاثیر را در فعالیت های اقتصادی و تولید درآمد و ثروت وجذب سرمایه گذاری دارد.
انتخاب: دلیل فوت آیت الله در نهایت چه موضوعی اعلام شد؟ اخباری که از قول برخی اعضای خانواده شما در مورد وجود ذرات رادیو اکتیو در بدن ایشان، منتشر شده را تایید می کنید؟
علت فوت آیت الله هاشمی رفسنجانی از سوی بیمارستان شهدای تجریش، ایست قلبی اعلام شد اما اینکه ایست قلبی به چه علتی رخ داده، موضوعی است که ما از آن بی اطلاعیم و به دلیل آنکه کالبد شکافی نیز صورت نگرفته است امکان بررسی بیشتر آن از سوی پزشکان دشوار است. موضوع الودگی های رادیواکتیو، مساله ای بود که از سوی دبیرخانه شورایعالی امنیت ملی به خانواده ایشان اعلام شد اما اینکه بین درگذشت ایشان و آلودگی رادیو اکتیو چه ارتباطی وجود دارد را هنوز به نتیجه نرسیده اند.
انتخاب: از حال و روز خود و خانواده در لحظه شنیدن خبر فوت آیت الله بفرمایید.
من در حال بازگشت از دانشگاه به منزل بودم که از سوی محافظان آیت الله هاشمی رفسنجانی با من تماس گرفتند و گفتند که حال ایشان مساعد نیست و برای رسیدگی به بیمارستان شهدای تجریش اعزام شده اند، زمانی که به بیمارستان رسیدم پزشکان و کارکنان بخش اورژانس در حال انجام عملیات احیا بودند، که با نظر پزشکان و با توجه به گذشت زمان از ایست قلبی عملیات احیا متوقف شد و مقرر شد پیکر آیت الله هاشمی رفسنجانی را به بیمارستان جماران انتقال داده شود، من به منزل رفتم و به مادرم گفتم که حال پدر خوب نیست و به بیمارستان منتقل شده اند اما قبل از من ظاهرا یاسر به مادرم خبر را رسانده بود، چند دقیقه بعد پیکر آیت الله را به حسینیه جماران منتقل کردیم و مردم برای وداع و تسلیت به آنجا هجوم آوردند.

زنان 'پر استقامت‌تر' از مردان هستند

توماس فریمورگ

زنان واقعا پر استقامت‌تر از مردان هستند.



اگر همیشه سر این موضوع با دوستان‌تان بحث می‌کردید، حالا یک تحقیق علمی هم دارید که در راستای ادعای‌تان طرح کنید.

نتایج یک مطالعه جدید نشان می‌دهد که در شرایط بسیار سخت مثل قحطی، شیوع بیماری‌های واگیردار، یا حتی اسارت، زنان بیش از مردان دوام می‌آورند.

در عصر حاضر نیز زنان تقریبا همه جای دنیا بیش از مردان عمر می‌کنند. مثلا در انگلستان، امید به زندگی برای زنان ۸۳ سال است و برای مردان ۷۹.۵ سال. (در اسکاتلند این ارقام به ترتیب ۸۱ و ۷۷ است.)

مطالعه اخیر در دانشگاه جنوبی دانمارک و روی هفت نمونه تاریخی که جوامع بشری در شرایط بسیار سخت قرار گرفته بوده‌اند، انجام شده. هدف مطالعه درک بهتر اختلاف عمر بین زنان و مردان بوده.

از نمونه‌هایی که محققان این دانشگاه مطالعه کرده‌اند، می‌توان به قطحی ایرلند بین سال‌های ۱۸۴۵ و ۱۸۴۹ میلادی و دو شیوع سرخک در ایسلند در سال‌های ۱۸۴۶ و ۱۸۸۲ میلادی اشاره کرد. نمونه دیگر تجربه برده‌های لیبریایی است که اوایل قرن نوزدهم میلادی در آمریکا آزاد شدند و به آفریقا بازگشتند و بسیاری چون در معرض بیماری‌هایی که در آمریکا نبود قرار گرفتند، مردند.

در همه این نمونه‌های تاریخی، امید زندگی به شدت کم شد. مثلا در شیوع سرخک در ایسلند (۱۸۸۲)، امید زندگی برای زنان از حدود ۴۴ سال به حدود ۱۹ سال رسید، و برای مردان از حدود ۳۸ سال به اندکی زیر ۱۷ سال.

محققان دانشگاه جنوبی دانمارک مشاهده کرده‌اند که در همه جوامع مورد بررسی، و تقریبا در همه گروه‌های سنی، نرخ مرگ‌ومیر زنان کمتر بوده، و جز یک مورد استثناء زنان بیش از مردان عمر می‌کرده‌اند.

ادعای این محققان این است که دلیل اصلی اختلاف امید به زندگی بین زنان و مردان، نرخ مرگ‌ومیر نوزادان است. آنها می‌گویند: "در شرایط بسیار سخت و کشنده، نوزادان دختر بهتر از نوزادان پسر مقاومت می‌کردند".

و بر این مبنا نتیجه گرفته‌اند که: "این واقعیت که در شرایط بسیار سخت، و در بدو تولد که تفاوت‌های رفتاری و اجتماعی دو جنس کمینه است، ماده‌ها بیش از نرها زنده می‌مانند، شاهدی است بر این فرضیه که برتری زنان در بقا دلایل بنیادی زیست‌شناختی دارد".

نویسندگان گزارش تأکید کرده‌اند که بر اساس یافته‌های این تحقیق مزیت زنان به مردان در محیط‌های مختلف کم و زیاد می‌شود و عوامل اجتماعی هم روی آن تأثیر دارد.

آنها به نتایج تحقیق‌های دیگر اشاره کرده‌اند که اختلاف هورمونی را عامل اختلاف مرگ‌ومیر زن و مرد می‌داند. مثلا استروژن که در زنان بیش از مردان یافت می‌شود، خاصیت ضدتورمی دارد. در حالی که تستسترون که در مردان بیشتر است، ممکن است باعث ضعف سیستم ایمنی بشود.

پروفسور ویرجینیا زارولی، سرپرست این تیم تحقیقاتی، می‌گوید: "شرایط مردم در نمونه‌هایی که بررسی کردیم حقیقتا وحشتناک بود. و با اینکه در این دوره‌های بحران مزیت بقای زنان افت می‌کرد، همچنان آن‌قدر بود که بیش از مردان زنده بمانند. یعنی حتی در دوره‌هایی که مرگ و میر زیاد بود، زنان بیش از مردان عمر می‌کردند".



ایرانی‌ها در یک دهه گذشته ۱۵ درصد فقیرتر شده‌اند

13 دسامبر 2017 - 22 آذر 1396

همرسانی

بررسی‌های بی‌بی‌سی فارسی نشان می‌دهد وضع اقتصادی ایرانی‌ها نسبت به ۱۰ سال پیش، ۱۵ درصد بدتر شده. این در حالی است که از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶، وضع رفاهی خانوارهای ایرانی ۴۳ درصد بهتر شده بود. این تحقیق با نگاهی به آمارهای رسمی برای اولین بار مشخص می‌کند که مشکلاتی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، نرخ بالای تورم و رکود اقتصادی، چه تأثیری روی وضع زندگی مردم ایران گذاشته است.

فیلم/ اولین اظهارات رسانه‌ای شیخ زکزاکی پس از ۲ سال بازداشت

شیخ زکزاکی بالاخره پس از دو سال بازداشت، توانست مقابل دوربین قرار گرفته و صحبت کند. شیخ زکزاکی پس از دو سال بازداشت، مقابل دوربین‌ها قرار گرفت و گفت: نیروهای امنیتی بالاخره اجازه دادند پزشک خودم، من را معاینه کند و به لطف دعاهای مردم، حالم رو به بهبود است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



دانلود

https://ircdn.jabeh.com//2018/01/14/2018_01_14_8f42b9fc7b2a680381db5c3540e0de84.mp4

شیخ ابراهیم زکزکی:
مصاحبه من را تحریف کردند/ علیرغم رای دادگاه خودشان، همچنان به بازداشت ما ادامه می‌دهند و دست از کشتار مردم بر نمی‌دارند

رهبر جنبش اسلامی نیجریه در گفتگو با پسر خود، تاکید کرد مصاحبه‌ای که با رسانه‌ها انجام داد، نمایشی ساختگی از سوی دولت ابوجا بود و اظهارات وی به صورت گزینشی و با تحریف به اطلاع مردم رسیده است.



به گزارش خبرگزاری اهل‌بیت(ع) ـ ابنا ـ حجت الاسلام والمسلمین شیخ «ابراهیم زکزکی» رهبر جنبش اسلامی نیجریه که بیش از دو سال است در حبس غیرقانونی به سر می برد، بالاخره دیروز شنبه 23 دی 1396 در انظار عمومی ظاهر شد.

وی و همسر مجروحش، در حالی که در راه رفتن مشکل داشتند، پس از خروج از یک محل مرتبط با وزارت اطلاعات نیجریه، به شکل غافلگیرکننده ای در برابر دوربین خبرنگاران و عکاسان قرار گرفتند.

شیخ زکزکی سپس دقایقی با خبرنگاران سخن گفت؛ اما صحبت های وی به شکل تقطیع شده از سوی رسانه های دولتی نیجریه منتشر گردید.

به دنبال این ماجرا، شیخ در گفتگوی تلفنی با «محمد زکزکی» تنها پسر باقیماند خود، به افشاگری در خصوص این موضوع پرداخت.

شیخ زکزکی در این گفتگو، درباره محلی که مصاحبه در آن انجام شد گفت: به ما گفتند که برای انجام برخی آزمایش‌ها به یک آزمایشگاه منتقل می‌شویم؛ اما در کمال تعجب به ساختمانی وابسته به وزارت امنیت و اطلاعات منتقل شدیم. وقتی از آنها پرسیدیم که چرا ما را به جای آزمایشگاه به این محل منتقل کرده‌اند؟ در پاسخ گفتند "پزشک همسر شما اینجاست و بعد از معاینه در اینجا، به آزمایشگاه خواهیم رفت".

وی به مواجهه غافلگیرانه با چند خبرنگار اشاره و اظهار کرد: "بعد از پایان معاینه مادرتان، گفتند "حالا به آزمایشگاه می‌رویم اما پیش از ترک محل، بعضی‌ها هستند که می‌خواهند با شما ملاقاتی داشته باشند". اطلاع نداشتم که منظور آنها چه افرادی بود، اما به محض خروج از آن محل با دیدن خبرنگارها و دوربین‌هایی که مشغول ضبط ماجرا بودند غافلگیر شدیم.

رهبر محبوس جنبش اسلامی نیجریه، درباره سؤالات خبرنگاران هم گفت: آنها پرسیدند "شایعات زیادی درباره زندگی و سلامت شما وجود دارد". در پاسخ گفتم: جمعه گذشته (5 ژانویه ـ 15 دی) سکته‌ای به من دست داد که تا روز دوشنبه جدی بود و بعد از آن، خطر رفع شد. این بار، پزشک‌هایم اجازه دیدار با من را داشتند و در حال بهبود هستم. قبلاً، پزشک‌های خودم اجازه ملاقات با من را نداشتند و فقط پزشک‌های وزارت امنیت و اطلاعات به من دسترسی داشتند و این نخستین بار است که اجازه ملاقات با پزشک‌های خودم را دارم.

وی افزود: به آنها گفتم آثار سکته هنوز باقی است اما رو به بهبودی هستم و از همه شما به خاطر دعاهایتان تشکر می‌کنم. این همه آن چیزی بود که به آنها گفتم.

شیخ زکزکی با شنیدن تقطیع سخنان خود درگزارش منتشر شده از رسانه های دولتی نیجریه گفت: اینطور فهمیدم که آنها از قبل با قصد نمایش خاصی، خبرنگارها را دعوت کرده بودند. در روایت منتشرشده آنها هیچ اشاره‌ای به سکته نمی‌شود و من فقط گفته‌ام در حال بهبود هستم و از بابت دعاهایتان تشکر می‌کنم!

این روحانی شیعه نیجریه ای به عنوان شرح کوتاهی از وخامت حال خود توضیح داد: همین حالا که مشغول صحبت با شما هستم، مجبورم دراز بکشم تا از عهده حرف زدن بربیایم. نمازم را هم نشسته می‌خوانم و نمی توانم موقع رکوع و سجود، خم و راست شوم. اما شاکر هستم. از خداوند بابت دعای بندگانش سپاسگزارم و شاهد تاثیر این دعاها هم هستیم.

وی درباره آنچه به عنوان "تشکر شیخ زکزکی از وزارت اطلاعات نیجریه" منتشر شد هم گفت: من اصلاً در صحبت‌های خود نگفته‌ام که از وزارت امنیت و اطلاعات تشکر می‌کنم. آنها به هیچ عنوان شایسته تشکر من نیستند چراکه بی هیچ پشتوانه قانونی مرا بازداشت کرده‌اند. آنها من را بدون هیچ دلیلی بازداشت کرده‌اند حال‌آنکه حتی دادگاه خودشان هم این رفتار را نامشروع و بدون هیچگونه پشتوانه قانونی ارزیابی کرده است. هیچ‌یک از قوانین این کشور (نیجریه) رفتارهای آنها را تایید نمی‌کند. دو سال از آغاز این ماجراها می‌گذرد و حالا هم بعد از گذشت یک سال از رای دادگاه مبنی بر اینکه هیچ حقی برای ادامه بازداشت ما ندارند، همچنان به این کار ادامه می‌دهند و دست از کشتار مردم بر نمی‌دارند. حالا من بیایم و از آنها تشکر کنم؟!

شیخ زکزکی ادامه داد: اینکه این نمایش را ترتیب دادند تا به جهان نشان دهند که من زنده هستم خوب است؛ اما درست نیست اینطور وانمود و تبلیغ کنند که قدردان آنها هستم. خدا را شاکرم که به آنها مجال رسیدن به این مقصود را نداد.

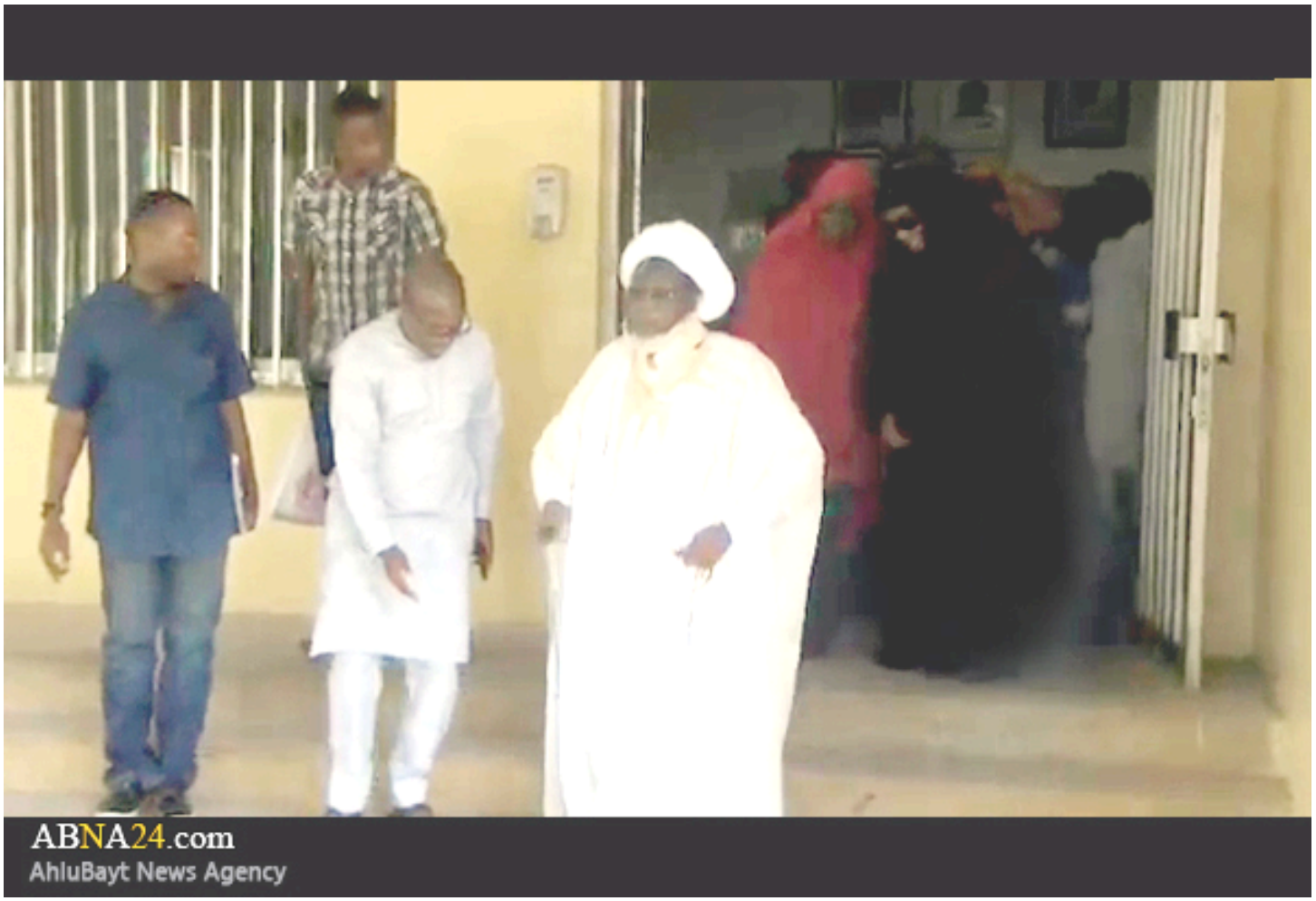
این عضو نیجریه ای مجمع جهانی اهل‌بیت(ع) در پایان مجدداً از کسانی که نگران سلامتی وی هستند تشکر کرد و گفت: خدا را شکر می‌کنم و از مردم به خاطر دعاهایی که در حقمان می‌کنند سپاسگزارم. از همه برادران و خواهران خود به دلیل تلاش‌هایشان تشکر کرده و از درگاه خداوند برای آنها صبر و استقامت طلب می‌کنم.




ABNA24.com
Photo: Received


ABNA
PHOTO
ABNA24.com
Ahlulbayt News Agency


ABNA24.com
AhluBayt News Agency


ABNA24.com
AhluBayt News Agency



ABNA24.com
AhluBayt News Agency




ABNA24.com
AhluBayt News Agency


ABNA24.com
AhluBayt News Agency

شایان ذکر است که این اجازه پزشکی و حضور رسانه‌ای، در واکنش به اعتراضات وسیع مردمی در چند روز گذشته صورت گرفت که با بالا گرفتن نگرانی‌ها درباره وضعیت سلامت شیخ روی داد. در این اعتراضات که با حمله پلیس مواجه شد، دو نفر شهید و شماری از مردم زخمی و بازداشت شدند.

در آخرین روز صفر 1437ق. (دسامبر سال 2015م.) ارتش نیجریه به حسینیه شهر «زاریا» و سپس منزل مسکونی شیخ ابراهیم زکزکی حمله کرد و پس از کشتار شیعیان و مجروح کردن شیخ و همسرش، آنان را بازداشت نمود. در آن حمله نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از پیروان اهل بیت(ع) ـ از جمله یه پسر شیخ زکزاکی ـ به شهادت رسیدند.

یک سال پیش از آن نیز در حمله ناجوانمردانه ارتش به راهپیمایی مسالمت آمیز روز قدس، جمعی دیگر از مسلمانان نیجریه و سه پسر دیگر شیخ زکزکی به شهادت رسیده بودند.

دادگاه عالی فدرال نیجریه" یک سال پیش (در بهمن 1395) با بی گناه دانستن شیخ، به وزارت اطلاعات نیجریه دستور داد که" او و همسرش آزاد شوند؛ اما ارتش و حکومت نیجریه از اجرای این دستور سرباز زدند و اکنون بیش از یک سال نگه داشته شده است.

افشاگری نجفی:

قرارداد 1.730 میلیاردی شهرداری گذشته با ناجا به صورت صوری در انتخابات خرج شده / پول به حساب مسئول دفتر یکی از معاونین قبلی شهردار واریز شده بود / با حساب و کتاب دیمی ۲۸۰ هزار میلیارد تومان در ۱۲ سال در شهرداری هزینه کرده‌اند / ۱۳ هزار نفر در فاصله ۳ ماهه نزدیک به انتخابات به پرسنل شهرداری اضافه شد / تعداد بازنشستگان از تعداد کسانی که حق بازنشستگی پرداخت می‌کنند پیشی گرفته

شهردار تهران گفت: اواخر سال 95 شهرداری با یکی از شرکت‌های نیروی انتظامی قراردادی را در خصوص تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد به مبلغ یک میلیارد تومان به امضاء رسانده است که شاید ارزش واقعی آن حتی 10 میلیون تومان هم نبوده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



شهردار تهران در جلسه امروز شورای شهر با ارائه گزارش ۱۰۰ روزه شهرداری و بررسی عملکرد شهرداری قبلی از قراردادهای شهرداری با ناجا که پولش صرف انتخابات شد، افشاگری کرد.

به گزارش «انتخاب»، محمدعلی نجفی در ارائه گزارش خود با بیان اینکه متاسفانه در بررسی پرونده‌های شهرداری به مواردی از سوء استفاده برخوردیم که باید از طریق مراجع قضایی پیگیری شود گفت: اواخر سال ۹۵ شهرداری با یکی از شرکت‌های نیروی انتظامی قراردادی را در خصوص تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد به مبلغ یک میلیارد تومان به امضاء رسانده است که شاید ارزش واقعی آن حتی ۱۰ میلیون تومان هم نبوده است.

وی با بیان اینکه متاسفانه آخرین پرداخت به این موسسه اول مرداد ۹۶ و پس از انتخابات بوده و ۸۵۰ میلیون تومان به این قرارداد پرداخت شده است، گفت: ما در بررسی‌های بیشتر دریافتیم که یک قرارداد دیگر در تاریخ ۲ مرداد ۹۶

منعقد شده که در روز قرارداد پرداختی صورت گرفته است.
شهردار تهران با بیان اینکه این دو قرارداد مجموعا یک میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان ارزش داشته است، گفت: در بررسی‌های بیشتر متوجه شدیم که درست است این مبلغ به حساب شرکت مذکور واریز شده اما تنها ۱۷۳ میلیون تومان را به این شرکت داده و مابقی را به یک حساب دیگر که متعلق به رئیس دفتر یکی از معاونین قبلی بوده واریز کردند و این پول نیز خرج انتخابات شده است. این در حالیست که آن فرد مذکور مکتوب اقرار کرده که از ۱۷۳ میلیون تنها ۲۰ میلیون به خودش تعلق گرفته و مابقی سهم دیگران بوده است.
وی با بیان اینکه بررسی‌ها نشان داده که رقم بدهی ثبت شده شهرداری ۲۹ هزار و ۵۱۰ میلیارد تومان بوده است، گفت: ۲۲ هزار و ۶۰۰ میلیون تومان نیز رقم بدهی ثبت نشده شهرداری است و پیش بینی کردیم که حدود ۸۰۰۰ میلیارد تومان نیز بدهی احتمالی داریم و بر همین اساس بدهی شهرداری در حوزه ثبت شده، ثبت نشده و بدهی احتمالی حدود ۵۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان است که سه برابر بودجه فعلی شهرداری است.
نجفی در ادامه تأکید کرد: در این گزارش سعی کردیم قضاوت نکنیم و قضاوت را به عهده همه کسانی قرار دهیم که ارزیابی می‌کنند و بعد از مطالعات دقیق است که همه در خواهیم یافت راه اداره شهر با چه مشکلات و دشواری هایی مواجه است.
شهردار تهران گفت: مرتب تذکر دادم انصاف و بی طرفی در گزارش مورد توجه قرار گیرد. در مواردی که فکر کردیم محرمانه است خیلی به اجمال اشاره کردیم و جداگانه در اختیار اعضای شورای شهر قرار خواهد گرفت.
وی افزود: بدهی مجموع ثبت شده، ثبت نشده قطعی و احتمالی ۵۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان است یعنی سه برابر بودجه سال۹۶ ، این در حالی است که بودجه سال ۹۶ هم صد در صد محقق نشده است.
نجفی، گفت: بعضی افراد بر اساس اسناد، بدهی قطعی دارند که این رقم ۴ هزار و ۷۲۳ میلیارد تومان است. همچنین مطالبات شهرداری از دولت نیز وجود دارد که بخش عمده آن مواردی بود که در قانون بودجه سال های قبل آمده است و گفته اند دولت مکلف است این کار را کند یا نکند و حرف دولت هم درست است.
شهردار تهران با بیان اینکه بخشی از مطالبات از دولت منوط به ارایه گزارش های حسابرسی شهرداری تهران است، تصریح کرد: در بعضی سال ها حسابرس اظهارنظر نکرده است و دولت این موارد را قبول ندارد و می گوید گزارش حسابرسی تایید شده را باید ارایه کنید.

بیش از ۵۰ درصد دارایی‌های شهرداری حسابرسی نشده است

وی گفت: در بعضی از رسانه های مخالف می نویسند نجفی آمده است بدهی های دولت به شهرداری را ماست مالی کند این در حالی است که در قانون نوشته شده بود دولت مجاز است این را پرداخت کند اما در آن سال انجام نداده است. در بخش دیگر نیز اسناد به اندازه کافی نداریم تا وارد بحث کارشناسی با دولت شویم.
به نوشته ایسنا، شهردار تهران یادآور شد: ۵۴ درصد دارایی‌های مندرج در صورت های مالی زیر مجموعه های شهرداری تهران حسابرسی نشده است از این رو نمیتوانیم آنها را به عنوان یک مطلب قانونی در اختیار داشته باشیم.
وی در ادامه اظهار کرد: سازمان سرمایه گذاری در سال های گذشته تنها به عنوان یک کارگزار عمل کرده است نه اینکه تعامل کرده و سرمایه گذار پیدا کند. مسایلی مثل جذب سرمایه گذاری خارجی و یا پرداختن به برنامه های جدید توسعه شهری مثل حمایت از استارت آپ ها و شرکت های نوپا در این سازمان عمدتا تعطیل بوده است.

۶۷۴ ملک شهرداری غالبا به صورت سلیقه ای در اختیار اشخاص و نهادها قرار گرفته است

نجفی در ادامه قرائت گزارشش در صحن شورای شهر تهران اظهار کرد: هم اکنون هیچ برآورد دقیقی از ارزش املاک اختصاصی شهرداری تهران و وضعیت ثبتی آن در دست نیست. از مجموع املاک، ۶۷۴ ملک غالبا به صورت سلیقه ای در اختیار اشخاص و نهادها قرار گرفته است. به طور مثال به یک نهاد نهاد ملکی ۵ میلیاردی واگذار شد و به یک نهاد دیگری که همان فعالیت را داشته است واگذار نشد؛ اینکه وجه تمایز چه بوده است؟ هیچ رابطه ای پیدا نکردیم.
به گفته شهردار تهران، وضعیت کارگزاری‌ها که خروجی آن هولوگرام ها و مفاسد برخاسته از هولوگرام ها بود خیلی تأسف بار است.
وی افزود: بحث بود از امکانات بانک ها برای افزایش نقدینگی استفاده کنیم اما تقریبا برعکس شد یعنی بخشی از وجوه نقد و چک های شهرداری در اختیار کارگزاری‌ها قرار می گرفت و بخشی از املاک قابل وصول شهرداری به کارگزینی ها واگذار شد و ۵ درصد حق کارگزاری دریافت کردند و این دریافت‌ها از کارگزاری بانک شهر گرفته تا کارگزاری وابسته به یکی از شرکت های وابسته به سپاه بود.
نجفی گفت: از مجوع ۴۸ میلیارد سود شرکت تنها ۹ میلیارد سود عملیاتی است و ۳۵ میلیارد سپرده بانکی و ۴ میلیارد سود حاصل از سایر درآمدها است.
وی در ادامه با اشاره به فعالیت شهروند تصریح کرد: اگر شهروند به درستی اداره شود با هزاران میلیارد تومان سرمایه در اختیار باید بیش از ۱۰۰ میلیارد سود عملیاتی داشته باشد اما در سال ۹۵ تنها ۹میلیارد سود عملیاتی داشته است.

بی عدالتی در پرداخت‌حقوق کارمندان شهرداری

شهردار تهران در ادامه این گزارش یادآور شد: در شهرداری کارمندی با مدرک کارشناسی داریم که یک میلیون ۴۰۰ هزار حقوق می گیرد و کارمند دیگری با همان سابقه کار حدود پنج و نیم میلیون حقوق می گیرد یعنی کاملا غیر عادلانه است و هیچ ضابطه‌ای نیست و روند مقایسه‌ای تعداد کسور پردازان به تعداد بازنشستگان نشان می دهد که تعداد بازنشستگان پیشی گرفته است و این یعنی شکست صندوق بازنشستگی شهرداری در بلند مدت.

۸۵ درصد دارایی‌های صندوق ذخیره کارکنان شهرداری را در املاک و ساختمان حبس کردند

خیانت در صندوق ذخیره کارکنان شهرداری

به گفته وی، ۸۵ درصد دارایی‌های صندوق ذخیره کارکنان شهرداری را در املاک و ساختمان حبس کردند در حالی که قرار بوده است این صندوق در بورس و مسایل اقتصادی سرمایه گذاری هایی کند. همچنین از این رقم ۷۰ درصد در پروژه‌ای تحت عنوان "سارینا کیش" سرمایه گذاری شده است که در آن فساد مالی وجود داشت و با فشاری که آوردیم بخشی از پول را برگرداندند که در این کار واقعا یک کار خیانت آمیز در صندوق ذخیره کارکنان صورت گفته است.

ماجرای استخدام ۱۳ هزار نفر در آستانه انتخابات

نجفی گفت: به ازاری هر ۱۰۰ پست، ۴۲۶ نفر در شهردرای وجود دارد. در سال ۹۶ ما حدود ۱۶ هزار پست سازمانی و ۶۸ هزار و ۱۲۷ نفر نیرو داریم. ماه پیش ما ۶۸ هزار و ۴۰۰ نیرو داشتیم که ماموران و برخی بازنشسته‌ها، به صورت تک قراردادها لغو شد. همچنین در سال ۹۵ تعداد پرسنل شهرداری ۵۵ هزار و ۹۵۲ نفر بوده است که مستمر حقوق می گرفتند. طی سه چهار ماهی که انتخابات بوده ناگهان ۱۳ هزار نفر به پرسنل شهرداری اضافه شدند به اسم اینکه عده‌ای کارگر پیمانکاران هستند و می‌خواهیم کارمند شهرداری کنیم. در حالی که بعضی از افرادی جذب شدند که حتی سابقه یک روز حضور در شرکت های پیمانکاری را هم نداشتند.

وی ادامه داد: یکپارچگی اطلاعات در شهرداری وجود ندارد و اگر بخواهید از سازمان، اطلاعات املاک را بگیرید هیچ چیزی وجود ندارد.

شهردار تهران ادامه داد: اصلا به پروژه هوشمند سازی در شهر پرداخته نشده است و شورایی برای پیگیری این پروژه تعیین کرده‌ایم که اقدامات جالبی انجام می‌شود و خبرهای خوبی طی چند ماه آینده در این بخش خواهیم داشت.

وی گفت: همچنین قراردادی با مدیریت کیش امضاء کردیم تا بخشی از فعالیت های مربوط به هوشند سازی را به صورت پایلوت در کیش اجرا کنیم.

نجفی اظهار کرد: در حال حاضر ۱۱۴ دفتر خدمات الکترونیکی در تهران وجود دارد اما نه تنها با این وجود، نیروها کم نشده است بلکه ۱۳ هزار نفر به نیروهای شهرداری اضافه شده است.

شهردار تهران افزود: بر اساس گزارش ۲۰۱۷در رتبه های بین المللی در میان ۱۸۰ شهر تهران رتبه ۱۶۱ در شاخص شهرهای پویا را دارد. در شاخص رقابت پذیری هم رتبه ۱۲۰ و در شاخص زیست پذیری رتبه ۶۱ را بر اساس گزارش سال ۲۰۱۵ داریم و از نظر بین المللی واقعیت خوبی نداریم.

اراضی عباس‌آباد به نهاد انتظامی و نظامی واگذار شده و کاری نمی‌شود کرد

نجفی در ادامه قرائت گزارش خود به اعضای شورای شهر تهران خاطرنشان کرد: ۴۰ درصد بافت‌های فرسوده را از ابتدا نوسازی کردیم و ۶۰ درصد باقی مانده است اما در ۴۰ درصد هم متاسفانه خوب عمل نکردیم و بخشی عمده ای از خدمات عمومی که باید در بافت های نوسازی شده محقق می شد، نشده است.

وی گفت: در نتیجه این اقدام، مردمی که بافت هایشان نوسازی شده است خیلی اعتماد به شهرداری ندارند و این یکی از جاهایی است که سرمایه اجتماعی شهرداری تهران به شدت لطمه خورد.

شهردار تهران با بیان اینکه اراضی عباس‌آباد می‌تواند یک منطقه استثنایی در شهر تهران از نظر فرهنگی باشد، گفت: در سال ۹۰ قرارداد یک هتل بسته شده که مغایر با طرح جامع اراضی عباس آباد است. همچنین بخشی از این اراضی به نهاد انتظامی و نظامی داده شده است و متاسفانه چون قرارداد بسته شده برای جلوگیری از کار آنها مشکلات حقوقی وجود دارد.

وی در مورد سرانه فرهنگی و اجتماعی نیز گفت: سرانه فرهنگی و اجتماعی ویژه بانوان چهار صدم متر مربع است و این سرانه در بخشی از مناطق صفر است.

سازمان فرهنگی هنری شهرداری در اختیار شهرداری نیست

نجفی در ادامه گزارش خود میزان برگشتی برخی از مجلات همشهری را بیش از ۴۰ درصد عنوان کرد و افزود: سال‌ها پول دادیم این نشریات و مجلات را در همشهری منتشر کردیم؛ البته ما چهار نشریه را تعطیل کردیم و برای بقیه هم فعلا زورمان به هیات مدیره همشهری نمی رسد که یک مقدار انقلابی تر عمل کند.

به گفته وی، در همشهری هم وضعیت مالی افتضاحی وجود دارد.

شهردار تهران با اشاره به اینکه در سازمان فرهنگی هنری شهرداری، حمایت‌های شهرداری بیش از ۴ برابر شده و ۶۴

درصد بودجه‌های حمایتی به فعالیت‌های مذهبی و بقیه به سایر فعالیت ها اختصاص یافته است، اظهارکرد: در سازمان فرهنگی و هنری بزرگ ترین چالش ما این است که مدیریت شهری نقش تعیین کننده‌ای بر مدیریت این سازمان ندارد. یک هیات امنای ۱۱ نفره دارد و الان اگر سازمان فرهنگی و هنری هر کاری کند بلافاصله یقه شهردار و شورای شهر را می گیرند. کسی نمی گوید شش نفر دیگری که در هیات مدیره تصمیم می گیرند چه می شود؟

وی ادامه داد: درآمدهای عملیاتی سازمان فرهنگی هنری شهرداری طی سال های ۹۳ تا ۹۵ از ۳۳ هزار میلیارد تومان به ۱۶ هزار میلیارد تومان کاهش یافته و از آن طرف کمک های دریافتی از شهرداری سال به سال بیشتر شده است، به طوریکه در سال ۹۵ این سازمان ۶۵ میلیارد تومان از شهرداری تهران کمک گرفته است.

شهرداری فقط ۳ درصد زباله‌ها را تفکیک می‌کند

نجفی ادامه داد: نسبت تفکیک از مبداء زباله در شهر تهران ۱۳ درصد است یعنی ۸۷ درصد تفکیک نمی‌شود که از این رقم ۱۳ درصد هم، تنها ۳ درصد را ما هوشمندانه انجام می دهیم و ۱۰ درصد را کسانی که در زباله ها می گردند تفکیک می‌کنند. در واقع عملکرد شهرداری درباره تفکیک از مبدا زباله ۳ درصد است.

وی گفت: در سال ۹۶ سازمان مدیریت پسماند زیان خالص ۲۶ میلیارد تومانی دارد علی رغم اینکه در سال های قبلی ۶۱ میلیارد تومان سود داشته است.

زیر ساخت های تولید انرژی از زباله و تصفیه خانه زباله کاملا فاقد بهره برداری و کارآیی بوده است.

حفر چاه‌ها "وبال گردن" شهرداری تهران شده است

نجفی افزود: یکی از اشتباهات در دوره پیشین شهرداری، تک گونه ای شدن کاشت درخت در برخی مناطق تهران و موضوع کاشت درخت توت و آفت سفید بالک ها بوده است که هنوز هم مشکل آن ها را تحمل می کنیم.

وی گفت: از ۳۲ حلقه چاه با خروجی ۱۴۳ میلیون متر مکعب، آب استفاده می کنیم که یکی از علل زمینه ساز نشست شهر تهران موضوع چاه‌هایی است که خود شهرداری حفر کرده است و این اشتباهی بود که حالا "وبال گردن" شهرداری است.

شهردار تهران در ادامه با بیان اینکه ۷۱ درصد میادین و بازارهای شهرداری تهران فاقد سند قطعی است، اظهار کرد: ۷۰ درصد پایگاه های مدیریت بحران تا کنون تجهیز شده است که در این زمینه گزارش کاملی در اختیار روسای سه قوه قرار داده‌ایم.

نجفی خاطرنشان کرد: درباره آتش نشانی نسبتا بهتر عمل کردیم گرچه کمبودهایی هم وجود دارد.

نجفی در انتهای صحبت‌های خود با بیان اینکه از من سوال شده که چرا برای اعضای شورای شهر گل ارسال کردی؟ گفت: من به شوخی عنوان کردم که این گل‌ها را برای اعضای شورا فرستادم تا آنها در جلسه سوالات سخت نپرسند و مرا نزد مردم بی آبرو نکنند اما شوخی دومم این است که چون دیروز تولدم بود و همه به غیر از اعضای شورای شهر برایم گل فرستادند خواستم که اعضای شورای شهر خجالت بکشند که در این میان اعضای شورای شهر با تشویقی تولد وی را به او تبریک گفتند.

حمله با قیچی به حجاب یک دختر مسلمان در کانادا

مردی در شهر تورنتوی کانادا که قیچی در دست داشت با نزدیک شدن به یک دختر بچه محجبه، روسری او را قیچی کرد و از محل گریخت.

به گزارش خبرگزاری اهل‌بیت(ع) ـ ابنا ـ مردی در کانادا با حمله به یک دختر بچه ۱۱ ساله محجبه روسری او را با قیچی پاره کرد.

پلیس شهر تورنتو کانادا اعلام کرد روز جمعه مردی که قیچی در دست داشت با نزدیک شدن به یک دختر بچه محجبه در این شهر، روسری او را قیچی کرد و از محل گریخت.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از مونترال این دختر بچه ۱۱ ساله در مصاحبه با تلویزیون‌های محلی گفت: من و برادرم در راه رفتن به مدرسه بودیم که ناگهان مردی که ناسزا می گفت به سمت من آمد و با قیچی روسری من را پاره کرد و از محل گریخت.

پلیس مونترال علاوه بر تایید این حادثه گفت: این دختر بچه در این اقدام آسیبی ندیده است.

کاتلین وین وزیر اول ایالت انتاریو ضمن محکوم کردن این حادثه آن را اقدامی پست و نفرت انگیز خواند.

پلیس از آغاز تحقیقات در این زمینه خبر داد.




ABNA24.com
Photo: Received


ABNA24.com
Photo: Received


READ
CTV
ABNA24.com
Photo: Received

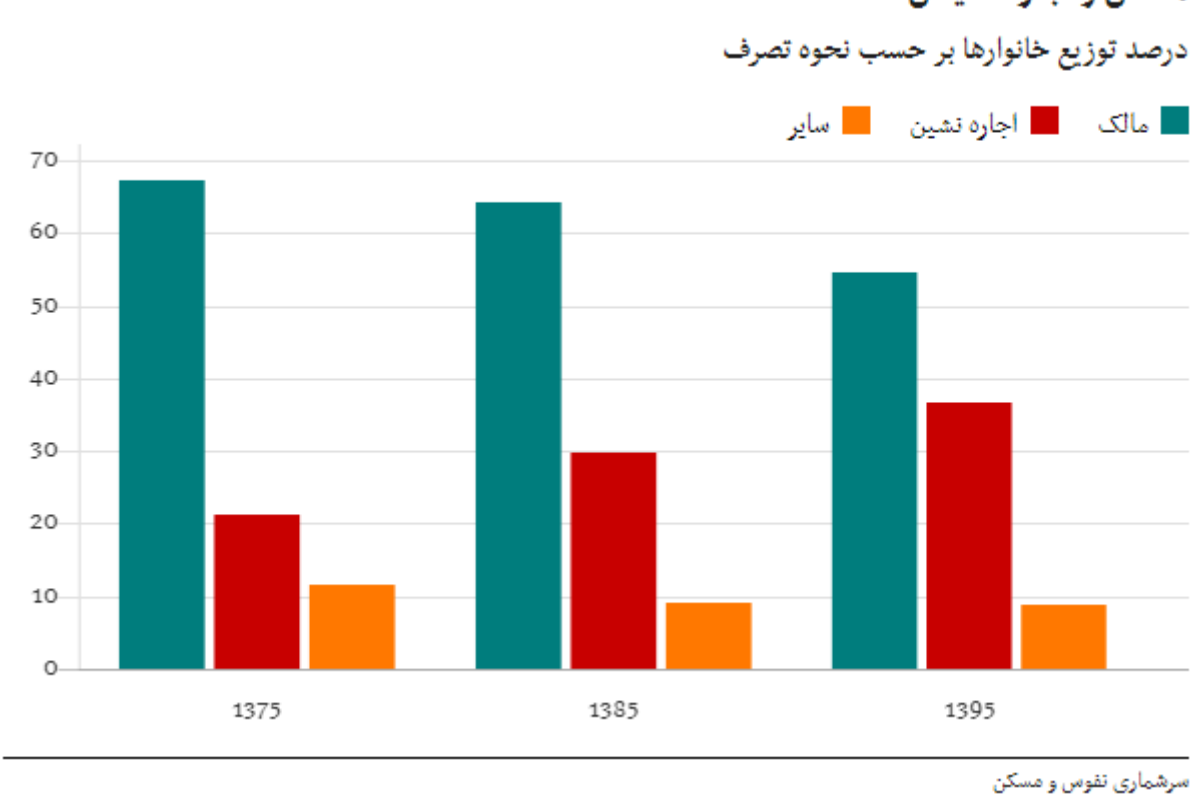

ABNA24.com
Photo: Received

.....

پایان پیام

خانوارهای اجاره‌نشین ایرانی در یک دهه ۸۳ درصد بیشتر شده‌اند

دو دهه بحران مسکن در ایران به روایت آمار
بررسی‌های بی‌بی‌سی فارسی نشان می‌دهد که اجاره‌نشینی در دو دهه اخیر در ایران رو به گسترش بوده است. همچنین در یک دهه اخیر هزینه مسکن بخش بزرگتری از بودجه خانوار را به خود اختصاص داده است.
گزارش‌های بانک مرکزی ایران حاکی از آن است که در دو دهه اخیر سهم مسکن از کل بودجه خانوارهای شهری به طور متوسط ۱۰ درصد بیشتر شده است.
بیشترین رشد سهم مسکن از کل بودجه خانوار در تهران بوده که شدیدترین رشد اجاره بها را نیز داشته است.
همزمان، با آغاز طرح مسکن مهر، رشد اجاره بها در مناطق شهری ایران، در مقایسه با نرخ تورم تا حدی کند شده است.
بنا به سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، سه میلیون و ۵۸۶ هزار خانوار شهری در ایران ساکن خانه‌های اجاره‌ای بودند، رقمی که با ۸۳ درصد رشد ظرف یک دهه به شش میلیون و ۵۶۵ هزار خانوار شهری اجاره‌نشین در سال ۱۳۹۵ رسید.
آمار رسمی حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۵ حدود دو سوم خانوارهای شهری ایرانی (۶۷.۲٪) مالک محل زندگی خود بودند، در سال ۱۳۹۵ این نسبت به اندکی بیشتر از نصف خانوارها (۵۴.۲٪) کاهش یافت.
در مقابل نسبت خانوارهای شهری اجاره‌نشین از ۲۱.۲٪ در سال ۱۳۷۵، به ۳۶.۷٪ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

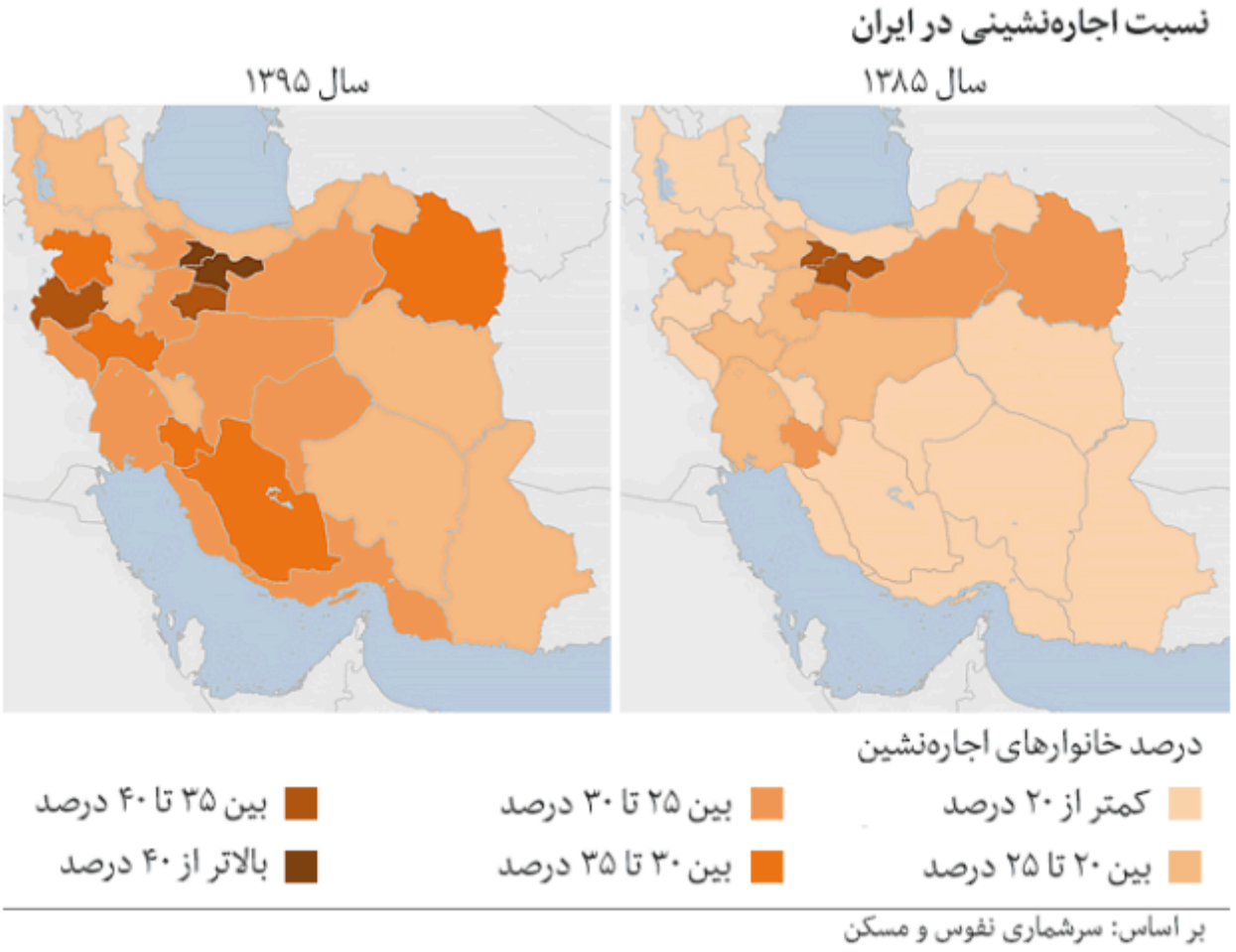


بین این سال‌ها محل سکونت بقیه خانوارهای شهری (بین ۹ تا ۱۱ درصد) خانه‌های سازمانی، رایگان یا امثال آن بوده است.

مستاجران مرکز، مالکان شمال، سازمانی‌های جنوب

در سال ۱۳۹۵ استان تهران بیشترین نسبت خانوارهای اجاره‌نشین را داشته است و ۴۳.۵٪ خانوارهای تهرانی مستاجر بوده‌اند. با توجه به ۷.۶٪ دیگر از خانوارها که در خانه‌های سازمانی و یا رایگان سکونت داشتند، کمتر از نصف خانوارهای تهران مالک محل زندگی خود بوده‌اند.
استان تهران در سال ۱۳۹۵ کمترین نسبت خانوارهای مالک را در میان استان‌های ایران داشته و تنها ۴۸.۸٪ خانوارهای آن مالک محل زندگی خود بودند.
وضعیت دو استان مجاور تهران، یعنی البرز و قم هم مشابه این استان بوده و آنها پس از تهران از هر استان دیگری خانوارهای اجاره‌نشین بیشتری دارند و خانوارهای مالک کمتری.
بالاترین نسبت مالکیت مسکن به استان‌های شمالی ایران تعلق دارد و در همه استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان و زنجان نزدیک به ۷۰٪ خانوارها مالک محل زندگی خود هستند. استان خراسان جنوبی نیز وضعیت مشابهی دارد.
بالاترین نسبت سکونت در خانه‌های سازمانی و رایگان نیز در استان‌های هرمزگان (۱۴.۳٪)، خوزستان (۱۳.۵٪)، سیستان و بلوچستان (۱۲.۵٪) و قم (۱۰٪) به چشم می‌خورد. سهم خانه‌های سازمانی در بقیه استان‌ها کمتر از ۱۰ درصد است.

خراسان جنوبی تنها استانی است که در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ سهم خانوارهای مالک در آن افزایش یافته است، هرچند این افزایش ناچیز و تنها نیم درصد است.
در این دوره نسبت خانوارهایی که مالک محل زندگی‌شان بوده‌اند در همه استان‌های دیگر پایین آمده است.



شدیدترین سقوط نسبت مالکیت در استان‌های نیمه جنوبی زاگرس بوده است. کرمانشاه (۱۵.۶٪)، ایلام (۱۳.۱٪)، لرستان (۱۲.۲٪) و خوزستان (۱۱.۹٪) استان‌هایی هستند که نسبت خانوارهای مالک در آنها بیشتر از نقاط دیگر افت کرده است. قم، بوشهر و فارس هم سه استان دیگری هستند که افت مالکیت در آنها بیش از ۱۰ درصد بوده است.
در این دوره ده ساله، نسبت خانوارهای مالک در تهران ۷.۸ درصد پایین آمده و در مقابل ۸.۳ درصد به خانوارهای اجاره‌نشین اضافه شده است.
بیشترین افزایش سهم اجاره‌نشینی در استان‌های کرمانشاه، ایلام، بوشهر، لرستان، فارس و چهارمحال وبختیاری بوده است.

اجاره‌های تهران

هزینه مسکن در دو دهه اخیر سهم فزاینده‌ای از بودجه خانوار را به خود اختصاص داده است. یعنی خانوارها در مقایسه با خوراک و پوشاک و دیگر هزینه‌ها، بخش‌های هرچه بیشتری از بودجه‌شان را خرج مسکن کرده‌اند.
در سال ۱۳۷۶ خانوارهای شهری ایران به طور متوسط ۲۶.۴ درصد از بودجه خود را صرف مسکن می‌کردند. این سهم در سال ۱۳۸۶ به ۳۳.۹ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۳۶.۴ درصد از کل بودجه خانوار رسید.
شدیدترین افزایش سهم مسکن از کل بودجه در تهران اتفاق افتاده است. در حالی که دو دهه طول کشید تا در سطح متوسط کشوری سهم مسکن از بودجه ۱۰ درصد بالا برود، در استان تهران، تنها در فاصله ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵، سهم مسکن از بودجه خانوار ۱۳ درصد بیشتر شده و از ۳۴ درصد به ۴۷ درصد رسیده است.
یعنی تهرانی‌ها چیزی نزدیک به نیمی از بودجه‌شان را صرف مسکن می‌کنند.
پس از تهران استان فارس هم استانی است که در آن هم هزینه مسکن سهم بزرگتری از بودجه خانوار را دربرمی‌گیرد (۳۹ درصد در سال ۱۳۹۵) و هم رشد سهم هزینه مسکن در آن بالاتر از دیگر استان‌ها بوده است (۱۱ درصد بین ۸۵ تا ۹۵).
خراسان جنوبی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد تنها استان‌هایی هستند که در سال ۱۳۹۵ هزینه مسکن در آنها کمتر از یک پنجم بودجه خانوار بوده است (به ترتیب ۱۵٪، ۱۸٪ و ۱۹٪).
این سه استان، در کنار سمنان و گلستان تنها استان‌هایی هستند که در آنها بین سال‌های ۸۵ و ۹۵ سهم مسکن از هزینه خانوار پایین آمده است.
ایلام شهری است که در آن اجاره بهای متوسط هر متر مربع واحد مسکونی کمترین افزایش را داشته و بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ به قیمت‌های جاری دو و نیم برابر شده است.

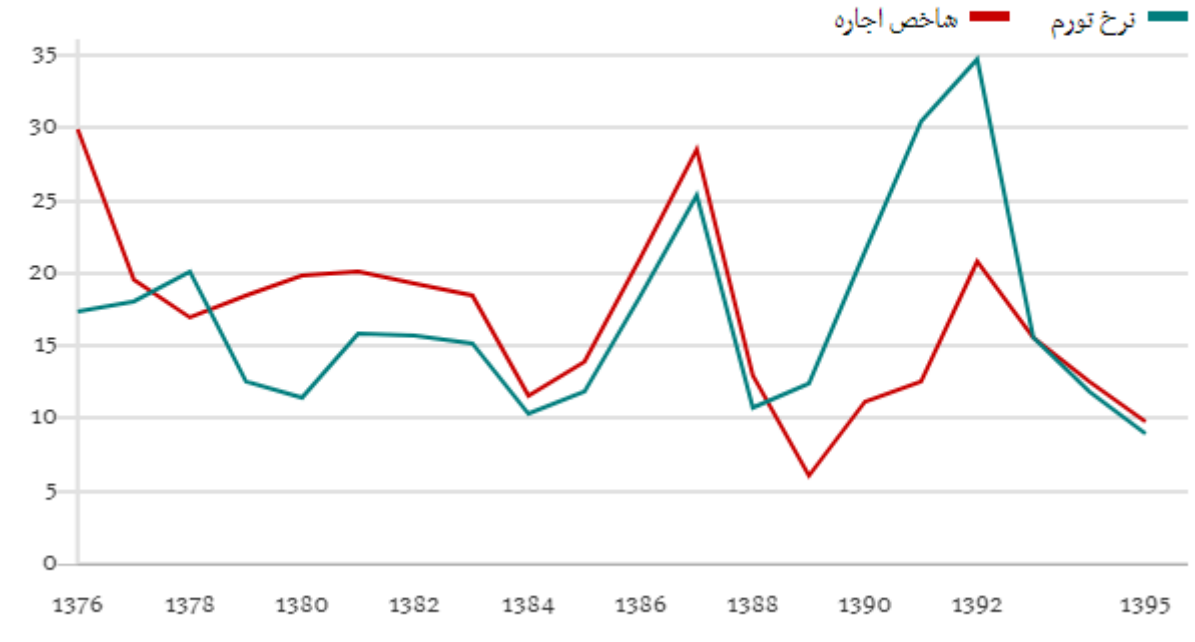
کرمان، ساری و بجنورد دیگر شهرهای بزرگی هستند که اجاره بها در آنها ظرف یک دهه کمتر از سه برابر بالا رفته است.
در همین دوره اجاره بهای متوسط در شهر تهران ۶.۹ برابر شده است. قم و کرج هم پس از تهران بیشترین افزایش اجاره بها را داشته‌اند و در یک دوره ده ساله اجاره بها در آنها پنج برابر شده است.
برای اینکه تصویری از رشد اجاره بها در شهرهای مختلف ایران داشته باشید، در نظر بگیرید که در سال ۱۳۸۴ اجاره ماهانه یک خانه صد متری در تهران ۳۱۵ هزار تومان بود، مبلغی که در سال ۱۳۹۴ به دو میلیون و ۱۸۲ هزار تومان رسید.
در سال ۱۳۸۴ درآمد پولی ماهانه خانوارها در استان تهران ۵۲۸ هزار تومان بود، مبلغی که در سال ۱۳۹۴ به دو میلیون و ۳۸۶ هزار تومان افزایش یافت.
به این ترتیب در سال ۱۳۸۴ می‌شد با ۵۹ درصد درآمد متوسط یک خانوار در تهران خانه‌ای اجاره کرد. اما در سال ۱۳۹۴ یک خانوار با درآمد متوسط باید ۹۱ درصد درآمدش را کنار می‌گذاشت تا بتواند همان خانه صد متری را اجاره کند.
در کنار تهران، یزد را در نظر بگیرید که یکی از ارزان‌ترین شهرهای بزرگ برای اجاره خانه است.
در سال ۱۳۸۴ می‌شد با ۲۰ درصد درآمد متوسط در استان یزد خانه‌ای صد متری با اجاره متوسط گرفت. این نسبت در سال ۱۳۹۴ به ۱۰ درصد درآمد متوسط کاهش پیدا کرد.
اگر سطح قیمت‌ها را ثابت در نظر بگیریم و اجاره بها را با توجه به تورم تعدیل کنیم، در دوره ۸۴ تا ۹۴ اجاره بهای متوسط در اغلب شهرها پایین آمده است.
تهران تنها شهر بزرگی است که در این دوره اجاره بها به قیمت ثابت در آن بالا رفته و ۲۱ درصد رشد کرده است.

تاثیر احتمالی مسکن مهر بر قیمت‌ها

نزول اجاره بها به قیمت‌های ثابت برای بسیاری از شهرها به نیمه دوم دهه اخیر مربوط می‌شود و در نیمه اول این دهه اجاره بها در بسیاری از شهرها به قیمت ثابت هم در حال افزایش بود، یعنی با شتابی بیشتر از تورم عمومی بالا می‌رفت.
چنان که نمودار مقایسه نرخ تورم و نرخ تورم اجاره بها نشان می‌دهد، در همه دوره سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ (به استثنای سال ۱۳۸۲) نرخ تورم اجاره بالاتر از نرخ تورم بود. یعنی اجاره‌ها بیشتر از سطح عمومی قیمت‌ها بالا می‌رفتند.
اما از سال ۱۳۸۹ به مدت چهار سال رشد اجاره‌ها نسبت به رشد تورم کند شد.

رشد اجاره و رشد قیمت‌ها

مقایسه نرخ تورم و شاخص اجاره در مناطق شهری (درصد)



بانک مرکزی ایران

سال ۱۳۸۹ سالی است که در آن طرح مسکن مهر آغاز شد.
انتقادها از مسکن مهر فراوان بوده و جنبه‌های مختلفی داشته است، اما به نظر می‌رسد همزمان با آغاز این طرح سرعت رشد اجاره بها کم شده است.

گزارش تحلیلی از انتخابات پارلمانی عراق؛

آشنایی با ائتلاف ها و جناح بندی های شیعی، سنی و کردی/ ائتلاف سازمان بدر و حشدالشعبی با حیدرالعبادی/شکاف در میان سنی ها/ کردها چه خواهند کرد؟

با نزدیک شدن به موعد انتخابات پارلمانی عراق ـ که بنا بر اعلام قبلی قرار است در دوازدهم ماه می برگزار شود ـ تکاپوی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراقی برای مشارکت در این انتخابات و به دست آوردن سهم بیشتری از آرای مردمی، بیشتر شده است. در این میان، گروه ها و جناح بندی های شیعی، سنی و کردی در حال چانه زنی و رایزنی های دوجانبه و چندجانبه جهت بستن لیست های انتخاباتی خود هستند.

کد خبر:۷۶۴۳۴۷
تاریخ انتشار:۲۴ دی ۱۳۹۶ - ۱۳:۴۱14 January 2018

با نزدیک شدن به موعد انتخابات پارلمانی عراق ـ که بنا بر اعلام قبلی قرار است در دوازدهم ماه می برگزار شود ـ تکاپوی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراقی برای مشارکت در این انتخابات و به دست آوردن سهم بیشتری از آرای مردمی، بیشتر شده است.

به گزارش «تابناک»؛ در این میان، گروه ها و جناح بندی های شیعی، سنی و کردی در حال چانه زنی و رایزنی های دوجانبه و چندجانبه جهت بستن لیست های انتخاباتی خود هستند.

نایب رئیس کمیسیون عالی انتخابات عراق در سلیمانیه اعلام کرد، ۲۴ میلیون رأی دهنده واجد شرایط در انتخابات پارلمانی عراق که قرار است ۱۲ ماه می سال ۲۱۰۸ میلادی در این کشور برگزار شود، می‌توانند پای صندوق‌های رأی بروند.

رزگار محمد امین، نائب رئیس کمیسیون عالی انتخابات در عراق در گفت‌وگو با رسانه‌ها با اعلام این مطلب گفت: در انتخابات پیش رو در عراق ۲۴ میلیون واجد شرایط رأی دادن هستند که از این تعداد سه میلیون و ۷۰۰ هزار تن برای اولین بار در انتخابات می‌توانند شرکت کنند.

وی افزود: تا پنجشنبه که آخرین روز ثبت ائتلاف‌های انتخاباتی است ۲۰۵ گروه سیاسی برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرده و ۳۱ ائتلاف نیز بین گروه‌های سیاسی تشکیل شده است.

به گفته محمد امین برای اولین بار در تاریخ انتخابات پارلمانی در عراق از دستگاه‌های الکترونیک برای رأی گیری استفاده خواهد شد و انتخابات کاملا الکترونیکی برگزار می‌شود، به نحوی که رأی دهنده می‌تواند اطمینان داشته باشد که رأی آنها دستکاری نخواهد شد و به جرأت می‌توان گفت که انتخاباتی سالم در عراق برگزار می‌شود.

روزنامه فرامنطقه‌ای القدس العربی، عمار حکیم، از رهبران جریان شیعی در عراق و رئیس جریان «الحکمه»در دیدار با یان کوبیش، نماینده دبیرکل سازمان ملل در این کشور مخالفتش را با تلاش‌ها برای به تأخیر انداختن انتخابات اعلام و تأکید کرد: انتخابات باید در موعد مشخص شده در قانون اساسی برگزار شود چراکه قانون اساسی ضامن نظام دموکراتیک در کشور است. وی خواهان فراهم آوردن تمامی امکانات جهت موفقیت انتخابات شد.

چند دستگی میان شیعیان

یکی از مهم ترین عوامل چند دستگی میان شیعیان اختلاف میان نخست وزیر حیدرالعبادی و نوری المالکی نخست وزیر سابق است که هر دو از رهبران حزب الدعوه هستند و به نظر می رسد، بر سر شماره یک قرار گرفتن در لیست انتخاباتی رقابت می کنند.

در همین زمینه، به رغم ماندن العبادی و نوری مالکی در حزب الدعوه نخست وزیر عراق و نوری مالکی در قالب دو لیست جدا از هم وارد رقابت‌های انتخاباتی آتی می‌شوند. طرفداران حزب الدعوه می‌گویند، این تنوع برای حزب و ائتلاف دولت قانون به رهبر نوری مالکی فایده خواهد داشت چون حامیان هر دو را مشخص می‌کند. اما برخی می‌گویند، اختلاف بین مالکی و العبادی بر سر شماره یک بودن و در راس لیست انتخاباتی قرار گرفتن بازمی‌گردد.

یک مقام سیاسی مطلع گفت: مالکی شروطی را که العبادی بر او تحمیل کرده، رد می‌کند و نمی‌خواهد «شماره دو»ی لیست باشد. العبادی نمی‌خواهد شماره دو در مقابل مالکی به عنوان شماره یک باشد و تنها قرار گرفتن خود به عنوان فرد شماره دو در لیست را مشروط به این کرده که مالکی متعهد به حمایت از العبادی برای دور دوم نخست وزیری شود.

البته برخی نیز می‌گویند، اختلافات العبادی و مالکی تنها به شماره یک بودن لیست انتخاباتی نیست بلکه اصل داستان به رسیدن العبادی به پست نخست وزیری برخلاف میل مالکی بازمی‌گردد و زمانی که العبادی این شروط را به مالکی مطرح کرد می‌دانست که او نمی‌پذیرد و از این روی، خروج العبادی از ائتلاف دولت قانون و ورود به انتخابات تحت لیست النصر قابل توجیه بود. او در حال مذاکره با حشد شعبی در قالب لیست فتح المبین برای ائتلاف با آنهاست.

یک رهبر حزب الدعوه و حامی مالکی گفت: حزب الدعوه وابسته به افراد نیست. هر که از الدعوه خارج شود،

متحمل خسارت زیادی می‌شود. خروج از حزب به رغم اختلافات به نفع العبادی و حزب نیست. به هر حال ائتلاف العبادی با برخی از اعضای حزب الدعوه نهایتا به پیرزوی ائتلاف دولت قانون می‌انجامد.

ائتلاف النصر در مقابل ائتلاف دولت قانون

بالاخره نشست حزب الدعوه به توافق بین نوری مالکی و حیدر العبادی برای تشکیل یک ائتلاف جهت ورود به انتخابات نینجامید و العبادی از تشکیل ائتلاف «النصر و الاصلاح» خبر داد و نوری مالکی نیز در رأس ائتلاف دولت قانون تحت نظارت حزب وارد انتخابات می‌شود.

حیدر العبادی نخست وزیر عراق در صفحه خود در توییتر نوشت، ائتلاف النصر در راستای حفظ پیروزی، فداکاری شهدا و مبارزه با فساد و سهمیه‌بندی‌ها تلاش خواهد کرد.

اعلام رسمی همپیمانی «العبادی» با «العامری» و حشد الشعبی

دو ائتلاف «النصر» و «الفتح» به رهبری نخست‌وزیر و رئیس سازمان بدر عراق، پس از رایزنی‌های جدی، شب گذشته تصمیم گرفتند در رقابت‌های انتخاباتی آتی کشور همپیمان شوند.

منابع آگاه، شب گذشته از توافق نهایی میان دو ائتلاف «النصر» به رهبری «حیدر العبادی» نخست‌وزیر و «الفتح» به رهبری «هادی العامری» برای ایجاد ائتلافی مشترک برای شرکت در انتخابات آتی کشور خبر دادند.

پیش از این، گمانه‌زنی‌هایی درباره ائتلاف العامری و العبادی صورت گرفته بود.

منابع آگاه اعلام کردند، پس از مذاکراتی جدی میان دو طرف، بر سر تشکیل ائتلافی واحد، قرار شد دو طرف با ائتلافی به نام «النصر و الفتح» وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند.

در بیانیه این ائتلاف جدید که نسخه‌ای از آن در «پونا نیوز» منتشر شد، آمده است: ما پس از آزادسازی کلیه اراضی عراقی، روند بازسازی و عمران کشور را آغاز و درهای ائتلاف خود را به روی کلیه نیروهای ملی و خیر عراقی باز می‌کنیم. ما می‌خواهیم به افراد خبره و حرفه‌ای برای حفظ مشارکت کلیه عراقی‌ها به منظور داشتن کشوری یکپارچه اعتماد کنیم.

ائتلاف الفتح روز پنجشنبه پیش، به ریاست العامری تشکیل شد و اغلب گروه‌های زیرمجموعه «الحشد الشعبی» و 15 حزب سیاسی به آن پیوستند.

این ائتلاف رسما روز پنجشنبه پیش اعلام موجودیت کرد و اغلب گروه‌های وابسته الحشد و در مقدمه آنها «عصائب اهل الحق» به آن پیوستند. همچنین 15 حزب سیاسی ثبت شده در کمیساریای عالی انتخابات در این ائتلاف حضور یافتند که احزاب «المستقبل» و «الوفاء و التغییر» از جمله آنها بودند.

بر اساس این گزارش، عصائب اهل الحق به ریاست «قیس الخزعلی»، مجلس اعلای اسلامی، تجمع عدالت و وحدت به ریاست خود او، تجمع عراق آینده به ریاست «ابراهیم بحرالعلوم»، جنبش الوفاء و التغییر به ریاست «اسکندر وتوت» و شماری از گروه‌های الحشد الشعبی در این ائتلاف حضور دارند.

جریان حکیم و صدر

در همین راستا، جریان ملی الحکمه به رهبری عمار حکیم مشارکت خود به صورت انفرادی را در انتخابات آتی نهایی کرد.

منابع می‌گویند، ائتلاف‌های الفتح و النصر به رویکردهای الحکمه نزدیکتر هستند و احتمالا الحکیم بعد از انتخابات با یکی از این دو ائتلاف کند.

اما جریان صدر از طریق لیست الاحرار در انتخابات شرکت نخواهد کرد، بلکه با احزاب سیاسی چپ‌گرا و مدنی با ائتلاف انتخاباتی جدید شرکت خواهد کرد.

جعفر موسوی، رئیس هیأت سیاسی جریان صدر ۲۰ دسامبر از تشکیل حزب ملی الاستقامه خبر داده بود.

قرار است، روز دوشنبه تشکیل ائتلاف انتخاباتی با عنوان «سائرون للاصلاح» در بغداد اعلام شود.

این ائتلاف شامل شش حزب سیاسی است که در کمیته عالی ثبت‌نام کرده‌اند و در رأس آن حزب کمونیست عراق است.

چند دستگی میان سنی‌ها

دودستگی در ائتلاف‌های سیاسی تنها به شیعیان محدود نمی‌شود بلکه به گروه‌های سیاسی سنی نیز مربوط می‌شود.

ایاد علاوی، رئیس ائتلاف الوطنیه توانست سی گروه سیاسی را به لیست خود ملحق کند که مهم‌ترین آن‌ها سلیم جبوری، رئیس پارلمان و صالح المطلق، معاون سابق نخست‌وزیر هستند. در حالی که اسامه نجیفی، رئیس ائتلاف «متحدون» و اثیل نجیفی و رافع العیساوی، وزیر سابق دارایی و شخصیت‌های سیاسی دیگر تصمیم گرفته‌اند، ائتلاف دیگری را با خمیس الخنجر، رهبر طرح عربی تشکیل دهند.

البته مشکل شماره یک بودن تنها به الدعوه و دولت قانون محدود نمی‌شود، بلکه حتی لیست‌های دیگر از جمله فراکسیون‌های انتخاباتی شامل ایاد علاوی، سلیم جبوری و صالح مطلق نیز با این مشکل روبه‌رو هستند.

ایاد جبوری به الشرق الاوسط گفت: شماره یک لیست هنوز مشخص نیست، اما توافق بر سر شروط ائتلاف و اصولش وجود دارد. علاوی به احتمال زیاد شماره یک در بغداد و جبوری شماره یک در دیالی خواهد بود. بقیه ردیف‌ها نیز بر حسب حجم فراکسیون‌های پیوسته به ائتلاف مشخص خواهند شد.

پسا همه پرسی و نقش کردها در انتخابات

در شرایط جدید، اکنون این مسأله مطرح شده که جایگاه کردها در آینده سیاسی عراق و حضور آنها در فرآیند

سیاسی عراق چه سمت و سویی خواهد داشت؟
کردهای عراق از ابتدای تشکیل اولین کابینه دولت در عراق در سال 2005 تاکنون نقشی مؤثر را در عرصه سیاسی این کشور بازی کرده اند. کردها همواره در کابینه دولت چند وزیر را داشته اند و از همان ابتدای عراق جدید منصب ریاست جمهوری در دست کردها بوده است. با وجود این، متعاقب برگزاری همه پرسی در اقلیم کردستان این فرضیه به شکل جدی مطرح شده که دیگر مشارکت میان کردها و سایر احزاب و گروه های عراقی در تشکیل حکومت با چالش جدی مواجه بوده و دیگر جریان های سیاسی عراقی قائل به حضور کردها در قدرت همچون گذشته نیستند.
مع الوصف در هفته گذشته در فضای سیاسی اقلیم کردستان بحث های جدی پیرامون نوع مشارکت کردها در انتخابات می 2018 مجلس نمایندگان عراق مطرح شده است. در این میان، ظهور دو جریان سیاسی «ائتلاف برای دموکراسی و عدالت» به ریاست برهم احمد صالح نخست وزیر سابق اقلیم کردستان و «نسل نو» به ریاست شاسوار عبدالواحد رئیس جریان «خیر در شرایط کنونی» در روند برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق، عرصه معادلات سیاسی را تاحدود زیادی با ابهام مواجه کرده است.
در مجموع اکنون این پرسش مهم مطرح می شود که با توجه به بحران اقتصادی موجود در اقلیم و اختلافات عدیده میان احزاب و جریان‌های سیاسی این اقلیم، آرایش نیروهای سیاسی کردی برای شرکت در انتخابات مجلس نمایندگان عراق در می 2018 به چه صورت خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش می توان سه سناریو را طرح کرد که عبارتند از:
1. حضور تمام جریان های سیاسی در قالب ائتلاف فراگیر
2. دوگانه ائتلاف سلیمانیه در مقابل ائتلاف اربیل
3. تقسیم جناح های سیاسی کردی پیرامون دو محور عبادی و مالکی

ویلاسازی دستگاه‌های دولتی در سواحل خزر با پول بیت‌المال»/جنون جنگل‌خواری و ویلاسازی در شمال کشور

صدای آلمان. نماینده رشت در مجلس می‌گوید دستگاه‌های دولتی هزاران میلیارد تومان برای ویلاسازی در سواحل خزر از بیت‌المال هزینه می‌کنند. فقط در استان مازندران شتاب ساخت و ساز طی ۱۰ سال اخیر، ۴ برابر رشد جمعیت این استان بوده است.

جبار کوچکی‌نژاد نماینده رشت در مصاحبه با خبرگزاری میزان (۲۵ شهریور/ ۱۶ سپتامبر) گفت برخی از دستگاه‌های دولتی بالغ بر هزاران میلیارد تومان برای ساخت ویلا در سواحل خزر از بیت‌المال هزینه می‌کنند. به نظر نماینده رشت ویلاسازی در کنار دریای خزر طبق قانون برنامه توسعه تخلف است و باید بررسی شود.

به کانال دویچه وله فارسی در تلگرام بپیوندید

کوچکی‌نژاد در ادامه صحبت‌های خود همچنین گفته است، بیشترین ویلاسازی در حاشیه دریای خزر مربوط به سازمان‌های دولتی است که این قبیل اماکن را به "حیاط خلوت ایام تعطیلی" خود تبدیل کرده‌اند.

جنون جنگل‌خواری و ویلاسازی در شمال کشور

بسیاری از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی برای ایجاد شهرک و ویلاسازی در مناطق ساحلی خزر با یکدیگر رقابت می‌کنند. ویلاسازی در سه استان مازندران، گیلان و گلستان روز به روز بیشتر می شود. کارشناسان محلی می‌گویند در کنار مشکلات آلودگی خزر اکنون "جنگل‌خواری" و "ویلاسازی دستگاه‌های دولتی" هم به جمع مشکلات خزر افزوده شده است.

"دنیای اقتصاد"، درباره "ابعاد جنون جنگل‌خواری در شمال کشور" هشدار داده و می‌نویسد، در استان مازندران، شتاب ساخت و ساز طی ۱۰ سال اخیر، دست‌کم ۴ برابر رشد جمعیت شهرها و روستاهای این استان بوده است.

بیشتر بخوانید: ویلاسازی در گردنه حیران؛ نوک کوه یخ زمین‌خواری

طبق داده‌های دنیای اقتصادی بخش زیادی از موجودی مسکن استان مازندران در قالب "خانه دوم" یا "شهرک‌های مسکونی خصوصی و دولتی"، برای اقامت‌های ناپیوسته و چند روز در سال است که در ظرف این سال‌ها ایجاد شده است.

دنیای اقتصاد می‌نویسد که در حال حاضر از هر ۱۰ خانه در استان مازندران یک خانه، خالی از سکنه است.

ملک دولتی ها بر سواحل و ابعاد ویرانگر "ساحل خواری"



در کنار زمین خواری ،کوه خواری، رودخانه خواری اکنون ساحل خواری نیز به کلکسیون سوء استفاده افراد اضافه شده است. ساحل خواری موضوعی حساس است که به نظر می رسد باعث شده دسترسی مردم برای ۸۰ درصد از سواحل شمالی کشور را غیرممکن شود.
به گزارش «پارسینه»، آش ساحل خواری در استانهای شمالی کشور به اندازه ای شور شده که همین چند ماه پیش رئیس کل دادگستری استان مازندران به صراحت گفته بود ۵۴ درصد از اراضی تصرف شده در اختیار دولت و دستگاه های حاکمیتی است.
در همین زمینه نماینده مردم رشت در مجلس با تاکید بر لزوم تشکیل کارگروهی برای ساماندهی سواحل دریا، گفته است: باید قوه قضاییه و قوه مجریه با همکاری یکدیگر کارگروهی تشکیل دهند تا حداقل بخش اعظمی از سواحل دریا آزادسازی شود.
غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی با تاکید بر ضرورت آزادسازی سواحل، افزود: متاسفانه امروزه مردم در استفاده از منابع طبیعی مانندریا محروم هستند زیرا اشخاص حقیقی و حقوقی سواحل را به تسخیر خود درآورده اند.
نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: اشخاص حقوقی عمدتا دولتی ها و در کنار آن مجموعه های خصوصی هستند که این سواحل را تملک کرده اند و تقریبا تصرف غیرقانونی بسیار کم است به گونه ای که همه دارای اسناد هستند.
این نماینده مردم در مجلس دهم، با بیان اینکه دولت باید مانند بسیاری از کشورهای دنیا سواحل را آزاد کند، تصریح کرد: باید مجموعه های دولتی ساحل را به مردم تحویل دهند و دستگاه متولی این سواحل را مدیریت و حفاظت کرده تا کسی متصرف نشود.
وی یادآور شد: از سویی دیگر باید از اشخاص حقیقی نیز سواحل خریداری شود زیرا اینکه مردم برای استفاده از منابع طبیعی دچار مشکل شوند اقدام پسندیده ای نیست؛ سواحل برای استفاده عموم است اما عده ای برداشت های شخصی از آن دارند.
جعفرزاده ایمن آبادی درباره علت توقف آزادسازی سواحل در دولت قبل، یادآور شد: در ان زمان عمده اقدامات قهری بود درحالی که باید برای آزادسازی سواحل روند قانونی سپری می شد زیرا در دورانی به افراد سند داده شد و آنها مالکیت داشتند لذا بایستی با تشکیل کمیته ای، نسبت به آزادسازی سواحل روشی منطقی در پیش گرفته می شد.
نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی، گفت: باید قوه قضاییه و قوه مجریه با همکاری یکدیگر کارگروهی تشکیل دهند تا حداقل بخش اعظمی از سواحل را آزاد کنند؛ انتظار داریم بیش از ۵۰ درصد معضل اشتغال خود را از طریق گردشگری رفع کنیم و لذا آزاد سازی سواحل می تواند تاثیر شگرفی برای حوزه اشتغال کشور داشته باشد.
به نظر می رسد آنچه که در این عرصه به عنوان ضرورتی جدی و اجتناب ناپذیر محسوب می شود، عزم و همتی جدی در اجرای قانون است، نه وضع و تصویب قوانین جدید، زیرا از لحاظ تدوین قانون خلا چندانی، در این عرصه احساس نمی شود و به عقیده بسیاری از کارشناسان زیربط، عزم جدی و همیاری و هم افزایی بین دستگاهی از مولفه های حائز اهمیتی است که می تواند به عنوان یک عنصر بازدارنده از تشدید چنین تصرفات و تصرفاتی به بستر رودخانه ها جلوگیری کند. ضمن اینکه مدیریت یکپارچه، کارآمدکردن قوانین چند ده ساله، و عزم راسخ همه دستگاه ها باعث جلوگیری، بازپس گیری و الحاق آن به بیت المال خواهدشد.

سواحل دریای خزر در قرق ارگانها و اشخاص پرنفوذ ، محرومیت مردم از دسترسی به سواحل

جعفرزاده ایمنی آبادی مطرح کرد:

مجموعه‌های تفریحی نهادهای‌دولتی یا ویلاهای شخصی مدیران/مجموعه های دولتی سواحل را به مردم تحویل دهند

سرویس اقتصادی
نماینده مردم رشت در مجلس با اشاره به اینکه برخی نهادها و ارگان های خاص و دولتی بخش زیادی از سواحل را در اختیار دارند، گفت: یکی از مهمترین اقدامات دولت آینده در حوزه گردشگری باید آزادسازی و پاکسازی سواحل باشد.
یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ ساعت ۰۷:۴۹
غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی در گفت وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به اینکه برخی نهادها و ارگان های خاص و دولتی بخش زیادی از سواحل را در اختیار دارند، گفت: بسیاری از مردم در فصل تابستان قصد عزیمت به سواحل شمالی را دارند، اما متاسفانه این ارگان ها با در اختیار داشتن بخش زیادی از سواحل راه دسترسی مردم را بسته اند.

نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه ساحل دریا برای عموم مردم بوده و نباید استفاده از آن را اختصاصی کرد، افزود: متاسفانه امروزه مردم در استفاده از منابع طبیعی خدادادی همانند ساحل دریا محروم هستند، چراکه اشخاص حقیقی و حقوقی سواحل را به تسخیر خود درآورده اند.

مهمترین اقدامات دولت آینده در حوزه گردشگری باید آزادسازی و پاکسازی سواحل باشد

جعفرزاده ایمن آبادی با اشاره به اینکه قانون آزادسازی سواحل به درستی اجرا نشده است، ادامه داد:در اطراف سواحل، برخی ارگان ها با هدف ارائه خدمات تفریحی به کارمندان خود ساختمان ها و اردوگاه هایی ساخته اند، اما این ساختمان ها عملا به ویلای شخصی مسئولان و مدیران تبدیل شده است.

وی با بیان اینکه یکی از مهمترین اقدامات دولت آینده در حوزه گردشگری باید آزادسازی و پاکسازی سواحل باشد، یادآور شد:دریا جزء انفال بوده و آزادسازی آن برای استفاده عموم باید در دستورکار دولت دوازهم قرار گیرد، لذا یک نهاد نمی تواند در آن تصرف کند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، با اشاره به هزینه بالای نگهداری مجموعه های تفریحی نهادهای دولتی، تصریح کرد: مجموعه های دولتی باید ساحل را به مردم تحویل دهند و دستگاه متولی این سواحل را مدیریت و حفاظت کرده تا اشخاص حقیقی و حقوقی در آن تصرف نکنند.

***

یوسفیان ملا:

آزادسازی سواحل تنها به تخریب خوابگاه دختران محدود شد/توجهی به سازه ارگان‌های دولتی و اشخاص پرنفوذ نمی شود

سرویس اجتماعی

نماینده مردم آمل و لاریجان در مجلس با انتقاد از تصرف تمامی اراضی سواحل دریای خزر، گفت: ویلاسازی مسئولان و افزایش سازه‌های ارگان‌های دولتی در سواحل مانع اجرای آزادسازی سواحل است.

چهارشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ ساعت ۱۴:۱۹

عزت‌الله یوسفیان ملا در گفت وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه‌ملت در خصوص اجرای نکردن قانون آزادسازی سواحل، گفت: متاسفانه در اجرای آزادسازی سواحل در سال‌های گذشته تنها به تخریب خوابگاه دختران دانشگاه بابلسر اکتفا کردند در حالیکه توجهی به سازه ارگان‌های دولتی و اشخاص پرنفوذ نشده است.

نماینده مردم آمل در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: مسئولان آزادسازی سواحل، خود در سواحل دریا ویلاسازی کردند و بسیاری از دستگاه‌های دولتی استراحتگاه‌هایی را در سواحل ساخته‌اند، در حقیقت این افراد ذی‌نفع قصد آزادسازی سواحل را ندارند.

وی با یادآوری اینکه اراضی سواحل دریای خزر از آشوراده تا آستارا به میزان ۳۸۴ کیلومتر است، افزود: در سال های گذشته تمامی این اراضی تصرف شده به نوعی که یک وجب هم جای خالی باقی نمانده مگر خیابانی که به دریا ختم شود، در حقیقت همه اراضی سواحل تغییر کاربری داده شده و ساخت و ساز در آن توسعه یافته است.

یوسفیان ملا با تاکید بر اینکه طبق قانون حریم دریا و جاده‌های ساحلی، اراضی دولت بوده و ساخت و ساز در آنها ممنوع است، گفت: دولت گذشته این قانون را مصوب کرد و به دنبال آن تنها خوابگاه دختران دانشجو تخریب شد اما بعد از آن آزادسازی سواحل فراموش شد.

نماینده مردم آمل و لاریجان در مجلس شورای اسلامی تشکیل سازمان عمران دریا و ساحل را در آزادسازی سواحل تاثیرگذار دانست و تصریح کرد: ذی‌نفعان اجازه تشکیل این سازمان را هم نداده‌اند، متاسفانه در شرایطی که تمامی سواحل تصرف شده، سدجویان به دنبال تصرف حواشی روستاها و جنگل‌ها هستند.

به گزارش خبرگزاری خانه‌ملت؛ هیئت وزیران در اردیبهشت سال ۸۸ به استناد ماده (۶۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه اجرایی آزادسازی حریم ساحلی دریای خزر را تصویب کرد./

*****

تصرف ۵۴ درصدی سواحل دریای خزر توسط دولتی ها

تصرف سواحل دریایی خزر از سوی دریاخواران شب گذشته در برنامه گفتگوی ویژه خبری بررسی شد.

به گزارش عصر فرهنگ؛ تصرف سواحل دریایی خزر از سوی دریاخواران شب گذشته در برنامه گفتگوی ویژه خبری با حضور "مسعود منصور" معاون حفاظت و امور اراضی سازمان جنگل‌ها ، مراتع و آبخیزداری کشور و "فداکار" معاون سواحل سازمان محیطزیست و "حجت‌الاسلام و المسلمین تقوی فرد" رئیس کل دادگستری استان مازندران مورد بحث و بررسی قرار گرفت

فداکار معاون سواحل سازمان محیطزیست در ابتدا در پاسخ به سؤال اول مجری برنامه مبنی بر این که چه تعداد از دریاخواران را افراد حقیقی و چه تعداد را افراد حقوقی تشکیل می‌دهند گفت: حدود ۸۰ درصد سواحل استان مازندران تصرف شده و مابقی آزاد است.

تصرف ۸۰ درصدی سواحل دریای خزر

وی افزود: از ۸۰ درصد تصرفی که صورت گرفته ۲۸ درصد از سوی دستگاه‌های دولتی، ۱۲ درصد از سوی شهرک‌های ساحلی، ۲۴ درصد افراد حقیقی ، ۱۰ درصد نهادها و ۴ درصد آزاد است که در اختیار عموم قرار نمی‌گیرند.

فداکار در ادامه در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر این که آیا قصوری متوجه سازمان حفاظت محیطزیست می‌شود گفت: سازمان حفاظت محیطزیست طبق ضوابط و استانداردها عمل می‌کنند لذا مناطق تحت مدیریت به صورت حفاظت شده است که در این مورد مدیریت سازمان اقداماتی مناسب و سختگیرانه را دنبال می‌کند.

۵۴ درصد از تصرفات از مجاری دولتی است

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدعلی تقوی فرد رئیس کل دادگستری استان مازندران گفت: ۵۴ درصد از تصرفات صورت گرفته مربوط به مجاری و متصدیان دولتی است و ۴۶ درصد مابقی در اختیار بخش خصوصی قرار دارد.

وی گفت: سازمان‌های متولی مبارزه با دریاخواری به وظایف خود عمل نمی‌کنند این در حالی است که تصرفات از سال‌های گذشته صورت گرفته است.

سازمان‌های متولی مبارزه با دریاخواری به وظایف خود عمل نمی‌کنند

در ادامه این بحث محمدعلی تقوی فرد رئیس کل دادگستری مازندران نیز در پاسخ به این سؤال که به طور مشخص کدام دستگاه‌ها در رابطه با این مسئله قصور داشتند گفت: سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری که بستر و سواحل دریا مربوط به این سازمان می‌شود، وزارت نیرو و امور آب منطقه که در حال حاضر اصلاً به موضوع حراست و حفاظت از سواحل توجهی ندارد، سازمان حفاظت از محیطزیست و سازمان بنادر، کشتی‌رانی و دریانوردی متولیان چهارگانه‌ای هستند که در حد مطلوب آن گونه که می‌بایست به وظایفشان عمل نکردند.

فداکار معاون دفتر سواحل سازمان حفاظت محیطزیست نیز در خصوص شهرکی که در ضلع شرقی شهر نوشهر توسط یکی از سازمان‌های دولتی احداث شده است اظهار داشت: احتمالاً شهرکی که از آن نام‌برده می‌شود مربوط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است که در آخرین بازدیدی که کمیته ساماندهی سواحل استان و کمیته ملی این موضوع از شهرک بازدید داشتند به عینه متوجه شدند که بخشی از ساحل متصرف‌شده و ساخت‌وسازهایی هم در آن جا صورت گرفته است.

وی با بیان این که خط ساحلی شمال کشور برای خیلی از افراد تفریحگاه محسوب می‌شود گفت: علاوه بر این موضوع برخی دستگاه‌ها و ارگان‌ها در کشور سعی دارند که با استفاده از اراضی شمالی کشور یک سری تمهیدات را برای پرسنل خود در نظر بگیرند که لازم است از این پس مدیریتی در این رابطه شود.

مسعود منصور معاون حفاظت و امور اراضی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور نیز با تاکید بر این که شرایطی که با آن مواجه هستیم محصول اتفاقاتی است که در گذشته افتاده خاطر نشان کرد: برای این که دیگر شاهد این اتفاقات نباشیم بهترین کار این است که از بستر و شرایطی که منجر به تصرف سواحل می‌شود جلوگیری کنیم.

وی در خصوص عملکرد این سازمان در رابطه بحث دریاخواری اظهار داشت: قانون اراضی مستحدثات از جمله قوانینی است که آیین‌نامه اجرایی آن تهیه نشده است و این یکی از مواردی است که مدیریت اراضی شمالی را دچار مشکل کرده است.

منصور بیان داشت: برای دستگاه‌های حاکمیتی و حفاظتی ما اولین و مهم‌ترین کار این است که حفاظت انجام داده و برای متخلفین تشکیل پرونده دهد و آن‌ها را به مراجع قضایی معرفی کند.

فقط ۱۴۷ پرونده تصرف سواحل مازندران در دادگستری در جریان است

تقوی فرد رئیس کل دادگستری استان مازندران نیز با تاکید بر این که اگر ۴ دستگاه مربوطه در این حوزه به درستی به وظایف خود عمل می‌کردند ما با این وضع مواجه نمی‌شدیم گفت: در حال حاضر عنوان می‌شود که حدود ۸۰ درصد سواحل شمالی کشور تصرف‌شده درحالی‌که کل پرونده‌ای که در دستگاه قضایی استانداری تنها ۷۴ مورد است که از این تعداد ۳۰ مورد در مرحله اجرای احکام و ۴۰ مورد در مرحله دادگاه است و ۱۰۴ مورد دیگر هنوز نیامده است

در ادامه بحث امشب گفتگوی ویژه خبری فداکار معاون دفتر سواحل سازمان حفاظت محیطزیست اظهار داشت: در قانون عنوان‌شده افرادی که تا سال ۴۶ سند داشتند سندشان قابل‌قبول است و اگر در فاصله سال‌های ۴۱ تا ۵۴ که قانون مربوطه در این حوزه تصویب شد افرادی ادعای سند داشته باشند این ادعا باطل است و اداره ثبت حق ثبت سند را ندارد لذا از سال ۵۴ به بعد تمام اسنادی که صادرشده ملغی هستند.

بیش‌ترین تخلف مربوط به سازمان منابع طبیعی است

تقوی فرد رئیس کل دادگستری استان مازندران نیز بیش‌ترین تخلف را مربوط به سازمان منابع طبیعی دانست و گفت: بستر و حریم دریا متوجه سازمان منابع طبیعی است و این سازمان می‌باید از قبل این حفاظت و حراست را انجام می‌داد.

منصور معاون حفاظت و امور اراضی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور نیز در رابطه با این ادعا اظهار داشت: مهم‌ترین نکته این است که مرز بستر ساحل مشخص شود که به موجب قانون دستگاه‌های ذی‌ربط این وظیفه را بر عهده دارد.

محمدرضا الهیاری سرپرست معاونت مهندسی سازمان بنادر و دریانوردی کشور نیز در رابطه با عملکرد سازمان متبوع خود اظهار داشت: بر مبنای قانون صدور مجوز ساخت‌وسازهای دریایی بر عهده سازمان بنادر است ولی زمانی که یک سازه کنار ساحل ساخته

می‌شود سازمان بنادر نمی‌تواند به این ساخت‌وساز ورود کند اما به محض این که قرار باشد سازه‌ای در آب احداث شود باید از سازمان بنادر مجوز اخذ شود که در این ارتباط طی چند سال گذشته این سازمان بهترین عملکرد را داشته است.
وی یادآور شد: از اوایل دهه ۸۰ بر مبنای طرح‌های توسعه سوم و چهارم طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور با محوریت سازمان بنادر و ۱۸ ارگانی که به نحوی با دریا و سواحل در ارتباط هستند تهیه و نهایتاً به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید.
سرپرست معاونت مهندسی سازمان بنادر و دریانوردی کشورمان اظهار داشت: یکی از گلوگاه‌های مهم موضوع بحث مدیریت یکپارچه است که مکانیزم آن ایجاد کمیته‌های ساماندهی و مدیریت سواحل در استان‌ها بود که این طرح نهایتاً سال ۹۱ ابلاغ شد و در یکی دو سال گذشته این کمیته‌ها در استان‌ها شکل گرفتند که این موضوع سبب شد ما روند کاهشی شدیدی را در بحث تعرض به دریا مشاهده کنیم.
قوانین و مقررات مربوط به بحث دریاخواری باید مورد بازنگری قرار گیرد
در پایان گفتگوی ویژه خبری فداکار معاون دفتر سواحل سازمان حفاظت محیطزیست اظهار داشت: در بحث مقابله با دریاخواری تهیه طرح مدیریت یکپارچه زیست بومی و بازنگری قوانین و مقرراتی که در این رابطه مطرح هستند از مواردی است که باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای شود .

۱۱ میلیون و ۷۰۰ برگه چک در ۸ ماهه نخست سال برگشت خورد

«فرهیختگان» از تشدید رکود اقتصادی گزارش داده است: یکی از عوامل تسهیل‌گر مبادلات اقتصادی «چک» است که در کنار وجوه نقد و پرداخت الکترونیکی به‌عنوان سومین ضلع پرداخت پول در کشور است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد در سال‌های اخیر میزان چک‌های برگشتی یا بلامحل در حال افزایش بوده است. این مساله از این‌جهت دارای اهمیت است که با افزایش اختلال در مبادلات مالی، هرگونه انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید در جامعه از بین رفته و موجب کاهش امنیت اقتصادی کشور می‌شود.

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهند در دوره 19 ساله 96-1378 نسبت چک‌های برگشتی به چک‌های مبادله‌ای به لحاظ تعداد حدود 8.91 درصد افزایش یافته است. بر این اساس در سال 1378 از 44 میلیون چک مبادله‌ای حدود 5.89 درصد برگشت خورده است که این میزان تا سال 1387 بین پنج تا هفت درصد و از سال 1388 به بعد به بیش از 10 درصد افزایش‌یافته است، چنانکه این نسبت در سال 1390 به 12.41 درصد و در پایان دولت احمدی‌نژاد به 11 درصد رسیده است.

روند رو به رشد نسبت چک‌های برگشتی به چک‌های مبادله‌ای در دو سال اول دولت روحانی به نسبت قابل‌توجهی کاهش یافت و از 11 درصد سال آخر دولت احمدی‌نژاد به 3.3 درصد در سال 1394 رسید، اما این پایان ماجرا نبود، آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد روند صعودی نسبت چک‌های برگشتی دوباره از سال 95 رشدی قابل‌تأملی به خود گرفته است، به‌طوری‌که در سال 1395 از مجموع 124 میلیون فقره چک صادرشده، 17 میلیون چک برگشت‌خورده است که 14.8 درصد از مجموع چک‌های صادرشده را شامل می‌شود. همچنین در هشت‌ماهه امسال از 74 میلیون فقره چک (عادی) مبادله شده بیش از 11.6 میلیون فقره برگشت خورده‌اند که 15.70 درصد از مجموع چک‌های مبادله‌ای را شامل می‌شود.

جدول و نمودار زیر تعداد چک‌های برگشتی را در طول دوره 19 ساله بررسی کرده که نشان از افزایش تعداد چک‌های برگشتی در طول دوره است. همان‌طور که گفته شد این روند صعودی می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری و مبادلات مالی و اقتصادی را افزایش داده و خود برشدت رکود اقتصادی بیفزاید.

نکته بسیار مهم اینکه بر اساس آمارهای منتشرشده بانک مرکزی در سال 1394 تعداد چک‌های مبادله‌شده بیش از 91 درصد افزایش‌یافته است اما درصد چک‌های برگشتی با کاهش هفت درصدی به 3.3 درصد رسیده که این میزان کمتر از یک سال پایدار نمانده است. شاید نسبت چک‌های برگشتی در سال 94 کاهش یافته باشد، اما تردید اصلی در درستی و صحت این آمار است که از سوی بانک مرکزی ارائه شده است.

افزایش یک درصدی تعداد چک‌های برگشتی در هشت ماهه سال 96

با توجه به اینکه در سال جاری هنوز آمار چک‌های برگشتی آذر منتشر نشده است، آمار چک‌های مبادله‌شده و برگشتی هشت ماه اخیر با مدت مشابه سال 95 مقایسه شده است.

با روی کار آمدن دولت روحانی در سال 92 تلاش‌های اولیه برای توافق هسته‌ای امیدهای احیای اقتصاد را پرنور کرد. کاهش تورم، افزایش رشد اقتصادی و تراز مثبت تجارت خارجی چراغ راهی بودند که گواه گذر از مشکلات اقتصادی سال‌های آخر دولت دهم را نوید می‌دادند.

بر این اساس در دو سال اول دولت روحانی شاهد کاهش چک‌های برگشتی نیز هستیم که خود رابطه تعادلی با شاخص بهای کالاها و خدمات، نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی و رکود اقتصادی دارد، اما برخلاف امیدهای اولیه حاصل از توافقنامه برجام، رکود اقتصادی مساله‌ای نبود که دست از سر اقتصاد کشور بردارد، چنانکه روند نزولی چک‌های برگشتی باز هم در سال 95 شدت گرفت و همان‌طور که جدول دو نشان می‌دهد در هشت‌ماهه سال 1395 به لحاظ تعداد 14.8 درصد و به لحاظ مبلغ 22.2 درصد از چک‌های مبادله‌شده برگشت خورده‌اند. این میزان در هشت‌ماهه سال 96 نیز همچنان روندی صعودی به خود گرفته و به لحاظ تعداد 154.7 درصد و به لحاظ مبلغ نیز 22.05 درصد از چک‌های مبادله‌شده برگشت خورده‌اند.

زندان کارساز نیست، فکری به حال رکود کنید

یکی از اصلی‌ترین انتقادها به بانک‌ها در رابطه با افزایش چک‌های برگشتی، نقص‌های قانونی و نظارتی بانک مرکزی بر صدور چک بود که در این رابطه بانک مرکزی به تکمیل زیرساخت‌های پردازش و پذیرش الکترونیکی چک، پیاده‌سازی کامل سامانه‌های نظارتی مرتبط نظیر سامانه چک برگشتی، ایجاد سامانه مرکز کنترل و نظارت اعتباری (مکنا) و سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته‌چک (صیاد) سازوکار صدور دسته‌چک را به‌طور قابل‌توجهی ارتقا داده است، اما به‌رغم طراحی سامانه‌های نظارتی، باز هم شاهد افزایش چک‌های برگشتی هستیم.

به این لحاظ تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد علی‌رغم قوانین بازدارنده و افزایش مجازات‌هایی چون زندانی کردن کسانی که چک‌های برگشتی دارند، راهکار مناسبی برای کاهش چک‌های برگشتی در کشور نبوده است و این واقعیت‌های اقتصادی کشور هستند که اعتبار و ارزش چک در مبادلات اقتصادی را تعیین می‌کنند.

بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی به‌طور متوسط 96 تا 97 درصد از چک‌های برگشتی (به لحاظ تعداد و رقم ریالی) به دلیل کسری یا فقدان موجودی برگشت خورده‌اند و تنها سه درصد از چک‌ها به دلایل حقوقی ازجمله عدم مطابقت امضا، نقص امضا، مغایرت تاریخ عددی و حروفی و مسدود بودن حساب برگشت می‌خورند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند یک رابطه تعادلی بلندمدت بین ارزش چک‌های برگشتی با شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، نرخ بیکاری و ضریب نابرابری درآمدی وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر افزایش چک‌های برگشتی نشانه آشکاری از رکود کسب‌وکار و شاخص خوبی از وضعیت نسبتا بحرانی اقتصادی و نمادی از اعتبار بازار است. در واقع چک‌های برگشتی واکنشی به بدتر شدن وضعیت کسب‌وکار است که نشان می‌دهد کسانی که کالاهای خود را با چک خریداری کرده‌اند به جهت عدم توانایی برای فروش کالا، نه توان وصول مطالبات خود را دارند و نه قادر به پاس کردن چک‌های خود هستند.

آلبرت بغزیان اقتصاددان درباره روند و دلیل افزایش چک برگشتی به «فرهیختگان» می‌گوید: «دلیل اصلی افزایش تعداد و ارقام چک برگشتی، تشدید رکود در بازار و اختلال در سیستم بنگاه‌های اقتصادی است. هر گاه بنگاه اقتصادی و به‌نوعی کاسب نتواند اوضاع مالی خود و مرکز تحت مدیریت خود را مدیریت مالی کند، چک‌هایش برگشت می‌خورد.» او ادامه می‌دهد برگشت خوردن چک به معنی تشدید رکود و وجود رکود در اقتصاد است.

بررسی یک شایعه داغ که از مجلس شروع شده؛

آیا سانچی مورد حمله آمریکایی‌ها قرار گرفته است؟!

این روایت که برخی نمایندگان مجلس مدعی بودند، در بولتن‌های محرمانه نیز درج شده، ضمن رد برخورد نفتکش «سانچی» با کشتی فله‌بر «سی‌اف کریستال»، حریق نفتکش ایرانی که با پرچم پاناما محموله بیش از ۱۳۰ هزار تنی میعانات گازی را حمل می‌کرد، ناشی از اصابت موشک‌های شلیک شده از هواپیماهای آمریکایی ذکر می‌کند.

کد خبر:۷۶۴۴۲۵

تاریخ انتشار:۲۴ دی ۱۳۹۶ - ۱۸:۱۲14 January 2018

همزمان با خبر غرق شدن نفتکش ایرانی در آب‌های دریای شرق چین، شایعه‌ای منتشر شد که روایت متفاوتی از شروع حادثه به دست می‌دهد؛ اینکه کشتی سانچی مورد حمله آمریکایی‌ها قرار گرفته است!

به گزارش «تابناک»؛ امروز در راهروهای مجلس، شایعه‌ای از زبان برخی نمایندگان مجلس شنیده شد که حکایت از حمله آمریکایی‌ها به نفتکش سانچی داشت. روایتی که بر پایه آن، محموله سانچی قرار بوده به کره شمالی منتقل شود، نه کره جنوبی و آمریکایی‌ها برای ممانعت از این کار، ترجیح داده‌اند به این نفتکش حمله کرده و آن را غرق کنند.

این روایت که برخی نمایندگان مجلس مدعی بودند، در بولتن‌های محرمانه نیز درج شده، ضمن رد برخورد نفتکش «سانچی» با کشتی فله‌بر «سی‌اف کریستال»، حریق نفتکش ایرانی که با پرچم پاناما محموله بیش از ۱۳۰ هزار تنی میعانات گازی را حمل می‌کرد، ناشی از اصابت موشک‌های شلیک شده از هواپیماهای آمریکایی ذکر می‌کند.

روایتی بسیار عجیب که برخی مسائل به تقویت آن کمک کرده است. از جمله اینکه تصویر یا خبری از کشتی چینی منتشر نشده و کسی نمی‌داند آن کشتی بعد از حادثه خونباری که به غرق شدن سانچی و از دست رفتن محموله گرانبهای آن منجر شد، چه فرجامی یافته است؛ ابهامی بزرگ که می‌توان وجود و رفع نشدنش را ناشی از عملکرد ضعیف مسئولان کشورمان در این ماجرا دانست.



این در حالی است که خصومت آمریکایی‌ها با کشورمان و یادآوری رویداد شوم و به شدت دردناک حمله ناو آمریکایی وینسنس به هواپیمای مسافربری کشورمان در گذشته و بالا گرفتن تنش میان آمریکایی‌ها و کره‌شمالی نیز از عواملی هستند که به تقویت باورپذیری این شایعه کمک می‌کنند؛ مؤلفه‌هایی که اگر نبودند هم، طرح این روایت جدید از زبان نمایندگان مجلس برای پیچیده کردن اوضاع کفایت می‌کرد.

اما واقعیت چیست؟ آیا ممکن است آمریکایی‌ها بیخ گوش چین نفتکش کشورمان را مورد حمله تمام عیار قرار دهند و این اتفاق در کشورمان به شکل دیگری روایت شود؟ روایتی تا این اندازه تغییر کرده که در آن به جای موشک‌های آمریکایی، از تصادف دو کشتی سخن به میان بیاید و هشت، نه روز این روایت جعلی مطرح شود و هیچ کس، حتی رسانه‌های خارجی واقعیت را برملا نکند؟

همین اشارات کافی است تا دریابیم که شایعه مطرح تا چه اندازه بی اساس است؛ شایعه‌ای که می‌توان با مراجعه به برخی مراجع آنلاین، رصد شناورها در سراسر جهان نیز آن را صحت سنجی کرد. از جمله پایگاه

آنلاین «مارین ترافیک» که نشان می‌دهد، کشتی فله‌بر چینی بعد از آن حادثه شوم به مسیرش ادامه داده و در بندری در یکی از جزایر مجاور استان چجیانگ لنگر انداخته و دو شناور گارد ساحلی به آن پهلو گرفته‌اند.
اطلاعاتی که نشان می‌دهد، این شناور چینی ساخته شده در سال ۲۰۱۱ میلادی، از مبدأ آمریکا به مقصد جزیره چوشان در شرق چین در حرکت بوده که در مسیرش آن رویداد رخ داده است؛ رویدادی که احتمالا به دلیل برخورد این کشتی از قسمت سخت‌تر دماغه به پهلوی نفتکش ایرانی، به وارد آمدن خسارت خاصی به کشتی چینی منجر نشده، اما توانسته آسیب شدید یکی از مخزن‌های حاوی سوخت قابل اشتعال سانچی را به دنبال داشته باشد.



رویدادی که در رسانه‌های جهان، به ویژه رسانه‌هایی که در عرصه علوم دریایی به فعالیت مشغولند نیز بازتاب یافته و به رصد مدام وضعیت سانچی و انتشار اخبار مرتبط با آن منجر شده است. این در حالی است که علاوه بر این شواهد، راه‌های دیگری نیز برای رد آن شایعه عجیب و اثبات حقیقت ماجرا وجود دارد که از جمله آنها، مراجعه به شرکت‌های بیمه است.
نکته‌ای که یک مقام آگاه در گفت‌وگو با «تابناک» در خصوص آن می‌گوید: «چون محموله‌ها و کشتی‌ها بیمه هستند، با بروز حوادث، کارشناسان و وکلای شرکت‌های بیمه‌ای برای کنکاش در خصوص ماجرا به سرعت در محل حادثه حاضر می‌شوند و تحقیقات خود را آغاز می‌کنند و در این حادثه نیز این روند آغاز شده است و اگر چیزی غیر از حادثه یاد شده در میان بود، قطعا قابل پنهان کردن نبود.»
وی در ادامه در پاسخ به این که آیا مقصر این تصادف مشخص شده یا خیر می‌گوید: «در این موارد نمی‌توان به سرعت نتیجه را اعلام کرد و اعلام نتیجه کارشناسی مستلزم زمان زیادی است، به ویژه اینکه ابعاد خسارت‌های این حادثه بسیار وسیع است و احتمالا نتیجه کارشناسی و اعلام مقصر نیازمند بررسی حادثه در دادگاه باشد.»

مراسم تشییع پیکر حجت الاسلام و المسلمین مظاهری در اصفهان

در جوار مقبره آیت الله شمس آبادی در گلستان شهدای اصفهان

پیکر حجت الاسلام مظاهری به خاک سپرده شد

مراسم تشییع پیکر حجت الاسلام والمسلمین شیخ مهدی مظاهری ساعتی پیش با حضور علما و طلاب حوزه علمیه اصفهان و خیل عظیم جمعیت مردم اصفهان در مسجد سید اصفهان آغاز شد.

به گزارش خبرنگار ایمنا، در ابتدای این مراسم زیارت پر فیض عاشورا قرائت و پس از مداحی و سینه زنی، نماز میت توسط آیت الله مظاهری، رییس حوزه علمیه اصفهان اقامه شد.

پس از آن بخشی از صوت روضه خوانی مرحوم شیخ مهدی مظاهری در مرثیه حضرت زهرا (س) پخش و پیکر آن مرحوم بر دستان عزادار مردم اصفهان به سمت گلستان شهدا تشییع شد. مسیر این تشییع از خیابان مسجد سید اصفهان آغاز شد و در مسیر خیابان باغ گلدسته ادامه یافت.

جمعیت تشییع کننده پیکر مرحوم مظاهری، در خیابان باغ گلدسته توقف کرده و به سوگواری، عزاداری و مداحی پرداختند، در این مراسم لحظه به لحظه بر تعداد جمعیت تشییع کنندگان اضافه می شد. مردم با شعارهای یا حسین، لا الله الا الله و الله اکبر به بدرقه یکی از علمای ربانی اصفهان رفتند.

حجت الاسلام مظاهری در خاک آرمید

ظهر امروز گلستان شهدا اصفهان پذیرای خیل عظیم جمعیت تشییع کننده پیکر حجت الاسلام و المسلمین شیخ مهدی مظاهری بود و پیکر آن مرحوم در جوار مقبره آیت الله شمس آبادی به خاک سپرده شد.

صوت دعای ابوحمزه ثمالی با صدای مرحوم مظاهری که پیش از این در مسجد جامع اصفهان پخش می شد در فضای گلستان شهدا طنین انداز شد.

مراسم خاکسپاری این عالم ربانی با قرائت دعا به پایان رسید و پس از آن سخنران از حاضران خواست تا طبق وصیت حجت الاسلام مهدی مظاهری دوستداران او پس از مرگش در شب نخست به ادای نماز وحشت و یک روز نماز و یک روز روزه بپردازند.

همچنین جزء های قرآن کریم جهت ختم به نیت شادی روح این مرحوم در گلستان شهدا و در میان مردم تقسیم شد.

این مراسم با ادای نماز جماعت در خیمه گلستان شهدا به پایان رسید.

گفتنی است مجلس ترحیم این مرحوم فردا یکشنبه ۲۴ دی ماه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر در مسجد سید اصفهان برگزار می شود.






photo : Tasnimnews


یادبود
Shabgas


محسن مظاهری







حجت‌الاسلام مظاهری در سال ۱۳۱۰ در اصفهان متولد و از سال ۱۳۲۰ در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شد و در سال ۱۳۸۹ به عنوان چهره ماندگار تبلیغ مورد تجلیل قرار گرفت.



به گزارش خبرگزاری تسنیم از **اصفهان**، حجت‌الاسلام مهدی مظاهری سال 1310 در خانه یک روحانی ساده زیست و متدین که عموم مردم اصفهان در آن زمان، ایشان را به نیکی یاد می‌کردند به نام شیخ محمد حسین کرونی دیده به جهان گشود. وی 3 برادر و 3 خواهر داشت.

عموی وی مرحوم حاج میرزا حسن شریعتی از شاگردان ارزشمند میرزا هاشم خوانساری (برادر آیت‌الله میرزا محمد باقر صاحب روضات) بودند و از ایشان اجازه اجتهاد داشتند که در اصفهان تحصیل کرده و بعد در کرون مقیم شدند.

پدر حجت‌الاسلام مهدی مظاهری دوست داشتند که او روحانی شود، اما برخی نزدیکان به‌خاطر مشکلات آن زمان، موافق این کار نبودند و می‌گفتند ایشان توانش را ندارند، اما پدر حاج آقا مهدی مظاهری می‌گفتند که من دوست دارم که این بچه نوکر امام حسین(ع) شود و خدا توان می‌دهد و اصرار زیادی داشتند که طلبه شده و به تحصیل مشغول شود.

حجت‌الاسلام مهدی مظاهری با اصرار پدر طلبه و در مدرسه میرزا حسین (جنب مسجد سید) مشغول تحصیل شد. ورود وی به تحصیلات حوزوی در سال 1320 بود.

معلمان و اساتید حجت‌الاسلام مظاهری

در اصفهان مرحوم آیت‌الله آقای حاج آقا احمد مقدس که یکی از اساتید بسیار ارزشمند به ویژه در صرف و نحو بودند؛ مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسن مدرس که جنب مرحوم علامه مجلسی دفن هستند؛ مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف‌آبادی که از علماء ارزشمند و بزرگان بودند و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی ادیب از اساتید ایشان در اصفهان بودند.

در قم نیز آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله سلطانی از اساتید حجت‌الاسلام مهدی مظاهری بودند.

خواندن دعای کمیل از حفظ

حجت‌الاسلام مهدی مظاهری در اصفهان از محضر آیت‌الله شهید شمس آبادی استفاده کرد. در خلال

تحصیل و با پیشنهاد بعضی از دوستان شروع به خواندن دعای کمیل کرد. در مسجد آقا سید محمود امام (مسجد عصاری) اولین دعای کمیل را از حفظ خواند.
بعد از مدتی به مسجد سلام که مرحوم آقا شیخ اسماعیل پشمی نماز می خواندند رفت. بعد از مدتی او را به تخت پولاد دعوت کردند و آنجا در "تکیه کوهی" و "تکیه ملک" شروع به برگزاری مراسم دعا کردند و کم کم به جایی رسیدند که چندین هزار نفر در نیمه‌های شب جمعه در این مراسم شرکت می‌کردند.
نه تنها از شهر اصفهان، بلکه از دیگر شهرهای مجاور مانند نجف‌آباد، خوراسگان، خمینی‌شهر، شهرضا و ... نیز جمعیت برای مراسم دعای کمیل می‌آمدند. دعای کمیل از 2 ساعت مانده به اذان صبح آغاز می‌شد، 45 دقیقه منبر می‌رفت و بعد از آن به مدت یک ساعت و پانزده دقیقه دعای کمیل طول می‌کشید.

جوانان بسیاری با شرکت در جلسات دعا متحول شدند

بعد از انقلاب دعا را به مسجد جامع انتقال دادند. در اثر اصرار دوستان حجت‌الاسلام مهدی مظاهری؛ از حدود 60 سال پیش دعای ابوحمزه را نیز آغاز کرد و نخستین جلسه‌ای که برگزار شد، جمعیت زیر 10 نفر بود. آن زمان خواندن دعای کمیل مرسوم بود و افراد زیادی بودند که در شهر اصفهان مراسم دعا را برگزار می‌کردند.
دعای ابوحمزه هم در ماه مبارک رمضان به‌صورت محدود، مثلا هفته‌ای یک یا دو بار برگزار می‌شد، اما حجت‌الاسلام مهدی مظاهری آغاز کردند و هر 30 شب ماه رمضان مراسم دعا را برگزار می‌کردند و هر شب همه دعا خوانده می‌شد و جلسات، بسیار معنوی برگزار می‌شد.
بسیاری از افراد بودند که در این جلسات مسیر زندگیشان عوض شد و متحول شدند. بسیاری از افراد بودند که دچار انحرافات فکری، اخلاقی و ... شده بودند و به فیض جلسات دعا به راه راست هدایت شدند.
بعد از مدتی در مسیر انجام امور خیر برای نیازمندان، بیماران، نابینایان و ... نیز افتادند که به گفته خودشان همه از برکات دعا بود.

خلاصه فعالیت‌های حجت‌الاسلام مظاهری

برگزاری دعای ابوحمزه ثمالی در طول بیش از 60 سال، تأسیس دانشگاه قرآن و معارف اسلامی، تأسیس ستاد اقامه نماز استان اصفهان، رئیس و مؤسس دارالقرآن الکریم استان اصفهان، تلاش برای تأسیس انجمن خیریه مددکاری امام زمان(عج) و موسسه خیریه ابابصیر اصفهان، فعالیتهای گوناگون در زمینه نشر و ترویج معارف دینی و مبارزه با رژیم طاغوت و تحمل زندان برای پیروزی انقلاب اسلامی از جمله فعالیت های این چهره ماندگار تبلیغ به شمار می رود.
حجت‌الاسلام مهدی مظاهری سرانجام روز گذشته 21 دی بعد از تحمل مدتی درد و رنج بیماری درگذشت.
مراسم تشییع پیکر وی ساعت 8:30 روز شنبه از مقابل مسجد سید اصفهان آغاز می‌شود. قرار است پیکر حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی مظاهری در مقبره علامه مجلسی به خاک سپرده شود.


نظارت
بر رسانه